نمونهٔ میناتور قدیم غزنی که در وقایهٔ یکی از کتب قلمی کار شده (موزهٔ کابل)
Spécimen de l'ancienne miniature de Ghazni (Musée de Kaboul)

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

ششمین سالنامهٔ کابل

ازمراحم بی پایان حضرت خداوندی وتوجهات شاهانهٔ اعلیحضرت معظم همایونی ، اینك به نشر ششمین سالنامهٔ کابل موفق میگردیم !

داوی څښتن په ډیرو مهربانیو او داعلیحضرت همایونی په ښوتوجهاتو دغه دی دکابل دشپږمی سالنامی په نشرموفق کړو !

(c) ketabton.com: The Digital Library

خیلی خو شبختیم که نشر سالنامهای کابل که مراد از آن تنویر افکار ابنای وطن ومعرفی شئون تاریخی ومدنی افغانستان میباشدهمواره طرف قبول هموطنان عزیز وسائر علاقه مندان این آب و خاك ، واقع شده و این حسن نظر وتقدیرات است که کارکنان این مؤسسهٔ ملی رابیش ازپیش به مفید گردانیدن و دلچسپ ساختن نشریات شان بالخاصه سالنامهای کابل موقع داده است . و بیشتر خود را سعادت مندمی بینیم که همه ساله و طن عزیز از اثر مساعی خالصانه‌وعرق‌ریزی‌های شباروزی زمام داران صحیح و وطن پرست خود در زمینه های مختلفه ترقیات بزرگتر و مهمتری را حائز گشته و ما میتوانیم که در هر سال مظاهربهتری‌را از این پیشرفتهای مملکت در مد نظر هوا خواهان این کشور بگذاریم .

درین سال که انجمن ادبی دیر نیکبخت یوچه د کابل دسالنامونشرچه مراد ورخخه دوطن دزامنو دفکرونوتنویراودافغانستان دتاریخی اومدنی‌شئونومعرفی ده : تل ددی خاوروددعلاقه مندانو او زمونگ دو طندارانو خوښه شویده ، دغه نیك نظر او تقدیر دی چه ددی ملی مؤسسی کارکو ونکوته یی ډیره موقعه ورکړیده چه خپل نشریات او خصوصا دکابل سالنامی‌یی‌دپخوانه ډیری ښې کړی. اوخپل ځانونه ډیرنیکبخت وینو چه کابل په کال زموږه خوږ وطن د خالصانه کوششونو او زیار وخکلو د صحیح واکدارانو دوطن په اثر باندی په مختلفه خصوصیاتو کښې ډیری ترقی‌اوو ړاندی والی موندلی دی موږه کولی شو چه په هرکال کښې ښه ښه مظاهرددی و ړاندی والی دخپل مملکته زنی د وطن د دوستانو په مخ کښې پریږدو .

په دی کال کښې چه دکابل انجمن دیوی علمی‌اوادبی‌اکادیمی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کابل بصورت یك اکادمی علمی و ادبی تشکیل و علاوه بروظائف ملی سابق خود، وظیفهٔ ترقی و تعمیم زبان پښتو هم به آن تفویض گردیده ، در سالنامهٔ کابل نیز مقالاتی چند راجع به اهمیت و تاریخ این زبان و شئون ملی افغانها برای استفادهٔ خوانندگان عزیز تقدیم میداریم .

در خاتمه از عموم ذوات و مؤسساتی که در ترتیب وتدوین این مجموعه با ما کمك فرموده اند بالخاصه از دوائر محترم دولتی تشکر نموده ، ترقیات بیشتری را در تحت حمایت اعلیحضرت معظم همایونی برای افغانستان عزیز از درگاه خداوندی تمنا میکنیم .

« انجمن »

په صورت تشکیل شو ، اود خپلو پخوانوملی وظائفو څخه علاوه دپښتو ژبی دترقی اوتعمیم وظیفه هم دی ته وسپارل شوه ، نود کابل په سالنامه کښی څو مقالی د دی ژبی داهمیت اوتاریخ اود پښتنودملی شؤنو په باب د محترمولوستونکو داستفادی دپاره مخکښی ژدو .

په آخرکی د ټولو ذواتو او مؤسسو څخه چه ددی مجموعی په تدوین اوترتیب کښی یی دمونږ سره کومك کړیدی ، خصوصاددولتی دوائرو څخه تشکر کوو او ددینه زیاته ترقی د اعلیحضرت معظم همایونی د حمایت د سیوری لاندی د ګران افغانستان دپاره د خاوند ددربار څخه غواړو .

« پښتو ټولنه »

(c) ketabton.com: The Digital Library

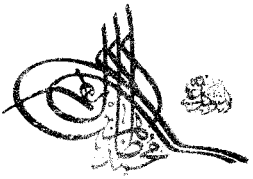

پادشاه افغانستان

شهریار جوان وپادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهرشاه خلدالله ملکه واطال الله عمره ودولته که ذات همایونش درین سنه قدم بمرحله بیست سومین حیات شریف خود میگذارند، ذات همایونی متولد در۲۲میزان سال ۱۲۹۳ هجری شمسی درکابل وپس ازسن مقتضی تعلیم شامل مکاتب مقدماتی ومتوسط وبالاخره تحصیلات خود را ذات همایونی درمکاتب عالی کابل باختتام رسانیده موقعیکه والد ماجد فقید شان اعلیحضرت محمد نادر شاه کبیر عازم سفارت افغانستان درپاریس گردیدند، ذات همایونی نیز بمعیت آن شهریارفقید بغرض تحصیلات مهمه تشریف فرمای فرانسه گردیده زبان فرانسه وعلوم عالیه رادر رشته های مختلف به مکاتب عالی وخاندان های بادانش ومعظم آن مملکت تحصیل، وتربیهٔ خصوصی رانسبت بمسائل داخلی وطن واخلاق ملی و ادراك مطالب لازمه راجع بوطن وخصایص را از والد بزرگوارخود حاصل فرمودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

پس از واقعهٔ شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست والد شهید ذات همایونی صورت گرفت) اعلیحضرت ممدوح که تعلیمات خود شانرا دران مملکت بسرحد کمال رسانیده و مستعد خدمت وطن شده بودند در ۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمای کابل گردیده محض عشق بعالم عسکری افغانستان وتعقیب سنت سنیهٔ پدربزرگوار خود درشعبهٔ عسکری شامل تعلیمگاه عالی نظامی کابل شده و بمدت قلیلی درین فن شریف کامیابی حاصل کردند ودرسنه ۱۳۱۰ شمسی باصبیهٔ معظمهٔ والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار پسر عم معظم اعلیحضرت شهید ازدواج فرموده ودراخیرهمین سنه چندی بوکالت وزارت جلیلهٔ حربیه وبعداً بوکالت وزارت معارف مؤظف بوده قابلیت ذاتی و استعداد فطری ذات همایونی درحسن اداره وصحت ایفای خدمات این دو وزارت خانه بخوبی ودرستی معلوم گردیده درسال ۱۳۱۲ یعنی پس ازشهادت شهریارشهید بتاریخ ۱۶ عقرب باتفاق ودرخواست وکلا وبزرگان ملت وعموم افراد عسکری وکشوری اریکه پیرای سلطنت سنیهٔ افغانستان شده سال حاضر پنجمین سال از جلوس میمنت مانوس این شهریارجوان محسوب میشود .

فرزندان اعلیحضرت همایونی :

۱ـ شهزاده بیگم بلقیس تاریخ ولادت ۲۸ حمل سنه ۱۳۱۱ ش
۲ـ والاحضرت شهزاده محمد اکبرخان « « ۱۹ اسد « ۱۳۱۲ «
۳ـ والاحضرت شهزاده احمدشاه خان « « ۳۱ سنبله « ۱۳۱۳ «
٤ـ شهزاده بیگم مریم « « ۱۰ عقرب « ۱۳۱۵ «

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغانستان

افغانستان درآسیای مرکزی درتحت (۲۹) درجه و(۳۰) دقیقه و۳۸ درجه و(۲۵) دقیقه عرض و (٦۰) درجه و (۵۰) دقیقه طول البلد واقع است جوانب این مملکت محدود است : شرقا باپنجاب هند که کوهستان افغانان سر حدی آنرا ازپنجاب وسند جدا می نماید ، ازجهت شرق شمالی باتورکستان چین اتصال دارد . شمالا به صحرای خوارزم ومملکت بخارا کهرود خانهٔ آمو آن را ازخاك بخارا فصل می نماید ، غربا بخاك ایران ، جنوبا ملحق است بابلوچستان .

این مملکت بافراخی (۷۰۰ ، ۰۰۰) کیلومترمربع دارای سطوح مرتفعه وکوهای بلندیست کهمهم ترین آن سلسلهٔ هندو کش بطرف شمال وسلسلهٔ سفید کوه بطرف شرق این مملکت میباشد ، بلند ترین ارتفاعات این مملکت کوهستانی الی (۷۳۰۰) متربشمار آمده ضمنا صحاری فراخ ، جلگههای سرسبز ، کوه پایههای خاکی نیزداشته ، رود خانه های آبهای خوشگوار کهغالبا داخلهٔ خاك را مشروب میسازد فراوان دارد . منبع اکثر واهم این رود خانها کوهستان مرتفع مرکزی است کهاگر بقاعده آبیاری شود تمام زمین افغانستان را مشروب ساختهمیتواند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

آب وهوای ملك گرچه ازلحاظ پستی‌ها وبلند یهای وضعیت طبیعی مختلف و نقاط گرم سیر وسرد سیر را تشکیل میدهد ولی با این هم معتدل است و اندازهٔ حرارت و برودت آن مثل دیگر ممالك طاقت فرسا شده نمیتواند.

بعلت همین تفاوت و اختلاف هوا محصولات ممالك گرم سیر وسرد سیرهردو درین مملکت بعمل می‌آید . رویهمرفته درجهٔ حرارت بحساب سانتیگرید درتابستان از (۴۲) درجهٔ فوق ودرزمستان از (۲۰) درجهٔ تحت‌الصفر متجاوز نمی شود .

ازنقطهٔ نظر اقتصادی این کشور عزیز خیلی غنی وبهترین و دایم قدرت رادا را است مثلا : زراعت ، فلاحت ، معادن بکر ، حیوانات اهلی ووحشی ، اقسام طیور وجنگلات میوه وغیر میوه ، ادویه جات طبی سبزیجات ، درهرنقطهٔ آن موجود ومورد استفاده است .

قسمت اعظم وعمدهٔ حیات اهالی را زراعت وفلاحت و مالداری تامین ، می نماید ، ازبارز ترین پیدا وارملك بمقصد تجارت ، پشم ، پنبه قالین ، ابریشم ، پوست قره‌قلی ، پوست دیگر حیوانات ، ادویه جات ، میوه‌های خشك وتازه است که بخارج میرود ، امابرترازان موادیکه مهم ترین سرمایهٔ مملکت را تشکیل میدهد وجود معادن آهن ومس وذغال سنگ ونفت‌وغیره معدنیات است که تاهنوز بکار نیفتاده وفقط درطول سال ۱۳۱۶ برای استخراج آنها قرار داد هائی با خارجه عقد گردیده است . افغانستان ازحیث دارائی معادن مختلف ومتعدد وپیداوار زراعتی وحیوانی اهمیت بسزا دارد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

صنایع درافغانستان خیلی سابقه دارد. چه از اعصار قبل الاسلام الی دوره‌های چهارقرن ،سه‌قرن‌قبل ، صنایع بومی‌ازقبیل معماری‌مجسمه‌سازی نقاشی،منبت‌کاری ، حجاری، نساجی ، خامك‌دوزی ، چکن‌دوزی‌وسایر کارهای دستی ، آهن گری ، مس گری ، کلا لی ، نجاری و غیر ه بقدری رونق‌وترقی داشت که‌امروز آ ثار وبقایای آن زیب موزه ها واسباب استعجاب تماشا ئیان میشود . صنایع حاضره عبارت ا ست از اقسام صنایع قدیمهٔ فوق و بعضی صنایع عصریه . و لی بطوری که در همه جای دنیا رونق‌صنایع‌قدیمه کاسته شده‌است صنایع قدیمهٔ افغانستان نیز ازین حادثه تخلیص گریبان‌نتوانسته . علی ای حال وجود صنایع موجوده تا بسیار اندازه مکفی حوایج حیاتی اهالی شده میتواند .

تجارت امتعهٔ ممالك خارجه در افغانستان و مواد خام و قالین و قالینچهٔ افغانستان بممالك مذ کوره مبادله شده ، نماینده های تجارتی در شهرهای معروفهٔ اروپا از قبیل لندن ، پاریس ، برلین و غیر ه و در شرق در هند و بلوچستان میباشد .

مبادلات تجارتی‌افغانستان غالبا بوسیلهٔ شرکت های ملی افغانستان انجام میگردد . سرمایه های داخلی آ زاد و تحت کنترول حکومت نبوده و سرمایه های خارجی در افغانستان تا هنوزنمی باشد .

عمده ترین طرق مسافرت و تجارت افغانستان در هند راه های پشاور ، چمن ، پاره چنار وسپس تورکستان است که راهای آن ترمز کشکی و بندر کر کی میباشد ، و بعد خاك ایران است که مهم ترین طرق آن اسلام قلعه و سیستان بشمار میرود .

مهمترین سرکهای موترو مسافرتی افغانستان بقرارذیل میباشد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

از تورخم (سرحدهند) براه جلال آباد تا کابل	(۲۴۰)	کیلومتر
از سپین بولدك (سرحد بلوچستان) تاقندهار	(۱۱۰)	»
از اسلام قلعه (سرحد ایران) تاهرات	(۱۳۰)	»
از پته کی سر (سرحد شوروی) تامزار	(۴۰)	»
از کشکی (آخرین استیشن خط آهن روسیه) تاهرات	(۱۰۰)	»
از کابل تاقندهار (براه غزنی)	(۶۰۰)	»
» تامزارشریف (براه دره شکاری)	(۶۰۵)	»
» تاخان آباد (»)	(۵۳۵)	»
» تاهرات (براه سطح مرتفع مرکزی)	(۵۶۰)	»
» تاخوست (براه گردیز)	(۱۶۰)	»
» تا بامیان	(۲۳۰)	»
از قندهار تا هرات (براه فراه)	(۶۰۵)	»
» هرات تامیمنه ازراه قلعه نو ومرغاب	(۴۶۰)	»
» میمنه تامزارشریف (براه اندخوی و بلخ)	(۳۶۶)	»
» مزار شریف تا خان آباد	(۵۷۱)	»
» خان آباد تا فیض آباد	(۱۱۰)	»

نفوس افغانستان بتعداد ۱۲ میلیون واساسا دارای نژادواحد آریائی وبطور عمومی متکلم بدوزبان پشتووفارسی میباشد که این دوزبان هم خیلی باهم تفاوت جزئی دارد ونیز بطور اقلیت بعضی لغات ازقبیل نورستانی، پشئی ارمری وغیره دربین اقوام محدودی مروج است ولی عموما لغات متذکرهٔ فوق منشعب از لغات اصل پشتو که یکزبان خیلی قدیم این مملکت است و لغات غلجه ودارد ی میباشد که خود اینها باصطلاح اهل زبان از خانوادهٔ زبانهای « هندوایرانین » شناخته میشوند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

تحصیل زبان پشتو و فارسی درجزء نصاب مکاتب کشوری و دوایر دولتی حتمی است . دین رسمی ملت افغانستان دیانت مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی است. پیروان ادیان جزئیه از قبیل هنود و یهود که یکمقدار کمی جزء اتباع افغانی اند نیز تحت تامین گرفته می شود.

حکومت افغانستان شاهی مشروطه ومستقل است . پارلمان مرکب از مجلس شورای ملی و اعیان است . وکلای مجلس شورای ملی نماینده های مستقیم ملت میباشند که بلا واسطه برای سه سال از طرف ملت انتخاب می‌شوند . حقوق و حدود ملت و دولت در قانون اساسی بواسطهٔ نخستین پارلمانیکه در سال ۱۳۰۸ بارادهٔ شهریار شهید اعلیحضرت محمد نادر شاه پادشاه غازی و فقید افغانستان افتتاح شده بود تعین گردیده ، مجلس اعیان که اعضای آن از برجسته گان مملکت است از حضور پادشاه تعیین می شود .

پای تخت مملکت شهر کابل است . ولایات نائب الحکومه نشین افغانستان بعد از کابل ، قندهار ، هرات ، مزار شریف ، قطغن و بدخشان است . کذا ولایات حاکم اعلی نشین آن جنوبی مشرقی ، میمنه ، فراه و چخانسور میباشد .

در تقسیمات ملکیه ، افغانستان منقسم است به نائب الحکومه گی ها حکومتی های اعلی ، حکومتی های کلان ، حکومتی های درجهٔ اول و دوم و سوم و علاقه داری ها .

مراتب عسکری درافغانستان عبارت است از : سپه سالار ، نایب سالار فرقه مشر اول وثانی ، غند مشر اول وثانی ، کند کمشر ، تولی مشر بلوکمشر اول وثانی ، پرکمشر ، داگیمشر . ومراتب رسمی کشوری

(c) ketabton.com: The Digital Library

عبارت است از: مقام صدارت عظما، وزیرها، معین ها، رئیس ها مدیر های عمومی، مدیرهای شعبه، معاونین ریاست ها ومدیریت های عمومی، معاونین شعبه، مامورها، سرکاتب، کاتب ها.

کابینهٔ دولت مرکب است از: صدر اعظم، وزیر حربیه وزیرخارجه، وزیر داخله، وزیر عدلیه، وزیر مالیه، وزیر معارف وزیر تجارت، وزیر فوائد عامه، وزیر صحیه، وزیر پست و تلگراف رئیس مستقل معادن ورئیس مستقل زراعت.

امور دربار ودفتر شاهی بوسیلهٔ وزارت دربار ودارالتحریر شاهی اداره میشود.

پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلدالله تعالی ملکه خلف الصدق اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی محصل استقلال افغانستان است که درسال ۱۳۱۲ بعدازشهادت والد بزرگ خودبسن ۲۰ سالگی بدرخواست ملت زینت بخشای تخت شاهی افغانستان گردیدند. درین سنه ازسلطنت همایونی چهارمین سال منقضی وسال پنجم جلوس اعلیحضرت شان میباشد.

خدمت عسکری وپولیس در مملکت اجباری است. یك قسم عسکر خوش برضای دایمی نیز دولت دارد.

کذاتعلیم علوم عصری درمکاتب جبری ومصارف تعلیم وتربیت از طرف دولت پرداخته شده محصول ازاولیای اطفال اخذنمیشود: اقسام مکاتب در افغانستان: دارالفنون، مکاتب عالی، مکتب صنایع، مکاتب متوسطه (اعدادی) رشدی، مقدماتی است وبشعبهٔ عسکری افغانستان برعلاوهٔ مکاتب اعدادی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورشدی ومقدماتی تعلیم گاهها نیزموجود میباشد. درافغانستان تنظیمات صحی باصول عصری است مرضائیکه بشفاخانهای دولتی مراجعه کنند معالجه بطور مجانی می شود علاوتاً معالجهٔ آزاد بوسیلهٔ داطباء نیز برای مرضا درهر نقطهٔ مملکت ممکن ومیسر است.

مخابرات پستی ، تیلفونی ، تلگرافی بطور شخصی ودر ازای محصول معینه درهر نقطهٔ مملکت آماده وممکن است ، حمل ونقل پستی وتجارتی ومسافرت درتمام مملکت غالبا بوسیلهٔ موتر می شود.

خطوط سرك وسیم های تیلفون درتمام نقاط مملکت کشیده شده هوتل ها وجا های رهایشی درراها وشهرهای کشور موجود است

مصارف حد متوسط یکنفر درافغانستان ار ۱۵ افغانی « ٦ شلنگ » شب و روز تجاوز نمیکند ومصارف ساده تر ازان خود بمراتب کمتر از این است.

طرز معیشت ، البسه ، عمارت در افغانستان بدو صورت سابق وجدید (عصری) متداول است . اهالی شهر نشین غالباً با سلوب عصری حیات بسر میبرند اما هر طبقه بانتخاب اسلوب حیاتی آزاد و تکلیفی دراینخصوص داده نمی شود.

ازمهاجرین خارجی در افغانستان مثل بعض ممالك خارجی محصول سرانه گرفته نمی شود . تجار وسیاحین خارجی بموجب اجازه نامه های پولیس محلی براحت توقف کرده میتوانند. اسلوب تجارت وداد وستد تماماً درافغانستان عصری وبرای رسیدگی بامور دعاوی تجار محاکم درهر شهر افغانستان موجود است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجدد حیات مدنی ومحصل استقلال ونجات بخشایندهٔ افغانستان اعلیحضرت
محمد نادر شاه غازی شهید رحمة الله علیه که نام نیك و کار نامه های
بزرگ شان در تاریخ این مملکت بخط درشت یادگار خواهد ماند

S.M. Mohammad Nadir Ghah, le trés regretté roi d'Afghanistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیلات مملکتی

صدارت عظمی

صدر اعظم	:	ج،ع،ج،ا، نشان والاحضرت سردار محمد هاشم خان
مشاور اول	:	ع ، ص ذوالفقار خان
« دوم	:	« ، « سید احمد خان
« سوم	:	« ، « یار محمد خان
« چهارم	:	« ، « عبد الرحیم خان
رئیس ضبط احوالات	:	« ، « محمد شاه خان
مدیر شعبهٔ اول	:	« ، خلیل الله خان
« « دوم	:	« ، غلام محمد خان
« « سوم	:	« ، محمد فاروق خان
« « اوراق	:	ص ، محمد اسمعیل خان
« عرائض	:	« ، میر عبدالله خان
سرکاتب ادارهٔ شفر وقلم مخصوص	:	« ، محمد نعیم خان
« مجلس عالی وزراء	:	. . . . .
مامور محاسبه و کنترول	:	ص ، خواجه ذکرالله خان
مامور اجرائیه	:	« ، محمد ابراهیم خان

(c) ketabton.com, The Digital Library

ج، ع، ج ا، ا. نشان والاحضرت سردار
محمد هاشم خان صدر اعظم
S.A.R. «A.A.» Sardar Mohammad
Hâchêm Khan premier ministre

این مرد بزرگ که عمر شریف خود را در خدمت مملکت بصرف رسانیده و در دوره های مختلفه، امور لشکری و کشوری وسیاسی مهمی را عهده دار شده ودر زمان انقلاب، در نجات وطن سهم بزرگی گرفته اند، مخصوصاً درین هشت سال اخیر که بریاست کابینهٔ دولت عز تقرر دارند، ازاثر زحمات ومساعی خستگی ناپذیر شبا روزی ایشان است که افغانستان باین سرعت مراحل ترقی و پیشرفت صحیح و اساسی خویش را می پیماید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت حربیه

وزیر حربیه	:	ع ، ج ، ا ، نشان والا حضرت
وسیه سالار		سردار شاه محمود خان غازی
معاون وزارت	:	ع ، ع ، ش ، محمد انور خان نائب سالار
یاور وزیر حربیه	:	ح ، غلام سعید خان
مدیر تحریرات	:	ش ، محمد قاسم خان کندك مشر
مدیر مخصوص	:	« ، محمد یوسف خان کندك مشر

دائرهٔ استخبارات :

مدیر	:	ح ، محمد عمر خان غند مشر اول
آمر شعبهٔ الف	:	. . . . .
آمر شعبهٔ ب	:	ش ، عبدالله خان کند کمشر
آمر شعبهٔ ج	:	. . . . .

ریاست ارکان حربیهٔ عمومی :

رئیس	:	ع ، ش ، محمد عمر خان فرقه مشر اول
معاون	:	ح ، مصطفی خان غند مشر اول

دائرهٔ عمومی حرکات :

مدیر	:	ح ، سراج الدینخان غند مشر ثانی
آمر شعبهٔ ۲ تشکیلات	:	ش ، محمد امین خان کند کمشر
« « ۳ تحشیدات	:	. . . . .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت سردار
شاه محمود خان غازی سپه سالار ووزیر حربیه
S.A.R. «A. A.» Sardar Chah Mahmoud Khan ministre de la guerre

این فرزند رشید واین رجل نامدار وطن که در تمام ادوار زندگانی خویش مصروف خدمت مملکت و ملت بوده و دررشته های مختلفهٔ امور عسکری و ملکی مشغولیت ورزیده اند ، کارنامه های بزرگ شان در جنگ استقلال و نجات وطن بهمه افراد این کشور معلوم میباشد وبالخاصه از اثر مجهودات وتدابیر سنجیدهٔ ایشان است که افغانستان امروز دارای یك عسکر آبرومندی شده وروز بروز درعالم عسکریت مقام بلند تری را احراز میکند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دائرهٔ عمومی تعلیم و تربیه :

مدیر عمومی : . . . . . .
وکیل آمر شعبهٔ پیاده وسواری : ش ، نثار احمد خان کندکشر
آمر شعبهٔ هوابازی : . . . . . .
« « ترجمه : ش ، ذکریا خان کندکشر
مدیر خریطه : ش ، عبدالسلام خان کندکشر

ریاست اردو :

رئیس : ح ، ش ، س ، ع ، احمدعلیخان فرقه مشر اول
مدیر عمومی مامورین : ح ، عبدالخالق خان غندمشر ثانی
مدیر اخذ عسکر : « ، حبیب الله خان « اول

مدیریت صحیه :

مدیر : ح ، حسین علی خان غندمشر ثانی
سرطبیب عزت مند : انظارالسلام داکتر قریشی
سر بیطار : . . . . . .

مدیر انشاآت و تعمیرات :

وکیل مدیر : ح ، غلام سعیدخان غندمشر ثانی یاور وزیر حربیه
معاون : ش ، محمد ایاز خان کندکشر

مدیریت عمومی نقلیه :

مدیر عمومی : ح ، محمد یعقوب خان غندمشر اول
مدیر نقلیه شعبهٔ میخانیکی : ش ، ذکریاخان کندک مشر
« « « حیوانی : « ، محمد حسن خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریاست حربیه

رئیس : ع ، ش ، سیدحسن خان فرقه‌مشرثانی
آمر شعبهٔ هیئت معاینه وتدقیق : ح ، محمد اکرم خان غند مشر ثانی
« « اسلحه : ش ، سر بلند خان کند کمشر
« « جباخانه : ح ، عبدالرحیم خان غندمشر ثانی
« « آلات : « ، محمداسلم خان « «
وادوات فنیه
اسلحه دار : ح ، عبد الرشیدخان « «
جبا دار : « ، محمدعثما نخان « اول

ریاست لوازمات :

رئیس : ع ، ع ، ش شیراحمدخان نائب سالار
مدیر محاسبه : ش ، خواجه عبدالقیوم‌خان کندکمشر
مدیر اوازم : « ، حبیب‌الله خان «

ریاست قبایل :

رئیس : ح سید محمدحسین غندمشر ثانی.
معاون : ح ، شیر باز خان غند مشر ثانی

ریاست محاکمات :

رئیس : ح ، سید علیخان غند مشر اول
معاون : ش ، عبدالباقی خان کند کمشر
وکیل ریاست انجمن
اصلاح وترقی : ع ، ش ، محمدشاه خان فرقه مشرثانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدیر اوراق	:	ش ، عبدالشکور خان کند کمشر
مدیر کلوب	:	ش ، ظهیرالدینخان « «

شفاخانهٔ عسکری :

سرطبیب	:	عزتمند داکتر عبدالغنی شاه خان
سر جراح	:	« « نور محمدخان
معاون	:	« « سید صالح خان
جراح	:	« اسمعیل جوهری

قوماندانی طیاره :

قوماندان	:	ع ، ش ، محمداحسانخان فرقه مشر ثانی
مدیر دسته		« ، غلام دستگیر خان غند مشر «
مدیر لوازم	:	ش ، غلام بهاوالدینخان کند کمشر

قوماندانی مکاتب حربیه :

قوماندان	:	ع،ش،س،ع،سردارعلیشاه خان فرقه مشر اول
معاون	:	. . . .
مدیر داخله	:	ح ، محمدحسین خان غند مشر اول
مدیر لوازم	:	ش ، پاینده محمدخان کند کمشر
معلم صنف پیاده	:	ح ، لطیف احمدخان غند مشر ثانی
« « توپچی	:	« ، علی احمد خان « «
سر معلم « استحکام	:	عزتمند مکی احمد بیگ
معلم سپورت	:	« محمد افضل خان
سرمعلم صنف توپچی	:	« ظفر حسن خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

معلم لسان روسی : عزتمند عبد الرحمن خان
« جوجید سو : « عبد الله خان

مدیریت مکتب رشدیه :

مدیر : ش ، احمد شیر خان کند کمشر
معلم : « افتخار الدینخان کندك مشر
« لسان انگلیسی : عزتمند محمد اعظم خان
« فزیك و کیمیا : « چودهری عبدالعزیزخان

مکتب احضاریه :

نگران : . . . . .
مدیر داخله : ش ، شیر محمد خان کند کمشر
سر معلم : عزتمند مولوی سکندر خان
مدیر مکتب موزیك : ش ، محمد یعقوب خان کند کمشر
« کورس عالی : ح ، محمد عمر خان غند مشر ثانی

ریاست فابریکات حربی :

رئیس : ع ، ع ، ش ، سید عبدالله خان نائب سالار
معاون : . . . .
مدیر تحریرات و اوراق : ش ، محمد کاظم خان کند کمشر

قوماندانهای عسکری مرکزی :

قوماندان فرقهٔ شاهی : ع ، ش ، سردار اسدالله خان فرقه مشر اول
« قول اردو : « ، ع ، ش ، س ، ا ، محمدغوث خان نائب سالار
« فرقهٔ اول قول اردو : « ش ، عبدالغنی خان فرقه مشر اول

(c) ketabton.com: The Digital Library

وکیل قوماندان فرقهٔ دوم

قول اردو : ع ، ش عبدالله خان فرقه مشر ثانی

قوماندان فرقهٔ ۳ قول اردو : « ، « نور محمد خان « « اول

« توپچی : « ، « عبدالقیوم خان « « «

قوماندانهای عسکری اطراف :

قوماندان عسکری غزنی : ع ، ش ، عبدالاحدخان فرقه‌مشر اول

« قندهار و فراه : « ، « سردارمحمدداؤدخان « « «

« هرات : « ، « محمد قاسم خان « « ثانی

« مزارشریف‌ومیمنه : « ، « الله داد خان « « «

« قطغن و بدخشان : « ، « عبد القیوم خان « « «

« مشرقی : « ، « محمد جعفر خان « « «

« قول‌اردوی‌جنوبی : « ، « س،ع ، محمدافضل‌خان « « اول

« فرقهٔ‌اول‌قول‌اردوی جنوبی : « : « فیض‌محمد خان « « ثانی

« فرقهٔ‌دوم‌قول‌اردوی جنوبی : « ، « عبدالقیوم خان « « «

صاحب منصبان احتیاطی :

ع ، ع ، ش : مهر دل خان نائب سالار قندهاری

« « « : محمد نعیم خان « « بدخشی

« « « : محمد عمر خان « « محمد زائی

« « « : غلام نبی خان « « ناصری

ع ، ع ، ش : سر بلند خان نائب سالار جاجی

« « « : زر خان « « وزیری

« « « : زلمی خان « « منگلی

« « « : عبدالغنی‌خان « « محمدزائی

« ش : اعظم گل خان فرقه مشر طوطا خیل

« « : غلام‌نبی بیگ‌خان « هزاره دره صوف

« « : نور احمد خان « هراتی

« « : فضل احمد خان « فوفل زائی

« « : داؤد شاه خان « تره خیلی

« « : محمد هاشم خان « لوگری

« « : سعادت خان « احمد زائی

« « : محمد اصیل خان « منگلی

« « : عبدالله خان « وردکی

« « : سرکی خان « احمد زائی

« « : علی دوست خان « هزاره

« « : غلام محمد خان « تگابی

« « : عبد الرؤف خان « اوریاخیل

« « : محمد شعیب خان « یوسف زائی

« « : محمد عمر خان « ناصری

« « : محمد هاشم خان « کاکری

« « : پیر محمد خان « تره خیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت امور خارجه

ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه
S.Ex Faiz Mohammad Khan ministre des affair étrargères.

وزیر :
ع ، ج فیض محمد خان

معین :
ع ، س عبدالحمید خان

مدیریت عمومی سیاسی:

۱ ـ مدیر عمومی سیاسی :
ع ، نجیب الله خان

۲ ـ مدیر شعبهٔ شرق :
ص ، عبد الوهاب خان

۳ ـ مدیر شعبهٔ غرب :
ص ، عبد الحکیم خان

٤ ـ مدیر شعبهٔ مطبوعات واطلاعات وترجمه :
ص ، محمد قاسم خان

مدیریت عمومی تشریفات :

۱ ـ مدیر عمومی : ع ، محمد اکرم خان
۲ ـ معاون : ص ، عبد الاحد خان

مدیریت عمومی امور بین المللی :

۱ مدیر عمومی : ع ، میر محمد صدیق خان
۲ ـ معاون معاهدات : ص ، عبد الملك خان
۳ ـ « کنفرانسها وجامعه ملل : « غلام صفدر خان
٤ ـ « حقوق : « عبدالرزاق خن

د : مدیریت عمومی اداری :

۱ ـ مدیر عمومی اداری : ع ، عبدالرؤف خان
۲ ـ مدیر شعبهٔ مامورین : ص ، عبدالقادر خان
۳ ـ « « ویزدو تابعیت وقونسلگری : « ، محمد اسمعیل خان
٤ ـ « « محاسبه : « عبد الرؤف خان

مدیر عمومی اوراق : ع ، عبدالغفار خان

مدیر شعبهٔ شفر : ص ، محمد سلیمان خان

مدیر قلم مخصوص : . . . . . .
معاون قلم مخصوص : ص فیض محمدخان

سفرا و نمایندگان اعلیحضرت در خارج

سفارت کبرای اعلیحضرت در انقره :

سفیر کبیر : ع ، ج سلطان احمدخان (سفیر کبیر انقره که سمت وزارت مختاری اعلیحضرت در مصر را نیز دارند)
سر کاتب : ص ، عبد القیوم خان
کاتب : « محمد زمان خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت مختاری اعلیحضرت در روما :

وزیر مختار : ع ج ، عبدالصمدخان
کاتب : ص ، محمد رسول خان

وزارت مختاری اعلیحضرت دربرلین :

وزیر مختار : ع ، ج ، الله نواز خان
سرکاتب : ص ، حفیظ‌الله خان
کاتب : علی محمد خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در توکیو :

وزیر مختار : ع ، ج حبیب‌الله‌خان
سرکاتب : ص ، عبدالروف خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در جده :

وزیر مختار : ع ، ج محمد صادق خان مجددی
سر کاتب : ص ، عبدالرحمن خان

نمایندگی دائمی افغانستان درجامعهٔ ملل :

نمایندهٔ اول : ع ، ج محمد حیدر خان
کاتب : ص ، عبد القادر خان

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در دهلی :

جنرال قونسل : ع ، ص صلاح الدینخان
سرکاتب : ص ، نور الحق محمد خان
کاتب : « ، عبد الخالق خان
« : « ، صالح‌محمد خان

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در مشهد :

جنرال قونسل : ع ، ص باز محمد خان
سر کاتب : ص ، عبد القدوسخان
کاتب : ص ، محمد عزیز خان
« : ص ، محمد سعید خان

قونسلگری اعلیحضرت در بمبئی :

قونسل : ع ، عبد الرحمن خان
سرکاتب : ص ، عنایت الله خان
کاتب : « عبد الصمد خان
آتشهٔ اقتصادی : « میر حسن شوکت

قونسلگری اعلیحضرت در کراچی :

قونسل : ع ، محمد شفیع خان
سرکاتب : ص ، محمد احمد خان
کاتب : « ، محمد نعیم خان

قونسلگری اعلیحضرت در سیستان :

قونسل : ع ، قاری عبد الله خان
سرکاتب : ص محمدطاهر خان

ماموریت ویزهٔ افغانی در پشاور :

مامور ویزه : ص ، محمد یوسف‌خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت عدلیه

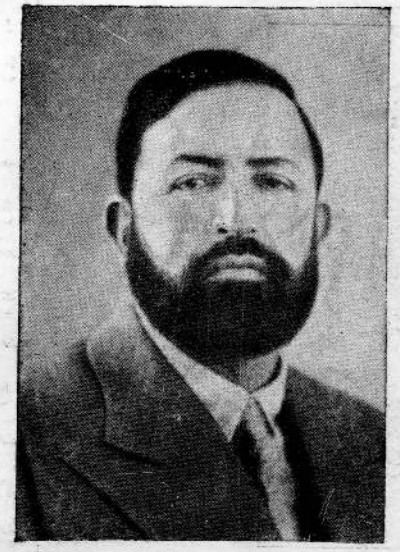

ع ، ج فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیه
S.Ex. Fazl-Ahmad Khan ministre de la justice.

وزیر :
ع، ج فضل احمد خان مجددی
معین :
ع ، ص امین الله خان
رئیس تمیز :
ج ، ف عبدالرب خان
کفیل رئیس جمعیت العلما :
ف ، ملا بزرگ خان
سر محرر مجلهٔ الفلاح :
ف ، قاضی عبدالکریم خان
مدیر تحریرات و اوراق :
ص ، عبد السلام خان
مدیر مامورین :
ص ، محمد میر خان
مدیر محاسبه و کنترول : ص ، محمد ناصر خان

وزارت مالیه

ع ، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت و کفیل مالیه
S.Ex. Mirza Mohammad Khan ministre de commerce et gérant du ministére des finances.

کفیل وزارت مالیه :
ع ، ج میرزا محمد خان
معین :
ع ، ص غلام مجتبی خان
مدیریت عمومی
محاسبه و کنترول :
مدیر عمومی :
ع ، محمد اسلم خان
مدیر محاسبه و کنترول بودجه :
. . . . . .
مامور محاسبه و کنترول :
ص ، محمد عثمان خان
مامور بودجه :
ص ، غلام رسول خان
مدیر خزائن و ذخائر :
ص ، سید کمال خان
مدیریت عمومی
اجرائیه :
مدیر عمومی :
ع ، محمد انور خان
مدیر مالیات و محصولات : ص ، غلام حسن خان
« مامورین : « ، محمد افضل خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت تجارت

وزیر	:	ع ، ج ، میرزا محمد خان
معین اول	:	ع ، ص محمد حسین خان
« دوم	:	ع ، ص ، غلام غوث خان
مدیر عمومی گمرکات و احصائیه	:	ع ، عبدالقیوم خان
« تجارتی	:	ص ، میر محمد ضیاءالدینخان
کفیل مدیریت ترجمانی	:	« ، محمد علی خان
مدیر مجلهٔ اقتصاد	:	« ، محمد زمان خان
« مامورین	:	« ، محمد مالك خان
« کنترول	:	« ، محمد عنایت‌الله خان
« اوراق	:	« ، عبدالودود خان
سر کاتب قلم مخصوص	:	« ، غلام سخی خان
سر کاتب تصفیهٔ محاسبات شرکت‌ها	:	ص ، عبدالحسین خان
« شعبهٔ توریدرنگ وحفظ صنائع	:	ص ، محمد عمر خان « رسا »
« « انحصارات	:	« ، حبیب الله خان

شعبهٔ مربوطهٔ مرکز :

رئیس فیصله منازعات تجاریه : ع ، ص ، غلام حیدرخان

وزارت معارف

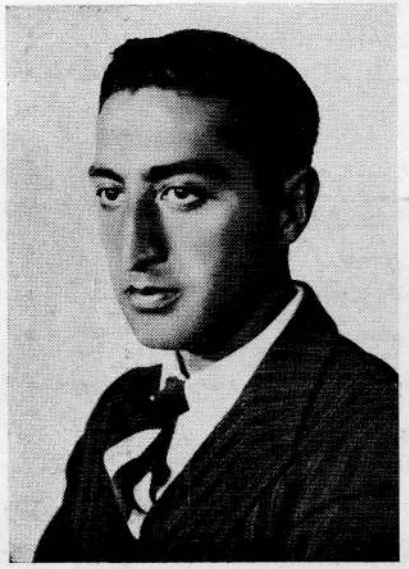

ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف
S.Ex. Sirdar Mohammad Naïm Khan
ministre de l'instruction publique

وزیر :
ع ، ج سردار محمد نعیم خان
معین اول :
ع ، ص عبدالجبار خان
معین دوم :
ع ، ص عبدالاحمد خان

ریاست تعلیم و تربیه :
رئیس :
ع ، ص هاشم خان شائق
عضو ریاست :
ص ، محمد قاسم خان
عضو ریاست :
ص ، عبدالجبار خان
عضو ریاست :
ص ، محمد نبی خان
عضو ریاست :
ص ، محمد عثمانخان
عضو ریاست : ص ، عماد الدین خان و رئیس انجمن ادبی

ریاست تدریسات
رئیس : ع ، ص عزیزالرحمن خان

président de l'Académie Afghane

(c) ketabton.com: The Digital Library

مفتش : ص ، عبد الغفور خان
« : « ، محمد یوسف خان
« : « ، عبد القیوم خان
« : « ، عبد الغفار خان
« : « ، محمد آصف خان

ریاست تفتیش :

رئیس : ع ، ص سید محمد فاروق خان
مفتش : ص ، قربان علیخان
« : « ، گلبدین خان
« : « ، عزیز محمد خان
« : « ، محمد طاهر خان

مدیر مامورین و معلمین : ص ، محمد مرید خان
مدیر کنترول : « ، محمد یونس خان
مدیرتنظیمات و اجرائیه : « ، عبد الله خان
وکیل مدیر تعمیرات : « ، فقیر محمد خان
مدیر اوراق : « ، عبدالله خان
سر کاتب قلم مخصوص : . . . . . .
مامور تحویلخانه عمومی : « ، محمد یونس خان
« محافظهٔ آثارعتیقهٔ بامیان : میر محمد اسلم خان
« انتظام کلوب معارف : « ، احمد علیخان
« دائره لابوراتوار : « ، دا کتر انور علیخان
« ابنیهٔ دار الفنون : « ، عبدالرحیم خان

معاون دا کتر شفاخانهٔ وزارت : ص ، سید حفیظ خان
مامور کتاب خانهٔ وزارت : « ، محمد زمانخان
« « « ملی : « ، عبد الغنی خان

شعبات مربوط مرکز :

رئیس دارالعلوم عربی
و مکتب حفاظ : ع ، ص عبد الرسولخان
رئیس فاکولتهٔ طبی : عزتمند دا کتر بای حسن رشاد
« تربیهٔ حیوانات
وزراعت : ع ، ص محمد یوسف خان
مدیر موزه : ص ، غلام محی الدینخان
« مکتب حبیبیه : « ، سید عبد الله خان
« « استقلال : عزتمند مومال
« « نجات : « رویرت مترونگ
« « صنائع نفیسه : ص ، عبد الغفور خان « برشنا »
منتظم مکتب طبی : . . . . . .
وکیل مدیرمکتب زراعت : ص ، غلام صدیق خان
معاون مکتب دارالمعلمین : « ، محراب الدینخان
« « غازی : « ، فدای احمد خان
منتظم کورس دارالمعلمین
مستعجله : « ، میا حسین خان
« سینما : « ، میر ابوطالب خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت فوائد عامه

ع ، ج عبدالرحیم خان وزیرفوائد عامه
S.Ex. Abdur-Rahim Khan ministre des travaux publics

وزیر :
ع ، ج ، عبدالرحیم خان
معین :
ع ، ص ، نصر الله خان

الف ـ مدیریت عمومی

فابریکات :

مدیر عمومی :
ع ، سردار غلام محمد خان
معاون :
ص ، امیر محمد خان
مدیر کنترول :
ص ، یعقوب علیخان
مدیر نگرانی :
ص ، نظام الدین خان
مدیر گوگردسازی :
ص ، محمد حسین خان
مامور نجاری دارالفنون ص ، نور احمد خان
مدیرفابریکهٔ نجاری مرکز « ، محمد اسمعیل خان
« « بوت دوزی « ، محمد اسلم خان
متخصص « « « ، عبد الله خان

مدیرفابریکه نختابی جبل السراج : ص ، محمد ابراهیم خان
متخصص « « « « : عزتمند مانیکه
بسته کاری ماشین « « : « گونسلر
« « « « « : « پتروش
« « « « « : « ریسدیر
« « « « « : « ماکس شمیت
مدیر فابریکهٔ نجاری مرکز : ص ، عبد الغفور خان
مامور تعمیر فابریکهٔ دهمزنگ : « ، فقیر محمد خان

مدیریت عمومی معابر :

مدیر عمومی : ع ، سعد الدین خان
مهندس : عزتمند مستر سیمه
معاون مهندس : ص ، احمدشاه خن
« « : « ، محمد افضل خان
مدیر تعمیرسرك مشرقی حصهٔ کابل : ص ، عبد الرسول خان
« « « « مشرقی : « ، محمدکبیر خان

مدیریت عمومی تعمیرات :

مدیر عمومی : ع ، عبدالغیاث خان
مامور کنترول : ص ، محمد موسی خان

مدیر جشن واحتفالات : « ، غلام محی الدین خان
معاون « : « ، نور احمد خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدیریت عمومی برق :

مدیر عمومی : ع ، غلام محمد خان
انجنیر : عزتمند مستر هوبل
مامور فابریکهٔ چك وردك : ص ، فضل احمد خان
سرمهندس « « : عزتمند ابرلین
مهندس « « : « شتووی «
« « « : « هایدوك «

مدیر کنترول وزارت : ص ، عبد الکریم خان
مدیر مامورین « : « ، عبدالحسین خان
مدیر اوراق « : « ، حبیب الله خان
سرکاتب قلم مخصوص « : « ، غلام رسول خان
ترجمان انگلیسی « : « ، محمد افضل خان

وزارت صحیه

ع ، ج غلام یحیی خان وزیر صحیه
S.E.x. Gholam Yahya Khan ministre de l'hygiène.

وزیر :
ع ، ج ، غلام یحیی خان
معین :
. . . . .

مدیریت مشاورهٔ فنی:
مدیر :
ص ، جلال الدینخان
معاون فنی شعبهٔ تفتیش:
ص ، عبدالرحیم خان
سرکاتب شعبهٔ مشاوری:
ص فیض محمد خان
سرترجمان شعبهٔ ترجمانی:
ص عبدالهادیخان

مدیر مجموعهٔ صحیه ونشریات:
ص ، عبدالرشید خان
مدیر کنترول :
ص، محمدحسن خان

مامور اجرائیه ومامورین : ص ، محمد ابراهیم خان
سرکاتب قلم مخصوص : « ، احمد ضیاء خان
سرکاتب اوراق : « ، صالح محمد خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

شعبات مربوطهٔ مرکز :

مدیر شفاخانهٔ ملکی : ص ، عبدالغفار خان

سرطبیب « « : عزتمند ، دکتور فواد بیك

مدیرهٔ شفاخانهٔ مستورات : ص ، زینب بیگم

کفیل مدیر دواخانهٔ عمومی : ص ، عبدالغنی خان

دکتور دندان : « دکتور محی الدین بیگ

دکتورس دندان : « ، شادیه خانم

سرطبیب رفقی سناتوریوم

وسناتور یوم مستورات : دکتور ربیع حکمت بیگ

سرطبیب شفاخانهٔ امراض

عقلیه وعصبیه : « نوزاد اشرف بیگ

مامورهٔ سناتوریم مستورات : ص ، روح افزاء بیگم

متخصص باکتریولوژی : « ، دکتور زهدی بیگ

معاون معاینه خانه واقع

شهر آرا : « ، نصرالله خان

معاون معاینه خانهٔ واقع

چند اول : عزتمند کرم الهی خان

معاون معاینه خانهٔ واقع

بالاحصار : « ، محمدموسی خان

وزارت پست، تیلگراف وتیلفون

ع ، ج رحیم الله خان وزیر پست تلگواف و تیلفون

S Ex. Rohimulloh Khan ministre des P. T. T.

وزیر :

ع ، ج ، رحیم الله خان

معین :

. . . . . .

مدیر شعبهٔ ارتباط خارجی :

ص ، محمد سعید خان

مدیر شعبهٔ پست :

ص ، احمد شاه خان

مدیر تیلگراف وتیلفون :

ص ، امین الله خان

مدیر عمومی حمل ونقل :

ع ، غلام جیلانی خان

مدیر محاسبه وکنترول :

ص ، غلام احمد خان

مأمور شعبهٔ هوتلها

ص ، غلام دستگیر خان

مامور اجرائیه مامورین وتحریرات :

ص ، سید مصطفی خان

مدیر شعبهٔ اوراق : ص ، پاینده محمد خان

مترجم المانی : . . . . .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مشاور پست	:	عزتمند فون زیگنس
متخصص بی سیم ورادیو	:	عزتمند بوم
متخصص تیلفون	:	عزتمند ای سیکسون
متخصص کیبل	:	ص،عبدالمجید خان

شعبات مربوط مرکز :

مدیر رادیو	:	ص ، عطاء الله خان
مدیر حمل ونقل پست	:	« ، عبدالخالق خان
« فابریکهٔ ترمیم موتر	:	« ، عبدالعزیز خان
منتظم تیلگراف خانهٔ یکه توت	:	« محمد حسین خان
« « « مهتاب قلعه	:	« غلام سرورخان
« سیار تلگراف	:	« علی گل خان
مامور هوتل کابل	:	« میر محمد علی خان
کفیل مامورتیلفون خانهٔ مرکز	:	« عبدالاحد خان

نگرانهای تیلفون اطراف :

نگران تیلفون سمت مغربی	:	ص ، محمدافضل خان
« « « مشرقی	:	« ، غلام حضرت خان
« « « شمالی	:	« حاجی محمد خان
« « « جنوبی	:	« عبدالاحمد خان

ریاست مستقلهٔ معادن .

رئیس :

ج ، محمد کریم خان

معین :

ع ، ص دکتورعبدالله خان

(باقی تشکیلات دوائر این ریاست هنوز ازمقامات صلاحیت دار تصویب نشده است) .

ج ، سردار محمدکریم خان رئیس مستقل معادن
S. Ex. Mohammad Karim Khan chef du départment des mines

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیلات ولایات وحکومتی‌های ولایات اعلی و حکومتی های کلان

ولایت کابل

والی	:	و ، ج ، محمد عمر خان
مستوفی	:	ع ، ص ، سید حبیب خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، میر امام الدین خان
مامور اجرائیه «	:	« ، عزیز الدینخان
« تحصیلی «	:	« ، محمد رضاء خان
« تفتیش «	:	« ، امیرمحمد خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، طره باز خان
سر مامور قوماندانی کوتوالی	:	ش ، میر عبدالعزیز خان
مدیر جزاء « «	:	. . . . .
کفیل مدیر ضبط احوالات «	:	ص ، محمد سرور خان
« « تعلیم و تربیه «	:	ش ، حبیب الله خان
مدیر تعلیمگاه پولیس «	:	ح ، محمد اکبر خان
« محاسبه «	:	ص ، غلام رضاء خان

مدیر محبس کوتوالی	:	ش ، سید کمال خان
رئیس گمرك	:	ع ، ص غلام حیدر خان
مدیر محاسبهٔ گمرك	:	ص ، فخر الدین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا احمد خان
مدیر تحریرات	:	ص ، عبد الواحد خان
مدیر معارف	:	« ، غلام جیلانی خان « جلالی »
مدیر خزانه	:	« ، محمد اسمعیل خان
مدیر مخابرات	:	« ، غلام صفدرخان (بحیث مدیرعمومی)
منتظم تلگراف سیمدار	:	« ، محمد امان خان
« « بی سیم	:	« ، علی گل خان
مامور معابر	:	« ، دلاور خان

حکومت کلان سمت شمالی :

حاکم کلان	:	ع ، ع محمد اسمعیل خان
مدیر کنترول	:	ص ، محمد عثمان خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبد الجلیل خان
قوماندان کوتوالی	:	ش ، عبد القادر خان
مامور گمرك	:	ص ، علی محمد خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، نصرالله خان

حکومت کلان غزنی :

وکیل حاکم کلان	:	ع ، ش عبدالاحد خان فرقه مشر
مدیر کنترول	:	ص ، فتح محمد خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبدالحق خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، سید امیر خان
مدیر گمرك	:	ص ، محمد عمر خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، سلطان احمد خان

حکومت کلان دایزنگی :

حاکم کلان	:	ع ، ع غلام محی الدینخان
مامور کنترول	:	ص ، میر عزیزالله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا دین محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد نبی خان
مامور گمرك	:	ص ، حبیب الله خان

حکومت کلان لوگر :

وکیل حاکم کلان	:	ع ، ع عبدالعلی خان
مامور کنترول	:	ص ، محمد حسین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد حسن خان
مامور گمرك	:	ص ، نور الحق خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، محمد نبی خان

ولایت قندهار

نائب الحکومه	:	ع ، ش سردار محمد داؤد خان
مستوفی	:	ع ، ص محمد نعیم خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، سید فقیر محمد خان

مامور اجرائیه	:	ص ، عبدالقدوس خان
سر کاتب تحصیلی	:	« ، عبدالظاهر خان
مامور تفتیش	:	« ، محمد حسین خان
قاضی مرافعه	:	ف ، اختر محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد اکبر خان
رئیس گمرك	:	ع ، ص فخرالدین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا صاحب خان
مدیر خارجه	:	ص ، محمد اکبر خان
« تحریرات	:	« ، محمد اسمعیل خان
« مخابرات	:	« ، پاینده محمد خان
منتظم تلگراف	:	« ، غلام جیلانی خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، محمد یوسف خان
مدیر خزانه	:	« ، سیف الله خان
« معارف	:	« ، غلام حیدر خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، حاجی جان محمد خان
مدیر معابر	:	« ، محمد اصغر خان
کفیل مدیر زراعت	:	« ، غلام جیلانی خان
مامور برق	:	« ، غلام علی خان
مدیر فابریکهٔ پشمینه بافی	:	« ، شور محمد خان
متخصص « «	:	عزت مند شنیدر
« « «		« فرو مل
« « «	:	« ئیچتر
« « «	:	« زخرس

(c) ketabton.com: The Digital Library

حکومت کلان قلات :

حاکم کلان	:	ع ، ع میر اکبر خان
مامور کنترول	:	ص ، عبدالله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، احمد الله خان
قوماندان	:	غ ، سید احمد خان
مامور گمرك	:	ص ، محمد کبیر خان

حکومت کلان گرشك .

حاکم کلان	:	ع ، ع دوست محمد خان
مامور کنترول	:	ص ، احمد علیخان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد قسیم خان
مامور گمرك	:	ص ، محمد رضاء خان
« صحیه	:	« ، محمد صدیق خان

حکومت کلان ارزگان :

حاکم کلان	:	ع ، ع شاه بزرگ خان
مامور کنترول	:	ص ، نظام الدینخان
قاضی ابتدائیه	:	. . . . .
قوماندان کوتوالی	:	غ ، تاج محمد خان
مامور گمرك	:	. . . . .

ولایت هرات

نائب الحکومه	:	و ، ج س ، ا ، غلام فاروق خان
مستوفی	:	ع ، ص ، محمد علیخان

مامور کنترول مستوفیت	،	ص ، محمد عثمان خان
« اجرائیه	:	« ، عطامحمد خان
« تحصیلی	:	« ، عبد السلام خان
« تفتیش	:	. . . . .
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا احمد علیخان
قوماندان کوتوالی	:	. . . . .
رئیس گمرك	:	. . . . .
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبد الباقیخان
مدیر خارجه	:	ص ، محمد صدیقخان
« تحریرات	:	« ، عبد القدیر خان
« خزانه	:	« ، عبد الوهاب خان
کفیل مدیر مخابرات	:	« ، نظام الدینخان
کفیل منتظم تلگراف	:	« ، علی گل خان
مدیرزراعت	:	. . . . .
کفیل مدیر صحیه	:	ص ، عبد النبی خان
مامور معارف	:	« ، عبد الواحد خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، حاجی گل محمد خان
مدیر معابر	:	« ، محمد عمرخان

حکومت کلان غورات .

حاکم کلان	:	ع ، ع ، گلا بشاه خان
مامور کنترول	:	ص ، رحیمداد خان
قاضی ابتدائیه	:	. . . . .

(c) ketabton.com: The Digital Library

قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد عاصم خان
مامور گمرك	:	ص ، شهاب الدین خان

حکومت کلان بادغیسات :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، محمد اختر خان
مامور کنترول	:	ص ، نصرالله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا نیك محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، سید محمد خان
مامور گمرك	:	ص ، عبدالقادرخان
کفیل مامورصحیه	:	ص ، عبدالحمید خان

ولایت مزار شریف

نائب الحکومه	:	و ، ج ، گل احمد خان
مستوفی	:	ع ، ص ، عزیز الله خان
مامورکنترول مستوفیت	:	ص ، سر فراز خان
مامور اجرائیه	:	« ، حبیب الله خان
سر کاتب تحصیلی	:	« ، عبد الرحمن خان
مامور تفتیش	:	« ، عبد الغنی خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد جانجان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا میر محمود خان
« ابتدائیه	:	« ، محمد ملا رجب خان
مدیر خارجه	:	ص ، سید مومن خان
« گمرك	:	« ، عبد الحق خان

مدیر تحریرات	:	ص ، عبد السمع خان
« مخابرات	:	« ، عبد الفتاح خان
« خزانه	:	« ، میر سکندر شاه خان
منتظم تلگراف	:	« ، عبد الرحیم خان
کفیل مدیریت صحیه	:	« ، میرزا محمد خان
مدیر زراعت	:	« ، محمد زمانخان
مامور معارف	:	« ، عبد السلام خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، عبدالاحد خان
مدیر معابر	:	« ، داد محمد خان
مامور موزیم	:	« ، میرزا عبد الرحمن خان

حکومت کلان شبرغان :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، سید آقا خان
مامور کنترول	:	ص ، عبد الله خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، احمد جانخان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد امین خان
مامور گمرك	:	. . . . .

ولایت قطغن وبدخشان

نائب الحکومه	:	و ، ج شیرمحمد خان
مستوفی	:	ع ، ص ، محمدسرورخان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، میر محمد نبی خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

مامور اجرائیه مستوفیت	:	ص ، محمد سالم خان
سرکاتب تحصیلی «	:	« میر عبداللطیف خان
مامور تفتیش «	:	« محمد اکبر خان
قاضی مرافعه	:	ف ملا گل دست خان
« ابتدائیه	:	« ملا علی محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح فقیر شاه خان
مدیر گمرك	:	ص محمدانور خان
مامور خارجه	:	« سید محمودخان
مدیر تحریرات	:	« . . . .
کفیل مدیر مخابرات	:	« گل احمدخان
تلگرافی	:	« محمد یوسف خان
کفیل مدیر صحیه	:	« محمد عمر خان
مدیر خزانه	:	« خواجه عبدالرشید خان
مامور معارف	:	« عبدالرسول خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« میان فضل احمدخان

حکومت کلان بدخشان :

حاکم کلان	:	ع ، ع سید عباس خان
مامور کنترول	:	ص فضل احمد خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ملامحمد غوث خان
قوماندان کوتوالی	:	غ غلام محی الدین خان
مامور گمرك	:	ص غلام فاروق خان

مامور صحیه	:	ص ، محمد جعفر خان
سرکاتب مخابرات	:	« ، شیراحمد خان

حکومت اعلای سمت مشرقی

حاکم اعلی	:	ع ، ع ، ص ، محمد قاسم خان
سر رشته دار اعلی	:	ع ، ص ، شیر احمد خان
مامور کنترول		
سررشته‌داری اعلی	:	ص ، شیراحمد خان
سرکاتب اجرائیه	:	« ، سید محمد اکبر خان
« تحصیلی	:	« ، محمد خان
مامور تفتیش	:	« ، غیاث الدین خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا عبیدالله خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، سید محمد امیر خان
مدیر گمرك	:	ص ، عبدالکریم خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد اسحق خان
مدیر خارجه	:	ص ، سلطانعزیز خان
کفیل مدیر صحیه :	:	« ، محمد اسمعیل خان
مدیر زراعت	:	« ، سید حب علی شاه خان
مدیر معابر	:	« ، عبدالوکیل خان
مدیر تحریرات	:	« ، عبدالرزاق خان
مدیر خزانه	:	« ، محمد جانخان
مدیرمعارف	:	« ، عبدالعلیخان

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدیر مخابرات	:	ص ، نیك محمد خان
منظم تیلگراف طورخم	:	« ، عبدالرزاق خان

حکومت کلان کنر ها و آسمار :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، سید جلال خان
مامور کنترول	:	ص ، میر زا گل احمد خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبدالغفور خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، شیرمحمد خان
سرکاتب گمرك	:	ص ، محمد رحیم خان
مامو صحیه	:	« ، عبدالجلیل خان

حکومت اعلای سمت جنوبی

حاکم اعلی وقوماندان عسکری	:	ع،ش،س،ع، محمدافضل خان فرقه مشراول
سررشته دار اعلی	:	ص ، عبدال محمد خان
مامور کنترول سررشته داری	:	« ، احمد خان
سرکاتب اجرائیه « «	:	« ، عبد الحمید خان
سرکاتب تحصیلی « «	:	« ، عبدالستار خان
مامور تفتیش	:	« ، سید علم خان
قوماندان کوتوالی	:	ش ، مدد خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا سید کاظم خان

قاضی ابتدائیه	:	« ، ملا عبدالحق خان
مدیر خارجه	:	ص ، سلطانعلیخان
« گمرك	:	« ، عبد المجیدخان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، عبدالغنی خان
مامور تحریرات	:	« ، غلام حیدر خان
« استخبارات	:	« ، محمدعاشورخان
« معارف	:	« ، علیجانخان
« معابر	:	« ، مدنخان
« زراعت	:	« ، عبدالکریم خان
« خزانه	:	« ، جمال الدین خان
« قبایل	:	« ، محمدمسلم خان
« مخابرات	:	« ، محمدنعیم خان

حکومت اعلای میمنه

حاکم اعلی	:	ع ، ع ص ، محمدعزیز خان
سر رشته دار اعلی	:	ص ، نور محمد خان
مامور کنترول سرشته داراعلی	:	« ، عبدالعزیز خان
سرکاتب اجرائیه « « «	:	« ، غلام حسین خان
« « تحصیلی « « «	:	« ، سکندر خان
« « تفتیش « « «	:	« ، محمد حسن خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

قوماندان کوتوالی	:	ش ، عبدالغفور خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا محمد یوسف خان
قاضی ابتدائیه	:	« ، ملا عبدالرؤف خان
مدیر گمرك اندخوی	:	ص ، محمود خان
مامور گمرك میمنه	:	« ، محمداسمعیل خان
مدیر خارجه	:	« ، عبدالشکور خان
مامور تحریرات	:	« ، عبدالحمید خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، محمد نبی خان
« مامور مخابرات	:	« ، غلام غوث خان
مامور زراعت	:	« ، آقارحیم خان
مامور خزانه	:	« ، طوره خان
مامور معارف	:	« ، محمد طاهرخان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی	:	« ، محمد عمرخان
مامور معابر	:	« ، سلطان عزیز خان
منتظم تلگراف	:	« ، عبدالله خان
رئیس مدرسهٔ ظاهرشاهی	:	« ، ملا نظام الدین خان

حکومت اعلای فراه وچخانسور

حاکم اعلی	:	ع ، ع ، ص محمد کریم خان
سر رشته دار اعلی	:	ع ، ص ، نوراحمد خان
مامورکنترول	:	ص ، عزیزاحمد خان

سرکاتب اجرائیه	:	ص ، شیخ احمد خان
« تحصیلی	:	« ، محمدافضل خان
« تفتیش	:	. . . . .
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا نورالحق خان
قوماندان کوتوالی	:	ش ، محمد یوسف خان
مدیر خارجه	:	ص ، عزیز الله خان
وکیل مدیرصحیه	:	« ، عبدالحمید خان
مدیر زراعت	:	« ، عبد الباقی خان
مامور گمرك	:	« ، شیراحمد خان
قاضی ابتدائیه	:	. . . . .
مامور تحریرات	:	ص ، محمد انور خان
مامور مخابرات	:	« ، محمدعلم خان
« معابر	:	« ، محمد حسین خان
« معارف	:	« ، گلبدن خان
سرکاتب استخبارات	:	« ، محمد اسحق خان
خزانه دار	:	« ، محمد ابراهم
منتظم تلگراف سیمدار	:	« ، غلام محی الدینخان

(c) ketabton.com: The Digital Library

تشکیلات دوائر ملی

ریاست عالی شورای ملی

هیئت رئیسه :

رئیس شورای ملی :
ع ، ج عبدالاحدخان

معین اول :
ع ، ص سیدمحمدیونس خان

معین دوم :
ع ، ص سید محمد خان

منشی :
ع ، عبداللطیف خان

معاون منشی :
ص ، عبدالباقیخان

سر کاتب مجلس :
ص ، عطا محمد خان

مامور کنترول :
ص ، فیض محمد خان

سر کاتب اوراق : ص ، عبداودود خان

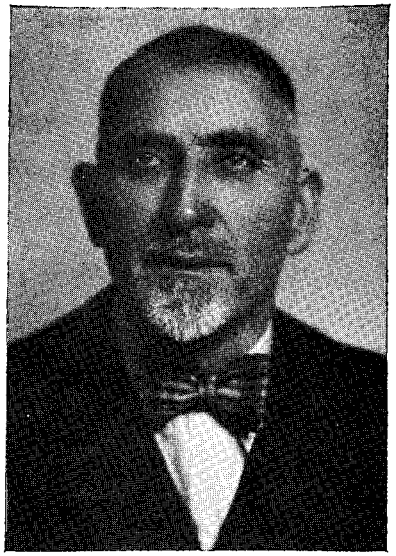

ع ، ج عبدالاحدخان رئیس شورای ملی
S. Ex. Abdoul Ahad Khan président du Conseil National.

هیئت وکلای دورهٔ سوم شورای ملی :

وکیل مرکز کابل	:	ص ، سیدجلال الدینخان	مربوط	ولایت کابل
« پغمان	:	« ، محمد علیخان	«	«
« لوگر	:	« ، حاجی محمدابراهیم خان	«	«
« میدان	:	« ، مولوی عبدالقدوس خان	«	«
« وردك	:	« ، عبد القیوم خان	«	«
« سروبی	:	« ، عبدالمومن خان	«	«
« چهاریکار	:	« ، میرزا محمد جانخان	«	«
« جبل السراج	:	« ، حاجی امیر محمد خان	«	«
« کوهدامن	:	« ، سید احمدخان	«	«
« ریزه کوهستان	:	« ، عبدالحبیب خان	«	«
« تگاب	:	« ، محمد یعقوب خان	«	«
« نجراب	:	« ، غلام نبی خان	«	«
« سیغان وکهمرد	:	« ، احمد جانخان	«	«
« پنجشیر	:	« ، عبد الروف خان	«	«
« سرخ و پارسا	:	« ، سیداسمعیل شاه خان	«	«
« غوربند	:	« ، محمد قاسم خان	«	«
« غزنی	:	« ، حکیم خان	«	«
« مقر	:	« ، حاجی عبدالقیوم خان	«	«
« ده شین کتواز	:	« ، آزاد خان	«	«
« کوچی دامانی کتواز	:	« ، علی گل خان	«	«
« دایزنگی	:	« ، محمدنعیم خان	«	«

(c) ketabton.com: The Digital Library

وکیل بهسود	:	ص ، میر محمد علیخان	مربوط	ولایت کابل
« یکاولنگ	:	« ، میر حبیب الله خان	«	«
« جاغوری	:	« ، محب علیخان	«	«
« مرکز قندهار	:	« ، عبد القیوم خان	«	قندهار
« دند	:	« ، غلام دستگیر خان	«	«
« کدنی	:	« ، محمد شاه خان	«	«
« تیربن	:	« ، فیض الله خان	«	«
« کشك نخود	:	« ، محمد اقبال خان	«	«
« دهله	:	« ، محمد سعید خان	«	«
« دهراؤد	:	« ، غلام دستگیر خان	«	«
« گرشك پشت رود	:	« ، محمد موسی خان	«	«
« موسی قلعه زمین داور	:	« ، عبدالحمید خان	«	«
« گرمسیر	:	« ، یار محمد خان	«	«
« گیزاب	:	« ، محمد حسن خان	«	«
« مرکز ارزگان	:	« ، مولاداد خان	«	«
« ترنك و جلدك	:	« ، حاجی عبدالسلام خان	«	«
« اجرستان	:	« ، خان محمد خان	«	«
« قلات	:	« ، حاجی عبدالمحمد خان	«	«
« کوچی قندهار	:	« ، اسمعیل حبیب خان	«	«
« مرکز هرات	:	« ، حاجی غلام نبی خان	«	هرات
« بلوکات	:	« ، محمد قاسم خان	«	«
« غور	:	« ، عبد الوهاب خان	«	«

وکیل شین دند	:	ص ، احمد جانخان	مربوط	ولایت هرات
« غوریان	:	« ، نصر الدین خان	«	«
« کشك وگاران	:	« ، سیدغیاث الدینخان	«	«
« قلعه نو	:	« ، غلام محمدخان	«	«
« بالا مرغاب	:	« ، عبدالقادر خان	«	«
« اوبه	:	« ، حاجی فیض محمدخان	«	«
« توالك و تگابستان	:	« ، عبدالرحمن خان	«	«
« شهرك	:	« ، غوث الدینخان	«	«
« چقچران	:	« ، محمد یعقوب خان	«	«
« شهر مزار شریف	:	« (سیدمحمدیونسخان که معین اول شورامیباشند)		
« نهر شاهی	:	« ، سراج الدینخان	مربوط	ولایت مزار شریف
« سنگ چارك	:	« ، عبدالکریم خان	«	«
« تاشقرغان	:	« ، غلام حسن خان	«	«
« ایبك	:	« ، میرزا کیلان خان	«	«
« سرپل	:	« ، عبدالرحمن خان	«	«
« آقچه	:	« ، عبدالروف خان	«	«
« دولت آباد	:	« ، محمد مرادخان	«	«
« درهٔ صوف	:	« ، محمدرحیم خان	«	«
« شبرغان	:	« ، میر محمداسلم خان	«	«
« بلخ	:	« ، عزیزالله خان	«	«
« شهرخان آباد	:	« ، غلام حیدر خان	«	قطغن و بدخشان
« قندوز	:	« ، عبدالغیور خان	«	«
« نهرین	:	« ، محمدافضل خان	«	«

(c) ketabton.com: The Digital Library

وکیل	اندر آب	: ص، محمد اکبر خان	مربوط ولایت قطغن و بدخشان	
«	تالقان	: « ، سید محمد خان	«	«
«	حضرت امام	: « ، صاحب نور خان	«	«
«	چال و اشکمش	: « ، میر فضل احمد خان	«	«
«	غوری	: « ، عبدالله خان	«	«
«	بدخشان	: « ، بزرگ خواجه خان	«	«
«	رستاق	: « ، عبدالعزیز خان	«	«
«	ینگی قلعه	: « ، محمد نبی خا	«	«
«	جرم	: « ، غلام محمد معصوم خان	«	«
«	درواز	: « ، شاه منصور خان	«	«
«	واخان زیباك	: « ، سلطان علیخان	«	«
«	کشم ودرآیم	: « ، محمد حسین خان	«	«
«	جلال آباد	: « ، سید محمد اکبر خان	«	حکومت اعلای مشرقی
«	سر خرود	: « ، عبیدالله خان	«	«
«	لغمان	: « ، سید حمزه خان	«	«
«	نورستان لغمان	: « ، مشك عالم خان	«	«
«	خوگیانی	: « ، عبدالرشید خان	«	«
«	شنوار	: « ، محمد گل خان	«	«
«	مهمندره	: « ، محمد خان	«	«
«	رودات	: « ، ثناء گل خان	«	«
«	کامه	: « ، محمد مراد خان	«	«
«	حکومت کلان اسمار	: « ، مجاهدینخان	«	«

وکیل	درهٔ پیچ	: ص، عین الله خان	مربوط حکومت اعلای مشرقی	
«	کنر خاص	: « ، (سید محمد خان که معین دوم شورا میباشند)		
«	بر کنر درهٔ سین	: « ، عتیق الله خان	مربوط حکومت اعلای مشرقی	
«	حصارك غلجائی	: « ، حاجی گل علم خان	«	«
«	کوچی ننگنهاری	: « ، محمد هاشم خان	«	«
«	گردیز	: « ، امیر محمد خان	«	حکومت اعلای جنوبی
«	زرمت	: « ، غلام محمد خان	«	«
«	خوست	: « ، میرزا محمد خان	«	«
«	«	: « ، گل صاحب خان	«	«
«	ارگون	: « ، اسمعیل گل خان	«	«
«	جدران	: « ، خانه گل خان	«	«
«	منگل	: « ، جانخان	«	«
«	جاجی	: « ، فتو خان	«	«
«	چمکنی	: « ، یار محمد خان	«	«
«	شهر میمنه	: « ، ابوالقاسم خان	«	میمنه
«	تگاب شیرین	: « ، سید ابوالخیر خان	«	«
«	اندخوی	: « ، چار یار قل خان	«	«
«	درزاب وگرزیوان	: « ، محمد اسلم خان	«	«
«	قیصار	: « ، آستانه قل خان	«	«
«	شهر فراه	: « ، سلطان محمد خان	«	فراه
«	چخانسور	: « ، عبدالوکیل خان	«	«
«	بکواه وخاشرود	: « ، در محمد خان	«	«

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجلس اعیان

رئیس :
ع ، ج میر عطا محمد خان
معاون اول :
ع،ص حاجی محمد اکبرخان
معاون دوم :
ع ، ص عبد الرحیم خان
رئیس تمیز :
ع،ص حافظ عبدالغفارخان

اعضای مجلس :

ص ، سردار گل محمدخان
« ، حاجی خیرمحمد خان
« ، عطامحمد خان
« ، عبد الحکیم خان
« ، معاذالله خان
« ، شرف الدینخان
« ، جان محمدخان
« ، سید یاقوت شاه خان
« ، ایشان امان الدینخان
« ، ملك رحمدل خان

ع ، ج ، میر عطا محمد خان رئیس مجلس اعیان
S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan président du Sénat.

اعضای مجلس : ص ، شاه محمود خان .
« : « ، حاجی میرزا عبدالرحیم خان
« : « ، عبدالحمید خان
« : « ، حاجی خان آقا خان
« : « ، محمد رسول خان
« : « ، عبدالصمد خان
« : « ، عبد الغفور خان
« : « ، حاجی عبدالحکیم خان
« : « ، سیدفیض الله خان
« : « ، حاجی میرزا محمودخان
« : « ، عبداللطیف خان
« : « ، امین الله خان
« : « ، محمدعمر خان
« : « ، عبدالستار خان
« : « ، میر محمد علیخان
« : « ، سیداحمد شاه خان
« : « ، علی احمد خان
« : « ، محمدحسن خان مهمند
« : « ، میرزا خداداد خان
« : « ، نظر محمد خان
« : « ، ملك محمد اصغر
« : « ، جلال الدینخان

(c) ketabton.com: The Digital Library

اعضای مجلس	:	ص ، محمد حسن خان وردك
« «	:	« ، سید شمس الدینخان
« «	:	« ، سیدمحمد خان
« «	:	« ، سیداحمد خان
« «	:	« ، ملا محمد پذیرخان
« «	:	« ، نورالدینخان
« «	:	« ، حاجی محمدشریف خان
« «	:	« ، غلام رسول خان
« «	:	« ، محمد اکبرخان
« «	:	« ، عبدالعزیز خان
« «	:	« ، دیوان حکم چند

هیئت اداری :

منشی مجلس	:	ص ، محمود خان
سرکاتب تحریرات	:	« ، محمد حسین خان
« « انجمن تحقیقیه	:	« ، محمدانور خان
« « « تدوین اصول	:	« ، سید محبوب خان
« « دائرهٔ تمیز	:	« ، غلام رسول خان
« « دائرهٔ محاسبه	:	« ، محمدیوسف خان
« « اوراق	:	« ، محمداکبر خان

ریاست بلدیهٔ کابل

رئیس	:	و ، ج محمد عثمان خان
معاون	:	ع ، محمد رحیم خان « رفیق »
مدیر تنظیمات وصحیه	:	ص ، غلام محمد خان
مدیر مهندسی و تعمیرات	:	« عطاء محمد خان
« ارزاق	:	« ، محمد حسن خان
« تفتیش و قلم مخصوص	:	« ، علی محمد خان
« احصائیه	:	« ، عبدالرشید خان
« کنترول و محاسبه	:	« ، محمد رفیق خان
« مامورین واجرائیه	:	« ، عبدالله خان
سرکاتب اوراق	:	« ، سید محمدحسین خان
مأمور یتیم خانه	:	« محمد ابراهیم خان
مهندس	:	عزتمند سائیلوف

(c) ketabton.com: The Digital Library

روسا ومامورهای بلدیهٔ مراکز ولایات وحکومتیهای اعلا و کلان

رئیس بلدیهٔ قندهار	:	ع ، محمد ناصر خان	
« « هرات	:	« ، احمد قلیخان	
« « مزار شریف	:	« ، فراح الدین خان	
« « خان آباد	:	« ، میر عبدالسلام خان	
« « جلال آباد	:	ص ، سلطان احمد خان	
« « گردیز	:	« ، محمد رضا خان	
« « میمنه	:	«	
مامور « فراه	:	« ، محمدحسین خان	
« « چهاریکار	:	« ، عبد الرسول خان	
« « غزنی	:	« ، عبدالسلام خان	
« « دایزنگی	:	. . . . .	
« « لوگر	:	ص ، لطف الله خان	
« « گرشك	:	. . . . .	
« « ارزگان	:	. . . . .	
« « قلات	:	. . . . .	
« « غورات	:	. . . . .	
« « بادغیستان	:	. . . . .	
« « شبرغان	:	. . . . .	
« « بدخشان (فیض آباد)	:	ص ، بزرگ خواجه خان	
« « کنرها واسمار	:	. . . . .	

تشکیلات دوائر حضور

وزارت دربار

وزیر :
ع،ج، والاحضرت سردار احمد شاه خان

معین :
ع ، ص غلام احمد خان

مدیر تنظیمات واجرائیه :
ص ، عبدالرحیم خان

معاون تنظیمات :
ص ، محمد اکرم خان

مدیر تشریفات :
ص ، عبدالرشید خان

مدیر محاسبه :
ص ، عبدالوهاب خان

مدیرخزانه :
ص ، سراج الدینخان

مدیر نقلیه :
ص ، میر اکبر خان

ناظرکارخانهٔ طباخی :
ص ، حاجی نظر محمد خان

خانه‌سامان باشی عمومی : ص ، صالح محمدخان

فراشباشی : « ، عبدالرشیدخان

ع ، ج والاحضرت سردار احمد شاه‌خان
وزیر در بار

S. A. Ahmad Chah Khan ministre de la cour.

(c) ketabton.com: The Digital Library

عرض بیگی حضور همایونی : ص ، محمد اسمعیل

موتر ران باشی : « ، خواجه محمد خان

سر کاتب اوراق : « : محمد عظیم خان

مصاحبین حضور همایونی

ع ، ص سردار محمد اکبر خان

« « ، سلطان احمد خان

« « ، حاجی محمد نواب خان

« « ، صالح محمد خان

« « ، محمد سرور خان

دار التحریر شاهی

سرمنشی حضور همایونی :
ع ، ج محمد نوروز خان
مدیر قلم مخصوص :
ع ، نور محمد خان
مدیر شعبهٔ اول :
ع ، حافظ نور محمد خان
مدیر شعبهٔ دوم :
ع ، سردار محمد عمر خان
مدیر شعبهٔ سوم :
ع ، سراج الدین خان
مدیر شعبهٔ چهارم :
ع ، غلام قادر خان
مترجم زبان عربی و ترکی :
ص، سید مبشر خان طرازی
مترجم زبان فرانسوی :
ص ، عبدالغفور خان
مترجم زبان انگلیسی :
ص، محمد سرور خان
مشاور امور شرعیه :
. . . . .
متخصص اقتصاد :
ص ، حبیب الله خان

ع ، ج محمد نوروز خان سرمنشی حضور همایونی
ورئیس افتخاری انجمن ادبی
S. Ex. Mohammad Naouroz Khan secrétaire privé de S. M. et président honoraire de l'Académie Afghane

رئیس دائرهٔ خصوصی حضور همایونی : ع ، ص ، خواجه جانگل خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

سریاوریت حربی حضور همایونی

سریاور حربی حضور	:	ع ، ش ، عبدالغفورخان فرقه مشر ثانی
معاون سریاور	:	« ، « ، محمداطیف خان « « «
یاور	:	ح ، محمد صفر خان غند مشر اول
«	:	« ، سیدصالح محمدخان « « «
«	:	« ، عبدالغنی خان « « ثانی
«	:	« ، عبدالله خان « « «
«	:	ش ، محمدحسین خان کندك مشر
«	:	غ ، غلام محمد خان تو لیمشر
سرکاتب تحریرات	:	ص ، پاینده محمد خان

اجراآت دوائر مملکتی

حاجت به تذکار نیست که افغانستان درین عرصهٔ ۸ سال اخیر از یك راه صحیح بسوی ترقی و تعالی خود روان شده و بنا برین درین مدت علاوه برتلافی خسارات وضایعات انقلاب گذشته ، قدمهای بزرگی را در رشته های مختلفه بسوی پیشرفت خود برداشته که بجرئت میتوان گفت ، اینقسم اقدامات بزرگ وسریع دروطن ما بی سابقه میباشد.

ما خیلی خوش بختیم که توانسته ایم در هر سال مظاهر مهم این پیشرفتها و خطوط اساسی این ترقیات را از نظر هموطنان عزیز و سائر علاقه مندان شئون افغانستان ، گذارش بدهیم . چنانچه اگر کسی خواسته باشد که گفتار فوق را بمحك تحقیق مقابل کند تنها ورق زدن سالنامه های پنج سالهٔ گذشته « کابل » کفایت خواهد کرد .

اما به مسرت تمام می بینیم که در سال ۱۳۱۶ حرکت ارتقائی وطن سرعت و وسعت بیشتری پیدا کرده و می توان گفت که ازین وقت افغانستان داخل یك دورهٔ نهضت جدیدی شده که از حالا مظاهر نیك آن ظاهر شدن گرفته که هر یك خاطر عموم علاقه مندان ترقیات این خطه را مملو از مسرت و شادمانی میگرداند : از قبیل توسیع معارف و بکار افتادن ذخائر تحت الارضی و تأسیس و تکوین صنائع مهمه و ترقی زراعت و ترویج وسائل مدنیت وغیره . . . . ازاین است که اینك پیش از درج کار روائی های مهمهٔ سال ۱۳۱۶ دولتی وظیفهٔ خود میدانیم که نسبت به اینهمه موفقیات ، تبریکات خالصانه و

از مقرریها و ترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱۶

ع ، ش عبدالاحد خان حاکم کلان
وقوماندان عسکری غزنی

ع ، ش محمد احسان خان قوماندان
طیاره

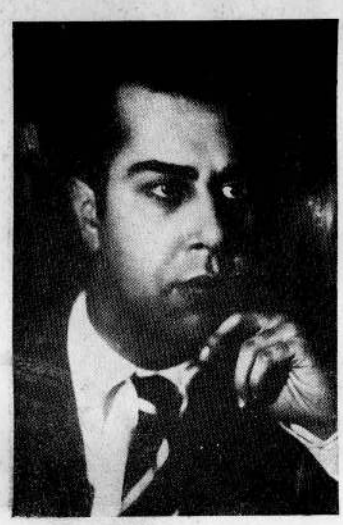

ع ص عبدالحمید خان عزیز معین
وزارت امورخارجه

ع ، ش عبدالقیوم خان قوماندان
عسکری قطغن و بدخشان

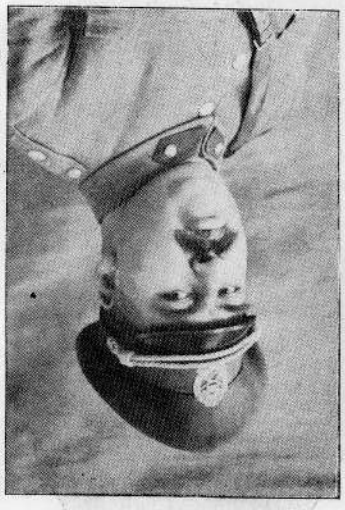

ع ، ش فیض محمد خان قوماندان
فرقهٔ دوم قول اردوی جنوبی

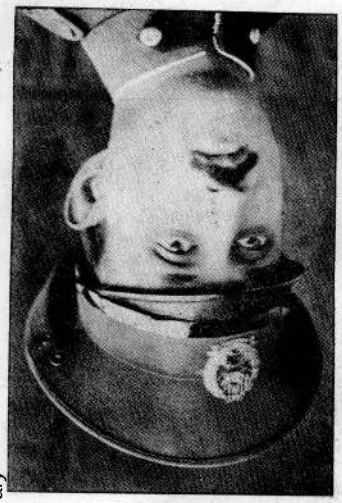

ع ، ش محمد اسم خان قوماندان
عسکری هرات

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۶

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۶

ع ، ص عبدالاحمد خان معین دوم
وزارت معارف

ع ، ص دکتور عبدالله خان معین
ریاست مستقلهٔ معادن

ع ، ص نورمحمد خان معین ریاست
مستقلهٔ زراعت

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۶

ع ، ص عبدالرحیم خان مشاور
صدارت عظمی

ع ، ص یار محمد خان مشاور
صدارت عظمی

ع ، ع ، ص محمد کریم خان حاکم
اعلای فراه و چخانسور

(c) ketabton.com: The Digital Library

از کارروائی سال ۳۱۶ ، وزارت حربیهٔ : نمونهٔ طیارات کشف رقم «هاکر هند» انگلیسی که جدیداً خریداری شده
Type des nouveaux avions de reconnaissance achetés par le ministère afghan de la guerre

از انتخابات دورهٔ سوم شورای ملی

ع ، ص سید محمد یونس خان معین اول

ع ، عبداللطیف خان منشی

ع ، ص سید محمد خان معین دوم

(c) ketabton.com: The Digital Library

از کار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونهٔ طیارات کشف «رقم رمبو ۳۷» ایطالوی که جدیداً خریداری شده
Type des nouveaux avions de reconnaissance achetés par le ministére afghan de la guerre

از کار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونهٔ طیارات تعلیمی رقم «بردا ۲۵» ایطالوی که جدیداً خریداری شده
Type des nouveaux avions d'enseignement achetés par le ministére afghan de la guerre

(c) ketabton.com: The Digital Library

وسعت‌یافته زوداست که افغانستان عزیزدارای یك عکس‌مکمل عصری گردد

اینك خلاصهٔ اجرا آت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه را ذیلاً به تفریق ریاست های آن از نظر خوانندگان میگذرانیم :

ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه :

۱ ـ توزیع ساحه وانکشاف وپیشرفت امور تعلیمی قطعات‌اردوی شاهی افغانستان اقدامات مکملی بعمل آمده .

۲ ـ تعلیمات مکتب حربیه بعد ازانکه یك عده ضابطان مقتدر ترکیه برای معلمی مکتب حربیه استخدام شده‌اند پیشرفت خوبی نموده مانند مکاتب حربیهٔ دول متمدن‌قدمهای سریعانه درتکامل تعلیمات شان گذاشته شده .

۳ ـ در توسیع مکاتب احضاریه و رشدیهٔ عسکریه و تزئید طلاب آنکه اساس‌تکامل و انکشاف اردوی همایونی ازین سرچشمهٔ علم وعرفان شروع میشود اقدامات مکفی بعمل آمده .

٤ ـ جریان کنفرانسهای فنون حربیه که باعث تنویر و تجدیدو افکار ضابطان اردو می شود و توزیع اوراق مطبوعهٔ آن بقطعات مرکز و ولایات .

٥ ـ تشکیل یك مفرزه مرکب از صنوف مختلفه زیر اثرقوماندانی مکتب حربیه .

٦ ـ اعزام یك عده ضابطان هوا بازی در کراچی جهت استاژ و باز گشت موفقانهٔ شان .

۷ ـ اعزام یك عده‌ضابطان برای اخذتعلیمات تخنیکی‌درجرمنی .

۸ ـ ورود یك عده از ضابطان فارغ التحصیل صنوف مختلفه از ترکیه بکابل وتعین شان در اردو .

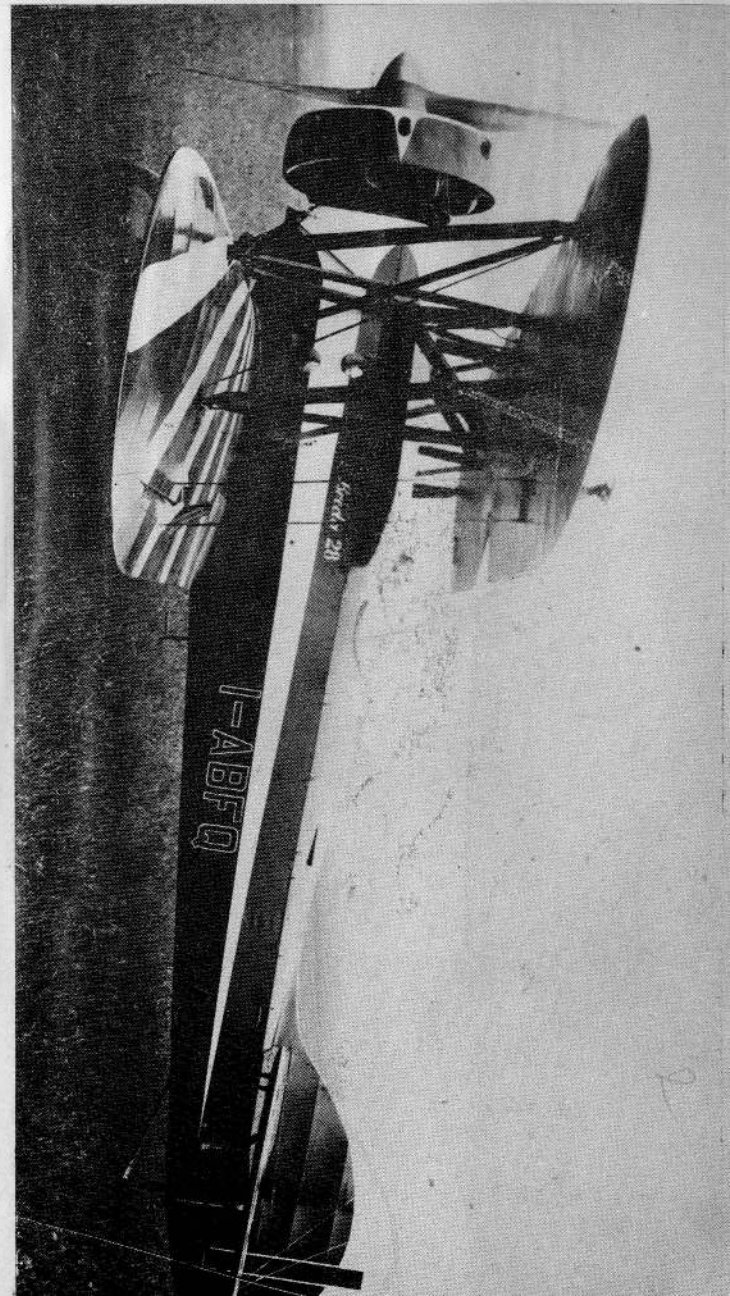

از کارروائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونهٔ طیارات آکروباسی (شطارت های معلق زدن و غیره) رقم بردا ایطالوی که تجدید خریداری شده

Type des nouveaux avions d'acrobatie achetés par le ministére afghan de la guerre

(c) ketabton.com: The Digital Library

۹ ـ تاسیس وافتتاح کورس لوازم برای توسیع معلومات ضابطان لوازم.

۱۰ ـ « « « « نقلیه « « «

۱۱ ـ تاسیس کورس ضابطان در داخل قطعات .

۱۲ اکمال تحصیل ضابطان مداومین کورس عالی و توزیع شهادتنامه ها به فارغ التحصیلان مذکور .

۱۳ تشکیل کورسهای زبان پښتو به تمام مربوطات وزارت حربیه واهتمام زیاد در تعمیم آن .

۱٤ ـ استخدام بعض معلمین المانی برای کورس عالی .

۱۵ ـ استخدام یکعده مستخدمین انگلیسی وایطالوی برای امور هوابازی .

۱٦ ـ اصلاحات در بعضی نقاط لازمه تشکیل اردو .

۱۷ ـ اجرای تفتیش بعضی قطعات اردو .

۱۸ ـ سوقیات یکعده عساکر برای اطفای نایرهٔ شقاوت یك جمعیت اشرار بعضی طائفه های کتوازی ودر نتیجهٔ فتح ایشان و سرکوبی شقاوت پیشه گان (در ماه سرطان)

۱۹ ـ اعادهٔ امور کمیساریهای سرحدی بریاست ارکان حربیهٔ عمومیه که درین خصوص اجراآت لازمه شده .

۲۰ ـ در راه توسیع معارف عسکری آثار مفیدهٔ که از قلم برآمده وقسمامطبوع ونشر گردیده وبرخی زیرطبع بوده قرار آتیست.

۱ ـ تعلیمنامهٔ سواری بصورت مطبوع دراردو نشر شده است

۲ ـ « کریچ و نیزه « « « « «

۳ ـ « قسم اول پیاده « « « « « «

٤ ـ « « دوم « « « « « «

۵ ـ جلددوم جزوسوم حصهٔ ۲ « « « « «

٦ ـ کتاب معنویات اردو بصورت مطبوع درمعرض اشاعه گذاشته شده

۷ ـ تعریفنامهٔ ماشیندار « « « « « «

۸ ـ نظریات موزیك « « « « « «

۹ ـ از دائرهٔ خریطه یك تعداد خریطه ها طبع و برای استفاده بمقامات لازمه توزیع شده .

ریاست اردو :

۱ ـ تکمیل نفری فرقه‌های مرکز واطراف بقرار نفوس ومعاینهٔ صحی شان .

۲ ـ مرخصی اشخاصیکه مدت خدمت شان بسر رسیده بود .

۳ ـ اعزام نفری انشاآت برای بعضی کارهای دولتی .

٤ ـ خریداری و بکارانداختن یك عده موترهای جدید برای نقلیات اردو

۵ ـ تاسیس یك مکتب میخانیکی و تهیهٔ طلبهٔ آن .

٦ ـ عمرانات سال ۱۳۱٦ شعبهٔ تعمیرات قرار ذیل است :

الف : ملحقات مکتب احضاریه واقع مهتاب قلعه ازقبیل درسخانه‌ها اطاق های نانخوری ومطبخ وتحویلخانه ها وغیره .

ب : تلگراف خانهٔ جدید قوماندانی طیاره .

ج : یك سلسله اطاقها برای طیارات .

د : تحویلخانهٔ بزرگ جو درشیر پور .

ه : یك سلسله تعمیرات مهم ووسیع ازطرف قوماندانی های فرقه های مرکز واطراف درین سال بعمل آمده است .

ریاست حربیه :

الف : مدیریت عمومی اسلحه :

۱ ـ توحید و تکمیل اسلحهٔ ناریه و جارحه قطعات مرکز و اطراف به سلاح سیستم جدید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲ ـ خریداری یك تعداد کافی طوپ های سیستم جدید .
۳ ـ « تفنگ های جدید « «
٤ ـ « ماشیندارهای جدید « «
٥ ـ ترمیم طوپ ها و تفنگ ها و ماشیندار های قطعات مرکز و اطراف در فابریکهٔ حربی ومگزین ارگ .
٦ ـ خریداری اسباب وسامان طوپ های سریع الاتش ازخارج .
۷ ـ دستیات نمودن یك تعداد اسلحه جات که در وقت انقلاب درنزد اهالی مانده بود .
۸ ـ خریداری یك تعداد طیاره های جدید از خارج .

ب : مدیریت جباخانه :

۱ ـ توحید وتکمیل جبه خانهٔ حربی ومانوره ئی درعموم قطعات .
۲ ـ خریداری یك تعداد جبا خانه طوپی ازخارج .
۳ ـ « « « « تفنگی « «
٤ ـ « « « « ماشیندار « «
٥ ـ « « بمهای طیاره وغیره لوازم آن ازخارج .
٦ ـ تهیه واعمال بعضی ازانواع جبه خانه مانند بمهای دستی ومرمی های طوپچی وجباخانهٔ تعلیمی ومانوره و بعضی مواد ناریه توسط فابریکه های حربی.
۷ ـ تحصیل ودستیاب نمودن یك تعداد جبه خانهٔ تفنگی که در زمان انقلاب نزد اهالی مانده بود .
۸ ـ تهیه وتادیهٔ بارود وغیره برای انشاء آت اطراف وغیره داخلهٔ مملکت که از بعضی مقامات خواسته شده .
۹ ـ تطهیروترتیب جبه خانهٔ باز گشتی که خواه ازقطعات و خواه بدیگر وسایل بصورت پراگنده به جباخانه ها رسیده است .

ج : مدیریت فنیه :

۱ ـ اقدامات لازمه برای تهیه وتکمیل وتوحید ادوات استحکامیهٔ اردو بصورت فنی .
۲ ـ اقدامات برای تهیهٔ آلات وادوات مخابره و مواصلهٔ اردو .
۳ ـ تهیه ماشین‌های آب رسانی برای بعضی مناطق اردو که از آب دور افتاده اند .
٤ ـ تکمیل کار آمد دوربین‌ها ومیروسکوبهای عسکری قراربست .
٥ ـ تشبث درخصوص تهیهٔ آلات تخریبیهٔ صنف استحکام ومواد ناریه آن.

ریاست لوازمات :

۱ ـ بودجه مصارفاتی وزارت حربیه نظر به سال گذشته ازباعث تشکیل عموم فرقه ها بصورت عصری فی صد چهل تزئید یافته .
۲ ـ موترهای نقلیه که به کمپنی شورلیت وفورد داسکودا توسط بانك ملی فرمایش داده شده بود قسما رسیده وقسما عنقریب میرسد.
۳ ـ دریشی‌های عسکری نظر به کسب تکمیل و مطابق افراد ترخیص شده به تحویلخانهٔ احتیاط ذخیره شده .
٤ ـ بودجه وتعدادطلاب حربیه نظربه سال گذشته ۱ بر۳ تزئید یافته .
٥ ـ نواقص البسه وتجهیزات اردو بصورت عصری اصلاح یافته

هیئت تدقیق ومعاینه :

۱ ـ اعطای هدایت ونگرانی درخصوص ترمیم اسلحه درفابریکهٔ حربیه.
۲ ـ بمقتضی اصلاحات در اعمال خول وگله ها وسرگلوله های طوپچی که درفابریکهٔ حربیه اعمال می شود ونگرانی تمام اعمالات فابریکهٔ آلات حربیه .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳ـ معاینهٔ اعمالات فابریکهٔ بوت دوزی وچرمگری .
٤ـ معاینهٔ بعضی اعمالات فابریکهٔ مواد ناریه .
٥ـ تدقیق ومعاینهٔ جبه‌خانه و دیگر لوازم حربیه که از خارج خریداری شده است .

مقرری و ترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱٦ وزارت حربیه :

ع ، ش ، عبدالاحد خان فرقه‌مشر اول ازفرقهٔ هرات تبدیلاً بفرقه‌غزنی.
« « عبدالقیوم خان فرقه‌مشر ثانی ازفرقهٔ غزنی تبدیلاً بفرقهٔ قطغن و بدخشان.
« « محمد قاسم خان فرقه مشر ثانی ازفرقهٔ قطغن به فرقه هرات .
« « پیرمحمدخان فرقه مشر ثانی ازقول اردوی جنوبی دربست احتیاطی
« « فیض محمد خان فرقه مشر ثانی یاورحضورهمایونی بفرقه دوم اردوی قول اردوی جنوبی .
« « محمداحسان خان قوماندان طیاره ترفیعاً برتبهٔ فرقه مشری ثانی .

امور خارجه

ازآنجا که حکومت صلح دوست ماظرف دار آرامش وامنیت عمومی میباشد از ابتدا تا امروز خاصتاً بعد از شمول بجامعهٔ اقوام درپیشبرد سیاست خارجهٔ خویش همواره مطابق مقررات بین المللی حرکت نموده حقوق دیگران را محترم شمرده است وچنانچه بهمه کس معلوم است درتعاون عمومی با جامعهٔ ملل ودیگر موسسات بین المللی همیشه ابراز همدستی وهم آهنگی نموده ومینماید وهمچنین باسایرممالك بالخاصه دول متحابه رفتار دوستانه ومساویانه بعمل می آورده اینك خلاصهٔ اجرا آت واقدامات سال ۱۳۱٦ وزارت امورخارجه راذیلاً درج میکنیم :

الف ـ امور بین المللی :

درسال ۱۳۱٦ (۱۹۳۷ و ۱۹۳۸) علاوه براینکه مانندسالهای گذشته در سائر امور عرفانی ، اجتماعی ، صحی ، مدنی وغیره جامعهٔ اقوام ، دائرهٔ بین المللی کار و دیگر کمیسیونهای بین المللی همفکروهمقدم بوده وصایای روزمرهٔ جامعه ودائرهٔ بین المللی کار را درموارد متذکره بصحنهٔ عمل گذاشته است دراکثر مجامع وجلسات وکنفرانسهای علمی (صحی ، تکنیکی ، عرفانی وغیره) بین المللی که دربعضی نقاط دور ونزدیك بعمل آمده است نیز سهیم گردیده ونمایندگان خویش رادرمواقع لازمه فرستاده است ، خطوط عدهٔ اجرا آتی که درظرف سال ۱۳۱٦ نسبت بامور بین المللی بعمل آمده است ذیلاً بطور اختصار نگاشته میشود :

۱ـ درسال ۱۳۱٦ حکومت افغانستان بکنوانسیون (معاهده) بین المللی که بتاریخ ۱۲ ستامبر ۱۹۲۳ بمقصد انسداد نشریات فحش منعقد شده بود التحاق نموده است چنانچه حسب معمول وثیقهٔ الحاق افغانستان بکنوانسیون مذکور نیز بتاریخ ۲۰ ثور ۱۳۱٦ (۱۰ می ۱۹۳۷) بدارالانشای جامعهٔ ملل ثبت گردیده است .

۲ـ بتاریخ ۲۸ ثور ۱۳۱٦ (۱۸ می ۱۹۳۷) بوزیر مختار اعلیحضرت در لندن هدایت داده شد تابه « پروسه وربا » (صورت رویداد مجلس که بتاریخ ۱٤ عقرب ۱۳۱٥ (نومبر ۱۹۳٦) راجع به (قواعد عملیات جهاز های تحت البحری نسبت بکشتی های تجارتی) درکنفرانس لندن قبول شده بود ازطرف حکومت افغانستان امضاء واظهارموافقت کند.

۳ـ نمایندهٔ دائمی افغانستان مقیم جامعهٔ ملل برحسب هدایت مرکز در (اسامبله) مجمع فوق العادهٔ که راجع بشمولیت مصردر جامعهٔ اقوام

(c) ke

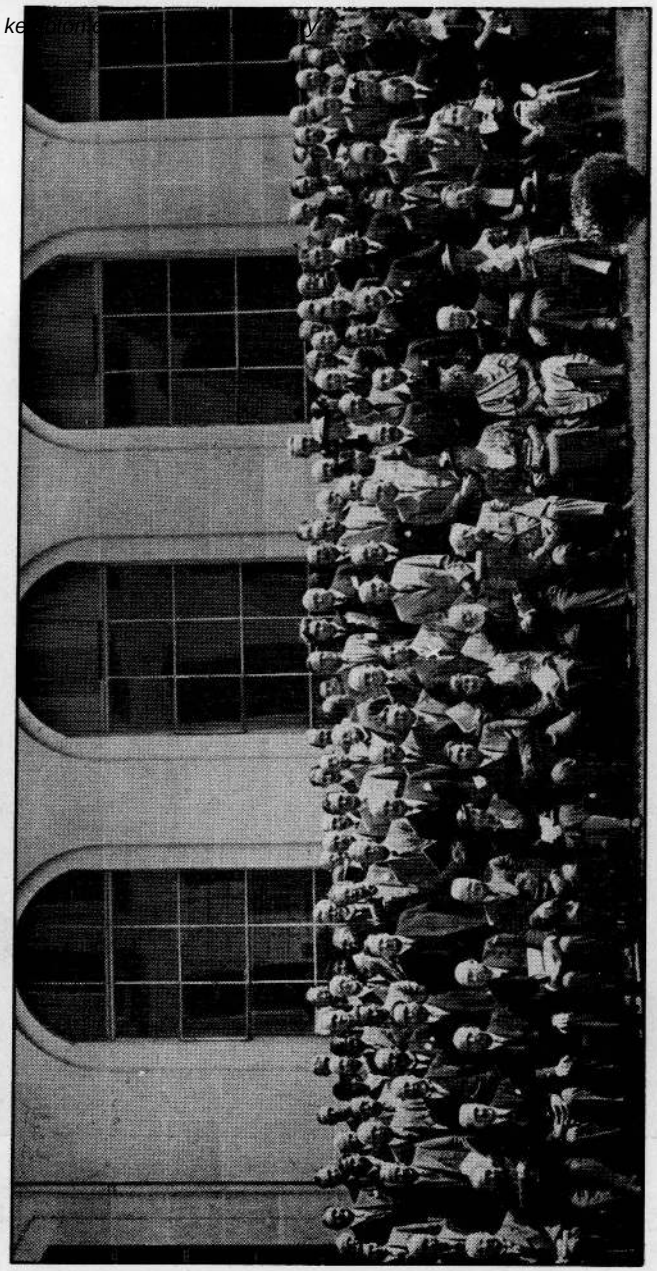

افغانستان در مجامع بین‌المللی : نمایندگان ممالک درکنگرهٔ سندات عمومی بین‌المللی که نمایندهٔ افغانی نیز در وسط صف دوم قرار گرفته است

Le congré international de documentation à Génève : le délégué afghan au milieu du 2è. rang

بتاریخ ۵ جوزای ۱۳۱۶ (۶ می ۱۹۳۷) درجینوا انعقاد یافته بود شامل گردیده وازطرف حکومت خویش نمایندگی کرده است .

٤ـ درکنفرانس بیست وسوم بین المللی کار که بتاریخ ۱۳ جوزا الی ۲ سرطان ۱۳۱٦ (۳ الی ـ ۲۳ جون ۱۹۳۷) درجینوا بمرکز ادارهٔ بین المللی کار بعمل آمدازطرف حکومت متبوع ما نمایندهٔ دایمی افغانستان مقیم جامعهٔ ملل وکاتب نمایندگی موصوفه بکنفرانس مذکور شمولیت ورزیده اند .

۵ـ بتاریخ ۷ـ الی ۱۲ سرطان ۱۳۱٦ (۲۸ جون الی ۳ جولائی ۱۹۳۷) یك کنفرانس بین المللی مهندسی درپاریس بعمل آمده و بحسب امر مرکز سر کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس بصفت نمایندهٔ (او بسرواتور) « مشاهد » بکنفرانس مذکور معرفی وشامل گردیده است .

٦ـ درکنفرانس بین المللی علم اوزان ومقیاسات که بتاریخ ۱۲ و۱۳ سرطان ۱۳۱٦ (۳ الی ٤ جولائی ۱۹۳۷) در پاریس انعقاد گردیده بوداز طرف حکومت افغانستان کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بصفت نماینده (او بسر واتور) معرفی گردیده ونماینده گی کرده است .

۷ـ پنجمین کنگرهٔ بین المللی صحی پاریس بتاریخ ۱۵ الی ۲۰ سرطان ۱۳۱٦ (٦ الی ۱۱ جولائی ۱۹۳۷) درپاریس انعقاد گردیده و مطابق امر مرکز یکنفر طالب العلم شعبهٔ طب افغانی مقیم خارج به کنگرهٔ مذکور شامل گردیده از طرف حکومت خویش دران کنگره نماینده گی کرده است .

۸ ـ درنمایش بین المللی روز های صحی عمومی پاریس بتاریخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

۹ سرطان ۱۳۱۶ (۱۰ جولائی ۱۹۳۷) نیزدونفر ازطلبهٔ شعبهٔ طب افغانی مقیم‌خارج بصفت نماینده گان افغانی فرستاده شده و ازطرف حکومت متبوع خویش تمثیل کرده‌اند .

۹ ـ به‌پنجمین کنگرهٔ بین‌المللی عرفانی که‌درجینوا بتاریخ ۲۸ سرطان ۱۳۱۶ (۱۹ جولائی ۱۹۳۷) انعقاد یافته‌بود ازطرف حکومت‌متبوع‌ما نمایندهٔ‌دائمی افغانستان‌مقیم جامعهٔ‌ملل : نماینده معرفی‌گردیده ودرموقعش راپورت‌عرفانی مرتبهٔ وزارت‌جلیلهٔ معارف‌را قرائت وتمثیل کرده‌است .

۱۰ ـ هکذا بتاریخ‌فوق‌الذکر دومین کنگرهٔ بین‌المللی حفظ‌الصحهٔ دماغی نیزدرپاریس بعمل آمده وحسب‌هدایت مرکز یکنفراز طلبهٔ شعبهٔ طبابت افغانی مقیم خارج بآن شامل شده ازطرف حکومت متبوعهٔ خود نمایندگی کرده‌است .

۱۱ ـ کنگرهٔ بین‌المللی علم‌حقوق ازتاریخ ۲۸ سرطان الی‌اول اسد ۱۳۱۶ (۱۹الی ۲۴جولائی ۱۹۳۷) درپاریس منعقد گردیده وازطرف‌حکومت افغانستان نمایندهٔ دائمی افغانی مقیم جامعهٔ ملل‌در کنگرهٔ مذکور نمایندگی کرده است .

۱۲ ـ کنگرهٔ بین‌المللی علم‌طبقات الارض که دربرج اسد۱۳۱۶ (جولائی ۱۹۳۷)درماسکو بعمل‌آمده بود ازطرف حکومت‌افغانستان آقای نجیب‌الله‌خان(درآنوقت معاون شعبهٔ کانفرانسهای وزارت امور خارجه)بصفت نماینده معرفی گردیده دردوران کنگره شامل ونماینده گی کرده است .

۱۳ ـ بتاریخ دهم‌اسد ۱۳۱۶ (۲ اگست ۱۹۳۷) کنفرانس بین‌الحکوماتی عرفانی ازطرف حکومت‌جاپان درتوکیو انعقادیافته وحسب هدایت مرکز سرکاتب وزارت‌مختاری اعلیحضرت مقیم‌توکیو بکنفرانس

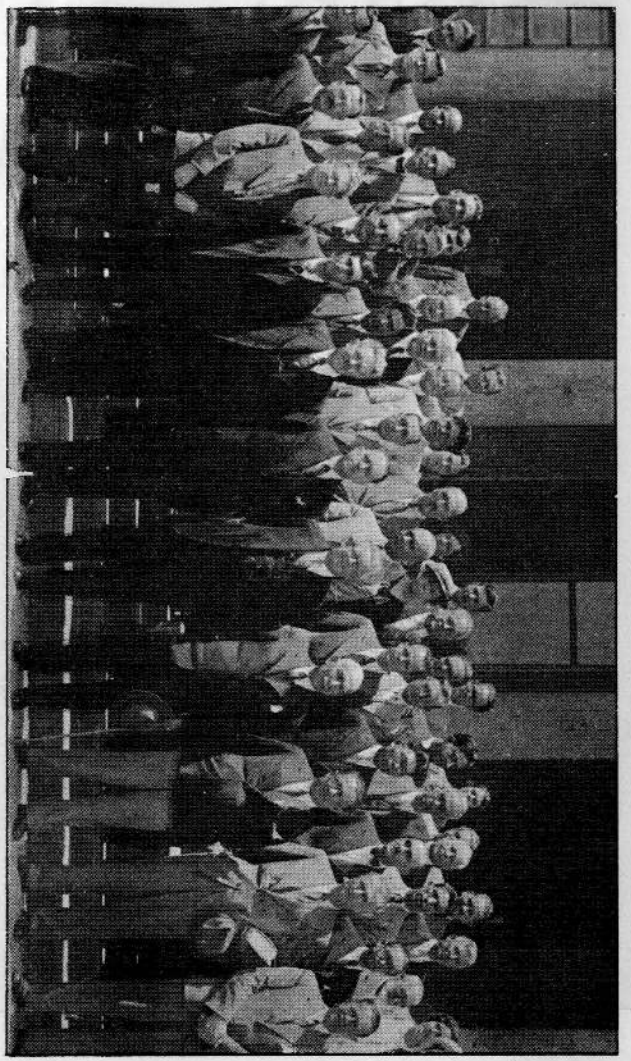

نمایند گان ممالک در پنجمین کنفرانس بین‌المللی عرفانی : ـ ع ، ج محمد حیدرخان نمایندهٔ دائمی افغانستان در جامعهٔ ملل وص عبد القیوم خان منشی نمایند گی افغانی د دران شامل میباشند

La 5è. conférance internationale de cooperation intellectuelle à Génève le délégué afghan est marqué par un croix.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مذکور شامل گردیده ازطرف حکومت افغانستان نمایندگی کرده است .

۱۴ ـ کنگرهٔ سندات عمومی بین المللی بتاریخ ۲۴ اسد ۱۳۱۶ (۱۶ اگست ۱۹۳۷) درپاریس منعقدشده وازطرف حکومت افغانستان کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بکنگرهٔ مذکوره بصفت نمایندهٔ (اوبسرواتور) معرفی وشامل گردیده است .

۱۵ ـ بتاریخ پنجم سنبله ۱۳۱۶ (۲۸ اگست ۱۹۳۷) کنگرهٔ علم تاریخ درسوریك (سویس) بعمل آمده ونمایندهٔ دائمی افغانستان درجامعهٔ ملل ، بامر مرکز درکنگرهٔ متذکره شمولیت ورزیده از طرف حکومت خویش تمثیل کرده است .

۱۶ ـ بتاریخ ۵ سنبله ۱۳۱۶ (۲۸ اگست ۱۹۳۷) الحاق حکومت افغانستان بکنوانسیون عمومی پستی وپارسلات پستی قاهره (منعقدهٔ مورخهٔ ۲۰ مارچ ۱۹۳۴ بوسیلهٔ وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بوزارت امورخارجهٔ حکومت سویس ابلاغ گردیده چنانچه وثیقهٔ الحاق حکومت متبوع مابدفتروزارت امورخارجهٔ سویس قیدوبسائر ممالك عضو کنوانسیون فوق الذکر متحدالمالاً مخابره شده است .

۱۷ ـ هژده همین اسامبلهٔ عادی سالانهٔ جامعهٔ اقوام حسب معمول سنوات گذشته بماه ستامبر ۱۹۳۷ (سنبله ۱۳۱۶) در مرکز جامعهٔ ملل (جینوا) انعقادگردیده وازحضور اشرف ملوکانه ع ، ج ، علی محمدخان وزیرمختار اعلیحضرت مقیم لندن بحیث نمایندهٔ اول ورئیس هیئت افغانی وع ، ج ، محمدحیدرخان نمایندهٔ دائمی اعلیحضرت مقیم جامعهٔ ملل بحیث نمایندهٔ دوم تعین گردیده بالاعتماد نامهای رسمی دراسامبلهٔ عادی مذکوره حضور بهم رسانیده ازطرف حکومت متبوع خویش تمثیل نمودند .

وعلاوةً چون امسال ع، ج فیض محمدخان وزیرامور خارجهٔ افغانستان

برای شمولیت باسامبله عادی جامعهٔ اقوام بجنوارفته نتوانست درکنفرانس های دول چارگانه (افغانستان ، ایران ، ترکیه ، عراق) کدوقتاً درجینوا بعمل می آید وزیرمختار اعلیحضرت مقیم لندن بو کالت وزیر امورخارجهٔ افغانستان شامل گردیده ازطرف حکومت خویش نمایندگی کرده است .

۱۸ ـ اخیراً ازمرکز به نمایندهٔ دائمی افغانستان درجامعهٔ ملل هدایت صادرشده است تاپروژهٔ اعلامیهٔ راجع به تدریس علم تاریخ (تجدیدنظر درمتن های کتب مدرسی) که قبلاً حسب تعمیم مورخهٔ ۱۰ اکتو بر ۱۹۳۶ اسامبلهٔ جامعهٔ ملل پروژهٔ متذکره ترتیب گردیده وپس ازحصول موافقات ممالك اسامبلهٔ جامعه ملل آنرا بتاریخ ۹ میزان ۱۳۱۶ (۱۲ اکتوبر ۱۹۳۷) تصویب وبرای امضای نمایندگان ممالك مفتوح قرارداده بود ازطرف حکومت متبوع خویش امضا نماید .

۱۹ ـ درکنفرانسیکه ازنهم الی بیست وچهارم عقرب ۱۳۱۶ (اول الی ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷) جهت مطالعه وتصویب دونسخه پروژهٔ کنوانسیون منعقده راجع بجلوگیری ازتروریسم « هنگامه جوئی بین المللی » درجینوا انعقاد گردیده بود قبلاً نمایندهٔ دائمی افغانستان متعین جامعهٔ اقوام از طرف حکومت متبوع مابد ار الانشای جامعهٔ ملل نماینده معرفی شده ودرجریان کنفرانس مذکورشامل گردیده تمثیل کرده است همچنین دوپروژه کنوانسیون متذکره نیز فعلادرتحت غورمیباشد .

۲۰ ـ منشی عمومی جامعهٔ اقوام برطبق تصمیم اسامبلهٔ سال ۱۹۳۵ جامعهٔ ملل قوانین راجع بحقوق (اساسنامه های) نسوان را برای غور وتدقیق ازممالك عضو جامعه مطالبه نموده بود حکومت افغانستان نیز حقوق نسوان را ازروی قوانین شرعی استنباط نموده وبه ماه جدی ۱۳۱۶ (دسمبر ۱۹۳۷) بوسیلهٔ نمایندگی دائمی خویش بجامعه فرستاده است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمایندگان افغانی که بکنفرانسها وکنگرهای بین المللی فوق الذکر شمولیت ورزیده اند اکثر بعداز انحلال کنفرانسها و کنگره های متذکره راپورتهای مفصلی مبنی برمرام و صورت جریانات مجالس مذکوره بمرکز فرستاده اند وازطرف شعبهٔ مجلس اقوام وکنفرانسهای وزارت امور خارجه راپورت های مزبوره (آنچه واصل شده است) برای استفادهٔ دوائر ذیصلاحیت مربوط آن توزیع وتقدیم شده است .

مزید بران مسئلهٔ الحاق بکنوانسیون منعقدهٔ لاپی (سال ۱۹۳۰) راجع به تابعیت باپروتوکولهای منضمهٔ آن و کنوانسیون منعقدهٔ کنفرانس تاریخی ۲۳ جون ۱۹۳۶ کمیتهٔ مشاورهٔ تریاك راجع بجلوگیری ازتجارت نامشروع ادویهٔ مخدره و هکذا بعضی توصیه جات و کنوانسیونهای منعقدهٔ کنفرانسهای سالانهٔ دائرهٔ بین المللی کار نیز در تحت غور دوائر ذیصلاحیت حکومت میباشد .

ب ـ معاهدات جدیده :

۱ ـ پیمان سعدآباد بین دول چهارگانه افغانستان ، ایران ، عراق ، ترکیه بتاریخ ۱۷ سرطان ۱۳۱۶ مطابق ۸ جولائی ۱۹۳۷ درقصر سعدآبادطهران بین وزرای خارجیهٔ دول مذکوره امضاء گردید بعداً درین اواخر مطابق مقررات قانون اساسی ازتصویب مجلسین عالی شورا واعیان گذشته به صحهٔ مبارك اعلیحضرت همایونی موشح گردیده وبتلگرامهای تبریکیه بوزرای خارجه دول مذکوره اطلاع داده شد.

۲ ـ قرارداد نفت دربین افغانستان وانلند اکسپلوریشن کمپنی امریکائی که بتاریخ ۳۱ حمل ۱۳۱۶ دربرلین توسط ع،ج، فیض محمدخان وزیر امور خارجه امضا گردیده بود مصدقه های قرارداد وپروتوکل طرفین بتاریخ ۲۸ جدی ۱۳۱۶ در کابل بین ع،ص، عبدالحمید خان

معین وزارت خارجه و آقای (ویویان) عضو کمپنی مذکور تعاطی شده مراتب آن طی گردید .

۳ـ مصدقه های معاهدهٔ مودت بین افغانستان ودولت لائبریه بتاریخ ۱۸عقرب ۱۳۱۶ درپاریس بین والاحضرت افخم سردار شاه ولیخان وزیر مختار اعلیحضرت درپاریس ونمایندهٔ دولت لائبریه تعاطی شد .

٤ ـ معاهدهٔ مودت که دربین افغانستان ودول متحدهٔ جمهوریهٔ برازیل درسال ۱۳۱۱ درانقره بین ع،ج، سلطان احمدخان سفیر کبیراعلیحضرت درآنجا وسفیر برازیل در انقره امضاء گردیده بود مصدقه های آن بتاریخ ۲ جدی ۱۳۱۶ درپاریس دربین نمایندهٔ مذکور و والاحضرت افخم سردار شاه ولیخان وزیرمختار اعلیحضرت درپاریس تبادله گردید .

۵ ـ معادهٔ مودت بین افغانستان ودولت چکسلواکیه بتاریخ ۲۰ میزان ۱۳۱۶ درپاریس بین والاحضرت افخم سردار شاه ولیخان وزیر مختاراعلیحضرت درپاریس وسفیرچکوسلواکیه درپاریس امضاء گردید.

٦ ـ موافقهٔ قرارداد کمیسرهای سرحدی افغانستان وایران، الی اخیر ۱۳۱۶ تمدید شد.

۷ـ پروتوکل تجارتی بین افغانستان وچکسلواکیه دربرلین بتاریخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۳۷ بین ع،ص، عبدالمجید خان رئیس بانك ملی و سفیر دولت چکوسلواکیه امضاء گردید .

۸ـ معاهدهٔ مودت وتشریك مساعی منعقدهٔ ۲۵ می ۱۹۲۸ بین افغانستان ودولت جمهوریهٔ ترکیه ، برای ده سال دیگر تمدید وپروتوکل تمدیدیهٔ آن بتاریخ ۱۰ جدی ۱۳۱۶ درانقره بین ع،ج،سلطان احمدخان سفیر کبیر اعلیحضرت درترکیه وع،ج، توفیق رشدی آراس وزیر امور خارجهٔ جمهوریهٔ ترکیه امضاء ومراتب قانونی خودرا طی نمود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۹ ـ قرار داد های پستی وتلگرافی ورادیو تلگرافی بین افغانستان وشوروی وافغانستان وایران وقرار داد معادن باالمان هنوز درتحت اجراءآت است .

ج ـ اجراءآت مزیده :

۱ ـ کورس حقوق عمومیه دول که درجریان سال ۱۳۱۵ دوام داشته ودرثور ۱۳۱۶ امتحان شاملین آن گرفته شد ۴۳ نفر کامیاب برآمدند .

۲ ـ درسال جاری کورس حقوق خصوصیهٔ دول ودورهٔ شش ماه اول آن (حقوق تابعیت) تمام شده درامتحان ۳۹ نفر کامیاب گردیدند .

تبصره : علاوتاً بعدازاختتام شش ماه اول کورس حقوق خصوصیه دول سه کورس دیگر مربوط بعلوم سیاسی دائر شده که ازین قرار کورسهای سیاسی وحقوق قرار ذیل است .

۱ ـ حقوق خصوصیه دول (حقوق تابعیت، شرایط خارجی ها واختلاف قوانین)

۲ ـ معلومات سیاسیه ۳ ـ تاریخ سیاسی ٤ ـ تمام شعب جغرافیا .

مقرریها وترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت امورخارجه :

ع ، ص عبدالحمید خان «عزیز» سابق مدیر عمومی تشریفات ترفیعا به معینی وزارت امور خارجه .

ع ، نجیب الله خان سابق معاون شعبهٔ کانفرانسها ترفیعا بمدیریت عمومی سیاسی .

ع ، محمد اکرم خان سابق مدیر شعبهٔ شفر ترفیعا بمدیریت عمومی تشریفات .

ع ، عبدالرؤف خان سابق مدیر شعبهٔ مطبوعات ترفیعا بمدیریت عمومی اداری .

ص ، عبدالوهاب خان سابق سر کاتب سفارت کبرای افغانی درانقره ترفیعا بمدیریت شعبهٔ شرق .

ص ، محمد سلیمانخان معاون شعبهٔ شفر ترفیعا بمدیریت شعبهٔ مذکور .

امور داخله

امور امنیت عمومیهٔ مملکت وانضباط اداری که ازوظائف اساسیهٔ وزارت داخله بشمار میرود و درین سال بیش از پیش اطمینان بخش بوده ، و از اثر مجهودات نائب الحکومه ها و حکام محلی امنیت درسر تاسر مملکت حکمفرما وعلاوتا چنان ترتیبات درستی برای تحکیم مبانی رفاه عامه گرفته شده که از هرجهت امور مملکتی و انتظامات اداری بصورت صحیح جریان نموده ودرعین حال ملت به رفاهیت تامه بسربرده است ، خلاصهٔ اجراآت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت داخله قرارذیل است :ـ

شعبهٔ پولیس :

۱ : ـ سفارش واخذ تدابیر جهة تحکیم وقیام امنیت عمومیه مملکت چنانچه از ملاحظه احصائیهٔ واقعات جرائم درین سال واضحا معلوم میگردد که در سر تا سر مملکت امنیت کلی بوده (و یگانه واقعهٔ قابل ذکر عبارت از تجاوز یك عده اشرار برتهانهٔ جانی خیل کتواز بوده که در ماه سرطان رخ داده و بفضل خداوندی واقدامات موثر و بموقع حکومت اشرار مذکور سر کوبی فوری یافته واقعه مذکور خاتمه پذیرفت) .

۲ : ـ در تعلیمگاه پولیس که در مرکز برای تحصیل تعلیمات عصری درسال ۱۳۱۵ تاسیس و تشکیل شده یك عده متعلمین ازصنف ضابطان وخورد ضابطان وصلاح اندازان ازتمام قوماندانیهای کوتوالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

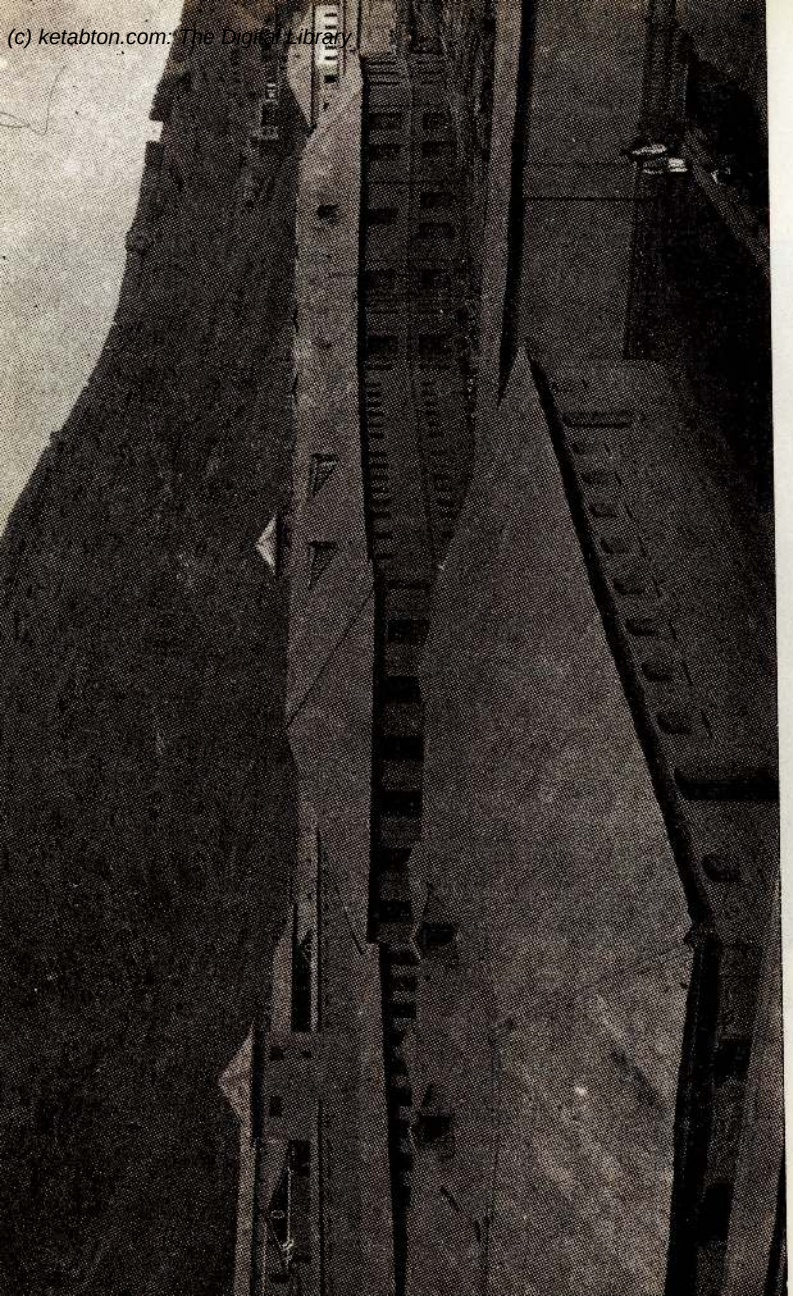

از عمرانات سال ۱۳۱۶ قوماندانی کوتوالی ولایت کابل : الحاقات محبس دهمزنگ
Les annexes des bâtiments de la prison centrale à Kaboul

ولایات وحکومات اعلی شامل آن شده بودند درین سال نصاب تعلیمیه خود را تکمیل و دورهٔ تعلیمگاه را طی کرده شهادت نامه حاصل و بمناصب و رتبه ها نائل گردیدند .

۳ : ـ برای تنظیم دوره ثانی تعلیم گاه پولیس درین سال ترتیبات درستی زیر نظر بوده چنانچه برای انتظام و توسعهٔ وسیع تر امور تعلیماتی و تدریسی آن یکنفر معلم المانی آقای (ماثر بایر) مستخدم گردیده است از حالا برای انتظام و تدویر امور تعلیمگاه و تدوین نصاب دروس آن داخل اقدامات است .

٤ : ـ تشکیل یك مدیریت بنام مدیریت ترافیك درقوماندانی کوتوالی مرکز برای انتظامات جاده ها و امور وسایل نقلیه که تشکیل فعلیه مدیریت مذکور عبارت است ازیکنفر مدیر بدرجه کندکمشر که درحین حال سرمفتش نیزمی باشد ویکنفر معاون برتبهٔ تولیمشر بحیث مفتش ویکنفر سرکاتب ویکنفر کاتب اول و یکنفر کاتب ۲ و یکنفر تحویلدار منظور گردیده ایفای وظائف معابر و وسائط نقلیه را بصورت عصری زیر نظر و مطابق اصولنامه مخصوصهٔ آن بدست اجرا گرفته اند .

٥ : ـ تشکیل یك بلوك سوار و یك بلوك پلیس پیاده بایسکل سوار و اسپ سوار تفنگچه دار جهة نوکری والای حضور شاهانه .

٦ : ـ تشکیل چهار پهره پلیس ومحافظ برای پهرهٔ مواضع لازمه در شهر کابل .

۷ : ـ استخدام یك تعداد نفری با سواد برتبهٔ دلگی مشری و یك تعداد نفری سائر برای تولی اطفائیه قوماندانی کوتوالی مرکز .

۸ : ـ تزئید قوه ضابطه و صنف کوتوالی حکومتی کلان غزنی .

۹ : ـ تشکیل قوه ضابطه برای دوحکومتی جدیدالتشکیل پنجوائی

(c) ketabton.com: The Digital Library

امور مربوط بمسایل حقوقی و ممر عایدات آن درین سال تر تیبا تی درستی اتخاذ وتوجه شده است .

۱۴ : ـ تهیهٔ یك تعداد موتر های تانك جهته آب پاشی و غیره دربست قوماندانی کوتوالی کابل .

تشکیلات جدید و تغیر و تبدیل تشکیلات ملکیه :

الف : مربوط ولایت کابل :

۱ : ـ حکومت درجه ۳ کوهدامن مربوط حکومت کلان شمالی نظر بوسعت آن بحیث حکومت درجهٔ اول منظور شده است .

۲ : ـ یك حکومت درجهٔ ۲ جدید التشکیل ومربوط حکومت کلان غزنی منظور شده است .

ب : ولایت قندهار :

۱ : ـ علاقه داری پنجوائی مربوط حکومت درجهٔ اول دندنظر بموقعیت آن بحیث حکومت درجهٔ ۲ مربوط ولایت مزبور منظور شده .

۲ : ـ علاقه داری ارغنداب حکومت درجه ۲ « « « « .

ج : حکومتی اعلای مشرقی :

۱ : ـ علاقه داری پچیروآ گام مربوط حکومت درجه اول خوگیانی جدید منظور شده است .

۲ : علاقه داری چپر هار مربوط حکومت درجه اول رودات جدید منظور شده است .

۳ : ـ علاقه داری بهسود مربوط حکومت درجه اول سرخ رود جدید منظور شده است .

د : حکومتی اعلای فراه :

۱ : ـ علاقه داری خاشرود مربوط حکومت درجه ۲ بکواه جدید منظور شده است .

مقرریها و ترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت داخله :

۱ : ع ، ع ، ص محمد کریم خان سابق مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه بحکومت اعلای فراه .

۲ : ع ، ع ، محمد اسمعیل خان سابق مدیر شعبهٔ شرق وزارت خارجه بوکالت حکومتی کلان شمالی .

۳ : ع ، ش ، عبدالاحد خان سابق فرقه مشر هرات بحیث قوماندان عسکری و حاکم کلان غزنی .

۴ : ع ، ع ، محمد اختر خان سابق کمیسار اندخوی بحکومت کلان بادغیسات .

۵ : ع ، ع ، عبدالله خان حاکم درجه اول بهسود ترفیعا بحکومت کلان دایزنگی «

۶ : ع ، ع ، عبدالعلی خان سابق مدیر شعبهٔ برق وزارت فوائدعامه بوکالت حکومت کلان لوگر .

۷ : ص محمد نبی خان به مدیریت تحریرات ولایت قطغن وبدخشان .

امور عدلیه

امور عدلیه از توجهات قیمت دار ذات ملوکانه و جدیت وزارت عدلیه و عموم قضات که به کمال وظیفه شناسی و پاك نفسی کار کرده اند ، در سر تا سر افغانستان بکمال انتظام و مطابق

(c) ketabton.com: The Digital Library

شریعت مقدس محمدی (ص) جریان نموده و موجبات رفاهیت عامهٔ طبقات ملت را فراهم کرده است . خلاصهٔ اجراآت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت عدلیه قرار ذیل است :

۱ ـ وزارت عدلیه اقدامات بسیار جدی برای تعمیم نکاحنامه و باقی وثائق شرعی به عمل آورده و بتمام شعب مربوطه تاکیدات زیاد نموده تانسبت به فروش نکاح نامه ها حسب هدایات سابقه متوجه بوده معاملات واردهٔ محاکم را داخل وثیقه شرعی بدارند تا از یکطرف در عایدات دولت افزونی رخ بدهد و از طرف دیگر دامنهٔ دعاوی و نزاع ها کوتاه بشود ، چنانچه از اثر اقدامات جدی وزارت عدلیه که در سر تا سر افغانستان به عمل آمده در سال ۱۳۱۶ فروش نکاحنامه و سائر وثائق شرعیه نسبت به سال ۱۳۱۵ (۳) فیصد ونسبت به سالی ۱۳۱۴ (۶۱) فیصد زیاد شده و بالمقابل تاجائیکه از ملاحظهٔ احصائیه ها معلوم میشود تعداد دعاوی روز بروز در تقلیل میباشد .

۲ : وزارت عدلیه تصمیم گرفته که ازین پس مضمون وثائق شرعیه ازقسم قباله و وکالت خط وحجت و تملیك وغیره متحدالشکل بوده به استثنای بعضی کلمات قابل تغیر باقی مضامین وثائق مذکور طبع گردد و همانطور مطبوع بفروش رسیده درموقع استعمال جاهای قابل تغیر را پرکنند.

این ترتیب از اشتباهات و مشکلاتی که از رهگذر صحیح نبودن مضامین وثائق شرعیه پیش میشد ، جلوگیری و در عین حال زحمت مراجعه کنندگان را بایستی توسط کاتبان مخصوص وثائق خویش را می نوشتند وحق الزحمه میدادند ، تخفیف یافته است .

ازمقرریها وترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت عدلیه:

۱ ـ ف ، مولوی فضل کریم خان به قضای محکمه ابتدائیهٔ ریزه کوهستان
۲ ـ « ، ملا پاینده محمد خان « « « غوربند
۳ ـ « ، « حمدالله خان « « « حکومتی کلان قلات
۴ ـ « ، « محمد نبی خان « « « کشك نخود
۵ ـ « ، « لعل محمد خان « « « ترنك و جلدك
۶ ـ « ، « عبدالواحد خان « « « غورك خاکریز
۷ ـ « ، « عبدالعلیم خان « « « زمین داور موسی قلعه
۸ ـ « ، « محمد فاضل خان « « « او به هرات
۹ ـ « ، « عبدالرؤف خان « « « حضرت امام صاحب
۱۰ ـ « ، « سید حسین خان « « « وا خان
۱۱ ـ « ، « عبدالحکیم خان « « « رستاق
۱۲ ـ « ، « سیدعثمان خان « « « قندوز
۱۳ ـ ف ، مولوی غلام حیدرخان به قضای محکمه ابتدائیه لندی سین
۱۴ ـ « ، ملا جمعه خان « « « جدران
۱۵ ـ « ، مولوی شیرحسن خان « « « اندخوی
۱۶ ـ « ، محمد حسن خان « « « پنبتون کوت
۱۷ ـ « ، ملا نورالحق خان « « « مرافعه مرکز فراه

امور مالیه

امور مالیه که یکی ازاساس های مهم امور اقتصادی وپیشرفتهای مدنی را تشکیل میدهد همانطوریکه طرف توجه حکومت متبوعهٔ ما واقع میباشد در ین سال نیز پیشرفتهای خوبی کرده و از یکطرف امور

(c) ketabton.com: The Digital Library

دفترداری و محاسبه انتظام درستی را حاصل و ازطرف دیگر در ممر عایدات دولت رویهمرفته نسبت بسال ۱۳۱۵ بقدر (۲) فیصداضافه گی بعمل آمده خلاصه اجراآت مهمهٔ سال۱۳۱۶ وزارت مالیه قرارذیل است .

۱ـ تشکیل وزارت مالیه نظر به تقاضای اصول جدید محاسبات تغیر و تعدیل یافته تشکیل وزارت در تحت دو مدیریت عمومی ،

مدیریت عمومی محاسبه و کنترول ـ مدیریت عمومی اجرائیه ویك مدیریت تفتیش ویك مدیریت تصفیه شهریه (که این دو مدیریت اخیرالذکر راسا بمقام وزارت مربوط است) در آمده است .

۲ ـ تهیه و نشر یك سلسله مسکوکات ۲۵ پولی که در اروپا از نکل ضرب شده و اخیراً در معرض داد وستد قرار گرفته است .

۳ ـ اجرای یك سلسله تفتیشات نسبت به اجراآت امور مالی در ولایات وحکومات اعلی .

٤ ـ تشویق واقدامات برای آباد و مزروع ساختن اراضی و بست مالیه نسبت بزمین های نو آباد . (چنانچه تنها در ولایت کابل بطول سال ۱۳۱۹ (۱٤۳٦۱) جریب زمین نو تحت زراعت آمده و دران بست مالیه بعمل آمده است) :

مقرریها و ترفیعات سال ۱۳۱٦ وزارت مالیه .

ع ، محمدانور خان مدیر عمومی بودجه بمدیریت عمومی اجرائیه .

« ، محمدنعیم خان مدیر شعبه (تصفیه شهریه) وزارت مالیه بمستوفیت قندهار .

ص ، محمدعثمانخان ترجمان مشاور مالی بحیث مدیر ابتدائی .

عزتمند موسیو منچولی مشاور وزارت مالیه بحیث رئیس .

امورمعارف

امور معارف در سال ۱۳۱٦ نسبت بسالهای گذشته مظهر توجهات زیاد گردید . همینکه سال نو بروی کار آمد ، کوچکترین ماشین معارف رنگ ورونق دیگری بخود گرفت قوای تازه ، تشکیلات جدید ، پروگرامهای عمیقی دران پیش بینی شد . حکومت معارف پرور قوای جوان ، دماغهای فعال ، دستهای توانا ، مواد گرانبهائی دران اضافه فرمود .

نخستین توجهی که حضور همایونی درباب معارف احسان فرمودند همانا بعد از انفکاك عالیقدر جلالتمآب سردار احمد علیخان ازوزارت معارف بسمت سفارت کبرای طهران ، معین اول وزارت خارجه عالیقدر جلالتمآب سردار محمد نعیم خان که با فضل و دانش و فعالیت امتیاز داشته ، بوزارت معارف عز تقرر یافت این جوان زکی ، عاقل و فضیلت پرور در اواخر حمل با تمام قوی و دانش خود در ظرف چند روز بامور معارف غور و ملاحظه کرده پروگرام وسیعتری در پیشرفت علم و فن سنجیده راه ترقی عرفان مملکت را دریافته فوراً در عملی ساختن آن اقدام کرد .

در دوم ثور ۱۳۱٦ مجلسی مرکب از تمام وزراء ، اعیان ورجال بزرگ علم و فن درعمارت سینما منعقد شد . همه معلمین و شاگردان مکاتب و مأمورین معارف نیز دران شامل شدند .

وزیر جوان پروگرام مرتبهٔ خود را در محضر عموم بیان فرموده که عماید آن مواد ذیل بود :

(c) ketabton.com: The Digital Library

٦ـ بالاخره درترمیم بنا های موجوده و تعمیر بنا های مکاتب و مدارس جدیده از همین روز اقدامات درست بعمل آورده شود تا مفهوم تعلیم و تربیه در نظر طفل و رشید معاصر معلوم شود که موسسات عرفانی از ماده و شکل هر دو بعمل میآیند .

اینك در داخل همین شش مادهٔاساسی اقدامات کرده‌شد و قدم اول به اصلاح و تعدیل دوائر مرکزی سابق و تاسیس دوائر دیگرکه عصر اقتضای آن را بکند بعمل آمد . طوریکه در قسمت تشکیلات وزارت معارف دیده میشود علاوه بر ریاست تعلیم و تربیه که دران وسعت واهمیت جداگانه بخشیده شده است امورتدریسات وتفتیش که سابق درضمن یك مدیریت بامور مامورین ومعلمین یکجا اداره میشد ، ریاست تدریسات جداگانه ، ریاست تفتیش جداگانه ، مدیریت مامورین ومعلمین علیحده‌تشکیل گردید. خاصةً مدیریت صنائع : مدیریت سپورت وحفظ الصحه ومدیریت تعمیرات درهمین سال تشکیل یافت . ماموریت اوراق بمدیریت ارتقاومدیریت محاسبه بمدیریت کنترول ومدیریت تنظیمات بمدیریت اجرائیه تبدیل یافت .

بعداز آن تعمیم وتزئید مکاتب ابتدائی بنظر گرفته فوراً بتاسیس تقریباً هشتاد مکتب ابتدائی ترتیبات لازمه روی کار آورده شد . ازین تدابیر لازمه اولاً به تشکیل یك دار المعلمین مستعجل ابتدائی آغاز گردید شاگردان این کورس را از تعلیمیا فتگان ولایات ومرکز انتخاب وهمه لوازم تحصیل وسامان ضروری ازداخل وخارج تهیه گردیده دراوائل برج اسد دارالمعلمین مذکور بکار تعلیم وتربیهٔ

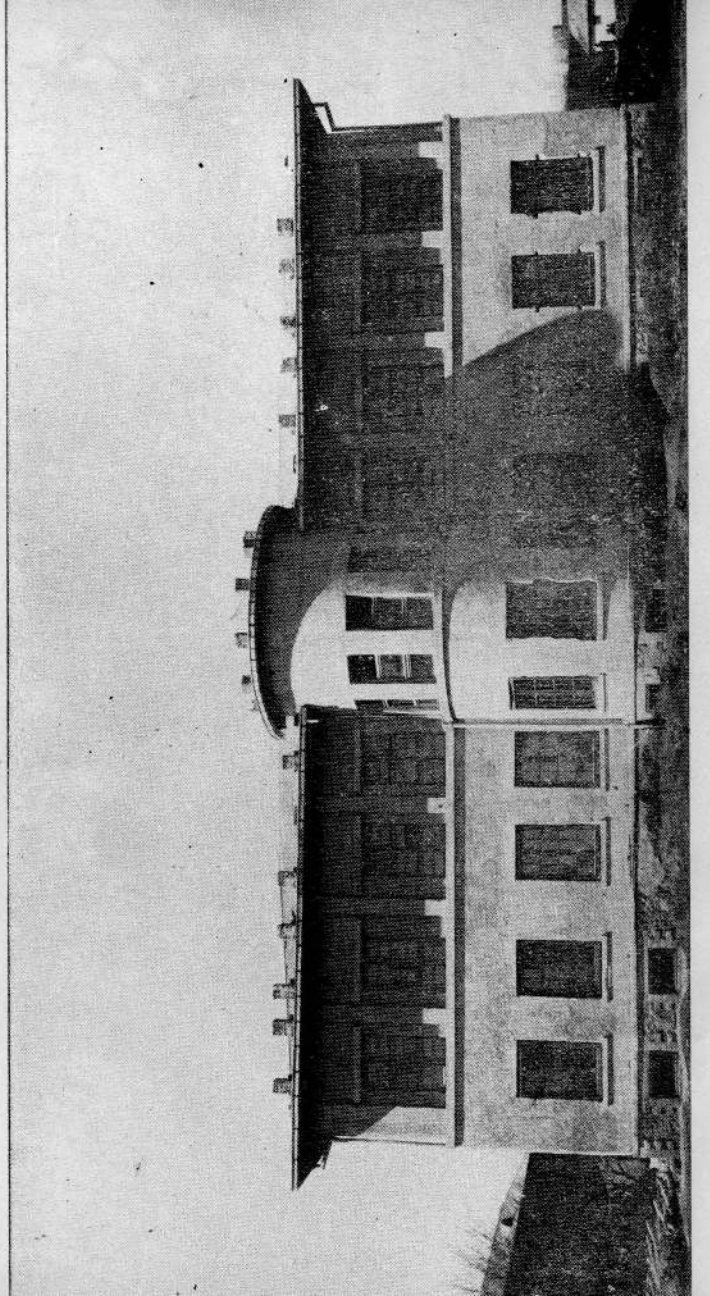

از عمرانات جدید وزارت معارف در کابل : تجربه خانهٔ کیمیا واقع باغ عمومی
Laboratoire de chimie nouvellement construit à Kaboul

(c) ketabton.com: The Digital Library

خود قدم نهاد درین کورس چهارصد وپنجاه نفرشامل شده تصور شد که از روی پروگرام مصوبه درآخربرج دلویعنی درظرف هفت ماه تقریباً چهارصد نفر معلم ابتدائی اصولدان تربیه کرده بمناطق خود شان بوظیفهٔ معلمی مقرر کرده شوند . درحقیقت چنین شد. این دسته معلمین جوان وطن پرور بجریان امورهشتاد مکتب موظف گردیدند که رویهمرفته وزارت معارف دارای یکهزار معلم آنی گردید . طبیعی است که وزارت معارف درباب این کورس درحدود لك ها روپیه تخصیصات جداگانهٔ وبنا های معتنائی برای آن مشخص کرد .

این نکتهٔ مهم رانیز درینجا باید گفت که یکی از نواقصی که دورهای گذشته ازاصلاح آن غفلت ورزیده زبان ملی بود . ازین غفلت دربنیان اجتماعی رخنهٔ بزرگی واقع بود و روز بروز این رخنه مملکت را ازحیث حرث وحدت ملی مجزی میداشت ، این مرض را اعلیحضرت نادر شاه شهید حس کرده روی آن نظر رجال وفضلا را متوجه ساخته بود . همینکه دور زمامداری اعلیحضرت محمد ظاهر شاه رسید روی این مرض معاینه وتشخیص عمیقی بعمل آمد بالاخره قرار یافت که دراصلاح این نقیصه پلانها و نقشه های جدی بروی کار آورده شود . بهترین این نقشه ها همین شد که تدریس زبان ملی از یکطرف درخارج مکاتب میان مامورین بواسطهٔ کورس داخل شود و از طرف دیگر از صنف اول مکاتب ابتدائی شروع کرده متدرجا هر سال یك دورهٔ تحصیل بزبان ملی تبدیل کرده شود . بالاخره

در ظرف دوازده سال تمام صنوف ابتدائی ، رشدی ، و اعدادی زبان تدریس خود را از فارسی مستغنی بکنند . همین بود که درتنظیم پروگرام دارالمعلمین مستعجل بزبان ملی اهمیت جداگانه داده شد راجع بتوسیع این مفکوره و صورت اجراآت آن در پایان تفصیل خواهیم داد .

در تاسیس مکاتب ابتدائی اولا بنای صحی و تربیوی ، ثانیا معلم اصولدان ، ثالثا کتاب ووسائط تعلیم درنظر گرفته شد. این سه مسئله بسته بیودجه بود . لذا بودجهٔ معتنابی در فصل تزئید مکاتب و تعمیم معارف تخصیص یافت . ازینرو در هرنائب الحکومگی دوازده ، پانزده و در هر حکومتی اعلی هفت الی ده مکتب ابتدائی که رویهمرفته هشتاد مکتب ابتدائی بود تقسیم گردید . نائب الحکومه ها وحکام اعلی در همین سال شروع بتعمیر بعضی از بناها آغاز کردند و توسط هیئت فنی فوراً پلان صحی و تربیوی آن ساخته بمراجع مربوطه سپرده شد . برای مصارف بنای هر مکتب یك اندازه پول تخصیص داده شد . برینوجه زمینه برای تاسیس مکاتب بعد از ابتدائی نیز حاصل شد . این بود که مکتب های متوسطه (رشدی سه ساله) در بعضی از حکومات اعلی و مکاتب رشدی که متدرجا بپایهٔ اعدادی میرسد در مرکز بعضی از ولایت های دیگر نیز تشکیل یافت . و در ضمن این اقدامات در اوائل ثلث اول امسال انجمن ادبی پشتو و انجمن ادبی کابل یکجا گردانیده بنام (پښتو ټولنه) در تشکیلات آن وسعت بخشیده شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

این انجمن در تحت یك مدیر عمومی ، مدیریت تالیف و ترجمه مدیریت ادبیات (فوکلور) مدیریت نشریات و مدیریت لغت تشکیل گردید . چنانچه در مقالهٔ پښتو ټولنه مطالعه می شود .

در تشکیل جدید پښتو ټولنه پیشتر از همه تعمیم و تکامل زبان ملی بنظر گرفته شد. چونکه فرمان همایونی دوازدهم عقرب سنه ۱۳۱۵ را با فرمان مبارك صدارت عظمی مورخهٔ ۲۱ حمل ۱۳۱۶ که به وزارت معارف شرف صدور بخشیده بود بعد از مذاکرات و تدقیقات در اطراف پیشرفت این مقصد قرار یافت که اولاً تمام طبقات مامورین افغانستان در ظرف سه سال در ضمن کار های رسمی و دولتی به آموختن زبان ملی موظف باشند. لذا پروگرام بسیطی برای تشکیل کورسهای زبان در همهٔ دوائر مرکز ساخته شد. کتابهای متعددی از طرف اهل قلم و زبان تالیف گردید وبعضی ازین کتابها انتخاب شد که درین کورسها تدریس کرده شود و یکدسته معلمین گماشته شد که بتعلیم آن بپردازند. برینوجه درظرف مدت بسیار کم تمام مامورین هر شعبهٔ حکومت و دوائر ملی خواهش کردند که در محیط ایشان نیز کورس جداگانه تشکیل یابد. آنوقت پی در پی کورسها تشکیل گردید معلمین مقرر شدند و شاملین کورس بلا استثنا زانوی تلمذ خم کرده سرگرم آموختن زبان میگردیدند . برینوجه ۲۶ کورس درمرکز و همین قدر دیگر در تمام ولایات جاری گردید ، عجالةً نتیجهٔ این اقدام نکات ذیل است :

۱ ـ احساسات ملی در قلب و دماغ هر فرد افغان بیکدرجه

انکشاف نموده داخل فعالیت شد.

۲ ـ علاوه بر مجلات و اخبار های افغانستان که یکی بعد دیگر ستونهای خبر ومطالب علمی و اجتماعی را بزبان ملی آورده اند در حدود پنجاه کتاب بیشتر در زمینهٔ ادبیات و قواعد لسان و لغت در پښتو نوشته مقدار کافی ازان بطبع هم رسید . کتب ابتدائی نیز به پښتو در آورده شد.

۳ ـ در اثر فکر تشکیل کورسهای پښتو جهت مامورین یك کورس لسان پښتو که دران اصول تدریس وگرامر وادبیات این زبان است نیز تشکیل یافت ، تاتشکیل کورسهای آینده علاوه برمعلمین پښتو که برای مکاتب ابتدائی ترتیب یافته اند پرورش و باینوسیله عنقریب است از احتیاج دور اول معلمین پښتو فارغ و مستغنی بشود .

بعد از ینکه از امور مکاتب ابتدائی قدری اطمینان حاصل شد آن وقت وزارت معارف راجع به پیشرفت فن نیز توجه مخصوصی مبذول داشت . ازآنجمله یك باب مکتب میخانیك باز کرده متخصصین این شعبه را از خارج جلب ومثل شعبهٔ لیتوگرافی صنائع نفیسه ماشین های متعدد وبنای کافی تهیه وتعمیر نمود .

درشعبهٔ زراعت نیز اهمیت مخصوصی داده شد . توسط متخصصین آن اراضی زیادی برای تجربه دربعض منطقه های ولایت کابل تخصیص داده تجربهٔ ابتدائی خود رادرباب هرگونه زراعت مخصوصاً سبزیجات ، گل ها وبقولات بکار انداخت .

کذادر تحصیل عالی نیزباب نوی کشود . یونیورستی افغانستان که

(c) ketabton.com: The Digital Library

دارای یك فاکولتهٔ طب بوده ثمر دور اول خود را امسال باتقدیم دسته اول دکتورها و دواسازهای اصولی وقابل اطمینان وطنی ابراز می نمود هنوز نتیجهٔ مسعود آنرا بدست نیاورده فورا بتاسیس فاکولتهٔ دیگری بنام فاکولتهٔ سیانس اقدام گردید. باینصورت که دورهٔ (پ ، س ، ب) بادورهٔ اول طبی اتحادنموده فارغ التحصیلان امساله دران شامل بگردند. برای پیش بینی این موسسه ازهمگذر بنا نقشهٔ تعمیر بزرگی درنظر گرفته شد . عجالةً ازلا بوراتوارهای پنجگانهٔ فاکولتهٔ طب ولابوراتوار بزرگ مرکزی برای کیمیا ، بیولوژی استفاده کرد و میتوان گفت که درزمرهٔ محصلین عالی که دراروپا ، امریکا ، ترکیه ، جاپان وهند مشغول تحصیل بوده عنقریب از تحصیل خود فراغت یافته بخدمت وطن پس میگردند اطمینان خواهند بخشید ، طبیعی است که باندازهٔ که فارغ التحصیلان عالی مابخدمت وطن برمیگردندبهمان اندازه قرار است که بمراکز مدنی دیگر طلبه فرستاده شود .

درباب آثار عتیقهٔ سال۱۳۱۶ صفحهٔ زرینی بشمار میرود . اگرچه مناطق حفریات تنها درولایت کابل مخصوصاً کوهدامن ، کوهستان تخصیص یافته بود ؛ اما اشیای گرانبها وممتازی که امسال از حفریات بگرام بدست آمد بیشتر موزه های دنیای دیگرازسرمایهٔ آن محروم است . این اشیا اگرچه یادگار صنایع دور قبل المیلاد وحوالی سنوات میلادی بوده لاکن نوع صنعت ومالزمهٔ صنعت بروی عاج وگل ، شیشه . طوری مکشوف گردید که بسا صفحات تاریك مدنیت افغانستان را درعالم تاریخ روشن می سازد .

خلاصه امور معارف طوریکهٔ اجمالاً دربالا تذکر یافت رویهمرفته درسال ۱۳۱۶ قابل اطمینان وحتی جای افتخار میباشد . طبیعی است که این اطمینان افتخار در سایهٔ توجهات حکومت معارف پرور نسبت بهمه سنواتیکه درعصر جدید افغانستان بعمل آمده است زیاد است . چونکه بودجهٔ معارف سالیانه رویهم رفته برای هرطلبه پنجصد افغانی فصل مصرف دارد . این نسبت را هیچ یکی از دول دیگر درباب معارف صرف کرده نمیتواند .

مقرریها وترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت معارف

ع ، ج سردارمحمدنعیم خان سابق معین اول وزارت خارجه ترفیعاً بحیث وزیر .

ع ، ص ، عبدالاحمد خان سابق مدیر اول دارالتحریر شاهی ترفیعاً بحیث معین دوم .

ع ، ص ، هاشم خان شایق سابق معاون ریاست تعلیم و تربیه ترفیعاً بریاست تعلیم وتربیه .

ع ، ص ، عزیز الرحمن خان سابق مدیر تفتیش ترفیعاً بریاست تدریسات .

ع ، ص ، سیدمحمد فارو قخان سابق مدیر مکتب حبیبه ترفیعاً بریاست تفتیش .

ص ، محمدسرورخان سابق سرکاتب شعبهٔ دوم دارالتحریر شاهی ترفیعا بمدیریت مامورین .

ص ، عبدالله خان مامور اوراق ترفیعاً بمدیریت اوراق که جدیداً مدیریت تشکیل شده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

از عمارات مهم مرکزیت
منظرهٔ عمومی یك قسمت از عمارات مکتب عالی استقلال
Une vue des bâtiments du collège Istiklal à Kaboul

ص ، سید عبد الله خان سابق وکیل دار المعلمین ترفیعاً بمدیریت مکتب عالی حبیبیه .

ص ، غلام جیلانیخان جلالی سابق معاون شعبهٔ تالیف وترجمهٔ انجمن ادبی بحیث مدیر معارف ولایت کابل .

ص ، غلام صدیق خان متخصص زراعت بحیث وکیل مدیریت مکتب زراعت

ص ، عبدالغفور خان بحیث مفتش ریاست تدریسات .

ص ، محمد یوسف خان « مفتش ریاست تدریسات .

ص ، عبد القیوم خان « « «

ص ، محمد اسحق خان بمدیریت اجرائیه مکتب صنائع .

عزتمند ، مومال بمدیریت مکتب عالی استقلال .

ص ، فدای احمد خان بمعاونی مکتب غازی .

ص ، محراب الدینخان « مکتب دارالمعلمین .

ص ، مرزا امیر محمد خان سابق سر کاتب مکتب حبیبیه بماموریت اجرائیهٔ انجمن ادبی .

ص ، میرابو طالب خان بحیث منتظم سینما .

ص ، میان حسین خان بحیث منتظم کورس مستعجله .

ص ، محمد طاهر خان بحیث مفتش ریاست تفتیش .

ص ، قربانعلیخان بحیث « « «

ص ، خواجه گلبدینخان بحیث مفتش ریاست تفتیش

ص ، عزیز محمد خان بحیث « « «

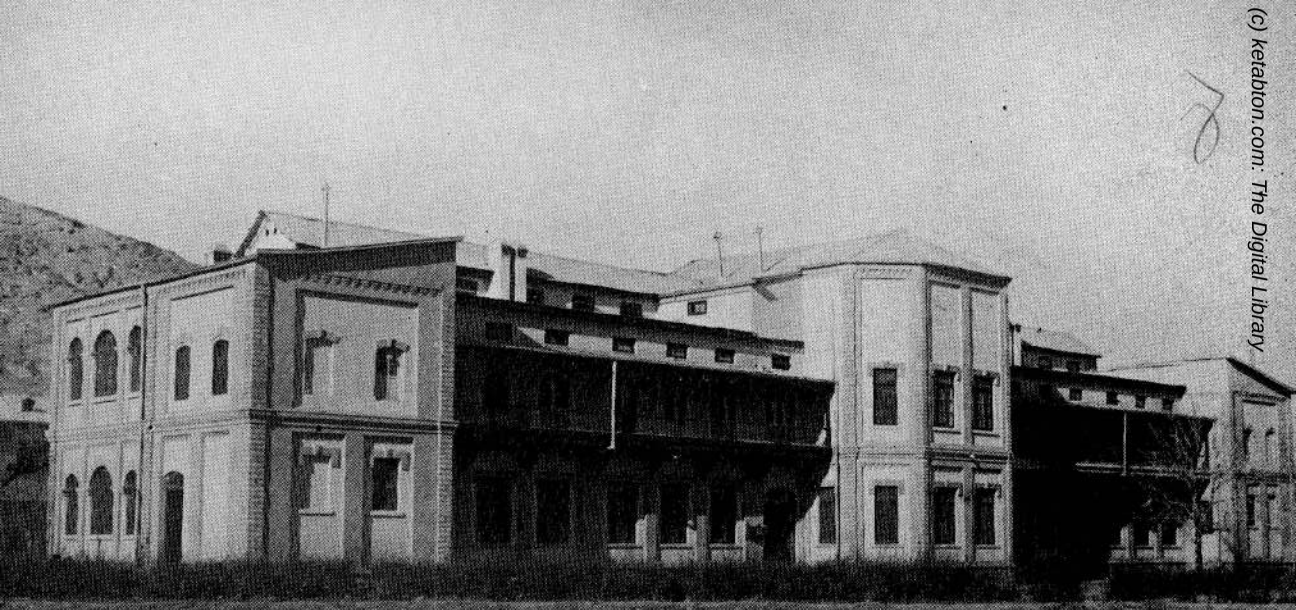

از عمارات مهم مرکز:

منظرهٔ عمومی عمارت مکتب عالی نجات

Vue d' ensemble du bâtiment principal du collège Nidjat à Kaboul

از عمارات مهم مرکز:

یک گوشه از عمارات مکتب عالی حبیبیه

Une Vue de la façade du collège Habibya à Kaboul

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

امور تجارت وصناعت

امورتجارت وصنائع دراین سال نسبت بسالهای گذشته مدارج ترقی خودرا بقدمهای سریع تر وفراخ تری پیموده وچنانچه ازاحصائیه های مرتبه معلوم میشود میزانیهٔ تجارتی بقدر (۵)فیصد نسبت به سال ۱۳۱۵ بلند رفته وهمچنین ازصنائع پیشرفت های خوبی بعمل آمده که خلاصهٔ آن قرار ذیل است :

شعبهٔ تجارتی :

از اثر اقدامات وتشویقات مدیریت تجارتی وزارت تجارت درسال ۱۳۱۶ چند شرکت مفید دیگر که مطابق احتیاجات و مفاد مملکت تشکیل آن ضروری دیده میشد ، تاسیس شده است بشرح ذیل :

۱ـ شرکت عمران : این شرکت دربرج سرطان ۱۳۱۶ تاسیس شده ،منظور ومرام آن فقط معاونت واشتراك مساعی است درامور عمرانی شهر بابلدیهٔ کابل و سرمایهٔ که برای آن قرار داده شده در حدود (۲،۰۰۰،۰۰۰) افغانی میباشد چنانچه درین مدت قلیل شرکت مذکور موفق به ساختمان یك سلسله عمرانات شده است.

۲ـ شرکت ارزاق : این شرکت دربرج عقرب ۱۳۱۶ تاسیس گردیده وشروع بکار نموده است سرمایهٔ ابتدائی آن(۳،۰۰۰،۰۰۰) افغانی است مرکز شرکت ارزاق در کابل است وبه اطراف هم شعبات ونماینده گی ها از خود دارد ، شرکت ارزاق تجارت مواد

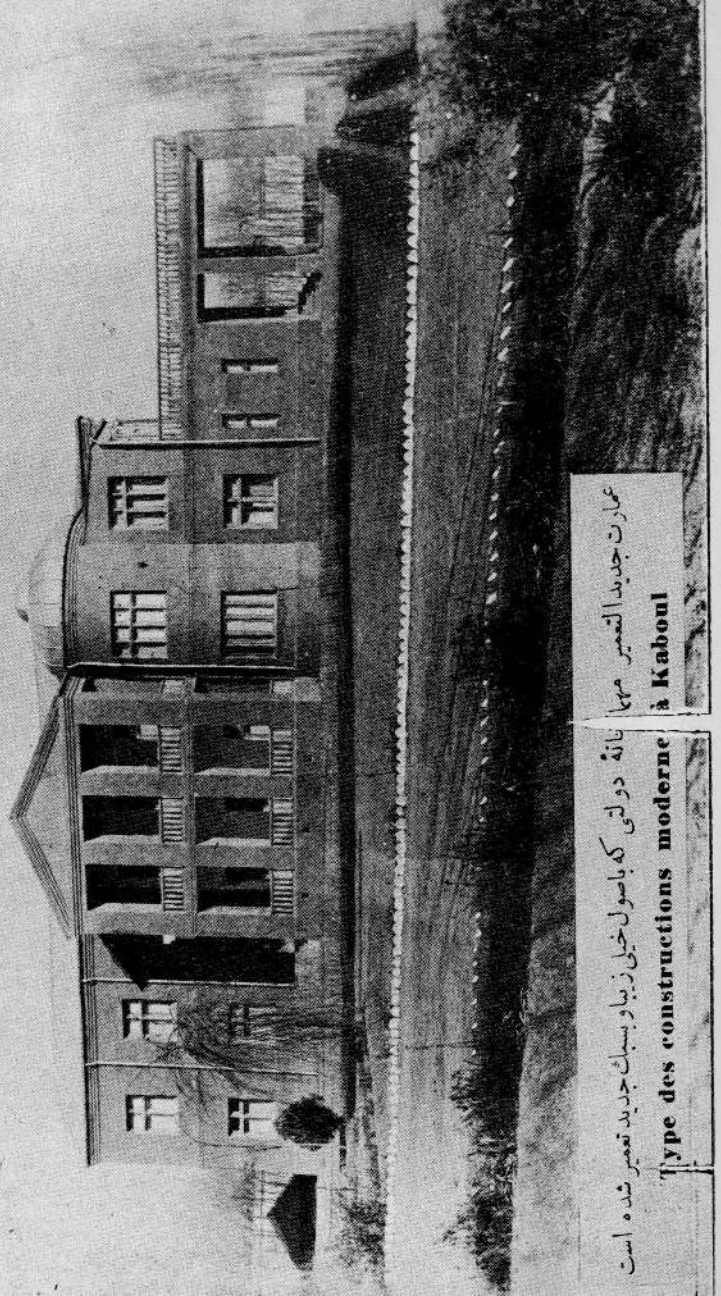

عمارت جدید التعمیر مهمانهٔ دولتی که باصول خیلی زیبا وبسبك جدید تعمیر شده است

Type des constructions modernes à Kaboul

(c) ketabton.com: The Digital Library

ارزاقیهٔ را بالعموم وعجالتاً تجارت ورسانیدن روغن طرف احتیاج مرکز را مخصوصاً درنظر گرفته در عین حال بصورت عمومی تجارت وارداتی وصادراتی را نیز مینماید.

۳ـ شرکت میوهٔ کابل : این شرکت در برج عقرب ۱۳۱۶ افتتاح وسرمایهٔ ابتدائی که برایش قرارداده شده فعلاً (۲،۰۰۰،۰۰۰) افغانی است و کار آن مخصوصاً تجارت صادرات میوهٔ خشك بخارج است مرکز شرکت میوه در کابل و بخارج هم دارای شعبات میباشد و درین مدت قلیل به تمرکز دادن بازار فروش میوه در خارج و همچنین به افزودن نرخ و رفع تجارذات البینی و فروش مقدار کلی میوه جات خشك شده است .

شعبهٔ صنایع و رنگ :

الف : در حصهٔ صنایع :

۱ـ کشفیات طرز و اسلوب صنعتی مصنوعات مروجهٔ وطنی و دریافت عیوب و نواقص آنها .

۲ـ ترتیب فهرست اصناف صنعتکاران وطنی درمرکز ولایات

۳ـ اکتساب معلومات راجع به مخترعین صنعتی افغانی .

٤ـ اصدار دساتیر لازمه بولایات و حکومات اعلی راجع به تشویق ارباب صنعت .به صنایع معموله شان وترویج مصنوعات آنها

ب ـ درحصهٔ رنگ :

۱ـ تاسیس یك کورس برای تعلیم رنگ ریزی وتجربه وتحلیل

رنگ وشمولیت یك عده محصلین برای تحصیل درکورس مذکور .

۲ـ تعلیم اصول رنگ آمیزی (ترکیب وتجزیهٔ رنگهای جوهری) بدونفر ازطلاب معارف وموظف نمودن آنهادرمواظبت وتدقیق رنگهای خارجی بریاست گمرك کابل تارنگهای ممنوعه وارد مملکت نشود .

۳ـ فارغ التحصیل شدن دونفرمتعلمین از کورس رنگ آمیزی وتقرر آنها بفابریکهٔ نساجی جبل السراج وفابریکهٔ پشمینه بافی قندهار بغرض رنگ آمیزی پارچه جات مصنوعه وغیره .

٤ـ استعمال رنگهای پخته وبادوام درپارچه جات مصنوعهٔ محبس دهمزنگ وتعلیم فن رنگ آمیزی بیك عده از محبوسین .

٥ـ جمع آوری نمونه های رنگ های خام وارسال مجموعهٔ (البم) آن بتمام ولایات وحکومات اعلی بغرض عدم تورید رنگهای ناقص .

٦ـ استفاده از رنگهای معدنی با میان و استعمال آن در تعمیرات مختلفهٔ دولتی و ملی وارسال نمونه های آن بخارج .

۷ ـ تکمیل سامان لازمهٔ لابراتوار تجربه خانهٔ رنگ.

ج ـ : درحصهٔ تجارت :

ادارهٔ صنایع و رنگ علاوه بر وظایف خصوصیهٔ خویش موظف به اجرا و انجام امور متعلقه بکنفراس و تریاك و کنترول تجارت ادویهٔ مخدره و واردات و صادرات آن میباشد که با مطابق مقررات بین المللی انجام بگیرد چنانچه درین سال بسلسلهٔ سنوات گذشته درین باره اقدامات زیاد بعمل آمده و از اثر آن تجارت ادویهٔ مخدره مطابق مقررات بین المللی صورت گرفته است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

امور گمرکات :

دراثر توجهات وزارت تجارت و نائب‌الحکومه ها و مساعی عموم مامورین گمرکی عایدات گمرکی در سال ۱۳۱۶ روی هم رفته نسبت بسال ۱۳۱۵ :ـ (۶/۶۸) فیصد افزود شده است بشرح ذیل :ـ

الف :ـ ولایت کابل (۷۳ونیم/۰) فیصد تزئید
ب :ـ « قندهار (۱۲ ونیم/۶) « «
ج :ـ « هرات (۹۰ونیم/۰۰) « «
د :ـ « مزارشریف (۲۲/۴۹) « «
ه :ـ « قطغن‌وبدخشان (۴۰/۸۵) « «
و :ـ حکومت‌اعلای مشرقی (۰۰/۱) « کسر
ز :ـ « « جنوبی (۱/۷۷) « تزئید
ح :ـ « « میمنه (۱۶/۷۱) « «
ط :ـ « « فراه (۱۵/۰) « «

مقرریهای سال ۱۳۱۶ وزارت تجارت :

ع ، ص غلام حیدرخان رئیس گمرک هرات تبدیلا بریاست گمرک کابل.
ع ، خواجه تاج الدین خان وکیل ریاست گمرک کابل بکار پنبه.
ص ، محمدمالك خان به مدیریت مامورین وزارت تجارت .

امور فوائد عامه

امور فوائد عامه که تحت توجه مخصوص حکومت موجوده واقع و برای توسعهٔ آن مساعی بزرگی بخرج داده میشود ، درین سال

بیش از سالهای گذشته انبساط و ترقی کرده و روی همرفته برای تدویر کار خانه جات و امتداد راه ها و تعمیر عمارات عمومیه اقدامات مهم و وسیعی بعمل آمده است .

خلاصهٔ اجراآت وزارت فوائد عامه و نائب الحکومه ها و حکام اعلی و کلان و محلی که در قسمت امور منفعت عموم در سال ۱۳۱۶ بعمل آمده است ، ذیلا تذکار می یابد :

امور معابر : سرك ها و پلها :

الف ، ولایت کابل :

۱ ـ سرك مشرقی که از مهم ترین سرکهای افغانستان بشمار میرود از چند سال باینطرف کار ساختمان آن جاریست در سال ۱۳۱۶ بیشتر مورد توجه واقع و در کار مذکور سرعت مزیدی رخ داده چنانچه امید است در سال ۱۳۱۷ تکمیل و رفت و آمد مابین کابل و جلال آباد و خارج بواسطهٔ آن صورت بگیرد درین سال در خط مذکور علاوه از پخته کاری سرك به تعداد ۱۷ پل و معبر خورد و بزرگ ساخته شده .

۲ ـ تعمیر پل آهنی نجراب که پایه های آن بصورت پخته کاری و آهن های گادر پل و کتاره های آن تکمیل شده تنها فرش پل و دوطرفهٔ سرك باقیمانده طول ـ ۲۵ مترعرض ۵۰ سانتی « ۵متر » بلندی ۳۰ سانتی « ۳ متر »

۳ ـ تعمیر پل آهنی سعدالله شمالی که پایه های آن بصورت

(c) ketabton.com: The Digital Library

پخته کاری و آهن های گادر و غیره آن تمام شده طول ۵۰ متر عرض ۵۰ سانتی ۵ متر .

٤ ـ پل دو آب سیغان ـ دو قنداق دارد مسافه طول ۳۰ متر قنداق های مذکور از سمنت و سنگ و پوشش آن از آهن گادر و کاربسته کاری آن تکمیل ودرسطح پل مذکورتخته نصب وبالای آن چونه و ریگ انداخته شده طول ۲۰۰ متر

۵ ـ پل اول دهنهٔ شکاری ـ دو قنداق دارد قنداقهای مذکور از سمنت و سنگ ساخته شده طول مسافهٔ پل مذکور ـ ۳۰ متر وپوشش آن از آهن گادر وکاربسته کاری آن اکمال گردیده تختهٔ چوبی بالای پل مذکور فرش شده و بالای آن چونه و ریگ انداخته شده طول ٤۵ متر

٦ ـ تعمیر ۱۰ پل دیگر بمقامات بگرامی و دکو و کاریز میر و کشکین و شکر دره و قلعهٔ مراد بیگ و قلعهٔ نو غزنی که هر یك بصورت پخته کاری تکمیل شده .

۷ ـ پخته کاری سرك دهمزنگ بطول ۳ کیلومتر

۸ ـ تعمیر رهایش جاهای معابر حصهٔ ولایت کابل طرف سمت جنوبی ۱۳ رهایش گاه ، طرف سمت مشرقی ۷ رهایش گاه ، طرف سمت مغربی ۲٦ رهایش گاه طرف سمت شمالی ۷ رهایش گاه که جملهٔ آن ۵۳ میشود.

ب ـ ولایت قندهار :

الف : پل هلمند : که بزرگ ترین پلهای افغانستان است وعموما طول آن ـ ۱۲۱٦ متر وعرض آن ٦ متر میباشد وتحت توجه مخصوص و ، ج سردار محمد داؤد خان نائب الحکومهٔ قندهار در سال گذشته

آغاز بساختمان آن شد ، کار پل مذکور خیلی پیشرفت کرده وامید که در سال ۱۳۱۷ افتتاح شود . عمارت دو منزلهٔ مربوطهٔ آن نیز بصورت پخته کاری قریب اختتام است .

ب ـ پل خاشرود : قرار نقشه ۱۰ دهنه ۱۱ متره و یك معبر بطول ۱٦۰ متر و دوجلوه دارد که عبارت از ۹۰ متر وجمله طول پل ٤۰۰ متر شود . این پل نیز قریب اختتام و در سال ۱۳۱۷ افتتاح خواهد شد .

ج ـ سرك قلات : قرار نقشه و براورد مهندس پل ها و پیچك ها و معبرها و بگی پرهای آن جمله به تعداد ۲۰۰ بالغ میشود به خشت و سمنت و چونه پخته کاری شده است .

د ـ ترمیم و جغله اندازی سرك ها : ـ

۱ ـ از قندهار الی حکومتی قلات و از حکومتی مذکور الی کندی پوش وویش مقر که ترمیم کاری و جغله انداخته شده ـ ۲۰۸ کیلو متر

۲ ـ ازقندهار الی حکومتی اسپین پولدك الی ویش .

۳ ـ از قندهار الی حکومتی کلان گرشك و از گرشك الی دلارام .

٤ ـ تمدید سرك جدید خاکریز که بخط سرك ارزگان از حدود جوی لا هوری بطرز فنی از بین دره سیاه الی حکومتی خاکریز تمدید گردیده واز حکومتی الی زیارت شاه مسعود جغله انداخته شده .

۵ ـ احداث سرك: ازقندهار تاسرده درامتداد رودپاتاو بطول ۱۰ کیلو متر .

ج ـ ولایت هرات :

۱ ـ پُنتون پل که یکی از پلهای بزرگ افغانستان و بعوض پل مالان در نزدیکی هرات بسر راه فراه و هرات ساخته شده ، دارای ۱۰ ـ متر عرض و ٦ کمان ۱۵ متره میباشد و علاوه برخود

(c) ketabton.com: The Digital Library

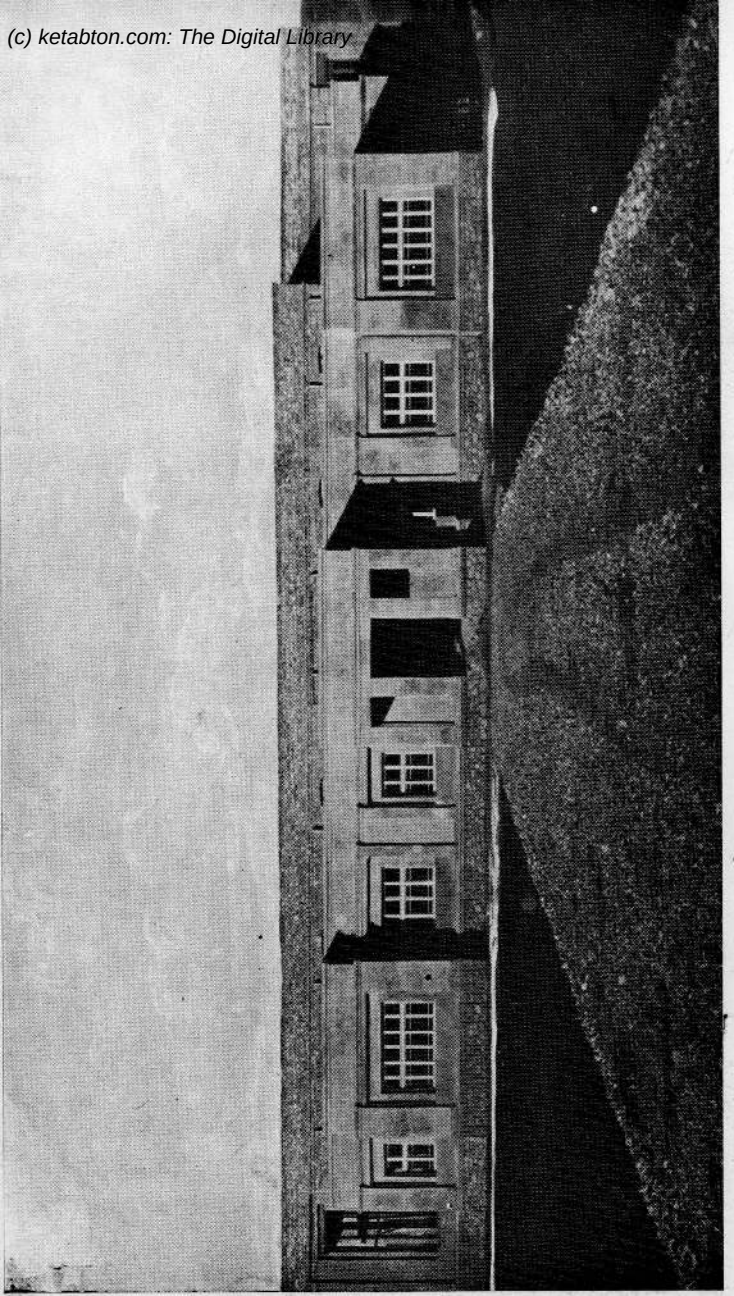

از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : عمارت دارالحکومگی
La façade du nouveau palais du gouverneur à Hérat

پل بدو طرف آن باندازهٔ ـ ۶۰۰ متر دکهٔ پخته کاری نیز ساخته شده واین پل بتوجه مخصوص و ، ج ، غلام‌فاروق خان نائب الحکومهٔ هرات در طول سال ۱۳۱۶ شروع و ختم شده است .

۲ ـ پل مرغاب که دارای دو چشمهٔ ۱۲ متره و یك چشمهٔ ۱۸ متره و ۶۵ متر دکه میباشد و به پنجصد متر طول دریا از مجرای اصلی گشتانده شده و به طول مذکور جدیداً برای عبور دریا جر کشیده و پل مذکور در همین سال تعمیر شده است

۳ ـ پل اورسگن که دارای دو چشمهٔ ۱۵ متره میباشد ۳۰۰ متر دکه بدو طرفهٔ آن وجود دارد .

۴ ـ پل‌رودگر که دارای ۲ چشمهٔ (۱۵) متره و ۶۰ متر دکه میباشد.

۵ ـ به‌تعداد (۵) پل خورد و بزرگ دیگر بمقامات کارته کاربار ، ناگهان ، غیزان ، آلنجان ساخته شده است .

۶ ـ تمدید سرك از (درواجی) تا (رودگز) بفاصلهٔ ۸۰ کیلومتر

۷ ـ « خام کاری ازسرحد اسلام قلعه تا قریهٔ زنده جان تخمین بفاصلهٔ ۸۵ کیلومتر تقریبا کار این دوسرك بصورت اساسی کرده شده و سرك های عمومی میباشد

۸ ـ تمدید خام کاری از (غوریان) تا (موسی آباد) تخمین بفاصله ۶۵ کیلومتر.

۹ ـ خام کاری از (رباط سرخ) تا (مرکز گلران) « ۷۰ کیلو متر

۱۰ ـ خام کاری از (شین دند) تا (کلاته نظر خان) « ۱۳۰ کیلومتر

۱۱ ـ سرك از مرکز هرات الی میرداود که پنبتون پل در همین

(c) ketabton.com: The Digital Library

ولایت طور بی نظم بود امسال کار مذکور ذریعه مهندس سر ازنو تجدید گردید این سرك جدید با بهترین اصول مهندسی از حد میدان طیارهٔ (خان‌آباد) تا (علی‌آباد) بمسافه (۲۰ کیلومتر (۷ کروه) برروی یك خط مستقیم تمدید و علاوه بران چهار سرك جدید دیگر ازین سرك جداشده که یك راه آن ازحصهٔ جنوب مغرب میدان طیاره شروع شده براه (ایشك چی) بفاصله ۳۵ کیلو متر (۱۲ کروه) باشکمش‌موصول و یك راه ازحصه (جرقرمقول) مجزا گردیده بداخل سرك شوراب ملحق و یك راه دیگر آن ازحصیکه توت سر دوره جدا شده مستقیما داخل‌دره (شوراب) میشود. ویك راه آن ازسرك جنوب قندوز منشعب گردیده‌بمسافه ٦ کیلومتر بدرهٔ‌شوراب الحاق می‌پذیرد.

٤ـ یك سرك ازچارسوق بازارقندوز باستقامت جنوبی شهر جدید قندوز ممتد و مستقیما بفاصله ۲۲ کیلومتر (۷ ونیم کروه) به علی‌آباد واصل‌می‌شود وقندوزرا بی رابطه خان آباد براه کابل وصل‌میدارد.

٥ـ سرك فرخار وکلفکان که سابقا بی ترتیب تیارشده بود درین سال تا حدی طرف اصلاحات قرارداده شد.

٦ـ برای اینکه ازمعدن ذغال (ایش پشته برفك) استفاده کرده شود یك سرك جدید ازحدود برفك بطرف معدن ذغال سنك مذکور تمدید کرده شده طول ٤ کیلو متر.

۷ـ جهة مواصلت به (دره اشرف) واقع درجنوب مشرق علاقه داری تاله که یکی از تفرجگاهای خوبی است یك حصه سرك از حصهٔ تاله تمدید و بدرهٔ اشرف وصل‌کرده شده بطول ۱۲ کیلومتر ٤ کروه و بنزدیك آن پل متینی برروی دریای تاله تیارکرده شد که موتر ها بتوانند ازان عبور ومرور کنند.

۸ـ ازعمارت شکارگاه « پاد شاه غوری » یك سرك جداو بطرف دریای غوری تیار کرده شده بمسافه ٦ کیلو متر.

ب: پلهای دوشی وغیره که در راه کابل وقطغن واقع و راساً ازطرف وزارت ساختمان گردیده:

۱ـ پل اول دوشی دوقنداق و دوپایه که جمله جهارپایه شود جدید ساخته شده وساختمان آن از سمنت وسنك است و سه دهنه دارد که دودانهٔ دوطرفهٔ پل مذکور ۲۵متر ودهنه ما بین آن ۳۰ متر بطول میباشد که جمله طول آن ۸۰متراست وازاهن جالی گادر پوشش کرده شده‌که کار بسته کاری‌آن کاملاً اکمال وتمام گردیده (۸۰۰متر)

۲ـ پل چغه دوشی‌دوقنداق وبکپایه دارد که جمله سه قنداق و پایه می شود پایه وقنداق پل‌مذکورازسمنت وسنك ساخته شده وپل مذکور دودهنه دارد یك دهنه بطول ۲۵متر ویك دهنهٔ دیگرآن ٤۲ متر که جمله طول آن ٦۷ متر میباشد پوشش آن از آهن گادر است کار بسته کاری گادرها یمذکور کاملاً تمام شده (۱۹۰۰) متر

۳ـ پل انارستان دو قنداق دارد و مسافهٔ طول آن ۳۰متراست کار پخته کاری قنداق مذکور ازسمنت وسنگ وپوشش‌آن ازآهن گادراست که کاربسته کاری آن تکمیل شده (۱۰۰متر).

٤ـ پل باغك، دوقنداق دارد مسافه طول۲۵مترقنداقهای مذکور ازسمنت وسنگ وپوشش‌آن آهن گادر ودر روی پل‌تخته های چوبی نصب وبالای آن چونه وریگ انداخته شده.

٥ـ پل شادی کك، دوقنداق دارد مسافه طول ۲۵مترساختمان قنداق مذکوراز سمنت و سنگ وپوشش آن از گادر و روی پل تختهٔ چوبی فرش وبالای آن ریگ وچونه انداخته شده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

٦ـ پل جلمس ـ دوقنداق داردساختمان آن ازسنك وسمنت مسافهٔ طول ۳۰ مترپوشش آن ازآهن گادر وبسته کاری گادرهای مذکورتکمیل و روی پل مذکورتختهٔ چوبی فرش وبالای آن چونه وریك انداخته شده .

۷ـ پل دینواه ـ دوقنداق دارد وقنداقهایمذکورازسمنت وسنگ ساخته شده طول مسافه پل مذکور ـ ۳۰ متر پو شش آن از آ هن گادربسته کاری آن ا کمال ودر روی پل مذکور تختهٔ چوبی فرش وبا لای آن چونه وریگ انداخته شد ه .

حکومت اعلای مشرقی :

۱ـ خامه کاری سرك ما ماخیل ازحد نشیمن حکومتی اعلی تاقریه ملا یان کته خیل بطول ۳ کیلومتر وعرض ٦ متر تمام وآباد شده .

۲ـ سرك طرف حکومت رودات ازحد تهانـه سیوم چور ه گلی الی حکومتی جدید تمد ید شده طول ۹ کیلومتر .

۳ـ پخته کاری سرك بحد شاه ناصرآ قامربوط حکومتی سرخرود .

٤ـ پخته کاری سرك این عمومی زحد جای نقیب صاحب الی جـای ملك غلامرسول خان بطول ۲٤٥٦ متر که بمعهٔ ۸ آبرو پخته کاری شده .

٥ـ سرك درهٔ علی شنگ لغمان از حد قلعه گل احمد الی نحیل بطول ۱٥ کیلومتر تمدید شده .

٦ـ پلها وآبروهای ذیل که از سابق و ترمیم طلب شده بود ، درین سال ترمیم شده است : پل هاشم خیل ، پل نویان ، پل درونته ، پل قلعة السراج ، پل سرخ آب ، پل نمله ، آبروپل قرغه ئی لغمان . آبرو سراج العمارت ، دوآبرو بحد پل کلا ن قلعة السراج .

۷ـ یك معبر بحد شیلهٔ فتح آبادکه بطول ٦۸ متر وعرض ۸ متر میشود جدید ساخته شده .

امور کار خانه جات :

۱ـ بکار انداختن فابریکه پشمینه بافی قند هار وتکمیل لوازم آن و تهیهٔ یك مقدار پشم جهت تدویر کارخانهٔ مذکور .

۲ـ تکمیل عمارات وماشینهای فابریکهٔ نختابی وپارچه بافی جبل السراج که عنقریب افتتا ح میشود .

۳ـ خریداری یك د ستگاه برای تهیهٔ پنبهٔ هیدروفیل جهت شفاخانه ها وغیره وتهیهٔ محل نصب آن درجوار فا بر یکهٔ نختابی جبل السراج .

٤ـ اقدام به خریداری یك فابریکهٔ بزرگ سمنت سازی .

٥ـ تاسیس یك کار خانهٔ بزرگ پاك کردن و عدل بندی پنبه درقندوز وکو چکتر از آن در امام صاحب وتهیهٔ عمـارت برای آن و همچنین ساختمان عمارات برای گدام پنبه دربغلان وتالقان وخواجه غار که این مو سسات به توجه و ، ج شیرمحمد خان نائب الحکو مـهٔ قطغن بوجود آمده است .

٦ـ اصلا حات درفابر یکه های سابقه ونگرانی در خوبی و تزئید حاصلا ت صنعتی آنها ازقبیل فابریکهٔ گو گرد سازی وفابریکهٔ چرم گری وبوت دوزی وفا بر یکهٔ نجاری مر کز وغیره .

۷ـ تشکیل یك مدیریت تخنیکی ونگرانی برای تفتیش وخبرگیری دائمی فا بریکه ها .

امور تعمیرات :

تبصره : این تعمیرات بجز ازدوتعمیر اول الذکر که توسط مدیریت عمومی تعمیرات وزارت فوایدعامه ساخته شده ، باقی توسط نائب الحکومه ها وحکام اعلی اعمار گردیده ونیز عمارات مربوط به و زارت خانه هـا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دران شامل نبوده درذیل هر وزارت ذکر گردیده است)

الف ولایت کابل :

۱ـ تعمیر مقبرهٔ اعلیحضرت شهید رحمت الله علیه که کار ساختمان آن ازدوسال باین طرف جاری و درسال ۱۳۱۶ طبقهٔ تحتانی آن ازسنگ خشتی آباد وطبقهٔ دوم هم تاحد پوشش رسیده است .

۲ـ عمارات بالاحصار که ازسه سال باینطرف ساختمان آن جاری بوده درسال ۱۳۱۶ باتمام رسیده است.

۳ـ دکانهای چمن که دراثر حریق طبقهٔ فوقانی آن ویران شد و چون وقت جشن نزدیك وعمارات مذکور درمنطقهٔ جشن واقع بود یك یك حصهٔ آن ازطرف هروزارت خانه تعمیر وتا وقت جشن استقلال سال ۱۹ تکمیل شد.

ب : ولایت قندهار :

۱ـ تعمیر هوتل گرشك که درسال گذشته کار تعمیر آن جاری واینك درسال ۱۳۱۶ کار آن باختتام رسیده.

۲ـ تعمیرهوتل دلارام هم مطابق هوتل گرشك تکمیل وخاتمه یافته

۳ـ تکمیل تعمیر قونسلگری که در شهرنو باصول عصری درسال گذشته مطابق نقشهٔ اصولی شروع ودرسال ۱۳۱۶ خاتمه یافته .

٤ـ تعمیرهوتل قندهارکه درسال گذشته شروع ودر۱۳۱۶ خاتمه یافته .

۵ـ تشویق یك عده ازاهالی برای ساختمان عمارات عصری در شهرنوکه تاحال به تعداد ٤۰ عمارت بالغ واکثراً نزدیك بتکمیل است.

ج : ولایت هرات :

۱ـ تکمیل عمارت دارالحکومگی که درسال ۱۳۱۵ شروع شده بود .

۲ـ ساختمان یك عمارت برای دوائر مستوفیت در شهر نو که

کلیه کار آن تمام ومابقی درسال ۱۳۱۷ تکمیل خواهد شد .

۳ـ ساختمان عمارت بزرگ برای مکتب رشدیهٔ متوسط درشهر جدید که قسمت کلی کار آن تمام ودرسال ۱۳۱۷ تکمیل خواهدشد.

٤ـ تکمیل عمارت مدیریت خارجه که درسال ۱۳۱۵ شروع شده بود.

۵ـ تکمیل عمارت مهمانخانه « « « « «

٦ـ تعمیر تهانهٔ سرحدی در اسلام قلعه بایك کاروانسرای ویك هوتل ویك گاراج برای مسافرین .

۷ـ تعمیر ٤ تهانهٔ دیگر (بمقامات : موسی آباد، کلاته نظرخان دهنه ذالفقار، چهار یگ، کمانه) که اکثر آن تکمیل شده .

۸ ـ تکمیل عمارت مکتب ابتدائی مرکزی که کار مذکور در سال ۱۳۱۵ شروع ودرین سال خاتمه یافته .

۹ـ تکمیل عمارت پست وتلگراف که درآخرسال ۱۳۱۵ شروع و دراین سال ختم شد.

۱۰ـ تشویق یك عده تجار ومامورین به ساختن عمارات عصری درشهر نوهرات که عموم این عمارات باعمارات دولتی فوق الذکر در دو طرف جادهٔ بزرگیکه دارای دو سرك موتر رو (رفت و آمد) و۷ متره ودروسط دارای یك گلدان بعرض ۳ متر و در دو نهایت آن دوپیاده رو فراخ میباشد، بنا گردیده است . که تماماً عرض سرك مذکور ۳۰ متر است .

د : ولایت مزار شریف :

۱ ـ چون در درهٔ صوف یك معدن ذوغال سنگ موجود است درسال ۱۳۱٦ داشهای خشت پزی که بواسطهٔ ذوغال سنگ گرم

(c) ketabton.com: The Digital Library

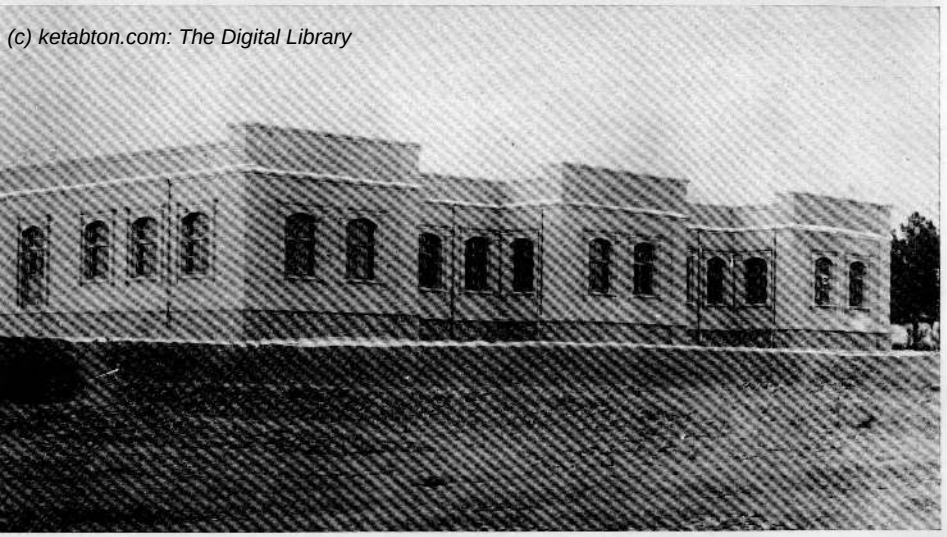

ازعمرانات سال ۱۳۱٦ و لایت هرات : دوائر مستوفیت
Tyde des bureaux des finances nouvellement construits à Hérat

از عمرانات سال ۱۳۱٦ حکومت اعلای میمنه : عمارت سررشته داری اعلای
Type des bureaux des finances nouvellement construits à Maimanah

میشود ساخته شده وعلاوه بران از ذوغال مذکور برای دوائر رسمی ورعیتی درموقع زمستان استفاده بعمل آمده است .

هـ ـ ولایت قطغن وبدخشان :

۱ ـ احداث بازار جدید بغلان : چون درین اوقات قریب ، احوال حیاتی اهالی بغلان بواسطهٔ ترقیات زراعتی پنبه وغیره بدرستی تامین شده واقتضامی نمود که بازار جدیدی دران ناحیه آباد شود چنانچه به ترتیب نقشهٔ آن پرداخته شده درعرض سه‌ماه امسال به‌تعداد (۱۲۰) دکان و (٤) کاروان سرای وچندین باغچه و چندین حویلی و یك عمارت مکمل و منظم برای دوائر حکومتی محلی و کدام های پنبه ومامورین پنبه دران ناحیه آبادوظرف استفاده واقع شده ـ چون نقشهٔ شهر مذکور خیلی منظم و بسیط است و موفقیت بغلان نیز برای ترقی و آبادی مساعد میباشدامیداست در آتیهٔ قریب بترقی خوبی نائل گردد .

۲ ـ درحکومت دوشی یك عمارت منظم و مکفی برای حکومت دوشی و دوائر مربوط آن تیار گردیده .

۳ ـ ساختمان عمارت درعلاقه داری تاله و برفك برای دوائر حکومتی .

٤ ـ ساختمان عمارت درعلاقه داری خنجان برای دوائرحکومتی .

٥ ـ ساختمان عمارت درعلاقه‌داری چادرهٔ قندوز برای دوائرحکومتی .

٦ ـ برای بود و باش ذواتیکه درحصهٔ غوری برای شکار می آیند یك عمارت عالی و موزونی تاسیس و کار تعمیریهٔ آن درین سنه بیشتر تکمیل شده است ،

و ـ حکومت اعلای مشرقی :

۱ ـ تعمیر یك هوتل عصری در باغ عمومی ماما خیل

(c) kerabion.com The Digital Library

از عمرانات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای مشرقی : بازار جدید درشهر نو جلال آباد
Type des bazars nouvellement construits à Djelalabad

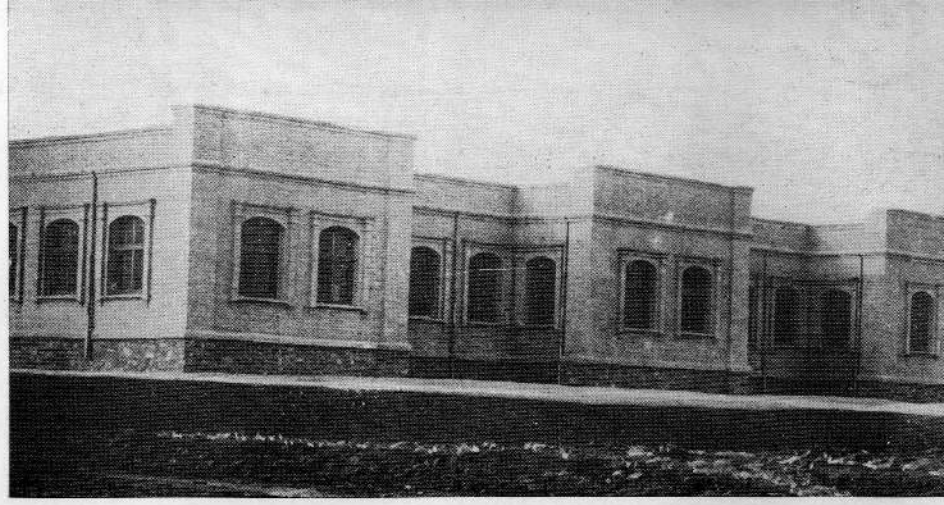

از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : مهمانخانهٔ دولتی
Type des hôtels nouvellement construits à Hérat

از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : پل ادرسکن
Type des ponts nouvellement construits à Hérat

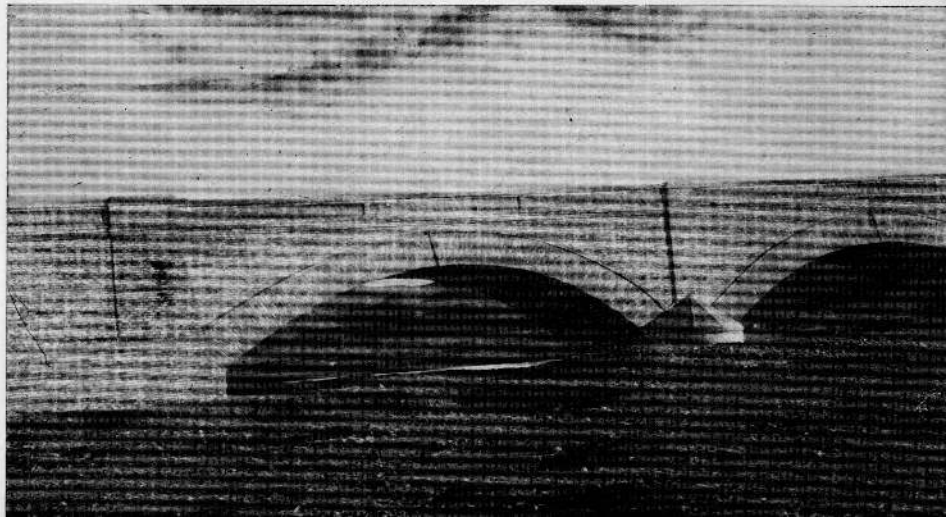

از کار روائی های سال ۱۳۱٦ وزارت فوائد عامه در کابل : ماشین دیزل برق که اخیراً در کابل بکار افتاده و (۳۰۰) اسپقوه میدهد

Type des machines élèctriques « diesel » nouvellement installées à Kaboul

بعضی از عمرانات سال ۱۳۱٦
ولایت مزارشریف: نهضت عمرانی
در ولایت مزار شریف نیز ترقی

Types des bâtiments modernes

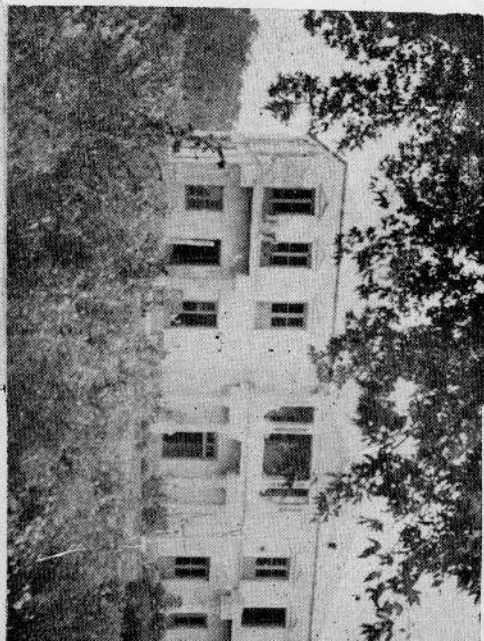

ترقی اکنون بنهضت عمرانی
ولایت مزار شریف نیز رسیده

nouvellement construits
à Mazar-i-Chérif,

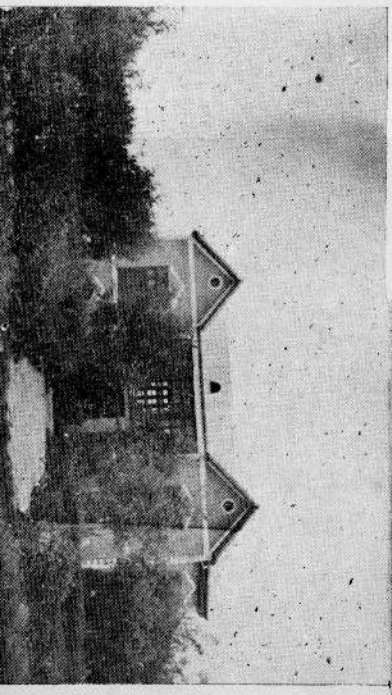

در اطراف باغ عمومی
مزار آباد شده است

aux alentours des
jardins publics

از فوتوگرافی خودمی است

(c) ketabton.com: The Digital Library

از کار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت‌فوائد عامه درکابل: ماشین دیزل برق‌که اخیراً در کابل بکارافتاده و (۳۰۰) اسپ قوه میدهد

Type des machines élèctriques « diesel » nouvellement installées à Kaboul

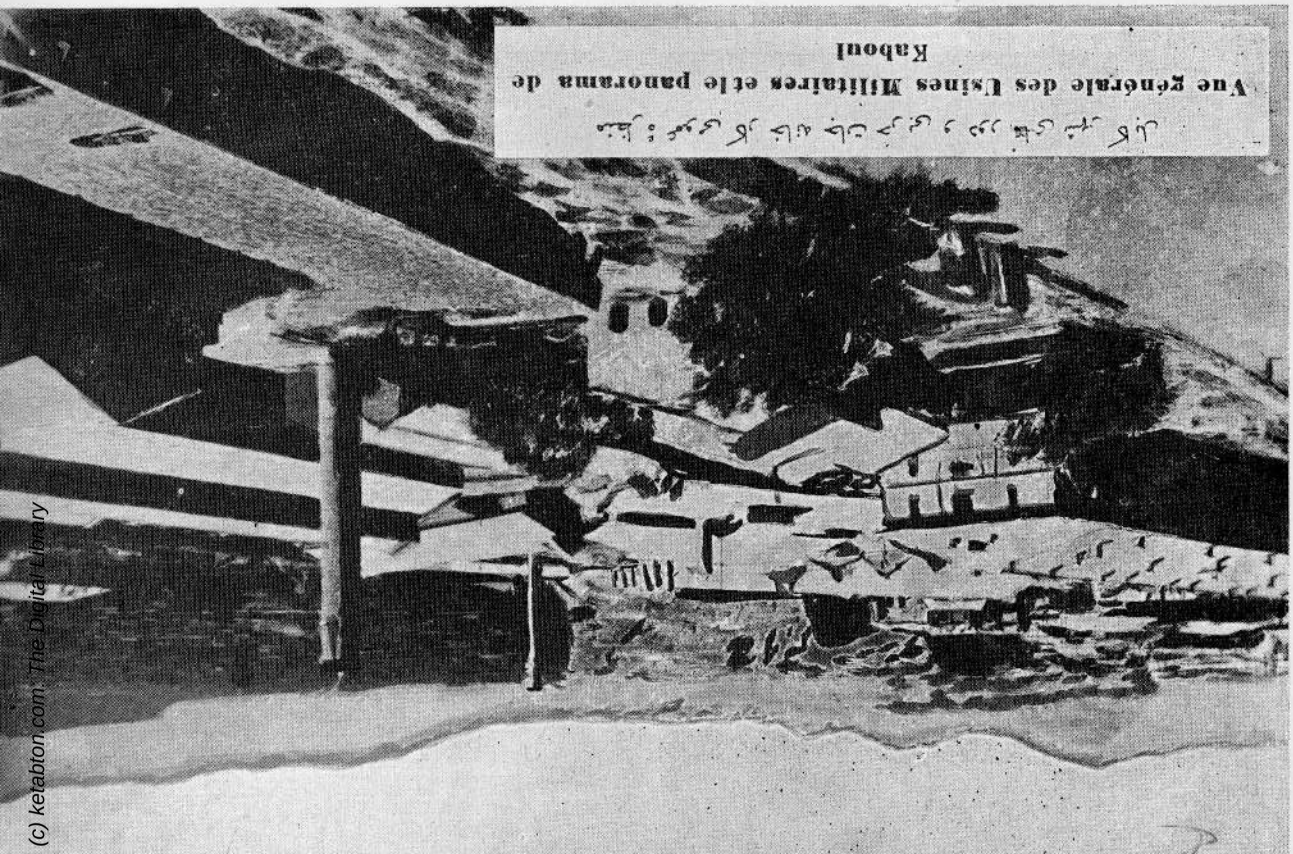

منظرهٔ عمومی کارخانه جات حربی و دور نمای شهر کابل

Vue générale des Usines Militaires et le panorama de Kaboul

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

شده درطول سال ۱۳۱۶ یك ماشین جدید بقوهٔ (۹۵۰) کیلوات برای کار خانهٔ بزرگ جبل‌السراج خریداری و توزید کرده شده چنانچه عنقریب بکار خواهدافتاد و آنوقت ماشین های سابقه که خدمت‌زیادی نموده زیر ترمیم و اصلاحات گرفته خواهد شد .

۲ـ کار ساختمان کار خانهٔ بزرگ برقی آبی (۳۰۰۰) کیلوا ته که در چك وردك ساخته میشود و آغاز آن در سال ۱۳۱۵ شده در جریان سال ۱۳۱۶ خیلی پیشرفت کرده و ممکن در سال ۱۳۱۷ عملیات مقدماتی تمدید نهر وبند آب تکمیل وکار نصب فابریکه شروع گردد .

مقرریها و ترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت فوائد عامه:

ع ، غلام محمد خان انجنیر برق بمدیریت عمومی برق :

ص ، نظام الدین خان سابق مدیر فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار بمدیریت جدید التشکیل تخنیکی نگرانی وفابریکه ها .

ص ، شیر محمد خان سابق متخصص پشمینه بافی مرکز ترفیعا به مدیریت فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار .

امور صحیه

ذواتیکه دلچسپی وعلاقهٔ مفرطی درشئون مملکتی داشته و تحولات یومیه تمام شعب آنرا بانظر غورودقت مینگرند ملاحظه خواهند فرمود که‌درقسمت امور صحیه که‌یکی ازشعب مهم‌حیاتی بشمارمیرود ، دردوام هرسال قدمهای فراخترومتین تر برداشته شده و توجه خاصیکه حکومت نسبت به‌آن مبذول فرموده ودرنظرداردجنبهٔ صحی‌مملکت تا آنجائیکه

ممکن است کسب ارتقاء نموده ومفهوم حقیقی صحت وتندرستی در تمام حصص وطن بسط وتوسعه یابد ، مسائل صحی وکار های متعلق بصحیه در جریان سال ۱۳۱۶ بمراتب ازآنچه که درسال گذشته بود پیشرفت حاصل نموده ووزارت صحیه را موفق گردانیده است تابه‌تعمیل نظریات وپروژه های حکومت متبوعه درهریك ازنواحی صحی بپردازد .

اینست که خلاصهٔ اجراآت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت صحیه را ذیلاً ازنظر خوانندگان گرام میگذرانیم :

شعبهٔ تداوی داء الکلب :

داء الکلب مرضی است که‌بواسطهٔ گزیدن سگ دیوانه پیداشده وهمه میدانیم که‌هرگاه این‌مرض شوم درموقع لازمه اش معالجه نشود عواقب ناگواری برای مریض پیش کرده و بالاخر اورا بایك عالم اعراض وآلام مدهشه بدیار مرگ و فلاکت سوق میدهد . وزارت صحیهٔ درین سال موفق شد تاتوسط متخصص موسسهٔ باکتریولوژی مربوط خویش بمقدار مکفی از(واکسین) مرض‌سگ هار تهیه‌واحضار نموده وطرف استفادهٔ مراجعین سگ هار گزیده قرار دهد ، اینست که‌برای حاضر دوشعبه جهت پذیرائی ومعالجه هارگزیده گان افتتاح نموده است که‌یکی آن درخود موسسه باکتریولوژی واقع دارالفنون که‌درحقیقت موسسهٔ مزبوره یك انستیتو پاستور حقیقی است که درتمام ممالك دنیا معروفیت داشته ویك یك موسسه بهمین نام در هر مملکت موجود میباشد ، شعبهٔ دیگر آن درشفا خانهٔ ملکی مرکز دائرگردیده است تاحتی الامکان تسهیلاتی برای مراجعین ومریضان مصاب باین خطر بعمل آمده باشد چنانچه موسسه هایمذکور تا کنون به‌تداوی یك عده مراجعین پرداخته ونتائج مثبتی از آن بدست آمده در موسسه

(c) ketabton.com: The Digital Library

باکتریولوژی علاوه برتهیه واکسین داء الکلب و تهیه خاپ چیچك که سالانه بریك مقدار مکفی تهیه گردیده ودر تمام نقاط مملکت بمصرف رسانیده میشود واکسین مرض کولرا (وبای هیضه) نیزتهیه واحضار گردیده میرود تا اگرخدا ناخواسته درکدام نقطه‌ازین‌مرض بروزنماید هماندم جلو آن‌مسدود گردیده وواکسین مزبور تطبیق یابد وهمچنان واکسین ضدمحرقه آماده شده برای استعمال حاضرکرده شده است .

فلمهای صحی :

بهراندازه که نشریات و تبلیغات و بالاخره کنفرانسهای صحی برای تنویر اهالی راجع با مراض و طرق وقایه یا حفظ ما تقدم از مرض وصورت اتخاذ طرز زندگی مطابق بقواعد حفظ الصحه خدمت مینماید ، سینما های صحی نیز بهمان اندازه و بلکه بیشتر از ان در طریق این‌منظور خدمت‌نموده و ناظرین‌را علی‌المشاهده از چگونگی یك مرض و صورت سرایت و نشو و نما و خرابی ها و اضرار وغیره آن در وجود ، مطلع ساخته و بدون شبهه آنها را از ابتلا به بسا امراض مهلکه نجات می‌بخشد علیهذا وزارت صحیه در پی اقداماتیکه راجع به نشر رسالهٔ دائر ساختن کنفرانس های ماهانهٔ صحی بکار برده و انرا دوام داده میرود ، چنانچه ملاحظه شد ، اقدام به توزید فلمهای صحی نیزنموده وچنین تجویزکرده است تاهمیشه فلمهای‌صحی راجع بهرنوع امراض ومهلکه را مجاناً دردسترس استفادهٔ عموم گذاشته ودر قسمت دومرض خیلی منفور « سفلیس وسوزاك » که درسائر ممالك تخریبات مدهشهٔ خود را نشان داده وتاثیرناز‌یبائی‌درنسل بشری وارد میکنند فلمهای آنهارا بطورقطع خریداری نموده ودائماً درتمام نواحی مملکت درمعرض تماشای اهالی قرار دهد وطوریکه اشاره شد

تا کنون فلمهای صحی ازقبیل ملاریا سفلیس ، تیفوئید وغیره ازخارج وارد ودرمعرض نمایش ومشاهدهٔ عامه‌گذاشته شده وبرای تهیه و توزید سائر فلمهای لازمه نیزتشبث شده است .

۳ : ــ افتتاح شفا خانه های جدید در ولایات :

الف : شفاخانهٔ مستورات درسه ولایت ذیل :

۱ـ مزار شریف

۲ـ قند هار

۳ـ هرات

این سه شفا خانه تماماً ازپول اعانهٔ اعلیحضرت همایونی تاسیس یافته است .

ب : شفا خانه های مردانه :

۱ـ شفا خانهٔ ملکی دایزنگی	مربوط	ولایت	کابل
۲ـ « « بادغیسات	«	«	هرات
۳ـ « « غورات	«	«	«
٤ـ « « قلات	«	«	قند هار
٥ـ « « شبرغان	«	«	مزار شریف

٦ـ شفا خانه بلدیه اندخوی : این شفاخانه درائرتشویق وترغیب وزارت صحیه ازپول بلدیه واعانهٔ اهالی اندخوی‌تاسیس یافته وشفاخانهٔ موصوف هم به بلدیهٔ آنجا متعلق وازطرف وزارت صحیه مساعدتهای لازمه دربارهٔ آن بعمل آمده میرود .

۷ـ شفاخانه ملکی چخانسور مربوط حکومتی اعلای فراه .

علاوتاً در منطقهٔ اندخوی یك شرکت دوا فروشی نیز با جازهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت صحیه برطبق سائر شرکت های ادویه فروشی از طرف چند نفر شرکا تاسیس یافته و مجبور بهرعایت از مقررات اصو لنامهٔ دوا فروشی ها قرار داده شده است.

٤ : پروانتوریم : پروانتوریم که عبارت از استراحت خانه یانقاهت خانه میباشد ، مؤسسه ایست که نسبت بهسناتوریم بیشتر مستلزم صرف پول و مصارف گزاف می باشد درین مؤسسه اشخاص ضعیف و آنهائیکه بدورهٔ نقاهت مرض آمده و محتاج استراحت باشند و نیز کسانیکه مستعد بقبول مرض سل بوده ودارای میکروب این مرض نمیباشند و غیره . . . جا داده شده تا مدت عود صحت کامه استراحت مینمایند .

تاسیس این مؤسسه خیلی مفید و نیز از پول اعانهٔ اعلیحضرت همایونی است که دقایق ضعف و اضطراب اشخاص ضعیف را ملاحظه فرموده ویك پول هنگفتی را اعانتا بوزارت صحیه لطف واحسان فرموده اند .

تعمیر ومحل ولوازم کار آمداین موسسه سردست تهیه و آماده گی بوده ودرشروع سال آینده اگر خدا بخواهد افتتاح می شود .

٥ : ـ عمارت شفا خانهٔ ملکی شمالی : کار ساختمانی عمارت شفاخانهٔ ملکی شمالی که بصورت عصری وموزونی است باتمام رسیده و اکنون شفاخانهٔ مزبور درعمارت جدید خویش نقل مکان نموده است .

٦ : ـ عمارت شفاخانهٔ ملکی مزار شریف : از پول اعانهٔ ملی و کمك عموم مامورین ولایت مزار بتوجه و ، ج گل احمد خان نائب الحکومه یك عمارت عصری برای شفا خانهٔ ملکی مرکز مزار شریف درقریب شهر تاسیس و کار تعمیر آن جاریست .

٧ : ـ شفاخانهٔ سیار : چون در اکثر اوقات در بعضی نواحی

وطن ، مجادله با کدام مرض ایجاب نموده وبدفع وامحای آن اقدامات سریعه لازم می افتد ، علیهذا وزارت صحیه برای آماده گی جهت اجرای این منظور واینکه عندالضرورة هیچ سکتگی درکار مجادله با کدام مرض رخ ندهد یك شفا خانهٔ سیار مکملی با سامان و لوازم و ادویهٔ آن تهیه دیده است تا دروقت لزوم سریعا باجراآت خویش قیام ورزیده بتواند .

٨ : ـ بنای جدید مؤسسهٔ معالجات برقی : وزارت صحیه درقسمت تداوی حکمی والکتریکی نیز داخل اقدامات گردیده درسال ١٣١٦ در جنب عمارت سابقهٔ اکسریز (در کابل) به تعمیر یك عمارت جدیدی پرداخته که عمارت موصوف بخواست خداوند تا اوایل سال آتی با تمام خواهد رسید ، درین عمارت انواع ماشین های جدید تداوی حکمی و الکتریکی از بهترین سیستم عصری نصب و طرف استفادهٔ مراجعین گذاشته خواهد شد ، راجع بخرید ماشین و لوازم آن اقدامات لازمه بعمل آمده وتابسر رسیدن عمارت جدید ، وارد و بکار انداخته خواهد شد . موسسهٔ مزبوره پس از تکمیل در قطار بهترین مؤسسات اکسریز دنیا اخذ موقع نموده میتواند .

٩ : ـ کودکستان : کودکستان موسسه ایست که در سر نوشت آتیهٔ مملکت رول عمدهٔ ایفا مینماید لله الحمد مملکت ما هم نائل چنین یك موسسهٔ قیمتدار گردیده واز طرف وزارت صحیه زمینهٔ مقدمات آن در هذاالسنه وضع گردیده است تا در آتی بخواست خداوند تکمیل و افتتاح شود .

این موسسه که جا دارد در اطراف آن هر چه تمجید و تعریف

(c) ketabton.com: The Digital Library

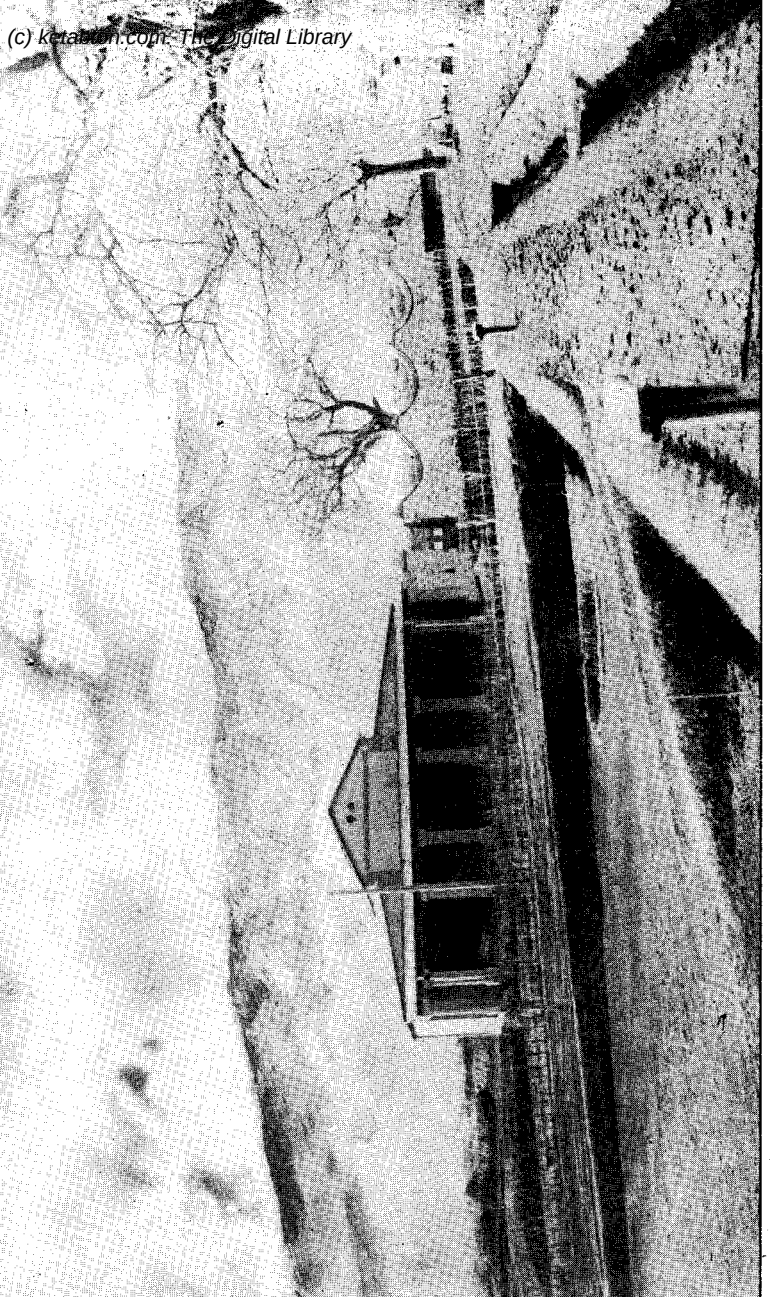

از عمرانات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای مشرقی : دکان‌های مقابل باغ عمومی ماما خیل
Type des magazins nouvellement construits aux alentours des jardins publics de Mama-Khil
(Prov. de l'Est)

کرده شود از پول اعانه علیا حضرت ملکهٔ معظمه شرف تاسیس حاصل نموده است .

۱۰ : ـ استخدام دکتور متخصص اطفال و منظوری یك تعداد بستره برای اطفال مریض : درسال ۱۳۱۶ وزارت صحیه یکنفر دکتور متخصص امراض اطفال (عزتمند انفوس‌سوله) را ازاطریش استخدام نموده واز مدتی است که این شخص وارد و بمعاینه و معالجهٔ اطفال مریض‌می پردازد ، ولی چون در بعضی موارد ، لازم می افتد برخی از اطفال بصورت بستری تحت نظر متخصص موصوف زیر معالجه قرار داده شوند . ازانرو وزارت صحیه منظوری یك تعداد بستره را برای اطفال نیز حاصل نموده است تا اطفال مریضی را که دکتور لازم بداند بصورت بستری زیر معالجه و تداوی خویش قرارادهد .

۱۱ : ـ کورس قابله گی و پرستاری : امسال نیز مانند سالهای گذشته یکعده از متعلمات کورس قابله گی شفا خانهٔ مستورات و عدهٔ از طلاب کورس کمپودری و پرستاری شفاخانهٔ ملکی فارغ التحصیل گردیده و شهادتنامه های اصولی برای شان اعطا گردیده است تا بهر جا خواسته باشند بکار قابله گی و پرستاری بپردازند .

۱۲ : ـ توسیع صنوف قابله گی : چون از طرف اهالی یوماً فیوماً رغبت وتمایل زیادی باین شعبه بملاحظه رسیده و هر روزه‌تعداد داخلهٔ صنوف آن درتزاید میباشد ، امسال در صنوف قابله گی ایزاد بعمل آمده وتجویزی بکار برده‌شده است تامراجعین بصنوف متذکره محروم از تعلیم و تحصیل نمانده و در هر مورد پذیرفته شده‌بتواند.

۱۳ : ـ درفهرست‌های تعیین‌اخذ اجرت ساخت‌و تداوی‌وپرکاری دندان متعلق بمؤسسات دندان سازی مردانه و زنانه مربوط وزارت

(c) ketabton.com: The Digital Library

از عمرانات سال ۱۳۱۶ صحی در ولایت مزار شریف : شفاخانهٔ ملکی
Hopital civil nouvellement construit à Mazar-i-Chérif

از عمرانات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای سمت مشرقی : هوتل باغ عمومی ماما خیل
Hotel nouvellement construit à Mama-Khil (Prov. de l'Est)

(c) ketabton.com: The Digital Library

صحیه تعدیلاتی وارد گردیده و امسال در بسیاری از قلمات آن نسبت بسال گذشته تنزیل بعمل آمده است .

۱٤ : ـ برطبق معمول سنوات گذشته امسال نیز یاد داشتهای متعلق بامور صحیه برای ریاست بلدیه صادر گردیده تادرقسمتهای مربوط بریاست موصونه در دست اجرا گرفته شود .

۱۵ : ـ در سال ۱۳۱٦ قرار معمول همه ساله یك نفر دکتور و یك نفر کمپوندر با مقدار ادویه و سائر مایحتاج صحی حجاج افغانی بطرف بیت‌الله‌شریف اعزام گردیده‌ودکتور آن آقای سیدرشیدالدینخان مقرر شده است .

۱٦ : ـ در سال ۱۳۱٦ یك عده تعمیرات دیگری نیز در جنب عمارت شفا خانهٔ ملکی علی آباد که ملحق بشفاخانهٔ موصوف میباشد اعمار گردیده است .

۱۷ تفتیشات و تعقیباتیکه‌وقتاًفوقتاًازطرف‌شعبهٔ تفتیش مدیریت مشاورهٔ فنی وزارت صحیه راجع به امور مختلفه و خصوصا شرکت های دوا فروشی بعمل آمده میرود نتائج خوبی داده و اکنون تمام کارهای شرکت های دوافروشی حسب هدایات ومقررات اصولنامهٔ دوا خانه‌ها به محور خویش دور میزند .

۱۸ : ـ مسئلهٔ تطبیق خال چیچك که در هر سال از ضروریات امور صحیه بشمار میرود در سال ۱۳۱٦ نیز در تمام نقاط دور و نزدیك مملکت تطبیق گردیده و تعداد مخال زده شده گان آن بالغ (۱۳۳،۸۱۵) نفر میشود .

۱۹ : ـ مدیریت مشاور فنی نظر به کثرت وظائف خود منقسم به‌سه‌شعبهٔ ذیل گردیده‌است : شعبهٔ شناوری، شعبهٔ‌تفتیش : شعبهٔ‌ترجمانی .

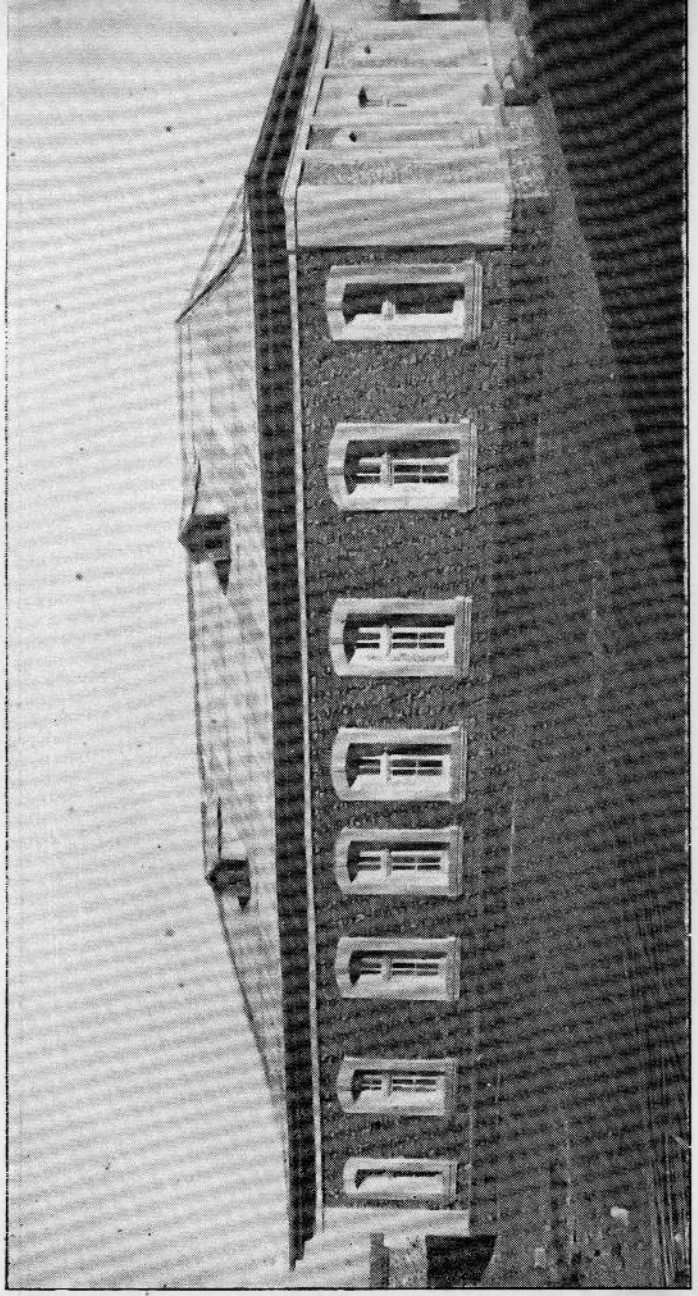

ازموسسات سال۱۳۱٦وزارت صحیه درولایت کابل: شفاخانهٔ ملکی چاریکار
Hopital civil nouvellement construit à Tcharikar (Prov. de Kaboul)

۲۰ : ـ شعبهٔ نشریات وزارت صحیه مربوط مدیریت مجله گردیده و مدیریت موصوف بنام مدیریت مجموعه صحیه و نشریات موسوم گردیده است .

۲۱ : مجموعهٔ صحیه که قبلاً ماهوار و سالانه ۱۲ شماره نشر می نمود درین سال جدیت و فعالیت بیشتری بکار برده و بجای ماهوار پانزده روزه گردیده در سال ۲٤ شماره تقدیم مشترکین خویش مینماید . از دیاد عدهٔ مشترکین مجلهٔ موصوفه نشان میدهد که خیلی جالب توجه خوانندگان گردیده بادلچسپی و علاقه شایانی از آن استقبال مینمایند .

۲۲ :ـ هفت نفرفارغ التحصیل های سال جاری مکتب طبی بعدختم دورهٔ (ستاژ) بصفت معاونین دکتور و کفیل مدیر صحیه که اسامی و تعین رتبه و ماموریت شان در صفحه ۱٤۱ توضیح یافته است ، تقرر حاصل نموده اند .

۲۳ : ـ هشت نفر فارغ التحصیلان سال جاری فاکولتهٔ طب که شامل دورهٔ (ستاژ) میباشد اسامی وغیرهٔ شان مطابق فهرست صفحه ۱٤۱ که توضیح یافته است میباشد .

۲٤ : ـ دو نفر فارغ التحصیلان سال جاری دوا سازی وکیمیا گری در دواخانهٔ مرکزی تحت اثر متخصصین کیمیا شامل کارگردیده وبست اسامی شان در صفحه ۱٤۱ نگاشته شده است .

۲۵ :ـ هژده نفرطلبه برای اخذتعلیم چیچك وگرفتن واکسین آن درهذاالسنه بموسسهٔ باکتر یولوژی وحفظ الصحه شامل تعلیم گردیده ودرین اواخرتعلیمات نظری راختم وشامل دورهٔ ستاژ میباشد .

۲٦ : ـ شش نفر طلبهٔ تحت اثر مستحضران خارجی بصفت

(مستحضرستاژیر) ودائمی مشغول فراگرفتن فن مستحضری میباشد .

۲۷ :ـ اعزام ص محمد علیخان بحیث دکتور شفاخانهٔ بلدیه اندخوی بایکنفر کمپوندر و جراح (که افتتاح شفاخانه موصوف درذیل ماده ۳ تذکار یافته است)

۲۷ :ـ مستخدمین اتباع خارجه که جدیداً از طرف وزارت صحیه استخدام ووارد مرکز گردیده وبوظائف خویش می پردازند :

۱ :ـ استخدام مادام (الیس) سویسی سرپرستارهٔ شفاخانهٔ ملکی مرکز جهت پرستاری مریضان بستری وتعلیم پرستاران وغیره امور نظم ونسق شفاخانه برای مدت دوسال که مشارالیها حاضر مرکز شده واجرای وظیفه میدارد .

۲ :ـ بای شرف الدین بیك (پروتیزین) که قبلا راجع به استخدامش اقدامات شده بود درهذاالسنه واردمرکز گردیده .مشغول ساختن دندان درمؤسسات دندانسازی مردانه وزنانه میباشد .

۳ : ـ علاوه برموجودیت سرطبیب ومعاون های موظف نیز یکنفر دکتور متخصص سل موسوم به دکتور(از اگوا) پرتگالی استخدام و وارد مرکز شده وتحت اثر سر طبیب رفقی سناتوریم و سناتوریم مستورات بصفت یك دکتور متخصص اجرای وظیفه مینماید .

٤ : ـ سه نفرمستحضر آتی الذکر برای توسعهٔ موسسه باکتریولوژی وحفظ الصحه استخدام ودرین سال وارد مرکز گردیده وبه ترتیب ذیل درتحت نظر بای دکتور زهدی متخصص باکتریولوژی جهت اخذ و اکسین اجرای وظیفه مینمایند :

الف :ـ بای دکتورعثمان مستحضراخذ واکسین سگ هار(دیوانه)

ب :ـ بای مصطفی او زمیر مستحضر اخذ اوساطه زرعیه وتعقیم

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ج :ـ بای عا کف مستحضراخذ وا کسین کولیرا (وبای هیضه)

٥ :ـ عزتمند علی محمدخان سرکمپوندر دوافروشی مرکزی دواخانهٔ عمومی کهاز مدتی درافغانستان بحیث معاون دکتور ایفای وظیفه نموده واخیراً بوظیفهٔ سرکمپوندری تقرر یافته بود نسبت به سفیدی محاسن و ضعف جسمانی اواز کار برطرف وبوطنش مرخص گردید و لی نظر بهسابقه خدمت طولانی او درافغانستان ازطرف مقامات صالحه معاش کافی بطور مستمری برایش تعین گردیده وتجویز شده است تا توسط وکالت التجار افغانی مقیم پشاور ماهوار برایش پرداخته شود .

٦ :ـ عزتمند دکتور سید سعدالله شاه خان برای مدت دوسال استخدام وبوظیفهٔ دکتور مدیریت شفاخانه هرات مقرر گردیده است .

٢٨ :ـ اقدامات راجع به استخدام ٤ نفر متخصص ذیل :

الف : صورت استخدام یکنفر متخصص امراض ساریه

ب :ـ « « « « داخله

ج : « « « امراض داخله برای ریاست بلدیه

د ـ صورت استخدام یکنفر متخصص رونتگن (برای موسسهٔ اکسریز)

مقرریها وترفیعات سال ١٣١٦ وزارت صحیه :

ص ، عبدالرحیم خان معاون دکتور بمعاونی فنی شعبهٔ تفتیش مدیریت مشاوری وزارت .

ص ، عبدالهادیخان بحیث سرترجمان در شعبهٔ ترجمانی « « «

(هشت نفر ذیل فارغ التحصیلان ١٣١٦ فاکولته طبی میباشند که مشغول ستاژ اند) .

ص ، محمداسمعیل خان بحیث دکتور در شفاخانهٔ ملکی

« ، عبدالرحمن خان « « « عقلیه وعصبیه

ص ، فقیرمحمد خان بحیث دکتور بشفاخانهٔ ملکی

« ، عبدالغنی خان « « « «

« ، نوروز علیخان « « « «

« ، میرغلام حسین خان « « « «

« ، محمداسمعیل خان « « موسسه باکتر

« ، عبدالرحمن خان « « شفاخانه ملکی

هفت نفر ذیل فارغ التحصیلان سال ١٣١٦ مکتب طبی میباشند .

ص ، فقیرمحمدخان بحیث معاون دکتور در شفاخانهٔ ملکی

« ، سیدمحمدخان معاون دکتور بکفالت مدیریت صحیه لهوکرد

« ، عبدالمجید خان « موسسه باکتر .

« ، سیدرضاء خان به فاکولتهٔ طبی جهت تکمیل تحصیلات مقرر شده .

« ، میرمستحق خان بحیث معاون دکتور درشفاخانهٔ عقلیه وعصبیه

« ، عبدالخالق خان « « « « ملکی

« ، عبدالغنی خان « « « بکفالت مدیریت صحیه جنوبی

دو نفر ذیل فارغ التحصیل مکتب گمیا گری و دواسازی شعبهٔ فاکولته طبی میباشند که بمدیریت دواخانهٔ عمومی مشغول ستاژاند .

ص ، محمدحیدرخان بحیث دواساز در دواخانه عمومی

« ، محمدرسولخان « « « «

امور پست ، تلگراف و تیلفون

امور مخابرات که دراساس ترقیات مدنی هرمملکت واقع و بدون آن در هیچیك از شئون ملی و دولتی ترقی و پیشرفت صحیح بعمل آمده نمیتواند ، همانطوریکه درین دورهٔ چند سال اخیر مورد توجه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مخصوص واقع شده در سال ۱۳۱۶ بیش از پیش بسط و توسعه یافته و موسسات مخابراتی بزرگی که از هر رهگذر حوائج حالیه و آیندهٔ مارا تکافو کرده بتواند ـ تاسیس وخطوط مواصلات پستی ، تلگرافی و تیلفونی تقریبا در تمام نقاط مملکت امتداد یافته است . خلاصهٔ اجراآت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت پست و تلگراف و تیلفون قرار ذیل است :

شعبهٔ ارتباط خارجی :

۱ـ تبدیل رنگ پستی ٤٥ پولی ازآبی بسرخ و۷٥ پولی ازسرخ به رنگ آبی مطابق باصول بین المللی و توزیع دو نوع تکت های مذکور توسط دفتر بین المللی پستی برن به ممالك عضو اتحادیهٔ پستی بین المللی .

۲ـ تهیه وطبع تکت پست یادگاری وپنجاه پولی بنقش بمناسبت جشن استقلال سال ۱۹ که دارای تصویراعلیحضرت محمدنادرشاه شهید میباشد .

۳ـ قبول تبادلهٔ پسته های سربستهٔ وارده ازجاپان .

٤ـ « « « « « « فرانسه

٥ـ شمولیت افغانستان بقرار داد پارسل پستی توسط وزارت مختاری افغانی مقیم پاریس و اشعار اطلاعات لازمهٔ آن بدفتر پستی بین المللی برن .

٦ـ افتتاح تبادلهٔ پارسلات پستی باخارج ازراه هند از تاریخ اول فروری ۱۹۳۸ (۱۳ قوس ۱۳۱٦) .

۷ـ اخذ ترتیبات برای محصولات تلگرافی حقوق ممالك خارجه

ازدوائررسمی حکومتی ازتاریخ اول جنوری ۱۹۳۸ .

۸ـ اقدام برای خریداری یکپایه ماشین اخذ حوادث جوی .

۹ـ موافقه باهند برتبادلهٔ پسته مستقیماً بین دفاتر پستی کابل وپشاور وسرعت مواصلت پسته ازین رهگذر ـ تبادلهٔ پسته قبلاً دردفاتر پستی سرحدی درطورختم ولندی کوتل صورت گرفته و ازین رهگذر بتاخیر می انجامید .

شعبهٔ پست :

۱ ـ خریداری وتورید مواهیر پستی برای شصت وشش پسته خانه های مربوطهٔ ولایت که نظر به توسعهٔ امور پستی جدیداً فرمایش داده شده .

۲ ـ خریداری شش عراده موترشنی (کوه گرد) جهت حمل ونقل پسته درنقاط ناهموار .

۳ ـ خریداری وتورید یك تعداد موتر های پستی وبکارانداختن آن در خط قندهار و قطغن و بدخشان و پشاور وغیره .

٤ ـ تاسیس پسته خانه درپل خمری .

٥ ـ تعدیل صدور پوستهٔ سمت قندهار و فراه از هفتهٔ یك مراتبه به هفتهٔ دومراتبه .

٦ ـ چالانی پسته بین اندخوی و شبرغان .

۷ ـ رسانیدن مقررات امور پستی به تصویب موسسات تقنینیه و طبع و توزیع اصولنامهٔ پستی .

شعبهٔ تلگراف و تیلفون :

۱ ـ تکمیل کار نصب تلگراف خانه های بزرگ بیسیم آخذه و مرسله در کابل کهبا تمام دنیا مخابره کرده میتواند وهردوتلگراف خانهٔ مذکور افتتاح شده است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

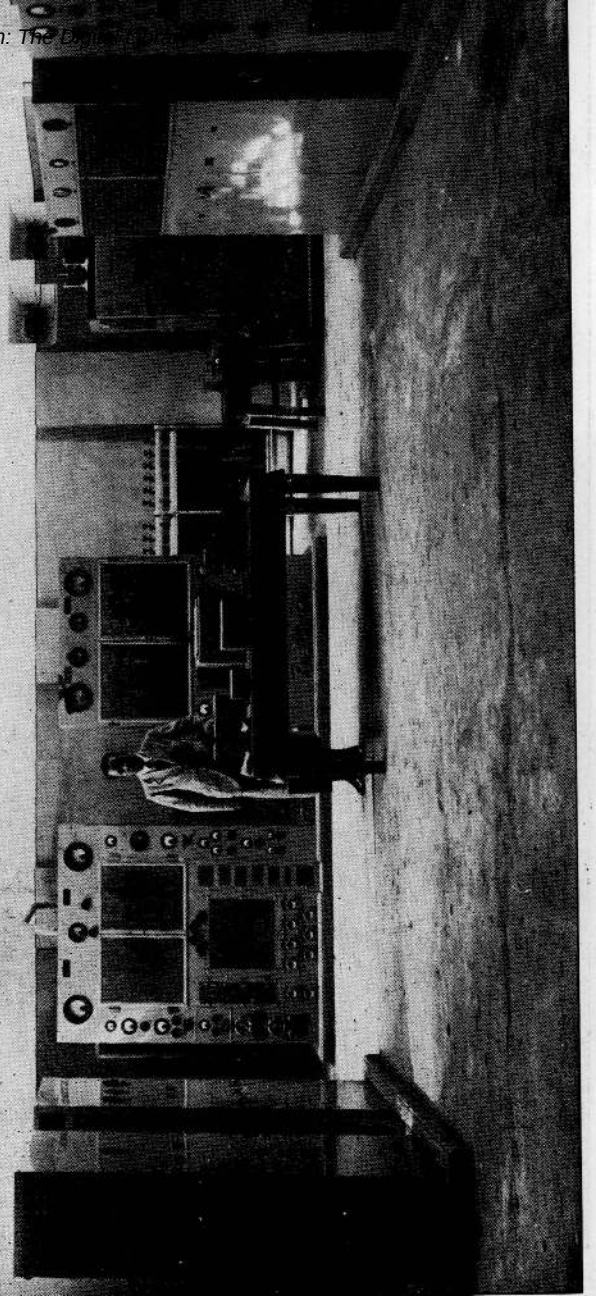

از موسسات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت پست وتلگراف درکابل : منظرهٔ داخلی دستگاه بزرگ بیسیم مرسلهٔ واقع یکه توت
La nouvelle station expéditrice de T.S.F. (communicant avec le monde entier) à Kaboul

۲ ـ افتتاح تلگراف خانهٔ بیسیم مزار شریف .
۳ ـ « « « میمنه و تکمیل عمارت آن
٤ ـ « « « دایز نگی
٥ ـ خریداری چهارعدد ماشین امپلی فایر (بزرگ کنندهٔ صدا) برای مخابرات تیلفونی بین کابل وفراه وهرات ونصب وبکار انداختن آنها .
٦ ـ خریداری سامان کیبل (سیم زیر زمین) برای تیلفون های شهر وتورید ونصب آن .
۷ ـ تمدید سیم تیلفون جدید به مقامات ذیل .
الف ولایت کابل :
۱ـ ازمرکز کهمرد تاسیغان بطول ۲٤ کیلومتر (درشرف تکمیل است)
۲ـ « غزنی تا وازخواه کتواز بطول ۱٥۱ کیلومتر (ازراه ناوه سکیر ومرجانی)
۳ـ ازمرکز کتواز تا امته بطول ٤۰ کیلومتر .
٤ـ از مرکز جلریز تا آهنگران بطول ۳ کیلومتر .
ب : ولایت قندهار :
۱ـ برای فرقهٔ عسکری سیم تیلفون باصول اساسی تمدید وسوچ بورد نصب گردیده که مخابرهٔ آن بخوبی جاریست .
۲ـ بعلاقه داری دامان به پایه‌های چوبی سیم تمدید و تیلفون هم نصب گردیده مخابرهٔ آن جاریست مسافه ۲٤ کیلو متر .
۳ـ در داخل شهر به دوائر رسمی و تجارت خانه ها ومنازل شخصی یك تعداد تیلفون محصولی نصب شده است .
ج : ولایت هرات :
۱ـ اصلاح سیم های عمومی تیلفون .

(c) ketabton.com: The Digital Library

عایدات هوتل مذکور در سال ۱۳۱۶ نسبت به ۱۳۱۵ (۲۵) فیصد زیاد شده است .

۲ ـ تعمیر گاراجها و دکانهای هوتل دوآب میخ زرین که در شرف تکمیل است .

۳ ـ تعمیر هوتل جدید در استالف که در شرف تکمیل است .

٤ ـ ترمیم هوتل بهار و هوتل فرح پغمان .

٥ ـ شروع تعمیر یك هوتل عصری جدید در میمنه .

فابریکهٔ ترمیم موتر :

این فابریکه که برای ترمیم عراده ها و بعضی کارهای بسته کاری وغیره ازچند سال باینطرف تاسیس واز دوسال باینطرف بوزارت پست وتلگراف مربوط گردیده ، درسال ۱۳۱۶ یك عده ماشین های جدید دران بکار افتاده وازطرف دیگر درنرخها تنزیل زیادی داده است . چنانچه درین اوقات عدهٔ مراجعین خیلی بلند رفته و ضمناً موتر های پوسته نیزدران همواره ترمیم شده ومیشود و علاوه از کار ترمیم موتر یك عده کارهای بسته کاری وغیره نیز درفابریکهٔ مذکور انجام میگردد . ازروی احصائیهٔ که مدیریت فابریکه ترتیب داده کار کردگی سال ۱۳۱۶ نسبت به سال ۱۳۱٤ فیصد (٦۰۰) ونسبت به ۱۳۱٥ فیصد (٤۰۰) اضافه شده وهم تناسب عایدات با مصارف بتدریج نزدیك واخیراً پلهٔ عایدات بلند رفته است .

اجرا آت متفرقه:

الف : تشکیلات و تعدیلات اداری :

۱ـ تشکیل مدیریت عمومی حمل ونقل برای کارهای حمل ونقل دولتی

۲ـ مأموریت هوتل ها نظر بوسعت کارهای مذکور بمدیریت تبدیل وتشکیل یافته است .

۳ـ در بست مدیریت تلگراف و حمل و نقل پوسته یك اندازه مأمورین اضافه شده .

مقرریها وترفیعات سال ۱۳۱٦ وزارت پست وتلگراف وتیلفون :

ع ، غلام جیلانی خان سابق مدیر حمل ونقل پوسته ترفیعاً به مدیریت عمومی حمل ونقل .

ص ؛ عبدالخالق خان سابق مدیر شعبهٔ تلگراف وتیلفون تبدیلاً بمدیریت حمل ونقل پسته .

ص ، امین الله خان مأمور شعبهٔ هوتلها ترفیعاً بمدیریت شعبهٔ تلگراف وتیلفون .

ص ، احمدشاه خان مدیر ابتدائی شعبهٔ پست ترفیعاً بحیث مدیر انتهائی

ص ، عبدالعزیز خان مأمور فابریکهٔ ترمیم موترها باثر وسعت یافتن تشکیلات فابریکهٔ مذکور ترفیعاً بحیث مدیر ابتدائی فابریکهٔ مذکور

ص ، غلام دستگیر خان سابق سرکاتب هوتل کابل ترفیعاً بماموریت هوتلها .

امور زراعت و فلاحت

امور زراعت ازلحاظ زراعتی بودن افغانستان ، یکی ازشعب درجه اول اقتصادی مملکت را تشکیل داده خیلی طرف توجه حکومت متبوعهٔ ما واقع میباشد ، از همین جهت است که در سال ۱۳۱٦ نظر به نقشه هائی که حکومت متبوعه نسبت به بسط وتوسعهٔ آیندهٔ زراعت سنجیده است امور زراعت ازوزارت تجارت منفك و بصورت یك ریاست مستقل تشکیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

یافته و ج ، میرمحمد یوسف خان سابق مدیرمکتب زراعت که درفرانسه به شعبهٔ زراعت تحصیل کرده اند ، بریاست مذکور مقررودرقطار اعضای کابینه شامل شده و نیز یك تشکیل نسبةً و سیعی برای ادارهٔ امور زراعتی منظور ومتخصصین فنی دررأس هرکدام تعیین گردیده است .

خلاصهٔ اجرا آت سال ۱۳۱٦ شعبات زراعتی قرارذیل است :

تبصره: چون ریاست زراعت دراخیرسال تشکیل شده اجرا آت ذیل عبارت ازهمان اجرا آتی است که درتحت اثروزارت تجارت بعمل آمده.

الف امور بندها وانهار : اموربند ها که درسالنامهٔ گذشته تفصیل داده ایم درین سال محض کارکرده گی سال ۱۳۱٦ آن رابیان میکنیم :

۱ ـ بند سراج غزنی : کار تعمیر این بندسابق ختم و یك مقدار آب کافی دران همه ساله ذخیره میشود دروازه و نلهای آن که جدید ازخارج خواسته شده عنقریب رسیده نصب خواهد شد تنها بعضی ترمیمات ودرز گیری آن در هذاالسنه بعمل آمده .

۲ـ بند خروار لو گر : درین سال کارساختمانی مذکور جریان داشته صورت کار کرده گی مذکورقرار ذیل است :

سنگ کاری ازجمله ٦۰،۰۰۰ متر مکعب که برآورد شده ـ ازابتداء تا کنون ۳۰،۰۰۰ مترمکعب آن باتمام رسیده و۳۰،۰۰۰متر مکعب باقیمانده پخته کاری ازجملهٔ ۱۲،۰۰۰ مترمکعب که برآورد شده ـ ۷۰۰۰ متر مکعب تمام و ۵۰۰۰مترمکعب پخته کاری با ۹۰۰مترمکعب سمنت کاری باقیمانده .

۳ـ بند فرغه : صورت کارشده گی سال۱۳۱٦قرار ذیل است :

۱ـ ازجملهٔ ۷۳٦،٦۰۰ مترمکعب حجم دیواربند از ابتداء تاحال ۲۵۰،۰۰۰ متر مکعب تکمیل و ٤۸٦،٦۰۰ مترمکعب باقیمانده ـ

۲ـ ازبرج مجرای آب ٤۰۰۰ متر مکعب پخته کاری از سنگ خشتی وسمنت بعمل آمده است .

٤ـ بند زنه خان غزنی : کاراین بند قریب اختتام بوده دروازه ونل بند نصب شده که در سال ۱۳۱٦ یك مقدار آب دران ذخیره شده والبته برای سال آینده کاسهٔ بند بدرجهٔ کافی مملوخواهد شد .

حجم تعمیر بند قراربرآورد مهندس ـ ٤۵،۷۵۲ متر مکعب است حصهٔ کارشده گی ازابتداء تاحال ۲٤،۱۱۵ متر مکعب کارباقی مانده از روی مترمکعب قرارذیل است :

پخته کاری چونه وریگ ۱۰،۵۰۰ متر مکعب .

حصه کار کانکریت ۱۸۳ متر مکعب .

کار سنگ پارچه وسمنت وریگ ۹۵٤ متر مکعب .

۵ـ بند مچلغوی سمت جنوبی : یك حصهٔ مهم کار تهداب بند مچلغو باتمام رسیده چون جسم بند به نسبت بند های دیگرخورد تراست ممکن که بمدت سه سال دیگر بند مذکور باتمام برسد . حجم پخته کاری بند مچلغو قرار برآورد مهندس ـ ٤۰۳۲٦ متر مکعب است حصهٔ خام کاری ـ ۱٤۲۰۰ متر مکعب حصهٔ پخته کاری که از شروع تا حال شده است ۱٦۷٦ متر مکعب حصهٔ پخته کاری باقیمانده ۳۸،٦۵۰ متر مکعب حصهٔ خام کاری باقیمانده ٦۹۰۰ متر مکعب .

٦ ـ نهر سراج مشرقی : کار های نهر سراج مشرقی از قبیل تعمیر بروقهای جدید و ترمیم بعضی حصه های نهر مذکور و پاك کردن نهر احتیاطات لازمه گرفته شده در وسعت اراضی قابل الزرع و آبادی نهر مذکور افزوده خواهد شد .

ب ـ امور باغها و نباتات : درباغهای مربوطه بسلسلهٔ سابق

(c) ketabton.com: The Digital Library

تجارب فنی برای اصلاح نباتات بعمل آمده متخصصین جاپانی وغیره بکمك طلبهٔ افغانی در هر حصه برای کشت اجناس جدید و تربیهٔ حیوانات و اصلاح نباتات صرف مساعی کرده اند خصوصا موسیو اروزاکی جاپانی در حصص پغمان و چهار دهی برای زراعت نهال های جنگلی از قبیل پسته . ارغوان ، بلوط ، اکاسی و اقسام صنوبر و بته های چای و تنباکو و غیره تجارب خود را شروع کرده است .

ج ـ تربیهٔ کرم پیله : متخصص کرم پیله ، تجارب خود را بالای تربیهٔ کرم پیله شروع نموده از روی معلومات و تجارب که اخذ نموده است پروگرام کار و حوایج خود را برای سال آینده پیش نهاد نموده درسال ۱۳۱۷ انشاءالله نتایج اطمینان بخشی حاصل خواهد شد .

د ـ تربیهٔ گوسفند مری نوس وانتشار نسل آن درافغانستان :

درمرکز ومزارشریف وقطغن ومیمنه وهرات وقندهار که بتفاریق یکعده قوچ و میش مرینوس از خارج خریداری وفرستاده شده نتایج محصوله اطمینان بخش است ودر ولایات ومرکز چوچه هائیکه ازجنس مرینوس ووطنی حاصل شده است خیلی باصل جنس مرینوس مشابهت دارد وبه این قسم یك عدهٔ زیاد چوچه حاصل شده است .

ه ـ نهال شانی : نهال شانی باساس توصیه وتشویقات ذات اشرف ملوکانه وتوجهات نائب الحکومه ها وحکام اعلی وحکام کلان وحکام ثلاثه وغیره مامورین مربوطه خیلی وسعت یافته واز روی احصائیه های مرتبه معلوم میشود که درسال ۱۳۱۶ نهال شانی نسبت به سال ۱۳۱۵ روی همرفته درتمام افغانستان زیاده از (۲٤) فیصد ترقی کرده بشرح ذیل :

(۱) ولایت کابل (۲۰) فیصد
(۲) « قندهار (۱۱) »

(۳) ولایت هرات (۳۰) فیصد
(٤) « مزار شریف (۳۵) »
(۵) « قطغن وبدخشان (۱۵) »
(٦) حکومت اعلای سمت مشرقی (۱۲) »
(۷) « « جنوبی (۸) »
(۸) « « میمنه (۷۰) »
(۹) « « فراه وچخانسور (۲۰) »

و ـ اجراآت متفرقهٔ زراعتی در ولایات :

ولایت کابل :

۱ ـ غرس اشجار در تمام نقاط ولایت کابل که چه بروز های قلبه کشی وچه درباقی مواسم ازطرف حکومت واهالی بعمل آمده .

۲ ـ غرس اشجار دردوطرفهٔ سرك های جدیدالاحداث وسابق .

۳ ـ منع قطع اشجار دربعضی نقاط مثل پغمان وغیره .

ولایت قندهار ،

۱ ـ زراعت پنبه درین سال درولایت قندهار نتائج بهتری داده وهیئت های متخصصین کشت زار های پنبه را جهت معلوم کردن نواقص آن ملاحظه کرده اند .

۲ ـ احداث باغها در مرکز قندهار وتشویق اهالی به ساختمان باغچه های شخصی

ولایت هرات :

۱ : ـ مدیریت فوق العادهٔ جنگلات بر اثر پیشنهادات مدیریت زراعت در مناطق باد غیسات تشکیل و بیست و دو خروار هرات پسته جمع کرده کی خود را در اراضی باد غیسات بذر نموده و پسته های

(c) ketabton.com: The Digital Library

بذر شدهٔ سال گذشتهٔ و جنگلات سابقهٔ پسته را بخوبی محافظه کرده است و هم پستهٔ حاصله را بخوبی محافظت کرده تا پخته شده و از ان رهگذر فایدهٔ ملی و تجارتی بعمل آمده است .

۲ ـ برای ترویج بادام مقدار سه خروار بادام بحکومت کلان غورات ارسال شده تا در نقاط لازمه بذر گردد .

۳ ـ تخمین پنجهزار جریب زمین موسوم بفرق زنده جان که ریگزار و لامزروع بوده امسال برای زراعت تحت نظر گرفته شده که تخمین (۵۰۰) جریب آن پسته و بادام بذر شده ودر دیگر حصه آن خنجك و کاسور وعناب و انجیر وغیره بذر وغرس خواهدشد .

٤ ـ باطراف پل پنتون که کناره های دریاست باندازه پنجصد جریب زمین برای احداث جنگل در نظر گرفته شده است :

۵ ـ ازسبب کم رسی آب به تخت سفر تعمیر یك حوض ۳٦ بر ۲۵ متر در نظر گرفته شده که در مرتبه دوم آن بشکل سه مرتبه ساخته و پخته کاری شود.

ولایت مزار شریف :

بتأسی افکار بهی خواهانه حکومت متبوعه باحداث جنگل باغ های بزرگ درچند حکومات محلیهٔ که زمین مساعد و آب بقدر کفایت موجود می شد اقدامات لازمهٔ شروع وتادرجهٔ موفقیت حاصل شده است به این تفصیل بحکومات بلخ ، دولت آباد ، اقچه ، شبرغان ، سر پل تا شقرغان ، درین شش حکومتی در مواضع قریب مراکز از دو صد وپنجاه الی سه صد جریب زمین یك یکباغ بزرگ جنگل و ذخیره احداث شده ترتیب خیابانها و تقسیمات چمن های آنهم به بسیار وضع درست اجرا شده و در هر باغ به تعداد زیاد نهال های مثمر و به

لك ها قلمهٔ چنار و بید شانده شده که هر باغ در قسمت خود باعث زینت همان محل گردیده و حالا شکل یك تفرجگاه عمومی را بخود گرفته امید است که در ظرف شش یا هفت سال اهالی هرمنطقه و هم حکومت از آوردن و رساندن چوب کار آمد عمرانات از یك نقطه به نقطهٔ دیگر بالکل فارغ ومستغنی شده احتیاجات هرشهر ومحل ازخود همان جنگل باغ حاصل شود وهم حاصل درختان مثمر آن باعث استفادهٔ زیاد خواهدشد.

ولایت قطغن :

۱ : مقدماتیکه برای توسیع زراعت پنبهٔ سال ۱۳۱٦ این ولا سنجیده شده بود ، تخمین کرده می شد که عایدات پنبهٔ امسال قطغن و بدخشان بدرجهٔ متوسط میزان ده ملیون سیر را که معادل هفتاد و یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت تن میشود شامل خواهد شد ، متأسفانه باثر عارضهٔ (گرد) که یکی از آفات مدمش زراعتی است پنبه در وقتیکه گل کرده بود دچار نقصان گردید . معذالك به اندازهٔ (بیست و یك) لك سیر پنبه عایدات آن بدست آمد که این مقدار سه برابر عایدات پنبهٔ سال ۱۳۱۵ میباشد .

۲ : حاصل تریاك بدخشان درین سنه به ترقیات معقولی نایل گردیده و رویهم رفته چهار ونیم برابر عایدات سال ۱۳۱۵ تفوق جسته است

۳ : یکی ازاجراآت سال ۱۳۱٦ اصلاح نهر (جوزون) واقع فیض آباد بدخشان میباشد ، چون دریای کوکچه بزمین های فیض آباد آب داده نمیتواند و آب جوزون نیز مجرای درستی بداخل شهر موصوف نداشت لهذا باشندگان شهر فیض آباد ازین رهگذر احساس تکلیف مینمودند .

و ، ج شیر محمد خان نائب الحکومهٔ قطغن در حین افتتاح سرك

(c) ketabton.com: The Digital Library

بدخشان این مسئله را تحت مطالعه در آورده امر دادند که بصورت فنی نهر مذکور وسعت داده شود و بجریان آب مساعد گردد بهمان اثر نهر مذکور آباد وبرای آبیاری شهر فیض آباد مساعدت درستی بعمل آورد .

٤ : سابقا تمام اراضی حضرت امام صاحب از نهر شهروان مشروب میگردید ، چون سلسلهٔ آبادی اراضی و پیشرفت زراعت درین سنوات آخر در امام صاحب زیاد گردید ـ بدیهی است تنها نهر شهروان به آبیاری کل اراضی وسیعه امام صاحب کافی شمرده نمی‌شد ، لذا از طرف ولایت نقشهٔ به آبادی نهر کنم که در شرق حضرت امام واقع بوده واز دریای آمو آب میگیرد ترتیب ودرحدود این سنه تا اندازهٔ ۱۸ کیلومتر (شش کروه) به عرض (چهار) متر حفر و طرف استفادهٔ صحیح زراعتی قرار داده شد .

حکومت اعلای میمنه :

۱ ـ غرس نهال های مثمر وغیر مثمردر نقاط مختلفهٔ حکومت اعلی به تعداد (۱،۰۰۰،۰۰۰) اصله .

۲ ـ بذر تخم پسته در نقاط مختلفه

حکومت اعلای فراه :

۱ ـ غرس نهال های زیاد در مرکز فراه و باقی مراکز مهمه که چه ازقسم اشجار مثمر وچه ازقسم اشجار غیر مثمرکه بصورت باغهای ذخیره ساخته شده .

۲ ـ زراعت پنبه در چخانسور که نتائج آن در سال ۱۳۱٦ نسبت به سال ۱۳۱٥ خیلی اطمینان بخش بوده و برای صادرات مقدار کلی پنبه تهیه شده است .

مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱٦ ریاست زراعت :

ع ، ص نور محمد خان متخصص زراعت به معینی ریاست .

ص ، محمد اسلم خان سابق مستوفی ولایت قندهار به مدیریت کنترول ریاست .

ص ، نادر علیخان سابق وکیل شورای ملی به مدیریت مأمورین و اجرائیه ریاست .

امور معادن

امورمعادن که یکی ازمهمترین بحث اقتصادی مملکت راتشکیل میدهد ، خوش بختانه از مدتی باینطرف مورد توجه حکومت متبوعه واقع و جهت کار انداختن ذخائر تحت الارضی وطن ترتیبات لازمه گرفته شده ، چنانچه برای این مقصد ریاست مستقلهٔ معادن بنازگی تشکیل و مشغول طرح پلانهای مهم و اقدامات بزرگی میباشد .

اجراآتیکه در مرور سال گذشته در امور معادن تحت نظر وزارت تجارت بعمل آمده یکی انعقاد قرار داد استخراج معادن جنوب است با یك شرکت افغان و المان ودیگر کار انداختن معدن ذوغال غور بند که‌برای داشهای‌خشت پزی وغیره مصارف مقدارزیاد ذوغال بمرکز آورده شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

اعطای نشان

فهرست نشانهائی که درمرور سال ۱۳۱۶ ازحضور اعلیحضرت همایونی اعطا گردیده :

(۱) برای داکترهنری هراس هسپانیولی مستشرق ومدیردارالفنون بمبئی بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۵۳ تاریخی ۲۹ ثور نشان درجه دوم معارف .

(۲) برای داکتر کورت تسمیکی وزیر مختار دولت المان بموجب اعتبار نامهٔ ٤٥٤ تاریخی ۱٦ سنبله نشان سردار عالی .

(۳) برای عزتمند ظفر حسن خان سرمعلم توپچی مکتب حربیه بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۱۸۹ تاریخی ٥ میزان نشان استوردرجه سوم.

(٤) برای ع ، ج عبدالرحمن عزام وزیر مختار دولت شاهی مصر بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ٥۹۷ تاریخی ۱٦ عقرب نشان سردار عالی .

(٥) برای عزتمند بروفیسر بای حسن رشاد رئیس فاکولتهٔ طبی بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ٦۷۹ تاریخی ۲۹ قوس نشان استور درجه اول .

(٦) برای عزتمند دکتور بای رفقی کامل دکتور حضوز ومشاور طبی وزارت صحیه بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ٦۷۸ تاریخی ۲۹ قوس نشان سردار عالی .

(۷) برای ع ، ج کیتادا وزیر مختار دولت جاپان بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۳۱ تاریخی ۱۷ دلو نشان سردار عالی .

۸ عزتمند مایور شانك المانی سرمعلم کورس عالی حربیه بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۰۸۸ ـ ۲۹ حوت ۱۳۱٦ استور درجه دوم.

مجلس شورای ملی

تصویبات سال ۱۳۱٦ مجلس شورای ملی

معاهدات وقرار داد ها :

۱ : معاهدهٔ عدم تعرض بین ممالك چهارگانه افغانستان ، ترکیه ، ایران ، عراق .

۲ : پروتوکول تمدید معاهدهٔ مودت بین دولت شاهی افغانستان و دولت جمهوری تورکیه .

۳ : معاهدهٔ مودت بین افغانستان وحکومت چکسلواکی .

٤ : معاهدهٔ مودت بین افغانستان و دولت جمهوریه لیبریه .

٥ : قرار داد تجارتی دولت افغانستان ودولت جمهوریه چکسلواکی .

٦ : قرار داد استخراج نفت افغانستان با (ایلیند اکسپور شن کمپنی) امریکائی .

۷ : قراردادامتیازمعادن افغانستان باشرکت مختلط افغان والمان .

اصولنامه ها :

۱ : اصولنامهٔ توریدادویهٔ مخدره درافغانستان .

۲ : « صکوکات وتکت های محصولی .

۳ : « تلگراف .

٤ : لایحهٔ صنعت زرگری .

ضمایم اصولنامه ها :

۱ : تعدیل اصل ۲ ضمیمهٔ نمبراول اصول اساسی مملکت .

۲ : ضمیمهٔ اصولنامهٔ خزائن راجع به ضمانت ووکالت خزینه داران .

۳ : « « بلدیه درموضوع تعین مرجع انتخاب مأمور های حکومات کلان وسایر حکومات تصویب بودجهٔ سال ۱۳۱٦ مملکتی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجلس اعیان

تصویبات سال ۱۳۱۶ مجلس اعیان :

معاهدات ها وقرار داد ها :

۱ـ معاهدهٔ عدم تعرض بین ممالک چهارگانه افغانستان، ترکیه، ایران، عراق.

۲ـ پروتوکل تمدید معاهدهٔ مودت بین دولت شاهی افغانستان و دولت جمهوریه ترکیه .

۳ـ معاهده مؤدت بین افغانستان و حکومت چکسلواکی .

٤ـ معاهدهٔ مودت بین افغانستان و دولت جمهوریه لیبریه .

٥ـ قرارداد تجارتی دولت افغانستان ودولت جمهوریه چکسلواکی .

٦ـ قرار داد استخراج نفت افغانستان با (ایلند اکسپلوریشن کمپنی) امریکائی .

۷ـ قرارداد امتیاز معادن افغانستان باشرکت افغان والمان .

اصولنامه ها :

۱ـ اصولنامه تورید ادویه مخدره در افغانستان .

۲ـ « « صکوکات وتکت های محصولی .

۳ـ « « تلگراف .

٤ـ لایحهٔ صنعت زرگری .

ضمایم اصولنامه ها :

۱ـ تعدیل اصل ۲ـ ضمیمهٔ نمبراول اصول اساسی مملکت .

۲ـ ضمیمهٔ اصولنامهٔ خزائن راجع بضمانت ووکالت خزینه داران .

۳ـ « « « بلدیه درموضوع تعیین مرجع انتخاب مامور های حکومات کلان و سائرحکومات تصویب بود جه سال ۱۳۱۶ مملکتی .

بلدیهٔ کابل

۱ ـ خریدچندین عراده موترهای لاری برای امورعمل ونقل بلدی .

۲ ـ اقدام توریدیك دستگاه ماشین مسلخ برای نگه داشت (٤٠،٠٠٠) گوسفند ، گاو ، گوساله ، ترکاری و میوه جات و غیره که بسال ۱۳۱۷ ساختمان آن شروع خواهد شد .

۳ـ همکاری درتاسیس شرکت عمران جهت ساختمان عمارت جدید در شهر.

٤ـ همکاری در تاسیس شرکت ارزاق جهت توریدمقدار کافی ارزاق وازوقه جات .

٥ ـ تهیهٔ (٥٠٠) خروار روغن برای مصارف زمستان شهر و دوائر رسمی .

٦ ـ ساختمان پنجاب مسجد در شهر.

۷ ـ تعمیرچندین آب روهای گذرهای شهروترمیمات نلها وجادها.

۸ ـ خرید و انهدام خانه های ده افغانان برای کشیدن یك سرك جدید ازپیش روی ولایت کابل الی چهار راهی متصل مجلس اعیان .

۹ ـ تخریب دکانهای دورگنبد کوتوالی برای کشیدن یکسرك اساسی.

۱۰ ـ خریداری یك تعداد خانهای اهالی واقع لب دریا وبرج وزیر وتخریب آن برای توسیع سرك تعمیراپارتمانها مطابق حصهٔ مقابل آن .

۱۱ ـ پخته کاری سرك های جدید شهر نو.

۱۲ـ فرمایش نلهای بزرگ آهنی برای موضع شادوشمشیره وباغ عمومی.

۱۳ ـ ترمیمات واصلاحات سرکها وفرش ریگ به تمام جاده های بزرگ شهر.

۱٤ـ وضع مقررات برای حفظ الصحهٔ دکانهای خوراکه فروشی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مطبوعات وطن

جرائد و مجلات حاضره

اسم	سال تاسیس	مدیر فعلی
جریدهٔ اتحاد مشرقی (بزبان پشتو)	ـ ۱۲۹۸ شمسی	جناب شمس الدین خان قلعتکی
جریدهٔ اتفاق اسلام هرات	ـ ۱۲۹۹ شمسی	جناب میر محمد عثمان خان
« طلوع افغان قندهار (بزبان پشتو)	ـ ۱۳۰۰ «	« عبدالحی خان حبیبی
« بیدار مزارشریف	ـ ۱۳۰۰ «	« عبدالصمد خان
« اتحاد خان آباد	ـ ۱۳۰۰ «	« سید محمد خان
« انیس کابل پشتو و فارسی	ـ ۱۳۰۶ «	« محمد امین خان خوگیانی
« اصلاح « «	ـ ۱۳۰۸ «	« برهان الدینخان کشککی
مجلهٔ اردوی افغان	ـ ۱۳۰۰ «	« از ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه نشر میشود
« آئینهٔ عرفان کابل	ـ ۱۳۰۳ «	« از ریاست تعلیم و تربیهٔ معارف
« صحیهٔ کابل	ـ ۱۳۰۶ «	« عبدالرشید خان لطیفی
« الفلاح کابل	ـ ۱۳۰۹ «	« عبدالکریم خان گدا
« اقتصاد کابل	ـ ۱۳۱۰ «	« محمد زمان خان تره کی
« کابل پشتو و فارسی	ـ ۱۳۱۰ «	« ازمدیریت نشریات انجمن ادبی
« ادبی هرات	ـ ۱۳۱۱ «	« از انجمن ادبی هرات
« بلدیهٔ هرات	ـ ۱۳۱۱ «	« جناب صفر علی خان امینی
جریدهٔ زیری تعلیمی پشتو	ـ ۱۳۱۶ «	« ازمدیریت نشریات انجمن ادبی

سفرائیکه درسال ۱۳۱۶ وارد کابل شده اند.

وزیر مختار مصر :

جلالتمآب آقای عبدالرحمن عزام وزیر مختار و نمایندهٔ فوق العادهٔ حکومت پادشاهی مصردردربار کابل بتاریخ ٦ مارچ ۱۸۹۳ درقاهره تولد شده ، پس ازتحصیلات لازمه درنهضت ملی بمقصد استقلال وطن شامل شدند . و در تمام مدت قبل از حرب عمومی و در دوران محاربه چه در داخل و چه در خارج مملکت برای همین منظور ملی مشغول کوشش بودند. بعد از جنگ از طرف حزب وفدکه شخصا ازاعضای مبرز آن بشمار میروند ، وظائف وکالت ملی را در مجلس شورای مصر بعمل می آوردند ولی همواره هدف مقصودشان آزادی مملکت بوده هرچندیکه مأموریت های مهم از قبیل رتبه های وزارت و

سفارت بایشان پیش نهاد میشد ، نمی پذیرفتند ولی بالمقابل همواره بطور غیر مستقیم در امور مملکتی حصه گرفته در چندین مجالس بین المللی شامل و مخصوصا در قضیهٔ رفع اختلافات مصر و عربیهٔ سعودیه سهم زیادی گرفتند تا آنکه پس از امضاء شدن معاهدهٔ استقلال مصر ازطرف کابینهٔ نحاس پاشا وزارت مختاری مصردردول اسلامی شرق یعنی افغانستان ، ایران ، عراق ، عربیهٔ سعودیه بایشان تفویض شده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

معموله وارد کابل شده در ۲۳ حوت بساعت ۱۱ قبل ازظهر در طی تشریفات لازمه درقصر دلکشاء اعتماد نامه های خویش را بحضور اعلیحضرت معظم همایونی تقدیم کردند .

فوت وزیر مختار فرانسه

جلا لتمآب آقای « دوفور دولا پراد » وزیر مختار فرانسه مقیم دربار کابل که سوانح شان در سالنامهٔ گذشته مندرج است در ماه سنبله ۱۳۱۶ باثر مرض قلب که از مدتی دامنگیر شان شده بود ، بمقام ایبت آباد هند وفات یافتند . و حکومت متبوعهٔ ما به تقریب فوت مشارالیه مراتب همدردی خویش را به حکومت فرانسه

و بازماندگان فقید مذکور ابراز نمود . چنانچه متعاقب آن آقای ، باربیه از طرف حکومت فرانسه بحیث وزیر مختار به دربار کابل معرفی و اگریمان ایشان صادر و عنقریب وارد کابل خواهند شد .

کور دیپلوماتیک مقیم دربار کابل

سفارت کبرای ترکیه

سفیر کبیر : ع ، ج آقای ممدوح شوکت .
سرکاتب : آقای حامی بایور .
کاتب وعهده دار امور قونسولی : آقای حقی کنتلی .
ترجمان : آقای عباس .
داکتر : آقای فواد .

سفارت کبرای ایران

سفیر کبیر : ع ، ج آقای علی اکبر بهمن .
مستشار : آقای شایان .
کاتب سوم : « حکیمی .

سفارت کبرای شوروی

سفیر کبیر : ع ، ج آقای میخائیلوف کونستنتین الکساندرویچ .
سرکاتب : آقای سیچوف .
آتشهٔ نظامی : آقای کولونل الکزندر بندیکتوف .
داکتر : آقای ایوان پاسف گی کاس آندرویچ .

وزارت مختاری انگلیس

وزیر مختار : ع ، ج آقای لفتننت کلونل فریزر تتلر .
مستشار : آقای میجر ای ، ای ، اچ میکن .
آتشه نظامی : آقای میجر ای ، سی لنکاستر .
کاتب : آقای رودویك پارکس .
داکتر : « کاتین آچ دبلیو فارل .
کاتب : « خان بهادر سکندر خان .

(c) ketabton.com: The Digital Library

وزارت مختاری ایطالیا

وزیر مختار ع ، ج آقای کوم دوت پیتر و کوارونی.

سرکاتب : آقای آنری لوتی هانری کو .

دفتر دار : « دوت اولف کریشینی .

وزارت مختاری المان

وزیر مختار : ع ، ج آقای پلگر .

دفتر دار : آقای شمت .

وزارت مختاری مصر

وزیر مختار : ع ، ج آقای عبدالرحمن عزام.

سرکاتب: آقای احمد جلال‌الدین (فعلاً شارژ دافر).

کاتب : « عثمان حلمی .

دفتردار : « حسن وهبی .

وزارت مختاری فرانسه

وزیر مختار : ع ، ج آقای باربیه .

کاتب : آقای گابریل بونو ـ (فعلا شارژ دافر) .

وزارت مختاری جاپان

وزیر مختار ، ع ، ج آقای وارو موریا .

کاتب : آقای کوابا را ـ (فعلا شارژ دافر) .

کاتب : « ستارو ایفازاکی .

آتشه : « اوما گاوا .

« « سایتو

دکتور : « هیچی ایما گاوا .

گذارشات دنیا

در سال ۱۳۱۶

بقلم جناب میر محمد صدیق خان

اگرچه سال ۱۳۱۵ متضمن اغتشاشات و کشیدگی های زیادی در اوضاع سیاسی جهان بود اما در اوائل ۱۳۱۶ بهبودی رو نموده اضطرابات مذکور اندکی تخفیف یافت و امید آن میرفت که شبح مخوف و وحشتناک جنگ محو گردد و روح تساند و اعتماد دوباره عودت کند متاسفانه این آرزو صورت خارجی پیدا نکرد و درجریان این سال وقائعی رخ داد که امید طرف داران صلح را مبدل به یاس و اعتماد ملل را از یکدیگر سلب نمود و حتی آتش جنگ و جدال در بعضی از نقاط عالم سر کشید .

دو چیز ازهمه زیاده تر اضطرابات بین المللی و ارتجاع سیاسی عالم را درین سال مشهود می سازد اول ـ ضعف جامعهٔ ملل ـ اگرچه سقوط حکومت ملی حبشه وتسلط عسکری ایطالیا بران مملکت، بزرگ ترین لطمهٔ بود که برپیکرسیاسی (جینوا) واردآمد امانتائج وعواقب این واقعهٔ شوم در سال ۱۳۱۶ ظاهر گردیده اعتماد و اطمینانی را که اکثرملل عالم بوساطت و حمایت موسسهٔ جمعیت اقوام داشتند زائل ساخت طوریکه اولیای این موسسه نیز به ضعف خود پی‌برده دروقائعی که بعد از قضیهٔ حبشه رو نمود راه احتیاط را پیش گرفتند و برای آنکه زیادتر عدم قدرت و ناتوانی خود را فاش نساخته باشند حتی از اظهار رأی هم در اکثر موارد خود داری نموده حل مشکلات

(c) ketabton.com: The Digital Library

رابمجالس سیاسی دیگری سپردند که بکلی از روح میثاق ملل بیگانه بود مثلاً کمیتهٔ عدم مداخله ، کنفرانس نیون و بروسل وغیره .

از علل مهم ضعف جامعهٔ ملل یکی آنست که مجلس مذکور از همه بیشتر یك مجلس سیاسی و مقصود آن جلوگیری از وقوع جنگ عالمگیراست، واوکه درین راه حقوق بعضی‌ازدول پای‌مال هم شود ، زعمای جینوا پروای آنرا ندارند، چنانچه درموقع جنگ حبشه وقضیهٔ اسپانیا این مفکوره بخوبی ظاهر شده رؤسای بزرگ جمعیت اقوام بیان نمودند که حاضر نمی باشند برای اطفای نائرهٔ حرب در خاك افریقا و یا حفظ استقلال حبشه و حقوق دولت مادرید بجنگ بزرگی اقدام‌نمایند وطبیعی‌است که این‌سیاست جلب‌اعتماد دول رانتواندکرد ،

و دیگر آنست وقتیکه ویلسن پلان جمعیت اقوام را طرح میکرد فرض نموده بود که در اندك مدتی اسلحهٔ جمیع دول عالم خلع و یا باندازهٔ معینی‌محدود میگردد ودرانصورت البته امداد اخلاقی و اقتصادی بامظلوم واجرای مواد ۱۶ و۱۷ میثاق، برعلیه دولت متعرض کفایت میکرد . حالانکه قضایای پس از حرب پیش بینی های مشار الیه را تکذیب نمود وامروز چنان تفاوت فاحشی بین قوای دول موجود است که تجاویز اقتصادی وانهم بطور ناقصی که درمورد ایطالیا استعمال‌گردید ازاقدامات متجاوز جلوگیری نمیتواند وکلمات قشنگ با اسلحهٔ آتشین بس نمی آید .

۲ـ دسته بندی دول بزرگ : درجریان سال ۱۳۱۶ کیفیت مدهشی در روابط بین المللی عرض اندام کردکه آنرا میتوان علامهٔ سقوط کاخ صلح وآرامش عالم دانست وآن عبارت است از تقسیم‌گردیدن دول‌عالم بدودستهٔ معین وتاریخ نشان میدهد هر دفعه

که این وضعیت در دنیارو داده نتیجهٔ مستقیم‌آن ظهورجنگ و تصادم دودستهٔ مذکوربوده است‌بایك دیگرعلل مهم دسته شدن دول بزرگ ازدو نوع است :

الف : علل اقتصادی : ـ معاهدهٔ ورسای که تحت تأثیر احساسات دول فاتح امضا گردیده بود دست چندین مملکت رابنام دول مغلوب ومسئول حرب عمومی ازمنابع ثروت کوتاه نمود وبرعلاوه چنان بار سنگینی ازقروض محاربه وخسارات جنگ بالای شان‌گذاشت‌که سیستم زندگانی اقتصادی آنهامنقلب وبفقروفاقهٔ عظیمی مبتلا شدند. ازطرف دیگردربین دول فاتح نیزتفریقی بعمل آمده آنهائیکه ازهمه مقتدربودند غنائم بزرگ رابه خود وحلفای خویش تخصیص دادند و برای دیگران چیز قابل اعتنائی باقی نماند ـ روی همرفته معاهدهٔ ورسای از حیث اقتصادی مخالف حفظ امنیت وتعاون بین المللی بوده ونتیجه‌آن شدکه چندسال پس ازعقد آن طبعاً دول عالم بدو دسته : دول محتاج ودول ثروت مند تقسیم‌گردیده وبحران‌اقتصادی شدیدی عالم را فرا گرفت .

اغتشاشاتی که درچند سال اخیر رو داده در حقیقت چیزی نیست بجز تجاوز دول محتاج وفقیر بردول ثروتمند و دفاع اینها از حقوق وامتیازات خویش .

ب : علل اجتماعی : ـ بحران اقتصادی بعد از حرب تاثیر عمیقی در روحیات ملل نمود و دول محتاج و یا بهتر بگوئیم جمیع دول حسود وناراضی را ، ازموسسهٔ جینواوسیاست بین‌المللی ومنصفانه آن‌که اساساً مخالف هرنوع تجاویزاست روگردان و وادارباخذ سیاست مستقل وملی نموده تابوسیلهٔ آن شئون ازدست رفتهٔ خویش را که بدیگروسایل ممکن نبود حصول شودبدست بیاورند ـ رویهمرفته این انقلاب یك ارتجاعی

(c) ketabton.com: The Digital Library

بود ازاصول مسالمت بجانب اصول تشدد که بانظام اجتماعی امروزه شایسته نمیباشد وممالکی که از ان پیروی نمودند اولا در داخلهٔ خودها برای مقابله با تاثیرات ممانعت کننده وتسریع عملیات خویش ، اقتدار مطلقه را روی کار آوردند و درزمینهٔ سیاست بین‌المللی آهسته آهسته از حیث اشتراك مفاد بیکدیگر نزدیك شده و بالاخره در سال ۱۳۱۵ دستهٔ معینی در مقابل دول محافظه کار و ثروت مند تشکیل دادند . مخالفین آنها نیز برای حفظ مفاد و دفاع ازتهذیب وامتیازات خودها چارهٔ جز رو آوردن بسوی اتحاد واتفاق و ازدیاد قوای عسکری و تسلیحات ندیده باین صورت دول بزرگ در دو دسته منقسم و مسابقهٔ تسلیحات بشدتی در بین آنها قائم گردید که عواقب آن بس خطرناك دیده می شود . ضمنا دول ناراض ازوضعیت تردد دستهٔ مقابل که نسبت باتفاق باهمی خودنشان میدهندوهم ازضعف جامعهٔ ملل استفاده کرده روز بروز میدان اقدامات خود را وسعت دادند بطوریکه در ظرف سه سال اخیر چندین مملکت مستقل از صحنهٔ هستی نابود وضمیمهٔ دول دیگر شده است ودامنهٔ این اقدامات بطور نامحدودی ادامه دارد . مباینت مسلك اجتماعی وجذبات حزبی نیز آتش نفاق و بد بینی را در بین این دو دسته دامن زده روز بروزآنها را از یکدیگری دورنمود وتعصب وعداوت را جانشین مفاهمه واعتماد ساخت . یکی از نتائج وخیم این دسته بندی همانا مسابقهٔ تسلیحات ومبالغ خطیری‌است که ملل عالم دیوانه‌وار درین راه صرف مینمایند وانجام آن معلوم نیست که بکجا خواهد کشید ، چنانچه میگویند روزی خواهد رسید که دیگر ملل عالم توان ادامهٔ تسلیحات و بودجه های کمر شکن آنرا نداشته برای خلاصی از چنگال آن

دست بجنگ بزنند و نتیجهٔ زحمات یك عالم را صرف خونریزی و انهدام تمدن و تهذیب بشر سازند .

جامعهٔ ملل ومجالس بین المللی :

جامعهٔ ملل

بتاریخ ۷ جوزا اجلاس جامعهٔ ملل تحت ریاست رشدی آراس نمایندهٔ اول و وزیر خارجهٔ ترکیه تشکیل یافته در خواست حکومت مصر راجع به قبولیت آن بحیث عضو جامعهٔ ملل قرائت و با کثریت آراء تصویب گردید چنانچه افغانستان نیز باین تقریب یك تلگرام سفارش بنام سرمنشی جامعه مخابره کرده بود. راجع بقضیهٔ سنجاقهای انطاکیه و اسکندرون عینا فیصلهٔ که مستقیما بین فرانسه و ترکیه درین زمینه بعمل آمده بود تصدیق شد . « دل وایو » نمایندهٔ حکومت اسپانیا قرضاس ابیض راجع بمداخلهٔ اجانب و مخصوصا ایطالیا و المان به مجلس رویت داد ودر خواست نمود که بین حکومت قانونی و باغیان تمیز نموده باول الذکر اجازهٔ خرید اسلحه از خارج داده شود اما این درخواست طرف قبول واقع نشد . در اواخر سنبله اجلاس سالانهٔ جامعهٔ ملل تحت ریاست آغا خان نمایندهٔ هند و رئیس فرقه اسماعیلیه بعمل آمد . « ولنگتن کو » نمایندهٔ چین عرض حالی راجع به تعرض جاپان تقدیم نموده از جامعهٔ ملل امداد خواست. باثر درخواست مشارالیه هیئتی مرکب از ۱۳ نفر برای مطالعهٔ اوضاع شرق اقصی مقرر شد که هیئت مذکور پس از چندین اجلاس عملیات جاپان را مذموم ومخالف میثاق ملل و معاهدهٔ نه گانه وقرار داد بریان کیلاگ قرار داده و بجمیع دول عالم سفارش نمود که باحکومت چین امداد اخلاقی کرده شود. درعین حال رئیس الوزرای

(c) ketabton.com: The Digital Library

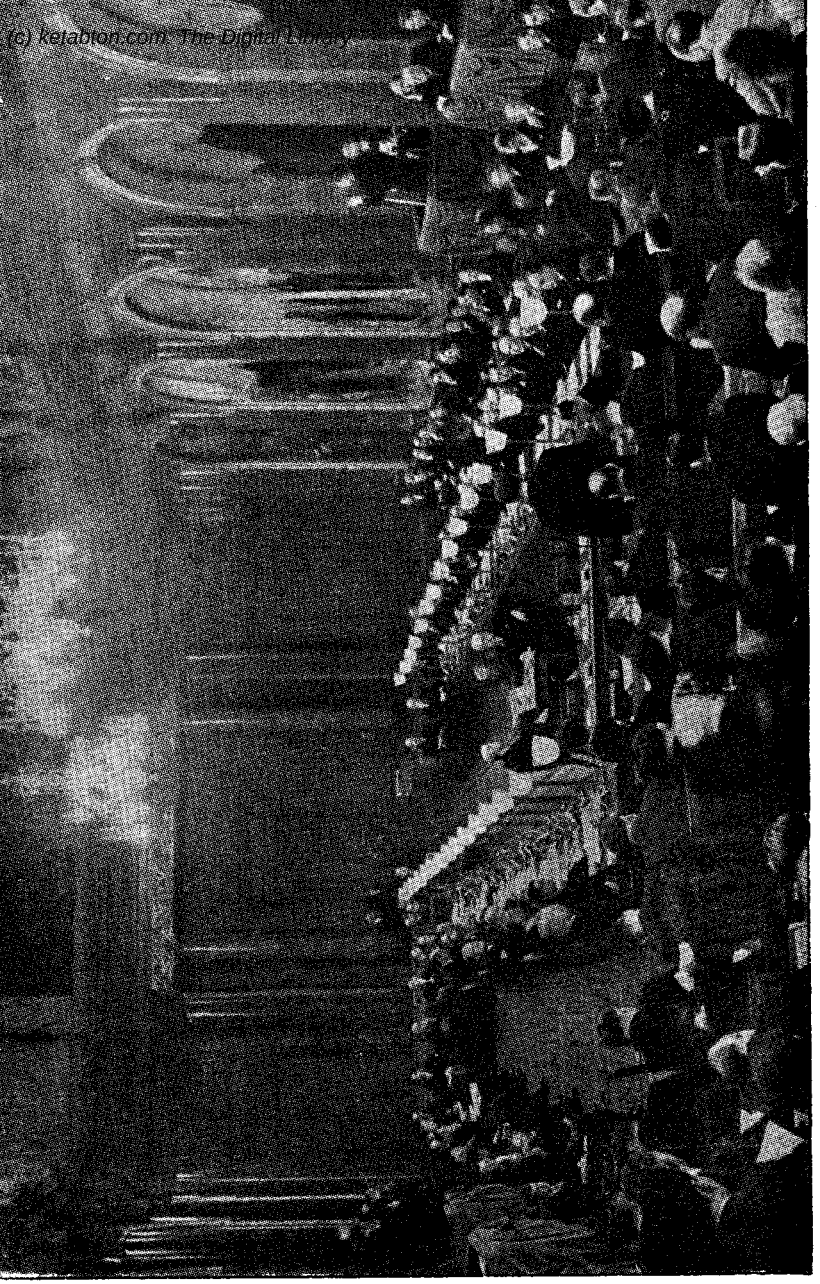

افتتاح کنفرانس بروسل راجع به قضایای شرق اقصی توسط سپاك وزیر خارجهٔ بلژیك.

دولت جمهوری اسپانیا بر علیه مداخلات ایطالیا و المان اقامهٔ دعوی و اجرای ماده ۱۶ میثاق ملل را بر علیه ایشان مطالبه کرده اما مجلس مذکور در خواست مشارالیه‌را به کمیتهٔ عدم مداخله رجعت‌داده و سفارش نمود که برای اخراج داو طلبان اجنبی از خاك اسپانیا اقدامات فوری بعمل آورد .

این بود رویدادهای مهم جامعه ملل در ینسال ولی ازطرف‌دیگر موسسات علمی واجتماعی وعرفانی وصحی و غیرهٔ جامعهٔ ملل که برروی اساسات غیر سیاسی استوار میباشد بموفقیت تمام کار کرده و میتوان گفت که تنها در ین زمینه هاست که مفهوم حقیقی جامعهٔ ملل و تعاون بین المللی صورت حقیقی پیدا کرده است .

کنفرانس مونترو

پس از انکه دولت مصر استقلال کامل خود را حاصل نموده در صدد آن افتاد که کاپیتولاسیون (امتیازات) ممالك خارجه را نیز رفع‌نماید زیرا اکثر دول اروپائی درخاك مصردارای امتیازات مخصوص بود و تبعهٔ ایشان در حین ارتکاب جرم و جنایت و یاداشتن دعوی از طرف محاکم مخصوص محاکمه و قضاوت شده و این وضعیت منافی استقلال وتمامیت حقوق دولت مصر بشمار میرفت. همان است که باثر پیشنهاد نحاس پاشا و موافقت‌دولت انگلیس ودیگر دول ذیعلاقه کنفرانسی بتاریخ ۲۳ حمل در شهرمونترو (سویس) تشکیل یافت نحاس پاشا که شخصا ریاست هیئت نماینده گان مصر را داشت درخواستی راجع برفع کاپیتولاسیون قضائی جمیع دول تقدیم نمود پیش‌نهادمذکور اساسا تصویب گردید و پس از اندك‌مخالفتی که فرانسه

کابینهٔ انگلستان : ازراست بچپ : نیوائل چمبرلین رئیس الوزراء ، میجر اتلی رئیس حزب کارگر (خارج کابینه) ، لاردهیلشام معاون رئیس‌الوزراء ـ کیپتن فنزرای نطاق دارالعموم (خارج کابینه) ، سرجان سائمن وزیرمالیه ، لارد هیلیفکس وزیر خارجه ، سرسموئیل هور وزیرداخله ، لارد دلی ور وزیر مهر شاهی ، مالکم مکدانلد وزیرممالك نیم مستقل، لارد زتلیند وزیر هند. (صف‌دوم) دف‌کوپر وزیربحریه ، هور بلیشا وزیر حربیه باقی معاونین وزارت خانه‌ها .

کنفرانس نیونایتد به رهنمائی دریاگی بحرمدیترانه : - دلیو نایندهٔ فرانسه‌ایکی میکند .

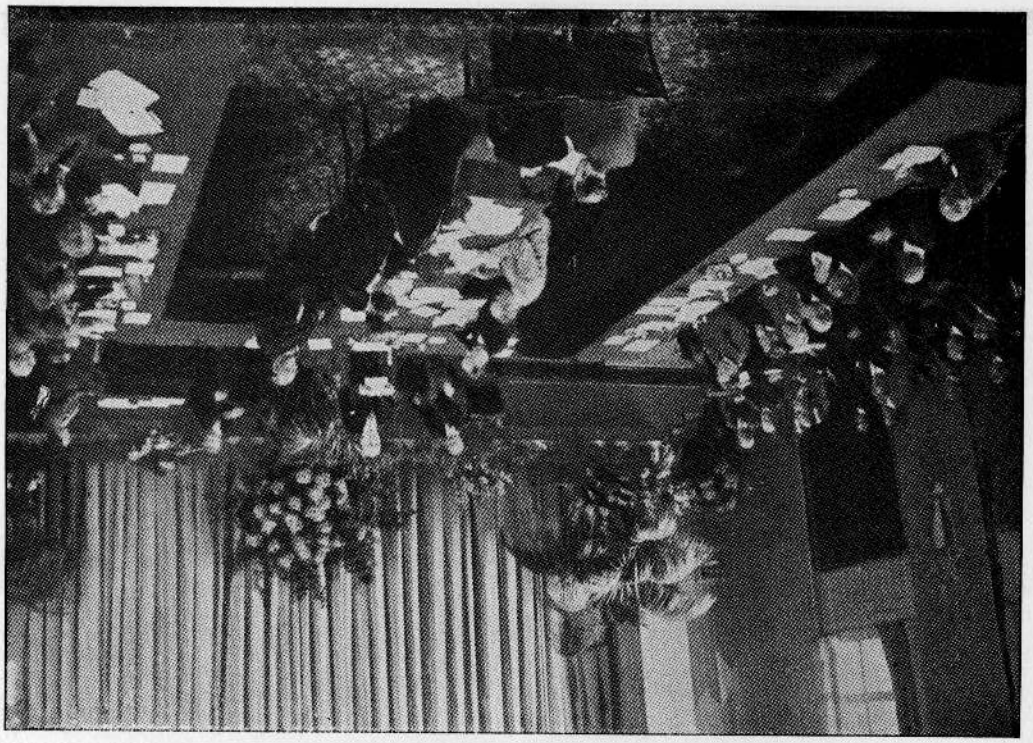

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

نشان داد بالاخره در ۱۹ ثور نمایندگان دول بریك معاهدهٔ امضاء نمودند که بموجب آن دولت مصر از قیود کاپیتولاسیون آزاد شد و پس از یك مدت کوتاه برای سررشتهٔ امور قضائی و حقوقی مذکور، دیگر تمام امتیازات خارجیها از مصر مرفوع میگردد.

کمیتهٔ عدم مداخله

این کمیته که در سال ۱۳۱۵ برای جلوگیری از مداخلهٔ اجانب در امور اسپانیا و محدود ساختن جنگ در ان مملکت تشکیل گردیده بود باوجود خطرات بزرگی که هر آن وجود آن را تهدید میکرد درجریان سال ۱۳۱۶ مرتبا اجلاس نموده وحتی موفق باجرای دساتیر چندی در راه مقصد خود گردید. روی همرفته میتوان گفت که تاحال در یك قسمت از مقصد خود کامیاب یعنی از سرایت جنگ اسپانیا در باقی ممالك جلوگیری بعمل آورده است چنانچه اجراآت مهمهٔ آن در ذیل شرح داده میشود.

بتاریخ ۳۱ حمل ۱۳۱۶ مراقبت سواحل و سرحدات اسپانیا که در حوت ۱۳۱۵ از طرف جمیع دول شاملهٔ کمیته، تصویب گردیده بود انفاذ یافت. بتاریخ ۷ جوزا درحالیکه یکی ازجهازات مراقب جرمنی موسوم به «دو یچلند» در منطقهٔ نظارت فرانسه ایستاده بود مورد حملهٔ طیارات دولت اسپانیا واقع گردیده دوعدد بم بآن اصابت کرد و ۲۳ نفر ملاح آن تلف و ۸۳ نفر مجروح شد ـ حکومت المان ازین مسئله بغیظ آمده به انتقام ملاحین خود بندرگاه المیریارا ازطریق بحر بمبارد نموده ضمناً بهمراهی ایطالیا مراقبت سواحل را ترك داد اما بمبارد المیریا نتائج بسیار وخیمی تولید نکرده دولت انگلیس فوراً در کمیتهٔ عدم مداخله پیشنهاد کرده که منطقهٔ مخصوص در آبهای اسپانیا برای

پذیرائی لارد هیلیفکس دربرلین ، طرف چپ لارد هیلیفکس (وزیر خارجهٔ انگلستان) دروسط شهزاده گوتا، طرف راست فون ریبتروب وزیر خارجهٔ المان.

(c) ketabton.com: The Digital Library

توقف جهازات مراقب تعیین گردد وباصرار او دولتین ایطالیا وجرمنی بتاریخ ۲۷ جوزا مراقبت سواحل را ازسرگرفتند تا آنکه دراوائل سرطان حکومت جرمنی باز دعوا نموده که بالای یکی ازجهازات او موسوم بهٔ «لائپزیگ» از طرف تحت البحری های دولتی تارپیدو انداخته شده و بدین علت ایطالیا و جرمنی دوباره از کنترول سواحل کناره گرفتند . درین بار دولت فرانسه پس از مشوره با لندن بتاریخ ۲۳ سرطان اعلان نمود که سرحدات خود را بروی دولت جمهوری اسپانیا آزاد می‌نماید . تهدید مذکور کار خود را کرد و دولتین المان وایطالیا کمی آرام گردیده نمایندهٔ انگلیس پیشنهادی تقدیم نمود که مراقبین جدیدی در سرحدات فرانسه وایطالیا وبنا در ومیدانهای طیارهٔ طرفین متحار بین اعزام شود وداوطلبان خارجی هم اخراج گردیده بطرفین حقوق متحارب اعطا گردد. قسمت اول این پیشنهاد یعنی تعین مراقبین جدید طرف قبول جمیع دول واقع گردیده قسمت دوم بعلت مخالفت شدید نماینده گان ایطالیا وروسیه معطل ماند :

در اوائل ماه میزان مجمع ملل در اثر شکایت رئیس الوزرای حکومت مرکزی اسپانیا بکمیتهٔ عدم مداخله سفارش نمود که داوطلبان خارجی را ازخاك اسپانیا خارج نماید ـ همان بود که دولتین فرانسه وانگلیس پیشنهادی درین باره تقدیم کردند و چون ایطالیا صریحاً پیشنهاد مذکور را رد نموده و از شمولیت در یك مجلس سه گانه هم برای مذاکرهٔ این موضوع اعراض کرد دولت فرانسه دوباره تصمیم گرفت که سرحدات خودرا بروی حکومت مادرید باز نماید ولی بمشورهٔ ایدن وزیر خارجهٔ انگلیس قبلاً موضوعرا بمثل اتمام حجت بکمیتهٔ

عدم مداخله رویت داد وکمیته پیشنهاد مذکور را دوباره باطلاع دول ذیعلاقه رسانیده نظریات ایشان را مطالبه نمود ـ درین بار برخلاف امید، دولت ایطالیا تشدد را کنار گذاشته با اساس پیشنهاد موافقت کرد ومجلس فیصله نمود که دوکمیسیون برای این امر با سپانیا اعزام شود ـ ولی تاکنون نتیجهٔ ازاین اقدام بدست نیامده است.

کنفرانس نیون

ازموقعی که محاربهٔ داخلی اسپانیا شروع گردیده وقتاً فوقتاً درآبهای ساحلی آن مملکت واحیاناً درقسمت غربی مدیترانه برجهازهای تجارتی دول بیطرف تعرضاتی بعمل می آمد اما دول بزرگ اکثر ازین قضایا چشم پوشی کرده به تشدد نمی پرداختند. تا آنکه در جریان ماه سرطان و اوائل اسد تعرضات مذکور بطور وخیمی شدت یافت و در عرصهٔ چند روز یك تعداد جهازات انگلیسی ، روسی و فرانسوی مورد حملهٔ طیارات و تحت البحری های مجهول واقع شده بعض ازآنها غرق وملاحین آن تلف گردید ـ جراید این ممالك باهیجان وغضب تمام برعلیه دزدان دریائی مدیترانه احتجاج وپروپاگند نموده ممالك فاشیست ومخصوصاً ایطالیارامحرك ومسئول آن قراردادند

همان بود که دولتین فرانسه و انگلیس جمیع دول ساحلی بحر مدیترانه وروسیه والمان را بشمولیت درکنفرانس دعوت نمودند که برعلیهٔ دزدان دریائی مدیترانه دساتیرمجربی اتخاذ نمایند. مقارن اینحال دولت روسیه که چندین جهاز او در حصص مختلفهٔ مدیترانه وحتی درمدخل دردانل غرق شده بود دولت ایطالیارا مسئول این امر قرارداده پروتست شدیدی باو داد و تقاضای غرامات کرد ـ حکومت ایطالیا و جرمنی این قضیه را اساس گرفته از شمولیت در کنفرانس

(c) ketabton.com: The Digital Library

اعراض نمودند . باوجود این ، کنفرانس بتاریخ ۱۸ سنبله در قصر نیون (سویس) افتتاح و دلبو وزیر خارجهٔ فرانسه بریاست آن انتخاب شد . مجلس پس ازمذاکرات مختصری فیصله نمود که سیستم مراقبات در بحر مدیترانه جاری شود و هر مملکت بحری در سواحل خود و بحریهٔ انگلیس و فرانسه بحر آزاد را مراقبت نموده جهازات مجهول ومتعرض رابسزا برسانند. نقل این فیصله را بحکومت ایطالیانیز فرستاده درخواست شمولیت آنرانمودند ـ دولت مزبور در بدو امر اعراض کرده ثانی‌تقاضای مساوات حقوق را بافرانسه و انگلیس نمود وبالاخره راضی‌شد که متخصصین‌بحریهٔ خود رابرای‌مشاوره بامتخصصین دو دولت دیگر به پاریس بفرستند مجلس متخصصین بتاریخ ۵ میزان بعمل آمده بالاخره بتاریخ ۲۰ عقرب ایطالیا نظارت بعضی از راه های تجارتی مهم ایطالیای غربی و ادریاتیك را بعهده گرفت .

کنفرانس بروسل

در اثر تعرضات عسکری جاپان در داخل مملکت چین بتحریك انگلیس و موافقت امریکا و دیگر امضاء کننده گان معاهدهٔ نه‌گانه کنفرانسی برای مطالعهٔ اوضاع شرق اقصی بتاریخ ۱۲ عقرب دربروسل (بلژیك) بریاست اسپاك وزیر خارجهٔ آن مملکت افتتاح شد. جاپان والمان با انکه در کنفرانس دعوت‌شده بودند ازشمولیت آن انکار ورزیدند . نمایندگان دول از عدم حضور جاپان اظهار تاسف نموده و دولت مذکور را بشمولیت در مجلس کوچکی مرکب از نماینده گان چند دول منتخب دعوت کردند اما وزارت خارجهٔ جاپان باین درخواست نیز راضی نشده علاوتا الغای معاهدهٔ نه گانه را اعلان کرد و کنفرانس پس از چندین اجلاس جاپان را ملامت و

مسئول وقائع شرق اقصی قرار داده بدون انکه به نتائج بهتری واصل شود و یاتجاویز درستی برای‌امداد دول باچین‌اتخاذ نماید منحل گردید

دول آسیائی

ایران

دولت ایران سال ۱۳۱۶ را بر فاهیت وآرامی تمام بسر برده وبموفقیت های بزرگی در زمینهٔ حیات اجتماعی واقتصادی نائل گردیده است. هم چنین روابط دوستانهٔ آن باا کثرممالك تشیید یافته ومخصوصاً باممالك شرق وسطی وشرق نزدیك ذریعهٔ معاهده سعدآباد رشتهٔ اتحاد ویگانگی خلل ناپذیری عقدنموده استکه درین عصرپرآشوب واضطراب آلود کامیابی بزرگ و بنیان محکمی برای صلح ممالك مشرق زمین محسوب میگردد ـ دراوائل این سال خط آهن ماورای ایران به طهران واصل گردیده ، دولت وملت ایران بیکی از آرزوهای دیرینهٔ خود واصل‌شدند ونیزدولت برای‌استخراج نفت ولایت خراسان اقدام نموده بایك کمپانی امریکائی قرار دادی عقد نمود .

کشیده گی هاواختلافاتی‌که راجع به تقسیم‌نواحی‌سرحدی‌بین ایران وعراق ازچند سال باینطرف موجود بود درین سال بمسالمت فیصله شد ومتعاقب آن حکومت ایران مسئلهٔ پیمان شرقی وعقد معاهدهٔ عدم تعرض و عدم مداخله بین‌ممالك افغانستان وایران‌وترکیه‌وعراق را که‌ازچندی زیرنظر اولیای دول مذکور بود پیش کشیده ووزرای خارجهٔ سه مملکت فوق رابرای امضاء آن درطهران دعوت کردوبتاریخ ۱۷ سرطان پیمان شرقی در قصر سعد آباد بین وزرای خارجهٔ دول چهارگانه بامضاء رسید. چنانچه معاهدهٔ مذکور درظرف امسال از طرف مؤسسات

(c) ketabton.com: The Digital Library

تقنینیه دول موصوف به تصویب رسیده و قوهٔ قانونی را حاصل کرد و متعاقب آن مجلس سالانهٔ دول چهار گانهٔ شرقی در جینوا موقع جلسهٔ سالانه جامعهٔ ملل انعقاد یافت.

بتاریخ ٦ حوت آقای سمیعی وزیر خارجهٔ ایران وفات نموده و آقای عدل بکفالت وزارت امور خارجه مقرر شد. مراسم تعزیت آقای سمیعی که ازرجال کار آگاه وخدمت گذار ان بزرگ ایران بوده باتشریفات مهم بعمل آمده دول خارجه خصوصاً دول شرق و منجمله افغانستان بتقریب این ضایعه، مراتب همدردی خویش را بحکومت وملت ایران ابراز نمودند.

دولت شوروی

اگر چه پلانهای اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوروی بقدر کفایت بکامیابی اجراء میشود، اما درزمینهٔ سیاست زعمای کمونست بامشکلات بزرگ و مخالفت های شدیدی دوچار گردیده‌اند که هنوز راه حل آن پیدا نیست. درین سال نکتهٔ اساسی سیاست شوروی درداخل رجوع آن مملکت بود باصول دموکراسی آزاد وقلع وقمع عناصر مخالف ودرقسمت روابط بین المللی دولت شوروی که خودرا مورد تهدید حریفان نیرومندی درشرق وغرب مشاهده میکرد راه احتیاط راپیموده حتی المقدور رشتهٔ اتحاد خودرا بادول دیموکرات محکم کرد ودر امور دیگران کمتر مداخله بعمل آورد.

بتاریخ ۱۳ ثور کانال بزرگی که شهر مسکو مرکز اتحاد جماهیر اشتراکیه را بدریای ولگا وصل میدهد افتتاح شد. این کانال از عجائب روزگار و از شاهکار های انجنیری عالم بشمار رفته با زحمت زیاد و صرف پول هنگفت تکمیل گردیده و شهر مسکو را بصورت بندرگاه بحری در آورده در ترقی تجارت آن کمك بزرگی نموده است.

در اواخر جوزا دفعتا مارشال توخاچفسکی رئیس ارکان حربیهٔ عمومی شوروی باهشت نفر از جنرال های بزرگ قشون سرخ توقیف ومحاکمه گردیده بجرم خیانت بوطن محکوم باعدام گردیدند.

بتاریخ ۱۰ سرطان دریکی از جزایر مختلف فیه دریای آمور تصادمی بین عسکریان شوروی وجاپان رو داده وچند نفر بقتل رسید وفوراً طرفین تیاری حرب را گرفتند اما دراخیر حکومت شوروی قضیه را با مسالمت ویك اندازه بدلخواه جاپان فیصله کرد. یك هفته پس از واقعهٔ دریای آمور تصادم لوکوچیائو بین جاپان و چین رو داده منجر بجنگ شدید و محاربات خونینی بین دولتین مذکور گردید و دولت شوروی اگر چه درظاهر مظاهراتی برعلیه جاپان بعمل آورده قوای عسکری خودرا در شرق اقصی و جمهوریت مغلستان خارجی تقویه کرد و حتی بتاریخ ۸ سنبله معاهدهٔ عدم تعرض را باجمهوریت مرکزی چین امضا نمود اما جداً در گیرودار شرکت نجست و امداد معتنابهائی هم باچین بر علیه جاپان بعمل نیاورده آنچه از معاونت و مداخلهٔ او درین امر ظاهر گردیده است امداد چند عدد طیاره وچند نفر هوا باز وانتظام قشون کمونست ولایات شمال غربی چین و اخیراً امضای یك قرار داد راجع به تعمیر خط آهن بین چین و شوروی از راه ترکستان شرقی میباشد. درماه سرطان کنگرهٔ بین المللی طبقات الارض درمسکو انعقاد یافته ازطرف افغانستان آقای نجیب الله خان بحیث نماینده دران شمولیت ورزید.

در قضیهٔ اسپانیا دولت شوروی تا جائیکه مقدور او بود در داخل و خارج کمیتهٔ عدم مداخله با دولتیان امداد بعمل آورده ازاعطای حقوق متحارب بحکومت فرانکو مخالفت وجلوگیری کرد اما بعلت اوضاع مدیترانه ومراقبت سواحل اسپانیا ومشغولیت های داخلی امداد اوازحیث لوازم و

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم آقای سمیعی وزیر امور خارجهٔ ایران موقع امضای معاهدهٔ سعد آباد

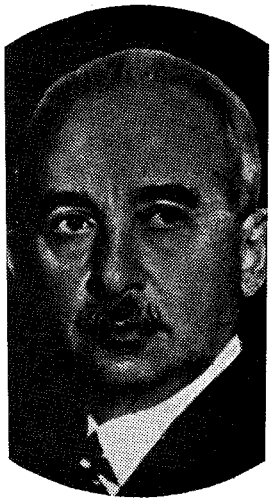

عصمت اینو رئیس‌الوزرای سابق ترکیه

جلال بایار رئیس‌الوزرای جدید ترکیه

ضروریات حربی باندازه سال گذشته نبود :

درماه سنبله باثر غرق شدن بعض جهازات خود دربحر مدیترانه حکومت شوروی ایطالیا را مسئول قرار داده و اعتراض شدیدی را بران دولت نموده تقاضای غرامات کرد و نزدیك بود که روابط سیاسی دولتین قطع شود اما کنفرانس نیون کنترول عمومی را در بحر مدیترانه قایم کرد . واز تکرار حوادث مذکور یك اندازه جلوگیری بعمل آمد چندی بعد ایطالیا هم در معاهدهٔ ضد کمنترن بر علیهٔ کمونیزم شرکت ورزید .

بتاریخ ۲۲ جدی اولین پارلمان مرکزی شوروی مرکب ازنماینده‌های جماهیر اشتراکیه مطابق قانون اساسی جدید در مسکو افتتاح شد . اما تشکیلات قوهٔ اجرائیه بحال سابق باقیمانده کالینن بحیث رئیس جماهیر اشتراکیه ، مولوتوف بحیث رئیس کمیساری‌های ملی‌وستالین بحیث منشی‌حزب رنجبر ازطرف پارلمان تصدیق‌وتقرریافتند . در جریان سال ۱۳۱۶ علاوه برمحاکمهٔ صاحب منصبان بزرگ یك تعداد از رجال مهم و سیاسیون وزمامداران جماهیر مختلفه بجرم خیانت محاکمه واعدام شدند . درانجمله زینکوف (رئیس‌الوزرای اسبق) ، کرستنسکی (کفیل امور خارجه) قراخان (معاون سابق کمیساری امور خارجه وسفیر کبیر آنقره) یاگودا (رئیس سابق گ ، پ ، او) بوخارین رئیس کمنترن ، فیض‌الله‌خواجه آخند بابا اوف وغیره نیز شامل بودند . در روز های اخیر حوت دولت شوروی از الحاق آستریا متأثر گردیده بهمراهی فرانسه سرحدات چکوسلواکی را ضمانت کرد وهم لیتوینوف وزیرخارجهٔ آن پیشنهادی بدول بزرگ عالم راجع به انعقاد یك کنفرانس بر علیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

نحاس پاشا رئیس الوزرای مصر
در کنفرانس مونترو

آغا خان نمایندهٔ هند در جامعهٔ ملل
ورئیس هجدهمین اجلاس آن

کنفرانس بروسل راجع بشرق اقصی: ازچپ براست ایدن ، نارمن دیویس ودلبو

جلوگیری ازتجاوزات دول فاشیست تقدیم کرد که مورد قبول واقع نشد .

هند

درین سال تغیرات بزرگی درحیات سیاسی ملت هند رو داده وفاقیهٔ دیموکراسی نیم مستقل جانشین حکومت مطلقهٔ سابق گردید وملت هند برای اولین دفعه پس ازمدت دراز درزندگانی سیاسی وادارهٔ مملکت خود موقع شرکت را یافت به این تفصیل : چنانچه سال گذشته دیده شد کانگرس ملی هند در انتخابات وفاقیه شرکت ورزیده دراکثر ولایات اکثریت قطعی را حاصل نمود . اما چون قانون اساسی جدید مخالف سیاست او بود بدواً از تشکیل کابینه های ولایتی خود داری نموده و مخصوصاً برعلیه اختیارات فوق العادهٔ حکام انگلیسی قیام کرد و ازینجهت بحران شدیدی روی کار آمده اجرای تشکیلات جدید به تعویق افتاد . اما اوضاع بحران آلود هند تاثیرات مهمی در مراکز لندن وحلقه های سیاسی آنجا نموده بالاخره در ۱۷ حمل لارد لوتیان که ازسیاسیون بزرگ انگلیس است ، مکتوبی بجریدهٔ « تائمز » نگاشته وضعیت کانگرس وگاندهی را که درینموقع نازك ازشمولیت در قضایای سیاست کناره گرفته بود سخت تنقید نمود . گاندهی جواب او را درهمان جریده داده ومتعاقب آن تلگرامهای مفصلی بین لارد موصوف وپندت نهروزعیم احرارهند تبادله شد وبرای اولین دفعه کانگرس ملی با حکومت انگلیس تماس مستقیمی پیدا نمود . درنتیجهٔ این اقدامات گاندهی راضی شد که بین کانگرس و حکومت هند واسطه وباب مذاکرات صلح رامفتوح نماید وهمان بود که بتاریخ ۱۳ اسد دردهلی بانائب السلطنه ملاقات نمود وضمانت های چندی راجع به محدود بودن

(c) ketabton.com: The Digital Library

امتیازات حکام انگلیس ازو حاصل کرد ودر اوائل خزان و کلای کانگرس درچندین ولایت هند کابینه های خود را تشکیل دادند .

اما در ماه دلو رئیس الوزرای کانگرسی ولایت بهار تصمیم گرفت که محبوسین سیاسی ولایت مذکور را آزاد نماید. اما حاکم انگلیس ولایت مذکور مخالفت ورزید وپیشنهاد کرد که هیئتی مقرر شده بعضی ازمحبوسین را که جرایم ایشان بسیارسنگین نباشد آزادنماید، اما کابینه به این فیصله راضی نشده استعفا نمود درینوقت کمیتهٔ اجرائیهٔ حزب کانگرس تصمیم گرفت که اعتصاب عمومی کانگرس را برعلیه حکومت اعلان نماید اما سیاسیون لندن مداخله نموده و پس از مذاکرات زیاد نایب السلطنه هند بیانیهٔ مسالمت آمیزی رانشر کرد و راجع به محبوسین بهار پیشنهاد کابینهٔ سابق را قبول و حاکم انگلیس که مخالف این امر بود عوض شد .

درین سال بموجب قانون اساسی جدید بتاریخ ۱۳ حمل بر ما وعدن از هند منفك گردیده هریك مستقیماً به لندن مربوط گشت . مخالفت هندو ومسلمان در سر مسئله مسجد شهید گنج لاهور با وجود اقدامات حکومت پنجاب وزحمات طرفین فیصله نیافت و زدوخورد های کوچکی به عمل آمد . همچنین درروزهای اول محرم و روز عاشورا تصادماتی بین هندوومسلمان وشیعه وسنی دربلاد مختلفه روداد. قضیهٔ شورش اقوام وزیرستان و مخالفت ایشان با بسط و توسعهٔ نفوذ انگلیس در اراضی سرحد آزاد ادامه یافته زد و خورد های متواتری واقع شد و قبائل مذکور باوجود فشار عساکرمستعمراتی از تمدید سرك و باقی تعمیرات انگلیسی تا کنون جلوگیری بعمل آورده اند .

در زمستان این سال (چند رابوس) که از زعمای درجه اول

کانگرس است مسافرتی در اروپا به عمل آورده با اکثر سیاسیون آنجا ملاقات نمود درمراجعت به هند از طرف مجلس عمومی کانگرس بریاست حزب مذکور مقرر شد و جواهر لال نهرو رئیس سابق به عضویت کمیتهٔ اجرائیه انتصاب یافت .

ترکیه

جمهوریت ترکیه درین سال به پیشرفت های بزرگ و ترقیات اقتصادی مهمی از قبیل تمدید خطوط آهن و تکوین صنائع و تاسیس بانك خلق و غیره نائل گردیده در زمینهٔ سیاست خارجی با جمیع دول از در مسالمت و صلح پیش آمده ذریعهٔ معاهدهٔ سعد آباد مناسبات دوستانهٔ خود را بادول آسیای وسطی تقویه وهم رنجشی را که دراثر قضیه سنجاق‌های انطاکیه بافرانسه واهالی‌سوریه رودادہ بود رفع کرد .

از وقائع مهمهٔ داخلی آن مملکت یکی شورش قبائل کرد بود درماه جوزا که در اثر اقدامات سریع عساکر وطیارات حکومتی رفع گردیدودیگراستعفای عصمت اینواست ازمقام ریاست وزراء . مشار الیه یکی از رجال درجهٔ اول ترکیه و از رو سای متنفذ حزب‌خلق بشمار رفته در نهضت ملی اخیر سهم بزرگی داشت و از عرصهٔ پانزده سال به اینطرف بحیث رئیس الوزرا ، دوش بدوش کمال اتاتورك برای ترقی وتعالی ترکیه جدوجهد میکرد . همان بودکه جلال بایار وزیر سابق اقتصاد کابینهٔ جدید را ازوزرای سابق با اندك تغیرات تشکیل نمود . رئیس الوزرای جدید بیشتر هم خود را صرف مسائل اقتصادی نموده قرار داد های تجارتی زیادی را با اکثر ممالك رویدست گرفت ودر داخل برای تقلیل معیارمعیشت زحمت زیادکشید. دراوائل حوت کنفرانسی

(c) ketabton.com: The Digital Library

اتحادیهٔ بالقان درانقره انعقاد یافت ودولت ترکیه به اشتراك رومانیه ویوگوسلاویه، ویونان رسمیت امپراطوری ایطالیا را درحبشه تسلیم نمود. درخزان این سال وزیرخارجهٔ ایران رسماً به ترکیه مسافرت کرد. وعلاوه بران روابط ترکیه درعین زمان با انگلستان وروسیه ازیکطرف وبا ایطالیا وآلمان ازطرف دیگرخوب بوده یعنی دولت مذکور سیاست میانه روی رادرتمام روابط خارجهٔ خویش بدرجهٔ کمال حفظ کرده است.

ممالك عربی

مصر : مملکت جوان مصرکه بقیمت فدا کاری های بزرگ تازه استقلال خود را بدست آورده، وزمینهٔ سیاست خارجی درین سال بموفقیت های بزرگی نائل گردید و امتیازات خارجه را که بهزار اسم و رسم به آزادی و افتخار او صدمه میزد رفع نمود. اما در داخل مشکلات و بحران های بس مهمی درآن مملکت رو داده حزب وفد که محصل حقیقی استقلال مملکت بود از ادارهٔ امور کناره گرفت و انعکاس اقدامات و مخالفت های دول اروپائی در بحر مدیترانه در بین احزاب سیاسی آن تشتت ونفاق را جانشین یگانگی و اتحاد ساخت.

در اواخر حمل نمایندگان مصر در کنفرانس (مونترو) شرکت ورزیده برفع کاپیتولاسیون قضائی و غیره امتیازات دول اروپا کامیابی بزرگی را حاصل نمودند و چندی بعد در ماه جوزا دولت مصر در جامعهٔ ملل رسما شامل شد چنانچه افغانستان نیز برای پذیرفتن مصر در جامعهٔ ملل سفارشات بعمل آورد. درین موقع شورش اعراب فلسطین بشدت دوام داشت و افکار جوانان عرب سخت برعلیه انگلیس بر آشفته بود، یکی از روسای بزرگ وفد نقراشی پاشا

پیشنهاد کرد که حکومت مصر درآن قضیه مداخله نموده اعراب فلسطین رادرحصول خواهشات ایشان امداد نماید. امانحاس پاشارئیس الوزرای وقت که بعلت خرابی اوضاع مدیترانه و قشون کشی های ایطالیا در طرابلس نمیخواست روابط خود را بادولت برطانیا خراب بسازد به این پلان موافقت ننموده و در نتیجه نقراشی پاشا باطر فداران خود از وفد خارج گردید وحزب مذکور اندکی درپارلمان ضعیف شد

بتاریخ ۱۶ اسد شاه فاروق اول بسن رشد (۱۸ سالگی) رسیده زمام مملکت را بدست گرفت و علی ماهر پاشا را که یکی از دوستان و طرفداران شاه فقید بود بمشاوریت سلطنت مقرر نمود. اما رئیس الوزرا این اقدام را مخالف قانون اساسی دانسته بر تقرر مشار الیه اعتراض نمود وخواست که احزاب دست راست را زیر فشار بگیرد. درین موقع به علت دوری نقراشی پاشاوتجزیهٔ حزب وفد موقعیت او بمانند سابق محکم نبود زیرا که افراطیون وفد با اومخالفت می ورزیدند و حتی در مسافرتی که بجنوب مملکت بعمل آورد یکی از جوانان پیراهن آبی سوء قصدی بمقابل او بعمل آورد که خوش بختانه ناکام شد. بهر صورت کشیدگی بین رئیس الوزرا ودربار سلطنت زیاد گردیده بالاخره بتاریخ ۹ قوس به اثر درخواست شاه فاروق، نحاس پاشا ازمقام خود استعفاداد ومحمدمحمود پاشا (رئیس حزب احرارمشروطه) کابینهٔ جدید راتشکیل نمود وچون اکثریت پارلمان با اومخالف بود بموجب فرمان سلطنت پارلمان را باوجود احتجاج شدید و فدیون منحل ساخته انتخابات جدید را اعلان کرد و تشکیلات نیمه نظامی حزبی پیراهن سبز و پیراهن آبی را نیز لغو قرار داد. آیندهٔ اوضاع البته مربوط به انتخابات جدیداست که نتیجهٔ آن هنوزظاهرنشده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در زمستان این سال که گفتگوی مذاکرات بین حکومت انگلیس وایطالیا بالا شد یکی ازدرخواست های اخیر الذکر حصول امتیازاتی در کانال سویز بود . از ین جهت رئیس الوزرای برطانیه بیان نمود که حکومت مصر را از جریان مذاکرات اطلاع دهی شده و در قضایای مربوطه ، با آن دولت مشوره بعمل خواهد آمد . حکومت مصر به مشورهٔ صاحبمنصبان انگلیس پلان و سعی را برای تهیهٔ یك عسکر منظم جهت دفاع مملکت و حفظ کانال سویز وغیره رویدست گرفته و مبلغ خطیری را برای خریداری اسلحه و لوازم عسکری تخصیص داده است که در آینده او را از احتیاج اجنبی فارغ خواهد ساخت .

عراق : پس از انقلاب مختصری که درسال ۱۳۱۵ روداد ومنجر به تبعید نوری سعید پاشا وقتل جعفر پاشا العسکری شد ادارهٔ مملکت بدست رجال افراطی افتاده مشارالیهم اصلاحات مهمی را روی دست گرفته که از نکات عمدهٔ آن یکی اجرای نظام اجباری در بین عشائر وقبائل کوهستانی مملکت ودیگری توسعهٔ معارف بود. همچنین درسیاست خارجه روش دولت کمی تغییر یافت و درقضایای فلسطین بحیث یك مملکت عربی مداخله بعمل آورده برپلان تقسیم فلسطین احتجاج شدیدی بعمل آورد اما بتاریخ ۲۰ اسد جنرال بکرصدقی رئیس ارکان حرب ورکن مهم حکومت جدید درمیدان طیارهٔ موصل بقتل رسید ومتعاقب آن بتاریخ ۲۵ اسد، کابینهٔ حکمت سلیمان سقوط کرد وکابینهٔ جدید بصورت اتحاد ملت تشکیل شده رؤسای جمیع فرق بشمولیت درآن دعوت شدند. چنانچه برای نوری سعید وباقی سیاسیون تبعید شده نیز حق مراجعت بوطن داده شد.

درین سال دولت عراق مخالفت های سرحدی را که از دیر با دولت ایران داشت بصورت دوستانه فیصله نمود . بتاریخ ۱۹ سرطان

وزیرخارجهٔ آن مملکت بطهران آمده قراردادهای سرحدی را با ایران و معاهدهٔ سعد آباد را با دول افغانستان و ایران و ترکیه امضا نمود.

عربیهٔ سعودیه : دولت عربیهٔ سعودیه درین سال در داخل ، پلان اصلاحات مدنی واقتصادی خودرا تعقیب نموده ودرخارج مناسبات خودرا با اکثر دول ومخصوصاً دول عربیه مانند مصر، یمن وعراق استحکام بخشیده است وهمچنین زمامداران آن علاقه مندی خود را بقضیهٔ فلسطین و دفاع از حقوق اعراب ظاهر ساخته اند .

یمن : این مملکت که کم کم دارد بطرف تجدد وعصری ساختن خود قدم بر دارد روابط خویش را روز بروز با ایطالیا و سعت داده وضمناً مناسباتش بادیگر ممالك عربی نیز روی همرفته خوب بوده است.

در باقی ممالك عربی از قبیل کویت ومسقط و حضر موت و غیره وقائع قابل ذکری بظهور نپیوسته است .

فلسطین وشرق اردن : هیجان اعراب بمقابل اسکان یهود در فلسطین که ازدوسال باینطرف شدت کرده درین سال وخامت بیشتری کسب ودولت برطانیه برای اصلاح امور هیئتی تحت ریاست لارد پیل به فلسطین اعزام نمود هیئت مذکور که بنام هیئت شاهی یاد میشود پس ازچند ماه تحقیقات بلندن مراجعت نموده راپورت خودرا مبنی برتقسیم مملکت کوچك فلسطین وشرق اردن به سه قسمت بین اعراب ویهود ودولت انگلیس تقدیم نمود. اما راپورت مذکور درپارلمان انگلیس مورد اعتراض حزب کارگر قرار گرفت وهمچنین ممالك عربیه وحتی محافل بین المللی یهود عدم قناعت خود را به نسبت آن اظهار نمودند . در داخل مملکت شورش اعراب بیش از پیش کسب شدت نمود چنانچه دولت انگلیس هم بنای تشدد را گذاشته اکثر اززعمای

(c) ketabton.com: The Digital Library

ملی را محبوس و بعضی ها را اعدام نمود . مفتی اعظم که زعیم آزادی خواهان است بدواً درمسجد اقصی اعتکاف نموده پس از سه روز محرمانه بسوریه فرار کرده از چنگال عساکر مستعراتی نجات یافت. اما پلان تقسیم اراضی فلسطین دراجلاس جامعهٔ ملل باخالفت دول آسیائی مقابل گردیده دولت انگلیس هیئت دیگری بنام هیئت تخنیکی به فلسطین اعزام نمود که نقائص پلان مذکور ووجوه مخالفت یهود و اعراب را ازنقطهٔ نظر اجتماعی و اقتصادی مطالعه نماید . درخلال این حال خونریزی بطور فجیعی دران سرزمین ادامه دارد .

سوریه و لبنان : مملکت سوریه که دراواخر سال گذشته معاهدهٔ استقلال خودرا از فرانسه حاصل کرد ، ازان پس داخل یکدورهٔ جدیدی شده که عنقریب منجر به آزادی تامهٔ آن مملکت خواهد گردید. قضیهٔ سنجاق های اسکندرون که میان ملیون سوریه وحکومت تورکیه اختلاف نظری را پیش کرده بود. دراوائل سال بین فرانسه و تورکیه بموافقت انجامیده و جامعهٔ ملل نیز موافقت مذکوررا تائید نمود وبه اثر آن رئیس جمهور سوریه به انقره مسافرت دوستانه بعمل آورد. ازطرف دیگرمردمان سوریه ازلحاظ علائق مذهبی ونژادی با اعراب فلسطین همدردی خود را نشان داده. لکن حکومت موجودهٔ سوریه در امور فلسطین کدام سهمی نگرفته و تنها مفتی بیت المقدس را با بعضی پناه گزینان دیگر پناه داده است .

شرق اقصی

فضای سیاسی شرق اقصی درین سال وضعیت شوم ووحشتناکی را بنظر مجسم مینماید زیرا که صلح وامنیت ازان سامان رخت بربسته و قشون جاپان مملکت پهناورچین را مورد تاخت وتاز قرارداده است ـ

محمد محمود پاشا رئیس الوزرای مصر

جنرال دل حاکم نظامی فلسطین

داکتر ویزمن رئیس انجمن بین المللی یهود

مفتی اعظم بیت المقدس

(c) ketabton.com: The Digital Library

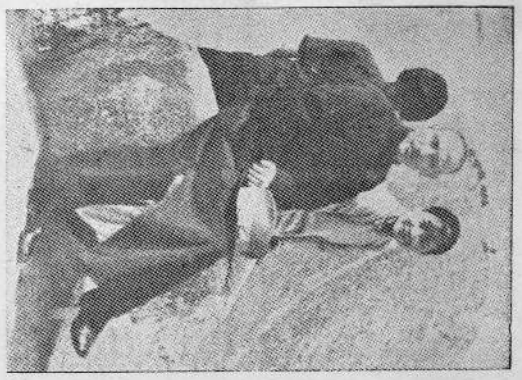

مارشال چیانگ کای شیك د کتاتور چین
با خانم و دختر خود

ورو شیلوف کمیسر ملی مدافعه و سپه سالار
قشون سرخ شوروی

عجالتاً باهمه قدرت وتوانائی جاپانیها وفتوحات مهمهٔ ایشان نتیجهٔ حرب معلوم نیست وامیدآن نمیرود که درین زودیها صلح وآرامش جا نشین قتل و خون ریزی بشود. تفصیل وقائع مذکور اینست که حزب عسکر واستعمار طلبان جاپان ازقضا یای سال ۱۹۳۱ وفتح منچوریا و جیهول وغیره ولایات چین و ضعف دفاع حکومت مرکزی بجرئت آمده همیشه آرزوی تجدید حمله و توسعهٔ ممالك مفتوحه را بخاطر داشتند لاکن محافظه کاران وطبقهٔ سرمایه دار چندان باین اقدامات خطرناك راضی نبود ودر داخل مملکت جاپان جنگ وجدال سیاسی بین دوفرقهٔ مذکور دوام داشت تا آنکه یکدفعه درسال گذشته منجر به قتل عناصر محافظه کار ازطرف عسکر گردید ودفعهٔ دیگر در اثراقدامات همین عساکر در ۱۱ حمل ۱۳۱۵ پارلمان منحل وانتخابات جدید اعلان شد درین فرصت قضایا در اروپا بحد آخر تیره گردیده هر یك از دول روس وانگلیس بمعاملات خود درغرب مشغول بود از تصادم دریای آمور بین قشون جاپان و شوروی همان است که یك هفته بعد بتاریخ ۱۷ سرطان جاپان یك واقعهٔ سرحدی کوچك را که در مقام (لوکوچیائو) باعساکر چینی، روداده بود اساس گرفته ازدولت نانکن تقاضا نمود که استقلال پنج ولایت چین، یعنی ولایات، شانسی شنسی، هوبی، چاهار وشانتونگ را مستقل ساخته تعرفهٔ گمرك اموال جاپانی را تقلیل بدهد وبا کمونیزم جداً مخالفت نماید. اگرچه مارشال چیانگ کای شیك باین شرائط تن نداداما مذاکرات بین مامورین سرحدی طرفین شروع گردید ودرحال حکومت چین سوقیاتی بسرحد مذکور بعمل آورد - حضور عساکر مسلح طرفین درمقابل یکدیگر موجب تصادمات شدیدی شد وقشون جاپان بمانند سیل سرازیر گردیده

(c) ketabton.com: The Digital Library

شهرهای پیکن و تین‌تسین راتسخیر نمود وجنگ بزرگی بدون اعلان حرب بین طرفین شروع شد ـ کابینهٔ جاپان برای اجرای عملیات عسکری مبالغ بزرگی را منظوری داد وچند لك عسکر بسرحدات چین سوق کرد ـ حکومت نانکن نیز ملت رابرای دفاع مملکت تحریك نموده حتی‌المقدور وسائل حرب را آماده ساخت و با کمونست های داخلی صلح نمود بجامعهٔ ملل شکایت کرد . بتاریخ ۱٤ اسد قشون بحریهٔ جاپان در بندر شنگهائی بغرض تسخیر محلهٔ چینی حمله آورده جنگ شدیدی بین طرفین شروع شد و درعرصه سه ماه قشون جاپان تحت امر جنرال متسوئی خطوط دفاعیهٔ دشمن را در هم شکست و شهرمذکوررا بااراضی مجاورآن فتح نمود و پس ازان بجانب نانکن حمله برده آخرین استحکامات و مدافعین چین را در مقابل این شهر مضمحل نمود و بتاریخ ۲۲ قوس پایتخت رامسخر کرد . در تمام این مدت طیارات جاپانی برشهرهای بزرگ چین بمبارد مان مهیب و وحشت ناکی را اجرا نموده درین بین وقائع وتصادمات چندی بین عساکرجاپان ودول امریکاوانگلیس وفرانسه روداد مثلاً واقعهٔ مجروح شدن سفیر انگلیس وحادثهٔ جهاز پانی امریکائی وغیره که هرکدام میتوانست سبب بروز جنگ شوداماهیچ یك ازین دول بجنگ اقدام نکرد وباعتذارات جاپان اکتفا نمودند .

پس از چندی پیش از فتح نانکن مارشال چانك کای شیك با اعضای حکومت وکومتانگ (مجلس مرکزی) به هانکورفته شهرمذکور رامرکزحکومت قراردادند و باوجودیکه جاپانیهادرشهرنانکن حکومت جدیدی از طرفداران خود تشکیل داده اند اما جنگ ادامه دارد و عساکرجاپان درشمال ازحیث وسعت جبهه و حملات منظم وغیر منظم

چینی‌ها بمشکلاتی دچار آمده وهنوز قادر بعبوردریای زرد نشده اند تاباقشون نانکن ملحق گردیده ازانجا بطرف هانکوحمله ببرند .

حکومت چین پس‌ازشروع جنگ مناسبات خودرا باروسیهٔ شوروی اصلاح نمود و بتاریخ ۸ سنبله به‌آن دولت یك قرارداد عدم تعرض وعدم امداد بامتعرض رابصورت متقابله امضاء نمود وحکومت شوروی یك اندازه اسلحه و یك تعداد طیاره و طیاره ران بامداد نانکن فرستاد وهم دولتین موافقت نمودند که یك خط آهن بین چین وروسیه ازراه ترکستان شرقی تعمیر گردد دول انگلیس و امریکا وفرانسه که هر یك مفاد بزرگی درچین داشته وهم بموجب میثاق ملل موظف بامداد دولت مذکور میباشند در کنفرانس بروسل بهمین اکتفا نمودند که عملیات جاپان را مذموم قرار داده و بحکومت چین وعدهٔ امداد اخلاقی بدهند . مملکت المان که آنهم مناسبات اقتصادی مهمی با چین داشته و با جاپان هم ذریعهٔ اتحاد ضد کمنترن مربوط است در اوائل امر اقدام بوساطت ومیانجیگری بین متحاربین شرق اقصی نموده اما بعد از آن صرف نظر کرد .

دول اروپائی :

انگلستان

اگرچه درین سال اوضاع داخلی و مالی انگلستان بهبود زیادی حاصل نموده بازار تجارت گرم وکار خانه‌جات بفعالیت زیادی مشغول کار بوده از رهگذر سیاست خارجی کابینهٔ لندن به غوامض بزرگی دچار گردیده و هنوز راه صحیحی برای استحکام موقعیت بین المللی خود نیافته اند ـ رویهمرفته در قسمت بزرگ این سال (یعنی تا موقع استعفای ایدن) سیاست دولت انگلیس و اضحابر

(c) ketabton.com: The Digital Library

اساس امنیت مشترکه وصلح تقسیم ناپذیر یعنی مطابق میثاق ملل قرار داشت و مناسبات آن با بعضی از دول و مخصوصا بادیمو کراسی های بزرگ تشیید یافت اما از اقدامات دول فاشیست و مستعمره طلب جلوگیری بعمل آورده نتوانست و پس از قضیهٔ مدهش حبشه صدمات جدیدی بمفاد اقتصادی و استعماری آن در اسپانیا و چین وارد آمد .

از وقایع مهم انگلستان درین سال یکی تاج پوشی جارج ششم است که از روزهای اخیر ماه ثور باشکوه وجلال تمام درلندن بعمل آمده نماینده گان جمیع دول عالم و ممالك امپراطوری و ملیونها نفر تماشاچی دران شمولیت ورزیدند چنانچه از طرف افغانستان ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت سردارشاه ولیخان غازی وزیر مختار اعلیحضرت درپاریس و ع ، ش سرداراسد الله خان قوماندان فرقهٔ شاهی و ع ، ج عبدالصمد خان وزیرمختار اعلیحضرت در روما در مراسم مذکورشمولیت ورزیده بودند. وهم درین وقت کنفرانس امپراطوری درقصر سینت جمیز درتحت ریاست بالدوین رئیس الوزرای وقت افتتاح گردیده نماینده گان ممالك امپراطوری ونمایندهٔ هند با اولیای امور لندن تبادلهٔ آراء بعمل آوردند متفقاً باهمدیگر تعهدتعاون نموده تاتجارت باهمی خود را ذریعهٔ معاهدات دوجانبه وتخفیف تعرفهٔ گمرکی ترقی بدهند.

اما درمقابل مناسبات دولت آزاد آیرلند با انگلیس روز بروز سردتر گردیده چنانچه بتاریخ ۲٤ ثور پارلمان این مملکت قانون اساسی جدیدی راتصدیق نموده اسم مملکت را (آیر) وادارهٔ سیاست خارجی را که تا آنوقت ازامتیازات پادشاه انگلیس بوده برئیس جمهور مملکت تفویض کرد چنانچه دراخیرسال مذاکرات دولتین شروع شد وانگلستان اتحاد آیرلند آزاد والستر را قبول نکرد. بتاریخ ۷ جوزا

با بدوین رئیس الوزرای انگلستان در اثر پیری ازمقام خود استعفا نمود چنانچه قبلاً پیش بینی شده بود نیوائیل چمبرلین وزیرمالیه به تشکیل کابینهٔ جدید موظف شده کابینهٔ خود را تقریبااز وزرای سابق باندك تغیرات تشکیل نموده - چمبرلین درعین حال مقام ریاست حزب محافظه کار را نیز اشغال کرد - بتاریخ ۲٤ جوزا دوك آف ونسرشاه مخلوع انگلستان بدون حضور هیچیك ازخانوادهٔ سلطنتی انگلیس در یکی از کلیسا های فرانسه (بمقام کان) باخانم سمپسن ازدواج نمود .

در اواخر ماه سرطان حکومت انگلیس موافقت های را که سابقا در قسمت بحریه با المان و شوروی بعمل آورده بود بشکل معاهدات بحری در آورده و هر یك از مملکتین مزبور متعهد شدند که کمیت و کیفیت بحریه جملگی خودرا باطلاع انگلستان برسانند . اماشوروی درین قسمت بحریهٔ شرق اقصای خود را استثناء کرد .

بتاریخ ٤ سنبله هوچیسن سفیر کبیر انگلیس متعین نانکن در بین راه شانگهائی مورد حملهٔ طیارات جاپانی واقع شده جراحت شدیدی برداشت ودراثراین قضیه آرای عامهٔ ملت انگلیس سخت برعلیهٔ جاپان برآشفته گردید وجراید تحریك مقاطعهٔ اقتصادی رابرعلیهٔ جاپان نمودند امادولت به اعتذار رسمی وزارت خارجهٔ جاپان اکتفاء ورزید . روابط انگلیس وایطالیا روز بروز بدترشده رفته پروپاگند جرائد دوام داشت تا آنکه پس از پیشرفت سیاست المان دراطریش گراندی سفیر کبیر ایطالیا در لندن موضوع مناسبات مملکتین را دوباره پیش کشیده به چمبرلین و ایدن اطلاع داد که اگر درینوقت اقداماتی بعمل نیاید احتمال دارد که درآینده ایطالیا برای مذاکرات حاضر نخواهد شد . ایدن باین خواهش راضی نشده چون چمبرلین طرفدارآن

(c) ketabton.com: The Digital Library

بود ، با معین پارلمانی خود لارد کرانبورن استعفی داد . لارد هیلیفکس عوض ایدن وبتلر جانشین گران بورن گردیده مذاکرات مملکتین شروع گردید و بزودی پیشرفت کرد قبل از رسیدن بمقام وزارت خارجه لارد هیلیفکس مسافرتی درالمان بعمل آورده و باهتلر ملاقات های مفصل نموده بود . پس از مراجعت هیلیفکس در اوائل عقرب شوتان و دلبو رئیس‌الوزرا وزیر خارجهٔ آنوقت فرانسه بلندن مسافرت نموده درقضایای بین‌المللی باوزرای انگلیس مذاکره کردند . اما پیشنهادات هتلر طرف قبول واقع نشد ـ در ۱۸ ماه دلو دولتین مذکور باتفاق امریکا یاد داشت متحدالمالی بدولت جاپان راجع باحترام مقررات معاهدهٔ بحریهٔ لندن تقدیم کردند اما دولت مذکور جواب منفی بایشان داده و معاهدهٔ بحریه را درهم شکست در واقعهٔ الحاق آستریا بالمان نیز انگلستان بجز از یك اعتراض دیگر اقدامی نکرد و به چکوسلواکی هم ضمانت نداده

فرانسه

اوضاع سیاسی فرانسه درین سال پر آشوب و مضطرب بود دو کابینه جبههٔ عامه (اتحاداحزاب دست چپ) ویك کابینهٔ رادیکال که احزاب دست چپ تشکیل نموده بود پی هم سقوط کرد و دهشت افگنی ها و اغتشاشات خطر ناکی بدسیسهٔ افراطیون دست چپ و دست راست و تحریك اجنبی در داخل مملکت و مستعمرات رو داده حکومت مذکور را دچار اندیشه واضطراب نمود. از رهگذر سیاست خارجی و بین‌المللی هم اولیای مملکت بمشکلات عظیمی بر خورده و دقائق خطر ناکی راطی نمودند معهذا سیاست فرانسه براساس سابق خود یعنی بطرفداری از جامعهٔ ملل و سیستم امنیت مشترکه ثابت

مانده حتی المقدور روابط خود را بادول دیموکراسی (مشروطه) استحکام بخشید و با نقشه های دول فاشیست مخالفت نشان داد و بر تعرضات دول غیر قانع همواره اعتراض نمود .

بلوم رئیس‌الوزرای سوسیالست فرانسه پلان‌های اجتماعی بزرگی راترتیب‌داده برای‌ملی‌ساختن کارخانه جات ومستقل‌ساختن‌شرح مبادله تیاری کرد اما سرمایه داران باومخالفت ورزیده بواسطهٔ خارج کردن مقدار کلی‌طلاء وتنزل مسکوك‌بحران‌شدیدی‌را روی کار آوردند . بلوم بتاریخ ۳۱ جوزا ازمقام ریاست وزرا استعفاداد وشوتان که یکی ازاعضای مهم‌حزب رادیکال است‌کابینهٔ جدیدی بشراکت تمام احزاب جبههٔ عامه تشکیل نمود. تقرربونه بوزارت مالیه سرمایه داران واحزاب دست راست را آرام ساخته پلانهای‌اوپس‌ازاندك مخالفت تصویب شد شوتان بهمرای دلبو وزیرخارجه دراوائل‌عقرب مسافرتی بلندن نموده پیشنهاداتی را که لارد هیلیفکس ازبرلن آورده بود بادیگر قضایای بین المللی بازمامداران انگلیس مطالعه کرده پس ازان دلبو مسافرتی درممالك متحدفرانسه یعنی پولند ورومانیه ویوگوسلاوی وچکوسواکی بعمل آورده درمسائل مهمه با اولیای انها تبادلهٔ نظر کرده وازنفوذ دول مخالف درانجا تایك اندازه جلوگیری نمود . درهمین دورهٔ ریاست وزرائی شوتان بود که اغتشاش شدیدی درمراکش فرانسوی روداده وقشون‌فرانسه‌برای اطفای‌آتش‌انقلاب درشهرفاس ودیگرنقاط باستعمال اسلحهٔ ناریه متشبث‌گردید ویك تعداد ازبومیان ناراضی بخاك وخون غلطیدند اما دراثر اقدامات عسکری شورش مذکورزود خاتمه یافت ومتعاقب آن حکومت‌فرانسه پلان اقتصادی جدیدی برای آبادی مراکش‌ترتیب‌داده که بزعم ایشان شکایت‌اهالی‌بومی رارفع خواهد کرد

(c) ketabton.com: The Digital Library

مقارن این حال درکارخانه جات اسلحه سازی فرانسه وحتی درنفس شهر پاریس بمهای زیادی انفلاق نموده باعث قتل نفوس وخرابی وانهدام عمارات زیاد گردیده ـ پلیس وحکومت فرانسه تحقیقات وسیعی را روی دست گرفته دراثر توقیف چند نفر ازمجرمین که بعضاً خارجی ومربوط بدول فاشیست بودند معلوم گردید که جمعیت خطرناکی برعلیه حکومت جمهوری مشغول دسیسه وتوطیه می باشد و اسلحهٔ فراوان برای تهیهٔ یك انقلاب عظیم جمع آوری شده است .

درعهد ریاست وزرائی بلوم نمایش بین المللی صنائع و فنون درپاریس افتتاح شد (ماه ثور) و اکثر دول عالم در آن شمولیت ورزیده و غرفه های قشنگی را اطراف قصر بزرگ تروکادیر و دو طرفهٔ نهرسن تعمیر نموده بودند در اواخر جدی حزب سوسیالست با نقشه های بونه مخالفت ورزیده وزرای سوسیالست بهمراهی بلوم یکجا استعفا دادند و کابینهٔ شوتان سقوط کرد و پس ازچند روز بحران بالاخره شوتان دو باره اقدام نموده و کابینهٔ جدیدی را خاص از حزب رادیکال تشکیل نمود ـ جمیع احزاب باین فیصله راضی گردیده و بحران رفع شد . درین بار شوتان همکاری و تعاون خود را با انگلیس وامریکا ادامه داده نوته بحریه را بشراکت آن دودولت بجاپان صادر کرد و برای جلوگیری از بمبارد طیارات بر شهرها و نفوس ملکی هسپانیا که اخیراً شکل فجیعی را اختیار نموده بود اقدام کرد ودرماه حوت که المان بفشار نظریات خودرا برحکومت اطریش (استریا) تحمیل نموده ، سیاست الحاق را روی دست گرفت کابینهٔ شوتان علاقه مندی خودرا بدفاع حقوق واستقلال اطریش وچکوسلواکی اظهار نموده اما وقائع داخلی مجال اقدامی را درین موضوع

مربوط به واقعات انگلستان

ریمزی مکدانلد رئیس الوزرای فقید انگلستان

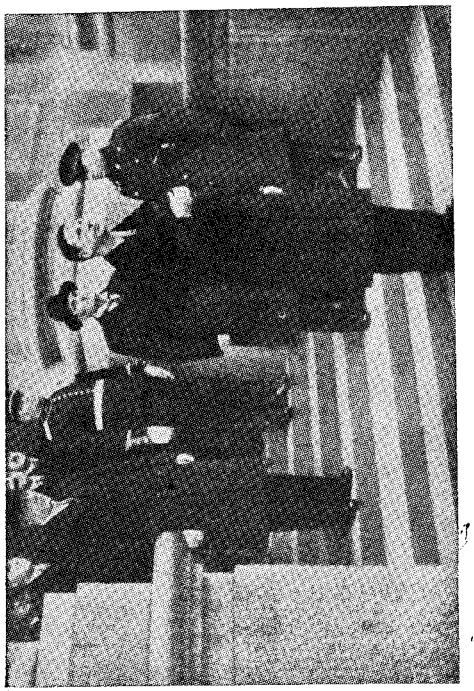

دی ولیرا زعیم ملی ورئیس مملکت آیرلند

(c) ketabton.com: The Digital Library

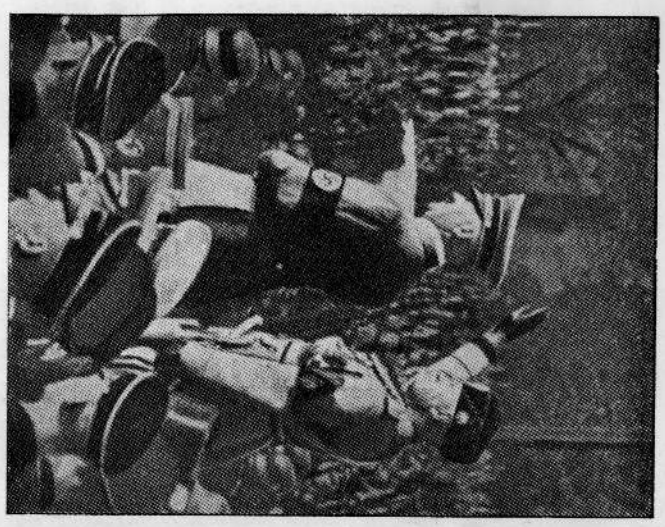

مسافرت موسولینی بالمان ، سلام نازی و سلام فاشیست در موقع نمایش عسکر آلمان

ملاقات فون نورات وزیرخارجهٔ المان بادلیو وزیرخارجهٔ فرانسه دربرلین ، موقع مسافرت اخیرالذکر بطرف پولیند

امضای معاهدهٔ ضد کمنترن بین جاپان ، المان و ایطالیا

جنرال کیتل رئیس ارکان حربیهٔ جدید المان

جنرال فون برا و شتش قوماندان عمومی افواج بری المان

(c) ketabton.com: The Digital Library

مربوط به واقعات ایطالیا

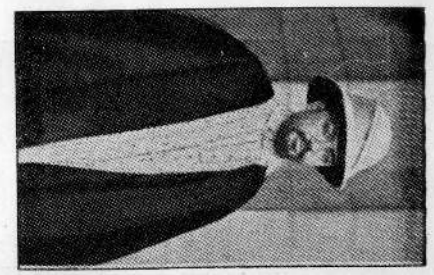

راس دستا آخرین مدافع ملی حبشه که اخیراً دستگیر ومقتول شد

گراندی سفیر کبیر ایطالیا دراندن وعامل مهم نزدیکی جدید انگلیس و ایطالیا

دیوک اوستا نایب السلطنهٔ جدید حبشه که اخیراً باین رتبه مقرر شده

بمشار الیه نداد وحزب سوسیالست دو باره بانقشه های مالی حکومت مخالفت ورزیده کابینهٔ شوتان در همان شبیکه فردای آن المان درآستریا اقدام عملی میکرد سقوط نمود (۲۱ حوت) چنانچه شاید درانتخاب وقت اقدام باشغال استریا همین سقوط کابینهٔ فرانسه نیز دخیل بوده باشد - بهر صورت وضعیت سیاسی ازاثر مسائل استریا خیلی باریك بوده تشکیل فوری کابینه فوق العاده ضرور افتاد و پس ازاندکی بلوم کابینه را ازسوسیالست‌ها وراد یکال‌ها تشکیل داد ولی باوجود این درکار تشکیل کابینه آنقدر تعطیل بهم رسید که مسئلهٔ الحاق آستریا شکل عملی پیدا کرده وبرای جلوگیری ازان جز بوسیلهٔ اقدام مسلح ، وسیلهٔ باقی نماند وبرای اینکار نیز چون انگلستان حاضرنبود فرانسه چیزی کرده نتوانست‌ازطرف دیگردرهمین وقت جنرال فرانکو درهسپانیه پیشرفت های خیلی زیادی‌حاصل کرده درین موضوع نیز انگلستان جهت کدام اقدام مؤثر موافقت ننموده وبالاخره ازسمتی نیز اوضاع داخلی‌مواجه بحران شدید پولی گردیده سرمایه داران بواسطهٔ‌خارج کردن‌طلا وغیره اقدامات مالی‌قیمت فرانك را بطور فاحشی تنزل‌دادندو این موضوع بیشترتوجه حکومت‌را بسوی قضایای داخلی‌معطوف‌ساخته روی‌همرفته حکومت‌فرانسه تا اخیراین‌سال بجزازدادن‌ضمانت‌به چکوسلواکیه دیگرکدام اقدام مؤثری نه درموضوع استریاو نه‌درموضوع هسپانیه‌بعمل نیاورده حتی‌فرانسه درخواست روسیه را برای تشکیل مجلس‌دول‌دیموکراسی جهت‌جلوگیری ازاقدامات‌دول‌فاشیست منظورکرده نتوانسته و بالمقابل به تسلیحات خویش افزوده است .

آلمان

سیاست خارجی المان درین سال باساس مخالفت کمونیزم اتحاد

(c) ketabton.com: The Digital Library

نژاد ژرمن و استقلال مذهبی و اتفاق با دول فاشیست قرار داشت و بموفقیت‌های چندی نائل گردید ـ علاوه برتشیید مناسبات خود با ایطالیا وجاپان دولت نازی تشبثاتی برای پهن کردن رسوخ خود در بالکان و اروپای وسطی بعمل آورده و مملکت اتریش را بخود ملحق کرده و در عین حال بطور مسالمت مطالبهٔ مستعمرات سابقهٔ خود را از انگلستان وفرانسه بعمل آورد در داخل مملکت بزرگ ترین اقدامات حکومت نازی سیاست اقتصاد ملی بود بغرض تهیهٔ مواد ضروریه بصورت مصنوعی و رفع احتیاج ازخارج. ازانجا که این اقدام باعث ضعف روابط و کساد بازارتجارت است درممالك متمول غرب اروپا وجماهیر متحدهٔ امریکا بخوشی استقبال نشد وروابط المان مخصوصا با فرانسه و انگلیس بهبودی حاصل نکرد بتاریخ ۱۷ ثور جهاز هوائی بزرگ المان موسوم به هند نبورگ که با مریکای شمالی مسافرت میکرد انفلاق نموده و با یك قسمت از مسافرینش تلف شد در اوائل جوزا باثر گلوله باری طیارات حکومتی بر جهاز مراقب المانی (دویچلند) به بحریهٔ المان بندرگاه اسپانیوی المیریا را بمبارد کرد. درموضوع جنگ اسپانیا المان تقریباً قدم بقدم ازسیاست ایطالیا

لودند ورف جنرال فقید المان

پیروی نموده دو دفعه بهمرای آن دولت مراقبت سواحل راترك گفت اما عملاً معاونت وامداد اوبا فرانکو نسبت به سال گذشته کمتربود بتاریخ ۲۹ اسد دولت المان معاهدهٔ بحریهٔ رادرلندن با انگلیس امضاء کرد وتعهد نمود که ازقوا وتعمیرات بحریهٔ خود آن دولت اطلاعدهی نماید . درماه میزان موسولینی بالمان مسافرت ومذاکراتی باهتلر بعمل آوردکه شاید نتیجهٔ آن شمول ایطالیا درمعاهدهٔ ضدکمنترن وخروج آن دولت ازجامعهٔ ملل بوده باشد ـ بتاریخ ۲۰ میزان دولت المان بموجب وعدهٔ که قبلاً به بلژیك داده بود معاهدهٔ عدم تعرض را با آن مملکت امضاء کرد واز ادعای اراضی از دست رفتهٔ خود درسرحدات آن مملکت صرف نظر نمود هم چنین بتاریخ ۱۵ عقرب معاهدهٔ راجع به حقوق اقلیت های طرفین بادولت پولیندامضا نمود واکثرمسائل متنازع فیهارا بآن مملکت قطع و فصل کرده در اواخر عقرب لارد هیلیفکس بالمان مسافرت نموده با هتلر ملاقات نمود و نظریات قائد المان را درموضوع اکثر قضایای سیاسی استعلام کرد . معلوم میشود که هتلر بالارد موصوف پیشنهاد ضمانت بیست و پنج ساله صلح اروپای غربی را نموده است مشروط براینکه دست المان دردیگرنقاط آزاد گذاشته وانگلستان وفرانسه درقضایا مداخله ننمایند چنانچه چندروز بعد ازین دربرلین ملاقاتی بین وزیر خارجهٔ المان بارون فون نورات ودلبووزیرخارجهٔ فرانسه که عازم وارسابود دست داد معهذا پیشنهاد مذکورطرف قبول واقع نگردید. دراواسط ماه دلو بحران بزرگی درکابینهٔ المان رو داده بلومبرگ وزیر حربیه با چندین نفر ازجنرالها ازعهدهٔ خودها منفصل وخود هتلروزارت حربیه را اشغال وفون ریبن تروپ سفیر کبیر لندن جای فون نورات را در وزارت خارجه گرفت .

(c) ketabton.com: The Digital Library

این تغیرات سیاست خارجی و قشون را نیز بمانند دیگر شعب حیاتی مملکت مستقیماً تحت ادارهٔ حزب نازی قرار داده درین وقت هتلر از شوشنگ رئیس الوزرای اطریش تقاضای ملاقات فوری را نموده در نتیجهٔ آن شوشنگ بمجرد مراجعت به وین در کابینهٔ خود تغیراتی وارد کرده چند نفر از روسای حزب نازی اطریش را در بعضی از وزارت قبول کرد و امتیازاتی به ملیون سوسیالست در امور سیاسی و مراسم حزبی ایشان قائل گردید. اما چون نهضت نازیها شدت کرد و شوشنگ برای گیری متوسل شد دفعتاً بتاریخ ۲ جوت هتلر انیما تومی باطریش صادر کرده و از شوشنگ در خواست نمود که از مقام خود استعفا داده سس آن کوارت رئیس نازیها بریاست وزراء تعین شود والا المان اقدام عسکری خواهد نمود. فرد ای آن با وجود استعفای شوشنگ قشون المان بدعوت نازیهای اطریش داخل خاک آن مملکت شده بدون اندک زد و خورد آن را تسخیر کرد و هتلر و گویرنگ بوین مسافرت نموده الحاق اطریش را بالمان اعلان نمودند و یک کابینهٔ نازی تشکیل و اعلان شد بتاریخ ده اپریل رای عامه بعمل آمد اما این واقعه در خارج بی تاثیر نمانده مملکتین فرانسه و انگلیس وشوروی احتجاج شدیدی نمودند اما عملا کدام اقدامی

فون بلومبرگ وزیر حربیهٔ سابق المان

نکردند و همسایه گان دیگر المان از چکسلواکی و هولاند و سویس و پولیند و هر یک دارای یک تعداد اقلیت المان نژاد میباشند در صدد تقویهٔ فوری عسکری و تهیهٔ وسائل دفاع بر آمدند مخصوصاً دولت چکسلواکی تعهد امداد عسکری را در صورت حملهٔ المان ازفرانسه و شوروی بدست آورده اما انگلستان در قبول آن انکار ورزید.

ایطالیا

دولت ایطالیا درین سال سیاستی را که از موقع جنگ حبشه به بعد مبنی بر مخالفت جامعهٔ ملل و دول دیموکرات پیش گرفته تعقیب نموده بلکه موسسهٔ جمعیت اقوام را بکلی ترک گفت و در اتحاد ضد کمونیزم با آلمان و جاپان رسما شرکت ورزید. در قضیهٔ اسپانیا هم تا جائیکه مسئله منجر بجنگ عالم گیر نمیشد تشدد نموده ملیون را با انواع وسائل امداد و حمایت کرد. در داخل مملکت حکومت فاشیست برای تهیهٔ مواد خام باصول مصنوعی و تکمیل تسلیحات عسکری جد و جهد ورزیده، و در خارج تا که ممکن بود اسباب نگرانی فرانسه و انگلستان را در اروپا و مستعمرات شان فراهم آورد. اما درعین حال برای اصلاح روابط خود با بعضی دول درجه دوم اروپا وخارج آن نیز اقداماتی بعمل آورده وتا یک اندازه کامیابی حاصل کرد. در روز های اول حمل موسولینی مسافرتی درطرابلس بعمل آورده وجادهٔ بزرگی را که درطول ساحل آن مملکت تا سرحد مصر کشیده شده بود افتتاح نمود و ضمناً نطقی در محضر اعراب ایراد نموده خویش را حامی جامعهٔ مسلمین معرفی کرد. این نطق که در حقیقت سیاست سی سال پیش قیصر ویلهم آلمان را زنده میساخت تاثیر شدیدی درانگلستان نموده مناقشهٔ جراید بامقالات

تند و تیزی بین مملکت شروع گردید و بالاخره منجر به تبعید چندنفر از جریده نگاران انگلیسی از ایطالیا شد . همچنین دلر ماه حمل کونت چیانو وزیر خارجهٔ ایطالیا در بلگراد مسافرت کرد و چون قبلا بوساطت رشدی آراس وزیر خارجهٔ جمهوریت ترکیه ، راه مفاهمه بین مملکتین مفتوح گردیده بود وزیر موصوف دو معاهده یکی راجع به تجارت و دیگری معاهدهٔ عدم مداخله و تعرض با یوگو سلاویه امضا نمود و روابط مملکتین که از مدت درازی تیره بود اصلاح شد .

درطول این سال گویرنگ وزیرهوابازی وبلومبرك وزیرحربیهٔ المان بروما آمده باموسولینی و چیانو ملاقات نمودند وتمام قضایای مربوط به محور برلین و روما را با ایشان ازنظر گذرانیدند ـ در ماه جوزا و سرطان دو دفعه ایطالیا بهمراهی آلمان کنترول سواحل اسپانیارا ترك گفت و برعلیه سیاست عدم مداخله قیام نمود اما بهاصرار انگلیس ولجاجت وتهدید فرانسه دوباره درکمیتهٔ عدم مداخلهٔ لندن مراجعه کرد .

بتاریخ ۱۰ اسدمار کونی معروف مخترع تیلگراف بی سیم وفات نموده مراسم تعزیت او با ترتیبات زیاد از طرف حکومت ایطالیا بعمل آمد چنانچه وزارت پست و تلگراف افغانستان هم به تقریب فوت عالم موصوف مراتب تعزیت خودرا بحکومت ایطالیا تقدیم کرده بود .

در اوائل میزان موسولینی با المان مسافرت نموده بین دو نفر دیکتاتور مذاکرات مهمی بعمل آمده در اکثر قضایای بین المللی توافق نظر حاصل و پروگرام سیاسی محور برلین و روما را وضع کردند بتاریخ ۱۶ سنبله دولت روسیه پروتست شدیدی برایطالیا صادر کرده او را مسئول غرق جهازات خود در بحر مدیترانه قرار داد و تقاضای غرامات نموده ـ اما وزارت خارجهٔ روما از جواب اعراض

نموده وهم باین علت ازشمولیت در کنفرانس نیون خود داری نمود درین موقع مخالفت بین ایطالیا و کمونیزم بسرحد کمال رسیده وچند روز بعدچیانوباب مذاکراترا با دولتین جاپان و المان افتتاح نموده در معاهدهٔ ضد کمنترن رسما شامل شد تقریبا یکماه بعد موسولینی با طمطراق زیاد خروج ایطالیا را از جمعیت اقوام اعلان نمود و مخالفتاو با فرانسه وانگلیس دوام داشت تاانکه قضایای اخیر در المان رو داده بهتفصیلیکه درقسمت وقائع انگلستان ذکرشدایطالیاخواهش مذاکرات را از انگلستان نموده مذاکرات مذکور بموفقیت جریان یافت درموقعیکه تازه مذاکرات بین این دومملکت شروع گردیده بودواقعهٔ اطریش رو داده قشون المان آن مملکت را تسخیرکرد ودولت فرانسه مطابق معاهدهٔ ستریسا ازایطالیا درخواست نموده که متفقا برعلیه المان اقدامی بعمل آورده شود اما موسولینی درخواست مذکور را ردنموده وفاداری خود را به محور برلین و رومابیان نموده در روز های اول حوت بك وزیر خارجهٔ پولیند بروماسافرت نموده رسمیت امپراطوری حبشه را اعتراف نمود و همچنین در ایام اخیر پارهٔ ممالك دیگر از قبیل ترکیه ویوگو سلاویا و رومانیا وغیره امپراطوری مذکور را قبول نمودند . اما ازنقطه نظراقتصادی ومالی اوضاع ایطالیا اطمینان بخش نبوده مشکلات مواد خام وذخایر اعتباریه در تمام سال اسباب نگرانی حکومت روما را فراهم نموده بود . ازطرف دیگر درین سال چندین نهضت ملی درحبشه رخ داده هربارانقلابیون به سزای سنگینی رسیدند بطوریکه درهمین سال ، آخرین مدافع ملی حبشه (راس دستا) نیز دستگیرواعدام شد وهم گرازیانی ازحبشه بایطالیا احضار ودیوك اوستا بعوض اونائب السلطنهٔ حبشه مقرر شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

پیام تفویض حفاظت چکوسلواکیا به هتلر و جواب هتلر

د براتسلاو خبر وائی مو سیو (تیسو) دالاندی تیلگرام دهر هتلر په نامه کړی:

«زه دزړه دډاډ او عقیدی په واسطه چه په (هرهتلر) دلوی جرمنی په لوړ واکدار ئی لرم خپله چکوسلواکیا ستاسو ساتنه لاندی ایږدم او توقع لرم چه تاسو به زما د اغوښتنه ومنی».

هرهتلر ځواب ورکړو چه «ستاپیغام را ورسید ما د چکوسلواکیا ساتنه پخپله غاړه ومنله»

بر اتسلاو ۲۵ حوت موسیو (تیسو) تیلگرام آتی را ینام هر هتلر کشید:

«ما نظر به اطمینان قلبی و عقیدهٔ که نسبت به (هر هتلر) قائد اعظم جرمنی کبیر داریم چکوسلواکیای خود را تحت حمایهٔ شما میگذاریم و توقع داریم که شما این درخواست ما را قبول خواهید فرمود».

هرهتلر جواب داد که «پیام شما رسید من حفاظت چکوسلواکیا را بعهدهٔ خود قبول نمودم» «ریوتر»

3:00
2:30
2:00
1:30
1:00
12:30
12:00
11:30
11:00
10:30
10:00
9:30
9:00

هریك سیاست خارجی مشخص اتخاذ نمودند، اما بازهم اشتراك مفاد (مخصوصاً وجود دشمن مشترکی مانند هنگری که باهرسه مملکت مذکور دعوای اراضی دارد) وجد وجهد فرانسه نگذاشت که اتحاد آنها لغوشود. ازین سه مملکت تنها چکوسلاواکی بسیاست سابقه یعنی طرفداری جامعهٔ ملل و اتحاد فرانسه و روسیه پایدار مانده ووضعیت آن در مقابل ممالك فاشیست تغیری نیافت و حتی دولت چکوسلاواکی به یکی از کارخانه جات خود که فرمایش یکنوع ماشیندار مخصوصی را از پرتگال قبول نموده بود اجازه نداد که آنرا بدولت مذکور بفروش رساند و درنتیجهٔ این امر پرتگال پروتست شدیدی داده روابط سیاسی دولتین بکلی قطع شد ودراخیر سال ازسبب اقدام المان درآستریا اضطرابی درچکوسلواکی پدیدآمده امافرانسه وروسیه ضمانت اورادرصورت حملهٔ المان ذمه وارشدندوتنها انگلستان ازآن اعراض کردو در داخل حکومت چکوسلواکیه دراثرخواهشات حزب نازی، بعضی امتیازات را برای شان قائل شد وهم درین سال بود که مساریك استقلال بخشندهٔ چکوسلواکی فوت شده مراسم جنازهٔ او باتشریفات ملی فوق العادهٔ بزرگی بعمل آمد.

هنلاین رئیس نازیهای چکوسلواکیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

تا تار سکو را که مرکب ازاحزاب دست چپ بود مجبور باستعفا ساخت و گوگا رئیس یکی از احزاب کوچك دست راست را موظف به تشکیل کابینه نمود . کابینهٔ گوگا دساتیر شدیدی برعلیه یهود های رومانیا بعمل آورده و اگر چه پایداری خود را بدوستی فرانسه و اتحادصغیر اعلان نمود اما سیاسیات آن با دولت شوروی فوق العاده سرد گردید و با لعکس بادول فاشیست از در صمیمیت پیش آمد .

مقارن این حال شارژ دافر شوروی در بخارست مفقود شده و دولت روسیه شدیداً بر رومانیا پروتست داد و هم احزاب دست چپ بر علیه کابینهٔ گوگا قیام نموده مشار الیه سقوط کرد و یکنفر از اعتدا لیون که شخصا اسقف است کابینهٔ مرکب از روسای تمام احزاب تشکیل نمود و سیاست ضد یهود را تخفیف داده و موازنهٔ احزاب داخلی نفوذ اجانب بعمل آمد .

اتحادیهٔ بالقان

اتحادیهٔ بالقان کهربط قریب با اتحاد صغیر داشته مرکب ازرومانیه یوگوسلاویه ، یونان و ترکیه و بلغاریه است ، روابط باهمی شان نسبت به اتحادیهٔ صغیر بهتر بوده ، مجلس سالانهٔ اتحاد مذکور که در اخیر سال درانقره انعقاد یافت، دران سیاست بیطرفی در دسته بندی های اروپا و داشتن روابط نیك بادول فاشیست و منجمله اعتراف بر سمیت الحاق حبشه به ایطالیا تصویب گردید. دریونان وبلغار یابا وجود کشمکش بعضی ازاحزاب سکون حکمفرما بود. وقائع دیگر ممالك مذکوریعنی تورکیه و رومانیه و یوگوسلاویه علیحده ذکر شده حاجت به تکرار نیست .

لهستان (پولیند)

دولت پولیند که از حیث قوای عسکری وموقعیت جغرافیائی خود مقام مهمی را در اروپا اشغال نموده است ، درین سال هم سیا ست

میانه روی دوجنبه دار خودرا بمهارت تمام تعقیب کرد و بدون آنکه رابطهٔ دوستی و اتحاد خود را با فرانسه قطع نماید با المان نازی یك اندازه گرمجوشی بعمل آورد . و حتی معاهدهٔ راجع باقلیت های طرفین با آن مملکت عقد نمود . و یکی از مشکلات بزرگی را که در روابط ایشان واقع بود ، رفع کرد . از طرف دیگر یك وزیر خارجهٔ آن مملکت مسئلهٔ احتیاج مستعمراتی پولیند را با لحن مسالمت آمیزی گوش زد اولیای امور فرانسه و انگلیس و جامعهٔ ملل ساخت . ضمنا روابط پولیندباجاپان وایطالیا نیز خوب شده در اخیر سال وزیر خارجهٔ آن مملکت رسما بروما مسافرت و رسمیت الحاق حبشه را بایطالیا اعتراف کرد . همچنین در زمستان این سال هورتی نائب السلطنهٔ مجارستان به پولیندمسافرت کرده روابط مملکتین تشیید یافت. اماروابط پولیند باچکوسلواکیه ومخصوصا بالیتوانیا همانطور کشیده بوده ، تا آنکه دراخیرسال باثرقتل یك نفرسپاهی پولیندی برسرحدلیتوانیا ، حکومت وارسا به لیتوانیااولتیماتوم شدیدی صادر کرد که باید بصورت فوری لیتوانیا روابط سیاسی خود را که پس از تصرف عسکرپولیند برشهرولنا (در۱۹۲۲) قطع شده بود ، دوباره برقرارسازد. چنانچه لیتوانیا بالاخره بجزقبول چاره ندیده روابط مملکتین تجدیدشد. درداخل حزب فاشیست که بسرکردگی کرنیل آدم کوك ازچندی باینطرف تشکیل شده بود ، نهضت زیادی نموده اما حکومت حزب مذکور رامنحل

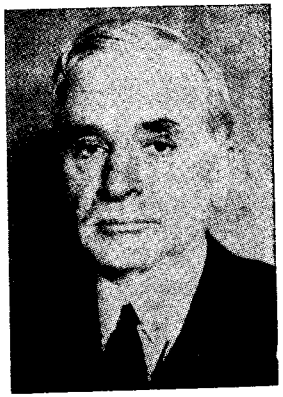

آدم کوك رئیس حزب ملی پولیند

(c) ketabton.com: The Digital Library

وحزب جدیدی بنام حزب ناسیونال (ملی) تشکیل داده است .

بلژیك

دولت بلژیك که در سال گذشته اساس بیطرفی را در سیاست فرانسه و المان اتخاذ نموده بود ، درین سال به سیاست مذکور ادامه داده در ۵ ثور خود را رسماً از قیود معاهدهٔ لوکارنو آزاد ساخت درعین حال روابط خود را با دول کوچك و بطرف اروپائی شمالی تقویه بخشیده در اتحادیهٔ اسلو که بین هالیند و ممالك اسکاندینا و (سویدن ، ناروی، دنمارك) بغرض تسهیل معاملات تجارتی ورفع تعرفات شدید گمرکی تشکیل شده ، شرکت جست وهم شاه بلژیك درانگلستان مسافرت نموده با اولیای امور لندن مذاکره بعمل آورد و ظاهراً ازایشان وعده گرفت که درموقع خطر انگلستان بامداد بلژیك خواهد شتافت . بتاریخ ۲۰ میزان دولت المان معاهدهٔ عدم تعرض را با بلژیك امضاء نموده استقلال و تمامیت خاك آن مملکت را ضمانت و احترام نمود . بتاریخ ۳ عقرب وان زیلاند در اثر مخالفت شدیدی که مابین احزاب دست چپ و حزب فاشیست ریکس رخ داده بود ، از مقام خود استعفی داده ، بحران وزارتی مدت یکماه طول کشید ، بالاخره احزاب دست چپ بمعاونت شخصی شاه کابینه تشکیل کردند که هنوز ارکان آن از سبب کشمکش های سیاسی و نهضت عناصر ریکسیست (فاشیست های بلژیك) محکم معلوم نمیشود .

باقی ممالك اروپائی

درباقی ممالك اروپائی واقعاتیکه تاثیرات بین المللی قابل ذکری داشته باشد، رخ نداده رؤس واقعات ممالك مذکوره قرار ذیل است :

دول اسکاندینا و یا (سویدن ، ناروی ، دنمارك) باهالیندو

و بلژیك اتحاد گمرکی بنام اتحادیهٔ او سلو تشکیل دادند ـ

دول بالتیك (استونیا ، لتونیا ، فنلند) روابط باهمی خود را افزوده و از دسته بندیهای اروپائی تا اندازهٔ زیاد احتراز کردند دراخیر سال دراثر کشته شدن یك سپاهی پولیندی درسرحد لیتوانیا پولیند برآن مملکت فشار آورده ، تاسیس روابط سیاسی را که در اثر تصرف پولیند بر شهر ویلنو در سال ۱۹۲۲ بین مملکتین قطع شده بود بر او قبولانید .

هالیند وسویس ازاقدامات المان ترسیده قوای حربی خود را افزودند.

پرتگال سیاست سال گذشتهٔ خود را بطرفداری جنرال فرانکو دوام داده کمونست ها را در داخل مملکت تحت فشار گرفت . و روابط سیاسی خود را با چکسلواکی قطع کرد .

مجارستان اتحاد خودرا بایطالیا دوام داده مناسبات او باجرمنی نیز خوب بود اما در اواخر سال پس از مذاکرت شوشنگ وهتلر حزب نازی را در داخل مملکت خود لغو نمود .

ممالك امریکائی

ممالك متحدهٔ امریکا

دولت اتازونی درین سال میل وعلاقهٔ واضحی بمسائل بین المللی وقضایای اروپا نشان داده بادول دیموکراسی اروپا معاونت وهمکاری بعمل آورده ، از اقدامات دستهٔ مخالف تااندازهٔ جلوگیری کرد وباسیاست استعمال قوه ومخصوصاً بااصولی اکتفاء بخود (یعنی استغنای اقتصادی) دول فاشیست مخالفت ورزید. ودرعین حال به تکمیل تسلیحات خویش پرداخته وخاصةً بحریهٔ جنگی خودرا وسعت زیاد بخشید. در اوائل ماه ثور کانگرس واشنگتن لائحهٔ بیطرفی اتازونی را تصویب

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمود. واگرچه برای حفظ بیطرفی وعدم مداخلهٔ امریکا در محاربات خارجی ترتیب شده اما شرائط آن طوریست که عملاً درموقع حرب به نفع انگلستان وفرانسه تمام میشود. ازطرف دیگر اوضاع اقتصادی امریکا درین تبادله نسبت بسال گذشته بهتر بود.

در ماه اسد روزولت رئیس جمهور امریکا وان زیلاند رئیس الوزرای بلژیك را که از طرف حکومت خود و حکومات فرانسه و انگلستان برای مذاکره دراطراف قروض گذشته وتمام‌مسائل‌اقتصادی عالم درنزد اومأمور شده بود درواشنگتن پذیرفته راجع به‌اصلاح وضعیت اقتصادی عالم بامشارالیه مبادلهٔ آراء بعمل آورده ودراثر این‌مذاکره نمود. درقضیه چین وجاپان اگرچه اتازونی بیطرفی را اختیار نمود اما علاقه ودلچسپی خودرا باستقلال چین بارها اظهار نموده وبموافقت فرانسه‌وانگلستان برای بیطرف ساختن شهر شانگهائی اقداماتی بعمل آورد، همچنین در کنفرانس بروسل شمولیت ورزیده عملیات جاپان رامذموم قرار داد وبالاخره درماه دلو بهمکاری انگلستان‌وفرانسه نوتهٔ راجع به تحدید اسلحهٔ بحری بجاپان صادر کرد وچون دولت مذکورجواب منفی داد اتازونی نیزپلان بحری را روی دست گرفت.

ازطرف دیگر رشتهٔ اتحاد دول امریکا (پان امریکا) که از سه‌سال باینطرف روی کار آمده و روز ولت مشوق آن میباشد درین‌سال‌تااندازهٔ‌زیادتقویه یافته دول امریکائی از سیاست جامعهٔ ملل حتی‌المقدور کناره گرفتند.

درباقی ممالك امریکائی‌وقائع‌قابل ذکری اتفاق نیفتاده تنهاروابط باهمی‌دولیکه درسابق باهم‌منازعه داشتند اصلاح وهم‌در برازیل‌دیکتاتوری روی‌کار آمده قانون اساسی جدیدی با ساس فاشیزم وضع گردید.

نگارش جناب ژوزف ها کن عضو هیئت‌عتیقه‌شناسی فرانسه‌درافغانستان

ترجمهٔ: جناب احمد علی خان (۱) «کهزاد» مدیر شعبهٔ تالیف وترجمه

حفریات جدید درافغانستان

خلص اجراآت هیئت اعزامی حفریات فرانسه

در افغانستان

از سپتامبر ۱۹۳۶ تا اگست ۱۹۳۷

(سال ۱۳۱۶)

اعضای هیئت اعزامی حفریات فرانسه درافغانستان از ماه سپتامبر ۱۹۳۶ تا اگست ۱۹۳۷ تحت مراقبت وزارت معارف این مملکت یك سلسله تجسسات را در نقاط مختلفی که فواصل آن گاه گاه از هم خیلی زیاد بود انجام داده اند. در خزان ۱۹۳۶ (از سپتامبر تا دسامبر) هیئت درمنطقهٔ چخانسور که حصهٔ افغانی سیستان قدیم را تشکیل میدهد و بفاصلهٔ ۱۳۰۰ کیلو متر بجنوب غرب کابل افتاده به علاوه گردش های مفصل مقدماتی حفریات هم در چندین نقاط مختلف نمود «موسیو گرشمین» هم درین وقت موقتا در هیئت ما شرکت‌جسته بود تا راجع به شهر زرنج « نادعلی » فعلی که بچند صد میتری سر حد ایرانی افتاده تحقیقاتی بعمل آرد - درین اثنا سایر اعضای

(۱) راپورت مفصلی که درین موضوع تهیه میشود در جلد ۹ خاطره های هیئت حفریات فرانسه در افغانستان نشر خواهد شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هیئت : مدام ها کن « مو سیو کرل» و موسیومونیه » تحت هد ایات من درمناطق دشتی که بشمال رو دهلمند مبسط است در حوالی خرابه های شهر « سارو تار » Sar-o-tar مشغو ل کشفیات و معاینهٔ اراضی بودند چون بعض آ ثار عتیقهٔ بودائی درقندوز (۱) یعنی در قلمرو بکتریان قدیم تازه پیدا شده بود در ماه ژانویه ۱۹۳۷ بغرض مطالعهٔ آ ثار مکشوفهٔ آ نجا مسافرتی بطرف شمال افغانستان نمو دیم چو ن اسنا د ما را جع به تحقیقاتی که در سیستان بعمل آ مده هنو ز کا ملا مرتب نشد ه عجالتا از ان گذشته بصورت خیلی مختصر نتا یج حفریاتی‌را شرح‌میدهیم که ازاول‌بهار تاتابستان(ازماه اپریل تا اگست) در « کاپیسی » قدیم « بگرام فعلی » تقر یباً به ۶۰ کیلو متری شمال کابل بعمل آمده است .

این‌جلگهٔ وسیع‌مرسوبی‌که‌قرار محاوره بومیان‌بنام (دشت‌بگرام) یاد میشود در ۱۸۸۳ توجه سیاح انگلیس « مسن » را بخو د جلب نمود و مشارالیه بعلاوهٔ اینکه کو لکسیون خوبی از مسکو کات شاهان « هندویونان » و « هندودسیت » فراهم نمود بعض استوپه ها را هم معاینه کرد. (۲) موسیو فوشه در ضمن تعین خط سیر «هیوان تسنگ در ا فغا نستا ن یك حصه مطا لعا ت خو د را د ر ا ینجا هم صر ف

(۱) رسا لهٔ صنعت بودائی بکتریان و مبداء صنعت « گر یك و بود یك » تالیف مو سیو ژوزف ها کن مطا لعه شود . این رساله را جناب‌احمدعلیخان کهزاد مدیر شعبهٔ‌تالیف‌و ترجمهٔ‌انجمن ادبی بفارسی‌ترجمه نموده‌ازطرف‌شعبهٔ‌مذ کور بنام(صنعت‌باختر) درمطبعهٔ‌عمومی‌طبع شده است.

(۲) J.A.S.B سال ۱۸۳۴ و ۱۸۳۵ صفحه ۳۶-۱

نموده(۲) ودرنتیجه راجع به موقعیت چندجای‌قدیم نظریات مفیدی پیش کرد هکذا موسیو « برتو » هم در ۱۹۲۵ بعضی کا و ش ها ئی در شهرجدید شاهی وحفریاتی در (دامنه غر بی کوه بچه) شرق بگرام نمود - سپس پلان تجسسات اصولی در ۱۹۳۵ تر تیب داده شده و به صحنه «کمسون تفحصات عتیقه شناسی درافغانستان» که مقرآن وزارت تر بیه ملی‌فرانسه است رسید - برای تعمیل این پلان در بها ر ۱۹۳۶ شروع به‌اقدامات شده با ر اول « موسیو کرل و مونیه » حفریات را در اوایل ۱۹۳۶ درخرابه های « شهرجدید شاهی » شروع نموده و حین کاوش شمالا و جنوبا کناره های گو د الی را تعقیب نمو دند که روی خرابه ها ی شهر عرضا افتاده است - در نتیجه از ین محل‌یك مقدار زیاد ظروف سفالی مخصوص رفع احتیاجات خانگی کشف شداین ظروف که تزئینات آن برجسته و با مهر یا تا په بعمل آمده به اوایل عصر استقرار کوشان یعنی قرن اول و دوم مسیحی نسبت میشود .

در۱۹۳۷دو باره تجسسات تحت مراقبت خودم‌شروع شده«موسیو کرل» بتاریخ ۱۶ اپریل درهمان جائی که سال گذ شته حفریات نموده بود شروع بکار کرد بفاصله دوصد متری شرق اینجا محل دیگری به‌مدام « ژ - ر - ها کن » سپرده شد « وموسیومونیه » را مامور نمودم که درخرابه ها یك معبد بودائی که ۵ کیلومتری شرق - شمال - شرق (شهر جدید شاهی) افتاده عملیات حفریات را تعقب کنند ،

بر گردیم به حفرگاه نمره اول : دژ اثر خا لی کردن منازل ود کا نهای‌که کنار کوچهٔ بزرگ شهر و اقع ا ند مجد داً یك عد ه

(۲) مطالعات‌آسیا ئی که در موقع بیست و پنجمین سا لگر ه تاسیس مکتب‌فرانسوی درشرق‌اقصی شایع‌شده I - صفحه ۲۷۳ - ۲۶۶

(c) ketabton.com: The Digital Library

ظروف سفالی پیدا شد که مانند ظروف مکشوفهٔ سال گذشته با تاپه تزئینات دارد ومربوط به عصر کوشان میباشد وو قتیکه حفریات دکانها در هردو رستهٔ کوچهٔ بزرگ تمام شد فوراً « موسیو کرل » دراخرماه می عازم درهٔ « فندقستان » شد این دره تقریباً در وسط راه بین کابل وبامیان واقع و« موسیو کرل » درآنجا حفریات را درخرابه های معبدی شروع نموده درنتیجه آثار خیلی مهم بدست آمد.

در حفرگاه نمبر دوم بگرام : ، که سرپرستی آن به « مدام ها کن » وآقای « احمد علیخان کهزاد » وآقای محمد اسلم خان سپرده شده بود ۹ اطاق بزرگ کشف شد دیوارهای این اطاق ها ضخیم ودر ساختمان آنها مواظبت خوبی بکار رفته ، طوریکه روی هم رفته دیوار از پارچه های کوچك تشکیل وحد بحدیك سنگ بزرگ گذاشته شده بود اطاق نمبر ۱۰ این محل نسبت به سایر اطاق ها وسیع تر ودورا دور آن بمواظبت دیوار شده بود اولین اشیای مکشوفه این اطاق بعد از کشیدن خاك ها در عمق ۲٫۶۰ میتر پیداشد تمام قسمت شمالی اطاق از ظروف شیشهٔ نازك ، ظروف سنگ رخام ، واشیای مفرغ پربود . گیلاس هایکه به تعداد زیاد از اینجا کشف شده خواص کارخانه های شیشه سازی سواحل شام را ارائه میکند (از قرن اول تا اوایل قرن ٤ مسیحی) بعضی گیلاس های منقوش باوجود مرور زمانهٔ مدید به منتهای خوبی محافظه شده ودرا کثرآن مواد شیشه ئی شفافی که جلای خود را بصورت حیرت آوری نگاه کرده است تزئینات منقوش روی ، صفحهٔ شیشه ئی گیلاس ها قشرملون خیلی لطیفی تشکیل داده که بصورت بسیارنازك برجسته معلوم میشود رنگهای تیزآنها که باناخن مخطط نمیشود مانند الوان مینائی

درخشان معلوم میشود روی یك جام بزرگ شیشئی دوصحنه ئی معلوم میشودکه دران دومردبرای دوزن میوه می آرد ، نباتات رادراین صحنه بواسطهٔ یك درخت خرما ولکه های سبز روشن دیگر نمایش داده اند چند سطر بالا راجع به تیزی الوان اشاره نمودیم هکذا قابلیت نقاش آن هم قابل ملاحظه است اثر دست رسام درمقابل کار رنگ دهنده آن خوب معلوم نمیشود زیرا اخیرالذکر با خامه خفیف و سبك رنگ پری خود انرا مخفی ساخته درقسمت های روشن تر بدن خط خفیف سفید که عموماً کج ومعوج است معلوم میشود روی یك پارچهٔ کوچك ظرف شیشه ئی دیگر صحنهٔ مقابله دونفر پهلوان عصر رومن که انرا « گالید یاتور » میگفتند معلوم میشود . یکی از جنگجویان بسبك « تراس » یکنوع گیتراهنی آبی پای پیچ زرد دارد وسپر مربع کوچك موسوم به « پارما Parma » دردست گرفته . حریفش مانند « گلید یاتور » پهلوانان عصر رومن دریك پا پا پیچ دارد و ران هایش برهنه میباشد پارچه‌های دیگر صحنه‌های مقابله بین سوار وپیاده را نشان میدهد دیگر مظاهر تخنیك شیشه هم درظروف مکشوفهٔ اینجا ملاحظه میشود دربعضی‌ها تزئینات برجسته را علیحده ساخته وبعد به‌ظرف چسپانیده‌اند ودربعضی های دیگر جزئیات خیلی باریك ولطیف را بواسطهٔ پارچه های کوچك شیشه به تنهٔ ظرف چسپانیده اند در یك ظرفی که به این تخنیك ساخته شده شخصی فراز برجی معلوم میشود که تجملاً عبارت از پوزه ئی دون Poseidon (رب النوع ابحار) میباشد وحتی با « پوزه‌ئی‌دونی » که بالای یك قاب ساخت « کوبرن » کنار رود (موزل) است شباهت دارد.

گیلاس های شیشهٔ الماس تراش و شیشهٔ کوچك ویا پارچه های

(c) ketabton.com: The Digital Library

ظروف ماهی شکل وبوتل ویاجامی که دورا دورآن تارشیشئی افقی دویده وحد بحد با پارچه های مارپیچ عمودی به تنهٔ ظرف محکم شده وغیره اقسام و مظاهر تخنیك شیشه در میان این ظروف مشاهده میشود ـ در میان ظروف مفرغ که تعداد آن روی هم رفته تقریباً به ۵۰ میرسد سنگ تر ازو یك نوع ظرفی که بشکل شاخ است و آن را « ریتون » ؛ گویند قاب های چقور کاسه نما و غیره اشیا بدست آمده و مهمترین همه یکنوع سپری است که از دوقطعه مفرغ تشکیل شده که اصلا روی یکدیگر قرار میگرفت قطعهٔ مفرغ فوقانی از حیث اندازه نسبت به قطعهٔ تحتانی کوچکتر و تزئینات آن چیزی درخودقطعهٔ مذکور و چیزی هم علیحده در آن افزود شده است تصویر مرکزی قطعهٔ فوقانی سپر با وجود زنگ زدگی صورت « مدوز Méduse » (۱) نشان میدهد . بالهای متحرکی که بر سرش سایه افگنده علیحده ساخته و نصب شده ، به دوطرفهٔ سر به ارتفاع خط چشم ها چار مار خود را مبسط کرده اند و از پیچ خوردگی آنها هم گرهی تحت زنخ او معلوم میشود بدورا دور صورت « مدوز » اشکال ماهی هائی معلوم میشود که دم های

(۱) در افسانه های یونانی مجموع سه خواهر عجیب الخلقه که بنام های « مدوز Méduse » یوریال Euryale » و « استه نو Stheno » موسوم بودند « گورگن » می خواند. این سه خواهر مخصوصاً مدوز دارای قوای روحی عجیبی بود که هر چیزی را به یك نگاه به سنگ تبدیل می نمودند . در روی سپر ها تصویر او را معمولاً برای ترسانیدن دشمن ترسیم می نمودند .
(مترجم)

آن‌ها متحرك است عواملی را که علیحده ساخته شده و بازدرماهی ها نصب گردیده حلقه های کوچکی محکم گرفته که مجموعهٔ آن ظرف چپه قطعهٔ فلز فوقانی سپر را مزین نموده در هر حلقه زنگولهٔ مدوری آویزان است که‌وجود آنها حرکت عوامل متحرك را آسان میسازد تا گفته نماند که‌بالای یك آئینهٔ عصر « اتروسك Etrusque » که در اطاق مدال های کتابخانهٔ فرانسه تحت نمره ۱۳۴۵ قید شده تصویر روبروی « کورگن » طوری نمایش یافته که دورا دور آن را امواج مناظر آب گرفته و درمیان آن ٦ « ماهی دوفن » که کلهٔ آن بزرگ میباشد شنا میکنند .

ظروف سنگ رخام مکشوفهٔ بگرام عبارت ازیك شیردانی دسته دار ویك گلدان دو دسته ئی ویك قالب دسته دار میباشد .

❀ ❀ ❀

اشیائی که در قسمت جنوبی اطاق کشف شده به استثنای چند ظرف شیشهٔ همه صندوقچه های جواهرات بود که اصلاً از صفحات نازك چوب ساخته شده و روی آن قطعات مزین و منبسط عاج و استخوان‌را نصب نموده بودند چوب صندوقچه ها بغیر از بعضی جاها باقی بشکل گرد نصواری رنگی تحویل یافته بود و ازین جهت در اکثر موارد حصص مختلف صندوقچه ها از هم جدا و متلاشی شده بود در بعضی جا ها بین صفحات و چوب و قطعات مزین عاج واستخوان ورقهٔ ابرك هم دیده می شود . این قسمت اشیای مکشوفهٔ ماچیزهای بی سابقه ایست که از هند مرکزی یا « ماتورا Mathura » به‌اینجا آورده‌شده است . راجع به‌فعالیت کار خانه ها وکاریگران عاج هند معلومات ما خیلی محدود است فقط اینقدر میدانیم که کار

(c) ketabton.com: The Digital Library

خانهٔ « ویدا سا Vidasa » (بیلسا ghilsa) حالیه در حکومت گوالیار) سنگی را که یکی از کارکنان آن تراشیده بود به معبد سانشی Sânchi (۱) تقدیم نمود چنانچه امروز کنار دروازهٔ جنوبی استوپهٔ بزرگ آنجا را مزین نموده است (وسط قرن دوم ق م)

درحالیکه ازخودهند ازاثار کارخانه های فوق‌الذکر تا امروز چیزی بدست نیامده ازبگرام صدها قطعات ولوایح عاجی و استخوانی کشف شد . این قطعات به انواع مختلف کار شده در بعضی نقوش فقط کنده شده دربعضی های دیگر موضوع حك شده وچون قسمت هائیکه خارج موضوع است دست نخورده تزئینات بصورت خفیف شکل برجسته بخود گرفته است . دربعضی مواد دیگر موضوع مکلوب تراش وباقی حصص متن خالی کرده شده و قطعهٔ عاج شکل مشبکی بخود اختیار نموده روی هم رفته تمام این سبك وشیوه ها واجد روح صنعتی خیلی لطیفی است که بامزایای خود مظاهر حقیقی هیکل تراشی را نشان داده وتمام پهلوها ومحاسن قالب گیری درآن گنجانیده شده است . خطوط خارجی همه جا درتمام موارد بایك خط درشت وصحیح کنده شده است تزئینات بعضی قطعات حفرگاه نمره ۲ بگرام مثل برگ‌های « لوتوس Lotus » پرنده‌ها ـ حیوانات خارق‌العادهٔ بالدار به تزئینات « سانشی » شباهت بهم میرساند خصوصی تزئینات سر دروازه

(۱) در دروازهٔ شرقی استوپه سانشی (در سالنامهٔ موزهٔ گیمه در کتاب خانهٔ نشریات) جلد ۳۳ صفحه ۱٦٤ (نگارش موسیوفوشه ملاحظه شود)

شرقی استوپه بزرگ « سانشی » که عبارت ازبرگ‌های « لوتوس » باساقه های طویل منظم میباشد بالوایحی که از محل حفریات نمره ۲ بگرام یافت شده خیلی شبیه است وبرای مقایسه نقطهٔ مهمی بدست میدهد ناگفته نماند که لوایح بگرام تقلید کورکورانه عوامل « سانشی » نیست بلکه آزادانه مفکورهٔ انرا ارائه میکنند . علاوه برین تصویر (ائو گریف ـ شیر) واضحاً به اثارهم جنس خود که در سانشی نمایش یافته شبیه است (طاق فوقانی صفحهٔ خارجی دروازهٔ غربی استوپه بزرگ ونقوش برجسته پایهٔ همین دروازه) .

درصندوقچه های بگرام اشکال حیوانات بالدار بکثرت نمایش یافته این اشکال نفوذ صنعتی مملکت دور دست بین النهرین را ارائه میکند که باجزئیات تزئیناتی صاف هندی ضم شده است مرغ آبی و قاز با اشکال مختلفهٔ خود مثل مرغ آبی های کوچکی که قطارپشت هم قرار گرفته اند موضوع تزئیناتی قشنگی تشکیل میدهد ، میشود گردن خمیده سربلند وسائر اختصاصات وضعیت آنهارا باقطار قاز هائی مقایسه کرد که درحاشیه ظرف مقدس کنیشکا نقش میباشد ـ اشکال زن ها با بدن های چاق وصورت های گوشتی خیلی باسبك کار مجسمه های مکتب « ماتورا » عصر کوشان (قرن اول ودوم عهد مسیحی) شباهت دارد بعضی لوایح عاجی یا استخوانی دیگری که تزئینات انهابه اصول مشبك است و موضوع های منقوشه بصورت خفیف برجستگی دارد هم بهمین عصر اطلاق شده میتواند ازصحنهٔ دیگری که یك شخص درمرکز قرارگرفته و دوحیوان عجیب الخلقه را خفه میکند چندین نمونهٔ جداگانه پیداشده که با الهام صنعت قدیم « سومر Snmer » اسباب مقایسه بدست میدهد . حیواناتی که حصهٔ اخیر بدن انهابه دم ماهی تمام میشود

(c) ketabton.com: The Digital Library

من « موسیو مونیه حفریات نمود (۱) هم‌حایز چنین‌موقعیتی بود - چون این بنای مذهبی در مرور زمانه بیهم چند مرتبه مرمت - کاری و وسعت داده شده اصل شکل پلان اولیه ان مغشوش گردیده قدیمی ترین قسمت‌آن اگرچه آنهم بذات خود دست خورده - عبارت ازمحوطهٔ مربعی بودکه دروسط آن درمیان حویلی استوپه بزرگی داشت و این حویلی ازطرف شرق به حیاط دیگر مربوط بود وملحقات آن عموما بطرف جنوب و جنوب غرب معلوم میشود استوپهٔ بزرگ با مجسمه ها وصحنه های دیگرمزین شده بود چنین ملعوم میشود که صنعتگران‌درخود این محل به تراش مجسمه ها درسنگ سلیت می پرداختند واثار در خود اینجا ساخته شده باشد چنانچه وجود یك اوزار هیکل تراشی و یك صحنهٔ نیم کاره این نظریه را تقویت میکند .

علاوه براشیای‌سنگ سلیتی آثار دیگری که درگل - وچوبه‌قالب گرفته شده هم بدست آمده است ازمیان اثار قدیم چند پارچه حین حفریات هنوز بجای خود در دیوارهای بنا باقی وبرقرار بود ازانجمله پارچهٔ که خیلی دلچسپ است صحنه‌ئی را نشان میدهدکه راهبین و مریدان انها وارباب النوع فرعی (دواتا) بودارا تمجید واحترام میکنند امکان دارد راهبین سه برادر (کاسیاپا Kasyapa) و سه نفر مریدان ایشان بوده باشد درروی همین صحنه یك جوره اعانه دهندگانی هم معلوم میشود که لباس مرد آن عبارت از البسه ایست که معمولاً در عصر کوشان پوشیده میشد بر علاوه موسیو مونیه پارچهٔ لوحه ئی را یافته است که روی آن اعانه دهندئی بلباس قدیم هم معلوم می‌شود -

(۱) را پورت مفصل « موسیوژاك مونیه » درجلدد هم سلسله خاطره های هیئت حفریات فرانسه در افغانستان نشرخواهد شد .

تعداد مجسمه ها وصحنه های سنگی که ازینجا کشف شده خیلی زیاد است بسیاری صحنه ها از نقطهٔ نظر تصورات مذهبی بودائی خیلی اهمیت زیاددارد منجمله باید متذکرشدکه در یك صحنه شخص مرکزی که عبارت از « میتریا » باشدچهار زانو تحت کمان طاقی قرارگرفته ودو شخص کوچك در حالیکه به مناصفهٔ بدن نمایش یافته اند از تحت پایه های کمان مذکور اورا احترام میکنند. دو شاهزاده یا « بودیس اتوا » دیگر بدوطرفهٔ کمان دیده میشوند. درمنتها الیه طرفین صحنه « دوارا پالا » یا جنگ جویان نمایش یافته اند اگر این پارچه باصحنه چینائی که کارعصر (وی Wei) (حوالی قرن ۵ ب م) میباشد مقایسه شود فوراً معلوم می شود که تا کدام اندازه صنعت بودائی چین در عصر (وی) تحت نفوذ موضوع های مذهبی صنعت « گریك وبودیك » آمده بود در یك لوحه قبل ازملاقات طالب‌العلم جوان برهمنی بابودا « ویپان کارا » چندین صحنه‌های دیگرمربوط افسانهٔ آنها نمایش یافته هیکل چهارشانه « ویپان کارا » بادست‌های بزرگ برای اثبات تنزل صنعتی بعضی آثار گریك و بودیك تمثال خوبی فراهم نموده ارائه وضمناً میکند که این اثر چقدر با نزاکت و لطافت مجسمه ها و تصاویر مکتب « ایران و هند » قرن ۵ و ۶ مغایرت دارد .

فند قستان*

« سیاه گرد غور بند »

کشفیات اتفاقی چند پارچه مجسمه گك های بودائی در

(c) ketabton.com: The Digital Library

« فندقستان » (۱) که به ٤ کیلومتری « سیاه گرد » وتقریبا دروسط راه کابل وبامیان واقع است ودرباب آنها مقاله درمجله « صنایع اسیائی » شایع نموده ام (۲) مراتحریك نمود تادر ۱۹۳٦ برای معاینه محل وتدقیق موقعیت آن بروم چون اهمیت محل مذکور برایم ثابت شد را پورتی مبنی به درخواست اجازهٔ حفریات بحضور ع ، ج والاحضرت سردار محمدنعیم خان وزیر معارف افغانستان تقدیم نموده ودرنتیجه یکی از همکاران خود « موسیو کرل » را مامور نمودم که بعد ازختم کارهای مربوطه اش به بگرام ، حفریات را در فندقستان شروع کند چنانچه این منظور

(۱) چون درماه اکتوبر ۱۹۳۷ وارد پاریس شدم ملاحظه نمودم که سیاح انگلیس « مسن » که اسناد او همیشه بما کمك زیاد کرده است در ۱۹۳٦ فند قستان را یاد کرده ودرباب آن مینویسد : ـ

« فند قستان » درمنطقه « غوربند » به غرب سلسلهٔ بزرگ کوهی واقع است که ازهندوکش به قفقاز میرود وحد غربی کوهدامن راتشکیل میدهد چه در خود درهٔ غوربند و چه در دره های کوچك ملحقهٔ آن مخصوصاً دریکی انها موسوم به فندقستان اثار تاریخی قدیمی زیاداست لهذا بادلیل گفته میتوانیم که مسکوکات قدیمی از اینجا به تعداد زیاد یافت شده و بعضی برجستگی های مهمی در آنجا وجود دارد لیکن چون محل مذکور را دیده نتوانسته ایم راجع به چگونگی آن ازحدس وفرضیات احتراز میکنم) V.J.R.A.S.B (۱۸۳٦) صفحه ٦

(۲) مجله صنایع اسیائی جلد دهم شکل ۳ صفحه ۱۳۱ـ۱۳۰ مقالهٔ موسیو هاکن راجع به چند مجسمه گگك های بودائی که تازه از افغانستان کشف شده ملاحظه شود.

درماه می ۱۹۳۷ عملی شده و « موسو کرل » حفریات را در خرابه های یك بنای مذهبی یامعبد بودائی شروع کردیم که بالای تپه خاکی فراز دره کوچك « فندقستان » اباد شده بود « موسیو کرل » (۱) حین حفریات خود از اخر ماه می تا اگست ۱۹۳۷ عموماً درتخلیه معبدی کار کرده که اطاق آن بزرگ و مربع وسقف آن گنبدی بود و خرابی آن دهن طاق هائی رامسدود نموده بود که عمقاً دردیوارها کنده شده بود. دروسط اطاق معبد « استوپه » بشکل ونمونه کلاسیك وجود داشت حصص مقابل طاق‌ها با اشکال گل های مارپیچی مزین شده بود که بشکل کمان های ساده روی پایه ها قرار داشت . روی دیوارهای طاق وته آن ومنطقهٔ بین پایه‌ها ومدخل انرا تصاویر دیواری مزین نموده بود ـ موسیو کرل پیش از همه شروع به برداشتن یکی ازتصاویری نموده که « میتریا » حامل بوتل کوچك را بابرگ های آبی « لوتوس » نشان میدهد اگرچه جنبهٔ نزاکت این اثرکمی محدود است اما ازنقطهٔ نظر تشابه که با صنعت بودائی قرن ٥ و ٦ هند بهم میرساند قابل ملاحظه است زیرا میتوان آنرا سرچشمه الهامات صنایع بودائی تبت خواند . در سایر تصاویر رنگه « فند قستان » واضحاً علایم نفوذ ایرانی نمودارست واین محل یکی ازپله‌های نرد بانی است که این نفوذ را بطرف اسیای مرکزی پیش میبرد . رب النوع مهتاب و افتاب جنبهٔ ماورای هندی صنعت فندقستان را ارائه میکند رب النوع مهتاب

(۱) موسیو ژاك مونیه بعد ازاختتام حفریات خود درشترك بگرام (آخر ژویه ۱۹۳۷) به فندقستان رفته و به موسیو کرل ملحق شد. راپورت مفصل حفریات فند قستان درجلد ۱۱ خاطر های هیئت اعزامی حفریات فرانسه درافغانستان شایع خواهد شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

که گرد صورت رنگ پریدهٔ خود هالهٔ زرد دارد تاجی پوشیده که ازاشکال سه ماه نوتشکیل شده که درنوك های هرکدام آن گل ها میباشد. درگوش هایش گوشواره های مدور بزرگی است که دران مروارید کار شده بجانش چین چپه‌گردن دار وبه پاهایش موزه‌های پوستی ـ (پلنگ‌ها) است .اسلحه‌اش عبارت‌ازیك‌سپرکوچك مدورویك شمشیرعریض دسته‌طویلی است‌که ازقبضهٔ آن گرفته است (۱) گرداگرد صورت خراب‌شدهٔ رب‌النوع آفتاب‌هالهٔ نورازقرص‌سرخی تشکیل شده لباس‌اوعبارت ازجوشن‌است‌که ازقطعات فلزی تشکیل‌گردیده وازکمربند پایان دنبالهٔ آن بشکل حلقه های مشبك نازك معلوم میشود هکذا حصه تحتانی لباسی که بصورت پیش دامنی مدوری (۲) تمام میشود ران های او راپوشانیده است درپاهایش موزه واسلحه اش بعلاوه چماق شمشیری است بادستهٔ دراز وغلاف مزین ودست چپ خود را روی آن گذاشته است .

این دو ارباب النوع درجدارا طراق راست (نسبت به رب النوع ته طاق) طاق K تصویر شده اند .

تزئینات داخلی طاق ها چنین وا نمود میکند که قرار پروگرام واحدی بعمل‌آمده باشند زیرا تصاویررنگه وآثار حجاری شده طوری پهلوی هم قرار گرفته که جدائی بین انهاحس نمیشود وعلت آن این است که میان این دوسبك تزئینات عواملی قرارداده اندکه باآهنگ

(۱) کتاب « البسه واسلحه ایرانی پالمیر ، شام تالیف موسیو سرویك » H. Servig صفحه ۲۸ لوحهٔ ۱۷ ملاحظه شود .

(۲) کتاب آثارعتیقهٔ کوتل خیرخانه تالیف موسیوژوزف ها کن و « ژان کرل » صفحه ۱۲ شکل O ملاحظه شود .

مخصوصی تصاویر رنگه وآثار برجسته راهمنواساخته است چنانچه اینجا وآنجا اگر روی دیوارها ارباب النوع فرعی نیم تنه و باسینه های برجسته نمایش یافته واز زمین هیکل های نیم تنه شاهان«ماران آبی » (ناگاها) سربلند کرده‌است (طاق D) طرف دیگراشکال حجاری شده به اندازهٔ برجستگی خفیفی‌داردکه ازتصاویررنگه روی دیوارها چندان فرق نمیشود ـ هیکل یك « بودیس اتوا » که مانند شهزاده بیقید وآزادنشسته به بعضی (بودیس‌اتواهای) مقام (تین ـ لونگ ـ شان) Tien-long-chan (چین) شباهت‌زیاد دارد ـ روی جداراطراق راست‌طاق C) زنی‌درازکشیده وپهلوی اوپردهٔ مثلث‌نما اززبانه وشعله های آتش معلوم میشود ـ این زن بلاشبهه ما در بچه ایست موسوم به « یوتیسکا » Jyotiska. که قرارافسانه های بودائی ، بودا اورا ازشعله‌های مذکور نجات‌داده‌است (۱) درتهٔ (طاق E) یك‌جوره اشخاص غیر روحانی معلوم میشود ـ یکی آن شهزاده ایست‌که صورت نشستن او بوضعیت شاه یاشهزاده شبیه است‌که روی‌یکی از زیورات عصر ساسانی‌ترسیم میباشد وپروفیسر« سار Sarre » آنراشایع‌کرده است (۲) شهزاده آرنج خودراروی یکمده‌زیر گوشی ها تکیه داده است ـ البته شهزادهٔ فند قستان لباسهای مروجه اسیای مرکزی وایران را بخاطر می آرد .

(۱) کتاب صنعت گریك و بودیك گند هارا جلد اول صفحه ۵۲۸ـ۵۲۵ شکل ۲۵۸) تالیف موسیو فوشه ملاحظه شود .

(۲) کتاب « صنعت قدیم ایرانی ها » لوحه۱۱۱تالیف پروفیسر « سار » ملاحظه شود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

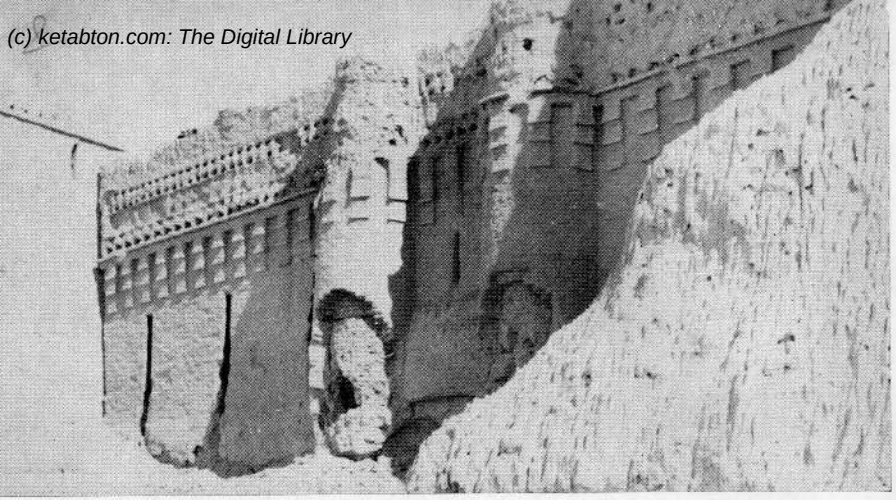

ازآثار تاریخی افغانستان : خرابه‌های سیستان درعلاقهٔ چخانسورك (عکس بالا خارج ارگ قدیم)

Les ruines de Seïstan à Tchakhansourak. (en haut l'extérieur de la citadelle).

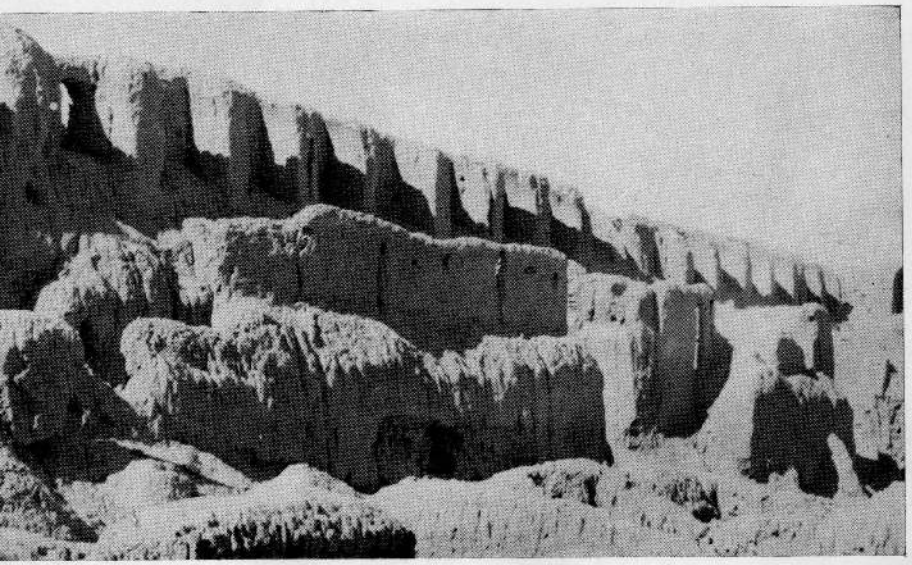

مشارالیه چین خیلی چپ چپه گردن داری پوشیده که با مدال های بزرگ مزین و حاشیهٔ مرکب از قطار مروا ریدی دارد که دران ها اشکال خیلی خیره (پرنده ها ؟) (صورت انسان ؟) معلوم میشود ـ موزه های او طویل و بطرف پنجهٔ نوك تیز شده رفته هیکل دیگر مجسمهٔ خانمی را نشان میدهد که خیلی خود را آرایش نموده و از نزاکت ها و انبساط سینه ها وسایر اعضای او معلوم میشود که زن هندی باشد ـ

در زیر جای مجسمه ها ظرفی پیدا شده که دران بعلاوه خاکستر مسکوکاتی هم گذاشته شده بود ـ یکی ازین مسکوکات مربوط به خسرودوم ساسانی (٦٢٧ ـ ٥٩٠ ـ م) ودیگرها مسکوکات مخلوط مس و نقره‌ئی ایست که به « نایکی ها » (قرن ٤ — ٥ م) نسبت میشود .

اهمیت این اکتشافات درین نظریه مضمر است که آثار مکشوفه فندقستان نمونه های اخیر صنعت بودائی است که بقرن (٦) بعد از مسیح نسبت میشود و در حالیکه نفوذ صنعتی ایرانی در آنها مشرف برسقوط است نفوذ هندی تفوقی نشان میدهد .

آثاریکه از اینجا بدست آمده چه از نقطهٔ نظر سبك وچه از پهلوی تخنیك (مجسمه ها از گلی قالب گرفته شده که دران کاه میده باموی وپشم وغیره مخلوط است) به تصاویر منقوش وآثار حجاری شده اسیای مرکزی ارتباط وقرابت دارد (هیئت گریون ولید) (فن کولك) (اولند نبورگ) (وتانی ـ پلیو ـ ستین) فندقستان یحتملاً حد جنوبی این سبك مخصوص صنعت بودائی را تشکیل خواهد داد .

(c) Kabul Museum: The Digital Library

تکه های عاج دارای اشکال گلها و حیوانات مکشوفهٔ از بگرام

Trouvailles de Bégram: ivoires portant des dessins des fleurs et des animaux (chambre 10 du chantier no. 2)

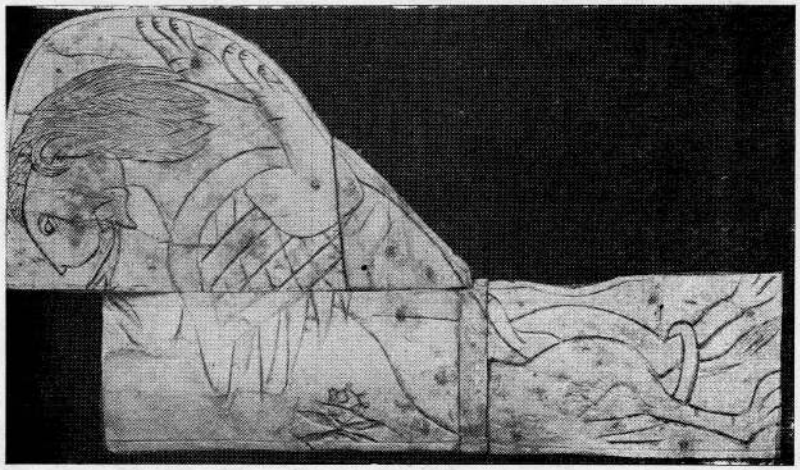

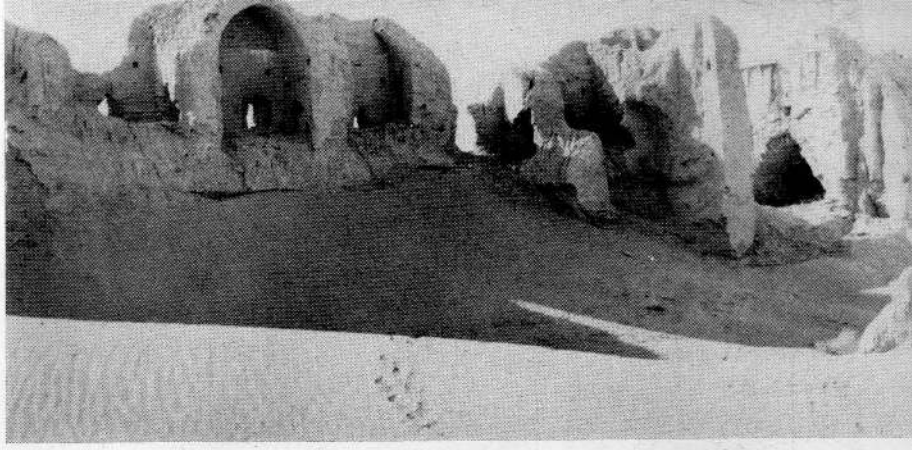

آثار تاریخی افغانستان : مدخل بالاحصارخرابه های سیستان (احاطهٔ دوم) بمقام سرو تار (چخانسور)

Les ruines de Seïstan : entrée de Bala-Hissar de la 2ê. enceinte à Sar-O-Tar

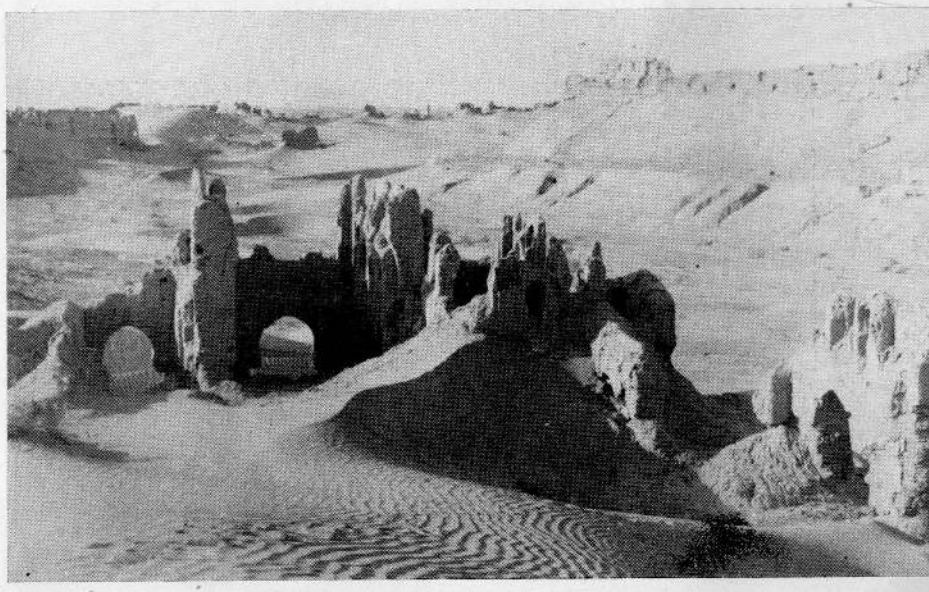

(c) ketabton.com: The Digital Library

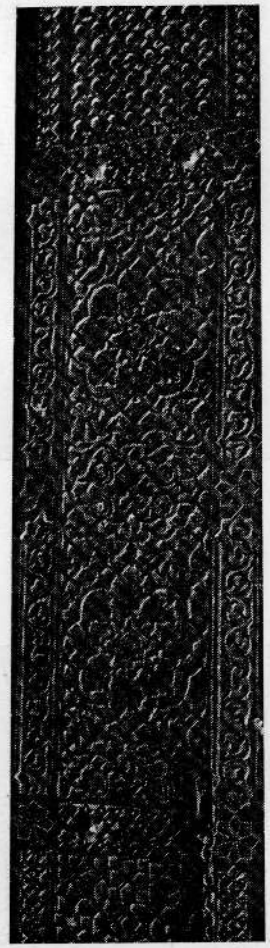

از آثار نفیس وتاریخی ولایت مزار شریف : حجاری‌های قدیمی مکشوفه از شبرغان (دورهٔ اسلامی)
Spécimens de l'ancienne sculpture d'Afghanistan (Ere islamique): dalle trouvée à Chibirghan (Prov. de Mazar-i-Chérif)

دپشتو پر ادبیاتو یوه کتنه

په قلم د جناب امین الله خان «زمریالی»
د پښتو ټولنې دادبیاتو دشعبې معاون

د نشریاتو شعبې زما څخه خواهش وکې چه د سږ کال دسالنامې له پاره د پښتو دادبیاتو دتاریخچې په عنوان څه ولیکم :

دا د نشریاتو د شعبې په دې خواهش زه ډیر خوشحاله سوم زکه زما سر اوئې او ماته په درنه ستر گه کتل وه مگر په عین د خوشحالتیا کې مې تعجب وکې او هیښ پیښ پاته سوم ولې ! داسې کارته و گمارل سوم چه نه یوازې ماته بلکه د نن روزې ټولو لیکو نکواو پوهاو نوته له خو را ډیر و سختو کار و شمیرل کیږي .

گمان کوم چه د پښتو د ادبیاتو د تاریخ لیکل په دې بې وسیله توب کې چه یوه پرزه وتایق اومدارك په منز کې نسته ـ داسې کاردې لکه چه سړې نوې اختراعات او اکتشافات کوې یا د بیستون کتیبې او دهیر و کلیف خط اولې .

او حال دادې چه علائم او قرائن چه په علم کې یوازنې بنا داستدلال او برهان ده موږته یقین را کوې چه پښتو د ډیرې پخوانې زمانې او په تیر و بیر یوکې ئې لوړ اوزلانده ادبیات در لود اوس چه یا د هغو اثر نسته او که سته زموږ عرفانې او علمې سویه دا قابلیت نه لرې چه له هغو څخه استفاده وکو ـ

(c) ketabton.com: The Digital Library

نو گمان کیږی چه پښتو د ادبیاتو تاریخ نه لری او یا تاریخ ئی اوس نوی او د کمیت له کبله بابیزاو خوشی شی د ی .

سره د دی ټولو زیږو می پـه قرار د د ی حکم سره (الامر فوق الادب) جرئت و کی چه دا خولاندنی کرښی پښتنو ورو نوته و لیکم او گمان کوم چه د ژبی د علم په ټینگو او محکمو دلیلو سره چه په دی مقاله کی ماته لار شو و نکی د ی د پښتو د ادبیـاتو ا و لغت د پخو انیتوپ په باب کی خه شك پاته نسی- او که خه نقصان او کمی ولری پوره کول اوسرته رسول ئی و را تلونکی نسل ته پر یږدم زکه ما په دی اوسنی حال کی فقط یو اساس کښیښود اوزه دیوه یا دوونکی حیثیت لرم نه د محقق .

امین الله « زمریالی »

پښتو دافغانستان ملی اواصلی ژبه ده او ددی ژبی و ویو نکوته پښتون یاپـه صورت د جمعی پښتانه وائی چه نژاداً آریـائی اواصلی اوسید ونکی دافغانستان دی (۱) .

ز نو پخوانیو مؤر خینو اومستشرقینو یاداچه نیوهیدل دخپلی ناپو هی په سبب یاد سیاست له کبله ئی پښتنو اوپښتو تـه ډیرهغه اود غه و یلی اوناپوهه و گړی ئی په شبه اوحیرانی کی اچولی دی مگرله یوی زمانی خخه داخبره په ټینگه منلی سوی ده چه پښتو د آریائی دژبو خخه یوه

(۱) دامو پخواویلی دی چه پښتون په خته آریائی او ددی وطن اصلی اوسید ونکی اوخلور زره کاله پخواه دده نوم اخستلی سوی د ی او پښتو دآریائی دژبو خخه یـوه مستقله او ځانته ژ بـه د ه ، د ۱۳۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ په سالنامو کی دی زما او دجناب یعقوب حسن خان مقالی وکتلی سی .

زبه د ، امایوازی جگړه په دی کی ده چه پښتود « ایرانی آریـه » ټوك ده او که د « هندی آریه » سانگه ده او که ځانته لکه هندی آریه یا ایرانی آریه دخپل واك خاونده ده ددی له پاره چه داخبره شبه جوته سی اویوه سمه لار چه رښتیا اوحقیقت ته نیژدی وی زنی موندنه کو دزنو مستشرقینو اوپوهانو خیالات په دی باب کی لیکو :

دځنو مستشرقینو نظریات :

« سرولیم جونز » وائی چـه پښتو چالدی (Chaldaie) یعنی کلدائی (۱) یا خالدیه ژبی ته ورته ده اماپروفیسر کلپرته(Klapreth) د ده خبره ماته وی او وائی چه پښتو سماتیقی (سامی) ژبوته نه په ترکیب اونه په صرفی او نحوی قواعدواونه په الفاظو کی ورته ده بلکه پښتو دهند وژرمن د ژبو خخه یوه ژبه ده .

پروفیسر « ډورن » دسن پترز بورگ(St. Petersbourg) اوسیدونکی وائی چه دپښتو ژبه په هیس ډول دعبرانی سره یورنگ والی نه لری او پښتانه د تیوتن دتکم سره خه اړه لری ا و د و ی دافغانستان اصلی اوسید ونکی دی .

مسترا د یلنگ (M. Adelung) په خپل کتاب کی میتریدیتس (Mithridates) ج(۱) ص۲۲۵ وائی چه پښتو ځانته اواصلی ژبه ده .

مسترالفن ستون(Elphinstone) په خپل کتاب کی(Kabul ج اص) ۳۰۲ وائی چه د پښتو دژبی اصلیت پـه آسانه نه خرگند یژی زکه یوه لوبرخه الفاظ اوډیر افعال اوحروف ئی په نامعلومو مصادرو اړه لری اوپه دی برخه کی هغه الفاظ سته چه داصلی ژبی داجزاؤ خخه

(۲) کلدائی د سامی ژبی یوه شعبه ده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترکیب اویوځای سوی دی (۱) اوزنی الفاظ ئی‌دژند او پهلوی وژبو ته ورته دی لکه مور (مادر)پلار (پدر) خور (خواهر) ورور(برادر) .

پروفیسر « مولر » په خپل اثر (راجع د پښتنو وژبی ته (über des sprache der Afghanen) کی دانظریه خرگنده کړی ده چه پښتو په ژند اوه لری(۱۸۶۲ ع) .

داکتر ترومپ (المانی) په خپل پښتو گرامر کی (۱۸۷۳ع) په علمی دلیلو سره وائی چه دپښتو ژبه هیسکله نه په ایرانی اوه لری اونه دهند وآریائی دکورنی‌ټوك ده بلکه ځانته یوه مستقله اوپخوانی ژبه ده چه دهند وآریائی اوایرانین په منز کی دنقل او انتقال ذریعه گرزیدلی ده اوله دی‌لامله دواړو ژبونبانی په کی سته او دپراکرت (دسانسگرت دژبی سانگی) یعنی دهندی دکورنی نبانی نسبت وایرانین ته په کی ډیری دی ـ داد داکتر ترومپ علمی نظریه پروفیسر « فون سپیگل » هم په خپل اثر کی (مدنیت ایران (Erânische alterthumskunde) منلی‌ده اودداکتر « هارنل » دخواهم په گرامرکی ئی (گودین لینگوج (Gaudian languages) دانظریه منلی سوی ده

مسیو درمستترهم لمری واره خپل یوه‌اثرکی۱۸۸۷ ع (فیلولوژی دهیئت راپورت په هندوستان کی . (Rapport sur une mission philologique dans l'Indoustan)

داخبره منلی وه اما وروسته له دروکلوخخه په خپل بل اثر کی

(۱) زماهم دانظریه ده اودلمړی کال په سالنامه کی‌می داخپله نظریه خرگنده کړی ده .

(راجع دافغان‌وملی نشیدوته . (Chants populaires des afghans له دی فکرخخه وگرزیدی او په نوی کتاب کی یی دانظریه خرگنده کړه چه پښتوله ژند خخه یاله یوی محلی ژبی خخه چه ژند ته نژدی یا متحد وی مشتق سوی ده او پښتو دژند سره داسی نژدیکت لری لکه چه نوی فارسی دزړی فارسی سره (هغه فارسی چه دهخا منشیانو په وخت کی په میخی خط سره په کتیبوکی‌لیکلی سوی ده) کهخه هم دپښتو ژبه په خپل ذات کی دایرانین دکورنی ده مگر دهند دشمال مغرب خخه راوتلی ده .

دپورته بیان خخه دمستشرقینو او پوهانو په نظریاتو تریوځایه پوه سو مگرداخرگنده نه سوه چه حق دچا پخوادی اوموږ داژبه دهند وآریائی دکورنی وبولواوکه دایرانین دکورنی ئی وگینو یا ځانته بیله ژبه ده چه دی دواړوسره دوروری یادا کانسبت لری نه دزوی اولمسی .

په دی مسئله کی موږ ته دوی خبری ډاډگیرنه راکوی اول داچه اصلی ځای اووطن داریائی دکهول په صحیح صورت مونده کو او داجوته کو چه دهند وایران تکم دافغانستان خخه هند وایران ته تللی دی ؟ او که پښتانه دهند وایران خخه راغلی دی ؟ .

او دویمه دامسئله موږ ته لارښئی چه ددی دروملتوچه بنسټ ئی سره یو دی ژبی سره وگورو او که موږ وسی هغی ژبی ته یی ورسوو چه هوی ټول په گړیده .

لمړی مسئله خو تراوسه په صحیح ډول سره جوته سوی نه ده اونه خوك پردی‌خرگند دلیل‌لری چه دارین لمړی ټاټوبی چیری و

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرچا په خپل چرت سره یو ځای ورته تا کلی دی موږ هم په خپل وارخه پرلیکلی دی او په خپل خیال لمړی تا توبی د آرین ، باختر بولو چه د افغانستان د قطب ډډی ته دی او دا خبره په کلکه عقیده سره منوچه د هند او ایران ارین له دی ځای څخه تللی دی پښتانه هیسکنه د هند و ایران یا د بل ځای څخه نه دی راغلی او په دی وطن کی چه اوس میشت دی پخواهم میشت و ه او داخپله عقیده مو په وارو وارو د کابل په سالنامو او مجلو کی لیکلی ده بیائی د لته لیکل تحصیل د حاصل دی (د کابل سالنامی اومجلی دی وکتلی سی) .

نو په دی ډول چه اصلی ځای د آ ر ین د تکم د غه مز که او لبنتگ (مهاجرت) هم له دی ځایه و هند و ایران ته سوی وی او د ډیری پخوازمانی څخه د پښتو او پښتانه نوم اخستلی سوی و ی څه رنگه کیږی چه داژبه د سنسکرت یا د زند او فارسی څخه زیږیدلی وی بلکه په زغرده و یلای سوچه پښتوودی ژ بوته د مشر ورور یا د تره پر ځای ده .

څه رنگه موچه پورته و ویل دویم د ژ بی مسئله ده چه موږ ته لاررابښی - او تر لمړی خبری چه د آرین اصلی تا توبی دی د ژ بی مسئله موږ یوه رښتنی او څرگند حقیقت ته نیږدی کوی - نو دادی تر هغه ځایه چه موږ پوهیږ و او معلومات لرو په لاندی ډول سره زنی لغات او الفاظ د دی ژ بو سره گورو .

وړاندی تردی چه لغات سره وگو ر و او اشتقاق او ریښه ئی مونده کو بایده دی چه د ژ بی د پیدایسنت پرفلسفه باندی چه علماؤ او پوهانو ویلی ده ، او څه رنگه د ژبو ریشه سره کتله کیږی او ژ به څنگه تحول کوی او څه عوارض ور پیښیږی څه خبرنه او بحث وکو .

د ژ بو د فلسفی د تحقیقاتوقواعد یوپخوانی اصول دی چه د یونان د فلا سفه ؤ څخه پاته دی او له د ی فن څخه دراز زاز ژ بو اصول او هغه اړ والی او علا قه چه د دو ی په منز کی سته څر گندیږی په ایشیا کی خوتراوسه ددی علم دونه رواج نسته او ارو پائیانو هم ددی علم اخیستنه د یونان څخه کړی ده او یو قرن کیږی چه دا علم یی د فلو لوجی (فلسفه د ژبو) په نامه کمال ته رسولی دی موږ هم د دی علم په اساس سره باید ، اول د خبر و او الفاظو لمړی تاپی او فلسفه مونده کو ، نو دادی چه د مطلب خیړنه کو و .

کوچنی هلك چه لمړی سرله مورڅخه زیږی تر خو میاشتو پوری بیله ژړا نور هیس نه کوی وروسته له خو میاشتو هر شی چه و ینی یائی غواړی لاس وراچوی او اشارت ورته کوی یا یوازی یوژغ تر خوله باسی او تر ټو لوشیانوچه مور او پلار ده ته نژدی او گران دی ، دی هڅه کوی چه مور او پلارته ژغ کی او نوم ئی واخلی مگر غړی د ده په اختیار کی نه وی تر خو چه په حروفوکی دی تو پیروکی په دی وخت کی یوازی شونډان دی چه د هر شی څخه وړاندی حرکت په کی پیدا کیږی نو محض د شونډانو په ښو ر ولو سره دی م ، م یاب ، ب وائی .

څنگه چه انسانان په ترکیب او غړو کی یوشی د ی نو معلم د قدرت هم په یوه څیراما په لږ څه تغیر سره دوی ته زده کړه کوی او ټول بنیادمان په لمړی سر کی چه پر خبرو رازی یو ډول ا لفاظ په ډیرلږ بدلیدو سره تر خوله باسی او همد غه سبب دی چه د مور او پلار نوم چه کوچنی ئی تر هرشی وړاندی زده کوی تقریبا په ټولو ژ بو کی یورنگ اوله هغو آوازو څخه یو ځای سوی دی چه یوازی

(c) ketabton.com: The Digital Library

د شونډانو په ښو رولو یاد خولی په پرانیستلو سره ویل کیږی یاژغ ئی راوزی مثلا : ـ

په پښتو کی پلارته بابا ، با بکه وائی
« عربی « « « ا ب ، ا با «
«انگلیسی « « پا پا «

انسانی طبیعت او یورنگ والی ئی خنگه مو چه پورته وویل گردو کوچینیا نوته یو ډول تعلیم ورکوی لکه چه کوچنی لمړی پلا د اشارت د پاره گوته پورته کوی بیاد گونگسی په خیر آواز را باسی تر څو چه دغه گونگسی دنژدی له پاره دغه اودلری له پاره هغه وتا کل سی او اشاره و گرزی .

کوچنی چه په گړیدو راسی نولمړی د شیانو نومونه زده کوی هر شی چه عواړی د هغه نوم اخلی مثلا که وژی سی ججی وائی او که میوه و غواړی ککه وائی هر کله چه دویلو قوت په ده کی ډیر سی افعال داسماء سره یو ځای کی ، اما په ماته ژبه ئی وائی تر څو چه حروف داسماء اوافعال سره یو ځای کی او پر خبر وراسی .

یو وخت زه د قندهار څخه د هندوستان پرلار کابل ته راتلم په اردو نپوهیدم فقط د څو ضروری شیانو نو مونه چه زما زده وه ما خپل کار په کاوه مثلا که به ډوډی ته اړ سوم د ډوډی و ا لا دکان ته به ورغلم پیسی به می ورکړی او در و تی نوم به می ورته واخیست او که به می او به وغوښتی پانی به می وویل او که به زما داسی شی په کار سو چه نوم به ئی ز مانه و ز ده نو په گوته به می هغه شی ته اشارت وکی او په دی چل می خپل کار کاوه او نور اروپائیان یامسافر هم په کابل کی د پرلیدل کیږی چه په ژبه نه پوهیږی

یوازی دهغه شی نوم ا خلی یا هغه شی چه د ی ئی غو اړی په گو ته اشارت ورته کوی او د کم یوه چه څه خبری زده وی نو په ناقصو جملو سره خپل مطلب څر گندوی مثلا (نان برای ما لازم) نو ددی څخه دا جوته سوه چه لمړی نوم (اسم) په درد خوری او سړی ئی زده کوی بیافعل اوبیا حرف زده کوی اوبیا په اروید واو ویلو سره ژ به روسی او سړی نیم گړی نیم گړی جملی سره یو ځای کوی که څه هم اشارت په اعتبار د پیدابښت لمړی دی مگر کلام د کار په اجرا کی ډ یراهمیت لری .

د الفاظو څر گند یده یا پیدابښت :

لفظ دژ بی تصویر یا د یوه شی نښان یا یو فعل دی .

که چیری یو لوی تکم چه دیوه پلار اولاده وی سره بیل سی او په گوښی گوښی ملکو کی سره خپاره سی دوی و نوی معا شرتی او مدنی شیا نوته اړسی په اثر د احتیاج یا اتفاقی نوی شیان موندہ کی دا شیان که څه هم په دی ځایو کی له یوه جنسه وی بیاهم په بیلو بیلو نومو یاد یژی ورو سته له یوه وخته چه دا نومونه سره ټول سی هر شی د څونو مو خاوند وی .

یا په بل عبارت سره دنیا تل دترقی او لوړتیا پرلاری زی ، مدنیت پراخیږی علم او فنون نوی شیان څرگند وی را کړه او ورکړه دیوه ځای شیان و بل ځای ته وړی نوله دی لامله نوی الفاظ په هر ځای کی زیږی او دیوه ملك څخه و بل وطن ته زی زکه چه ټول شیان او کارونه نوی وی مگر په کلوکی الفاظ لږ او په ښهر وکی ډیر وی دادیر والی دالفاظو په ښهر وکی دا ډو الی له کبله کلی وال دښهر والو و شا گردی ته امته داره کوی او دی ته اتفاق دخاص

(c) ketabton.com: The Digital Library

او عام وائی چه لهدی خخه الفاظ او اصطلاحات پیدا کیږی.

ددی پورته بیان خخه دانتیجه راووته چه لمړی اشارت و بیا آواز او روسته له هغه نه په اثر د اتفاق او یو دبل دپوهولوله پاره الفاظ و ټاکل سوه .

تبصره :

هر کله چه وګړی ډیر او ودانی مخ پر زیا توب سی استعمال او ویل د هغو الفاظو لازم کیږی چه عام وخاص په پوهیږی او نسبت و نورو لفظوته د وګړو ډیر په کار وی یا په بل عبارت هغه لفظ صحیح او فصیح ګڼل کیږی چه په محاوره کی رواج وی او که صحیح لفظ وی او په محاوره کی رواج نه وی او ټول وګړی د هغه ملت نه په پوهیږی صحیح نه بلل کیږی.

تصرف او ایجاد په ژبه کی روا نه دی او څوك اختیار نه لری چه یو لفظ د ځان خخه جوړ کړی یائی راو باسی مثلاً مړی ووائی او دسړی معنی زنی و غواړی ، که فرض کوچه د ویونکی خپلوان دده په مطلب پوه سی اما عام خلق چیری په پوهیږی . یو سړی کولای سی چه خو الفاظه جوړ کی اما دژوند دپاره ئی دټولو و ګړومنل شرط دی.

پوهان وائی لغت هغه دی چه ټولو و ګړو هغه منلی وی او اصطلاح هغه ده چه یوی مخصوصی ټولنی اتفاق پر کړی وی .

دژبی دولیو (زینبو) پلټل:

د ژبی دولیو پلټل خوپه متخصص (فنو لوګ (Philologue) دژو اړه لری او متخصص هغه دی چه دژبی په مرکبو جملو کی

هرلفظ پلټی اوتحقیق په کی کوی چه اصل ئی څه واو دڅواو کمو کمو ما دو خخه جوړ سوی او اصل ئی کم ځای ته رسیږی او په معنی کی ئی فکر کوی او اصل و نسب ئی مو نده کوی لفظ هم نسل او ولادت لری خرګندول ئی داسی کیږی چه متخصص اجزا د لفظ سره پرا نزی او وئی ګوری چه اصل ئی څنګه ملك په ملك او قوم په قوم ګرزیدلی چه وده ته رسیدلی دی او رینبی ئی کمی دی او څه راز پیدا سوی دی او په حرف او معنی کی ئی له دی ګرزیدو اوسفر خخه څه تغیرموندلی دی - بیا پر خپلو خبروله حیث دزنی ژبو فکر کوی او نتیجه ئی سنجوی او یوتر بل ئی سره ګوری چه دیوی ژبی لفظ دبلی ژبی سره په کمو ځایوکی یورنګ والی او په کمو ځایوکی مخالفت لری او هم کم الفاظ یوی ژبی ته مخصوص دی چه په نور وکی نسته بیائی د تغیر او تبدیل دعمل اسباب او علل پلټی او دخپل تحقیق پای یو ځای ته رسوی .

داهم دویلو خبر ده چه دبدلید وعمل کله مخ پر اوړ او کله مخ پر زوړوی اما تګ او بهیدل (جریان) یی تل وی او دغه دبدلیدووعمل ته اصل و نصب دژبی وائی له پاره ددی چه مطلب ښه وپوهیدل سی لاندنی مثال را وړم :

ګریوان : متخصص په دی لفظ کی ګوری چه له ګریو، اوبان خخه مرکب دی وان په سانسکرت کی په معنیٰ دساتندی او لرونکی ، او ګریو په معلمی دستونی یاغاړی دی اوپه زړه پاړسوکی (فارسی) ګری په معنی دستونی یا غاړی او بان په معنی دساتندوی اولرونکی دی او (و) او (ب) په فارسی کی تل سره بدلیږی لکه (او ، آب) (باغبان

(c) ketabton.com: The Digital Library

باغوان) په پښتو کی گروی دغاړی لاندی اړوکوته وائی چه په فارسی کی ئی (توقك) بولی او وان لکه پارسو او سانسکرت دلرونکی او ساتندوی په معنی استعمالیږی نوهغه برخه دخت چه دغاړی ساتندویه ده گریوان یاگریبان نومیږی اوپه نتیجه کی داجو تیږی چه گریوان اوگریبان دیوی کورنی دی اودزمانی داوژدوالی په واسطه او اختلاف د محیط اوازبدل سوی دی .

ناهارا ونهار : دا مرکب دی له نایانه خخه چه حرف د نفی دی او هار په پارسو اوسانسکرت کی په معنی دخورك را غلی دی او په پښتوکی هم دخورك معنی زنی اخیستله کیږی خوك چه سهار تر یوه وخته خه ونخوری نووائی ماسبا ناری یاسبانهاری نه دی کړی یاوائی نهاریاناهاریم اوپه پارسوکی وائی (نهار حاضر است) .

تبصره : —

که خه هم الفاظ په ظاهر سره زغ یایوه هواده چه ترخوله وزی اما که ښه زیر سو زانته یوشی دی مثلاً که ووایو چه قلم او مشوانی یادوی اواوبه را وړه که یو کوچنی هلك هم موز ته ناست وی هغه شی راوړی حال داچه موزئی محض نوم واخیست نه داچه دهغه شی خهره موایستلی وی .

دالفاظو بدلیدل :—

الفاظ یرا زی دشیانو نوم دی او هغه شی ښئی چه په هغه لفظ سره یادیږی مگر لکه نورشیان لوړ اوزوړ اوسفر لری اوپه سفرکی ئی د ول اوطبیعت بدلیږی اوپه پای کی مرگ هم لری .

یابل عبارت اسما په حقیقت سره نوم د شیانودی ، که کله شی بدل نسی اونوم ئی وگرزی هغه علاقه چه دلفظ اومعنی په منز کی ده سره وشلیږی مگر بدرنگ والی نه زنی خرگندیږی مثلاً :—

شمع : عربو موم ته شمع ویل کله چه د موم خخه ئی دلگو لو شمع جوړه کړه پر هغه ئی هم دشمع نوم کښیښود — په پارسواوپښتو کی ټولواقساموته دشمعی بیله خه توپیره دهرشی خخه چه جوړه سوی وی شمع وائی .

کله یو لفظ اشتقاق کی لکه اوزلړونی او کله یونوی شی دخپل نامه سره راسی لکه (تلگراف) او (تیلفون) نو هر کله چه علم تل په ترقی اواصلاح قبلوونکی دی زنی زاړه الفاظ پریښو دسی اوزنی نوی خرگند اومستعمل سی .

خه رنگه چه په بشرکی ډیر قومونه اوطائفی سته اومخ پرلو ړزی اووده کوی او بیامخ پرزوړسی اودنیستی لارونسی همدارنگه په ژ به کی هم قومونه اوټبرونه سته او خنگه چه عالم گرزی الفاظ هم له یوه زای خخه وبل زای ته سفرکوی حرکات او حروف او معنی ئی تغیر مونده کوی وضعیت ئی بدلیږی وده کوی اومخ پرلوړزی او بیا مخ پرزوړسی په پای کی مړه سی .

د الفاظو مرگ او ژوند ، لور والی او زوړ والی ، تگ اورا تگ تل جاری وی هیس کله نه د ریږی او هیسوك ئی هم لکه د سیل اوپه نه سی دردولای — که زاړه لار اوکتا بو نه و کتل سی په سوو پریښود سوی لغات به په کښ لیدل کیږی چه اوس نسته یو ازی ئی دقاموسو خخه موندلی سو بلکه ډیرئی په قاموسوکی هم نسته .

ډیر الفاظ داسی هم سته چه په یوه مخصوصه معنی مستعمل اوویل

(c) ketabton.com: The Digital Library

کیدل، دزمانی دگرزید و(تغیر) په اثریا دنوی فکر و په علت سره ئی خپل وضعیت بدل کړی اوپه نوی معنی مستعمل سوی دی لکه په عربی کی :ـ

تهذیب : په لغت کی په معنی دپاك والی او اصلاح کولو راغلی دی اواوس داخلاق او مدنیت په مجموعی هیئت سره اطلاق کیږی یامدنی چه په لغت کی په معنی دشهری دی او اوس مدنی هغه چاته وائی چه په ټولو نوو وضعیتو دار وپاپوه وی.

دژبی ژوند اومرگ :ـ

ژبه هغه وخت ژوندی او په زوانی کی وی چه په هرعلم وفن کی بی شمیره مؤلفات ولری او الفاظ او محاورات ئی هر ډول مطلب ادا کولای سی که الفاظ ئی اصلی وی یا دخپل باك نه لری.

استقلال اوتل او سیدل دژبی پرخلوروشیانواړه لری (۱) د قوم خپلواکی (۲) دقوم سلطنت (۳) مذهبی شعائر (٤) مدنیت اومعارف.

هرکله چه دا خلورساتونکی غښتلی او پخپل قوت ولاړوی ژبه هم قوت پیدا کوی او که دا خلور دپښو لویدلی اوضعیف وی ژبه هم ناتوانه سی او دپښو ولویژی او په پای کی مړه سی ـ دژبی مرگ هغه دی چه دهغی ژبی ویونکی، ویل اولیکل په کښ پریژدی او تالیف په هغه ژبه کی له رواج څخه ولویژی او اکثر دامرگ دملتو دانقلاب په ترس کی ژبی ته پیښ سی.

دپښتو او فارسی اوسانسکرت په منز کی رابطه اوخپلوی :

په دی درو ژبوکی زړه او پخوانی خپلوی اورابطه سته الفاظ

ددی ژبو دوی په ولی (زرینه) دلیل دی دژبی دعلم پوهانو وروسته له پلټلو او تحقیق څخه دټول عالم ژبی پرخوبرخو ویشلی دی او هری برخی ته ئی خوشعبی تاکلی دی او دهری شعبی الفاظ تر خپلی برخی لاندی رازی او یوله بله بیلوی ـ نوله دی لامله د الفاظو په تحقیق کی اسانتیا کیږی اودیوه لفظ په پلټلوکی هغی برخی اوشعبی ته سړی رجوع کولای سی اوهغه برخی دادی :

هند وارو پائی یاار یائی .

هندوستان ، افغانستان ، ایران ، ارمینیا ، ټوله یورپ بیله ژیړ پوستو څخه او ارو پائی ژبی چه امریکه ، جنوبی افریقه ، استریلیا او ینوز پلټه ته تللی دی .

سامی :

عربی ، عبرانی، سریانی ، کلدانی ، اشوری ، آرامی ، فنیقی ابی سینائی .

حامی :

بربری او قدیم قبطی یعنی شمالی افریقه .

یورال الطائی :

جاپان ، کوریا ، مغل وتاتار ، ترك ، هنگری ، یورال اوشمالی برخه دبحیرهٔ اسود ، فنلینډ او لیپ لینډ .

دمشرقی جنوبی آسیا (آسیای جنوب مشرقی) :

چین ، برما ، تبت ، سیام اونور .

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمونهٔ خط نستعلیق یکی ازخطاطان قرن سیزدهم هجری افغانستان میرزا محمدیعقوب خان کابل
Spécimen d'écriture d'un des calligraphes du 19è. siécle d'Afghanistan

د جنوبی او شمالی امریکی د بومیانو ژبی :

د افریقی د حبشیانو ژبی :

د استریلیا د حبشیانو ژبی :

د علم‌الالسنه پوهانو ، هند و اروپائی ژبه پر پولسوشعبو ویشلی ده (۱) اوموږ حاجت نه لرو چه د ټولو بیان وکو زکه ز موږ مطلب پوازی په سنسکرت اوزند او پښتوکی دی چه د باختری ژبی ریښی او بالتسلسل و اریائی ژبی ته رسیږی .

د زند او سنسکرت ژبه :

سنسکرت Sanscris : د سنسکرت ژبه . هغه ژبه ده چه د هندوانو مذهبی کتابونه پرلیکلی سوی دی او هغه دادی : رگگ وید سام وید ، یجر وید ، اتهر وید .

زند Zend د زند ژبه هغه ژبه ده چه د زردشت کتاب (اوستا Avesta) پرلیکلی سوی دی دی ژبه ته باکتریانی (Bactriane) هم وائی زکه د دی ژبی ځای د افغانستان بلخ و ، د زند نوم د اروپائیانوله خوا پر اینبود سوی دی .

مطلب :

د ژبو د کیفیت او نوموڅه بیان وسو او هم مود ژبی حالات او

(۱) که څوک ئی تفصیل غواړی د «۱۳۱۳» په سالنامه کی دی د جناب یعقوب حسن خان مقاله « ز بانها درافغانستان » وگوری .

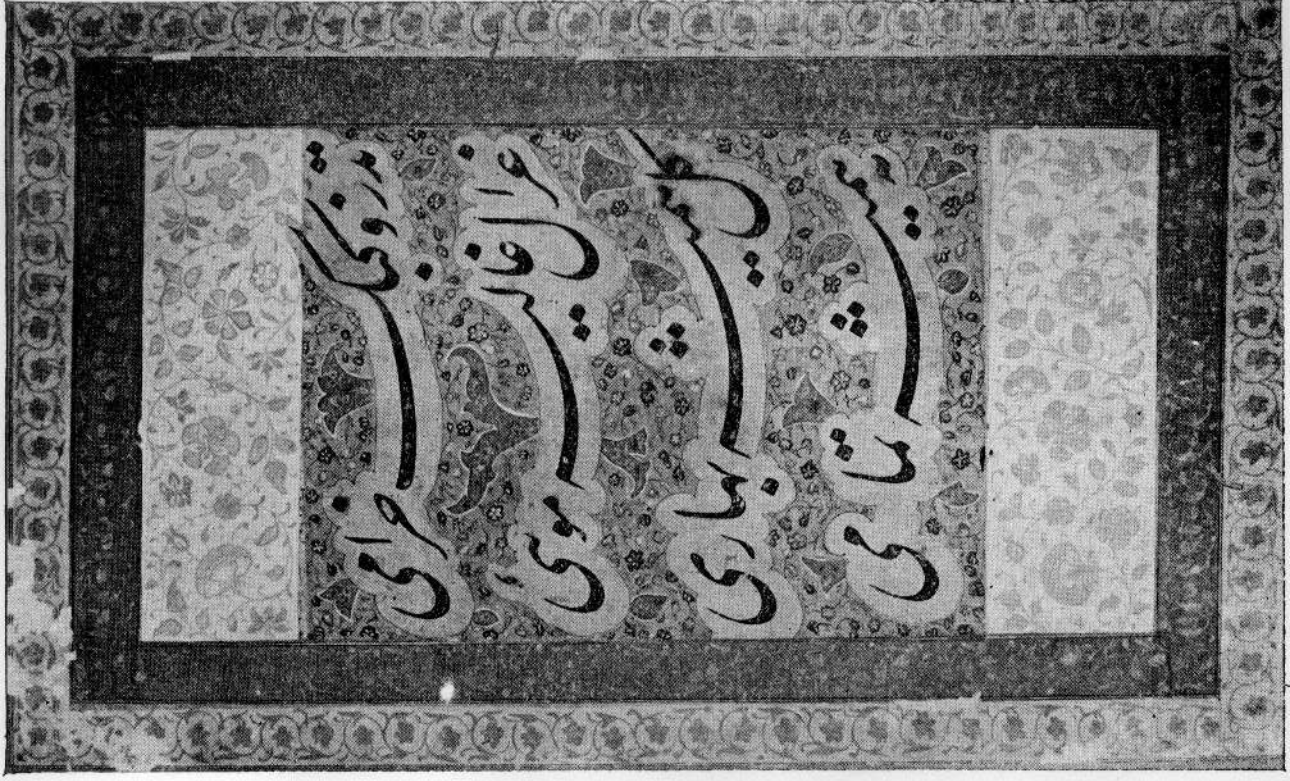

نمونهٔ خط نستعلیق یکی از خطاطان قرن سیزدهم هجری افغانستان میرعلی هروی
Spécimen d'écriture d'un des calligraphes du 19è.s. d'Afghanistan

نمونهٔ خط نستعلیق یکی از خطاطان قدیم افغانستان
Spécimen d'écriture d'un des anciens calligraphes d'Afghanistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

پیدایښت او څه رنګ والی تریو ځایه پوری ولیکل سواوس نوغواړو چه د پښتو او سنسکرت او ز ند الفاظ سره و ګو ډو او خپل مطلب موچه پښتو آ یا ځا نته ژ به ده او که د هند ی او ایرانی ار یا توک ده زنی و باسو .

پخواه موو ویل چه کله دیوه ملك شیان د خپل نامه سره زی او کله پرلاری یاپه بل ملك کی نوی نومونه مونده کی که نوی شیان په هر ځای کی بیل بیل نومونه لری مگرلازمی اوضروری شیان چه انسان له لمړیه سره ورته اړو ، اوهرقوم او تکم په وخت دپیلیدو دځان سره وړی که په یوه ډول وی یا اړ څه تغیر ولری دلیل پر دی دی چه د هغو قومو په منز کی اتحاد د قومی اوخپلوی سته اوکه و پلتل سی ښائی چه نورهم داسی الفاظ مونده سی چه ددوی پراتحاد دلیل و ګرزی د هغو ضروری شیانو څخه لمړی د کورنی اوخپلو انو نو مونه دی چه هیس بنیادم به زنی خلاص نه وی اوبیا اعضا دبدن اوجوی اوعددی اود خوراك اونورشیان دی اوموژ لا ندی ددی در وژ بو (پښتو ، سنسکرت ، زند) الفاظ ترهغه اندازی چه موژ ته خر ګند سو ی دی یامعلومات په کښ لرولیکو : (۱)

پښتو : ایشنا ، ایشنه . سنسکرت : اش یا اوش بمعنی بسیار گرم

« : اوبه « : آپ فارسی آ ب

« : اته (۸) « : اښټ اوستا اشتا

« : اتم « : اښتم فارسی هشتم

« : اتیا « : اشیتی اوستا اشتا ایتی فارسی هشتاد

(۱) دژبو دابدال اصول جناب یعقوب حس خان پو ره لیکلی دی دتکرار په سبب می دلته نظر زنی وا ړاوه .

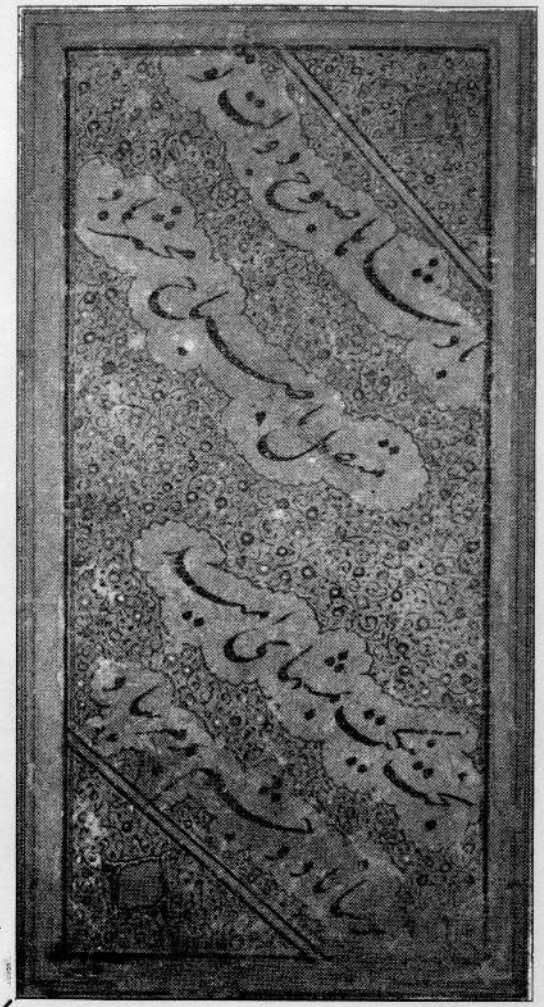

نمونهٔ خط نستعلیق یکی از خطاطان قدیم افغانستان

Spécimen d'écriture d'un des anciens calligraphes d'Afghanistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

پښتو : اوپا سنسکرت : سپتتی اوستاهپتا ایتی ـ نوی فارسی هفتاد
« : آس‌مفرد ، اسوه جمع ، مونث اسپه‌سنسکرت : اشوه اوستا اسپه
نوی فارسی اسپ
« : اوښتل مصدر، حال‌دد ریم سړی اوړی سنسکرت : ورت ، نوی
فارسی گشتن ، گردیدن
پښتو : اوښ سنسکرت : اښتر (ت پښتو) ـ نوی‌فارسی‌اشتر
« : به ، داسم په پای‌کی دنسبت علامه ، جمع بانه مثلاً غوبانه ،
اوښبه جمع اوښبانه (اشتربان ، ساربان) په نوی‌فارسی‌کی وان ، بان
پښتو : څه ، څله . نوی فارسی چه ، چرا (څ په فارسی کی‌په چ
بدلیژی)
پښتو : څلور . سنسکرت چتوار . اوستا چدوار ـ نوی فارسی چهار
« : څلورم « چترتهـ . نوی فارسی چهارم
« : څلوېښت « چتوار نشت . اوستا چدوارستا ـ نوی فارسی چهل
« : څرمن « چرمن . اوستا چرمن . نوی فارسی چرم
« : څیری ، څیره مصدرخیریدل ، خیرول . سنسکرت چیرا یاچیره
نوی فارسی چیر
« : څیر (وصف) شبیه ، برابر ، موافق ، مساوی . سنسکرت
چتر ازچترنم (شبیه شدن) اوستا چیدره زره فارسی چیدا ـ نوی
فارسی چهر
پښتو : څو . اوستاچواز ، چوت ، چوانتو ـ نوی‌فارسی‌چند
« : څرب (وصف) قوی ، سمین . نوی فارسی‌چرب
« : دیرش (سی) سنسکرت ترنشت ـ اوستا دریسته

پښتو : درست (صفت مذکر)درسته (مؤنث) همه : کل ، تمام .
نوی فارسی درست اوستا درووستی
« : دری . سنسکرت تری اوستا درایو ـ نوی فارسی سه
« : درومیدل ، درومل‌مصدرواحد غائب‌درومی . اوستادراومان
پښتو: دوه (مذکر) دوی (مؤنث) . سنسکرت دوا ـ نوی‌فارسی‌دو
پښتو : ګېښه . نوی فارسی انگبین مگر په سنسکرت کی مدهو
راغلی‌دی معلومیژی چه ګېښه په اریائی‌کی دویمه کله دشهدوله پاره‌وی
زکه دانگریزی سره چه (هنی ـ Honey) ورته وائی څه
نزدیکت‌لری ګېښه یا انگبین بومی یعنی‌لمړی‌الفاظ نه دی .
پښتو: ګریوان سنسکرت گریوا ـ نوی فارسی گریبان .
« : غر جمع غرونه‌سنسکرت گیری (اوله یادیره‌سپکه ویله کیژی)
اوستا گایری نوی‌فارسی کوه (دپښتو«غ» اکثرپه گ بدلیژی) .
پښتو : غاړه . سنسکرت گیلا ، گپ ، گلپ اوستا گاراه ـ نوی
فارسی گلون .
پښتو : غرمه (چاشت ، وقت گرمی روز) سنسکرت گهرم
(گرمی یا آفتاب) اوستا گرما ـ نوی فارسی گرم یا گرما .
پښتو : غوشایه یا غوشالی(سرگین) سنسکرت‌گاؤ (غوالی)شکرت
(فضله) غوشایه ښالی چه د دوو لفظو څخه اخستلی سوی وی .
پښتو: غوږ اوستا گاوشه ـ نوی فارسی گوش .
« : غوا (ماده گو) سنسکرت گئو اوستا گو
« : هاغه یا هغه (آن) سنسکرت‌سا (برای مؤنث) اوستاها .
« : هسك (بلند مرتفع) اوستا اوسکت .
« : غنم سنسکرت گود هوم نوی فارسی گندم .

(c) ketabton.com: The Digital Library

پښتو : کوم (کدام) سنسکرت کا (برای مؤنث) کتم (کدام یکی) نوی فارسی کدام ـ زړه فارسی که.

پښتو : کنل (کندن ، حفر نمودن) سنسکرت کهنتی بمعنی (میکند) نوی فارسی کندن .

پښتو : کرل سنسکرت کرښتی بمعنی (میکارد) نوی فارسی کشتن .

« : کشر (خورد ، کهتر) سنسکرت کنشتهتر او ستا کا سو نوی فارسی کهتر .

پښتو : کتل ماضی کوت ، کاته سنسکرت ویکهش ، ا کهنیں .
او ستا کاس ـ منزوی فارسی اکاس ـ نوی فارسی نگاه .

پښتو : کړل ، کول سنسکرت کرت او ستا کرتیا نوی فارسی کردن .

پښتو : کمکی (خورد، کم) او ستا کامنا نوی فارسی کم .

« : کوڼ (کر) مؤنث کنهه ، کنوالی سنسکرت کرڼ (بمعنی گوش) او ستا کرنیا نوی فارسی کری .

پښتو : ختل مصدر ، واحد غائب خیژی ، ماضی خوت ، ختلای حاصل مصدر خاته نوی فارسی خاستن .

پښتو : خوب (خواب ، رؤیا) سنسکرت سئوپن (Dream رویا) سواپ (خواب) اوستا خفنا ـ نوی فارسی خواب .

پښتو : خور سنسکرت سوسری . او ستا خانهر ـ نوی فارسی خواهر (خ په سانسکرت کی په س بدلیژی).

پښتو : خوله (عرق) جمع خولی سنسکرت سوید .

پښتو : خوړل مصدر واحد غائب خوری ماضی و خوړل ـ نوی فارسی خوردن .

پښتو : خر سنسکرت کهر ـ نوی فارسی خر (خ کله په سنسکرت کی په کهه هم بدلیژی .

پښتو : لر (پست تر ، کمتر ، پائین) سنسکرت ادهر او ستا ادارا ـ منزوی فارسی ار،نوی فارسی زیر .

پښتو: لرل سنسکرت دهرن اوستادر تا نو ـ زړه فارسی ادرا ماء،نوی فارسی داشتن

پښتو: لس سانسکرت دش اوستاداسا ـ نوی فارسی ، کرد ، بلوچی ده (ل په د بدلیژی)

« ، لار اوستا راید یا . منزوی فارسی رس نوی فارسی راه

« : لیری سنسکرت دوری اوستا دویری نوی فارسی دور (په پښتو کی دوری په معنی د(انجا)یعنی هغه لیری خواته وائی)

پښتو : لیوه سنسکرت ور یك او ستادیوه

« : لیور (برادر شوهر) سنسکرت دیور ـ نوی فارسی ایور

« : لومه (حلقه دام) سنسکرت دمن

« : لور سنسکرت دوهیتا ، دوهیتر او ستا دوغدار منزوی فارسی دخت نوی فارسی دختر

پښتو: لور (داس) سنسکرت داتری منزوی او نوی فارسی داس

« : لوشل سنسکرت دوهنم (نم علامه مصدر) نوی فارسی دوشیدن

« : مچ سنسکرت مکبنی او ستامخشی نوی فارسی مگس

« : مخ سنسکرت مکه

(c) ketabton.com: The Digital Library

پښتو : منی (تیر ماه) اوستا همینا

« : مثل سنسکرت مننم (مصدر) او ستا ماین ایتی

« : مرغه سانسکرت مریگه مری په معنی د مرغزار او گه په معنی د تلونکی (رونده) نو مریگه په معنی د هغه حیوان چه څرګوی (حیوان چرنده) اوستا مرغا-نوی فارسی مرغ

پښتو: مړ سنسکرت مر - نوی فارسی مرده

« : مړنی (پهلوان ، دلاور ، شجاع) سنسکرت مرتیه (و یلهلم گیگر)دمړنی په معنی لیکلی دی مگر دمړ کنډی-مردنی په‌معنی‌دی) او ستا مرتان منزوی فارسی مرت - نوی فارسی مرد ، مردانه

پښتو: مشر سانسکرت مشر منزوی فارسی مه . نوی فارسی مهتر او ستامسیا

پښتو: مزی (قوی، بعباره عام فهم تسمه)سنسکرت مها (بمعنی کلان) اوستا مسیشتا

پښتو: مژ (گوسفند نر) میژ (میش) سنسکرت میښ

« : مژك سنسکرت موښك یاموش نوی فارسی موش

« : ماغزه سنسکرت مجا او ستا مازگا،نوی فارسی مغز

« : میلمه جمع میلمانه سنسکرت مهی من (شخص بزرگ و کلان) اوستامادمان نوی‌فارسی مهمان -سنسکرت کښ « مدهیمان » همورته وائی

پښتو: میره اوستا ما دریا نوی فارسی مادر اندر

« : مور سنسکرت ما تریا ماته - نوی فارسی مادر

« : ملا (کمر) سنسکرت مدهی (Madhya) بمعنی وسط اوستا مایدیا نوی فارسی میان

پښتو: مړل مصدر واحد غائب مری سنسکرت مرن (ن علامه مصدر) او ستا مرتا نوی فارسی مردن

پښتو: نن (امروز) اوستانورم

« : نړل‌مصدر (اواز کردن ، عنیدن)سنسکرت ندن (ن‌علامهٔ‌مصدر) ندتی (اواز میکند) نوی فارسی نالان ، ناله ، نالیدن .

پښتو : نوی (اسم عدد نود) سنسکرت نوتی - نوی فارسی نود .

« : ناستل مصدر (کښیناستل) واحد غائب کښینی ماضی ناست سنسکرت نیښیدن (ن علامه مصدر) سیدتی (می نشیند) او ستا نی شیدایتی نوی فارسی نشستن .

پښتو : نیکه (پدرکلان) اوستانیا کا - نوی فارسی نیا .

« : نوم (اسم ، شهرت ، عزت) سنسکرت نام یانامن اوستا نامان - نوی فارسی نام .

پښتو : نو (ناف) سنسکرت نابهی - نوی فارسی ناف .

« : نژور (زن‌پسر) سنسکرت سنو بنا- نوی فارسی سنو .

« : په (در ، بر) سنسکرت اوپه اوستا اوپه .

« : پل(پا،نقش‌پا) سنسکرت پد اوستاپدا - نوی فارسی‌پای .

« : پله (پی) اوستا پمان نوی فارسی پی .

« : پنزوس (اسم عددپنجاه) سنسکرت پنچاشت اوستا پنجاستا نوی فارسی پنجاه .

پښتو : پر ، پری ، پی (حرف استعلا بمنی بر بالای) سنسکرت یوپاری اوستا اوپایری نوی فارسی بر .

پښتو : پرو سژ ، پروس (سال گذشته) سنسکرت پرت - نوی فارسی پارسال .

(c) ketabton.com: The Digital Library

پښتو: پړ (ملامت ، مغلوب ، مات) سنسکرت پت اوستا پر تیا .
« : پاڼه (برگ ، ورق) سنسکرت پرن اوستا پر نیا .
« : پیری (اجنه) اوستا پایریکا ـ منزوی فارسی پا ریك ـ نوی فارسی پری .
پښتو: پیرونی . نوی فارسی پروین .
« : پښتی (قبرغه) سنسکرت پك ښتی اوستا پرشتی (په سنسکرت کی پرښتی دپښتو په ټ دشا په معنی راغلی دی .
پښتو : پوښتیدل واحدغائب پښتی . اوستا پرشات . نوی فارسی پرسیدن
« : پلن اوستا پدانه . نوی فارسی پهن .
« : پلا (سفر ، دفعه) سنسکرت پد ـ اوستا پاد ـ زړه فارسی پدی
« : پلار (پدر) سنسکرت پیتر اوستا پیتر ، پتر .
« : پړانگ نوی فارسی پلنگ .
« : ریل ، رایل (آواز کردن خر) واحد غائب رائی . سنسکرت ریکو (نم علامه مصدر) واحد غائب ریکوتی (خر هنگس میکند) .
پښتو : رش (چرك ، ریم) سنسکرت رج یارجس ـ نوی فارسی ریش (زخم) .
پښتو : ریچه (تخم شبش) سنسکرت لکښا ـ نوی فارسی رشك
« : روزاوستا راوچه ـ نوی فارسی روز .
« : سل (اسم عدد ، صد) سنسکرت شت اوستا ساتا نوی فارسی صد .
پښتو : سخر (پدرزن) مقلوب خسر . سنسکرت شو سر . اوستا خوا سورا ـ نوی فارسی خسر .

پښتو : سپی . سنسکرت شوا (مفرد) شوان (جمع) اوستا شپان نوی فارسی سگ .
پښتو : سپړه ، شپړه صفت حالیه سپژن . اوستا سپیش ـ نوی فارسی شبش .
پښتو : سپین . اوستا سپیتا ـ نوی فارسی سپید .
« : سپك ، نوی فارسی سبك .
« : ستن . سنسکرت ستهونه اوستا ستونه ـ نوی فارسی ستون .
« : ستر صفت (کلان ، بزرگ ، قوی) سنسکرت ستهویر اوستا ستا ورا ـ نوی فارسی سترگ .
پښتو : سور (سرخ) سنسکرت شکر (بمعنی خوشرنگ که چشم آنرا خوش کند) اوستا سخرا ـ نوی فارسی سرخ .
پښتو : سوری . نوی فارسی سفتن ، سوراخ .
« : سوړ نوی فارسی سرد .
« : ساړه (خنکی ، خنك) اوستا سارتا ـ نوی فارسی سرد ، سردی
« : سوه (سم) سنسکرت شپهه اوستا ساتا فارسی سم .
« : سوی (خرگوش) سنسکرت شش .
« : سول . سنسکرت جول (نم علامه مصدر) فارسی سوختن
« : شنل . سنسکرت ایښن .
« : شپه : سنسکرت کښپا . اوستا خشپ ـ نوی فارسی شب .
« : شپون جمع شپانه نوی فارسی شبان .
« : شول مصدر (رفتن ، آمدن ، بودن ، شدن) حال واحد غائب شی ماضی شه فارسی شدن .

(c) ketabton.com: The Digital Library

پښتو : شپېشته (رشقه) منزوی فارسی اسپوست نوی فارسی اسپیست .

پښتو : ته‌ضمیر واحد مخاطب نوی‌فارسی‌تو سنسکرت‌توم اوستاتوم

« : تم (تور تم) برای تاریکی می آید سنسکرت تمه یاتمس اوستا تما ـ روسی تم .

پښتو : تنا (رعد) سنسکرت ستن ، یتنو ـ نوی فارسی تندر (صاعقه) عیناً درپښتو هم تندر است . لاتینی تونارى ، تونیترو ، پخوانی جرمنی دونار اوسنی دونار :

پښتو : تر (حرف جر) نوی فارسی تا سنسکرت ترس زړه فارسی تارا اوستا تارور .

پښتو : تش (خالی) تشول (خالی نمودن) تشیدل (خالی شدن) ـ سنسکرت تچه ـ نوی‌فارسی تهی

پښتو: تژی سنسکرت تریښیت (مذکر) تر ښها (مونث) اوستا ترشته نوی فارسی تشنه

پښتو: تیره‌اوستا تایرا فارسی تیز

« : تریخ ، ترخه نوی فارسی تلخ

« : تریو ، تروه « « ترش

« : تون‌داسم وروستی برخه (محل ، جا) لکه میژه تون ـ سنسکرت شتانا او ستاستانه نوی فارسی ستان

پښتو: تومه ، تومنه (تخم ، اصل ، ریشه) سنسکرت‌تکمن اوستاتا وخمان زړه فارسی تاوما

پښتو: تور (سیاه) اوستا مادرا نوی فارسی تار ، تاریك

« : : ام ، اوم مونث اومه سنسکرت ا م

« : اومه (اسم یك نبات) سنسکرت سوم (واو مجهول) اوستا هاوما ـ نوی فارسی هم (په فارس کی یوه و نه ده لکه شین غزی چه مجوس ئی د زمز می په وخت کی په لاس کی نیسی فرهنگ رشیدی)

پښتو : اور ـ اوستا اذر

« : اوره سنسکرت ابهر اوستا آورا

« : وزیدل (باریدن) سنسکرت ورشن

« : اوسی ، هوسی ویلهلم گیگر و ائی چه په سنسکرت کی آ شو د هوسی په معنی را غلی دی. مگرداصحیح نه‌ده بلکه بکتیا دهوسی په‌معنی‌ده موژ غرخه هم لرو او په سنسکرت‌کی گری ش پمعنی د هغه چا چه په غره کی استو گنه کوی را غلی دی .

پښتو : اوښه ، اوښکه سنسکرت اشرو اوستا آسرو نوی فارسی اشك

پښتو : اوه (اسم عدد هفت) اوستا هپتا نوی فارسی هفت

« : وله (بید) سنسکرت و یتس او ستا وایتی منزوی فارسی و یت نوی فارسی بید

پښتو: ونه (درخت، شجر) سنسکرت ون اوستا ونا ـ منزوی فارسی وان

« : وندنی (ریسمان کاهی یا علفی که به آن پشتاره می بند ند) سنسکرت بندهن اوستا بند،فارسی‌بستن ـ په پښتو کی وند بند(آب‌جمع‌شده)

پښتو : ور (در) سنسکرت دوار ـ اوستا د واری ـ زړه فارسی دوارا یا ـ نوی فارسی در

پښتو: وړی (پشم) سنسکرت اورنا اوستاوار نا

« : واله ، وله (جو،جوی) سنسکرت واری بمعنی آب‌اوستا وایدی

« : واوره ـ اوستا وافره نوی فارسی برف

(c) ketabton.com: The Digital Library

پښتو ولیشت (بلست) سنسکرت ویتشتی ـ فارسی بلست
« : وریت (کباب ، بریان)سنسکرت بهرج نوی فارسی برشته
« : وروحهٔ سنسکرت بهرونوی فارسی ابرو
« : ورور سنسکرت براتر ـ اوستا برادر فارسی برادر
« : زنه ـ اوستازانوا ـ نوی فارسی زنخ
« : زده (یادگرفته) اوستا ارذا
« : رش (آب دهن) سانسکرت را زا Rasa
« : زغم (زحمت) سانسکرت کسم (Ksham)

داوه زنی الفاظ اونومونه دپښتو اوسنسگرت او اوستا او فارسی چه پورته مو ولیکل ، هغه خپلوی اوقرابت چه ددوی په منز کی ددی الفاظو دیورنگوالی خخه خرگندیژی ـ ښائی محترم ویونکی په پوهیدلی وی اوهغه نسبت اوتناسب چه د پښتو اوسنسگرت اود پښتواواوستا په منز کی سته هم ښائی چه پوهان پروپوهیژی ز که : پـه هغه اندازه چه پښتو وسنسگرت ته نژدی ده هغونه او ستاته نژدی ده ـ اودد غه تناسب له لامله دی چه مستشرقین اوپوهان ئی په شبه کی اچولی دی اوپښتو کله د سنسگرت شعبه بولی او کله ئی داو ستاله نسل خخه شمیري او بیله زنو پوهانو لکه دا کتر ترومپ د دی ژبی وحقیقت ته نه دی رسیدلی له پاره ددی چه دادتناسب مسئله هم ښه خر گنده کو ، خو مثالو نـه دپښتو اود سنسگرت دنژدیکت او دپښتو او داوستا د خپلوی هم لیکو بیا به ئی نتیجه باسوا وخپل فکربه په قطعی صورت سره خرگندوو ـ چه مثالونه ئی دا دی : ـ

پښتو	سنسگرت	پښتو	اوستا
اتم	ـ اښتم	اس مؤنث اسپه	ـ اسپه

پښتو	سنسگرت	پښتو	اوستا
گریوان	ـ گریوان	دری	ـ در ایو
خرمن	ـ چرمن	غاړه	ـ گاراه
غرمه	ـ گهرم	مرغه	ـ مرغا
کشر	ـ کنشتهتر	ماغزه	ـ مازگا
لس	ـ دش	نیکه	ـ نیاکا
لیور	ـ دیور	ساړه	ـ سارتا
مخ	ـ مکه	تیره	ـ تایرا
مه	ـ مر	واو ره	ـ وافره
مشر	ـ مشر	زنه	ـ زانوا
پل	ـ پد	زده	ـ ارذا
پانه	ـ پرن	لیوه	ـ دیوه
سوه	ـ شپه	اوره	ـ اورا

اوم مونث اومه ـ ام
ونه ـ ون

اوس نو دامثالونه اوتناسب چه د پښتو او د سنسگرت او دپښتو او داوستا په منز کی سته موژ ودی نتیجی ته ر سو ی چـه سنسگر ت اواوستا دوه و رونه دی که پښتو د سنسگر ت زوی اواولاد وبولو ـ نو اوستاته دوراره نسبت مونده کوی ـ همدا رنگی که داوستا له نسل خخه وی سنسگرت ته د وراره نسبت پیدا کوی ـ اودا خر گنده د ه چه اولا د نسبت وتره ته دپلار سره ډیر پورنگ والی اوخهره ئی وپلارته ډیره ورته وی نو که پښتو د سنسگرت دنسل خخه وای داو ستا سره به ئی دونی نژدیکت نه دراود اوکه داوستا اولاد وای د سنسگرت سره به ئی خپلوی نه وه ـ هرکله چه پښتو د سنسگرت او اوستا سره

(c) ketabton.com: The Digital Library

یو ډول او برابره خپلوی او یورنګ والی لری دازنی څرګندیږی او دی نتیجی ته رسیږو چه پښتو ، او ستا او سنسګرت ته لکه مشر ورور یا پلار یا تره ده چه دوه کشری ورونه یا دوه زامن یا دوه وریرونه لری او دیوه سره هم هغه خپلوی او نژدیکت لری لکه چه دهابل سره یا په بل عبارت سره ژب پوهانو دهند و اروپائی (آریائی) ژبه په دوو برخو ویشلی ده چه یوی برخی ته شرقی او بلی برخی ته غربی وائی او د شرقی د برخی څخه دوی برخی نوری راوتلی دی چه (هند ، ایرانی) ورته وائی اودا دوی ژبی چه سنسکرت او اوستا دی دونه سره نژدی دی چه باید دیوه پلار اولاد ورته وو ایوزکه دی دواړوژ بوته دباختری یا بخدی شعبی ویلی سواودا زموږ ویل دحقیقت څخه خبر نه ده اوژند ته له دی لامله باکتریانی وائی چه اصل ځای او ټاټوبی ئی باختر و همدارنګه د پخوانی اوزاړه سنسکرت اساس او ځای چه رګ ویدی ژبه هم ورته ویلای سو همدغه افغانستان و (د ۱۳۱۳ په سالنامه کی دی دجناب یعقوب حسن خان مقاله و کتله سی) او د هند و ایران او سیدونکی هم د افغانستان د قطب د ډډی څخه ویشلی سوی اوهند و ایران ته تللی دی لکه چه درګ و ید څخه دا مطلب پوره څرګندیږی اوداهم پخواجوته سوی ده چه د سنسکرت او اوستاپه زمانه کی دپښتون قوم په همدغه افغانستان کی میشت او دغه ئی ځای و .

که موږ په دنیا کی وګورو داخبره به موږ ته جوته سی چه مسافر او هغه څوك چه د خپل ځای څخه تللی دی یا د محیط د تاثیرله کبله یا د بل قوم د همسایه توب له لامله ئی په ژبه کی ډیر تغیر پیښ سوی

دی بلکه خپله ژبه ئی په لږ وخت کی ورکه کړی او د بل ژبه ئی اخیستی ده او د هغو په دود اوعادات ورګرزیدلی دی .

موږ ډیر پښتانه لیدلی دی چه کابل ته راغلی دی یا بل ځای ته چه فارسی ویله کیږی تللی دی اوس ئی زامن په یوه حرف پښتونه پوهیږی او همدارنګه چه په فارسی ژبه ګړیدل هرکله چه د پښتو د ژبی منطقی ته تللی دی نن پښتو وائی او په فارسی نپوهیږی - یا په پښتنو کی مثلاً وردګ قندهار ته تللی دی خپله لهجه ئی پری ایښی ده د قندهار په لهجه ګړیږی او که قندهاری مشرقی ته تللی دی د مشرقی لهجه ئی اخیستی ده خپله لهجه یی هیره کړی ده همدارنګه ټول وګړی او اقوام د دنیا .

د دی معلول علت دادی چه د مسافرواومهاجروتعداد خواه مخواه تراصلی او سیدونکو د یوه وطن لږوی هرکله چه تعداد ئی لږوی قوت ئی هم لږوی - قوت چه لږ سو اراده سسته سی د ضد ینو مقابله کولای نسی د بل تراراده لاندی سی - له بلی خوامسافرودی ته اړدی چه دخپل معاش او ژوند مایحتاج لاسته راولی - د مایحتاجو حصول په ټولنه او اجتماع اړه لری - او څو دی د ټولنی پرخیال و لاړنسی اجتماع د ده پرخیال نه زی - او یوازنی وسیله د ګډون په ټولنه کی او حصول د معاش ژبه ده - نودی خوامخواه ودی ته اړسی چه خپله ژبه پریږدی اوخپل دود ترك کی - د محیط اواجتماع ترتاثیرلاندی راسی او د هغه محیط ژبه ومنی چه دی په کښ میشت دی او ژوند په کښ کوی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښائی خوك و وائی چه ډیر مهاجر داسی سوی دی چه د اصلی او سیدو نکو ځای ئی نیولی دی او اصلی اوسیدو نکی ئی په ځان کی محو کړیدی .

هو ! داخبره صحیح ده اوداسی ډیر قومونه سته چه د یوه ځای څخه و بل ځای ته تللی دی او هغه ځای ئی نیولی دی او اوس د هغو اصلی او سیدونکو نخښه هم نسته ـ مگر داکار چه دوی اصلی او سیدونکی محو کړیدی او ځای ئی دوی نیولی دی په څو زمانه کی به سوی وی ؟ ـ دوی به څونه ور سره جنگیدلی وی ؟ ایا دا اصلی او سیدونکی به ئی پیلا محو کړی وی که ورو ورو ؟ .

اوس گورو چه پر و سبز کال ایطالیا حبشه و نیو له ایا د حبشی وگړی ټول مړه سوه ژبه ئی ورکه سوه عادات ئی محو سوه ؟

یه ! خو داکار کیږی او دایطالیاملت هلته ځای نسی په سو و کلونه به تیر وی ـ او ایطالویان ودی خبری ته اړ دی چه د حبشیانو په واسطه د حبشی څخه گته واخلی او په حبشه کی ځان بلدکی ددی کاردپاره ایطالویان مجبور دی چه دحبشیانو سره گډون وکی او ژبه ئی زده کی ددوی په دوداوعادت و پوهیږی ـ کله چه دوی ټوله حبشه محوکی دوی به هم لکه نن خالص ایطالوی نه وی دحبشی او ایطالیا په مینز کښ به څه زنی جوړسی لکه چنگیز چه راغی او دا ملکو نه ئی لاندی کړه په پای کی ئی اولاد که څه هم پادشاهان اوددی ملکو واك داران وه بیاهم په ژبه ، دین اودودکی هغسی بوب پاته نسول لکه چه چنگیز و .

ژبه هم کټ مټ همدا رنگه ده لکه چه پورته مو وویل او هم

موداویلو دی چه دهند و ایرانی وگړی له دی ځای څخه تللی دی نو اوس باید ددوی دژبی حال هم وگورو چه ددی تگ څخه دوی ته څه ور پیښه سوی ده اوله څه حال څخه و څه حال ته رسیدلی دی .

دهند د ژبو حال :

په لمړی سرکی چه موژته څرگنده سوی ده دهند دمهاجروژبه رگ وید وه چه اساس اومنشائی بـاید هغه باختری ژبه وبولو وروسته له څه مدی چه د رگ وید ژبه له افغانستان څخه ووتله اوپه هند کښ ئی ځای ونیو خپل حالت ئی بدل کی لهجه ئی وگرزیدله چه په دی نوی لهجی باندی دسنسکرت مشهور فاضل (پانینی) دچهندس نوم اینبی دی بیاد چهندس لهجه او ژبه هم ور که سوه خپل ځای ئی و سنسکرت ته پریښود ـ بیا دسنسکرت ژبه په پالی بدله سوه ـ بیا دپالی څخه پخوانی پراگرتو نه و زیږیدل او دپخوانیو پراگرتو وضعیت په اوسنی ژبو دهند چه اوسنی پراگرت ورته وائی بدل سو .

ددی څخه داجوته سوه چه دهند وگړوله هغه وخته چه دباختر څخه تللی دی تر او سه شپږ واره بلکه زیاته خپله ژبه اړه ولی ده سره له دی چه دی ژبو اکثر و مذهبی جنبه هم لرله خصو صاً سنسکرت چه دبرهمنو او پالی دبودایانودینی ژبه وه .

دایرانی ژبو حال:

وروسته له دی چه ایرانی له باختر څخه بیل او ایران ته ولاړ ددوی ژبه ئی اوستاد کتاب ژبه وه سره له دی چه اوستا ددوی مذهبی او رسمی ژبه بلله کیده دونه پاینبت ئی ونکی ـ بیازړه فارسی چه دهخامنشیانو کتیبی پرلیکلی سوی دی څرگنده سوه داژبه هم وروسته له

(c) ketabton.com: The Digital Library

خه مدی مړه سوه - پهلوی ژبه رواج سو ه روسته له پهلو ی خخه ننني فارسي معمو ل وگرز يده - که ښه ورته ځير سوننني فارسي هم دهغه وخت خخه چه ددی پيدا ښت دی (دسا ما نيانو زمانه) بيا تراوسه ډير تغير کړيدی که داتغير سړی په زمانو او نسبتو سره وويشی اوبيل بيل نومو نه ورته کښيږ دی ښائی چه تر لسونو مو خخه زيات و منی دا و د ايرانی ژبو حال چه په ډير لنډ صورت سره موبيان و کی - اوس بايد د پښتو د ژ بی هم خه خيړنه و کوا و وی گو رو چه خه حا ل ئی تير کړی دی .

دپشتو دژبی حال :

رموژ په عقيده سره کله چه دار ياتکم له باختر خخه وويشل سو خه هندته ولاړل او خه په ايران کی ميشت سول خه هم پخپله په افغا نستان کی پاته سول لکه چه زنی محققين او مستشرقين هم داوائی او په دی عقيده دی دوی هغه د خپل واکی او د ما لداری (پونده توب) خوی ټينک کی د دی له پا ره چه ددوی خپل واکی په خپل حال پاته سی تر سموئی غرونه خو ښ کړل او دمالداری دپاره به ژمی يوځای وه او او ړ ی به ئی بل ځای تيراوه- بايه بل عبارت او ړی به سړواوژمی به تودومـلـکوته تلـل لکه چه تـرا وسه ډيری هم هغسی دی - که موژ دپخوانيو پښتو حالات اودود گورو دنن روزی دپښتو سره دونه توپيرنه لری او ژبه ئی هم هغه ژبه ده چه دپښتو په نامه دوه نيم زره کاله پخواه يا ده سوی ده .-

که خه هم پخواتر اسلام موز خه اثار اوسند په لاس کی نه لرو چه داخپله خبره چه پښتو هغه پښتو ده چه و ړاندی وه ، جو ته کو اوثبوت ته ئی ورسوومگر دا ويلوسو - چه خنگه چه دهند و ايران ژبی

پرله پسی مړی سوی دی او ځای ئی بلی ژ بی نيو لی د ی - پښتو دا سی نه ده سوی اونه ئی د ونه توپير کړ ی لکه چه نو ی فارسی کړ يدی زکه : هر کله چه داتو سووکالو آ ثار گو رو او ادبيات ئی سته هغه پښتو ده چه نن روز ويله کيږی سره له دی چه نه ئی مذهبی غوره والی دراوداونه ئی په رسمی طور سره څوك مرستی و-اونه ئی د پاللو په غم کی چاسر غوژ کړی ولکه چه دهند وايران ژ بی پا للی کيدی - اوزيات پردی چه پښتو خپل ځان ساتلی دی پرډيرو ژبو بر يالی سوی هم ده اوپه خپل ځان کی ئی حل کړی دی .

داوه ددی سيموالو دژبو حالات چه پورته مي محض سر سری او لنډ بيان وکی - نوددی تغير خخه چه په دی ژبو کی پيښ سوی د ی او پښتو پرخپل حال پاته -وی ده جوتيږی چه پښتو ځانته او د خپل واك خاونده ده نه د سنسکرت خخه راوتلی اونه داوستا خخه زيږيدلی ده اوداهم ويلی سوچه سنسکرت او اوستا - وپښتو ژبی ته دکشر ورورپا دوراره نسبت لری اوموز پردی خبره نوردليلونه هم لروزکه په پښتو کی زنی داسی لغات اوالفاظ سته چه داريا دژبی داصلی ريښی سره يورنگ والی لری لکه : تگ (رفتار: - teg)چه داريا په اصلی ولی کی په دغه معنی راغلی دی اوپه سنسکرت کی په تا کتی(takti) بدل سوی اوله هغه خخه ئی دپيری (چابکتيا) او يريی(هجوم) معنی اخستی ده اوپه زندکی په (تا کا taka) راغلی دی اودزغستا معنی ورکوی- اوداسلاو (دروسی ژبی پلار) په ژبه (توك tok) ورته وائی اومعنی ئی بهيدل ده .

په پښتو کی وينو چه د غه تگ د نن روزی په پښتو کی په معنی دتگ (رفتار) استعماليږی او پردی پوره د ليل کيدلا ی سی چه پښتو داريا داصلی ريښی خخه ده اوپخواه تر سنسکرت او زند وه .

(c) ketabton.com: The Digital Library

یاد (راشتی) کلمه چه دارما په ژبه کی په معنی دسم (موافق) اورښتیا (راست) اوحکمدار ده مکر په زندکی دغه کله په (رایای) بدله سوی اودبډائی (ثروت) اوحشمت معنی زنی ا خیستله سوی ده اوپه لاتین کی په (رکس - رگیس - روئیس) بدله سوی او دپادشاه- عمومی مدیر دمملکت مفهوم اومعنی ورکوی اودفرانسه په ژبه کی RICHE وویله سوه چه دبډائی معنی ورکوی اوپه ننی جرمنی کی ((Reich) اوپه انگلیسی کی rich) سوه چه په ټولو اروپائی ژبو کی په معنی دقدرت ، بری (سلطه) بډائی استعمالیژی حال دادی چه ریشه ئی هغه (راشتی) یعنی سم (موافق) او رښتیا (راست) او حکم دار ده چه داریا په ژبه کی لیدله کیژی .

دلته هم په زغرده ویلای سو چه پښتو دټولو اریائی ژبو څخه داریا واصلی ریشی ته نژدی ده زکه په پښتو کی دغه د (راشتی) کلمه په لږ څه تغیر سره یعنی (رښتیا) په هغه اصلی معنی چه رښتیا ده(راست) ویله کیژی (۱) .

نور داسی الفاظ اولغات هم سته چه زموږ دهر مطلب قوی دلیل گرزی چه پښتو لخانته اومستقله ژبه ده اوترسنسکرت او اوستا مشره بلله کیژی .

زیات پردی یوبل لوی دلیل هم سته اوهغه دادی چه پښتو علاوه پر سنسکرت اواوستا دټولو اروپائی ژبو سره په زنو لغاتو اوالفاظو کی چه ماعلم راوستلی دی یورنگ والی لری خصوصا دپولنډی سره ډیر: داډول دلیلونه اومثالونه په دی باب کی ډیر راوړی سواوخیر نه پرکولای سو. ددی له پاره چه زموږ مقاله په سالنامه کی یو محدود اومعین ځای لری زیات پردی ئی نه سو اوږ دولای نو په دغونه موبس کړه - او ددی پورته

(۱) د جناب محمد قدیر خان تره کی مقالی دی د کابل د مجلو په ۷۶-۷۷ گڼه کی و کتلی سی .

مثالو څخه دی نتیجی ته ورسیدو چه که څنو مستشرقینو یا نورو داخبره کوله چه پښتو د سنسکرت او او ستا څخه ده - کلی غلطه او بی اساسه نظریه ښکاریژی زکه په پورته دلیلو او په سوونورو دلیلو سره چه ځای ئی د ویلونه دی دپښتو ژبه دار یا د ژبو لوی غړی او غوره ژبه ده چه دسنسکرت او اوستا په زمانه کی وه اودزنو دلیلو څخه(لکه دتگ دلغت اشتقاق)داسر گندیژی چه پښتو نسبت وسنسکرت او او ستاته داریا ، واصلی ولی ته نژدی ژبه ده او که چیری فرض کوچه پښتو له سنسکرت یا اوستا سخه زیژیدلی وی نو باید خپل لغات ئی داریا داصلی ریښی څخه نه وی اخیستی ددی دوړ ، ورستنیو ژبو څخه ئی اخیستی وی او باید ریښه ئی نسبت واصلی ریښی ته داریا و هغی ژ بی ته نژدی وی چه دازنی راو تلی ده - حال داچه داسی نه ده - پورته مثالونه ښئی چه دپښتو ژبه دسنسکرت او اوستالوی ور ورده دو راره والی یادزوی نسبت هیڅ دی دوو ژبوته نه لری :

ادبیات :

دا خبره خومو تریوزایه ورسوله اوخپله داډگیر نه مو وکړه چه پښتو پخوانی او لخانته دخپلواك ژبه ده نو هر کله چه پښتانه پخوانی اوژبه ئی هم پخوانی لرله خواه مخوائی ادبیات هم در لودزکه افلاطون اونور ډیر فلاسفه وائی چه دانسان په خته کی دجمال غوښتل اخښلی دی زکه چه دبدیع حس ، دده سره یوځای خلق شوی دی نوله دی لامله تر هغه وخته چه انسانانو مدونه ژبه نه در لوده داخپل حس ته ئی په خهر و چه په خپلو سوړوکی به ئی ایستلی یا خپل د ډبروشیان او اسباب به ئی کښیده (نقشی) کول داد گیرنه ور کوله هر کله چه دژبی خاوندان

(c) ketabton.com: The Digital Library

سره پخپل سربه ئې ګنګوسي کاوه او دا ګنګوسي په عين ددې کې چه بې معنې وه بيا هم دوی ته خواژه وه ولې چه ددوی د بديعي اړتيا ئې سرته رسوله ، بيا هغه وخت چه ددوی ژبې استعداد مونده کې په معنې لرونکو اشعارو ئې پيل وکړ ـ نو دادې چه په دې ډول شعر او ادب او په نتيجه کې داد بيا تو تاريخ اودا ادبي شاه کارونه خرګند سول .

نو د دې غريزې په دستور سره پښتو ادبيات درلود او پښتانه د خوژ وادبياتو خاوندان وه .

که څه هم موژ داخبره د هغو وختو دادبياتو په نمونه او نښان سره نسوتا به ولاى زکه چه دهغه وخ ـ ادبيات زموژ په لاس کې نسته او نه مونده کيږي .

داولې ؟

پورته مو وويل چه د ژبې اساس په څلور شيانو ولاړ دی او دا څلورشيان دی چه د ژبې مرسته کوي لکه دقوم استقلال د قوم ، سلطنت ، مذهبي شعائر ، مدنيت او معارف اوس موژ بايد داخلورشيان بيل بيل د پښتنو داحوال سره وګورو او ددې خبرې علت مونده کو چه تر اسلام وړاندې ددوی دادبيا تو نښه ولې نسته او که سته ترڅو عوامل لاندې راغلې دي چه موژ ئې نه وينو او ثبوت ئې نه سو کولاى .

الف : دقوم استقلال :

پښتنو خوخپل قومي استقلال درلود ـ ترهرشې تير سوې دې مګر خپل استقلال ئې خوراتينګ ساتلې دې ـ هرکله چه د تاريخ پاڼې سره اړه ووګورو چه پر پښتنو هيڅ بريې نه دې موندلې او که ئې موندلې دزړه په چاودسر خوړه سره له نقصانه بيرته تللې دې ـ هخامنشيانو (۵۵۰ـ۵۳۰ قام) دهندوکش قطب ډډه ، بلوچستان ، سنده ، کابل او پښورونيومګر

په لغمان ، کنړ ، نورستان او د سليمان په غروکې ئې ترپايه برې ونه موند ـ سکندر (۳۲۹ ـ ۳۲۷ ق م) هم چه هندوستان ته تې د پښتو له لاسه ئې وينې په زړه کې وچې سوې ـ تر څو چه د دوی د لاسه په سوات کې تې (زخمي) سو . مغل هم که تيمور وکه بابراو که دانور ، دوی (پښتنو) درپه درکړه ترپايه ئې دپښتو دلاسه خوژه ګواه (لقمه) په خوله نکړه که زه داتول بيان کوم نو بيل کتاب به سي فقط دغه يوعامل د دوی دخپلوا کې اودخپل د ملیت دګرانښت ودليل ته بس دې چه د دوی ژبه ترا وسه مړه سوې نه ده او ژوندې پاته ده .

ب : سلطنت د قوم :

پښتنو ته خو پخواترا سلام هيڅ کله د سلطنت و ار نه دې رسيدلې او نه چيرې دوی سلطنت کړيدې ز که په افغانستان کې د طوائف الملوکې قانون جاري و ـ هرې علاقې ځانته رئيس او مشر درلود کله به چه د باندنيو ملتو لکه هخا منشيان ، اسکندر ، يونانيان يا مغلو پر دوی هجوم راوې ـ تر يوه وخته پورې ئې به زنې ځايونې ونيول مګر کله به چه دوی د لمړې تر په و لويدل او پښتو به واري مونده کې بيا به دخپل سرسول ـ نو له دې کبله پښتو ته تر اسلام وړاندې ديوې متحدې اداري وار لاس ته نه دې ورغلې په خپلو غروکې ئې خپل ژوندون کاوه .

ج : مذهبي شعائر :

پښتنو ديني آثار هم نه درلود ز که ډکفر او شرك په زمانه کې (دريم اودولسم قرن ق ، م) علمي اودیني ژبه دافغانستان سنسکرت وه خصوص په بنير ، سوات ، دير ، چترال ، مهمند ، تيرا ، جلال آباد تول وادې دکابل او غزنې تر بلخه پورې امانه په صورت دمحاورې او محلي ژبې .

(c) ketabton.com: The Digital Library

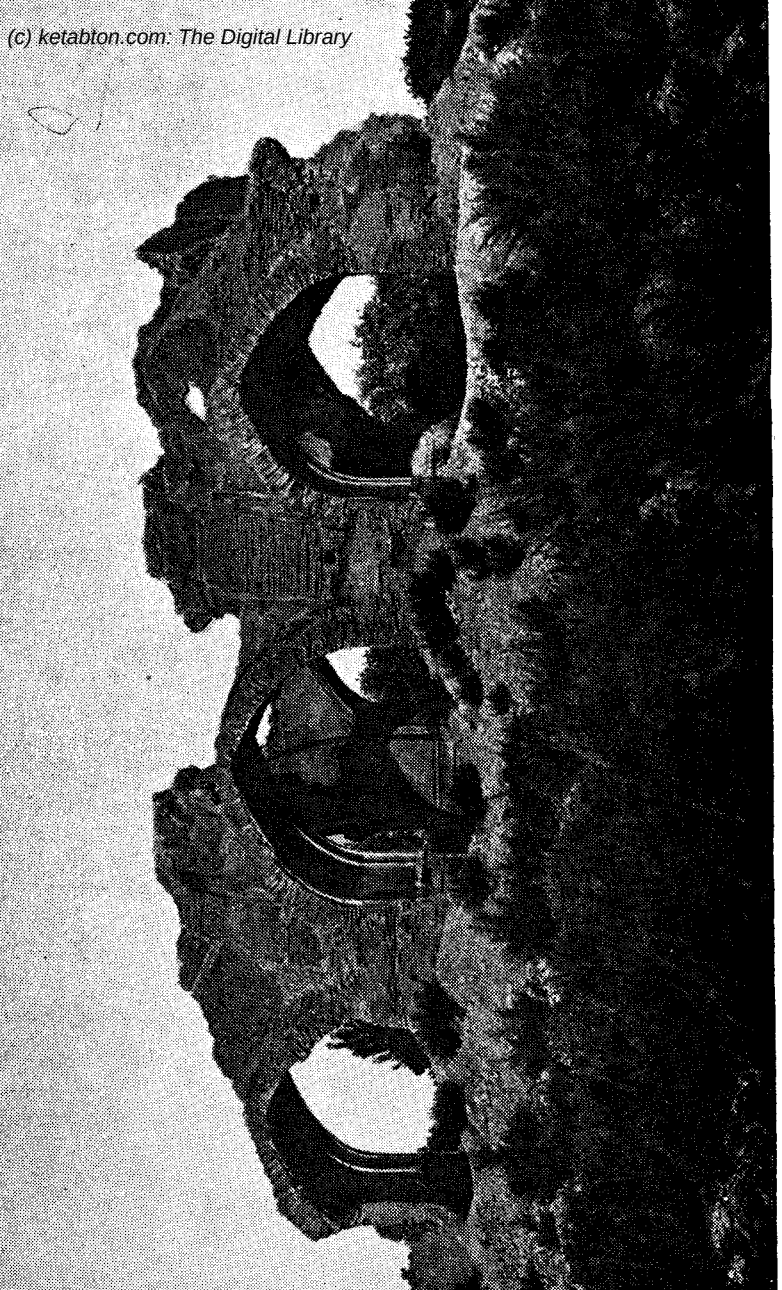

از آثار تاریخی بلخ : یك حصه از خرابه‌های شهر قدیم
Une partie des ruines de Balkh (Bactre)

له بلی خواه د بلخ او گرد چاپیر د بلخ (۱۰۰۰ ـ ۵۰۰ ق م) او یستائی ژبه وه او په ټول شمال د هندوکش کی ویله کیده ـ اما هغه وخت چه د بردا دین په افغانستان کی ننوت د زردشت د ین ئی ویوست دسنسکرت ژبه مستقله‌دینی اوعلمی ژبه‌سوه زکه‌خه تحریر اولیك چه‌له بامیان ځخه راوتلی‌دی دسنسکرت په‌ژبه‌دی ـ اودافغانستان‌ورستنیو یونانی‌شاهانو اویو ګیچیانو په‌خپلوسکوکی دسنسکرت ژبه‌استعماله وله .

دهخامنشیانو دغلبی په‌وخت کی (۵۵۰ ـ ۵۳۰ ق م) دایران په‌ټول شاهنشاهیت کی زړی فارسی (فرس‌قدیم) رسمیت در لود ـ وروسته‌له‌هخامنشیانو دهندوکش قطب‌ددی ته‌رسمی اودرباری ژبه‌یویانی وه دساسانیانو په‌زمانه کی پهلوی ژبی درسمیت مقام نیولی و ـ ترڅو چه‌داسلام روښانه‌دین څرګند سواو دپاك‌خدای کلام په‌عربی ژبه راغی اوداسلام دینی اورسمی ژبه‌عربی سوه ـ که‌څه ئی‌هم دسامانیانودزمانی څخه بیاتراوسه په افغانستان کی خپل رسمی زای واو سنی فارسی‌ته پریښود مګر په دینی اوعلمی صورت‌سره لکه‌پخوا په‌درنه ستر ګه ورته کتل کیږی نوزیات پردی چه‌پښتو مذهبی جنبه‌نه‌در لوده درسمی مقام وارهم تراوسه نه‌دی ور رسیدلی .

د : مدنیت اومعارف :

پښتنو خومدنیت او معارف درلود مګر داچه په‌زړو زمانو کی ئی ددوی په‌نامه نسو موند لای یاداچه ددوی معارف په‌پښتو ژبه کی نسته خوعلتونه اوسببونه‌ورته‌تا کلی سواوموږ ددی جنبو (مدنیت، معارف) بیل بیل څه‌بحث کوو.

الف : مدنیت : پښتانه دتاریخ په‌هره‌دوره کی‌دتمدن اونام و نښان خاوند اوه هرکله چه‌دوی ترورستنیو پیړیو پوری دافغانستان دبومی

از آ ثارتاریخی وطن : خرابه‌های قلعهٔ نریمان در بلخ
Ruines d'une ancienne forteresse (Kala Nariman) à Balk(Bactre)

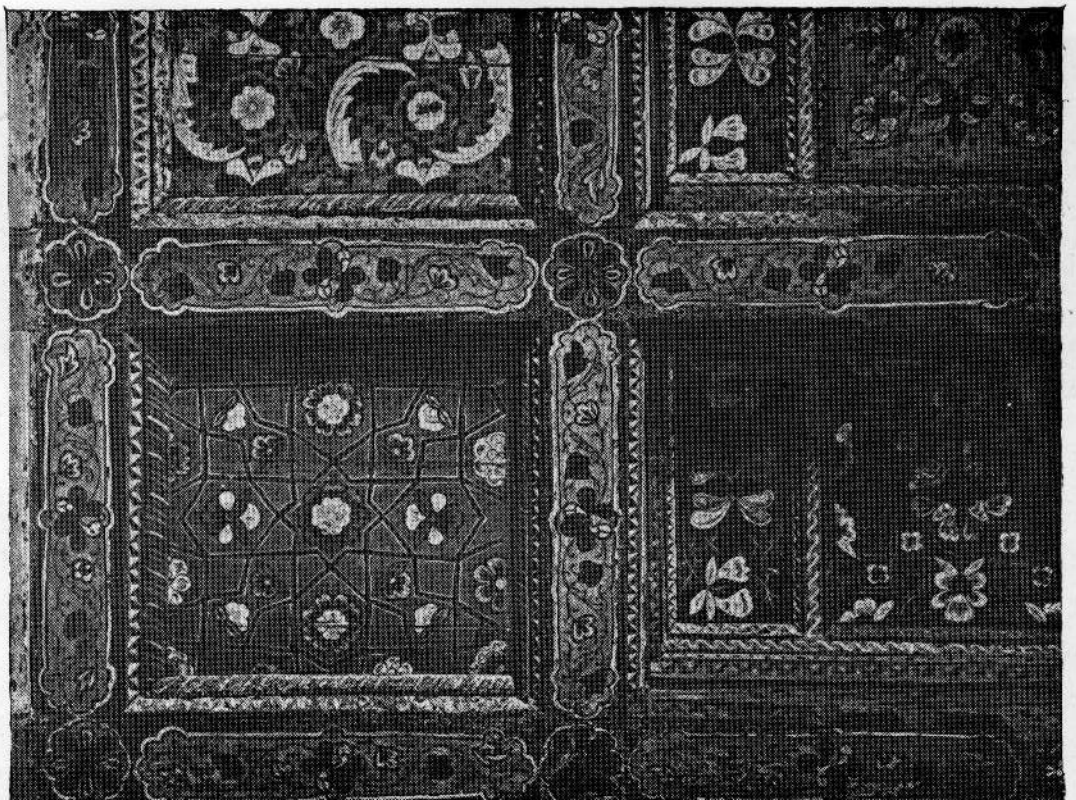

آثارنفیس و تاریخی ولایت مزارشریف : نقاشی های یکی از عمارات قدیمهٔ شبرغان
Spécimen des dessins des anciens bâtiments de Chibirghan
(Prov. de Mazar-i-Chérif)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

سلاطینو اوامراؤ تابع وه لکه غزنویان ، غوریان اوتور . . . . اویالکه چنگیز یان ، تیموریان او . . . . . نود تاریخ په شهادت سره دا توله کورنی او پادشاهان ددوی په توره اومړانه بریالی سوی او زلانده مدنیت ئی پری ایښی دی چه په تولوهغومدنیتو کی فکراً اوعملاً دپښتنو تاثیر خرگند اوښکاریږی ـ مگر دپخوانیو تاریخو عموماً او د شرقی تاریخوخصوصاً داعادت و ، چه یوازی به ئی دکم مشهورسړی حالات لیکل دعسکری اوملکی تشکیلات ، سیاسی ، مدنی ، اقتصادی ، جغرافیائی حالات زراعت ، فلاحت ، حتی دملت دعمومی وضعیت به ئی هیڅ یاداوبحث نه کاوه .

یا په بل عبارت سره دیوه ملت تمدن به ئی د هغی کورنی مولود گانه چه پرهغه ملت یاقوم ئی حاکمیت اومشرتوب درلود ـ نوله دی لامله دپخوانیو اومنزو یو قرنو مدنیت دپښتنو د هغه کورنی په نامه یاد سوی دی چه پردوی پادشاهان اوحاکمان وه ـ حال دادی چه په هغوتولو کی دپښتنو نوم هم باید یاد سوی وای .

ب : معارف په پخوانی دنیا کی خوملیت اوقومیت دوانه اعتبارنه درلود هرڅه چه و ـ مذهب و اوهغی ژبی ته اعتبارورکول کیده چه مذهبی ارکان به په کښ لیکل کیده ـ او دادود په یوه قوم یایوه ژبه کی نه و دن روزی لوی اودتمدن خاوندان ملتونه اوژبی چه تاریخ ئی پخوانی حال راښئی هم په دی لومکه کی بندوه مثلا دایطالیا ، جرمنی ، فرانسه روسی اوانگریزی ملی ژبی چه نن روز ئی پرتول جهان برم پروت دی خو پیری پخوا داسی نه وی اوئه ئی عام آثار درلود اونه عام لوستل ئیه کښ کیده هرڅه چه وه په لاتینی ژبه کی چه ددوی دینی اومذهبی ژبه وه لیکل اولوستل کیده بلکه که چابه پخپله ملی ژبه کی خه ولیکل هغه ته به ئی په بدنظر کتل او رتلی به ئی باله مثلا په خلور لسمه

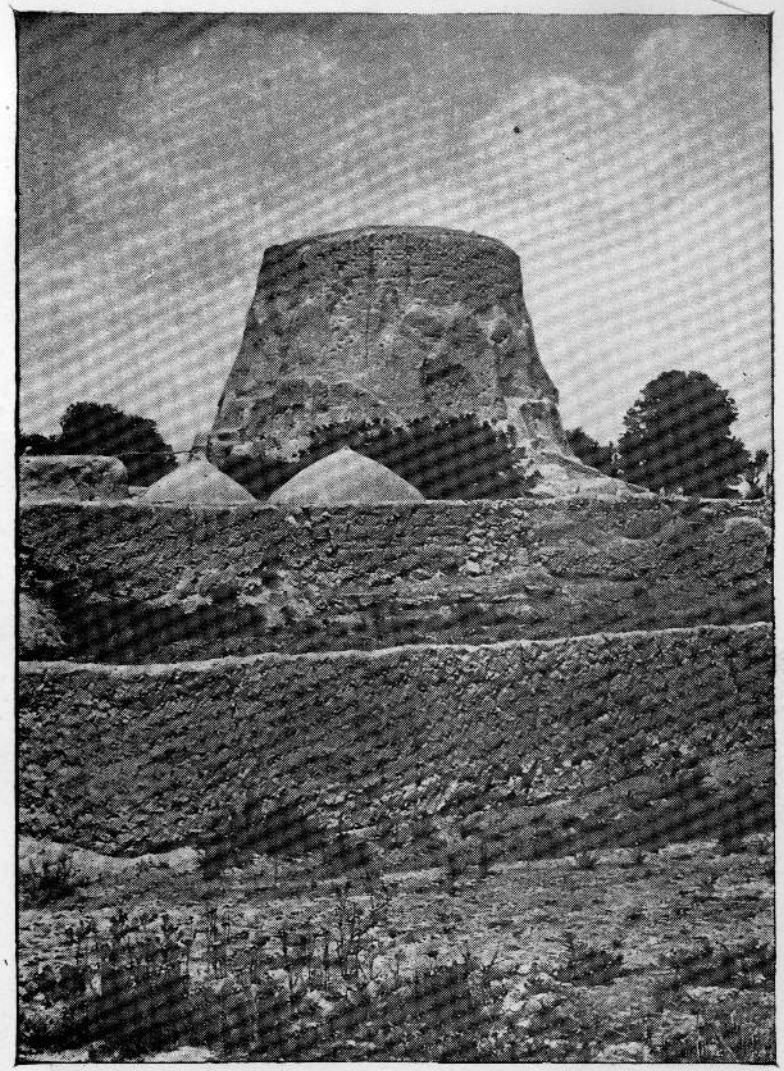

از ابنیهٔ تاریخی بلخ : خرابهٔ ستوپهٔ (کوناك) در غرب شهر قدیم
Stuppa de Konak à Balkh (Bactre)

(c) ketabton.com: The Digital Library

پیړی کی پـه ټول اروپا کښ یوه رسمی اود لیك ژبه بی‌له لاتینی ژبی نه لیدله کیده‌او ټول کتابونه په هرباب کی چه وه دلاتین په خط اوژبه لیکل کیده او دادلیك دنده (وظیفه) هم رهبانانو سرته رسوله ـ ډیر کتابونه ئی ولیکل مگر دخپلی ملی ژبی په ژ و نـدکی ئی هیڅ هانـد (کوشش) نه و ـ دانته لوی‌شاعر او ادیب دایطالیا چه خپله کمیدی ئی په ملی ژ به ولیکله ټولو خواصو ده ته په بدویلو پیل وکی که څه هم عمو وگړو په ډیره مینه و منله .

خنـگه چه داروپا احوالو ، هغسی داسیا احو ال هم و ـ مثلا : تر اسلام وړاندی د افغانستان‌په شمالی‌خوا اوایران کی دزر دشت‌دین‌و او ستارسمی او مذهبی ژ به بلـه کـیده ـ بیا بودائیت په افغانستان او هندوستان کی رواج سو ـ سنسکرت رسمی او مذهبی ژ به وگرزیده ترڅو چه د با طلوا دیا نو پر ځای د اسلام پاك دین خرگـند سو او د خدای کـلام په عربی ژ به نازل سو ـ که پښتون و که بل خو ك هاندئی پردی کاوه چه عربی ژ به زده کی او تصنیف او تالیف ئی په عربی کی وی ـ او په همدغه سبب ترعر بو عجمو په عربی کی ډیر خدمت وکی او ډیر علما او فضلا په کښ خرگـند سول او تصنیفو نه او تا لیفونه ئی په کښ وکړل اوتراوسه ئی هم کوی .مثلا د یوه بست په سو و سچه پښتانه شوولای سو چه په‌عربی کی ئی په سو وکـتابونه لیکلی‌دی ځانته‌ئی مدرسی‌درلودی دهغوجملو څخه دی‌خطابی‌ابوسلیمان احمد بن محمد چه معالم السنن او غریب الحدیث اودنورو مصنف و ، ـ اوابو حاتم محمد بن حبان او نظام الدین ابو الفتح بستی و غیره .

نودیورته بیان څخه دانتیجه اخلوچه‌پښتو وړاندی تراسلام اووروسته معارف درلو دمگرنه‌په‌پښتو ژبه ـ ډیرپوهان په‌کښ وه نه په‌پښتوکی .

زیات پردی دلیلو چه پورته مود پښتو د پخوانیو اثار و د نیستی په‌باب‌کی وویل‌داهم د کړ و خبرده چه وړاندی تراسلامدا رسم الخط او حروف چـه نن روز پښتو ژ به لری او پر لیکـله کـیژ ی نـه وه ضرور نور حروف او بل رسم الخط رواج در او د ـ نو کـه څه ا ثا ر د هغو زمانو پـا ته و ی ضر و ر به بله خپر ه لری چه نن موژ نه په یو هیڅو شنائی یو و خت د پښتون او لاد د حفر یاتو په ذریعه یادعلم او د تحقیق په قوت سره د پښتو د پخوانیو ا ثارو په موند لو سره بریالی سی ـ خدای دی وکی .

یوه بله خبره هم باید و کو او هغه داده چه داز موژ پو ر ته لیك‌یوازی ددی لامله دی چه پخواه تر اسلام څه تحریری او کتبی اثار زموژ په لاس کی نسته اما هغه څه چه دوگړ و په سینو کی‌دی او پښت پر پښت موژ ته را رسیدلی دی شنائی له هغو اثار وڅخه وی چه پخواه تر اسلام وه او په لژ تغیر سره ئی تراوسه خپل‌مو جودیت د عمو په سینو کی ساتلی دی اودیوه څخه وبل ته را نقل کـیژی .

تردی ځایه خو مود پښتو دژبی څه پاشلی بیان و کی اوس نو پرخپل اصل مطلب چه د پښتو اد بیـات دی څه خیړنه کو و او مقا له پای ته رسو و که خدای کول.

دادب او ادبیاتو پرفلسفه او معنی ډ یروفلاسفه و او پو ها نو و یل کړ یدی او په سو علومو او فنونو ئی ویشلی دی که موژ نور علوم او فنون چه تعریفا په‌ادبیا تو کی داخل دی زنی و باسوگور وچه دارسطو په عقیدهٔ سره څلرمه برخه د منطقی صنعتو چه « ا پو لتیك » یعنی د صنعتو قوانین ورته وائی او هغه شعر دی ، پاته کـیژی .

شعر : د شعور څخه‌اخیستلی سوی‌دی او مطلب ئی هغه احـساسات

(c) ketabton.com: The Digital Library

او عواطف دی چه دالفاظو پهغالب کی خرگندیږی خواه هغه الفاظ وزن او قافیه ولری لکه دخوشحال خان او حمید منظوم اشعار او خواه ئی و نه لری لکه نقلونه او نور منثور لیك ـ نو پردی اساس شعر دوی برخی لری (۱) نثر (۲) نظم یا په بل عبارت شعر هغهقیاسی ماده ده چه بیله قید خخه د وزن او قافیی ، فکر متوجه او روح و ښوروی او دا دروح ښوریدل او حرکت به یاد لذت له کبله وی او یا به دنفرت له لامله ـ یعنی منطقی یاتعلیمی شعرهغه دی چه د مجسم کولو یادښیگر و اوعیبود خرگندولو پهواسطه دویونکو په فکروکی یوه مخصوصه ناقراری (هیجان) پیدا کی .

دپښتو نثر :

موژ دمخه هم وویل خنگه چه بشر په تطور او انقلاب کی دی الفاظ اولغات هم چه شعراو ویلدهغو زوکړی دی دبشر دفکری او اجتماعی تحولاتو په سبب گرزی او تحول کوی یابل عبارت خپل ډول او بڼهاړوی نوموژهم خرنگه چه دپښتو ادبیاتوتحول کړیدی په خوبرخو اوزمانو ویشو اولمړی دپښتو دنثر خیړنهکوو :

د پښتو نثر دری لوئی او غوره برخی لری (۱) قصصی (۲) تاریخی (۳) مذهبی .

قصصی :

د ډیرو پخوانیو زمانو چه دپښتو نثر موژ ته را پاته او اوس ئی لرو او پیړی په پیړی دو گړ و او خرلو په ذریعه موژ ته را رسیدلی دی دغه عشقی اوحماسی(رزمی اوبزمی) نقلونه اوروایاتدی داغوره نقلونه او روایات زموژ د وطن اوژبی تاریخ او د نومه وړو مهو او

جنگیا لیو او بریالیو حالات چه پردوی تیر سوی د ی موژته رازده کوی او په یادئی راولی او موژ ته د هغو بریالیو مهو نو مونه رازده کوی چه د تاریخ خخه پټ پاته دی او تاریخ ئی یادنه دی کړی .

هغه شی چهدالم غلمی زمانی دلاس خخه پاته دی اوموژتهادبیاوتاریخی سند بلل کیږی دغه عشقی او حماسی نقلونه د ی چه له ډیری پخوانی زمانی خخه موژ ته میراث پاته دی اونن روز ئی موژ خاوندان یو .

دانقلونه اوروایات دونه زړه تهنژدی اومهیج اوتاثیر راوړونکی اوشو را چوونکی دی چه ډیرنومه وړی (معروف) لیکونکی او رومان چیانهم نسی کولای چه پهخپل اثرکی خومختلف احساسات لکه عشق ، عفت ، غم او پهعین هغه وخت کی ملی تور یالی توب اوحماسه ـ اوغوره اخلاقی اوفطری ښیکړی وښی یائی ولیکی .

که خه هم دانقلونه اوروایات دروائی اشعارو په ډله کی رازی غنائی اوتمثیلی اشعار هم لری چه دلید ووړدی اوډیر پاسته اوزړه منونکی مظاهر د طبیعت یعنی عشق ، خوشحالتیا او وصال په زړه ژوندی کوو نکو ناروسره خرگندوی اودانسانی نفیسه جذبات دشور په صورت سره لړزوی اوخوشحالتیا ورپیښوی چه ډیر ماهر اوپوه کامیدی لیکونکیئی پیښی نه سی کولای ـ اوکله په ډیرجذابیت سره دملی حماسی اولوړ وعواطفو نمایندگی کوی او کله د جنگ مرگ ، ډاراوهول مناظر داسی رسم کوی چه ډیرغښتلی او توانا تراژدی لیکونکیئی هم نهسی رسمولای . سره له دی بیاهم د طبیعت دډگر خخه نهدی وتلی او بنائی پر رښتیا او صحیح واقعا توده پهلوانان ئی نه فرضی دی اونه وهمی بلکه واقعی او اصلی دی ،

سی ، ای بیدولف انگلیس د دی ډول پښتو اشعارو صفت په دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډول کوی : « دپښتو ادبیات یواز نی مظهر داحساساتو ، عواطفو تاریخ اواخلاق دپښتنو دی ـ دا اشعار دونه طبیعی او مؤثر دی چه پرارویدونکی بی اختیاره اغیزه کوی مثلاً کله چه دجنګ بیان کوی دارویدونکی سترګی وبرینبی اودخپل ځای څخه بیزایه سی او د جنګ حسیاتئی په ښور راسی ـ اوپه هغه ځای کی چه د عشق بیان کوی دارویدونکی پر عواطفو تردی حده اغیزه وکی او عواطف ئی دونه نری (رقیق) کی چه دزړه پرله پسی او سیلی ئی نمایندګی کوی زکه دونه لطیف اوجنګیالی احساسات د هیڅ قوم په زړه کی لکه دپښتنو لاندی اوژوری ریښی نه‌دی زغلولی » :

دمشرق ډیرو نقلچیانو او نقل لیکو نکو لکه (لیلی او مجنون) او (فرهاد و شیرین) او (امیرحمزه) اونور لکه شاه نامه لیکو نکو نقلونه ویلی اولیکی دی مګر د واقعاتو په تصویرکی د طبیعت د ډګر څخه وتلی دی او داسی نقلونه ئی د ځان څخه جوړکړی اورا ایستلی دی چه بلکل د انسانی فطرت څخه پورته او انسانی عقول او مدارك ئی نه منی او اعتبار نه ورکوی ـ اما د شه مرغه د پښتو د ژبی لمن له دی ادبی نقصان څخه پاکه ده . او هغه شیان په کښ دی چه د انسانی دغرائز واوفطرت سره سم دی .

دا ډول نقلونه‌هم نثرلری اوهم نظم ـ نثرئی دپهلوانانو اونومه‌زړو مړو نقلونه اوهغه حوادث دی چه پردوی تیرسوی دی‌اونظم‌هغه ناری دی چه دوومینو یادوو حریفانو یوبربل کړیدی (دنارو بیان به دنظم په قسمت کی وسی) دا ناری خورا تاثیرلری اودسړی‌اډونه ریژدوی .

لنډه ئی پردی چه ډیرسوز ، عاشقانه احساسات ، عفت ، مړانه تور یالی توب اوساده والی او نوری ډیری اخلاقی ښیګړی د پښتنو

د دی نقلو او روایاتو څخه څرګندیږی چه د پښتنو د اخلاقو او عواطفو او مړانی وراستوال بلل کیږی .

دهغوجملو څخه‌دفتح خان بریڅی ، ادم خان یوسف‌زی ، مومن خان ، خویداد ، ظریف : شاهو اوتوردلی او نور . . . . . دی . (۱)

دانقلونه د ډیری پخوانی زمانی دی چه زنی ئی پخواه تراسلام هم ګنلی سوکه څه هم دا زموږ خبره د نقل د ظاهرو الفاظو څخه نه جوتیږی زکه هغه دینداری چه په پښتنوکی ده اوهغه مینه چه و دی خپل پاك او مقدس اسلامی دین ته لری ډیر خپل پخوانی او تاریخی شیان‌ئی اړولی اواسلامی‌رنګ ئی ورکړیدی لکه نومونه اوواقعات او حوادث چه په دی نقلوکی یادسوی دی مګر بیاهم که څوك ښه ورته ځیرسی داسی الفاظ اوکلمات او واقعات په کښ موندلی سی چه‌دنقل پخوانیتوب او زمانه‌ئی تر اسلام وړاندی وښی مثلاً : دهغو جملو څخه دفتح خان بریڅی نقل دی چه موږ څه څیړنه په کښ کو و .

فتح خان په‌خته بریڅ و ـ او بریڅی دشرخبون د اولادی څخه‌دی چه شرخبون د څړبن نیکه زوی دی او د ډیرو پښتنی قبائلوسلسله ده ته رسیږی ، بریڅ داوسنی افغانستان په جنوبی سرحداتو اوهاغاړه دهلمند اوریګ اودښوراوك شاو خوا او په‌بست کی میشته دی په‌پخواه پیړیوکی خه هندوستان ته تللی وه چه پاته سونکی‌ئی تر اوسه‌په‌پنجاب او د سر حد په صوبه کی سته .

بهر ایچ د بمبئی په صوبه کی تر اوسه یو شهر دی چه ددی قوم په‌نامه‌مشهور دی‌اوددی‌ملی‌نقل‌اساس دادی چه‌شپیته تنه ددی قوم څخه

(۱) دانقلونه اکثره څنګه‌چه دوګړوپه‌سینوکی پراته دی زماهمکار ورور محمدګل‌خان « نوری » ټول کړیدی امیند سته‌چه‌زردی‌چاپ سی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پخوا زمانو کی دهند دنیولو دپاره تللی‌وه مشرددی دلی فتح خان داسلم‌خان زوی وچه‌خپله معشوقه «رابیا» ئی‌هم دځان سره بیولی وه.

کله چه‌دوی تله دبست خخه تللی دی زکه اصلی ځای‌ئی بست و او ددوی دتګ په وخت کی بست ودان او په ترقی کی و ـ اود دی خبری ثبوت دا د نقل ناره کوی لکه چه وائی :

« که دوی دی ، کلا بست در وازی دوی دی

پریوه‌فتح‌خان‌وزی‌پردابله ئی مورءمورسوی ناری‌دی »

بل ځای په نقل کی وائی چه « دفتح خان پلار اسلم خان‌د کلا بست پاچاو » ددی خخه دا جوته سوه چه دفتح خان اصلی ځای‌بست او دتګ په وخت کی ئی بست ودان و او دپادشاه یاد قوم دمشرځای هم هغه ځای وی چه و دان او ترقی و لری او په نهضت کی و ی.

بل داچه په تاریخو کی موژ داسلام په زمانه کی داسلم خان په‌نامه یو پادشاه په بست کی نه سو موندلای ـ نو ضرور دفتح خان دپلار پادشاهی په هغه زمانه کی وه چه په افغانستان کی طوایف الملوکی رواج وه ـ دطوائف الملوکی زمانه خرګنده ده چه پخواه تراسلام وه یاداسلام په لمړی قرن کی ودنوکه دانقل پخواه تراسلام یاداسلام په لمړی قرن کی وی ضرور دفتح خان اواسلم خان نومونه هم بل‌ځه‌وه زکه تاریخ پردی شاهد دی چه اسلام هرځای وینوی سم دلاسه ئی تبلیغ داسلام شروع او داسلام تبلیغ خو په تعلیم دقرآن عظیم الشان اړه لرله نوله دی کبله په هرځای کی چه اسلام اوعرب داخل سوه دعربو ادب او لغات هم یو ځای ورسره داخل سوه او دا طبیعی اوخرګنده ده چه دعربوادب اولغت په نوموکی هم اغیزه درلوده ـ نوکه دفتح‌خان اواسلم‌خان یانورکسان چه‌په‌دی‌نقل‌کی اړه‌لری‌گرزولی

سوی وی اوفتح خان واسلم خان سوی وی هم بنائی .

بل ځای وائی چه فتح خان دشمس الدین کافر سره چه دهندوستان پادشاه وجنګ وکی ـ دهندوستان په پادشاهانو کی تاریخ موژته دغه یوشمس‌الدین راښی چه دقطب الدین ایبك دخوادګوا لیار او بیاد بدوان حاکم او دده دمرګه و روسته ددهلی پرپادشاهی کښینوست اول داچه شمس‌الدین کافر نه و ـ مسلمان وبیاموژشمس الدین پښتون بولو اوهیس پښتون دبل پښتانه سره ځنګه چه دفتح خان اوشمس الدین په منز کی تیرسوی دی نه کوی .

بله داخبره‌ده ځنګه چه تاریخ ښی دشمس الدین په زمانه کی بست وران سوی و، ودان نه و زکه اسلامی دائرة المعارف په خپل اول جلد په ۸۰۵ مخ کی د بست کیفیت په دی ښیر ځرګند کړیدی :

« ځنګه چه دبست د شاوخوا خاور وخخه معلومیږی یوزوړ مرکز دمدنیت و ـ اوپه پخوا پیړیو کی ئی خورا شهرت اولوئی اونوړ والی حاصل کړی و ـ دعیسوی شپږم قرن په سرکی بست هفتا لیتیا نو (هفتالیت ها) یا هیاطله ونیو اوبیانو شیروان زنی و اخیست .

داسلام په زمانه کی لمړی وار عبدالرحمن بن ثموره فتح کی بیایعقوب لیث دصفاری کورنی موسس دخپلوجنګو په وخت کی یوکال په بستکی تیرکی او په (۲٦٦ه ۹۷٦ع) سبکتګین فتح کی .

ځنګه‌چه دبهرامشاه(دغزنویانودکورنی) سلطنت‌علاوالدین‌جهانسوز وران کی دبست‌دوړی‌ئی‌هم‌وئیستی‌ـ اوپاته‌ئی‌دآتم(۸)قرن هجری‌په‌پای‌کی (۱٤قرن‌م) تیمور وران کی په دی اړو دوړکی یوازی د بست‌کلا (قلعه) روغه پاته‌سوه اوهغه هم په (۱۷۳۸ع) کی نادرشاه‌افشارتوله ړنګه کړه ـ اوس یوازی دیوا لونه ئی دهلمند د رودپرغاړه ښکاریږی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوددی بیان خخه داخرگنده سوه چه شمس الدین نه ، بلکه بل خوك و ، چه پخواه تراسلام ئی پـه هندوستان کی سلطنت در او د او دا چه د کافر پهنامه ئی یا د کړیدی صحیح معلومیږی ز که پـه هندوستان کی هغه وخت هندوانو پادشاهی کوله او نوم ئی چه دشمس الدین په نامه گرزیدلی دی سبب ئی هم هغه شی دی چه موژ پورته و و یل ـ او که فرض کو چه شمس الدین دغه شمس الدین دی چه ورو سته له قطب الدین خخه پادشاه سوی دی نود کافرپه نامه ئی ولی باله او بیاپه هغه وخت کی بست وران سوی ویوداسی ځای چه د حکومت وړوای نه وچه اسلم خان پادشاهی په کښ کوله .

دا هم دویاو خبر ده چه ملی نقلونه او روایات ضرور یو تاریخی اساس لری د خپلی گـیدی خخه ئی خوك نسی جو ړ و لا ی ـ مگر دپیړیو په تیر یدو خپل وضعیت اړه وی واقعات دمبا لغی په سبب په کښ زیاتیږی یاد هیریدو په سبب په کښ کمیږی اوخه رنگه چه الفـاظ او لغات بدلیږی نومونه هم چه د الفاظو او لغاتو زوکړیدی بدلیږی .

اوس له پاره ددی چه ددی ملی نقل او روایت په خیر یوه تاریخی واقعه مو نده کو او په تطبیق سره ئی د امعما حل کو پاید تاریخونه و گورو ـ اما تاریخونه ز موژ درد دو ا کولای نه سی باید د تا ریخ د زمانی خخه لوړ ولار سوز که د اواقعه دتاریخ د زمانی خخه وړاندی ده کـه د تاریخ د زمانی وای تار یخ به هرو مرو لیکلی وه دروایت پر ډول به نه ویله کـیده .

وړاندی د تاریخ خخه خو یوازی رگ وید دی چه نن ر وز زنی پخوانی واقعات موژته راښئی اوداواقعات یاجغرافیائی حالات او بیان موژته ښه مرسته را کوی او ویسا هم پرکیدای سی .

هلبرانت (Hillebrandt) وائی په رگ وید کی راغلی دی چه په ارا کوشیا (قندهار) کی یوه قبیله میشته وه چه « واسو دیوا » نامی حکومت او پاچهی (پادشاهی) پرکو له او د ی قندهاری قبیلی د دده دزوی « سو دا س » نامی په مشر تو ب سره د فتو حـا تو لمن تراند س د سنید پوری و رسوله او د « سوداس » جنگی کا ر نامی د نقل پر ډول ویلی کـیدی .

درگ وید په زمانه کی اریا لا په خط و کتابت اشنا نه وه نوز که هغه واقعات چه د تاریخ وړ وه د نقل په جامه کی ویل کـیده او ښائی چه دا قبیله بړیخ او دا زوی او پلار د پیړیو په تیریدو وروسته له اسلام خخه فتح خان او اسلم خان سوی دی ـ او خنگه موچه پورته وویل چه بهرایچ یا بهروچ تراوسه په هندوستـان کی سته دوی (بړیخ) ورو ورو د پیړیو په تیر ید و سره د بړو دی د علاقی خخه تیر سوی اوتر بهروچ پوری را رسیدلی وی ـ (بهروچ د سوات د بندر قطب ډ ډی ته د بمبئی په علا قه کی یو ښهر دی) او د بړو دی ا و بهر یچ او بړیخ په منز کی کلی مشابهت او یو رنگ والی سته ـ او دا چه دا قبیله د قندهار وه موژ د شك خخه باسی او یقین ته مونژ دی کوی چه د « واسو دیوا » او « سو دا س » نقل دغـه نقل د ی چه د فتح خان او اسلم خان په نامه تراوسه یاد یژی .

او بل دا دلیل هم سته چه سرسوتی په رگ وید اوهرا و وتی په اوستا کی را غلی دی چه د واړه یو نوم او مفهوم ئی د ارغنداب رود دی چه بست ئی پرغاړه پروت دی اودا چه دوی شپیته کسه وه اودپاچهی سره چنگیدل هم دلیل پردی دی چه دا نقل پخواترا سلام وز که وروسته له اسلام خخه داسی واقعه هیڅ کله پیښه سوی نه د ه

(c) ketabton.com: The Digital Library

اودا چه په رگ ویدکی د قبیلی په نامه یاد سوی پردی دلالت کوی چه ددوی تعداد لږ وز که په ارا کو شیا کی یوه قبیله نه وه ښائی چه په دونی پراخ ملك کی ډیری قبیلی وی .

د نثر پرقصصی اوروائی ادبیاتو موخوخه څیړنه وکړه او ښائی داموهم تریوی اندازی ثبوت ته رسولی وی چه زموږ قصصی اوروائی ادبیات دډیرو پخوانیو زمانودی چه دخپلو و یونکو په سینو او د خپلولویو اولوړوغرویه منز کی ئی خپل ځان ساتلی اوپیړی په پیړی په خه تغیر سره ترموږئی ځان رارسولی وی اوس به ددی برخی په دغونه بحث بس کو او د تاریخی نثر پرادبیاتو به خه څیړنه وکوکه خدای کول .

تاریخی :

تاریخی کتابونه خود ډیری پخوانی زمانی زموږ لاس ته نه دی راغلی اونه موتوم ار ویدلی دی که وی هم یا به د خارج په موزیمو او کتاب خانو کی وی یا به په غرو اور غو کی پټ پاته وی چه چاپ سوی نه دی - لمړی د تاریخ کتاب چه په پښتو کی موږ ته معلوم دی د (سوات) تاریخ دی (۱۴۱۳-۱۴۲۴ م) چه شیخ مالی یوسف زی (دخپلی قبیلی مشراوصوات هم ده پخپله فتح کړیدی) لیکلی دی له شیخ مالی خخه وروسته خانجونامی دده دمشرتوب پرځای کښینوست او د خپل تبر په مشرتوب ومنل سو - هغوهم یو کتاب د سوات د نیولو په باب کی و لیکی چه دا کتاب د حافظ رحمت د تاریخ مآخذ دی (۱۷۷۰ ع) د شیخ مالی کتاب د لندن په برټش موزیم کی سته .

نورداخند درویزه تاریخی کتابونه دی چه یو تذکرة الابراردی او افضل خان خټك په تاریخ مرصع کی د هغه نوم وړی دی ښائی چه د چا خخه وی - او بل ئی مخزن دی چه یوجلد قلمی ئی د معارف

د وزارت په عمومی کتابخانه کی وړ مکال مالیدلی وښائی د نور چا خخه هم وی (د اکبر جلال الدین په زمانه کی ۱۵۴۲-۱۶۰۵ م) .

بل مشهور تاریخ په پښتو کی تاریخ مرصع دی چه افضل خان خټك د خوشحال خان خټك لمسی لیکی دی - چه پنز م باب ئی په کلشن روه او کلید افغانی کی (راورټی) نقل کړیدی او پوره نسخه ئی زما په گمان اوس نه موندیه کیږی - اما یو وخت ماته جناب سرورخان «گویا» د ملا اغا د قندهاردپخوانی نائب الحکومه (سردار محمد عثمانخان مرحوم) ورور دخولی ویلی وچه پوره ئی مکمل تاریخ مرصع د اکبرخان لعل پوری خخه و او ملا اغا پخپله لیدلی و .

بل تاریخی کتاب چه په پښتو لیکلی سوی دی دراورټی په قول سره تذکرة الملوك دی چه دراورټی لاسته ورغلی دی او دسدوزو دحکومت په زمانه کی لیکلی سوی دی راورټی ددی کتاب بیان په دی خیر کوی : « په دی باب کی چه یوحقیقت زما لاس ته راغلی دی هغه د تذکرة الملوك تاریخ دی چه په شپږ سوه او خلویښتو مخو او اتو برخوکی لیکلی سوی دی چه اوس نه پیدا کیږی او زما په خیال یوه نسخه به ئی هم په افغانستان کی نه وی د دروبر خو خخه دوی برخی ددی کتاب هغه واقعات دی چه د احمد شاه د مرگ خخه و روسته پیښ سوی دی مگر ماخپل مطلب ددی کتاب ددیباچی خخه پوره کی اوتذکرة الملوك په پښتو لیکلی سوی دی - دا کتاب یوه مقدمه او دوه اصله اویوه خاتمه لری مآخذئی دا کتابونه دی : تاریخ سلاطین سوریه، طبقات اکبری، مراة الافغانیه، تاریخ شاهان صفویه، شاهجهان نامه، عالمگیری، تاریخ فرخ سیری، تاریخ محمد شاهی، نادر نامه تاریخ احمد شاهی، رسالهٔ اکبر خاد که » .

(c) ketabton.com: The Digital Library

په‌اوسنی پیړی‌کی خوډیر تاریخی کتابونه په پښتولیکلی‌سوی اوترجمه سوی دی دهغوجملو څخه تاریخ دافغانستان دی‌چه منشی‌احمدجان لیکلی دی اوتاریخ دسلطان محمود دی چه مولوی‌احمد ترجمه‌کړیدی اونور .

مذهبی :

په‌هره زمانه‌کی چه تاریخی کتابونه موندلای سو مذهبی کتابونه هم موندلای سو اولیکلی سوی دی له هغوجملو څخه‌دی مخزن‌الاسرار او ارشادالطالبین او مخزن‌الاسلام داخند درویزه ـ چه دمخزن الاسرار یوه برخه راوړتی په‌گلشن روه او کلید افغانی کی هم نقل کړیدلی او ټول ضروری اولمړی دینیه مسائل په دی کتابوکی په منثور نظم لیکلی سوی‌دی اوزوی ئی هم دپلا رمخزن ټول کړی اوپرهغه ئی څه زیاتوب کړیدی اوبل کتاب ئی په‌ذمه د خلاصة البحر لیکلی دی او یوبل‌زوړ شلیدلی کتاب چه سراوپای‌ئی نه معلومیږی اونه سنه اوتاریخ لری زموږ په پښتو ټولنه‌کی سنه ښائی د اخلاصة البحروی یامخزن ـ او یوبل زوړ کتاب هم په پښتو ټولنه‌کی سته چه سراوپای نه لری اوپانی ئی سره توسویدی ـ مصنف‌ئی حسین نامی اوداخوند درویزه په‌سبك لیکلی سویدی معلومیږی چه‌داخند درویزه وزمانی ته‌نژدی او داخند درویزه دپیروانو څخه وی (کله چه ماوخت وموند پوره تحقیق به ئی وکم اوبیلوگرافی به‌ئی د کابل په مجله‌کی ولیکم) .

نور د بازید (۱) نامی کتابونه دی (۱٤ قرن م) چه د خورپان اوخیرالبیان په نامه لیکلی سوی دی جارج مارگن سترن دنار وی اوسید ونکی چه داسلوپه اکادمی‌کی دهند اوایرانی ژبو پروفیسردی په شلم (۲۰) دد سمبر ۱۹۳۷ ئی په یوه مکتوب‌کی موږ ته لیکلی وه

(۱) دبازید مفصل‌کیفت دی د ۱۳۱٤ په سالنامه‌کی وکتل‌سی .

چه د خیرالبیان قلمی‌نسخه د (سردینی سن راس) مستشرق څخه سته .

بل‌فوائدالشریعه داخوند محمد قاسم دی چه په (۱۵٦۰ع ـ ۹٦۷ه) کی لیکلی سوی دی محمدقاسم په څته پاپنی خیل د شنوارو اوداخند درویزه خیل دی‌اویوه برخه ئی‌راورتی په گلشن روه کی لیکلی‌دی .

بل دبابو جان کتاب دی چه داخند درویزه وزمانی ته نژدی لیکلی سوی دی اوبابوجان په څته دبلورستان اوجدید الاسلام دی . یوه برخه دکتاب ئی راورتی په گلشن روه کی نقل کړیده .

داوه غوره تاریخی کتابونه چه ما ته معلوم وه او زیات پردی چه دری سوه یا دوه سوه یاسل کاله پخوا ه یا کښته ترهغه لیکلی سویدی په سو واوزرودی چه د ټولولیکل زموږ محدوده مقاله‌اجازه نه را کوی او مادا رازکتابونه دلمړی کال په سالنامه کی څه لیکلی دی که د چا تفصیل په کاروی هلته دی و گوری .

زیات‌پردی دروتوگو (قصصی ، تاریخی، مذهبی) اخلاقی اواجتماعی کتابونه هم په پښتوکی ترجمه اولیکلی سوی دی لکه کلیله دمنه ترجمه دافضل‌خان‌خټك اودسعدی‌گلستان دعبدالقادرخان‌خټك‌ترجمه اونور . . .

داو نثر د پښتو چه پورته موخه څیړنه پروکړه اوس به نو دنظم پر برخه هم څه ولیکو چه د پښتو نظم د کمی زمانی او تر هغه ځایه چه زه معلومات لرم پرخو بر خو ویشلی سوی دی :

نظم :

پښتو تر نثر نظم ډیرلری او ا کثرهٔ اثار او کتابونه په نظم کی لیکلی سوی نثرئی هم د نظم پرډول دی چه داوس په ا صطلاح سره شعر منثور ورته ویل کیږی‌خصوص په پخواز مانوکی خو داشعر منثور خورا رواج در لود ځنگه چه په شعر کی دقافیی اووزن‌رعایت

(c) ketabton.com: The Digital Library

کیږی همدارنگه دوی پهخپل نثرکی دقافیی رعایت کاوه زه خوکرښی د هغه زاړه کتاب څخه چه حسین نامی لیکلی اوپه پښتوټولنه کی سته اومائی پورته څه بیان وکی دنمونی پر ډول لیکم چه هغه دادی .

خراب خاطرم (می) تل د شاه پر اوردی ـ زه د شاه په نندارهیم ـ زکه دا بشر را څخه خوردی په وحدت کی شاه یو دی د کثرت بازارئی لون لون جوړدی ـ په طلب کی ئی ژوندون کړم دا طلب ئی پرتاپوردی ـ هر چه منکر شی له طلب ـ بی پو ښتنی به دوزخ لره ورزی سزائی او ردی غافل مړدی ژوندی نه دی ـ دی په ژوند بندی دگوردی ـ هرڅه و مړ په ژوندونی ـ دلړمود مارانو باندی زوردی عاشق ولیده پهلحان کی داغافل ـ په غوژو کړ ، په سترگو کوردی ـ دمحبت په اوردی ډیزاومه پاخه شوه ـ ستایوڅه عجب کرجوړدی ـ شاه به ووینی حاضرای طالب ـ که دی مخ د شاه پراوردی ـ ای حسین نیت پرکل خلق یکسان کړ ـ که دښنه (دښمن) دی که دی وروردی »

یعنی د پښتوژبه په سبب دخپلیارت والی دشعراوطبیعی والی ژبه دهچه هرازمطلب په شعرکی راتلای سی اوپه پخوادزمانو کی ټول واقعات او سوالونه او جوابونه که رزمی وه که بزمی په شعرکی ویل کیدهدار مستنتر چه تریوڅایه دپښتو په منز ننوتلی اودپښتو دژبی حقیقت ورڅرگند سوی دی دا پورته مطلب په دی لاندی عبارت سره ادا کوی :

« پښتانه اخبار نه لری غزل د اخبار ځای نیولی دی ـ ټول روز سره افکار او خیالات او واقعات په شعرکی ویل کیږی اوعامو خلقوته رسیږی ـ د پښتو تاریخ د دوی داشعار وڅخه غونډیدلای سی که څه هم دا تاریخ د اروپائیانو د تاریخ څخه مخالف ولری مگر یوښه عمومی فکر په نسبت د ذهنیت د پښتنو سړی ته ورکوی او وقایع

داسی په زړه کی ټینگولای سی لکه چه انسان د هغه ملت پهزړه کی ناست دی او خبر وی » .

د پښتو د شعر برخی :

هغه ټول مسجع الفاظ او جملات چه په لحن او تغنی او اغلباً د ساز سره ویل کیږی هغوته پښتانه سندری یا بدلی وائی دا سندری یا بدلی په خپل کور کښی په لاندی نیو برخو ویشلی کیږی :

(۱) ناری یا ژغونه (۲) لنډی یامصری (۳) نیمکی (٤) رباعی (٥) غزل (٦) چار بیتی (۷) لوبه (۸) داستان (۹) ستاینه (۱۰) داتن ناری .

هر کله چه د پښتو د ادبیاتو په دی موضوع باندی ترا وسه ښه بحث نه دی سوی او په دی لارکی قلم نا بلده دی ـ نو هر څوك چه په دی موضوع کی څه لیکی یا گړیږی د اجمال د غولی څخه به ونه وزی ولی چه د دغه پورته اقسامو څه داسی منطقی تعریف نه دی سوی او نه ژرا میندسته چه ودی شی ـ بلکه د دوی امتیاز او توپیر یو تر بله د استقراء او تتبع په مهارت سره اړه لری او دا توپیر تراوسه پوری داسی دی لکه د شاتو ، گوړی اونباتو د خوند توپیر ، دا ټول خواږه دی خو څکونکی پوهیږی چه داشات دی او گوړه نه ده ، دغسی د سندرو دغه پورته اقسام هم یو تر بله په ذوق پوری اړه لری چاچه دغه مخصوص ذوق د استقراء پر ډول حاصل کړی وی هغه پوهیږی چه دا رباعی ده ، داغزل دی دا لوبه ده او دا چار بیته .

(c) ketabton.com: The Digital Library

سره له دی ټولوموږ هاند کوو چه ددی پورته اقسامو په منځ کی تر یوه حده پوری څه بیلو ونکی حد اوتو پیر مونده کو چه د باندنی پلتونکی ترڅه حده په پوه سی .

(۱) ناری یا ږغونه : څنګه چه په نثر کی قصصی برخه ډیره پخوانی ده اوناری هم په قصو کی ویلی کیږی او د قصو یو مهم او غوره غړی شمیرل کیږی نو ناری هم د ډیری پخوانی زمانی یعنی هغه زمانه موچه قصصی نثرته مقرره کړیده ناروته ئی هم ټاکلی سو .

ناری عموماً د بیت پر ډول دوی مصری چه په پای کی یو نوع قافیه هم لری دی مگر دا مصری اغلباً د عروضی او زانو لاندی راتلای نسی ـ اوداداسی یوشی دی لکه د یورپ د نن روزی ازاد شعرونه که چا د فتح خان او کرمی ، ادم خان و درخانی او موسی و گلمکی قصی ارویدلی وی هغوی پوهیږی چه دا څه ډول شعر دی مثلاً :

که دوی دکلابست در وازی دوی دی

په یوه فتح خان وزی پردابله ئی د مور ، مورسری ناری دی

یا :ـ هرمرغه چه دانه اخلی څنګ ئی ریژ دی

چه اجل ور باندی راسی لومه وا خلی دانه پریژ دی

یا :ـ خوش کیار په کلی زی کچکول بانه کی

که خدای ورکړه شاه ترینه خوش کیار به دا کچکول دانه دانه کی

تاسی گوری چه په دی ناروکی دویم بند تر اول اوږ دی او په لمړی ناره کی « دوی » او « ناری » دکلاسیك شعر په لحاظ قافیه هم کیدلای نه سی ـ داسی ناری هم سته چه تردی

اوږ دی یالنډی وی یعنی دنا رو په منځ کی یو ډول وحدت سته اما په خپل کورکی ټوله سره په یوه تله نه تللی کیږی .

(۲) لنډی یا مصری : دا یو بل خاص ډول بیتونه دی چه د نارو پر دول هر بیت ئی بیله بیله لحا ظه معنی او مدعا لری په دی کی هم دویمه مصری تراولی اوږده وی مگر دلته په دواړو مصر یوکی د قافیی شرط نسته او قافیه نه لری لکه :

چیر ته لندن چیرته چترال دی برنګی زورسوه پرنګیان چترال له زینه

یا

جانان می سر په سنګر کښینود پـه تـارد زلفوزه کفن ورله گندمه »

یا

دغم ډیوه را تـه لـگیږی : اندیښنو په بالښت خوب و رته کومه

یا

درزره صدفـمی هجران مات کی زکه پـه سترگو مر غلری تو یو مه

یا

به تور وتوك ټوك را سی مینه چه پرهارونه دی گندم خوله درکومه

یا

تو ری به نکړ و نو به څه کړو چه مو شیدی د پښتنی رو دلی دینه

یا

« ته ډیه زما په غیږکی ریژ دی هلته به څه کړی چه دتورو بر پښتا سینه »

د پښتنو په سند روکی دا نوع ډیر عام او شایع قسم دی نر ، شزی ، وا ړه ، غټ ، خوا نده او ناخوانه ټول په لنډیو پوهیږی

(c) ketabton.com: The Digital Library

او ویلای ئی سی ، په تو اولنډ یوکی دتقطیع او تللو په لحاظ همرنگی او هم آهنگی سته بی نظمی نه لری .

هو ! لنډی په وینا او لهجه کی د مناطقو په اعتبار ډیر زیات توپیر لری په تیرا ، پیښور ، باجوړ تگاو ، وردك ، شلکر ، گر مسیر د قندهار او جنوبی کی په بیلو بیلو نغمو او لهجو ویلی کیږی مگر پـه دی و زنو کی اول تیرا والی اوبیا دپیښور لنډی ډیری خوندوری او موثری دی اوزه افسوس کوم چه دقلم په خوکه دلنډ یووزن ښودلای نه سم ـ دادهغه آلی کاردی چه ژغ جذب کوی اوبیائی په برقی موجونو بیرته هواته ورکی .

زما پـه اټکل سره لنډی دزړو ښخه و روستی دی مگر بیاهم دډیری پخوانی زمانی دی ز که لنډی د طبیعت زاده دی اوداخرگنده ده چه طبیعی شی هرو مرو پخوانی او دډیر وزمانو وی که مـوژ ئی ډیر پخوانی توب خرگنداو ثبوته ولای نسومگر دوگړو په سینوا وخولو کی داسی لنډی سته چه خپل عمر زرکاله پخواه ښی لکه :

« چه د خالو لشکری را غلی زه به گومل ته د خپل یاردیدن اه لمه)

دپښتو ملی اشعار اکثراً دښزو له خواه وی چه خپل یارته ئی وائی ـ دالنډی هم هغی ښځئی ویلی ده چه میړه یامین ئی د هندوستان دفتح دپاره تللی و ـ اومعبرد گومل په پخواه زمانه کی د هندوستان اولار وه ـ ډیرفاتحان لکه سلطان محموداوتیموراو . . . . د دی لاری هندوستان ته تللی دی ـ ملك خالود سلطان محمود په پاچهی کی ډیر لوی سردار اومشرد پښتنو و ، چه د سلطان محمود سره د هندوستان دفتحی

له پاره تللی و ـ او خور شید جهان ، خصائل السعادت د سعاد تخان تور ترین (طبع ۱۲۹۷ ه) دده نوم د سلطان محمود دلویو سردارانو په جمله کی لیکلی دی .

(۳) نیمکی : په نیمکیو کی دوه غوره اومهم عنصره دی یو هغه جزء دی چه بیا بیا (مکرر) ویل کیږی هغه جزء ته سروائی ، بل په منز منز کی نوری نوری مصری ورلویږی ، دامصری چه په سرکی مستعملیږی تش په همد غه اعتبار سره ټیکی ورته وائی ، نوپه نیمکیو کی یوسردی اونوری ټیکی داسر ، دهری ټیکی سره اوړی را اوړی لکه :

« ماویل که زه به درته ژارم ؛ آ ، وړی لیلی سهاردی ؛ د مانه سرکی ؛ او ښکی ستا پرمخ رازینه . اخ وړی لیلی سهار دی ، شمال لگیږی ـ ژیړی پانی رژوینه ـ آ ، وړی لیلی سهاردی شمال لگیږی »

په دی پورته نیمکی سر فقط همد ونه دی چه « آ ، وړی لیلی سهار دی ؛ شمال لگیږی ، تنکی پانی خو زینه یا ژیړی پانی رژوینه » باقی ورسره په منز منز کی ټیکی لویږی مثلاپه پورته مثال کی ټیکی داده : « ماویل که زه به درته ژارم ـ زمانه سرکی او ښکی ستاپرمخ رازینه » ټوله نیمکی په همدی یووزن او مقام نه دی بیل بیل و زنو نه او نمونی لری مگر کلی قاعده ئی همداوه چه پورته وویله سوه .

(٤) رباعی : د پښتو په ادب او موسیقی کی رباعی په دغه عر بی معنی نه ده چه در بعی ښخه جو ړه سو یده او یا هغه شعر چه څلو ر مصری لری . بلکه په پښتو کښ بیله او ځانته معنی لری د پښتو رباعی لکه غزل دپښتونه بیاتر پنزلسو او شلو پوری بیتونه لری دوی لمړی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مصری چه مطلع ورته وائی په قافیه او ردیف کی موافقت لری اونور بیتونه په پای کی په قافیه او ردیف کښ سره یووی او توافق لری - لمړی مصری ازادی او سیژی لکه درحمن بابا اوحمید اکثرو سندر وته رباعی ویلی کیژی پښتانه په خپل موسیقی قانون کی دا لازمه گڼی چه اول رباعی وویله سی وروسته غزل پرواخلی .

دا رباعی ده :

دا یو خر نگه ژوندون دی نپو هیژم
خواب وخیال دی که افسون دی نپو هیژم
جام د میو چه د ځان په وینو مومم
تروز لال که زگر خون دی نپو هیژم
د پتن او د بلبل تر میان حیرانم
مخ دی او ردی که گلگون دی نپو هیژم
په شانه سره دی تار دزلفو بیل شه
که غوښ شوی می نارون دی نپو هیژم
عشق په هسی رنگ مقام باندی قائم کړم
چه وصال دی که بیلتون دی نپو هیژم
د خپل زړه دی علامت وته حیران یم
چه موسی دی که قارون دی نپو هیژم
د«رحمان» سهره ئی ژیړه زعفران کړه
خدای زده عشق دی کهطاعون دی نپو هیژم

(٥) غزل : غزل زیات درباعی په خیروی ، مگر کله کلهدغزل

بندونه دری مصری اوکله ترددرو زیاتی وی دغزل او رباعی فرق په اکثرو ځایوکی خوراگران وی خصوصا پههغو غزلوکوچهدوی مصری ولری .

د رباعی اوغزل توپیر :

درباعی بیتونه ضرور دوی مصری والا وی اودغزل زیات هم کید لای سی مثلا :

« رنا دعلم وعرفان — کهوی فانوس ئی قران »
رنوی دوایره جهان — خالی لمبه وایرهجهان لرهسوختن دی »
جناب «خادم»

دا دغزل یو بندی چه ځلور مصری لری په دی ځلو رو کی دری لمړی مصری ځانته قافیه لری او ورستنی مصری د مطلع سره موافقت کوی مطلع ئی داده :

« ستاله کرمهئی تازهدزړه گلشن دی شکاره کمال دی پرتول وطن دی »

ولی هغه غزلونه چه دوی مصری والا دی هلته په خپل مخصوص آهنگ او طرز سره درباعی ځخه پیژندل کیژی لکه دنو روز ، توکل میرا ، رمضان . خرم اوسیدکمال سندری اکثره غزلی دی چه نمونه ددوو مصریو والا اوځلور ومصریو والا داده :

دوی مصری والا :

نن می رنز دبیلتانه دی چه کړیژم نه رغیژم
کهوصال را باندی راسیدغنچوپشان غوریژم

(c) ketabton.com: The Digital Library

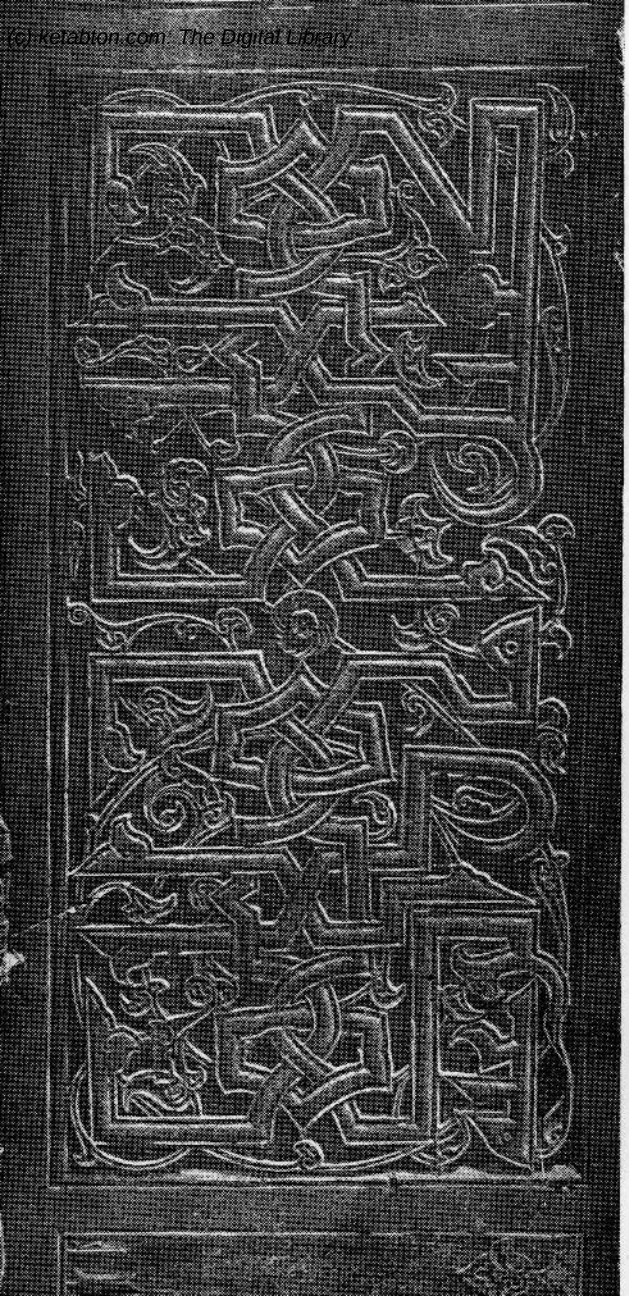

از آثار نفیس و تاریخی هرات : قسمتی از نوشته جات حکاکی از مناره های مصلی
Une partie des inscriptions d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat

دلیلاسینه باغچه ده رنگارنگ گلان په زانگی
زه بلبل دصبحدم یم د شبنم پر مخ پر ژړم
دظالم رقیب دلاسه بندی پروت په زولانه کی
خپل اشنای می راخبر کی صبا بیا په دارزړیژم
دتهمت به خم کی رنگ سوم پاك به نه شم لکه زاغ
دصیقل طبیب رابولی په رنگ روز په روز ژړیژم
زه میران بی خه پرواکم چه خپل یارلرم غمخوره
په دعا د فقیر نوا د بلبل په شان چو نیژم

خلور مصری والا :

بی اعتباره ستا په درکی یم شر میژم کوه پر ما نظر صنمه
تپ می ناصور په وینوسور کله رغیژم زخمی دزړه پرسرصنمه
که وفا دار ئی زما یار ئی په زیر یو واری سم و گوره
بنه می ژیړه پر منز دړه زما زړه لکه قلم و گوره
په زړه رنزور سینه تنور زما فریاد ونه په هر دم و گوره
مریض یم شپه و روز ولیژم ته نه گوی باور صنمه
ولی و ماته سم نه گوری درب د پاره مرم در پسی
ته بی پروا شاه شاهان ئی د زړه وینه زه خورم در پسی
هیڅ دی طلب زما و نه کی شتاب شتاب لرم در پسی
لکه بورا د گل پرمخ باندی چغیژم فاری می کمال وسرصنمه
دعشق له تاوه می ناری زی تردهانه داخه کانی راوسوی پما
خبرمی ولاړی تر دیرو وترملتانه داخه کانی راوسوی پما

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمونهٔ حجاری قدیم افغانستان : لوح مزار سلطان غیاث الدین غوری در هرات
Spécimen de l'ancienne sculpture d'Afghanistan : La dalle du tombeau de sultan Ghiassud-Din Ghouri à Hérat

از آثار نفیس و تاریخی هرات : حصهٔ تحتانی یکی از مینار های مصلی
La base d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat

(c) ketabton.com: The Digital Library

دی ـ هغه ادبیات چه د عربی داد بیا تو څخه متاثر سوی او د عر بو دادبیاتو اوزان او اصول ئی منلی دی بله ځانته برخه ده چه د یوی تاکلی‌زمانی څخه شروع سوی‌دی په دی پورته حساب کی نه شمیرل کیږی چه موږ به ئی کښته بیان و کو .

ددی ملی اشعار وشاعران ډیری ناخوانه وه یا اکثرهغه کسان وه چه دښار والو سره ئی دونه تگ اوراتگ نه درلود اودعربو او عجمو په عروض چندان نه پوهیدل اودا اقسام موچه پورته وښودل ضرور پخواه ترهغه وه چه دپښتو شعر دعربو عروض مانه ـ نو په دی حساب څه رنگه چه انسان دری مرحلی دکوچنی والی او زوانی‌اوزړتوب لری د پښتو ادبیات هم په درو دور ویادر وزمانو ویشلی سوپه دی‌ډول :

څنگه چه دباندنی‌عوامل ، تاثیردمحیط اووضعیت دټولنی(اجتماع) دانسان پرنفسیه احوال، فکراوجذباتو اغیزه کوی اوتل بشر په تحول اوتطورکی وی ـ شعر وادب هم چه دانسان دافکارو او احساساتو استازی بلل کیږی ددی تحول او تطور څخه خلاص نه وی تل خپله بڼه او ډول بدلوی او دمحیط رنگ اخلی نودپښتو ادبیاتو هم په مختلفو زمانوکی داتحول قبول کړی اودی تحول ته موږ دری تعبیره کولی سو (۱) طبیعی ادبیات یاپخوانی زمانه (۲) نیم مصنوعی ادبیات یامنزوی زمانه (۳) مصنوعی ادبیات یاوروستنی زمانه . .

طبیعی ادبیات یاپخوانی زمانه خود هغی زمانی ادبیات دی چه پخواه تراسلام او بیاد اسلام ددریم قرن پوری رواج وه او پښتنو په خپلو لوړو غروکی ویل ـ صنعت بری نه‌دی‌پرموندلی لکه قصصی برخه

دنثر اولنۍ او دانور زنی اقسام دنظم چه ماپورته یاد کړه .

نیم مصنوعی ادبیات یامنزوی زمانه : ددریم قرن هجری یاپه بل عبارت د سلطان محمود دزمانی څخه شروع کیږی او ترشاه جهان او اورنگ زیب ترزمانی چه دمصنوعی ادبیاتو پلارخوشحال خان ختك نبوغ کاوه رارسیږی که څه هم دا کبرجلال الدین اونور و مغلو په زمانه کی زنی شعرا وه چه عروضی اومصنوعی‌شعرئی‌وایه اودیوانونه ئی درلود لکه دولت ، ارزانی او . . . بیاهم هغواشعاروته پوره مصنوعی نه سو ویلای .

دینم مصنوعی دادبیاتو د شروع سبب خو په دی خبر تعبیرکولی سو چه د سلطان محمود د زمانی څخه دطوائف الملوکی کبله ټوله سوه ـ علم و ادب دو نی عام سو چه غره او سمی ته و رسیده پښتانه د سلطنت په اوضاع و پوهیدل د پادشاه په دربارکی لکه « ارسلان حاجب » دلویو منصبو خاوندان سوه فتوحات ئی و کړه اودیوه ملك څخه‌ئی و بل ملك ته لښگك و ئی . دهغه دربار نژدیکت او معاشرت چه باید د علم و ادب (فارسی ، عربی) دربار و رته و وایو پر دوی هم اغیزه و کړه ـ معاشرت او ژوندون ئی د خاص مدنیت په غولی کی داخل‌سو ـ دعربو اوعجمو ادبیات ددوی پر ادبیاتو تاثیروکی اوورسره گډ سوه او ورو ورو ئی خپل عمل په کښ کاوه تر هغو چه شعرا و د عربو او عجمو عروض ومانه او بیخی تر دی تاثیر لاندی راغله د دی سبك د شعراو مشر خوشحال خان ختك دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

چه تفصیل ئی آ ینده ته پریږ دو .

دنیم مصنوعی ادبیاتو نمونه هغه داخند درویزه اوبازید او حسین او بابو جان او نور چه مائی پورته شه شه بیان وکی گڼلی سو .

دا هم باید و وایو چه د عربو اوعجمو د عروض تر تاثیرلاندی هغه شعرا ډیر راغله چه یائی په عربی اوفارسی علوموکی بلدیت درلود یا شهروته نژدی او د دربار تر تاثیر لاندی وه او هغه چه طبیعی شاعران او په خپلو غروکی استیدل یا ناخوانه وه په همغو خپلو ملی قواعد و سره ئی اشعار ویل او تراوسه ئی وائی .

مصنوعی ادبیات یا وروستنی زمانه : هغه اشعار دی چه د عروض او قافیی په زنزیر تړلی سوی اود عربو او عجمو او هندیو د مصنوعی ادبیاتو تر تاثیر لاندی راغلی دی ـ که شه هم په دی مصنوعی شعرکی دینی او اخلاقی مضمو نونه ډیر سته مگر عاشقانه اشعار ئی تر نور و مضمونو ډیر دی او د پیدایښت سبب ئی ماپورته و وایه مگر د نهضت او ترقی سبب ئی دادی :

مغلو د دهلی تخت د پښتنو شخه ونیو او د پښتنو وبادشاهی ته ئی په دهلی کی خاتمه ورکړه نو دوی او پښتانه سره بدو ورده سول او هم مغلو روز په روز تیری کاوه او غوښتل ئی چه د خپلی استعمار طلبی تنده د پښتنو په نیولو سره ماته کی .

له بلی خواه دپښتنو مشران اوپوه چه ددوی په مطلب پوهیدل غوښتل ئی چه خپل قوم و یښ کی اودمغلو په مخ کی ئی لکه د پولا دو

سوك استعمال کی اوخپل استقلال وساتی نوودی خبری ته اړ سول چه په داسی ژبه دوی په دی مطلب پوهکی چه پردوی اغیزه وکی او تاثیرولری نوهغه ژبه خو دشعر وادب ژبه وه اوددی میدان پهلوان خوخوشحال خان وچه شعرئی هم زده وعلم و فضل ئی په فارسی اوعربی او هندی کی هم درلود ـ دده خو یو داخیال وچه دټولو ژبو د ادبیاتو ښه و الی اومزیت په پښتو کی ټول کی اوپښتو دفارسی (چه په دی وختکی عروج درلود اومغلو غوښتل چه عامه سی) په مخ کی ودروی اوبل ئی دا غوښتل چه ډول ډول اورنگ رنگ فلسفی ، اجتماعی ، سیاسی ، عشقی اوحماسی او . . . مضامینو سره د پښتنو حسیات لوړکی ـ نو عروضی یا په بل عبارت مصنوعی ادبیاتوته ئی نهضت ورکی اولوړی درجی ته ئی ورساوه چه نن روز دعروضی یامصنوعی ادبیاتو پلار بلل کیږی .

وروسته له خوشحال خان شخه په دی وروستنی زمانه یا مصنوعی ادبیاتو کی داسی اورژبی شعرا اوادیبان شرگند سول چه دپښتو د شعر مرتبه ئی اسمان ته ورسوله .

دپښتو دشعرا ، اودپښتو دادبیاتو مفصل بیان او نمونی ئی خو بیل بیان دی چه دسژکال په دی مقاله کی زیات تر دی ځای نلری که ژوندی وم ښائی دا تاریخچه بشپړه کم او که نه وم یا وخت په لاس رانغی بل دپښتون زوی به په دی لارکی زیاروباسی اوزمانیمگری ارمانونه به سرته ورسوی او د خپلی ملی ژبی مزیت به شرگند اوتاریخ به ئی بشپړکی که خدای کول .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مآخذ او مدارك مي په دی مقاله کی دا کتابونه دی .

(۱) سخندان فارس تالیف د مولینا محمد حسین آزاد

(۲) تاریخ ادبیات ایران تالیف د میرزا جلال الدین همائی

(۳) دویلهلم گیگر المانی دفقه اللغه رساله (۱) (۱۸۹۳ ع)

(٤) د دار مستتر کتاب (شان پو پو لیر دیز فگان

Chants populaires des afghans

(٥) د راورتی د گرامر مقدمه

Grmmar of phustu by Raverty

(٦) د هندوستان وژ بوته کتنه مؤلف ابراهام کریر سن

Linguistic survey of India

(۷) د کابل سالنامی او نمبر ۷۱ ـ ۷٦ ـ ۷۷ مجلی

(۸) د طلوع افغان د ـ دیر لسم کال کلکسیون

(۹) د جناب قیام الدینخان « خادم » زنی یاد داشتونه

(۱۰) زنی پاشلی نو ټونه د متفرقو کتابو څخه

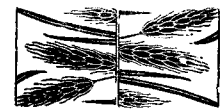

(۱) د جناب رحمت‌الله خان لیوال (دبانك ملی ترجمان) څخه تشکر کوم چه زماسره ئی د جرمنی ژبی په ترجمه کی مرسته کړیده .

(۲) دا ه چه په سنسکرت کی معمول‌ده نه وه آبله «ه» چه لاندی چپه واو غواړی په کښ‌ترتیب سوه‌لوستونکی دی‌د سنسکرت ه وگڼی

مسکوکات افغانستان

قبل الاسلام

نگارش جناب احمد علی‌خان کهزاد
مدیر شعبهٔ تالیف و ترجمهٔ انجمن

این پارچه‌های فلزات طلائی ـ نقرئی ـ مسی که دست‌بدست میگردد وبنام « پول » یاد میشود اگرچه بالذات به هیچ درد نمیخورد ولی اسباب رفع تمام احتیاجات و حوایج بشری است و در عالم مادیات امروز بدرجهٔ صاحب اقتدار است که‌تمام قواهای‌دیگر راتحت الشعاع خود گرفته است . این پول که‌در حیات بشر چنین رول مهی را بازی میکند اول بصورت‌عمومی دارای‌تاریخچهٔ مفصل وباز انواع واقسام آن در دنیا وحتی در یك مملکت ویك شهر بواسطهٔ مرور زمان بدرجهٔ زیاد است که‌تحقیق آن علم مخصوصی شده ویکدسته علمای معینی بنام « سکه شناسان » در اطراف آن مطالعه و تدقیق مینمایند .

مسکوکات برای روشن کردن وقایع گذشتهٔ تاریخی یکی از مهترین منابع موثق است وهرجائی که زبان تاریخ خاموش و از کتیبه های سنگی وغیره منابع‌اثری نیست بدان متمسك‌شده‌و بجائی‌رسیده‌اند . مسکوکات هردوره و هرمملکت بعلت اینکه اول یك‌چیز فلزی است وباز درنوع وزمان خود به تعداد زیاد در دسترس عموم بود با اینکه آن دوره وآن‌عصر باتمام موجودیت و اثارخود ازبین رفته باشد این پارچه های فلزی که باتمام معنی نمایندهٔ صادق آن دوره و قوم وجامعه

(c) ketabton.com: The Digital Library

بوده از بین نرفته وامکان ندارد که از میان گرد وخاك وخرابه‌های آن نقطهٔ مجهول یکدانه ، دودانه پیدانشود وچون در مسکوکات تمام اعصارعوامل دینی وزبانی ـ رسم‌الخط ـ طرزلباس ـ اسم وصورت‌شاه سنه ـ محل ضرب ـ بعضی اوقات اسلحه و حیوانات و دیگر چیزها بضرب رسیده یك دانه و دو دانه سکه باز بان فصیح بسیار چیز های مهم آن دوره را معلومات میدهد وهمین که یکبار سررشته بدست آمد و یك اندازه معلومات اساسی جمع شد از روی سکه های مختلف یك پادشاه ویك شهر ویك محل وباز از روی مقایسهٔ مسکوکات مختلف چندین‌شاه تمام وقایع یك عصر طولانی را میتوان روشن ساخت .

پس اگر مدققین اروپائی امروز در اطراف مسکوکات تدقیق میکنند وعلمای مخصوصی حیات خودرا در پالش وکولکسیون آنهاصرف مینمایند حق دارند ، زحمت انها بهدر نمیرود ، سکوکات در حقیقت اوراق فلزی کتاب تاریخی است که شیرازه آن از هم گسیخته و سر سر حوادث روزگار انها رابهر طرف پریشان ساخته است . برای اینکه این کتاب‌مطالعه و ازان استفاده شود اول در جمع آوری وترتیب اوراق ان باید زحمت کشید .

پول چه وقت به میان آمد ؟ — سکه چه وقت اختراع شد ؟ علت‌ظهوران چه‌بود ؟ جواب این مسائل وامثال آن‌بامراتب تدریجی تکامل بشر همدوش است و انسان تازمانی‌که بحالت انفرادی می‌زیست چون احتیاجات ابتدائی خود را خودش رفع میکرد ، وموضوع کمك اجتماعی در میان نبود بناء علیه پول هم‌که اسباب وواسطه‌تحصیل کمك

غیر است وجودنداشته بعد ازینکه انسان وارد مرحلهٔ حیات اجتماعی شد وضعیت تغیر کرد ، احتیاجات زیاد شد وچون یکنفر به تنهائی تمام احتیاجات خود را رفع نمیتوانست مجبور شد که‌یك حصه حوائج حیاتیه خود را ذریعه دیگران فراهم‌کند . این وضعیت باعث شد که «عامل» یا «واسطهٔ» پیدا شود که‌ذریعه ان «کمك‌دیگران» بدست آید . به‌اساس همین نظریه قبل‌ازظهور «پول» درتمام‌ممالك روی زمین «کمك دیگران» یا «ماحصل زحمت دیگران» به‌جنس حاصل میشد یعنی جنس به‌جنس‌تبدیل میگردید چنانچه وحشیان اوقانوسیه وامریکای‌شمالی‌وافریقا هنوزهم‌مابه الاحتیاج‌خودرا به‌جنس‌میخرندوجنس‌را به‌جنس تبدیل‌میکنند.

قرار تحقیقاتیکه نموده‌اند بعدازین مرحلهٔ ابتدائی درممالك اسیای غربی‌واراضی کنارسواحل بحرالروم که‌افغانستان‌وهند هم‌جزء آن‌باشد خریداشیا بیشتر باتبادلهٔ‌حیوانات بعمل‌می‌آمدچنانچه یادگار این‌معامله‌هنوز دربعضی‌السنه آریائی مانده و ازروی کلمهٔ پول(Pecunia پکونیا) درزبان لاتین ، (fee یا ieh فه یافیه) درجرمنی ، (روپیه) در سانسکریت که‌همه دراوائل به‌معنی (حیوان) بود حقیقت این نظریه معلوم میشود .

اهالی ممالکیکه به‌ساحل دریاقریب‌بودند (پارچه‌های‌نمك) و (صدف دریائی) را به‌سائراشیاتبدیل میکردند چنانچه‌قبل ازعهدمسیح این‌صدف به‌بنام (Cypraea سیپرآ)و(Couris کوریس) درشرق اقصی خیلی رواج‌داشت ودربعضی نقاط افریقا هنوزهم ازبین‌نرفته است .

وقتیکه فلزات وارد میدان مبادله شد قبل ازینکه برنگ سکهٔ‌حقیقی درآیند مراتب مختلف را پیمو ده‌اند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

درمصر درعصر فراعنه‌که سکه‌وجو دنداشت تمام‌فلزات ازقبیل طلا الکترم ـ نقره ـ مس ـ سرب وآهن درمبادله استعمال میشد چنانچه تصاویر مصری پارچه‌های‌فلزات رابصورت‌طبیعی طوریکه‌ازمعدن می‌برامد یابشکل گرد درخریطه‌های کوچك ، یابصورت پارچه‌وخشت ومیله وغیره اشکالی که‌عملیات ذوب به‌آن میداد نشان مید هد وفلز هر شکلی که داشت معیارآن ازروی‌وزن باترازوی‌کو چکی سنجیده میشد و چون برای خریداری یك‌چیز هردفعه مجبور میشدند که‌برابر ارزش آن چیز فلز بدهند کنج‌های آنرامیساویدند ومی بریدند وآخراشکال این کار ایشانرا مجبور کرد که‌مقطوعه‌های‌فلزی به‌اوزان‌معین‌بسازند.

پسان‌ترمصری‌ها حلقه‌های فلزی‌ا زطلا و نقره ایجادکردندکه آنرا «Outen اوتن» میگویند ویك‌دانه‌آن به‌ده « Kat کت» تقسیم‌میشود ووزن یکدا نه‌آن ۷۲ ر ۵ گرام‌بود این حلقه‌ها بعبارت د یگر یکنوع « سکه‌حلقه‌ئی » مدوری بود .

همچنان کلدانی هاوعیلا می‌هاهم این‌مراتب را پیموده وبه تد ریج آنهاهم‌دارای پول‌های حلقه‌ئی شده اند. اهالی کلده وعیلام درمیا ن اسیائی‌ها ازهمه اول ترفلزات را شناخته اند واحد فلزی آنها که کار سکه‌را میداد (مین mine) نام‌داشت وآن‌دونوع بود«مین بزرگ » و«مین کوچك» اولی ۱۰۱۰ گرام و دومی منا صفه آن ۵۰۵ گرام وزن داشت و به‌اصول ٦ در٦ به ٦۰ سیکل sicle خورد وکلان تقسیم میشد .

مسکوکات‌حلقه‌ئی که اول درمصروبعد نزد کلدانی هاوعیلامیها رواج یافته بود ا گرچه دارای علائم اعتبار ضمانت نبود معذالك‌چون

کارسکه رامیداد گفته میتوانیم که‌بنوع خودش قدیم‌ترین پولی‌بود که انسان درسواحل بحرالروم اسیای غربی می شناخت حتماً اهالی قدیم افغانستان ماهم این‌نوع مسکوکات داشتند .

نا گفته نماند که‌نزد تمام ملل مفکوره معیار تبادله فلزات بهمین اساس روی کار نیامده است بلکه اوائل آن در بعضی جاها طور دیگر هم بوده‌و اوائل‌قضیه‌مسکوکات آنها به مبادلهٔ اشیا واوزارفلزی شروع شده است. چنانچه در شرق افغانستان درمملکت پهنا ورچین واحد معیار مبادله (کارد) و در امریکا (تبر نقره بود .)

از سکوکات حلقه ئی که فوقا متذکر شدیم حین حفریات اسیای غربی بسیار پیدا شده چنانچه « دو مرگان » سکه شناس معروف و فقید فرانسه در ۱۸۸۹ ازقبرستان قدیم‌ارمنستان روس به تعداد زیاد کشف کرده وقرارگفتهٔ خودش‌چون فلز حلقه‌های مذکور از آسوری آمده تقسیمات خورد و کلان آنهم ازنقطهٔ نظر وزن به اصول همان مملکت شده است. هکذا ازین قبیل مسکوکات چه طلا وچه نقره وچه مس از تهداب معابد سوز هم بسیار بدست آمده و قراریکه «موسیو موریس بزارو» ۷۷ حلقه طلارا وزن نموده‌وزن‌آنها ازیکدیگر مختلف واختلاف‌آن بین ٦۵ گرام و۵۰ر٤ گرام‌تفاوت میکند. این مسکوکات بشکل انگشتری میباشد که حلقهٔ آن بسته نشده و قطرآن ۱۵ میلیمتر میباشد .

پس گفته میتوانیم که در ۲ هزار ق ـ عنی عصری که تاریخ این معابد را به آن نسبت میدهند در سوز و اراضی قفقاز یعنی نقاط

(c) ketabton.com: The Digital Library

غربی اسیا فلزات بصورت حلقه در آورده شده بود تا داد و ستد و مبادلهٔ آن با اجناس آسان باشد ولی هنوزهم کار پول را نداده‌رول جنس را بازی میکرد بصورت جنس تبادله میشد .

بعد چون دامنهٔ زندگانی اجتماعی‌وسعت پیدا کرد و با آن‌دایره احتیاجات هم وسیع تر گردید معاملات مبادله و خرید و فروش بیشتر گردیده تجارت هم روی کار آمد ودر نتیجه ، دست بدست گردیدن فلزات هم بیشتر شد. درین وقت برای اینکه از تقلب جلوگیری بعمل آمده باشد و تقلب نه از نقطهٔ نظر وزن بلکه از لحاظ معیار صافی فلز جلوگیری شود قواهای اجتماعیه آنوقت ویا سوداگر خانه‌ها بفکر افتادند تا پارچهٔ فلز را نشانی کنند چنانچه با قلم و چکش وسندان فلزات مقطوعه را نشانی میکردند تا نزد عوام از نقطهٔ نظر وزن و خصوصا صافی فلز اعتبار داشته باشد و این مرحلهٔ اولی ظهورمسکوکات است که در قرن هفت ق م مصادف میباشد .

اختراع فلزات‌مقطوعه نشانی شده را برخی به اهالی شهر (سارد Sarde) پایتخت (لیدی Lydie) مملکت قدیم اسیای صغیر و بعضی به ساکنین یونانی جزیرهٔ (اژین Egine) که در خلیج «اژین» واقع است نسبت میدهند ولی چون اهالی «لیدی» قدیم تواند و در تجارت از همه پیش قدم میباشند بالعموم اختراع فلزات مقطوعه نشانی شده را به ایشان نسبت میدهند ومیگویند که (ژی‌جس Gyges) موسس خانواده سلطنتی (مرم نادMermnades) قرن ۸ ق‌م کسی است که قدیم ترین فلزات مقطوعه نشانی‌شده را بمیان آورده است .

که وزن آن ها از ۱۰٫۸۲۰ تا ۱۴٫۲۵۵ گرام فرق‌میکند و برطبق « استاترس «Stateres» بابلی ها و فیقی ها تقسیمات دارد .

این‌مسکوکات‌مقطوعه ازروی شکل ، غیرمنظم ومختلف‌وعموما مایل به‌گردی ولوزی‌است . یکطرف‌آن‌عموما رده رده‌علائم‌ضرب روی‌سندان و طرف دیگر آن نشانی هائی که با قلم و چکش نموده اند معلوم میشود. بعضی های دیگر یکطرفش چقور و غیر منظم و طرف دیگر ان دو رو باه بحال دوش معلوم میشود .

در عصر کروزوس «Croesus» پادشاه دیگر« لیدی » که بین ۵۵۴_۵۶۸ ق م سلطنت نموده سکه یکقدم دیگر پیش گذاشته‌و دارای‌خواص‌صنعتی گردید چنانچه‌روی‌راسته فلزمقطوعه نیم مقابل بدن شیر و گاو رو بروی هم وطرف دیگر دومربع چقور معلوم میشود .

اگر چه هخا منشی ها بعد از فتح اسیای صغیر سکه را شناختند معذالك در زمانه هائی که مقارن باولین‌تصادف آنها با غرب اسیا بود خود شان سکه نزدند قرار گفته « هرودت » داریوش اول پسر « هشتاسپ » درمیان ایشان سکه‌رارواج داد .

چون روابط تجارتی یونانی ها با سواحل اسیائی خصوصا بالیدی های اسیای صغیر مخترع اولین فلزات مقطوعه نشانی نشده زیاد بود این عمل‌در زمان انها هم رواج یافت وچون قوم تجارت پیشه‌بودندبه دادوستداحتیاج‌زیادداشتند قبل‌از هخامنشی‌ها به‌ضرب فلزات پرداختند و هر ولایت وشهر یونان به حساب و اوزان خود سکه‌هائی بمیان آورد و چون هخامنشی ها که درین وقت در غرب اسیا حاکمیت

(c) Kitabton.com: The Digital Library

Menandre مناندر

داشتند به پول و سکه توجه نکردند در بابل و سائر قسمت های اسیا همان پارچه های مقطوعه فلزات ماند و یونان دارای مسکوکات شد . بعد سائر ممالك سواحل اسیائی هم شروع به ضرب مسکوکات نمودند و هخامنشی ها هم به تقلید دیگر ها داخل این کار شدند . قراریکه F.Lénotmant « لنورمانت » درکتاب (مسکوکات در عصر قدیم جلد ۲ صفحهٔ سوم) میگوید داریوش اول ضرب طلارا برای خود اختصاص داده وباقی نایب الحکومه‌ها وشهرها را اجازه نداده بود که نقره ومس سکه زنند اما «دومورگان» سکه شناس فرانسوی قول او را صحیح نمیداند و میگوید که نایب الحکومه ها و شهر ها در انتخاب فلزمسکوکات خود آزاد بودند .

سکه شاهی عصر هخامنشی سکه بود طلائی موسوم به (دادیك) که ۸٫۴۲ گرام وزن داشت و از روی وزن برابر نصف سکه شهر (فوسه Phocée) اسیای صغیر بود زیرا سکه شهر اخیرالذکر ۱۶٫۸۴ گرام وزن داشت سکه‌نقره‌ئی هخامنشی موسوم‌به « سیکل sicle» ۵٫۶۰ گرام وزن‌داشت . درزمان‌داریوش‌سوم «دادیك» مضاعف طلا بوزن ۱۶٫۶۵ گرام هم‌برامد . یونانی‌ها عموماً آنهائی که محکوم هخامنشی ها بودند و یا نبودند « الکترم » یعنی‌فلزی را که ازسه حصه طلا ویکحصه نقره مرکب‌بود ضرب میزدند . خود هخامنشی‌ها گاهی مفرغ سکه نزده‌اند .

« دادیك » و «سیکل» شاهی هخامنشی ها مانند سکه های قدیم یونان مدور بود . بطرف روی سکه شاه به زانو نشسته بجانش

(c) ketabton.com: The Digital Library

مسکوکات ازس Azes

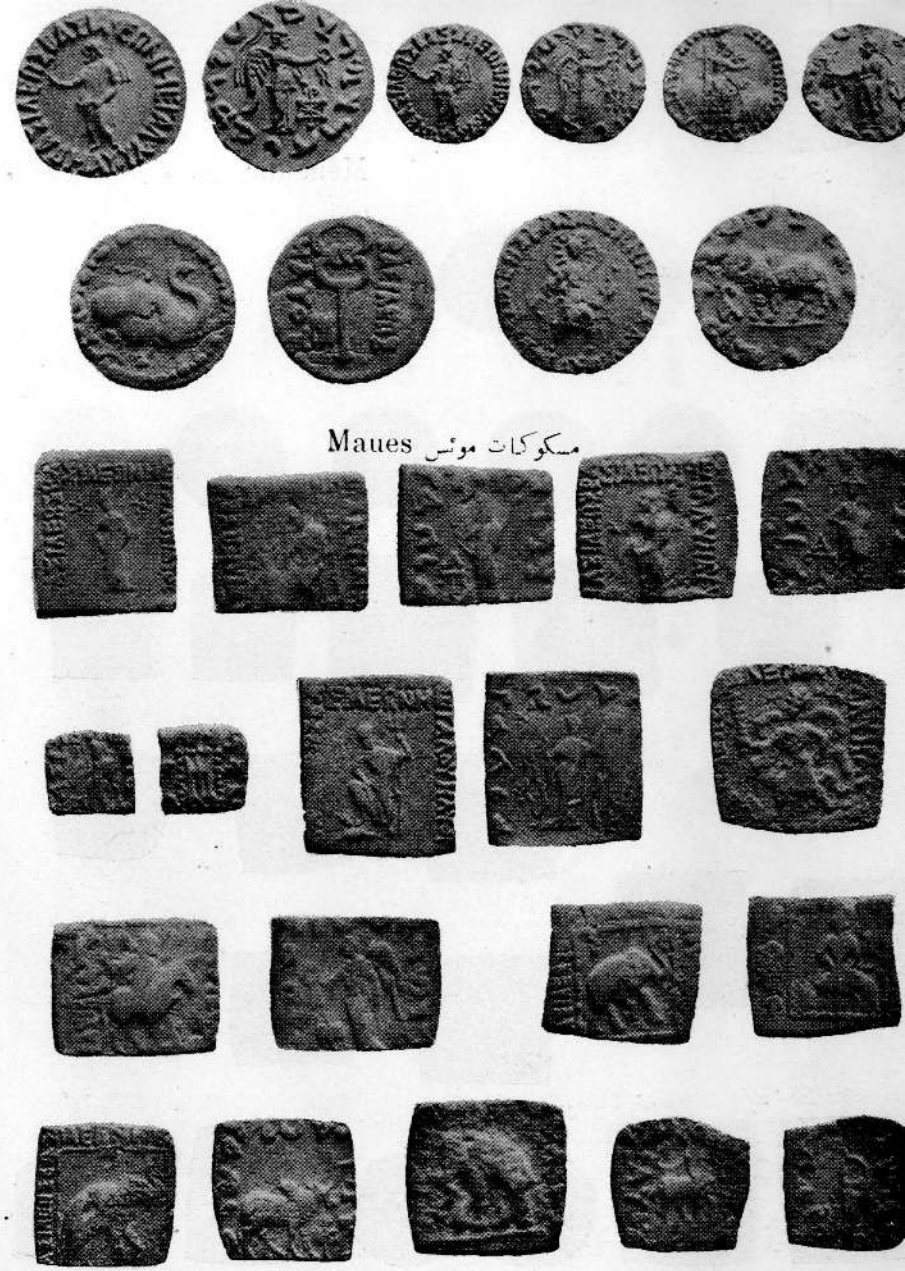

مسکوکات موئس Maues

Diodotos دیودوتس

Euthydème ایوتیدم

Demetrios دمیتریوس

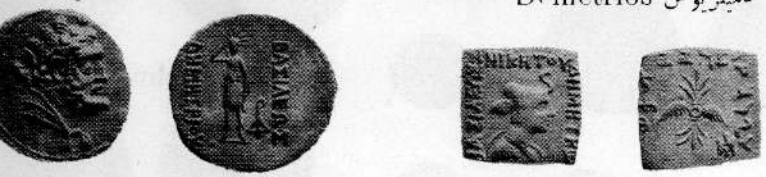

Euthydéme II ایوتیدم‌دوم

Azilises ازیلیزس

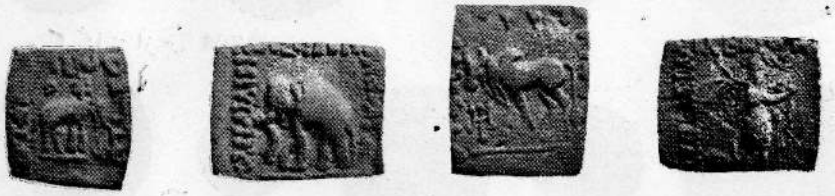

ونونس و اسپالا هورس
Vonones Spalahores

و نونس و اسپالا دکانس
Vonones Spaladkanes

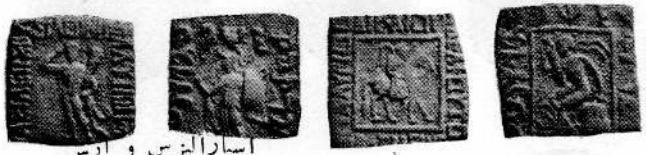

اسپارالیزس و ازس
Sparalises Azes

Sparalizes اسپارالیزس

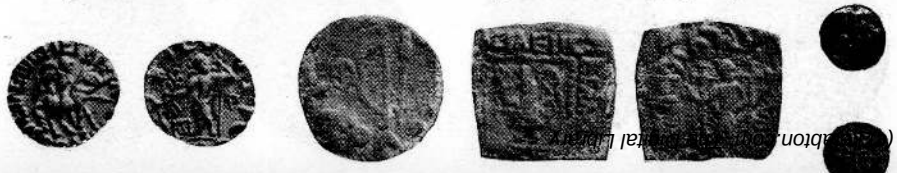

(c) Bibliotheca Alexandrina (Digital Library)

(c) Hetabton.com - The Digital Library

Eukratides ایو کرتیدس

Helio-kles هلیو کلس

Pantaléon پانتاله اون

Agathokles اگاتو کلس

Antimachus آنتی‌ما کوس

Eukratides ایو کراتیدس

(c) ketabton.com: The Digital Library

(کندل Candyle) و بسرش (سیدارس Cidaris) یکنوع کلاه گرد داندانه دار است . در دست چپش کمان و در دست راستش نیزه ـ خنجر یا تیر میباشد . پشت سکه تازمان داریوش سوم چیزی نداشت جز سوراخی که در وقت ضرب روی سکه ان نهاده میشد در زمان داریوش سوم به پشت سکه هم اشکال ساده از قبیل دو ماه نوپشت به پشت ، خطوط مواج و غیره ظهور کرد . این مسکوکات نوشته ندارد فقط بعضی بطرف روی سکه دارای علامه ضرب یا حرف دیگری است که تاحال خوانده نشده .

❀ ❀ ❀

حالا که مبدء ظهورسکه ومراتب تدریجی آن درغرب آسیا بملاحظه رسید میخواهیم ببینیم که مسکوکات در شرق افغانستان در سر زمین سری هند چطور بود وچه مراتبی را طی کرده است . هندی ها مانند چینائی و اکثر ممالك دیگر آسیائی در تمام اعصار قبل التاریخ حتما « سیپیه آ » صدف دریائی را در مبادله اجناس و معاملات خرید و فروش خود استعمال نموده اند وچون بعدها درشرق اقصی استعمال صدف و فلز در یك عصر هم رواج داشت میشود معیار ارزش این صدف‌ها یا پول های اولیهٔ هند را تعین نمود. « کوری » خورد ترین واحد پول هند بود بعدگند ganda معادل چهار « کوری » و بالا تر « پانا Pana » ۲۰ گندا یا ۸۰ کوری میشد که ازروی وزن با ۳۳۰ ر ۹ گرام تعادل داشت . ازین چیزها بالا تر « تنکه Tangka یا « انا ana » می آمد که مساوی چهار « پانا » میشد و اخر « کرشه karsa » واحد عالی بود که یکدانهٔ آن مساوی ٤ تنگه و معادل ۲۸۰ ر ۱٤۹ گرام مس و ۳٫٦۲۸ گرام نقره میشد .

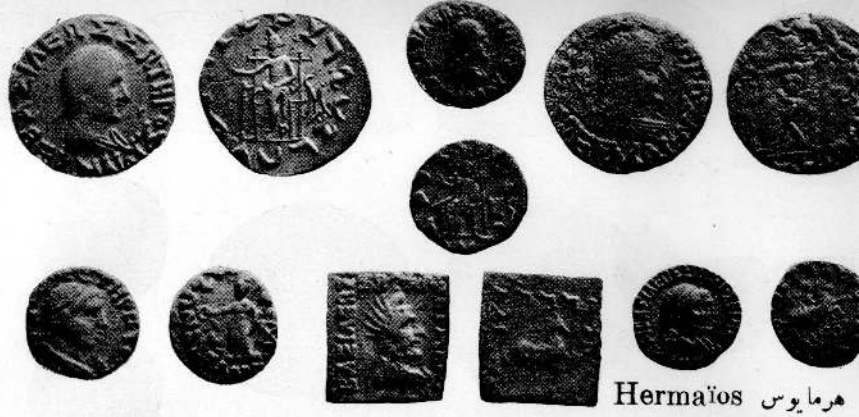

Hermaïos هرمایوس

Alexandre اسکندر Demetrios دمتریوس

Eukratides ایو کراتیدس

Eukratides-Héliocles-Delaodis ایو کراتیدس باهلیو کلس دلاودیس

(c) ketabton.com: The Digital Library

با این حساب‌ها چیز عجیبی که یافته اند این است که سکه « کرشه » نقره‌ئی هندی از روی وزن کاملا مساوی سکه « سیکل » فنیقی‌ها است و به اساس این نظریه مورخین میگویند که سکه فنیقی‌ها یا ذریعهٔ خودشان یا ذریعهٔ ملاحان عرب که برای تجارت به هند می آمد درین سر زمین وارد شده و بعدها نفوذ مقدونیه با اسکندر سرایت کرده است.

قدیمترین سکه هندی که نقرئی و مسی است بشکل فلزات مقطوعه نشانی شده است اما ازین نشانی ها به هیچ صورت محل ضرب و ضرب زننده آن معلوم نمیشود. تقریبا معاصر همین زمان در هند سکه های مفرغ ریخته شده هم به میان آمده. بعضی سکه شناسان اوائل سکه هند را به هزار سال ق م بلند میبرند اما « دو مرگان » در کتاب مسکوکات شرق جلد دوم صفحه ۳٤٤ میگوید که این نظریه مبالغه کارانه است و احتمال دارد که اوائل مسکوکات این سرزمین در حوالی قرن ٥ یا ٦ ق م شروع شده باشد. دو مرگان این را هم میگوید که این هم معلوم نیست که آیا اختراع سکه در هند بومی است یا از خارج وارد شده اگر از خارج گرفته شده باشد اثرات نفوذ هخا منشی، فنیقی یونانی در آنجا سرایت کرده است.

خلاصه این مسکوکات بی نام و نشان یا طوریکه درقسمت اول مطالعات خود تعریف نمودیم این مقطوعات فلزی نشانی شده در تمام خاك هند رواج داشت و اشکال آن عموما مربع و مستطیل و نشانی که میکردند علی الخصوص در روی سکه بوده وطرف دیگر آن لشم بود و قرار مطالعاتی که نموده اند ازین نشانی‌ها ۳۰۰ رقم مختلف در هند یافت شده.

حالا که تاریخچهٔ عمومی ظهور مسکوکات به اندازه کافی شرح یافت میخواهیم چند سطر در رشته عمومیات راجع به افغانستان هم گفته بعد بصورت خصوصی تغیرات مراتب مسکوکات را در مملکت خود شرح دهیم.

طبیعی است که در افغانستان ما هم مبادلهٔ اشیا اول بصورت جنس شروع شده و بعد طوریکه در آسیای غربی اجناس بیشتر به حیوانات مبادله میشد درافغانستان هم حتما این معامله رواج داشت چنانچه هنوز از نورستان بعضی چیز ها را به « گاو » میخرند. همینطور مبادله اشیا با صدف هم در افغانستان دورهٔ داشته و گفته میتوانیم که این دوره درمملکت ما طولانی تر بوده چنانچه تاهمین یك قرن قبل هم به یاد بود همان معامله ها « کودی ها » را دربازار میگرفتند وهنوزهم درمواد بی اهمیتی یك چیز میگویند که به « یك کودی نمی ارزد » سپس فلزات مقطوعه نقره ومفرغ هم مراتب خود راپیموده چنانچه اخیراً از کول چمن حضوری ازپای تپه مرنجان مسکوکات زیادی یافت شده که نوشته ندارد ومحض دارای نشانی‌ها وعلائم مخصوصه میباشد وحتماً بخیال من درجمله مقطوعات فلزی نشانی شده حساب میشوند.

وضعیت مسکوکات در ممالك آسیائی بهمین منوال بود که لشکر کشی های اسکندرشروع شد. فتوحات اسکندردراوائل به مسکوکات دول مفتوحه چندان اثر نکرد بلکه برعکس مسکوکات فاتح یونانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

زیرنفوذ شرق آمد چنانچه دربعضی سکه های اسکندر حرف اول نام محلی که درانجا به ضرب رسیده به رسم الخط فنیقی تحریراست. علاوه برین درچهارسکه که اسکندر رو شهر هیرا پولیس Hierapolys یا (بام بلیس Bambyc شهری بود درشام) بضرب رسا نیده نام او به رسم الخط سامی نوشته شده است . همین طورچندی دیگر هم مسکوکات یونانی تحت نفوذ سکه های شرق بود چنانچه در مدت ۲۵ سالیکه ازسقوط امپرا طوری هخامنشی تازمان مرگ اسکندر میگذرد مسکوکات یونانی ها به سبك و رویه هخامنشی بضرب میرسد .

بعد از مرگ اسکندر چون حصه بزرگ آسیای غربی بدست سلوسیدها افتاد ایشان مسکوکات خود را به رویه مخصوص یونانی در آوردند لیکن هنوز هم دربعض سکه ها مثل مسکوکاتی که در منطقه فنیسی Phenicie (کنارسواحل غربی شام) بضرب رسیده هنوز نام کار خانه ضرب به رسم الخط سامی نوشته شده است لیکن پسان تر آخرین اثرشرق هم ازمسکوکات یونانی ها زایل شده و باسلاطین یونانی خاندان سلوسید شامی مسکوکات کاملا یونانی بمیان آمد چون ایشان خود را به تنهائی وارث اراضی مفتوحه اسکندر درآسیا تصور میکردند مسکوکات ایشان درایران وافغانستان کم وبیش شیوع داشت و درعین زمان بامداخلت خاندان موریای هندی وپیش قدمی آنها در افغانستان جنوبی مسکوکات شاهان این سلسله هم درجنوب هندوکوه انتشار یافت همین طور این وضعیت پراگندگی تاوقتی دوام داشت که درحوالی ۲۵۰ ق م سلطنت مستقل یونانی درباختر و متعاقبا سلطنت دیگری درپارتیا بمیان آمد . اگرچه مسکوکات « ارساسیدهای » پارتی هم

در افغانستان بکثرت یافت میشود و موسس این خانوادهٔ سلطنتی هم باختری است لیکن چون معاصرشان شاهان یونانی باختری مستقیم تر جزو تاریخ قبل الاسلام افغانستان است چندکلمه راجع به مسکوکات « ارساسید » گفته بذکرمسکوکات یونانی‌های باختری میپردازیم.

ارساسید های پارتی فقط نقره ومس سکه زده اند وپولی طلائی از آنها دیده نشده سکه های نقره ئی آنها مدوروکلان وخورد است ومسکوکات مفرغ آنها در زمان « مهردا » اول و جانشینان او خورد ترشد . روی مسکوکات خاندان « ارساسید » عموما نوشته ندارد ونوشتهٔ آن بطرف پشت سکه است ومضمون آن عموماً طوری تحریرشده که شکل مربعی بخود میگیرد . سنه این مسکوکات از روی عهد سلوسیدها که مبدء آن سال ۳۱۲ ق م میباشد حساب شده. پشت مسکوکات آنها خیلی مختلف است وعموما شخصی را نمایش میدهد که بالای تخت نشسته ، به سرش گوش پوشك مخروطی ودر دست راست کمانی را گرفته است این شخص در پشت تقریبا تمام مسکوکات خورد وکلان نقره‌ئی ودربعضی مسکوکات مفرغ هم دیده میشود . روی هم رفته شاهان ارساسید از روی سکوکات سلوسیدهای شام تقلید نموده اند مضمون ضرب و سنهٔ ان طوریکه بالا گفتیم بطرف پشت سکه است و نام پادشاه عموما نوشته نیست و این بزرگترین اشکالی است که در تعین مسکوکات شاهان مختلف این سلسله بمیان می آید .

❀❀❀

بعداز فتوحات اسکندر و ادعای سلوسیدهای شامی و تجاوزهای خاندان موریا هندی بهترین مسکوکات افغانستان بعد از ۲۵۰ در اثر تشکیل سلطنت مستقل باختری بمیان می آید . درین وقت چون

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغانستان یکطرف ازقلمرو امپراطوری یونانی سلوسیدهای شام مجزا شد و از طرف دیگر تجاوز خاندان موریا عقب نشست با سلاطین یونانی باختری که در شمال و جنوب هندو کوه سلطنت نموده اند مسکوکات افغانستانی ضرب(باختر) و (کاپیسیا) رائج شد .

این مسکوکات قطع نظر از ینکه باختری و کاپسیائی است و تعریف انرا از ین‌جهت نمیکنیم که در سر زمین وطن‌ما بضرب‌رسیده بلکه همه سکه شناسان همقول و معترف اند که در نفاست نقوش و اشکال ورسم الخط و تمام جهات ضرب در دنیای قدیم نظیر نداشت چنانچه‌باز یبائی خود حتی‌امروز هم از بهترین سکه های ممالك متمدنه خوب تر ، قشنگ تر و با دوام تر اند وهر یك از مسکوکات شاهان یونانی باختری‌خصوص مسکوکات « اوتیدموس » و « ایوکراتیدس » مانند مدال های زیبائی است که دیگر نظیر آن بمیان نخواهد آمد.

یونانی هائی که درباختر سلطنت مستقل‌تاسیس‌نمودندا بتدادر ضرب مسکوکات خود تنها زبان یونانی را استعمال می‌نمودند چنانچه این نظریه عموما در مورد آن شاهانی حقیقت دارد که در شمال هندو کوه سلطنت‌نموده اند ولی‌چون‌زبان یونانی را کس نمی‌فهمید دیری نمیگذرد که مجبور شده زبان بومی « پراکریت » ورسم الخط « خروشتی» را که قسمی از رسم الخط (ارامی) بود و قرار عقیدهٔ مستشرقین ازعصر هخامنشی به‌بعد درافغانستان رواج داشت در پشت مسکوکات خود استعمال میکنند اگر چه « ایو کراتیدس» شاه یونانی باختر اولین کسی است که درمسکوکات خود دو زبان ودو رسم الخط را

استعمال کرده لیکن این‌رویه بیشتر نزدان‌طبقهٔ شاهان یونانی افغانستان معمول بود که ظهور اسکائی‌هاایشان‌را بجنوب هندو کوه محدود ساخته وعموما مسکوکات آنهابه (کاپیسیا) به ضرب رسیده‌است و قراریکه از شهادت مسکوکات معلوم میشود زبان و رسم الخط یونانی همیشه به روی سکه وعین ترجمه آن به زبان پراکریت و رسم‌الخط خروشتی بطرف پشت آن تحریر میباشد .

یونانی ها عموما چه درباختر وچه در کاپیسا بطرف روی سکه تصویر خود و در طرف چپه آن ارباب النوع یونانی مثل : ـ زوس هراکلس ـ پالاس ـ ارتمیس ـ اپلو ـ پوزیدون ـ وغیره‌را به‌وضعیت های مختلف ضرب میزدند . اما آنهائیکه محض در جنوب هندو کوه سلطنت‌نموده‌اندبعلاوهٔ اینکه‌زبان و رسم‌الخط بومی درپشت مسکوکات شان عمومیت دارد بعضی اوقات تصاویر ارباب النوع محلی را نیز در مسکوکات خود بضرب رسانیده اند چنانچه . قرار نظریه « موسیو فوشه » بعضی‌مسکوکات « ایوکراتیدس » که در شهر کاپیسیا ضرب زده‌شده رب‌النوع مخصوص‌این‌شهررا نشان‌میدهد

بهرحال‌یونانی‌های جنوب هندوکوه تازمان‌هرمایوس (٥٤ — ٥٠م) اخرین شاه یونانی کابل زمین زبان پراکریت‌ورسم الخط خروشتی‌را درچپه مسکوکات استعمال نموده اند وحتی‌اگر به‌مسکوکات اتکا شود دراواخر ازنقطه نظردین ولباس وزبان ورسم‌الخط بیش ازبیش تحت اثرات ، محیط وممکنت ماواقع شده بودند چنانچه بعضی مسکوکات « مناندر » وحتی«دمتریوس » شاهد این‌مدعااست‌شاهان‌یونانی‌جنوب هندوکوه سر اسر نقره‌ومس‌سکه زده‌اند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بعدازیونانی‌ها درزمان تهاجم اسکائی ها وشاهان ایشان یا « هندو یست » وپهلو اها یا « هندو پارت » مسکوکات افغانستان سراسر نقره ئی ومسی است وضرب آن از نقطهٔ نظر سبك زبان، ارباب النوع وغیره تقلیدی بود یعنی چیز نوی ازخود نداشت بلکه ازروی مسکوکات شاهان یونانی باختری که درافغانستان به‌تعداد زیاد موجوداست تقلید میشد . نوشته این مسکوکات مانند عصر یونانی های جنوب هندوکوه یونانی برروی سکه وپراکریت به‌رسم الخط خروشتی به‌پشت آن بود . اسکائی هائی که بعد از فتح باختر از راه سیستان وارا کوزی مساوی قندهار به‌حوضه اندوس مساوی سندفرودآمده اند ودرپنجاب وحصه مشرقی افغانستان حکمفرمائی کرده‌اند هم به دو زبان سکه‌زده اند همین طورپهلواهای سیستان وقندهار ، که موسس خانواده شاهی آنها « ونونس » راتصور میکنند برعلاوه‌زبان یونانی درروی سکه پراکریت را به‌رسم الخط خروشتی به‌طرف چپه مسکوکات خود استعمال نموده اند ازین ملاحظات معلوم میشود که درزمانه های قبل الاسلام مدت مدیدی زبان « پراکریت » و رسم‌الخط « خروشتی » که انرا رسم الخط « باختری » یا « آریو — باختری » هم گویند تقریباً در تمام افغانستان وپنجاب معمول بود والازبان ورسم الخط بومی گفته درمسکوکات استعمال نمیشود

کوشانی ها ئی که آخرین عناصر یونانیت‌را ازجنوب‌هندوکوه می‌بردارند هم از نقطهٔ نظر مسکوکات چیز تازه بمیان نیاوردند بلکه سراسر تقلید مسکوکاتی‌رانمودند که‌حین ورودشان درافغانستان معمول ومروج بود چنانچه « کجولا کدفیزس » که « هرمایوس »

(c) ketabton.com: The Digital Library

(مضمون ذیل بعد از سطر ۱۳ کلمهٔ آفتاب « صفحهٔ ۳۱۷ » خوانده شود)

ما او ـ ماه و ارباب انواع هندی مثل : ـ « شیوا » ، « نانا » و غیره میگیرد « دی کد فیزس » مس و طلا سکه زده و عموما بطرف راسته سکه بلباس کوشانی ایستاده معلوم میشود . بطرف چپه سکهٔ او بلا استثنا شکل « شیوا » بضرب رسیده است « ویما کد فیزس » در مسکوکات عناوین مجلل و با شکوه اختیار نموده و خود را : ـ شاه کبیر ـ شهنشاه ـ باوار دینا ـ پیر ر شیوا خوانده است .

تصویر « کنیشکا » درمسکوکات شبیهٔ تصویر ایستاده ویما کدفیزس است و دور صورت او عموما هالهٔ نور دیده میشود . در سکه های کوچك طلا بصورت نیم تنه یاربع تنه نمایش یافته . درچپهٔ مسکوکات « کنیشکا » تمام ارباب انواع یونانی ـ باختری ـ هندی دیده میشود .

« هوویشکا » سکه های طلائی بیشتر دارد در بعضی فقط سراو در بعضی های دیگر مناصفهٔ بدن او نمایش یافته است . در سکه های مسی یا بر فیل سوار است یا بالای تختی دراز کشیده و یا بوضعیت چهارزانو معلوم میشود . بعد از « واسودوا » قوای خارجی کوشانی ضعیف شده و قلمرو آنها به اراضی دره کابل و گندها را محدود میگردد و مسکوکاتی که بنام « کانیشکو » و « وازو » دارند متعلق به همین عصر انحطاط آنها است .

بعد از تهاجم هیاطله و سقوط آنها کوشانی هائی که به کوهای چترال بالا رفته بودند به وادی کابل فرود آمده چند نفری ازایشان به سلطنت رسیده که بنام کوشانی های خورد موسوم اند و ایشان را معمولا (پنکی) هم میگویند مسکوکات آنها عموما

یونانی وآخرین عناصرهلینزم را ازصفحات جنوب هندوکوه محومیکند بدرجهٔ درتقلید مبالغه میکند که در مسکوکاتی که دارای تصویر « هرمایوس » است نام خودراضرب میزند وحتی دربعضی مسکوکات نام هردوی شان ذکراست . پسان ترنام « هرمایوس » یونانی را کاملاً از بین برده ونام خودرا بضرب رسانیده است اما رسم الخط وزبان یونانی وحتی تصویر هرمایوس درتمام مسکوکات او باقی مانده . علاوه برین دربعضی مسکوکات مسی سری را بضرب رسانیده که قرار نظریهٔ سکه شناسان ازروی سکه « اگوست » امپراطورروم تقلیدشده است .

بعدازو با عصر « ویما کد فیزس » وسائر کوشانی هائی که بعد از کنشکا می آیند مسکوکات کوشانی ها آهسته آهسته خواص مخصوصی بخود میگیرد : رسم الخط یونانی کم کم بدرجهٔ تغیر کرده وخراب میشود که درآخر ازخواندن می براید ـ جای ارباب انواع یونانی را آهسته آهسته ارباب انواع محلی باختری مثل :ـ میرو ـ مهر ـ افتاب نقرئی ومسی وازروی شکل نازك میباشد درروی مسکوکات آنها عموماً شکل شاه وکلمه «پنکی ملك» ودرپشت آن دروسط ، دوپایه ودوطرف آن دونفرمعلوم میشود وبعلاوه درین طرف سکه بعضی اوقات کلمهٔ «شاه» هم خوانده میشود . این مسکوکات روی هم رفته ازروی شکل و اندازه شبیه سکه های ساسانی ها وازروی البسه وزیورات اشخاصی که روی آنها نمایش یافته به هندی هم قرابت دارند .

ازین گذشته آخرین دسته سکه هائی که به آنها مسکوکات عصر قبل الاسلام افغانستان تمام میشود سکه های نقره ئی ومسی است که عموماً در

(c) ketabton.com: The Digital Library

نزدعوام‌ما بنام «فیل‌سوار» و «گاوسوار» معروف‌است. این‌مسکوکات مربوط بیك‌دسته شاهان هنوداست که‌درتاریخ بنام «کابل‌شاهان هنود» یادشده‌اند وچون‌آخرین‌اولادهٔ کوشانی کابل‌زمین آهسته‌آهسته ضعیف شده واز بین رفتند جای ایشان را گرفته و بسلطنت رسیدند چنانچه البیرونی درین‌موضوع اشاره‌کرده میگوید که‌جای آخرین شاه‌کوشانی کابل‌را که Lagaturman «لاگاتورمان» نام‌داشت وزیر برهمنی اش «کالار Kallar» گرفته وسلسلهٔ «هنود شاهی‌ها» را بمیان آورد. این‌دسته‌که‌روی‌هم رفته از ۸۷۵ ب‌م تا ۱۰۰۰ ب‌م سلطنت‌کرده اند حین‌ورود فاتحین اسلام وچندی بعدترهم درکابل و اراضی شرقی آن‌حکومت نموده‌اند. مسکوکات این‌سلسله‌را سکه شناسان فرنگ‌از روی نقوش به‌سه دسته تقسیم نموده اند:

۱ ـ رقم‌گاو وسوار کار.

۲ ـ رقم‌فیل‌سوار

۳ ـ رقم‌شیر وطاؤس

روی‌راستهٔ‌این‌مسکوکات عموماً اشکال گاو وفیل‌ودرپشت آن بعضی‌اوقات شاه‌بالای‌اسپ وبعضی‌اوقات شکل‌شیر نمایش‌یافته‌است‌ازین مسکوکات اگرچه «گاودار» و «فیل‌دار» مسی آن زیاداست ازرقمی که‌شیروطاؤس درآن‌نمایش یافته‌فقط یك‌دانه‌بدست آمده که‌در (برتش موزیم) لندن‌میباشد.

مسکوکات شاهان یونانی باختر

« دیودوتس » که ازطرف‌شاهان یونانی خاندان (سلوسید) شاهی‌دربکتریان باختر حکمران بود درحوالی ۲۵۰ اعلان استقلال نموده وازین تاریخ بعد سلطنت مستقل یونانی در (اریانا) یعنی افغانستان تاسیس میشودکه تاچندی مرکز آن درشمال هندوکوه شهر (بکتر) و بعد از تهاجم اسکائی ـ کوشان درحالیکه نفوذ یونانی ها به‌جنوب هندوکوه محدود میشود در کاپیسا یا بگرام فعلی منتقل میگردد.

نفوذ یونانی ازشمال هندوکوه با « هلیوکلس » واز کابلستان با « هریالوس » در حوالی شروع عهد مسیحی به آخر میرسد. مسکوکات ایشان تایکزمان تنها به زبان یونانی و بعد ازینکه بجنوب هندوکوه منتقل میشوند به دو زبان یونانی و پراکریت افغانستان و رسم‌الخط یونانی و خروشتی به ضرب میرسد. باقی تفصیلات قرار آتی است:

دیودوتس Diodotos : حوالی ۲۰۰ـ ۲۴۵ ق‌م

(۱) سکهٔ مدور طلا وزن مساوی ۱۳۰ گرین
اندازه‌مساوی (۷۵ر۰) انچ

روی‌سکه: سر پادشاه به نیم رخ راست

پشت سکه: تصویر ایستاده (زوس) رب النوع یونانی، دیودوتس پادشاه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۲) سکهٔ مدور نقره : وزن مساوی ۲۵۵ گرین
اندازه « (۱/۱) انچ

روی سکه : سر پادشاه.

چپه سکه : تصویر ایستاده (زوس) ، دیو دوتس پادشاه

(۳) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۶۹ گرین
اندازه « (۷۵ر.) انچ

روی سکه : صورت پادشاه. برسرش کلاه مقدونوی (کوسیا) که بشکل کلاه بارانی است مشاهده میشود.

پشت سکه : پالاس Pallas رب النوع جنگ ، دیو دوتس پادشاه اوتید موس Euthydemos (حوالی ۲۲۰ ق م)

(٤) سکهٔ مدور نقره : وزن مساوی ٦۰ گرین
اندازه « (٦٥ر.) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم رخ

پشت سکه : « هیرا کلس » (رب النوع یونانی) برهنه بالای سنگی نشسته در دست راستش چوبی میباشد.

(٥) سکهٔ مدور مسی وزن مساوی ۱۱۰ گرین
اندازه مساوی (۹ر.) انچ

روی سکه : تصویر ریش دار هرا کلس

پشت سکه : اسپ بحالت خیز کردن

دمتر یوس Demetrios پسراوتید موس درحوالی ۲۰۰ ق م بجنوب هند وکوه وپنجاب سلطنت نموده است. این شاه نقره و مس سکه زده و خود را « دمترلوس پادشاه » خوانده .

(٦) سکهٔ مدور نقره : وزن ـ ۲۵۵ گرین
اندازه (۳ر۱) انچ

روی سکه : صورت پادشاه به نیم رخ راست نمایش یافته وبسرش کلاهی بشکل سر فیل است.

پشت سکه : هرا کلس برهنه ایستاده است .

(۷) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۲٦ گرین
اندازه مساوی (۹ر.) انچ

روی سکه : در اینجا پاد شاه ریش دارد و به نیم رخ راست دیده میشود.

پشت سکه : « ارتمیس » Artemis (رب النوع یونانی) ایستاده است .

این شاه سکهٔ مسی مربعی هم دارد که در پشت آن به رسم الخط خروشتی نوشته است .

اوتیدموس دوم پسراوتیدموس اول : این شاه در نقره و نیکل و مس سکه زده است .

(۸) سکهٔ مدور نقره : وزن مساوی ۲٦۰ گرین
اندازه مساوی (۳ ر ۱) انچ

(c) ketabton.com: The Digital Library

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه : تصویر برهنه ایستادهٔ هراکلس
(۹) سکهٔ مدور نیکل : وزن مساوی ۱۱۰ گرین
اندازه مساوی (۹۵ر۰) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنهٔ شاه
پشت سکه : سه پایه

(۱۰) سکه مدور مسی : این سکه هم مانند سکه (۹) است اما وزن و اندازهٔ آن خورد تر میباشد .

پانتالئون Pantaléon (حوالی ۱۹۰ ق م) در روی سکه بزبان پراکریت در پشت آن به زبان یونانی نوشته دارد و خود را « پانتالئون پادشاه » خوانده است این شاه بیشتر مس سکه زده
(۱۱) سکهٔ مربع مسی، وزن مساوی ۱۶۵ گرین
اندازه مساوی (۸ر۰) انچ

روی سکه : دختری به لباس شرقی میرقصد
پشت سکه : شیر ایستاده است

اگاتوکلس Agatbokles (حوالی ۱۸۵ ق م) این شاه درنقره و نیکل ومس سکه زده وخودرا « اگاتوکلس پادشاه » یا « اگاتوکلس پادشاه کبیر » خوانده .

(۱۲) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۲۲۲ گرین
اندازه مساوی (۵۵ ر۱) انچ

روی سکه : سر اسکندر
پشت سکه : زوس رب النوع یونانی بالای تخت نشسته است
(۱۳) سکهٔ مدور نیکل : وزن مساوی ۱۰۵ گرین
اندازه مساوی (۸۵ر۰) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنه دیونی زوس رب النوع یونانی
پشت سکه : پلنگ ایستاده

(۱٤) سکهٔ مربع مسی : وزن مساوی ۱۸۵ گرین
اندازه مساوی (۷۵ر۰) انچ

روی سکه : مانند (سکه ۱۵)
پشت سکه : مانند سکه (۱۰)

انتی ماکوس تهاوز Antimachos Theos در نقره ومس سکه زده وخود را به لقب (تهاوس - کبیر) خوانده
(۱۵) سکهٔ مدورنقره وزن مساوی ۲۵۰ گرین
اندازه مساوی (۱ر۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه : پوزیدون Posridon (رب النوع بحار) ایستاده است.

ایوکراتیدس (حوالی ۱۷۵ ق م) درنقره ومس سکه زده وخود را « ایوکراتیدس پادشاه » خوانده.
(۱۶) سکهٔ مدورنقره : وزن مساوی ٦۵ گرین
اندازه مساوی (۷ر۰) انچ

(c) ketabton.com: The Digital Library

روی سکه : سر شاه

پشت سکه : اپلو (رب النوع یونانی) ایستاده بدست راستش تیر و بدست چپش کمان میباشد .

(۱۷) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۸۸ گرین
اندازه (۸۵ر.) انچ

روی سکه : شاه درحالیکه کلاه فولادی به سر دارد به نیم رخ راست نمایش یافته

پشت سکه : (دیوسکوری) ستارهٔ صبح و شام بالای اسپ ها سوار اند

هلیوکلس Heiokles (حوالی ۱۴۰-۱۵۶ ق م) درنقره ومس سکه زده وخودرا « هلیوکلس شاه کبیر » خوانده .

(۱۸) سکهٔ مدورنقره : وزن مساوی ۲۴۶ گرین
اندازه « (۳ر۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : زوس (رب النوع یونانی) استاده وبدست چپ چوب درازی را گرفته است

(۱۹) سکهٔ مدورمسی : این سکه مانند سکهٔ نقره فوق الذکر میباشد وزن آن کمتراست .

ایولودوتس Apollodotos : (حوالی ۱۴۰-۱۵۶ ق م) درنقره ومس سکه زده وخودرا به لقب (سوتروس یعنی منجی) یاد کرده مضمون

ضرب سکهٔ اوچنین است : (ایولودوتس پاد شاه منجی)

(۲۰) سکهٔ مدورنقره : وزن - ۳۱ گرین
اندازه - (۶ر.) انچ

روی سکه : فیل استاده

پشت سکه : گاو استاده

این شاه سکهٔ مربع نقرهٔ هم دارد .

مناندر Menandre : حوالی ۱۴۰-۱۶۰ ق م - درنقره ومس سکه زده وخود « را مناندراس پادشاه منجی » خوانده . این شاه به نمونه‌های مختلف خورد وکلان ، مسی ونقره ، مربع و مدور سکهٔ زیاد دارد .

(۲۱) سکهٔ مدورنقره : وزن مساوی ۱۴۰ گرین
اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : پالاس Pallas رب النوع جنگ یونانی استاده

همین قسم سکه مدور نقره خورد هم دارد که وزن آن ۳۴ نخود واندازهٔ آن (۶۵ر.) انچ است .

(۲۲) سکهٔ مربع مسی : وزن مساوی ۲۴۰ گرین
اندازه (۹ر.) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنه پالاس

پشت سکه : نیک Nike بالدار ایستاده است

هرمایوس Hermaias (حوالی ۴۵ - ۲۰ ق م) درنقره

(c) ketabton.com: The Digital Library

و مس سکه زده وخود را (هرمایوس، پاد شاه منجی) خوا نده

(۲۳) سکهٔمدورنقره : وزن مساوی ۱٤٥ گرین
اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه : (زوس) بالای تختی نشسته

(۲٤) سکهٔمدور مسی :
روی وپشت سکه مانندسکهٔ (۲۳)است .

(۲٥) هرمایوس با ملکه عیا ل خود (کـالیوپ) هم در نقره سکه زده وزن مساوی ۳۷ گرین
اندازه (٦٥ر۰) انچ

روی سکه : تصویر شاه وملکه
پشت سکه : شاه براسپ سوار است

مسکوکات شاهان وسلاطین اسکـائی

این سلسله بعد ازینکه یونـانی‌های باختر را مضمحل میسـازند ازراه سیستان وراگوزی(قندهار) به وادی سندفرودمی‌آیندوازپنجاب به بعضی قسمت‌های افغانستان جنوبی و جنوب شرقی سلطنت کرده‌اند در ضرب مسکوکات خود بطرف روی سکه زبان یونانی و درپشت آن زبان پراکریت و رسم‌الخط (خروشتی) را استعمال نموده و عموما خود ها را (شاه شاهـان) (شهنشاه کبیر) خوانده انـد مسکوکـات شاهان ایشان قرار ذیل است :

موئس Maues یاموا Moa (حوالی ۷٥ق م) خـود را شهنشاه کبیر « ماوس» خوانده است .

(۲٦) سکهٔ مدورنقره : وزن مساوی ۱۳۸ گرین
اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : زوس رب‌النوع یونانی ایستاده
پشت سکه : نیك Nike بالدار ایستاده است

(۲۷) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۳۰ گرین
اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : سرفیل
پشت سکه . چوبی بالای آن درحلقه

این سلطان یکنوع سکهٔ مسی مدور دیگر هم دارد که در روی آن ارتمیس رب‌النوع یونانی و در پشت آن شکل گاو دیده میشود

(۲۸) سکهٔ مربع مسی : وزن مساوی ۱٦۸ گرین
اندازه‌مساوی (۸ر۱) انچ

روی سکه : رب‌النوع مهتاب بین دوستاره استاده
پشت سکه ـ نیك رب‌النوع فتح بالدار

ازس Azes حوالی (٥۸ ق م)

(۲۹) سکهٔ مدور نقره : وزن مساوی ۱٤۲ گرین
اندازه « (۱ر۱) انچ .

روی سکه : شاه براسپ سوار است ودر دست چپش نیزه است
پشت سکه : زوس رب النوع یونانی ایستاده است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ازس درمسکوکات، خود راشاه شاهان شاه‌کبیر خوانده است .

(۳۰) سکهٔ مدورمسی :

روی سکه : پاد شاه چهار زانونشسته و شمشیری بردوزانوهای خود گذاشته است .

پشت سکه : هرمس Hermès رب‌النوع یو نانی قدم میز ند

ازس در میان شاهان اسکائی مسکو کات خورد و بزرگ خیلی زیاد دارد .

ازس و از یلیزس : بطرف روی سکهٔ از س نوشتهٔ یو نانی نام « ازس » ودر پشت سکه در رسم الخط خروشتی نام « از یلیزس » تحریر است .

(۳۱) سکهٔ مدورنقره : وزن : (۱۵۱) گرین
اندازه : (۱) انچ

روی سکه : پاد شاه بر اسپ سوار و در دست چپ نیزه را در حال زدن گرفته .

شهنشاه کبیر ازس

پشت سکه : رب النوعی ایستاده و در دست راستش شعلهٔ نوررا گرفته است .

شاه کبیر ، شاه شاهان « از یلیز اسا »

از یلیزس (حوالی ٤٨ ق م)

(۳۲) سکهٔ مدور نقره : وزن : ۱۵۰ گرین
اندازه : (۱) انچ

روی سکه : شاه بر اسپ سوار است .

شاه شاهان از یلیزس

پشت سکه : تصویر ایستادهٔ « زوس » رب النوع یو نانی

شاه شاهان « ائی لی ر.اسا »

(۳۳) سکهٔ مربع مسی وزن : ۱۲۳ گرین
اندازه : (۸۵ر.) انچ

روی سکه : شاه بالای اسپ سوار است و در دست راست قمچین را گرفته است .

شهنشاه کبیراز یلیزس

پشت سکه : « هرا کلس » رب‌النوع یونانی بر هنه بالای سنگی نشسته است .

شاه کبیر « ائی لی زاسا »

مسکو کات پهلو ا های سیستان

و قند هار

پهلوا ها عبارت از یك سلسلهٔ پارت هائی است که در حوالی « قرن‌دوم ق م » یا « ونوس » استقلال‌خود را از پارت های‌خراسان گرفته‌ودرسیستان وقندهار، قسمتی ازحوضهٔ اندوس (رودسند) سلطنت علیحده تشکیل نمودند. معاصر شان در حوالی کابل آخرین شاهان یونانی‌درپنجاب شرقی اولاده اسکائی‌ها حکمفرمائی داشت‌وتااندازهٔ که

(c) ketabton.com: The Digital Library

تخمین میکنند علت سقوط یونانی های کابل زمین این بود که ازطرف شمال کوشانی ها از جانب غرب وجنوب غرب پهلوا ها و از طرف شرق اسکائی ها برایشان فشار می آوردند. مسکوکات پهلوا ها طلائی نقره‌ئی ومسی است در روی سکهٔ آنها زبان یونانی و در پشت آن زبان پرا کریت و رسم الخط خروشتی استعمال شده . ارباب انواع یونانی هنوز از بین نرفته است . تفصیل مسکوکات شاهان ایشان قرار آتی است .

و نونس Uonônés: (حوالی ۱۰۵ ق م)

(۳٤) سکهٔ مدور نقره : اندازه مساوی ٦٥ ر۱۰ لچ

روی سکه تصویر شاه بالای اسپ .

بازیلوس بازیلون ملا اوس و نونوس شهنشاه کبیرونونس .

پشت سکه : زوس رب النوع یونانی ایستاده .

مهاراجا براتا درامی کاسا سپالاهوراسا یعنی شهنشا کبیردین دار اسپالا هورا . ملتفت باید بودکه درین سکه درسمت پرا کریت نام (سپالا هوراسا) هم ذکرشده ونشان میدهد که شاه با نائب السلطنهٔ خود یکجا سکه‌زده .

همین قسم و نونس با (اسپالا گاداس) هم سکه زده است .

اسپالیریزس Spalirisés برادروجانشین و نونس (حوالی ۱۰۰-۹۰ ق م)

(۳۵) سکهٔ مربع مفرغ : وزن ۲۲۷ گرین اندازه (۸۵ ر.) انچ

روی سکه : پادشاه درحال رفتار . بازیلون بازیلوس ملاوس اسپالیریزس یعنی شاهنشاه کبیر اسپالیریزس .

پشت سکه : زوس رب‌النوع یونانی .

مهاراجاسا ماها تا کاسا اسپالی ریزیسا شهنشاه‌کبیر اسپالیریزس .

گندفارنس Gondopharnps حوالی ۱۹ تا ٤٥ ب م

(۳٦) سکهٔ مدور مسی . : وزن ۱۵۱ گرین

اندازه (۹ ر.) انچ

روی‌سکه : تصویرشاه براسپ

بازیلوس بازیلون ملاأوس گندوفارنس یعنی‌شاهنشاه کبیر گندوفارنس.

پشت سکه : تصویر ایستادهٔ زوس.

مهاراجا راجاتی راجا ترا نا را گند وفا را سا یعنی شاه کبیر شاه شاهان گندو فارنس .

قرار سکهٔ فوق سکهٔ مدور از ممزوج مس با نقره هم دارد .

ابدا گازس Abdagases (حوالی ٦٠-٦٥ ب م) .

(۳۷) سکهٔ مدور مخلوط مس و نقره : اندازه (۹۵ ر.) انچ

روی سکه : پادشاه بالای اسپ سوار است.

باز یلوس باز یلون ابدا گاسوس یعنی‌شاه شاهان ابدا گازس .

پشت سکه : (ژوپی‌تر) رب‌النوع یونانی تاجی دردست دارد.

گندو فرابراتا پوترا سامها را جا ترا تاراسا اوا را کاسا یعنی شهنشاه کبیر ابدا گازس برادر زادهٔ گندو فارنس .

اورتا گنس Ortagnes « حوالی ٦٠-۷۰ ب م »

(۳۸) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۲٤ گرین

اندازه « (۹ ر.) انچ

(c) ketabton.com: The Digital Library

Pakores پا کورس

Orthognes اور توگنس

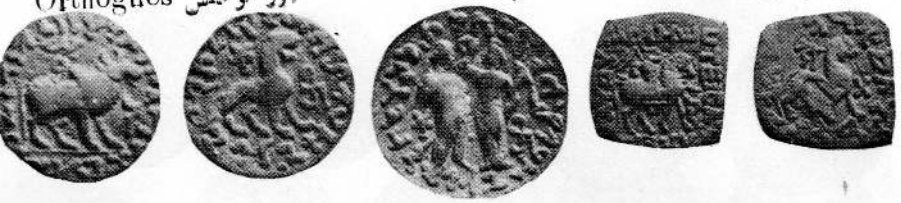

Hermaios هرمایوس

Hermaios هرمایوس

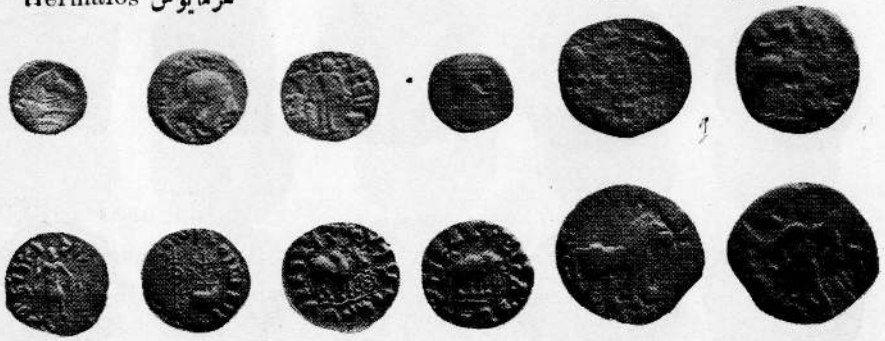

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم‌تنه نوشتهٔ فوقانی آن پریده و خوب خوانده نمیشود .

پشت سکه : نیکNike بالدار .درین‌طرف سکهٔ او نام گندوفارنس وGuada گودا برادرش هم ذکر شده .

پاکورسPacores: « حوالی ۷۵ـ۷۰ ب »

سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۱ گرین
اندازه « (۹ ر.) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنهٔ شاه

بازیلوس بازیلون ملاس پاکورس یعنی شهنشاه کبیر پاکورس .

پشت سکه : تصویر نیکه رب النوع یونانی بالدار

مهاراجاساراجاتی راجاسامهاتاساپاکوراسایعنی شهنشاه کبیرپاکورس.

مسکوکات این شاه زیاد از قندهار پیدا میشود .

مسکوکات سلاطین کوشانی

هرمایوس با کجو لا کدفیزس :

(۴۰) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۱۵ گرین
اندازه « (۰۹) انچ

روی : تصویر نیم تنهٔ هرمایوس «شاه منجی هرمایوس» .

پشت : « هرا کلس » پوست شیر را روی بازوی چپ گرفته « کجو لا کازاسا رئیس کوشانی»

کجو لا کدفیزس یا کدفیرس اول « حوالی ۶۰ـ۴۵ ق م » :

(۴۱) سکهٔ مدور مسی :

(c) ketabton.com: The Digital Library

روی : صورت نیم تنه هر مایوس « کوزولو کد فیزس » نام هرمایوس به رسم الخط خراب یونانی نوشته شده .

پشت : تصویر ایستاده «هرا کلس» «کوجولا کازاسا رئیس کوشانی»

(۴۲) سکه مدور مسی :

روی : سری‌نمایش یافته‌که قراراحتمال ازروی‌سکه «اگوست» امپرا طور رومن تقلید شده « رئیس کوشان کوزولا کد فیزس »

پشت : شاه بالای چوکی نشسته « بزبان خروشتی مضمون فوق نوشته است »

ویما کدفیزس یا کدفیزس‌دوم « حوالی ۷۰ ـ ۶۰ ق م »

(۴۳) سکه مدورطلا : وزن مساوی ۲۴۲ گرین

اندازه « (۱٫۸) انچ

روی : شاه روی چوکی نشسته « و موکد فیزمن پاد شاه »

پشت ، شیوا و گاو » شاه کبیر ، شاه شاهان ـ بادار دنیا ، مدافع و یما کد فیزس »

کنشکا حوالی (۸۰ـ۱۱۰ ق م)

(۴۴) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۳ گرین

اندازه « (۰٫۹) انچ

روی : تصویر ایستاده شاه بلباس کوشانی « بازیلوس بازیلون گانیشکوس » یعنی شاه شاهان کنشکا .

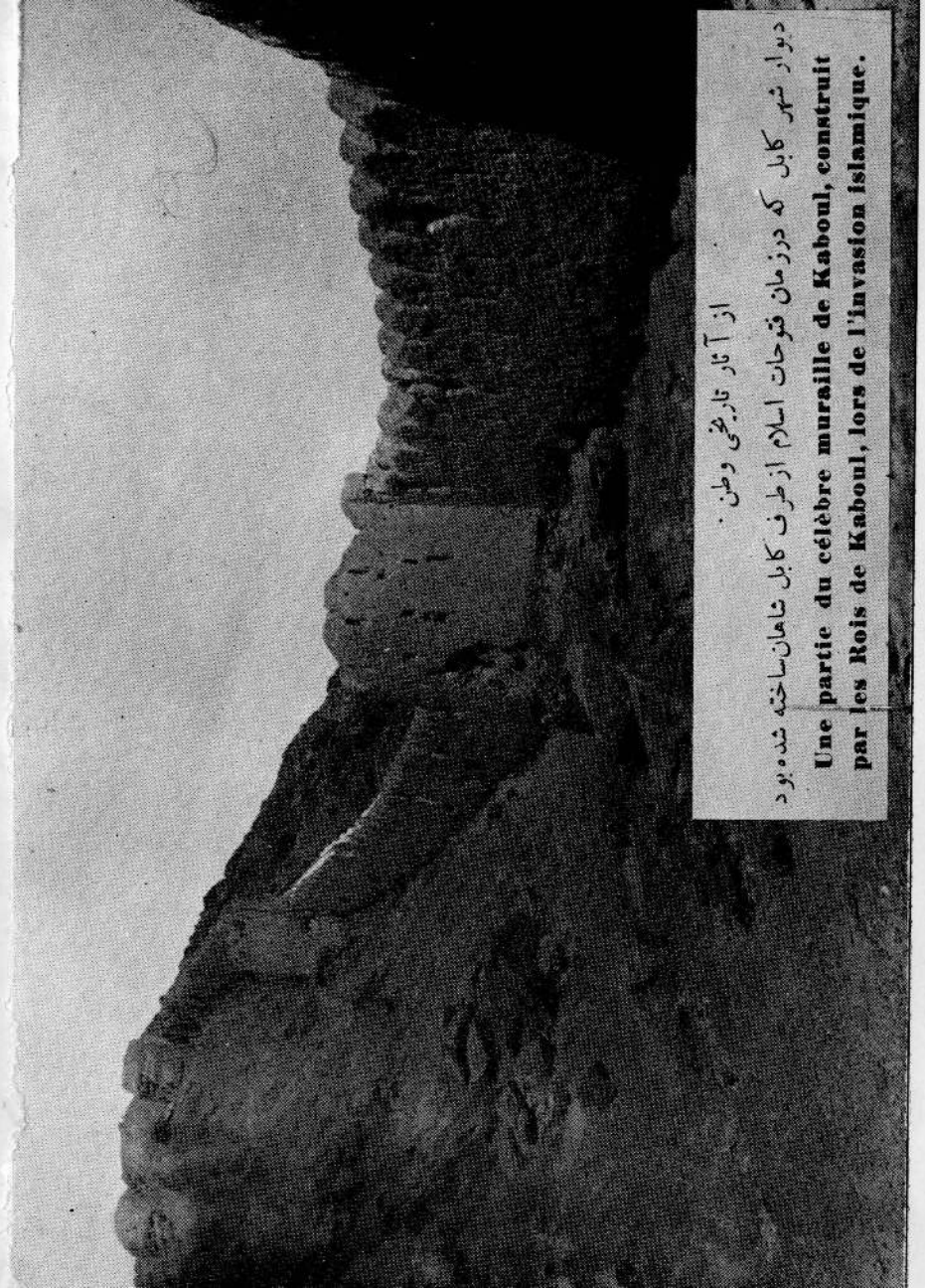

دیوار شهر کابل که درزمان فتوحات اسلام ازطرف کابل شاهان‌ساخته شده بود

از آثار تاریخی وطن .

Une partie du célèbre muraille de Kaboul, construit par les Rois de Kaboul, lors de l'invasion islamique.

(c) ketabton.com: The Digital Library

پشت : صورت ایستاده « هلیوك » رب النوع آفتاب .

(٤٥) سکه مدور طلا : وزن مساوی ۱۲۲ گرین

اندازه « (۸ ،) انچ

روی : تصویر ایستاده شاه بلباس کوشان به سر شاه کلاه پیك دار آهنی ـ بجانش چین بلند و شلوار است. پیش رویش میز کوچك قربانی است و به‌دست چپ نیزهٔ طویلی گرفته است « شاه اونا نوشا او کانیشکی کوشانو یعنی‌ازشاه شاهان کنیشکاء کوشانی» .

پشت : تصویر «میرو» رب النوع آفتاب .

(٤٦) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۲۵۷ گرین

اندازه « (۱٫۰۵) انچ

روی : قرار تفصیل (٤٥)

شا او کنیشکی ـ کنیشکا پادشاه

پشت : « میرو » رب النوع آفتاب

هو ویشکا « حوالی «۱٦۲ـ ۱۸۳ ق م »

«٤٧» سکه مدور طلا : وزن ۱۲۱ گرین

اندازه ـ « ۸ ، » انچ

روی : تصویر نیم تنه شاه . پادشاه کلاه آهنی مدور بسر کرده وچین خامك دوزی پوشیده است . بدست راستش چوبی را گرفته که علامهٔ سلطنت است .

شاأونانوشااو ، هوشکی ، کوشانو یعنی ازشاه شاهان هوویشکاء کوشانی

پشت : (میرو) رب النوع آفتاب

(٤٨) سکه مدور مسی : وزن ۲٤٥ گرین اندازه «۱» انچ

روی : پادشاه برفیل سواراست شا او ، نانو ، شا او ، هو شکه کوشانو یعنی ازشاه شاهان هوویشکاء کوشانی .

پشت : (میرو) رب النوع آفتاب

واسودوا « حوالی ۱۸۲ـ۲۲۰ ق م »

«٤٩» سکه مدور طلا وزن ۱۲۱ گرین اندازه ۸۵ ، انچ

روی : شاه استاده کلاه آهنی مخروطی بسردارد بجانش لباسی است به‌شکل‌زره و بادست‌راست بالای میز کوچك چیزی تقدیم میکند ، دردست چپش چوب درازی میباشد .

شااو ، نانو ، شااوبازو دوکوشانو یعنی‌ازشاه شاهان واسودوا کوشانی

پشت : شیوا رو بروایستاده . عقبش گاو معلوم میشود .

«٥٠» سکه مدور مسی وزن۱٥٤ گرین اندازه «۹ ، » انچ

روی : بقسم «٤٤» نوشته یونانی آن کامل خراب شده

پشت : مانند سکه «٤۳»

مسکوکات شاهان هیاطله

هن های هفتالیت دراوائل قرن ٥ ب م ظهورنموده کوشانی ها را موقتاً مضمحل ومدت تقریباً نیم قرن درافغانستان وپنجاب سلطنت نموده اند مسکوکات شاهان ایشان قرارآتی است : ـ

(c) ketabton.com: The Digital Library

تورامانا Toramana « حوالی ۵۰۰ ب م »

« ۵۱ » سکه مدورمسی : وزن مساوی ۴۷٫۳ گرین

اندازه « ۰۸ » انچ

روی سکه : تصویرشاه بصورت نیم تنه ونیم رخ

پشت سکه : درو سط سکه خطی افقی کشیده شده بالای آن قرص آفتاب وپائین کلمه « تورا » به رسم الخط خروشتی نوشته شده است

مهی را کولا یا مهر گل پسر تورامانا

« حوالی بین ۵۱۰-۵۴۰ ب م »

« ۵۲ » سکه مدورمسی : وزن مساوی ۵۶/۳ گرین

اندازه « ۷ » انچ

روی سکه : تصویر نیم تنه شاه به قیافه ساسانی . به رسم الخط خروشتی چنین نوشته دارد :- شری « می‌هی‌را کولا » یا « گولا »

پشت سکه : خط افقی درو سطه سکه - بالای آن تصویر گاو .

درروی بعضی مسکوکات نقره شاه به‌رسم گوشان ایستاده نمایش یافته واین نوشته را دارد « شاهی می هی را گولا »

بطرف چپه مانند مسکو کات کوشانی رب النوع بالای تخت نشسته است .

مسکوکات هیاطله ازافغانستان وهندبسیار پیدامیشود لیکن متاسفانه یکعده زیاد آن خوب تشخیص نمیشود .

مسکوکات « نپکی ها » یا کوشانی های « کوچك »

چون حین تهاجمات هن های هفتالیت کووشانی ها مضمحل شده واز آخرین ملجاء خود « علاقه کابل » به کوها بالا رفته بودند نیم قرن بعدازسقوط هن هادوباره به وادی کابل فرودآمده وبسلطنت رسیده اند . اگرچه نام های ایشان صریحاً معلوم نمیشود روی هم رفته سلسله شان به « کوشانی های خورد » موسوم است وایشان را معمولاً « نپکی » هم میخوانند وعصرشا نرا بعدازوسطه قرن ۵ تا اخیرقرن ۶ هم نسبت میدهند . مسکوکات آنها عموماً نقره‌ئی ومسی - شکل آن بزرگ ونازك است . این مسکوکات ازروی شکل واندازه به سکه های ساسانی وازروی قیافه ولباس شاه به هندی نزدیك است .

شرح یك سکه آنها بطور نمونه قرار آتی است .

سکه مدور نقره : وزن ۵۲٫۸ گرین اندازه «۱٫۳» انچ

«۵۳» روی سکه : تصویرشاه بصورت نیم تنه قیافه شاه بیشتر به هندی شباهت دارد ، درگوشش گوشواره است ودرکلاهش بالای پیشانی ماه نوی دیده میشود پیش روی شاه « نپکی ملك» وعقب او کلمهٔ « شاه » نوشته است .

پشت سکه : در وسط مجمر دو پایه ئی دیده میشود و به دو

(c) ketabton.com: The Digital Library

طرف آن دو نفر ایستاده بالای سر آنها عراده رسم شده ، نوشتهٔ آن خوانده نمیشود .

این سکه درموزهٔ کلکتهٔ هند است .

مسکوکات کابلشاهان هنود

چون آخرین اولادهٔ کوشانی کابل زمین آهسته آهسته ضعیف شده و از بین رفتند جای ایشان را طبقهٔ از اهل هنود گرفته و به‌سلطنت رسیده‌اند « ونسنت سمیت » مورخ انگلیسی درجلد اول کتلاك مسکوکات موزیم هند کلکته اززبان البیرونی صورت قضیه‌را چنین‌مینویسد که‌جاه آخرین شاه کوشانی کابل را که«لا گاتورمان» نام داشت وزیر برهمنی اش «کالار» گرفته وسلسلهٔ (هندوشاهی) را بمیان آورد .

این دسته از ۸۷۵ تا ۱۰۰۰ ب م تا زمان ورود فاتحین اسلام و بعدتر در کابل زمین سلطنت نموده اند مسکوکات چند نفرآنها قراریکه در جلد دوم کتلاك مسکوکات موزیم هند کلکته تشریح یافته قرار آتی است :

اسپالاپاتی دوا Spalapati - deva حوالی

اواخر قرن ۹ب م رقم گاو وسوار کار

سکه مدور نقره وزن ـ ٥٤ گرین

اندازه (۸) انچ

روی سکه : گاو در رفتار بطرف چپ‌بالای آن به‌زبان ورسم الخط

هندی نوشته : Sri Spalapati - deva

پشت سکه : پاد شاه بالای اسپ سوار است و نیزهٔ را در دست راست گرفته . پیش روی او کلمه (گرا) به هندوئی نوشته شده

سامانتا دوا aSmanta-deva حوالی اوائل قرن ۱۰ ب م)

رقم گاو وسوار کار

(٥٥) سکه مدور نقره : وزن ۲ر٥۱ نخود

اندازه ـ (۸) انچ

روی سکه : مانند سکه (٥٥) فوق

پشت سکه : « « « « منتها عقب‌سرشاه کلمه (بهی و) نوشته است .

مسکوکات مسی این شاه مانند سکه هائی نقره‌ئی او میباشد

رقم فیل وشیر

(٥٦) سکهٔ مدور نقره : وزن ۷ر۳۰ نخود

اندازه ـ (۷۸ر) انچ

روی سکه : فیلی استاده است و پائین این نوشته است

Sri Samanta-deva

پشت سکه : شیر دم خود را قرقره نموده

(c) ketabton.com: The Digital Library

وا کا دوا Vakk-deva (قرن ۱۰ ب م)

(۵۷) سکه مدور نقره : رقم فیل و شیر

وزن مساوی ۶ر۳۱ نخود

اندازه‌مساوی (۰۷۵) انچ

روی سکه : فیل و نوشتهٔ ذیل Sri Vakka - deva

پشت سکه : تصویر شیر

حوداوا یا کا Chudavayaka قرن ۱۰ ب م

رقم گاو و سوار کار

(۵۸) سکه مدور نقره : وزن ۷ ر۴۹ نخود

اندازه ۰۴۷ انچ

روی سکهٔ گاو Seri Chudavayaka

پشت سکه : سوار کار

ستاپالا Asta - Pala حوالی ۱۰۰۰ ب م

بعد تر

۵۹ سکه مدور نقره : وزن ۴۷ ـ گرین

اندازه ۰۶ انچ

روی سکه : کاو Asta pâla

پشت سکه : سوار کار

صنایع وفنون درافغانستان

صنایع ملکی ـ قسمت مادی

بقلم جناب احمدالله خان کریمی

عضو انجمن

مقدمه ـ اهمیت صنایع ـ سیر تدریجی صنایع مادی درافغانستان بصورت اجمالی ـ صنایع و فنون موجودهٔ ملکی ـ خاتمه و تبصره .

تحت‌عنوان فوق درصددیم‌تابصورت‌اجمالی راجع بآن‌قسمت‌ازصنایع وفنون وطن بحث رانیم‌که به عناوین خصوصی بدان اشاره رفته وتعلق به صنایع وفنون مادی ملکی (غیر از نظامی) دارد . نظر باین خصوصیت مقاله ، کارخانه های حربی که دران انواع آلات ولوازم حربیه وعسکریه اعمال میگردد ، بابعضی ازصنایع وحرفت های خورد وریزهٔ دیگریکه به عناوین خصوصی بدان اشاره نشده خارج بحث مانده است . ذواتیکه این مقاله رامطالعه میفرمایند البته این خصوصیت را مدنظر خواهند داشت . درتحریراین مقاله علاوه‌ازیك سلسله مشاهدات وکنجکاویها ونوتهای شخصی درقسمت‌تاریخی بیشتراز کتاب پرو فیسر (دنیسکی) و پروفیسر (بارتولد) روسی کتاب قلمی تاریخ طاهری نگارش جناب محمد طاهر خان هراتی و تاریخ ترکستان (ترکی) تحریر مختار بکر ودرخصوص مسائل علمی‌اقتصاد از کتب اقتصادی ودرقسمت

(c) ketabton.com: The Digital Library

صنایع موجوده ازمقالهٔ « پیشرفتهای اقتصادی افغانستان » تحریر فاضل محترم « رشتیا » منتشرهٔ سالنامهٔ ۱۳۱۵ و مقالهٔ « جغرافیای اقتصادی افغانستان » تحریر جناب میر محمد صدیق خان منتشرهٔ سالنامه ۱۳۱۳ استفاده شده است .

اهمیت صنایع :

صنایع جهت استحصال ثروت ونیروی یك قوم ورفع قسمت کلی ازاحتیاجات جوامع بشرواسطهٔ بس مهم است . اندك عطف نظر بماضی واضح میکند که بشر از آوان ترك مغاره هاواستفاده ازپارهٔ عناصر خارجی دست بدامان صنعت زده بیاری ومدد آن توانست برای خود بصورت خیلی ساده و بسیط خانه ، لباس ، آلات . . . و غیره تهیه کند تا ازبرودت ، حرارت و حملهٔ حیوانات درنده و هم نوعان خود مصؤن بماند . ازهمین تاریخ است که صنعت به نظرها محبوب جلوه نموده اهمیت آن حس و آهسته آهسته نظر به تنوع وزیادت احتیاجات بشری اهمیت آن کسب فزونی کرده انسانهادرتکامل و ترقی آن بایك مجاهدت خسته گی ناپذیری کوشیدند تا اینکه از دورهٔ ابتدائی بدورهٔ لونجه ویا « لوجه » (جمعیت صنفی) و (صنایع کوچك) و (ما نوفا کتور ـ کارخانه ها) وبالاخره باین دورهٔ محیرالعقول صنایع بزرگ رسیدند . ازبدوشروع این دورهٔ اخیرالذکراهمیت آن باندازهٔ بلند رفت که دیگر امورنتوانست با آن رقابت وهمسری کند . مشهودات بما ثابت میکند که دنیای صنعتی برای خریداری مواد خام بقیمت نازل واستهلاك مستحصلات خود چه محاربات خفیه را روی کار آورده وچه کوشش ها

مینماید ویك چیز مسلم است که درعوامل مستعمره گیری وکشورستانی آینده موضوع صنعت دخل قوی دارد . خلاصتاً میگوئیم که صنعت مولد ثروت و ثروت مولد قوت وقوت هم معاون تفکر یعنی آلهٔ فعل ، شرط نهضت وبالاخره مرجع اسناد ملل ومحورتحولات وتطورات است . این بود شمهٔ ازاهمیت صنعت اینك لازم است مختصراً به بینیم که سیر آن درافغانستان که یك مملکت خیلی باستانی است ، چه بوده ؟

سیر اجمالی صنایع مشهور در افغانستان :

صنایع افغانستان در ازمنهٔ قدیم ، تاریخ خیلی درخشان و مشعشع دارد . قبل از ورود اسکندر مقدونی این سرزمین از خود صنایع بزرگ ومخصوصی داشت . در زمان سلوکس (موسس سلسلهٔ سیلوکوها) صنایع یونانی با صنایع سابق این مرزبوم مخلوط گشته و رفته رفته بحدی این صنایع مرکبه ترقی نمود که در صنایع مشرق و حتی چین نفوذ کرد . باوجود از دست رفتن و ثائق زیاد و آثار عمده در فتنهٔ مغل و تهاجمات خراب کارانهٔ کشور ستانان سفاك و ۲۴ مرتبه منهدم شدن ام البلاد (بلخ) و بیش تر از ده مرتبه از هم ریختن دیگر شهرهای افغانستان، از روی اقتضاض تاریخی و سیاحتنامه های اجانب مثلا یونانی ها و چینی ها وغیره میتوان ثابت کرد که این خاك مهد پرورش چه صنعت کاران زبر دست و چه کارگرهای با ذوق و سلیقه و ماهری مثل مجسمه سازان ، سنگ تراشان ، معماران، نقاشان

(c) ketabton.com: The Digital Library

زرگران ، (۱) و غیره . . بود . در عهد کوشانانیان عمرانات و صنایع مخصوصا صنعت‌حجاری و مجسمه سازی باندازهٔ ترقی داشت که بسی‌آثار آن تاحال در بازار های دنیا بقیمت های خیلی گرانی بفروش میرسد . بخصوص‌در زمان کانشکاء اول ، این ترقی به منتهای عروج رسیده عمارات بزرگ ومتعددی بنا گردید وهمین موقع است که‌شکل‌صنایع بودائی بصنایع یونانی‌افزوده شده صنعت (گریکوبودیك) « یونانی و بودائی » بوجود آمد . وقتیکه انسان‌مجسمه های زمان برهمن وبودائی را بابسی آثار نقره ئی و غیره ئیکه در اثر حفریات بدست امده دقیقانه از نظر میگذراند ممکن نیست که انسان به پیش عظمت صنایع‌باستانی قبل‌از اسلام این مرزبوم متحیرانه‌سر فرود نیارد زیرا اکثر این‌اشیاء انقاضی‌باندازهٔ دارای‌ظرافت‌ونازکی‌های صنعت است که‌انسان را در نگاه اول‌دچار بهت‌وتعجب میسازد. ازین گذشته هر گاه بدور ساسانیان نظر افگنیم باز هم می بینم که این خطه شهرت پیشینهٔ خود را از دست نداده تکه های پشمی و ابریشمی و زربفت وقالین . . . ان باعث گرمی بازار های دنیا بود . از ین پایان تر برویم ؛ظهور دیانت حقهٔ اسلامی‌گرچه در ابتدا صدمهٔ بررخ بعضی از صنایع این خطه فرود اورد لیك دیری نگذشت که علاوه بر احیای صنایع سابقه، به‌استثنای مجسمه سازی و هیکل تراشی ،بسی چیز های دیگری مثل الات رصد خانه ها ، اسطرلاب ، اسباب تقطیر

(۱) در حفریات ۱۹۰۹ از تهداب استوپه ها ئیکه کانشکاء اول درحصص مشرقی وطن بنا نموده بود بسی یادگار های نقره ئی بوجود امده که عظمت صنعت زرگری ان وقت را ثابت مینماید .

تصعید ، ترشیح وغیره روی کار امده مردم بدرجهٔ بلندی به صنعت و حرفت اهمیت داده صنعت را بدرجهٔ تقدیر نمودند که پادشاهان و حکام نیز برای یاد گرفتن صنعت ، با طفال خود نصیحت ها نموده مساعدتها میکردند و بسی مرتبه در مواقع تشویق به صنعت از زبان ایشان این جمله شنیده شده که «صنعت‌انسان را از فقر نجات میدهد»

اگر بصورت‌مجموعی دوره‌های حضارت صنعتی اسلامیه‌را درین مرزبوم قید کنیم میگوئیم که ازدور عباسی ها گرفته الی اواخر دور مغل باصرف نظر نمودن از بعضی وقفه های خوردیکه باعث بعضی بربادی ها گردیده ، ادوار نهضت و تکامل صنعت بود عمارات کارخانهٔ کاغذ سازی ، رصد خانه ها ولوازم مسی وبرنجی و غیرهٔ دور سامانی‌های بلخ ، همچنان رصد خانهٔ غزنی‌ورسامی ، نقاشی مسگری‌زرگری وحجاری ومعماری وغیرهٔ‌زمان‌غزنویهاوغوریها همه‌دلالت برعظمت صنایع دوراسلامی این مرزبوم‌میکند .همچنان است دور مغل . لیك تاجائیکه تاریخ بما معلومات میدهد این دور را خیلی در خشان ترمییابیم چه پارچه‌های پشمی وابریشمی آن درنفاست وخوبی سر آمد تمام پارچه های دنیا بود بالخاصه پارچهای زربفت تصویر دارآن‌تجار را ازنقطه های خیلی دور دست بطرف خود جلب نموده بازار معاملات‌را گرم میساخت همچنان رسامی ومیناطوری به منتها عروج رسیده بود. مکتب هرات‌ابتدای‌صنعت رسامی‌ومیناطور شمرده‌میشود و درآنجا این صنعت بدرجهٔ ترقی نمودکه دربلاد مجاورنفوذ کرد چنانچه صنعت رسامی ومیناطور ایران‌راهم بلاشك میتوانیم گفت که از هرات نشئت‌کرده است . درزمان تیموریان،هرات یکی ازبزرگترین مراکز

(c) ketabton.com: The Digital Library

پرورش صنعت رسامی ومیناطور بود . ابتداء تأسیس مکتب رسامی ومیناطوردرزمان شاهرخ ۱۴۰۵-۱۴۴۷ع بوده ودر۱۴۳۳ به اکادمی استحاله نمود. ازین وقت است که نفوذ آن نخست درمیناطور آسیای وسطی محسوس ورفته رفته رول مهم را بازی نمود. عروج انتهائی این اکادمی در زمان سلطان حسین بایقرا (۱۴۶۹ - ۱۵۰۶ ع) بوده در (۱۵۰۷) باعظمت عمرانی هرات قشنگ یکجا از میان رفت . بهزاد بزرگترین و مشهور ترین رسامان آنوقت بوده در ترقی اکادمی صنعت رسامی ومینا طور هرات خدمات خیلی ذیقیمتی نموده که آثار وی تاحال به‌نظر احترام دردنیا دیده میشود . در اثر همان خدمات قابل قدر و رسمهای قیمت دار وی است که دنیا برای‌وی عنوان (ره فائل شرق) را داد (۱) . راجع به رسامهای این‌وقت هرات خلاصتاً مستند به نظریهٔ (مارتین) میگوئیم که هرات مرکز بهترین رسامهای عصر خود بود . صنایع مشهور هرات نه‌تنها منحصر به رسامی و میناطور سازی بود بل درین اوقات شهرت تکه های زربفت تصویردار و ابریشمی و پشمی و قالین و قالینچهٔ آن با کار زرگری ، برنج کاری ، آهن گری و غیرهٔ آن هم شهرت بسزادارد . دیك برنجی که درسنه ۱۱۶۳ع مطابق ۵۵۹ هجری اعمال و در هرات موجود است شایان تعجب و حیرت میباشد همچنان چراغ کوچك برنجی متعلق بقرن ۶ هجری که درموزیم کابل موجود است

(۱) بهزاد درسنه ۱۴۴۰ م درهرات تولد یافته ازایام خوردسالی نزد شخصی موسوم به سید احمد شروع بشغل رسامی نموده از ۱۴۶۸ - ۱۵۰۶ رئیس اکادمی رسامها و نقاشهای هرات بود .

بصورت خوبی این حقیقت را روشن میسازد همچنان بر وفق دیگر صنایع صنعت معماری این ادوار اسلامی هم قابل ملاحظه است . اندك مطالعه در تاریخ افغانستان برای انسان واضح میسازد که چه قصور و عمارات عظیم الشان و مجلل درین ادوار بوجود آمده و چه شهر های قشنگ و بزرگی به‌نیروی معماران و نجاران وطن آباد و از دست جهان گیران سفاك منهدم وخاك ریز شده است ، باوجود این همه خرابیهای بس زیاد. آثار نسبتاً کمی‌هم که ازطوفان حوادث نسبتاً محفوظ مانده بصورت خوبی شهادت بر عظمت صنعت معماری آنوقت میدهد. درینجا بطورمثال مُصلی های هرات ، مسجد جامع هرات ، مضجع مولینا جامی وپیر بزرگوار شان ، مقبرهٔ حضرت خواجه عبدالله انصار ، روضهٔ مزار شریف ، مسجد خواجه محمد پارسا دربلخ ، منار های غزنی ، مسجد سنگی بابر شاه در کابل ، وغیره عمارات‌هرات ، بلخ ، قندهاررا تذکارمیکنیم خلاصه افغانستان ازنقطهٔ نظر صنعت الی اوایل قرن ۱۶ م (قرن ۹ ه) دارای شهرت بسزا بوده ازین تاریخ به‌بعد انحطاط آغاز و آهسته آهسته ازاهمیت صنعتی خود کاسته رفت . گرچه درزمان اعلیحضرت احمدشاه درانی (۱۱۶۰ ه) صنعت معماری ، نقاشی ، نجاری ، اسلحه‌سازی وغیره سر از نو قدم بنمو گذاشت لیك محاربات پی در پی وقتی نداد که صنایع ترقی شایانی نموده همان شهرت ازدست رفتهٔ خود را بصورت صحیح دوباره بستاند - بهترین نمونهٔ معماری و نقاشی ان دورمقبرهٔ خود اعلیحضرت احمدشاه میباشد . منبت کاری‌های روی چوب عمارات آن وقت بطرز قلمدانی تاوه دان ها ، قرمز کاری ها و نقاشی

(c) ketabton.com: The Digital Library

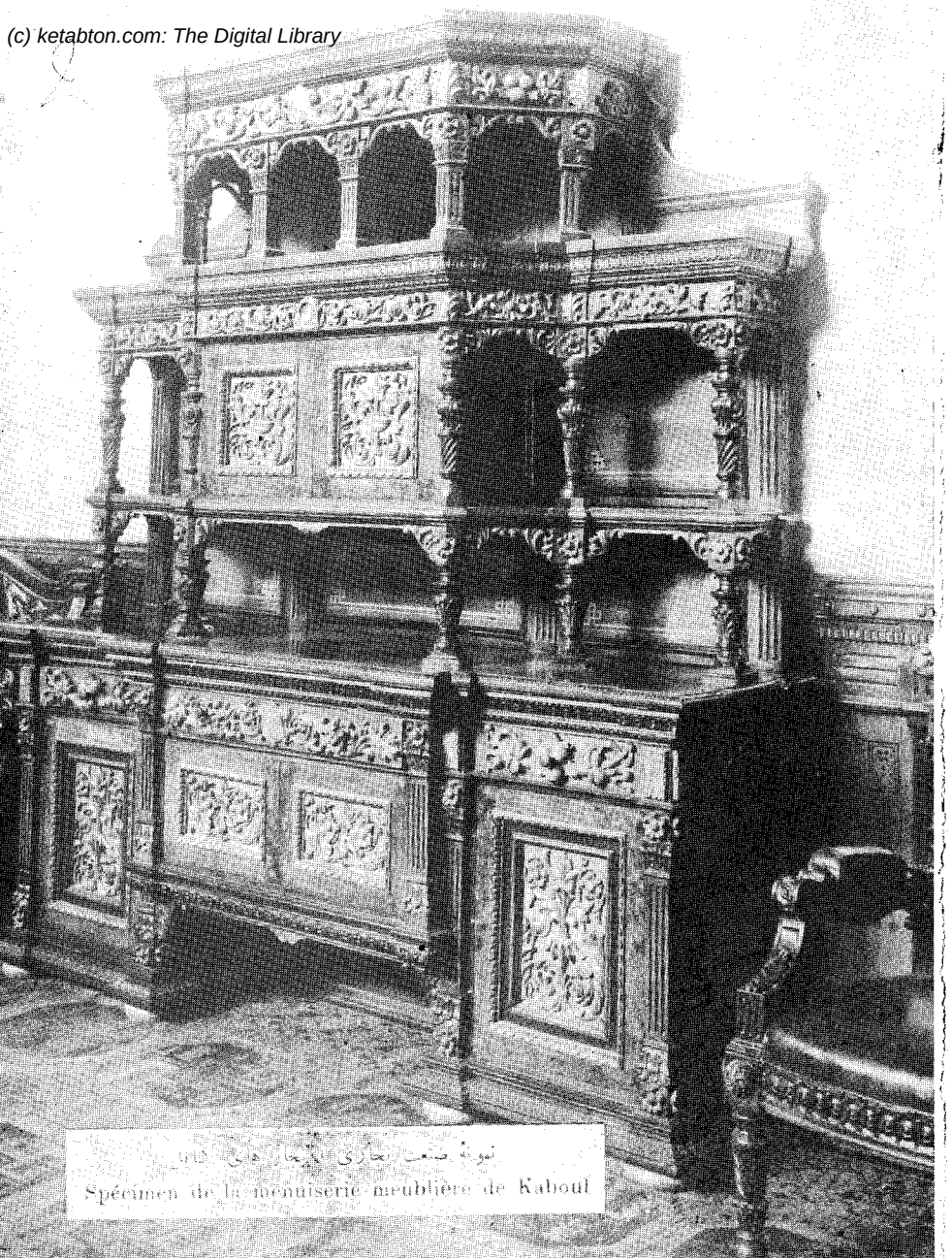

نمونهٔ صنعت نجاری [illegible]
Spécimen de la menuiserie meublière de Kaboul

سیم گل کاری و سرطاق و گنبد بستن آنوقت خیلی استادانه بوده یادی از دور تعالی باستانی وطن میدهد - این وضعیت دیری دوام ننموده درزمان فتور یعنی بعدازوفات اعلیحضرت تیمورشاه روبخاموشی گذاشت وتا زمان امیر عبدالرحمن خان صنایع بکلی خفك گشته اثری ازان معلوم نمیشود . درزمان امیر عبدالرحمن خان یك جنبش بسیار خفیفی در صنعت معماری و اسلحه سازی دیده شد علاوه از اینکه یك تعداد معماران وطن شروع بکار نموده مثل مسجد عیدگاه و مسجد چوب فروشی چند عمارت خوبی ساختند کارگرهای انگلیسی هم خواسته شده معماران و نجاران وطنی جمع و بزیر دست شان سپرده شد تا عمارات چند بطرز اروپائی بسازند این معماران و کارگران حسب تعالیم و هدایات متخصصین خارجی چند عمارت بطرز اروپائی که دران کمی سلیقهٔ معماری وطن هم دیده میشود با یك فابریکه باسم (ماشینخانه) ساختند درین فابریکه علاوه از کارخانهٔ اعمال بعضی از اسلحه و لوازم ساده و بسیط حربی و غیره کارخانهٔ نجاری ، رنگمالی ، شطرنجی بافی ، چوکی ومیزسازی ، نقاشی ،مسگری ، کلاه‌دوزی ، خیاطی ، گلیت‌گری (لعاب کاری) ریخته گری ، ضرابخانه . . . وغیره کارخانه های خورد خورد هم بصورت ابتدائی وجود داشت که بذریعهٔ دست بعضی‌فرمایشات شاهی را تهیه وتدارك مینمودند. درزمان پسروی امیر حبیب‌الله خان این جنبش چیزی بیشترشده فابریکه هائی چند مثل فابریکهٔ چرمگری ، یك فابریکهٔ مختصر پشمینه بافی (درماشینخانهٔ عمومی) باسه پایه ماشین برق جبل السراج تأسیس گردید. دیگر قسمتهای فابریکهٔ عمومی ماشینخانه

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمونهٔ صنعت نجاری ، نجار های کابل

Spécimen de la menuiserie meublière de Kaboul

نمونهٔ صنعت نجاری ، نجار های کابل

Spécimen de la menuiserie meublière de Kaboul

(c) ketabton.com: The Digital Library

هم قدری وسعت یافت. ازهمه بیشتر صنعت زرگری خیلی ترقی نمود که این هم زادهٔ احتیاج شخصی شاه بود. درکارخانهٔ زرگری اقسام اقسام زیورات: گلوبند، انگشتر، دست بند، و انواع لوازم خانه مثل بشقاب، صراحی، قاشق، سماوار، آبخوره، آفتابه، لگن و غیره از طلا و نقره درست میشد. صنعت این زرگران باندازهٔ ترقی نموده بود که میتوان گفت با کار زرگران دنیا همسری میکرد و همین زرگران است که در صنعت زرگری رول مهمی بازی نموده شاگردان شان تاحال شهرت بسزائی دارند. کار های دستی این زرگران خیلی نفیس وقابل دید است و باید متذکر شد که این صنعت موجودهٔ زرگری برای ما به صرف ملیونها روپیه نصیب گشته است. علاوتاً این حرکت در نجاری، معماری و خیاطی و رنگمالی هم دیده شده: وی مثل پدر خود بزیر دست چند نفر انگلیس بعضی معماران و نجاران را و بزیر دست چند نفر استریائی که در وقت حرب عمومی فرار نموده و به افغانستان آمده بودند چند نفر رنگمال را داده بذریعهٔ ایشان چندین عمارت مثل قصر دلکشا و چهل ستون و زین العمارت درکابل وسراج العمارت وقلعهٔ السراج درجلال آباد و لغمان و همچنین سامان موبل و غیره را باصول اروپائی ساخت. ازین به بعد معماران ونجاران و رنگمالان در اثر ممارسات متمادی به طرز معماری و نجاری و رنگمالی اروپائی هم آشنا شده اندك اندك پیشهٔ خود را ترقی دادند همچنان چند نفر خیاط بزیر دست استاد خارجی به «مود» اروپائی هم آشناشده کم، کم این مود را عمومیت دادند. نخست مثل برق، تیلفون وتلگراف هم در زمان وی بافغانستان

قالینچهٔ نفیسی که از طرف شاگردان مکتب صنائع ساخته شده
Joli tapis fabriqué par les élèves de l'école des arts et métiers

(c) ketabton.com: The Digital Library

آمده آهسته آهسته وسعت یافته ترقی نمود. بعد از فوت امیر شهید حبیب‌الله خان با اینکه چند فابریکهٔ دیگری مثل فابریکهٔ گوگرد سازی سمنت سازی ، کار خانهٔ شیشه سازی روی کار آمد لیك بالعوض بعضی از شعب فابریکهٔ عمومی (ماشینخانه) بکلی لغو و اکثر آن ده چند خورد گردید یعنی اگر دریك کار خانه یك صد نفر کار میکرد (۱۰) نفر باقی ماند و همین دو سه فابریکیکه تأسیس یافته بود جز فابریکهٔ گوگرد سازی دیگر ان نتیجهٔ ندا ده سبب مصرف لکها روپیه گردید . و نیز شرکتی بنام شرکت رفیق و ریاستی بنام (تعدیل صنایع) روی کار امده تا اندازهٔ اشیای نفیس و خوبی ساختند وهم مکاتب خیلی خوردی بنام رسامی ، سمنت سازی شیشه سازی ، مهندسی تأسیس گردیده اما دیری از تاسیس این مکاتب نگذشته بود که جز مکتب رسامی یکی متعاقب دیگر از باعث نبودن لوازم واساس صحیح و اصول اساسی در همان آوان سقوط نموده هرکدام ازشاملین برای خود شغل جدا گانهٔ اتخاذ و نتوانستند که حتی مبادی صنعت را هم بخوبی بیاموزند چه‌رسد به اینکه در مسلك اعملی از خود نشان دهند ضمناً چند مؤسسهٔ مختصر فنی مثل اکسریز و دستگاه بسیار کوچك را دیو تاسیس یافت که در زمان انقلاب اکثراً تلف و از هم پاشیده شد . آمدیم بقسمت معماری ، نجاری ، حجاری: درین صنایع نسبت به زمان امیر حبیب‌الله خان شهید چیزی ترقی دیده میشود: معماران ، نجاران ، حجاران در اثر یك سلسله کار، تحت تعلیم و هدایات مهندسین وطنی و جرمنی ها و ایطالوی ها تا اندازهٔ کسب مهارت نمودند لیك این فائدهٔ ما هم مثل فائدهٔ ما در صنعت زرگری است که در اثر

صرف پول بس زیاد که معادل چندین قیمت عمارات آن وقت است یك عده عمارات معدود بوجود آمده و یك عدهٔ معماران ، نجار ها حجاران ما باصول تعمیر جرمنی ، ایطالوی آشنا شدند . در زمان انقلاب اخیرفابریکه ها وکارخانه هائیکه از سابق باقیمانده بود اکثراً برهم و خراب شده پرزه ها و اکثر اسباب آن بدست هر کس و ناکس افتید. از زمانیکه نابغهٔ بزرگ وطن اعلیحضرت فقید شهید (رح) سریر آرای سلطنت افغانستان شدند بر وفق دیگر امور معارف ، عسکری ، اقتصادی و . . . و غیره، صنعت وفنون‌هم آهسته آهسته سراز نوجان گرفته مانند طفل شیرخواری مجدداً به پا ایستادن شروع کرد . فابریکه های بر هم و خراب حکومتی مجدداً تکمیل گردیده علاوه برتوسیع فابریکهٔ عمومی بسا فابریکه های جدیدی مثل کار خانهٔ ترمیم موتر و بسته کاری ، دو کارخانهٔ صابون سازی، کار خانهٔ سنگ لاجورد ، کارخانهٔ تیل‌کشی از نباتات ، کارخانهٔ نجاری مرکز وکارخانهٔ نجاری دارالفنون ، کارخانهٔ اساسی جراب و بنیان بافی ، کار خانهٔ دکمه سازی . . . و غیره کارخانه ها با بسی موسسات قیمتدار دیگر تاسیس گردیده وسائل تشویق و ترغیب صنعتکاران از هر سو مهیا گردیده و با اهل صنعت بسی مساعدتها بعمل آمد . برای اصلاح و بهبود صنایع نفیسه ، مکتب صنایع نفیسه به اصول خیلی خوب و اساسی تأسیس و جهت ایشان معلمین لائق داخلی‌وخارجی استخدام شدکه اکنون در بعضی شعب صنعت تاثیر این مکتب را بطور بارزی مشاهده میکنیم ـ گذشته از ین درقسمت فنون ومعماری ، نجاری ، حجاری هم‌نهضت جدیدی دیده شده بسی عمارات عظیم الشان تعمیر و یك تعداد معماران ، نجاران ، حجاران

(c) ketabton.com: The Digital Library

بالعمل بصورت بهتری کار آگاه گشتند علاوتاً مدیریتی باسم مدیریت عمومی فابریکات در وزارت فوائد عامه تشکیل شد تا در راه ترقی فابریکات وصنایع وطن خدمت کثیری نماید چنانچه تا اکنون مصدر خدمات خوبی شده است. همچنین در همین زمان راجع به تیلفون و تلگراف اصلاحات خوبی بعمل آمده سلسلهٔ تلگراف و تیلفون در بسی ولایات واطراف تمدید شد. خلاصه در زمان این پادشاه ترقیخواه ، افغانستان با وجود مدت بس قلیل ، گامهای وسیعی بسوی ترقی صنعت برداشت. در زمان خلف الصدق وی اعلیحضرت جوان بخت معظم المتوکل علی الله همه پلان ها و پروژه های آن فقید شهید یگان یگان تطبیق شده از اثر آن روز بروز تطور بزرگی در امور صنعتی و فنی دیده میشود. در این زمان بر علاوهٔ توسیع و اصلاح فابریکهای بزرگ سابقه مثل فابریکهٔ بزرگ پشمینه بافی قندهار ، کارخانهٔ بزرگ نخ تابی و پارچه بافی جبل السراج کار خانهٔ عصری پخت چرم ، کار خانهٔ پشمینه بافی قندهار ، کار خانهٔ کنسروه (حفظ میوه) کار خانهٔ سنگتراشی ، کارخانهٔ دباغی مزار ، ماشین برق قندهار ، ماشین برق هرات ، مزار شریف ، چهاریکار ، ماشین دیزل ماشین خانهٔ کابل ، ماشین جدید برق جهت جبل السراج .... و غیره در همین زمان سعادت اقتران روی کار امده است که جز کار خانه کنسروه و چرم گری و یخ سازی دیگرهمهٔ ان از طرف حکومت تاسیس یافته. بر علاوه بسی فابریکهای دیگر مثل فابریکهٔ بزرگ نساجی که دارای ۲۰۰۰ دستگاه برقی است و فابریکهٔ چرم گری و نجاری جدید ما ورای سه فابریکهٔ نجاری سابقه با استیشن بزرگ تلگراف ، رادیو ، اکسریز (به استثنای اکسریز سابقه) و.... و غیره در

شرف تکمیل و تورید است که عنقریب از ین ها استفاده گرفته خواهدشد. ضمناً روز بروز به مکتب صنایع توجه شده معلمین لائق استخدام و شعبات آن وسعت یافته میرود . همچنین در امور عمرانی ترقی محسوسی دیده شده میرود . برای صلاح امور عمرانی علاوه بر مدیریت عمومی تعمیرات و مدیریت مهندسی و شعبهٔ مهندسی ریاست بلدیهٔ کابل ودیگرولایات که دارای مهندسین لائق بوده برای تعمیر اصولی پای تخت و باقی بلاد وطن خدمت میکنند در مرکز شرکتی باسم (شرکت عمران) تشکیل ودران مهندسین لائق و مقتدری موظف گشته اند تانهضت عمرانی را تسریع نمایند این ریاست علاوه ازاینکه یك سلسله عمارات را تعمیر ونگرانی میکند حسب هدایات متخصصین آن ، معماران ومهندسین دیگرهم بصورت بهتر وجدید تر کار آگاه میشوند . از ین هم گذشته بعضی اصولات Protection (محافظت صنایع ملکی) هم مثل منع صادرات اثاث البیت (چوکی میز ، الماری وغیره) وقالین و غیره و غیره ، تزئید محصول برصنایع خارج وتشویق وترغیب جهة ساختن شرکتها ، دادن انعام درجشن ها ، اعطای تقاوی هم بعمل آمده که این هم نوید آتیهٔ درخشانی رابوطن پرستان میدهد. ازهمه بیشتر اقداماتیکه راجع بتاسیس کارخانهٔ بزرگ برق آبی بقوه ۳۰۰۰ کلیوات برای تنویر کارخانه جات آتیهٔ که درکابل تاسیس میشود واقدام به تورید کارخانهٔ سمنت سازی (غیراز کارخانهٔ سابقه) و کارخانهٔ قندسازی ازلبلبو (غیراز کارخانهٔ قندسازی مزمت طلب که از نیشکرقند میسازد) کارخانهٔ ساخت پنبهٔ هیدروفیل برای شفاخانه ها وغیره مؤسسات فنی وکارخانه های صنعتی دیگر باقرارداد یکه راجع به تیل نفت هرات باشرکت (اینلیندا کسپلوریشن کمپنی)

(c) ketabton.com: The Digital Library

و قرار داد معادن جنوب که با یك شرکت المانی شده مارا بیشتر مسرورمیسازد . خلاصتا باید گفت که درین عرصهٔ ۹ سال حکومت ترقیخواه نهضت پسند ملت پرورما باوجود مدت قلیل درراه صنعت وفن هم خدمت قابل‌قدری‌نموده است که اولاد موجوده و آتیهٔ وطن‌باوجود مرورقرنها این‌خدمات ایشان‌را نیزفراموش نخواهندکرد .

فنون و صنایع موجودهٔ ملکی

قسمت مادی

صنایع متعلقه به‌منسوجات و پوشاکه

دراثراقدامات جدیانهٔ حکومت موجوده صنعت نساجی روز بروز اصلاح شده و رو بترقیست و این صنعت را نخست به دو قسم تفریق میتوان کرد (۱) نساجی بذریعهٔ ماشینهای برقی (۲) توسط آلات وکارگاهای دستی . کارخانه هائیکه بذریعهٔ ماشینهای برقی فعلاً مصروف کار و تدارك منسوجات اند عبارت از فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار، فابریکهٔ نختابی و پارچه بافی جبل السراج و فابریکهٔ نساجی کابل است که اینك تایك اندازه راجع به آنها معلومات میدهیم :

فابریکهٔ پشمینهٔ بافی قندهار :

این فابریکه از جملهٔ فابریکه های جدیدالتاسیس بوده دارای بهترین وجدیدترین ماشینهای شست وشوی پشم، خشك نمودن وتاب دادن و بافت و غیرهٔ اتو ماتیکی استکه هر نوع تکهٔ پشمی بکمال نفاست ولطافت‌ازان بیرون‌می‌شود . این فابریکه درین نزدیکیها شروع بکار نموده در عرصهٔ کمی بخوبی میتواند که یك قسم احتیاجات عدهٔ

کثیری ازاهالی افغانستان‌را رفع وضمناً منافع کثیری بدست آرد . تعداد مجموعی ماشینهای این فابریکه تقریبا بالغ به (٦۰) میشود .

فابریکهٔ نختابی و پارچهٔ بافی جبل السراج :

این فابریکه نیز از جملهٔ فابریکه های جدید التاسیس است که بدورهٔ فرخندهٔ اعلیحضرت المتوکل علی الله تاسیس یافته . این فابریکه دارای (۷۸) پایه ماشین اتوماتیکی عصری بوده ازپنبه‌های وطن که خوبی آن دردنیا شهرت بسزائی داشته ودراکثر نقاط افغانستان به‌یك پیمانهٔ خیلی زیادی بدست میآید نخ وپارچه‌های‌خوب نخی‌ازقبیل : جیم کشمیره‌ها تسرنخی ، چیت مخصوص به‌یك پیمانهٔ زیادی تهیه میکند. این فابریکه تقریبا مدت ٥ ماه‌است که تکمیل گردیده شروع بکارنموده‌است تکه‌های این‌فابریکه ازاکثر تکه‌های نخی خارج تفوق ومزیت‌دارد. درهمین زودی ها محصولات آن در بازارهای وطن آمده گرمی بازار یك تعداد منسوجات نخی خارج را به برودت مبدل خواهد ساخت .

فابریکهٔ نساجی کابل :

این‌فابریکه مدت زیادیست بکارانداخته‌شده روز بروز اصلاح و بزرگ شده‌رفت. حاضراً یك‌فابریکهٔ بس‌مفیدی‌بوده به‌یك مقیاس‌زیاد تکه های گرم زمستانی وبهاری‌ازپشم‌های وطن‌تهیه‌میدارد. این فابریکه هم شعبهٔ شست‌وشوی، خشك کردن ورپسیدن و بافت وغیره علیحده دارد. تکه‌های آن بصورت عمومیه به‌سه‌نوع تقسیم‌میشود : اعلی، اوسط ، ادنی ، تکه‌های اعلای آن از اکثر تکه های خارجی همنوعش برتری دارد . ماشینهای این فابریکه نیز برقی‌میباشد .

علاوه برین فابریکه ها یك‌فابریکهٔ بزرگ دیگر نساجی که دارای

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۲۰۰۰) دستگاه عصری اتو ماتیکی است قریب ۲ سال میشود که از طرف شرکت نساجی خریداری شده معطل تکمیل پارهٔ ازاموار است که ان شاءالله بظرف یکنیم سال آینده کار آن تمام شده بکار شروع خواهد کرد.

فابریکهٔ بنیان وجراب بافی :

این فابریکه ازمدتیست که جاری بوده انواع بنیانهای مردانه وزنانه، جرابهای مردانه، دستمالهای گردن از پشم خالص وطن بصورت خوب ونفیسی میسازد که ازاکثر امتعهٔ خارجی بهتر ونفیس تر وبا دوام تر است. این فابریکه دارای ۱۶۵ پایه ماشین برقی بوده یومیه محصولات زیادی میدهد. شعبهٔ پشم ریسی فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار عنقریب درقسمت تهیهٔ پشمهای باریك ولطیف این فابریکه خدمت خوبی نموده بقیمت نازلتری امتعهٔ درجهٔ اول وخیلی اعلای آن دربازار خواهد بر آمد. امتعهٔ این فابریکه بیشتر درمغازهٔ مخصوصهٔ مدیریت فابریکه‌های عمومی بکثرت موجود میشود.

آمدیم بقسمت دوم یعنی نسج بذریعهٔ کارگاهاو آلات دستی :

صنعت نسج بذریعهٔ کارگاهای دستی دراکثر نقاط افغانستان بکثرت وجود دارد. بذریعهٔ این کارگاها کشمیرهٔ نخی وپشمی ئیکه درجبل السراج ومشرقی و کابل میبافند اکثراً ازتکه های بافت ماشین فرقی ندارد نقصی که مشاهده میشود تنها قلت استحصال است نسبت بزحمتکشی وصرف وقت. دربین تکه‌های پشمی ئیکه بذریعهٔ کارگاهای دستی بافت میشود تکهٔ کرك، فاقمه، بشرویه، برك، شهرت زیادتری دارد. کرك و برك خیلی مضبوط و گرم و با دوام است حتی دیده شده که بیشتر از ۱۰ سال هم باوجود استعمال زیاد دوام کرده است. این دوتکه جهة کرتی، برجس، بالاپوش استعمال میگردد کرك درهرات ومیمنه وبرك درعلاقه‌جات مرکزی، غزنی، سمت شمالی کابل ونیز هرات به یك اندازهٔ

زیادی برنگ های مختلف بصورت خوبی بافته میشود، تکهٔ فاقمه یك تکهٔ نازك ونفیس وبریشتهٔ پشمی است که نخ آن دراثرتاب دادن زیاد چون نخ پنبه‌ئی باریك وعاری ازموهای برجسته میگردد. ازین تکهٔ خوب ونفیس اهالی کرتی ها، واسکت ها، چپن های بهاری میسازند بافت آن بیشتر درهرات، مزار، قطغن وبدخشان صورت میگیرد رنگ آن مثل کرك وبرك مختلف است. بشرویه یکی ازقسم های نازك ولطیف کرك است که ازان مردم کرتی، چپن، پیراهن‌های زمستانی میسازند. گذشته ازین درشغنان، نورستان، سمت جنوبی، پنجشیر بعضی تکه‌های مثل برك بذریعهٔ کارگاهای دستی میبافند که اکثراً ازان چپن ها وچکمن ها (۱) ساخته میشود.

درحصص مرکزی، نورستان وسمت شمال مملکت شالهای مختلف کرکی ودرکابل واستالف پتوهای مختلف بافته میشود وبالخاصه پتوهائی نفیس کابل خیلی‌ها قابل تعریف بوده به یك پیمانهٔ زیاد بخارج بفروش میرسد.

تکه های ابریشمی :

بذریعهٔ کارگاهای دستی ازابریشم‌های وطن درکابل، هرات، جلال آباد سمت شمالی قناویزهای خوب، کیش بافها، تسر، لنگی‌های سر، روجائی، دستمال . . . وغیره بافته میشود لیك تکه هاواشیائیکه در کابل وهرات ساخته میشود ازهمه نفیستر وبهتر بوده فروش آن به یك پیمانهٔ محدودی درخارج هم صورت میگیرد. قناویز ولنگی‌های سر که مطابق لنگی‌های یزدی بل بمراتب بهتر وخوبتر ازان است بیشتر تکه های قابل تعریف میباشد یك قسم تکهٔ ابریشمی دیگری درحصص قطغن وبدخشان به اسم الچه

(۱) چکمن نوع لباس است که اکثراً مردم سمت جنوبی آنرا بعوض کرتی استعمال میدارند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بافته‌میشود که دارای الوان‌مختلف بوده اهالی‌مزار وقطغن بیشتر ازان چین های اعلی میسازند . علاوتاً درجلال آباد لنگی‌های سرشانه که حواشی آن مزین باابریشم های ملون‌است بصورت‌خوبی‌میبافند .

نسج امتعهٔ نخی :

کشمیره‌های‌مختلف ، تسر ، چادرشب‌ها ، لنگی‌های‌سر ، لنگی‌های سرشانه ، روجائی‌ها ، دستمالهای‌دست ، کرباسهای اعلی وغیره به یك اندازهٔ زیاد ازپنبه های تابدادهٔ وطن ونخ‌های خارج درا کثر نقاط افغانستان وبالخاصه جبل‌السراج‌ونواحی‌کابل ،مشرقی بافته میشود . لنگی‌های‌سرنخی که‌درجبل‌السراج وجلال‌آباد ساخته‌میشود مطابق‌لنگی‌های پشاوریست‌علاوتاً درمشرقی یك‌نوع‌لنگی‌های‌سرشانه باحاشیه‌های مخصوص ازنخ تیارمیکنندکه مورداحتیاج اکثر اهالی‌مشرقی‌میباشدو نیز در حصص شمال‌وطن تکه‌هائی به‌اسم‌الچه ازنخ به‌الوان‌مختلفی(رهدار وغیررهدار) بکثرت تهیه میدارند بعضاً گلاباتون وابریشم ونخ رامخلوط نموده تکهٔ خوبتر ونفیس تری بوجود میآرند .

انواع بافت بذریعهٔ آلات دستی :

به استثنای کارخانهٔ بنیان وجراب بافی ، دربسی نقاط‌افغانستان بکثرت زنهاومردهاوجود داردکه‌بذریعهٔ ماشین خورد دستی و کرشنیل وسیخ‌ها مصروف‌بافت انواع امتعه اند. چنین امتعه‌بصورت‌عمومی‌عبارت ازسه قسمت‌است : پشمی ، سندی ، نخی ، قسمت پشمی‌آن به‌دوتفریق است . امتعهٔ که دران پشم تاب دادهٔ الات دستی (که بذریعهٔ چرخه وچیلك تاب میدهند) وامتعهٔ که با پشم تاب دادهٔ ماشین‌افت میشود . امتعه ئیکه بذریعهٔ پشم اول الذکر بافته میشود قدری کلفت ودرشت است اما امتعه ئیکه ازپشم موخرالذکرساخته میشودخوب ونفیس بوده

اکثراً ازامتعهٔ تجارتی‌اروپائی پس‌نمیماند . بصورت عمومی امتعهٔ پشمی عبارت ازبنیانهای‌مردانه وزنانه ، جرابها ، دستمالهای‌گردن ، کلا ها وغیره‌میباشد . آمدیم به امتعهٔ سندی،امتعهٔ سندی عموماً ازسند هائیکه ازخارج میآیدبافته میشود واین عبارت ازجا کتها ، رو پطنوسی‌ها ، سرمیزی های‌گلدار ، کلا ها ، چادرهای گل داراست . امتعهٔ نخی منحصربه جراب ، کلاه و پیراهن‌هامیباشد . این‌صنعت روزبروز در بین مردم رواج پیدا کرده میرود . هرگاه اشخاصیکه بذریعهٔ دست جراب و پیراهن میبافند نیز تهیهٔ ماشین خورد دستی رابنمایند استفادهٔ ایشان بمراتب بلند خواهد رفت . این صنعت بیشتر درکابل ، هرات ، قندهار سمت‌شمالی ، مشرقی ، علاقه‌جات‌مرکزی، مزار رواج دارد .

بوت و موزه دوزی :

این‌صنعت درین اواخر ترقی خوبی نموده روز بروز دیده میشود که بازار چنین امتعهٔ خارج سست واموال وارداتی شان ازسالی بسالی میماند حاضراً فابریکهٔ به اسم فابریکهٔ بوت دوزی درحصهٔ زنده بانان کابل وجود دارد که بذریعهٔ یك تعداد ماشینهای برقی و دست دوز روزانه ۸۰جوره بوت‌رقم سائزی و۷۰جوره موزهٔ اعلی‌واوسط وچیزی بوت خاصه تهیه میدارد علاوتاً یك‌عمارت جدیدی هم برای فابریکهٔ جدید بوت دوزی تعمیر و یك تعداد ماشینها تهیه شده که چندی بعد مابقی کار آن تکمیل گردیده شروع بکار خواهد نمود. درشرکت ودکانهای‌شخصی‌کار اکثراً بذریعهٔ‌دست‌است. تنها رویهٔ بوت وموزه و غیره را بذریعهٔ ماشین های که بذریعهٔ پا و دست چرخانده میشود میدوزند. این‌صنعت کاران ازعهدهٔ دوخت‌هر نوع بوت‌وموزه وغیره

(c) ketabton.com: The Digital Library

برامده کار را بکمال نفاست وخوبی میکشند . اکثر بوت وموزه های ساخت وطن از بوتهای کم دوام تجارتی خارج بمراتب برتری و مزیت دارد ـ درین صنعت بوت دوز های کابل وقندهار شهرت بیشتری‌دارند . ثمرهٔ دست همین‌صنعت کاران‌است که‌احتیاج یك طبقهٔ زیادرا تدارك میکند . از ۱۰ هزار یك نفر خواهد بود که‌ازین قبیل مستحصلات‌وطن‌استعمال‌نکرده امتعهٔ‌خارج‌را ترجیح‌دهند. طوریکه در فوق به ان اشاره رفت بوت دوزهای‌وطن‌تنهابوت وموزه تهیه نکرده بوت موزه ، گیتس ، بوت نیم ساق و ساقدار ، سلیپر مسیح سرپائی ، چپلی . . . . هم بیك‌تعداد زیاد اعمال ودرمعرض‌فروش میگذارند . خلاصه‌این‌صنعت‌یکی‌ازصنایع‌ترقی یافتهٔ وطن‌است‌لیك‌نقصیکه دران وجود دارد همین اجتهاد انفرادی صنعتکاران بازار وعدم توجه به تاسیس شرکتهائیست که از عهدهٔ تورید ماشین های برقی بر امده بتوانند. اگر به این هم موفق شوند درایندهٔ قریب میتوانندکه بمقابل امتعهٔ خارجی که محصول ماشین های بزرگ است در بازارهای خارج نبردآزما گردند. گرچه شرکتی بنام «شرکت‌رفاه» تأسیس‌وچندی از کاریگر ها جمع و رونقی بکار بخشیده اند لیك از باعث قلت سرمایه نتوانسته که ماشین‌های لازمهٔ برقی تورید و درجهٔ مستحصلات خود را به اندازهٔ که ازواردات خارج بی‌نیازی حاصل شود ، بلندبرد .

پیزار دوزی :

این صنعت از ادوار تاریخی در ین مملکت‌رواج داشته حاضراً هم مثل بوت وموزه به‌یك پیمانهٔ خیلی زیادی اعمال میگردد . صورت ساختمان پیزارها به‌این طریق است که اکثراً چرم‌های گاوی و

گاو میشی و آهوگی را گرفته بصورت چپه و بعضاً راسته بصفائی بطرز مخصوصی دوخته به آن پسکی دراز تر از نیم ساق و بینی چه داده تلی های مضبوط و محکمی را ضم و در وسط رویهٔ آن جری میکشند . پیزار ها چون بوتهای جیر حاجت برو غن و جلا نداشته بدون استعمال هیچ نوع مواد شحمیه چندین سال داشت ودوام دارد بعضا بروی پیزار ها از ابریشم و بعضا هم از گلا باتون گل هم میدوزند این صنعت در تمام جلال آباد ، کابل ، غزنی ، قندهار ، هرات بیشتر رواج دارد.

پوستین دوزی :

اکثراً پوست بره ، روباه ، خفك ، سگ‌آبی، قره‌گلی . . . . وغیره‌را گرفته بعد ازدباغی بصورت مخصوصی جهت خنك های زمستان پوستین و پوستینچه های اعلی وخوبی میسازند . نظر به‌دیگر پوست‌ها ازپوست‌بره‌بیشتر پوستین‌تیارمیکنند. مهمترین‌مراکزپوستین دوزی‌غزنی، هرات ، سمت شمالی (استالف وچهار یکار) ، کابل (زنده بانان وبی‌بی‌مهرو) میباشد. دراین مواضع پوستین‌به‌یك اندازهٔ خیلی زیادی ساخته شده دربازارهای داخل‌وخارج‌بفروش میرسد. پوستین‌های غزنی درهمه جاشهرت بیشتری‌دارد . این صنعت‌روز بروزاصلاح‌شده اکنون مطابق ذوق هرنوع مشتری بقسم یلان ، بالاپوش وغیره نیز میسازند اکثراً پوستین های بره ئی را که در روی آن رویهٔ از تکه گرفته نمیشود بادوخت ابریشم های نارنجی وزرد مزین میکنند . به استثنای پوستینهای که درفوق بدان اشاره‌رفت‌ودرین‌مملکت‌به کثرت‌وجوددارد ازپوستهای سمور ، خز ، آلتای . . . هم پوستین های نفیس وخوبی

(c) ketabton.com: The Digital Library

میسازند . خلاصه این صنعت با کمی اصلاحات فنی یك صنعت خیلی قیمتدار شده بخوبی میتواند که دربازار های مناطق بارده و معتدله مشتریهای بس زیادی پیدا کند .

خیاطی :

درخیاطی از زمان امیرعبدالرحمن خان تجدد دیده میشود و مشارالیه یك عده خیاطهارا برای کارشخصی خویش بزیردست یك نفرخارجی داده وادارشان به آموختن خیاطی جدید نمود . همچنان امیرحبیب الله خان نیز خیاط خانهٔ شخصی تحت اثریك نفرخارجی داشت که اکثرخیاطها ازان استفاده نموده اند. ازهمین تاریخ است که بعضی خیاطهای وطن به «مود» اروپائی هم آشنا شده آهسته آهسته ان را عمومیت دادند. حاضراً بسی خیاطهای ماهری در وطن وجود دارد که از عهدهٔ دوخت هر نوع لباس اروپائی و ملی بخوبی بدر شده میتوانند . تمام خیاطهای وطن جز امور یکه ازماشین ساخته نیست قسمت زیاد دوخت خود را ذریعهٔ ماشینهای دستی خیاطی اجرامینمایند . در سنهٔ گذشته برای زیادت خیاطهای خیلی ماهر ومتخصص، صنفی برای خیاطی درمکتب صنایع نفیسه ایزاد گشته که دران به اندازهٔ ٤٥ نفر طلبه بزیر دست یك نفر متخصص وطن مصروف تعلیم خیاطی اند .

کلاه دوزی :

کلاه دوز ها دوقسم اند ، کلاه دوزهائیکه کلاهی رقم عسکری ومامورین ملکی ازقبیل قره گلی ، بیری ، شاپو ، کاسکت میسازند و کلاه دوز هائیکه کلاهای فتیله ئی قرص مردانه و زنانهٔ سیم دوزی تیار میکنند کلاه دوزهای اول الذکر ازعهدهٔ ساخت هرنوع کلاه

بدر شده بسی کلاهای قشنگ و نفیسی میدوزند این نوع کلادوز ها بیشتر در کابل و دیگر شهرهای مهم وجود دارد . کلاه دوز های موخرالذکر هم در رقم کار خود ماهر بوده انواع کلاهای قرص وسیم دوزی وغیره میدوزند . درساخت کلاه قرص وسیم دوزی کلاه دوزها وعرقچین دوزهای قندهار وکابل ودردیگر نوع کلاهای فتیله ئی وغیره مزار ، قطغن وبدخشان ، مشرقی ، هرات وکابل شهرت ومهارت بیشتری دارند. این قسم دوم کلاه وعرقچین دوزی اکثراً مشغلهٔ زنهاست

دکمه سازی :

جهت ساخت دکمه های مختلف شاخی خورد ، وسط و کلان یك کارخانهٔ درکابل موجوداست که بذریعهٔ ١٥ پایه ماشین برقی ومتخصص وکارگرهای وطنی ازشاخ گاو ، بز و شنگل های گوسفند وغیره دکمه های خیلی خوب وقشنگ مثل دکمه های شاخی خوب و نفیس خارج میسازند . این کارخانه از ٨ سال باینطرف مصروف کارمیباشد علاوه برین درشعبهٔ ریزه کاری ماشینخانهٔ عمومی دکمه های برنجی محراب ومنبردار ودردکانهای ریخته گرها دکمه های برنجی ساده به یك پیمانهٔ زیادی اعمال میگردد

صنایع متعلقه بمفروشات

قالین وقالینچه :

این صنعت مثل صنعت حجاری یك صنعت خیلی مشهور قدیمی است . حاضراً در افغانستان انواع قالین های منقش و زیبا که ازحیث دوام وپخته گی رنگ ونفاست باتمام قالین های اعلای دست

(c) ketabton.com: The Digital Library

بافت دنیاهمسری میکند بذریعهٔ کارگاهای دستی ازپشم های متنوعهٔ وطن به یك پیمانهٔ خیلی‌زیادی بافته میشود . این صنعت به‌اعتبار اکثریت مشغولیت وپیشهٔ خانهاست . مشهورترین قالین وقالینچه های افغانستان قالین وقالینچه های دولت آبادی ، قرل‌ایاقی ، آقچه ئی ، کرخی ، کابلی (۱) وغیره میباشد لیك ازهمهٔ اینها قالین ها وقالینچه های دولت آبادی بهترونفیس تراست زیراهمان قالین موری (مروی) که سابقاً درمروساخته میشدا کنون بهمان نفاست‌توسط همان صنعت کاران دردولت‌آباد افغانستان بکثرت‌اعمال میگردد. صنعت‌قالین برعلاوهٔ مواضع فوق الذکردرفراه واسفزار. . .وغیره جاهای‌هرات وقندهار بکثرت وجود دارد لیك باعتبار اکثریت باقالین و قالینچه های مواضع فوق الذکر چه از نقطهٔ نظر بافت وچه از نقطهٔ نظر رنگ همسری کرده نمیتواند .

اکثرقالین های افغانستان به‌اندازهٔ بادوام‌ومضبوط است که باوجود استعمال دائمی الی ۱۰۰ سال هم دوام دارد . درظرف این مدت در رنگ های پختهٔ آن نیزتغیری رخ نمیدهد .

مستحصلات قالین به اندازهٔ زیاد است که قسمت زیاد آن در داخل ویك قسمت آن درخارج بفروش میرسد. این صنعت‌روزبروز روبترقی بوده سالانه یك‌تعداد صنعت کاران ماهر چه ازمکتب صنایع نفیسه وچه از زیردست صنعت کاران دیگرخارج میشود .

گلیم :

گلیم درافغانستان یك فرش عمومی بوده به یك پیمانهٔ خیلی‌زیادی

« ۱ » درکابل ازطرف طلاب مکتب صنایع نفیسه‌وفارغ التحصیل‌های آن مثل قالین وقالینچه های ایرانی مفروشات نفیس ساخته میشود .

ساخته میشود . این صنعت هم یك صنعت قدیمی بوده باچیزی تغیر و ترقی تاحال دوام نموده است صورت بافت آن مثل قالین ذریعهٔ کارگاه دستی بوده‌نظربه قالین سهل‌تر بافته میشود. مشهورترین ونفیس‌ترین گلم‌ها گلم‌های : حصص‌شمالی ، مقری ، اندری، فراهی ، هراتی میباشد . بعض‌گلم های فرمایشی بزرگ فراهی ، قاقمه‌ئی، مزاری هراتی به اندازه ۴۰۰ و ۵۰۰ افغانی‌هم قیمت‌دارد. برعلاوهٔ مواضع فوق درحصص‌سطح‌مرتفع مرکزی ، غوربند ، سمت شمالی‌کابل ، غزنی وغیره هم به یك پیمانهٔ وسیعی گلم میسازند لیکن این گلم ها اکثراً بدرجهٔ‌دوم وسوم است . دربین گلم های قاقمه‌ئی ، مزاری ، فراهی مقری و غیره آنطور گلم های مضبوط پیدامیشود که بیشتر از ۳۰ ۴۰ سال دوام دارد اگر از طرف کارگرهاقدری دقت بعمل آمده درطرز ورنگ آن ذوق وسلیقه بخرج دهند این صنعت بیشتر ترقی یافته مشتریهای خارج رازیاد تربسوی خود جلب خواهد نمود .

چنانچه اخیراً صنعت‌گلم‌بافی درمجلس‌عمومی باصول‌صحیح ترقی کرده واز لحاظ‌مضبوطی‌ساخت‌وخوبی‌رنگ‌ونفاست‌خودخیلی‌جالب‌توجه‌واقع شده‌است

شطرنجی :

شطرنجی یك فرش بهاریست که از نخ های تابداده بذریعهٔ کارگاه‌دستی بصورت گلم نازك ، بافت ودربهار بعوض قالین وگلم استعمال میشود . این‌صنعت درجبل السراج ، شتل ، سالنگ ، مقر بکثرت وجود دارد مستحصلات آن‌عبارت ازفرش‌خانه سرچهار پائی‌ها جاینمازهامیباشدباین‌نوع سطرنجی‌ها ابتداءً درزمان‌امیرعبدالرحمن‌خان‌توجه بعمل آمده مشارالیه یك کارخانهٔ سطرنجی بافی تأسیس‌نمود که دران

(c) ketabton.com: The Digital Library

به الوان و اقسام مختلف سطرنجی بافته میشد . اینك در محبس عمومی یك شعبهٔ سطرنجی بافی در جملهٔ دیگر شعب صنعتی از طرف حکومت متبوعه تأسیس یافته که محبوسین بکمال ذوق وشوق این صنعت را آموخته کار میکنند .

نمد :

بمثل قالین وگلیم وغیره کارگاه نداشته بذریعهٔ فشار و مالش های متمادی وزیادیك فرش گرم برای خنك های زمستان تهیه میدارند این صنعت بیشتر درهرات ، فراه ، قندهار ، وردك ، حصص سطح مرتفع مرکزی وجود دارد . نمدآبداری هرات که آن را نمدکرکی هم میگویند که نفیس ترین وخوبترین نمدهای افغانستان است . بعد ازین ، نمدهای سه تکه ئی هرات و ازین بعد تر نمد های سه تکهٔ قندهار سپس نمد های دیگر حصص میباشد .

برق و آلات مختلفهٔ برق

فابریکهٔ و ماشین های تولید برق :

چون برق در امورصنعتی موجوده دخل قوی دارد و آن بمثابهٔ روح صنایع بزرگ ماشینی است لذا درافغانستان ازچندیست که بدان توجه شده وروزبروز به ترقی وتوسیع دامنهٔ آن اهتمام میشود . قریب ۲۲ سال قبل سه ماشین آبی بقوهٔ ۱۵۰۰ کیلوات در جبل السراج نصب وازان یك قسمت اهالی شهر کابل و بعضی فابریکه ها استفاده مینمودند لیك رفته رفته ماشین های متعددی توریدودامنهٔ آن تااندازهٔ وسعت یافت در حاضر برعلاوه سه پایه ماشین فوق الذکریك ماشین دیزل که بذریعهٔ

تیل تولید برق مینماید بقوهٔ ۲۲۰ کیلوات در ماشینخانهٔ کابل ، یك ماشین آبی بقوهٔ ۵۰۰ کیلوات در هرات ، ماشینی بقوهٔ ۳۰۰ کیلوات در قندهار ، ماشینی آتشی بقوهٔ ۲۵ کیلوات در مزار ، ماشینی آبی بقوهٔ ۲۰۰ کیلوات در پغمان و ماشینی بقوهٔ ۲۵ کیلوات در جلال آباد وجود دارد که ازتمام آنها جهة تنویروغیره بذریعهٔ متخصصین و کارگرهای داخلی و چند نفر مستخدمین خارجی کار گرفته میشود . بر علاوهٔ این ماشین ها در همین نزدیکی ها چند ماشین تربین جدید بقوهٔ (۹٦۰) کیلوات برای فابریکهٔ برق جبل السراج وارد شده است . گذشته ازین چون کار خانه های متعدد دیگری در نظر است بکار افتد فابریکهٔ مالك ماشین های چند بقوهٔ (۳۰۰۰) کیلوات برای مقام وردك که کار تعمیر آن جاریست وماشینی بقوهٔ (٤۵) کیلوات برای چهاریکار تهیه دیده شده که عنقریب ماشین های آن وارد و بمواضع مذکوره نصب خواهد شد . خوشبختانه وجود آب فراوان و آبشار های قدرتی زیاد جهة انبساط کار خانه جات برق سهولت زیادی پیش کرده و بنابران ترقی آیندهٔ کارخانه جات برق که عامل درجه اول ترقی و توسعهٔ صنایع است یك امر یقینی میباشد .

تیلفون و تلگراف سیم دار :

تیلفون به تمام ولایات وحکومتی ها وحتی علاقه داریها تمدید یافته روزبروز دامنهٔ آن وسعت یافته میرود ازین جمله اکثر سیمهای تیلفون وتلگراف سیمدار یکجا میباشد وبهمه نقاط مهمه مخابره میکند . حاضراً به ایندرجه تعمیم یافته که درشهرهای مهم علاوه برتمام دوائر وشعب رسمی

(c) ketabton.com: The Digital Library

شایقینیکه استعداد تادیهٔ محصول آن را دارند به یك تعداد زیادی بخانه ها و شرکت های خود تیلفون دارند. درین چند سال اخیر تیلفون های مرکز بصورت سیستم جدید «سنترل بیتری» وسیم های آن همه « کیبل » زیر زمینی شده امور مخابراتی ذریعهٔ تیلفون به یکصورت بسیار منظم و خوبی جریان یافته است . برای مخابرات (شخصی) محصولی هم تسهیلات خوبی فراهم گردیده هرشخص بتادیهٔ محصول خیلی جزئی بدور ترین زوایای مملکت شخصا مخابره میتواند برعلاوهٔ تیلفون سیمدار یك نوع تیلفون بی‌سیم هم وجود دارد که از کابل باهرات ومزار ودایزنگی مخابره میکند. متخصصین وکارگرها اکثراً داخلی وفقط چند نفر خارجی میباشد .

تلگراف بی سیم :

فعلا بذریعهٔ تلگرافهای موجوده فیمابین کابل ، هرات ، میمنه مزار ، دایزنگی و ترمز (و توسط ترمز بدیگر نقاط خارج) و در صورت سقوط سیم تیلفون تورخم با پشاور بحروف (مورس) مخابره میشود. درصورت تکمیل کار مرکز مخابرهٔ متون (سمت جنوبی) که درهمین زودی ها تکمیل خواهد شد با آنجا هم مخابرهٔ تلگرافی جاری خواهد شد . برعلاوهٔ این، یك استیشن خیلی بزرگ عصری درزیرکار است که جز کار نصب کردن « آیرل » آخذه وبعضی کار های جزئی ، دیگر امور فنی و تعمیر آن تکمیل شده که بعد از سه چهار ماه ان‌شاءالله با تمام نقاط دنیا بالخاصه اروپا وامریکا وآسیا مستقیما مخابره خواهد شد. متخصصین وکارگرهای تلگراف ها جز یك دو نفر خارجی دیگرها تماما داخلی میباشند که بعض در خارج و برخی در همین جا تحصیل کرده اند .

رادیو :

تا اکنون استیشن صحیح درافغانستان وجود نداشته ویك استیشن بسیار خورد مرسله که محض جهة شهر کابل در سابق وجود داشت درزمان انقلاب وطن بکلی از میان رفت. حکومت متبوعه از چندیست به تهیهٔ یك استیشن بقوهٔ ۲۰ کیلوات اقدام فرموده که عنقریب انشاءالله تمام لوازم آن تکمیل یافته شروع بکار خواهد نمود. برای نصب و ترمیم و رفع نواقص رادیو های که بدست اکثر اشخاص موجود بوده وازاستیشن های خارج استفاده میکنند چند نفر متخصصین داخلی وجود دارد که بسی رادیو های مرمت طلب را ترمیم و تکمیل مینمایند .

آلات مکبرالصوت :

چند دستگاه مکبرالصوت که اصوات را برای استماع یك جم غفیر ، بزرگ میسازد وجود داشته دراکثر نطق ها ازان استفاده میشود کارگران آن هم داخلی بوده در صورت خرابی بعضی حصص آن از طرف اوشان ترمیم و تکمیل میشود .

لوازم برقی جهة معاینه و تداوی :

یك‌موسسه ازطرف حکومت درکابل وجود دارد که بنام «موسسهٔ اکسریز» یاد میشود این موسسه دارای چهار شعبه میباشد : اکسریز دیاترمی ، وایریوستاد ، کوارتس‌لمپ. اکسریز آن‌داری رادیو سکوپی ، رادیوگرافی ، رادیوتراپی است. اول الذکر برای معاینه ودومی برای گرفتن‌عکس اعضای داخلهٔ وجود وسومی برای‌معالجهٔ بعضی امراض مثل

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرطان وغیره میباشد . شعبهٔ (۲) که عبارت ازدیاترمی است برای تداوی روماتیزم، فلج وغیره تخصیص یافته وشعبهٔ سوم برای کمزوری وفلج دست وپا وشعبهٔ (٤) یعنی کوارتس لمپ جهته شعاع جلد و تداوی سالدانه و غیره میباشد . و هم یك دستگاه اکسریز در ساتوریم وجود دارد که مریض های سل یومیه ذریعهٔ آن معاینه میشود کذا در دیگر شفاخانه ها و مؤسسات هم بعضی لوازم برقی وجود دارد که بعضی امراض را بذریعهٔ آن معاینه و معالجه مینمایند . بر علاوهٔ این ماشینها ولوازم برقی ، حکومت یك دستگاه مکمل وجدید ترین معالجات برقیه را خواسته است که بعضی لوازم آن رسیده ومابقی آن عنقریب وارد و بذریعهٔ متخصصین وطن بمورد استفادهٔ اهالی گذاشته میشود .

صنایع معدنی

کشف و قرار داد معادن :

در افغانستان روز بروز بمعادن اهمیتی زیاد تری داده میشود بالخاصه درین اواخر توجه مخصوصی راجع به آن شده یك تعداد متخصصین لائق خارجی و داخلی مامور شده اند تا حتی الممکن معادن را کشف نمایندچنانچه تا کنون متجاوز از ۳۰۰ معادن مفیدهٔ متنوع کشف گردیده که نمونه های آن در موزیم وزارت تجارت موجود بوده و از چند آن استفاده هم شده است . علاوه برین درین زودیها راجع بمعادن تیل هرات بهمراه کمپنی اینلیند اکسپلوریشن امریکائی و راجع به معادن سمت جنوب باشرکت المانی که با شرکت افغانستان متفقاً کار خواهد نمود قرار داد شده چنانچه نمایندگان ایشان

از چندیست که مصروف تحقیق و تتبع بوده عنقریب بصورت اساسی شروع بکار خواهند نمود .

حکاکی :

به نسبت وجود احجار کریمهٔ زیاد و قیمت دار، این صنعت مدتهاست که در افغانستان وجود داشته از لعل ولاجورد بدخشان ، یاقوت و سنگ شاه مقصود و غیره احجار نفیسهٔ دیگر حصص مملکت دانه ها وبعضی اشیاء خیلی نفیس میساختند. امیرعبدالرحمن خان چندنفر حکاکها را جمع نموده جهة کار شخصی خود داخل ماشینخانه ساخت ازین تاریخ به بعد حکاك های ماهری دوباره بوجود آمد لیك بهنسبت عدم وجود ماشین نمیشد که ازمعادن به یك پیمانهٔ زیادی کار گرفته شود. حکومت موجوده باین موضوع ملتفت گشته تقریباً سه سال قبل باندازه ۱۵ پایه ماشین حکاکی احجار کریمه از خارج وارد نموده بکار انداخت که اینك آثار آنرا در بازار های وطن وخارج ملاحظهمیکنیم. درین فابریکه اشیائیکه حکاکی میشود عبارت از سنگهای سرمیزی ، دستهٔ تاپه های مهر ، خاکستر دانیها، نگینه ها . و غیره، ازسنگ لاجورد ـ ونگینه های زیر گوشی ، انگشتر و غیره از معدن امتیست و یاقوت وغیره میباشد. حکاك های قندهار و کابل که به ذریعهٔ آله های دستی کار میکنند نیز بعضی نگینه ها و قطیهای نصوار دماغ و سگرت و حتی پیاله و نعلبکی ، بوطلهای خورد ، سنگ های سرمیزی و غیره از احجار قیمت دار بکثرت میسازند بالخاصه حکاکهای قندهار تسابیح و غیره اشیائیکه از

(c) ketabton.com: The Digital Library

سنگهای نفیس لاجورد ، سنگ شاه مقصود و غیره میسازند خیلی نفیس و بیمثل است .

زرشوئی:

این صنعت در قطغن و بدخشان بکثرت وجود داشته بذریعهٔ پوست های گوسفند و بز و غیره از دریای کوکچه بیشتر در ایام خریف بصورت مخصوصی ذرات طلا را جمع میکنند برعلاوه در کابل و بعضی شهرهای دیگر افغانستان هم خاك شویهائی وجود دارد که ذرات طلا و نقره را از بین خاك ها و برادهٔ مس و غیره جدا مینمایند.اما سه سال پیش برای زرشوئی ماشینهای جدید خریداری و در ولایت قطغن بکار انداخته شده که ذرات طلا را بصورت فنی جمع آوری میکنند .

صنایع متعلقه بفلزات

زرگری:

این صنعت هم یك صنعت خیلی قدیمی بوده در معابد و مساجد بسی آثار قیمدار و نفیسی که در دیگر جاها مثل آن بندرت سراغ میشد وجود داشت. این نوع شاه کاریهای صنعت دردورهای اسلام بیشتر و بهتر از سابق بنظرها جلوگر بوده اشیاء مصنوعهٔ اوشان باعث حیرت ناظرین میگردید در قرون اخیره این هم مثل دیگر صنایع رو بخاموشی گذاشته بود در زمان شهنشاه افغان اعلیحضرت احمد شاه دوباره شروع بحیات نوین نموده با وجود بعضی وقفه ها آهسته آهسته

ترقی نمود وحد انتهای ترقی آن در زمان امیر شهید حبیب الله‌خان بود چه وی ازباعث احتیاجات زیاد شخصی به‌این صنعت توجه خاصی داشت . اکنون بعضی از همان زرگران و بسی شاگردان شان وجود داشته در بازارهای شهرهای مهم افغانستان و بالخاصه کابل مصروف ساخت انواع زیورات نفیس وقابل دید ازقبیل گلو بندها دستواره‌ها ، طوق‌ها ، لاکت ها ، انگشترها و آویزه های گوش دانه نشان ومنقش طلائی و اشیا وزیورات قشنگ نقره‌ئی میباشند حتی اینها ازروی نمونهٔ کتلاك ازعهدهٔ ساخت بسی زیورات اروپائی وظروف که عمل آن بدست ممکن باشد بخوبی بدر شده میتوانند. گذشته از ین بعضی صندوقچه ها و قطی ها و سگرت دانی ها وغیره سامانهای ظریف وکارآمد منقش طلائی که در روی آن خطوط نقره بصورت نفیسی کارشده‌باشد میسازند. علاوهٔ سواد ومینا کاری هم ازدست‌استادان ماهرپوره بوده بخوبی میتوانند که دربالای بعضی اشیاء نفیس سواد ومینا کارکنند . تمام این کارها بذریعهٔ دست وآلات دستی اجرا میشود . خلاصه زرگری موجوده نفیس بوده منتها اگر تشکیل شرکت های متعددگردیده وشرکت ها هم بعضی‌لوازم‌ضروری عصری را به پیمانهٔ زیاد تهیه وقدری تجدد وانتظام دیگرهم‌بدین صنعت نفیس بخشند، ترقی آن بپایهٔ بلند رسیده بیشترجلب‌توجه مردم راخواهد کرد .

صنایع فولاد وآهن :

صنایع فولاد وآهن از ازمنهٔ خیلی قدیم درین سر زمین باشهرت خوبی‌وجود داشته درهردورآلات واسباب مختلفی‌ازقبیل پیکانهای تیر

(c) ketabton.com: The Digital Library

ژوبین ها ، سرنیزه ها ، خنجر ، تبرزین ، خود ، زره ، سپرها ، . . .
وآلات شخم زمین وغیره بکثرت بوجود آورده میشد این صنعت
در دوره های اسلام بیشتر ترقی نموده بعضی آلات دیگری
جهت رصد خانه ها وبعضی اسلحه از قبیل کریچ ها و غیره
ساختند تاآنکه آلات ناریه اختراع وبساختن تفنگ های چقماقی ، فتیله ئی
پتاقی دار ، قره بونه . . . واخیراً درسایه فابریکهٔ عمومی (ماشینخانه)
به اعمال تفنگ های متنوع ، توپ ، کارطوسها ، شرپنل ، بم ها ، انواع
باروتها وبعضی لوازم واسلحه دیگر موفق شدند که توضیح این نوع
صنایع نظامی بمسلك مقالهٔ ما تعلق ندارد . آمدیم بدیگر صنایع فولاد
وآهن ، حاضراً سه کارخانه نسبتاً بزرگ به استثنای کار خانه های
مخصوص نظامی جهة صنایع فولاد وآهن وجود دارد : کارخانهٔ فولاد
وآهن گری فابریکهٔ عمومی (ماشینخانه) ، کارخانهٔ موتر وبسته کاری
حکومتی وفابریکهٔ ترمیم موتر شرکت اسهامی . کارخانهٔ فولاد و آهن
گری دارای یك تعداد لوازم ارقبیل وسائط ذوب ، خرادی ، آهن بری
کوره . . . وغیره آلات وادوات ریخته گری وغیره بوده بسی سامان
آهنی و فولادی نظر به احتیاجات و کار آمد میسازند ، در
دوفابریکهٔ ترمیم موتر انواع موترها وپرزه های شکسته ترمیم و تکمیل گردیده
مالك سامان لیمکاری لوازم پرکاری آکومولاتورها وغیره آلات ، وادوات
لازمه ومتخصصین است .

علاوه برین دربسی نقاط افغانستان (کابل ، قندهار ، هرات ، مزار
جاغوری ، لغمان ، غزنی ، چهاریکار . . .) بعضی کارخانه های خورد
خورد شخصی که بذریعهٔ وسائط بسیط ودست کار میکند موجود است

که دران انواع تیغ ها وآلات جارحه مثل چاقو ، قمه ، خنجر ، کارد
پاکی ... و دیگر لوازم مثل مقراض ، ساتور ، بیل ، کلند
تبر ، قسمت آهنی لوازم شخم زمین ، میخها ، آهن جامه های عمارات
بعضی قفل های پیچی . . . وغیره بسازند لیك اشیاء قابل توصیف این
کار خانه های خورد شخصی عبارت از چاقوها ، قمه ها وغیره آلات
جارحه میباشد بالخاصه در اعمال آلات جارحه چهاریکار و چهار باغ
وتیگری لغمان ، جاغوری وغزنی وشهر قندهار شهرت بیشتری داشته
اکثراً این نوع مستحصلات اوشان از نقطهٔ نظر برش ومضبوطی و
آبداری از بسی سامان تجارتی خارج مزیت و برتری دارد . در
همین حصص بعضی از آلات خورد ناریه هم ترمیم میگردد ونیز بعضاً
تفنگ های شکاری دهن پر و بغل پر چره ئی وکارطوسی در بعض از
همین مواضع بصورت بسیط ساخته میشود .
درشهرهای مهم و حصهٔ جاغوری و چهار یکار کار خانه های خورد
خورد شخصی نیز برای ترمیم عراده ها وجود دارد : با این هم درین
قسمت صنایع فولاد و آهن کارگرهای ملی از باعث بر و گذاشت از
شرکتها و عدم توزید لوازم ذوب ، خرادی وغیره سامان ریخته
گری . . . عصری خیلی ها پس بوده تاحال نتوانسته اند که اکثر
سامان فولادی و آهنی خارج رابواسطهٔ مستحصلات خود ازین خاك
مانع شوند. بالخاصه ازنقطهٔ نظر فابریکه داری خیلی عقب مانده اند
واین مسلم است که جز ازاتحاد واتفاق یك دسته کارگرهای صاحب
ثروت ودیگر مستعدین از دست دیگر ها ساخته نیست .
اما بالمقابل حکومت متبوعه که همواره بفکر ترقی ونهضت های علمی

(c) ketabton.com: The Digital Library

اقتصادی ، صنعتی وغیرهٔ مملکت است اخیراً درمکتب صنایع یك صنف بزرگ بسته کاری تأسیس ومعلمین اروپائی وماشین و لوازم ذوب وغیره برای آ نها خواسته که عنقریب در جوار فابریکه های خواجه ملای چهاردهی عمارت آن تعمیر و ماشین ها دران بکار خواهد افتاد و دران وقت بسیاری از آلات فلزی دستی و افزار ها وغیره وحتی بعض ماشینهای ساده و پرزه جات ماشین دران اعمال خواهد شد و احتیاجات ما را ازین ناحیه تااندازهٔ تقلیل خواهد داد .

صنعت مسکوکات

این صنعت مثل مجسمه سازی سابق افغانستان ، یك صنعت خیلی قدیمی است چنانچه از مقالهٔ (مسکوکات افغانستان) این موضوع بخوبی فهمیده میشود . حاضراً در افغانستان یك فابریکه که دارای ماشین های ذوب ، حلاجی ، برش ، ضرب و غیره لوازم است تحت ریاست ضرابخانه وجود دارد که حسب احتیاج و ضرورت مملکت یومیه طلا ، افغانی ، ۵۰ ، ۲۵ ، ۱۰ و ۵ پولی طوریکه در دنیا مروج است ضرب میزند (مسکوکات کاغذی اکثراً درمطبعهٔ عمومی و بعضی در خارج بطبع میرسدولی ماشین های طبع نوت تازه وارد شده است) .

مسگری ، برنج ورو کاری

این صنایع ازجملهٔ صنایع قدیمی افغانستان است که راجع به هریك آن آتیا معلومات میدهیم :

مسگری :

ظروف مسی عصر تعالی غزنویها و غوریها که در موزهٔ کابل موجوداست بصورت واضح ترقی این صنعت را درایام سابق نشان میدهد . این صنعت درهرحصص افغانستان وجود دارد لیك مسگران قندهار کابل ، غزنی ، رستاق ، مشهور بوده بسی ظروف و لوازم را مثل صراحی ها ، پطنوس های مشبك وپایه دار ، سماوارهای خورد وبزرگ جامها ، آفتابه لگن ها وانواع ظروف طعامخوری طشت ها ، آبدانها و غیره بذریعهٔ دست و آلات دستی بصورت خوبی و نفیسی میسازند برای اینکه ظروف تولید نیل طوطیا ننماید یعنی اززنگ زدن محفوظ بماند روی آن را بذریعهٔ قلعی ملمع میکنند . بعضا قسمت خارجی ظروف را صیقل نموده بدون ملمع میگذارند این صنعت روز بروز رو بترقی بوده اشیأ مصنوعهٔ مسگران رنگ ورونق بهتری گرفته میرود .

برنج کاری :

پلهٔ ترازوی برنجی که دارای اشکال بروج قمری وخط کوفی است وچراغ برنجی متعلق به قرن ٦ ه ، وپایهٔ چراغ برنجی متعلق به قرن ٤ ه غزنی که در موزیم ما و بسی آثار دیگریکه در موزیم های دنیا وجود دارد ، همه شاهد قوی و دلیل قاطعیست برای اینکه صنعت برنج کاری افغانستان در ازمنهٔ قدیم نفاست و رونق بسزای داشت حاضراً در کار برنج صنعت کاران غزنی وکابل نسبت بدیگر حصص مهارت زیادتری داشته از برنج آفتابه لگن های رقم روسی ، شمع سوزها ، پطنوس های حاشیه مشبك ، چلم ها ، آون ها ، شیر دهن ها

(c) ketabton.com: The Digital Library

وغیره لوازم برنجی به کمال خوبی به یك مقیاس زیاد میسازند. درین صنعت غزنی از کابل هم بیشتر کسب شهرت نموده اکثراً اشیای مصنوعهٔ برنجی آن‌مورد استعمال اهالی‌است. علاوه‌برین صنعت‌کاران بازار در فابریکهٔ عمومی یك شعبهٔ برنج کاری موجود بوده انواع لوازم کار آمد را از قبیل نشان، گل های کمربند، دکمه‌ها وغیره بکمال صفائی و خوبی اعمال میکنند.

رو :

درغزنی ازترکیب جست و بعضی فلزهای دیگر یك نوع صراحی وگیلاس نفیس وخوبی میسازند که در دیگرجاها ساخته نمیشود.

خلاصه صنعت مسگری و برنج کاری و روگری افغانستان اگر قدری اصلاحات فنی دران بعمل آید وتعداد مستحصلات هم بذریعهٔ تشکیل شرکت ها و توریدماشین ها و ادوات لازمه جهت تجارت خارج به یك‌مقیاس زیادتری بلند رود بخوبی میتواند که در بازارهای خارج بدر شده پول زیادی نصیب صنعت گران خود گرداند.

گلیت کاری (لعاب دادن فلزات) :

درشعبهٔ گلیت کاری فابریکهٔ عمومی‌وسائربازارهای‌افغانستان روی اشیای مسی وبرنجی‌را بصورت خوبی صیقل‌نموده جلا می بخشند. علاوتا بعضی‌اشیای برنجی ومسی‌را بذریعهٔ مواد کیمیاوی ولعاب فلزات قیمتی بصورت نقره وطلا وغیره‌رنگ میدهند این‌صنعت برای درخشان نمودن وجلابخشیدن اشیای‌مسی‌وبرنجی وحتی‌طلاونقره یك صنعت قیمت‌داراست

سرب کاری :

از سرب در مطبعه به اندازهٔ مکفی حروفها و خط کش ها و

در بازار ها انواع ساچمه ها و گله ها میسازند.

چودن کاری :

درماشینخانه به یك اندازهٔ زیادی ازچودن بعضی‌اشیای کارآمد تهیه میکنند. برعلاوه دربدخشان و کابل وبعضی‌حصص دیگرهم ریخته گرها دیگ ها، کرائی ها، کندالها، آون ها ... وغیره به یك پیمانهٔ زیادی میسازند. این‌صنعت بیشتر در بدخشان رواج دارد.

حلبی سازی :

ازحلبی وآهن چادر بسی‌لوازم کارآمد ساخته میشود این‌صنعت در تمام ولایات افغانستان وجود دارد امتعه ئیکه از آهن حلبی ساخته میشود عبارت از آفتابه، چایجوش، قیف ها، پیپ ... وسامانیکه از آهن چادر اعمال میگردد عبارت از آبدانها، بخاریها تپ های غسل قایق های خورد سطل ها ... و غیره میباشد علاوتاً سقف های عمارات جدید را بذریعهٔ آهن چادر حلبی سازها به یك صورت مقبول و قشنگ می پوشانند ودر بعض حصص روی کار عمارات ودود کش‌ها وناوه ها آهن چادر را که بصورت مشبك استعمال میکنند قشنگ بوده باعث زینت عمارات میشود.

ترمیم ساعت :

درتمام ولایات ساعت سازهاوجود دارد که هر نوع ساعتهای برهم وخراب‌راترمیم میکنند در کابل مرمت کاران ماهری وجود دارد که بعضی پرزه های شکستهٔ ساعت را نیزلیم میتوانند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمونهٔ کار زرگری در کابل (دکان عبدالله خان زرگر)
Spécimeus d'orfèvrerie existante à Kâboul

صنایع کیمیاوی

ساختن ادویه و پنبهٔ هید روفیل :

مدتیست که متخصصین لائقی جهة تعلیم دواسازی ازخارج استخدام و بزیر دست او شان یك تعداد طلاب داده شده تا ساخت بعضی ادویه را از نباتات وطن وغیره بصورت اصولی وفنی به ایشان تعلیم نمایند. ازجملهٔ این طلاب یك تعداد آن قریب ۵ ماه است که مکتب را تمام نموده مصروف ستاژ (کار) عملی اند که عنقریب ستاژرا تکمیل نموده به تهیهٔ بعضی ادویه مشغول میگردند. برای ساخت بعضی ادویه عمارت جدیدی هم تعمیرشده که عنقریب کار آن ختم میگردد ، کذا برای مصارف پنبهٔ شفاخانه های افغانستان فابریکهٔ جدیدی درنظر است که از طرف مدیریت عمومی فابریکات در پهلوی فابریکهٔ نخ تابی و پارچه بافی جبل السراج تاسیس میشود تاپنبهٔ هیدروفیل را طوریکه در دنیامروج است تهیه نموده بمصرف شفاخانه ها رسانده ماشین های این فابریکهٔ جدید عنقریب تهیه گردیده بکار خواهد افتید .

گوگرد سازی :

درحصص دارالفنون فابریکهٔ بنام گوگرد سازی از چندیست در جریان بوده به اندازه (۹۰۰۰۰۰) قطی گوگرد درایام بهار روزانه تهیه میدارد و این فابریکه دارای ماشین های برقی بوده بخوبی می تواند که احتیاج اهالی را ازین رهگذر رفع نماید در سایهٔ این فابریکهٔ قیمت دار صنعتی یك قلم واردات گوگرد خارج منع شده است ، گوگرد مصنوعهٔ آن مثل گوگرد های بی خطر

(c) ketabton.com: The Digital Library

نمونه‌های اشیای سنگی (مرمر ، رخام ، لاجورد ، شاه‌مقصود وغیره) در نمایشگاه فابریکهٔ حکاکی و سنگ‌تراشی مرکز
Les objets en pierre (marbre, lapi-lazuli etc.) fabriqués avec art en Afghanistan

نمونهٔ کار زرگری در کابل (دکان عبدالله خان زرگر)
Spécimens d'orfévrerie existante à Kaboul

(c) ketabton.com: The Digital Library

هواپیمای روسی است که بجز از قطی خود توسط دیگر چیزها بسهولت در نمیگیرد اکثر مواد آن از داخل مملکت تهیه و بذریعهٔ متخصصین وطن در ساخت آن یومیه مجاهدت بخرج داده میشود .

صابون سازی :

فعلاً دو کارخانهٔ صابون سازی که روزانه تقریباً (۳،۰۰۰) کلچه صابون میسازد وجود دارد برعلاوهٔ این ، دربسی نقاط افغانستان صابونهای مختلف کلاشوئی به یك پیمانه‌ئیکه احتیاجات داخلی را کفایت میکند ساخته میشود به استثنای این یك نوع صابون های مخصوص روی زنانه هم میسازندکه اکثرزنها این صابون وطنی را ازبسی صابونهای قیمت دار خارج مزیت وبرتری میدهند .

ساخت عطر وعرق گلاب :

بذریعهٔ عطاران وغیره ازگل گلاب ، چنبیلی ، را بیلی وغیره گلهای خوشبو که بکثرت وجود دارد عطرهای خوبی میسازند لیك به نسبت ورود عطریات خارج ونبودن ماشینهای لازمه نتوانسته که این صنعت قد راست نماید ونیز همین عطاران به یك مقیاس خیلی زیادی از گل گلاب عرق میکشند که در بسی اطعمه استعمال میشود. یك مرتبه درزمان امیر حبیب‌الله خان شهید یك نفرعطرساز از اروپاء استخدام ومشارالیه چند نفررا تحت تعلیم گرفته بعضی عطریات ازگلهای اهلی ووحشی ساخته بود . اما دنبالهٔ این صنعت نفیس ترك شده امروز عطرکشی بازباصول قدیم واینهم به‌پیمانهٔ مختصری رواج دارد .

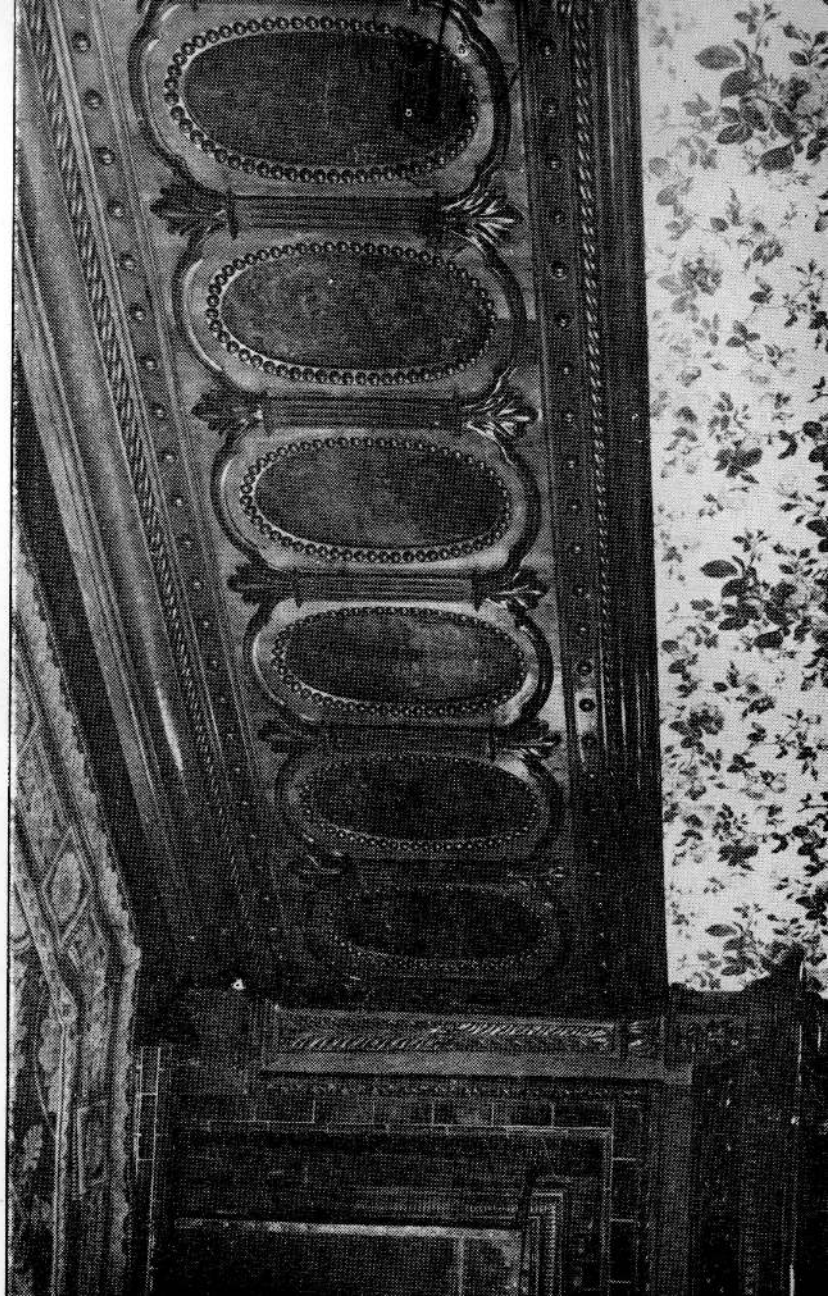

نمونهٔ کار نجاری نجار های کابل
Spécimen des travaux des menuisiers de Kaboul

(c) ketabton.com: The Digital Library

رنگ ریزی :

درفابریکهٔ عمومی (ماشیخانه) کارخانهٔ تحت نگرانی متخصص داخلی جهة رنگریزی وجود داردکه بصورت فنی امتعهٔ پشمی ونخی بایك صفائی ونفاست خوبی بصورت ساده درآن رنگ میشود. این کارخانه برعلاوهٔ انجام امور رنگریزی و احتیاجات حکومتی بعضی از امتعهٔ اهالی را هم رنگ میدهد . علاوه برین فابریکه درتمام حصص افغانستان دکانهای متعدد رنگریزی وجود دارد که باوجود عدم ماشین های لازمه استادان این فن ازعهدهٔ هرنوع رنگ دادن ساده بخوبی بدرشده میتوانند بالخاصه الوان مختلفیکه به ابریشم وسند وپشم میدهند خیلی روشن ونفیس است. رنگ ریزها درتلوین اشیاء بیشتر ازالوان نباتات پیدا وار افغانستان استفاده میکنند اکثراً اشیای رنگ شدهٔ اوشان پخته بوده بزودی تغیری بدان رخ نمیدهد وحتی دراکثرتابش متمادی آفتاب هم لون خود را نمیبازد .

تجربه خانهٔ کیمیاوی رنگ :

درگمرك کابل تحت نظرجناب نورالله خان متخصص کیمیا «لابراتواری» تأسیس یافته که دران ترکیبات رنگهای معدنی آموخته میشود .

جیوه گری :

درکابل بذریعهٔ آئینه سازها وغیره کارگران بیك پیمانهٔ خیلی زیادی آئینه های خورد و کلان جیوه میشود. در افغانستان جیوه به دوصورت انجام میگیرد : بدون لاك وبالاك ، جیوهٔ که درروی آن لاك گرفته میشود خوب وفنی است امابدون لاك آن کم دوام بوده باانك

حرارت انتظام خود را می‌بازد این صنعت درکابل به یك مقیاس بیشتر وجود دارد .

صنائع عمرانی

معماری :

در معماری موجودهٔ افغانستان نهضت وتجدد خوبی دیده میشود یك تعداد عماراتیکه اززمان امیر عبد الرحمن خان الی اکنون ازطرف حکومت وموسسات واشخاص صاحب ثروت بوجود آمده اکثراً دارای یك نظام وترتیب خوب اروپائی است بالخاصه یك تعدادعمارات کثیریکه از ۱۳۰۵ الی اکنون انشاء گردیده خیلی مقبول وقشنگ است. این نوع عمارات یك تعداد قلیل نبوده به اندازهٔ زیاد است که شکل شهرهارا بکلی تغیرداده رنگ ورونق جدیدی بآنها بخشیده است ازجملهٔ این عمارات جزچند عمارات محدود ، دیگر تمام آن بدورهٔ اعلیحضرت فقید شهید (رح) واعلیحضرت نهضت خواه المتوکل علی الله تعلق میگیرد . گذشته ازین حسب یك پلان منظم همه ساله یك تعداد عمارات مکفی ازطرف حکومت متبوعه بذریعهٔ مهندسین داخلی و خارجی به تعداد این عمارات افزوده شده میرود واین فعالیت عمرانی نوید میدهد که انشاالله به آیندهٔ قریب طرز شهرهای سابقهٔ افغانستان بکلی تغیر نموده بوضیعت شهرهای قشنگی درآید . تمام عمارات دولتی و بالخاصه عمارات جدیدهٔ افغانستان که ازطرف حکومت اعلیحضرت فقید شهید واعلیحضرت موجوده تعمیر یافته اکثراً دومنزله بصورت پخته کاری است . زینه ها و ساقهای روی کار آن ازسنگ های مختلف و طن بوده دارای در وازه ها و روشن دانهای معتدد وبزرگیست ، سقف ها بعضامسطح وبعضا ازسمنت

(c) ketabton.com: The Digital Library

و (بتون) کار میشود بامها هم آهن پوش ویاسمنتی و سفالی بوده ارتفاع اطاقها اکثراً از ۱۵ الی ۲۰ فوت است. فیل پایه ها دردهلیزها وحصص زینه رواج دارد. فرش عمارت عالی اکثراً سنگ مرمر، وبعضا سنداله وسمنت وتخته پوش است. روی کار اکثراً ساده بدون منبت کاری وبعضا دارای سلاتیں وفیته ها و علائم نشان وغیره میباشد داخل عمارات بصورت خیلی نفیسی رنگ آمیزی میشود بالخاصه حواشی قسمت علیاء دیوار ها پیزارها اکثراً چوبی میباشد. سرهای دروازه و روشن دان ها اکثراً بصورت کمان وبعضا بصورت مسطوی بنا شده. خلاصه عمارات موجودهٔ دولتی (ازچندسال قبل) افغانستان هم به اصول فنی بوده به یك صورت قشنگ وزیبائی تعمیر یافته و دران هر نوع مسائل هندسی و معماری سنجیده شده است. این نهضت عمرانی نه اینکه تنها درتعمیرات حکومتی دیده میشود بلدرعمارات تودهٔ ملت هم کم وبیش نمایان است هرشخصیکه درشهرها بنای تعمیر جدید داشته باشد اعم ازینکه درشهرجدید باشد مجبوراست که از بلدیه نقشه ودستور گرفته، مطابق آن عمل کند تا عمارات شهر مطابق نقشهٔ کاداستر و (نقشهٔ مخصوص بلدیه) اصولی ویك نواخت تعمیر گردد. چنانچه عمارات شهرنو کابل وبسی عمارات جدید تعمیر دیگر این شهر وشهرهای مهم بهمین اساس تعمیر یافته است.

اکثر این عمارات به نقشهٔ مهندسی وطن وتمام آن توسط معماران وطن تعمیر گردیده است. خلاصه اکثر مهندسان و معماران وطن به نقشه وتعمیر عمارات جدیدهٔ اروپائی وسابقهٔ وطن اقتدار داشته میتوانند که عمارات بزرگ وعظیم الشان تعمیر نمایند. معمافیه برای اینکه یك تعداد مهندسین ومعماران لائق تری بوجود آیدازچندیستکه شعبهٔ مهندسی ومعماری در مکتب صنایع نفیسه بوجود آمده تحت اثر

متخصصین لائق داخلی وخارجی مصروف تعلیمات اندکه بعد از فراغ تحصیل مانند مهندسین خارج دیپلوم گرفته درانتظام ترتیب عمارات ما خدمت بیشتری خواهند نمود.

نجاری :

افغانستان درین صنعت هم طوریکه درسیر صنعت اشاره نمودیم سابقهٔ خوبی دارد مجسمه های قدیم نورستان، منبت کاریها وشبکه کاریهای لطیف ونازك روی پایه ها وتاوه دانها وغیره که حاضراً نمونهٔ آن را در موزیم و بعضی عمارات قدیمی میتوانیم یافت گواهی خوبی است مهارت وثاقت این مدعا - در زمان امیرعبدالرحمن خان نجاری قسمت عمارات شکل جدیدی بخود گرفت. ازین تاریخ به بعد آهسته آهسته درصفائی خود افزود. قسم منبت کاری وگل و برگ کاری آن هم شکل نوینی بخود گرفته و روز بروز فورم آن به شکل بهتری تغیر یافته رفت. در زمان موجوده لوازم عمارات به اندازهٔ خیلی خوبی کسب نفاست نموده است. از روی نقشه، استادان از عهدهٔ اعمال هرنوع دروازه های عالی، روشن دانها، مسطح ها، پیزاره ها . . . وغیره بدرشده میتوانند اکثر کارقسمت چوبی عمارات هم از عمارات اروپائی فرقی ندارد دربعضی ازعمارات استادان این فن، ازذوق وسلیقهٔ خود هم نجاران چیزی گل وبرگ افزوده اند. حاضراً برعلاوهٔ صنف نجاری مستعجله و مسلکی که مشترکاً کار عمرانات و چوکی ومیز و غیره را مینماید یك فابریکهٔ مخصوصی جهة تهیهٔ لوازم عمارات در دارالفنون وجود دارد که بذریعهٔ ماشین های مختلف برقی اره کشی چول کشی، رنده زنی، ریگمال وصفا کاری، تیز کاری پلها ... و غیره کار گران کار میکنند. گذشته ازین در کابل، قندهار

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرات ، مزار ، قطغن و بدخشان و دیگر حصص مملکت بسی نجارهای خوبی موجود است که مصروف اعمال قسمت چوبی عمارات میباشند . درین قسمت نجاری موجوده هم طلاب فارغ التحصیل مکتب صنائع رول مهمی بازی نموده وطلابیکه در آینده از صنف مسلکی مکتب صنایع می برآیند مسلماً تطور بیشتری در امورنجاری تولید خواهند کرد .

حجاری :

حجاری یك صنعت خیلی قدیمی این مملکت کوهستانی بوده بر وفق امور معماری ، نجاری وغیره مجدداً زنده گشته کثرت احجارنفیسه و اهتمام حکومات ومردم، حجاران وطن‌را بشوق آورد تا این صنعت میراثی خود را سر از نو در معرض نمایش گذارند. این صنعت در قندهار و کابل و نواح آن بیشتر رواج پیدا کرده صنعتکاران موجوده از سنگ های مرمر قلم کارخواجه بغراوغیره سنگ‌های وطن خشت‌های متنوع ، لوحه های قشنگ و غیره فرش ها ، پیزاره های داخل و ساقهای خارجی عمارات ومزارهای اشخاص بزرگ ومنارها وطاقهای ظفر، فیل پایه ها ، حوض ها وفواره ها ... را بایك نفاست وقشنگی جالب دقتی اعمال کرده اند وحسب الخواهش از عهدهٔ اعمال هرنوع اشیای سنگی بدرشده میتوانند بهترین نمونهٔ حجاری موجوده در قسمت عمارات مشهد اعلیحضرت نادر شاه شهید (رح) و مضجع بابرپادشاه ومرقد حضرت تمیم انصاری است. درهر سه جا سنگتراش های وطن باریکی های صنعت خود را بخوبی نشان داده اند .

از چندیست که از طرف حکومت متبوعه کارخانهٔ به اسم کارخانهٔ سنگتراشی در مرکز تاسیس یافته که دران بیشتر از ٦٠ عمله مصروف

کار بوده برای عمارات و غیره بسی اشیای نفیس میسازند علاوتا کارگاهای بس بزرگی در پغمان وچهل ستون و غیره دائر وبرای عمارات پایتخت سنگهای خشتی و غیره لوازم سنگی به یك پیمانهٔ خیلی زیادی تهیه میکنند .

رنگمالی وسفیدکاری :

تاریخ رنگمالی موجوده با تاریخ معماری جدید ما یکی است یعنی از زمانیکه ساخت عمارات تغیر نمود وبه اصول اروپائی شده رنگمالی جدید هم چهره کشوده است رنگمالهای موجوده علاوه از ینکه ازذوق وسلیقهٔ خود رنگ های بس نفیس وخوبی بعمارات میدهند از روی هر نوع کتلاك نیز میتوانند که با تمام باریکی ها ونازکی ها رنگ آمیزی نمایند گل های مختلف حواشی قسمت داخلی اطاقها وپیزاره های سنگ‌نما ورنگ های قسم جاغر و رگ دار و غیره رنگ های ورنسی واسپریتی ولاکی کار رنگمالهای ماهرنهایت نفیس وخوشنماست برای امور رنگمالی عمارات وغیره لوازم حکومتی از چندیست که کارخانهٔ برای رنگمالی ـ تاسیس گردیده است که بامهارت مخصوصه کار نموده اثرات قیمتداری ازخود گذاشته اند تاچندی قبل رنگمال ها تماما الوان خارجی را مورد استعمال قرار میدادند لیك مدتیست که رنگ‌های آبی (که توسط آب کار میشود) بامیانی وغیره وطن را استعمال میدارند. خلاصه درین رشته هم صنعت کاران ماجنبش بکار خود داده اند . بعضی از برادران هندی ما که استعداد مالی اوشان اجازهٔ میدهد وکار رنگمالان ما هر وطن را مشاهده کرده اند رنگمال ازین‌جا برده منازل خود را باذوق تمام توسط ایشان رنگ و روغن میدهند . برای بیشتر ترقی دادن و خوبتر اصولی ساختن این

(c) ketabton.com: The Digital Library

صنعت نفیس شعبهٔ در مکتب صنایع نفیسه ایراد شده که در ان یك تعداد طلاب مصروف تعلیم قوانین فیزیکی و کیمیاوی و صورت امتزاج رنگ ها و استحصال الوان ازبعضی نباتات وپوست درختها وغیره میباشند . آمدیم بسفیده کاری . سفیده کاری هم بذریعهٔ رنگمالان اجرا میشود جهة سفیده کاری رنگمالان در بالای چونه سفیدهٔ مرمر ودر بالای سیم گل یك نوع سنگ دیگری را که خیلی نرم وسفید (گل ایرانی) است به ترتیب مخصوصی که قطعا دراثر تماس ، رنگ ندهد استعمال میکنند جهة سفیده کاری نیز در مکتب صنایع صنفی تخصیص یافته که بصورت اساسی و فنی مصروف تعلیم و تطبیقات اند .

سمنت سازی :

فعلا فابریکهٔ که دران سمنت ساخته شود وجود ندارد گرچه قبل از انقلاب وطن فابریکهٔ خورد سمنت سازی تأسیس یافته و دران یکعده متخصصین و کارگرها مصروف کار بودند لیك باوجود صرف لکها روپیه مع الاسف نتیجهٔ درستی از ان گرفته نشده در همان ایام دست ازان برداشتند . اکنون حکومت موجوده در نظر دارد تا علاوه ازینکه همان فابریکهٔ ویران را تعمیر و تکمیل نماید فابریکهٔ بزرگی تاسیس نماید تا اگر خدا بخواهد مصرف سمنت عمارات افغانستان که سالیانه بیك پیمانهٔ زیادی بکار میشود از افغانستان تهه گردد .

ساخت خشت کپریل :

تا کنون سقف اکثر عمارات بزرگ بذریعهٔ آهن چادرپوشانده شده به نسبت نبودن خشت کپریل خسارهٔ زیادی را متحمل می شدیم اکنون مکتب صنایع موفق بساخت خشت کپریل گردیده که بعداز

توریدیك تعداد ماشین های خشت مالی جدید بیك اندازهٔ خیلی زیادی ازین خشت بدست آورده سالیانه تقریبا یك میلیون افغانی ما که جهة خرید آهن چادر بخارج میرفت بجیب ما باقی خواهد ماند. این خشت کپریل مثل خشتهای کپریلیکه در اروپا ساخته می شود خیلی مضبوط بوده به هر نوع حرارت وبرودت جوی مقاومت دارد .

خشت پخته :

در تمام حصص افغانستان و بالخاصه نواحی کابل داشهای متنوع بوده در ایام بهار ، روز ملیونها خشت جهة عمارات پخته میشود در اینجا پخته کردن خشت بدو صورت است یکی بذریعهٔ داشهای قسم سابق که دران بته افروخته میشود و دیگر توسط داشهای زمینی و بس کلانیکه سنگ ذغال و چوب افروخته شده بیك دور ، لکها خشت پخته بیرون میکشد. این پخته کردن خشت از زمانهای قدیم در افغانستان وجود دارد چنانچه اکثر عماراتیکه از دوره های سابق باقیمانده بذریعهٔ همین خشت پخته انشاء یافته است .

چونه :

از سنگ چونه که در بسی نقاط افغانستان بکثرت وجود دارد چونه میسازند برای پخت چونه داشهای خشت استعمال میشود.

سفیدهٔ مرمر و غیره مواد پخته کاری :

سفیدهٔ مرمر را از سنگ مخصوص استخراج و بذریعهٔ داشها پخته میکنند. دیگرمواد پخته کاری مثل صندله وغیره را از اختلاط چونه وگرد خشت پخته وغیره میسازند. گچ خاك مخصوص داردوسیاه چونه ازامتزاج چونه وخاکستر ومنج بدست می آید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

خشت کاشی :

صنعت کاشی سازی درافغانستان سابقهٔ خوبی دارد. گرچه کاشی سابق را باهمان نازکی ها کسی ساخته نمیتواند لیك رویهمرفته کاشی هائیکه درکارخانهٔ محبس عمومی کابل ودرمزاروغیره نقاط افغانستان کمویش میسازند خوب و قابل استفاده است . درین اوقات مکتبی درمزار شریف به اسم مکتب کاشی سازی تاسیس یافته تا این صنعت را بصورت بهتری بیاموزند .

صنایع تزئینی

نقاشی :

با اینکه از قرن نهم هجری نقاشی روبه انحطاط گذاشت لیك بکلی نمرده بحالت نیمه خاموشی تازمان ما دوام نموده است گرچه نقاشی حاضره را نمونهٔ نقاشی قدیم گفته نمیتوانیم لیك باوجود سادگی و محدودیتی که دارد بکلی مغایر آن هم نیست یعنی در بعضی خیال وسلیقه مشابهت بهم میرساند درنقاشی قدیم شکل های اشیاء بصورت خیلی نفیس که گویا عین اشیاء است وجود داشت لیك درنقاشی موجوده این قسمت مرده وجای خود را برای رسامی گذاشته است . حاضراً نقاشان گلهای مختلف وبالخاصه ، سوسن ، گلاب ، شبو . . . وغیره را بابعضی خطوط واشکال هندسی وجدولها کار میکنند. این صنعت درغزنی وکابل وفرخار وغیره وجود دارد لیك شهرت نقاشی غزنی درحال هم بیشتر است. چندی قبل که میخواستند بعضی نقاشی مضجع اعلیحضرت احمد شاه غازی را که به نسبت مرور زمان خراب شده بود ترمیم کنند

از غزنی چند نفر نقاشها پیدا شده بصورت خوبی که از نقاشی قدیم فرقی نمیشود ترمیم نمودند . اثر نقاشان موجودهٔ وطن ، به اعتبار اکثریت در روی بساط شطرنج ، تخته نرد ، پطنوس ها ، چوب دست ، پایه‌های چپرکت وغیره جلوه میدهد . دربین نقاشی‌های موجوده به آنطور نقاشی های هم تصادف میشود که از هرحیث قابل تقدیر و شایان توصیف است بالخاصه از نقطهٔ نظر پخته گی رنگ و باریکی صنعت ! بسی دیده شده که رنگ های بعضی از نقاشی ها بذریعهٔ آب جوش وحرارت زیاد آفتاب هم تغیری نکرده است .

گل سازی :

اکثراً از تکه ها و کاغذ وبعضی مواد دیگر انواع گلها جهت زینت خانه ها ، طاقهای ظفر ، دروازه ها در ایام جشن ها) حمائل عروس در شب حنا ، تخت خینه . . . وغیره بصورت نفیس و قشنگی میسازند بالخاصه گلهائیکه جهت سر عروس مثل شگوفهٔ نارنج و گل های متنوع و گل تخت خینه و اکلیل های گل که جهت بغل عروس ساخته میشود خیلی نفیس و لطیف است برعلاوهٔ این بعضی از گلسازها موجود است که از پرهای مختلف طیور به یك صورت نهایت دلفریب جغه های بس نفیسی میسازند. این صنعت گلسازی در هر ولایت کمویش موجود است لیك گل سازهای کابل شهرت بیشتری دارند .

شیت سازی :

ازتکه های ابریشمی نازك اعلی شیت های نفیس وخیلی خوبی

(c) ketabton.com: The Digital Library

توسط گل‌ـازها وغیره به یك پیمانهٔ زیادی ساخته میشود. بعضا بدامن شبت‌ها پرك‌های متناسب وبعضی هم مهره‌های مختلف‌را علاوه میکنند.

صنایع تمثیلی

رسامی :

رسامی این‌صنعت بعدار یك‌مدت‌طولانی در زمان امیرحبیب‌الله‌خان باجناب مرحوم غلام محمد خان پروفیسر در صحنهٔ حیات قدم نهاده واین فرزند قابل قدر وطن علاوه ازین که در ایام مدیریت مکتب صنایع در راه ارتقاء صنعت کاران خدمت بسزا نمود ، بسی اثار قیمت داری هم از خود بیاد گار گذاشته که‌انسان بی اختیار میشود که بآثار او بنظر تحسین بنگرد ازین بعد تر آهسته آهسته جنبشی در صنعت رسامی دیده میشود ابتدا مکتب رسامی دائر و چندی بعد در زمان اعلیحضرت شهید فقید (رح) مکتب صنایع روی کار آمده صنعت بزرگی برای‌آن دران مکتب تخصیص داده شد که اکنون بسی‌طلاب ازین مکتب عالی فارغ التحصیل شده بعضی عهدهٔ معلمی دارند وبرخی درشعب مختلفه مصروف‌صنعت رسامی‌اند حاضراً شخصی که در مملکت ما درین صنعت ممتاز و سر آمد تمام رسامهاست جناب عبدالغفورخان « برشنا » فارغ التحصیل یونیورستهٔ جرمنی مدیر مکتب صنایع میباشد. این‌شخص علاوه برخدماتیکه درراه تعلیم طلاب نموده یك عده رسمها وتابلوهای رنگ آبی وروغنی‌قیمت داری هم ازخود بیادگارگذاشته است دیگر رسامهای جوان وطن هم از عهده استعمال رنگ آبی و روغنی بخوبی بدرشده در بسی‌جا هاتابلوهای قشنگ ودلربا و پورتریت

های بس طبیعی وجاندارایشان دیده میشود . دیری نخواهد گذشت که درسایهٔ مکتب صنایع رسامهای بیشتر وقیمت دار تری پیدا شده از آثارجذاب خود زیاد تر مارا محظوظ ومستفید سازند .

عکاسی :

صنعت عکاسی‌درافغانستان اززمان امیرعبدالرحمن‌خان قدم‌گذاشته آهسته آهسته رو بترقی گذاشت اکنون درهرولایت برعلاوهٔ اشخاص صاحب ذوقیکه کامره هاداشته بگرفتن عکس مهارت دارند یك عده عکاسهای قابل کار وماهری نیز وجود دارد بالخاصه در کابل این صنعت ترقی خوبی نموده عکاسها از عهدهٔ رتوش واج و غیره امور عکاسی بخوبی بدرشده میتوانند بعضی ازعکاسهای وطن مخصوصاً در اروپا تحصیل هم نموده است . در کابل عکاس خانه های مشهور یکه دارای استدی خوب ولوازم مکمل عکاسی است عبارت ازعکاس‌خانهٔ وزارت دربار . عکاسخانهٔ مطبعهٔ عمومی، عکاس خانهٔ ملی صاحبداد خان عکاس ، عکاسخانهٔ قوماندانی طیاره ، عکاسخانهٔ قوماندانی کوتوالی ، عکاسخانهٔ بنسی لال . . . و غیره میباشد . همچنان در دیگر ولایات بعضی عکاسخانه ها وجود دارد .

سینما :

قریب (۱۸) سال است که در افغانستان سینماوجود دارد گرچه قبل ازانقلاب وطن سینمای عمومی طعمهٔ حریق گشت ودرزمان انقلاب وطن که بعضی‌لوازم باقیمانده بود همه برباد شد لیك در اثرتوجه نهضت خواهانهٔ حکومت متبوعه مجدداً لوازم سینما تهیه وعمارت سینمای عمومی و بزرگ که قبل از انقلاب سوخته وخراب شده بود دو باره باصول

(c) ketabton.com: The Digital Library

بهتری تعمیر وتکمیل گردید که اینك ازعرصهٔ چندیست بافلم های مختلفه چه ناطق و چه رنگه یومیه و سیلهٔ تفریح اهالی را فراهم نموده است اکنون درکابل دو سینما وجود دارد که یکی آن جهة عسکری و دیگر آن برای افراد ملکی واهالی تخصیص یافته . درسینمای متعلق وزارت حربیه بیشتر فلم های تعلیمی عسکری و محاربه وی نشان داده میشود . برعلاوهٔ این دو سینما در ایام جشن باافتخار استقلال یك سینمای موقتی درمنطقهٔ جشن استقلال همه ساله دائرشده تامدتی دوام میکند برعلاوه در ین ایام وزارت جلیلهٔ معارف در نظردارد که یك سینمای مخصوص تعلیمی طوریکه در دنیا معمول است جهة اطفال مکاتب دائر سازد تا اطفال ازان بصورت محسوس بعضی چیزهارا بیاموزند چنانچه ماشینها و لوازم آن بمرکز رسیده ودرشرف تاسیس است همچنین یك سینمای طبی و حفظ الصحه نیز از طرف وزارت جلیلهٔ صحیه تاسیس میشود .

طباعت درافغانستان :

طباعت در افغانستان از زمان امیرشیرعلیخان قدم بعرصهٔ حیات گذاشته آهسته آهسته ترقی نمود . حاضراً در افغانستان ۷ مطبعهٔ نسبتاً خورد ملکی و یك مطبعهٔ بزرگ عمومی (به استثنای مطابع عسکری) وجود دارد در مطبعه های خورد بعضی از مجلات و جرائد و کتب و درمطبعهٔ عمومی تمام ضروریات و امور طباعتی رسمی وغیر رسمی بیك صورت بسیار خوبی بطبع میرسد . مطبع عمومی افغانستان یك ریاست بزرگ بوده دارای شعب بزرگ حروف چینی ، طبع حروفی وعکس لیتوگرافی ، وخطاطی ، آفسیت ، زنکوگرافی ، صحافی ، حروف ریزی . . . . وغیره میباشد بالخاصه ماشینهای متعدد و مختلف جدیدالورود

و عصری اتوماتیك به سرعت نشر و کثرت کار و زیبائی طباعت این مطبعه تطور بزرگی بخشیده است . (که تفصیل آن تحت عنوان « مطابع افغانستان » درج است) .

دیگر مطابع فوق الذکر افغانستان بعضی دارای شعب حروف چینی و طباعت و برخی مالك شعب کایی نویسی و طبع میباشد یعنی بعضی آن حروفی و برخی آن (لیتوگرافی) است . مکتب صنایع حسب هدایات مقامات مربوطه جهت اصلاح لیتوگرافی ، صنفی در مکتب صنایع ایزاد و دران یك عده جوان ها را مشغول تعلیم فن لیتوگرافی ساخته است که با وجود مدت قلیل تحصیل از روی اثرات نفیس او شان میتوان گفت که ترقی خوبی نموده و عنقریب صنعت لیتوگرافی ما را رنگ ورونق عصری خواهند بخشید . خلاصه طباعت موجودهٔ افغانستان نظر بدوره های سابق بمراتب کسب نفاست و زیبائی نموده در آیندهٔ قریب میتواند که با طباعت اکثر ملل شرق که دارای طباعت نفیس و عالی اند همسری کند فعلاً از روی همین سالنامه در بارهٔ طباعت موجودهٔ افغانستان میتوان فکری حاصل نمود .

صنایع متعلقه بسامان چوبی

ساخت میز ، چوکی ، الماری و غیره :

صنعتکاران ما درین قسمت هم ترقی خوب و نمایانی نموده روز بروز تجدد و رونق بهتری باینصنعت می بخشند . اکثر مستحصلات استادان این فن از سامان اروپائی که بکمال دقت و نفاست بوجود آمده فرقی ندارد . برای فرمایش دهندگان اکثراً از روی کتلاك سامان تهیه میدارند در جملهٔ کار های چوکی سازان (که الماری ، میز

(c) ketabton.com: The Digital Library

و غیره هم میسازند) بالخاصه کار های ورق شانی وچوب جاغر خیلی نفیس وقابل تعریف است . مستحصلات اینها عبارت از انواع میز : میز کار ، چایخوری ، نانخوری ، میوه خوری ، میز آرایش میز های بازی ... و اقسام کوچ ها ، چوکی ها ، الماری ها ، کنجی‌ها ... وغیره به یك پیمانهٔ میباشد که تمام احتیاجات مملکت را تکافو کرده میتواند . فعلا بر علاوهٔ صنعتکاران بازار سه کار خانهٔ نجاری وجود دارد که بیشتر مصروف اعمال همین قبیل اشیاء هستند : کارخانهٔ مرکزی وکارخانهٔ دارالفنون، کارخانهٔ مکتب صنایع نفیسه. کار خانهٔ نجاری مرکزی و دار الفنون دارای ماشینهای برقی از قبیل ماشینهای مختلف اره کشی ، چول کشی، رنده زنی، ریگمال وصفا کاری ، تیز کاری پل‌ها میباشد که درتسریع کار وصفائی اشیاء خدمت‌خوبی مینماید درین فابریکه درظرف یکماه ؛ اندازهٔ ۴۰۰ میز وصدها دروازه وغیره ساخته میشود . کار خانه مکتب صنایع یك کار خانهٔ تعلیمی بوده این هم دارای ماشین های برقی بزرگ و دیگر نوع سامان و لوازم است که بسی سامان نفیس، تهیه و تدارك میکند . این نوع صنعتگران که پیشهٔ ساخت‌وتهیهٔ میز، چوکی ، الماری وغیره اثاث‌البیت‌رادارند درتمام شهر های مهم موجود میباشند لیك باعتبار اکثریت صنعتگران کابل مزیت خاصی دارند چه در اشیاء مصنوعهٔ او شان بعضی ظرافتها و باریکی هائی خوبی بمشاهده میرسد . باید تذکر نمود که در نجاری موجوده طلاب فارغ التحصیل صنف مسلکی مکتب صنایع رول مهمی بازی نموده و طلاب آیندهٔ آن تطوری زیادی را درین صنعت بما خاطر نشان میکنند .

پرکاری چوکی و بیت بافی :

چوکی سازها بعد ازانکه قسمت چوبی کوچ و چوکی وکنجی را تکمیل نمودند تفویض (پرکارهای چوکی) و یا تسلیم بیت بافها نموده از طرف ایشان چوکی ها پرکاری و بیت بافی میشود ، در پرکاری بعضا فنر وبعضا هم‌ریشهٔ نالیار ، پشم ... و غیره را استعمال نموده بروی آن تکه های نفیس و قشنگ میگیرند .

ساخت لوازم موسیقی :

ساخت لوازم موسیقی با تاریخ موسیقی و این هم با تاریخ دیانت در افغانستان توام است ساخت لوازم موسیقی بالخاصه در زمان موجودیت دیانت برهمن و بودائی علی الرغم ساده و بسیط بودن لوازم بیشتر اعمال میگردید در زمان اسلام الی سقوط خاندان تیموریها درترقی خود افزوده رفت . حاضراً درافغانستان به یك پیمانهٔ زیادی ازطرف صنعتگران ، رباب ، تنبور ، دلربا ، سارنگ ، غیچك ، دایره ، ارمونیه ، انواع توله ها ، زنگ ... وغیره ساخته میشود . در بعضی از لوازم مثل تنبور ، دلربا ، سارنگ ، غیچك بصورت اشکال منظم هندسی صدف کار میکنند که از هرحیث به نفاست اشیأ صدف کاری شده میافزاید .

خرادی چوب :

بر علاوه ئیکه در فابریکهٔ نجاری مرکز و دار الفنون بذریعهٔ ماشینهای برقی خرادی اجرا میشود در تمام ولایات اشخاص وجود

(c) ketabton.com: The Digital Library

دارد که وظیفهٔ اوشان مخصوصاً خرادیست . این نوع خرادها بذریعهٔ آلات دستی ازچوبهای متنوع وطن ، پایه های چپرکت ، چهارپائی ، نی های چلم ، گاز های چوبی جهة اطفال واز شاخها سرهای چوب شاخی اعمال میکنند این صنعت درتمام ولایات کم و بیش وجود دارد لیك به نسبت فقدان ماشینهای خرادی نمیتواند که تطوری در کار خویش تولید کنند .

دباغی و سراجی

دباغی :

برای دباغی چرمهای گاوی و گوسفندی و بزی . . . وغیره فعلاً دو کار خانه در کابل وجود دارد : کار خانهٔ دباغی حکومتی کار خانهٔ دباغی ملی که از طرف شرکاء تاسیس یافته . در هر دو کار خانه یك تعداد ماشینهای برقی وجود داشته چرم های مختلفی به‌اصول جدید دباغی میشود چرمهای رقم کرم وجیر هم درهمین فابریکه ساخته میشود . علاوه برین فابریکه ها در ولایت مزار هم از طرف شرکاء فابریکهٔ دباغی بنا نهاده شده که عنقریب شروع بکار خواهد کرد و نیز ماشین های اتوماتیکی سیستم جدیدی برای کارخانهٔ دباغی حکومتی خواسته شده تا بذریعهٔ آن ماشینها هم درجهٔ مستحصلات چرم بلند رود وهم چرمهای خوبتری بدست آید عنقریب این ماشینها وارد و در عمارت مخصوصه نصب خواهد شد . گذشته ازین کار خانه ها در بسی نقاط افغانستان هم آش دادن و پخته کردن چرم به اصول قدیم به یك پیمانهٔ زیادی رواج دارد . مشهور ترین مراکز دباغی

بطریق قدیم : مزار ، قطغن و بدخشان ، هرات سمت شمالی ، کابل میباشد .

سراجی :

برای تهیهٔ قطار و زنه ، کمر بند ، قیزه و زین و غیره کارخانهٔ در پهلوی فابریکهٔ بوت دوزی وجود دارد که بیك پیمانهٔ زیادی سامان سراجی دران تهیه میشود علاوتا در بازار های کابل ، قندهار ، هرات ، قطغن و بدخشان وغیره جاها هم‌سراج‌ها وجود دارد که کمر بند ها ، زین ها ، پوشهای تفنگ ، بکس ها طبراقها ، قیزه‌ها و غیره میسازند لیك سراجی کابل نسبت بدیگر جا ها بهتر و خوبتر بوده و لوازم مصنوعهٔ اوشان نفاست خوبی دارد .

صنعت استحصال ابریشم

این صنعت در حصص مشرقی ، قندهار ، قطغن و بدخشان بکثرت وجود دارد ابریشم قندهار مشهور و بهتر است . پیله های افغانستان اکثراً خورد و دارای الوان مختلف میباشد ازحصص قندهار قریه جات متصل شهر و بالخاصه ارغنداب و از حصص مشرقی بالخاصه چپرهار و سرخ رود و از قطغن و بدخشان رستاق ، چایان بیشتر به این شغل ذوق نشان میدهند . در دیگرحصص ولایات شمالی‌هم‌صنعت پیله رواج دارد ازین ابریشم ها یك قسم زیاد آن بخارج رفته و یك قسم آن در داخل بمصرف میرسد ، صنعت شست و ریشیدن غوزه ها هم درهمین حصص بعمل میآید . اگر به این صنعت‌قدری اصلاحات فنی بعمل آید ترقی خوبی نموده و ابریشم آن از بسی ابریشم های دنیا بهتر و خوبتر خواهد شد . از چند سال به اینطرف از طرف حکومت درین

(c) ketabton.com: The Digital Library

مورد توجه زیادی بعمل آمده علاوه از توزیع رایگان تخم پیله ، یك تربیه خانهٔ دولتی بصورت نمونه جهت پرورش کرم ابریشم درکابل دایر میباشد .

صنایع خورا که

قند سازی :

حکومت موجوده درنظردارد که علاوه برتکمیل کارخانهٔ قندسازی که سابقا خریداری شده وحال ترمیم طلب میباشد یك فابریکهٔ جدیدی قند سازی که از لبلبو ، قند استخراج نماید وارد ساخته از لبلبوی قطغن وغیره جهة صرفیات افغانستان قند استخراج نماید . فعلاً بوره ازخارج آمده و بذریعهٔ قناد های بازارقند سرآب وغیره‌ساخته‌میشود .

یخ سازی :

مناطق افغانستان دارای هوای مختلف است بعضی جا ها سرد و بعضی جاها معتدل و بعضی هم گرم است جاهای سرد احتیاج به‌یخ و برف ندارد جاهای معتدل وسرد از زمستان در یخدانها یخ و برف ذخیره نموده در بهار بمصرف میرسانند حصص گرم چون زمستان شدید ندارد و اکثراً برف هم نمیشود .

لذا نمیتوانند که یخ ویا برف ذخیره کنند. قندهار ازجملهٔ مناطق گرم افغانستان است درین ولا کارخانه جهة ساختن یخ تأسیس شده که برای تمام اهالی قندهار یخ مصنوعی بذریعهٔ ماشین میسازد وهم درنظراست که کارخانهٔ مذکور در۱۳۱۷ توسیع داده شود .

حفظ اثمار :

میوه درافغانستان بصور مختلفی حفظ میشود بعضی ها خانه های مخصوصی جهته حفظ میوه تعمیر نموده میوه‌را بذریعهٔ پنبه ، کاه ... ازهمدگر بعید داشته دراطاق آتش وچراغهای تیلی میگذارند تاهم تأثیرهوا به این طریق کم گشته و هم میوه از یخ بستن محفوظ ماند برای انگور طرزمخصوصی دارند بعضی انگورهارابیشتربذریعهٔ قطی ها وبعضی را بذریعهٔ کنگینه (۱) حفظ میکنند اکثرمیوه های تازه که دربازارهای افغانستان درایام زمستان دیده میشود بهمین طریق حفظ میشود در ۱۳۱۵ ازطرف شرکت پشتون قندهار یك کارخانهٔ حفظ میوه (کنسروه) تاسیس یافته که بذریعهٔ ماشین های برقی بصورت جدید کنسروه میکنندواین کارخانه دارای (۱۱) پایه ماشین برقی است .

صنعت گر وشکر :

در بعضی حصص مشرقی‌مثل‌جلال آباد ، لغمان ... وغیره بذریعهٔ ماشین حلاجی نیشکر حلاجی شده از شربت آن گر و شکر بیکمقدار زیادی ساخته بقیمت نازلی در تمام نقاط افغانستان بفروش میرسد .

علاقه بندی و کار سوزن

علاقه بندی :

علاقه بندی صنعتیست که از ابریشم ، سند ، گلاباتون ، نخ بذریعهٔ

(۱) کنگینه : محفظهٔ از گل ویاظروف سفالین ساخته انگور را دربین آن میگذارند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دست و کار گاهای دستی روبل ها و جالیهای نفیس و پوپکهای خیلی خوب جهة پرده‌ها و بالین‌ها ، قیطانها، ریشه‌ها ، پهمك‌ها ، فیته ها وغیره میسازند ضمنا تسابیح و غیره را پتوه مینمایند .

کار سوزن :

این صنعت متنوع بوده بصورت عمومی مشهور ترین آن را به (٦) میتوان تفریق نمود : خامك دوزی ، پخته دوزی ، سیم دوزی گلا باتون دوزی ، چکن دوزی و گل دوزی .

خامك دوزی:

صنعت خیلی نفیس است که بذریعهٔ سوزن و ابریشم های مختلف غیر تاب خورده اشکال هندسی و گل‌های برجسته برروی سرمیزی ها و پیشکی های بقره ، قطیفه ها . چپن‌ها ، لنگی‌های سرشانه وسروغیره بصورت خیلی نفیس وقشنگ دوخته میشود این صنعت دربسی نقاط افغانستان وجود دارد ایك قندهار وغزنی ، به این صنعت بیشتر نسبت شهرت نموده است درغزنی این صنعت را بیشتر درپوستین ها استعمال میکنند .

پخته دوزی :

ابریشم را تاب داده بصورت غیر برجسته عین اشکال هندسی و گل خامك دوزی را بصورت غیر برجسته (عمیق) میدوزند که این صنعت را تور بخیه هم میگویند توربخیه اکثراً بروی یخن ها و دهن‌های پاچه و کلای بقرهٔ زنانه استعمال می شود این صنعت در قندهار ، مشرقی ، جنوبی ، وردك بیشتر مروج است .

سیم دوزی :

سیم های خیلی باریك تاب داده را بصورت خوشه های گندم و گل اکثراً در کابل و قندهار بر روی یخن و پیك های کلاه های رسمی عسکری ویکنوع کلای ملکی که به اسم کلای سیم دوزی یاد میشود بصورت خوب و نفیسی میدوزند این صنعت در زمان امیر عبدالرحمن خان وامیر حبیب الله خان بیشتر رواج وترقی داشت چه این صنعت در لباسهای رسمی و غیره خیلی زیاد استعمال میگردید وهم در کابل و بعضی ولایات سیم های نقرئی را در روی چادرها بصورت ستاره های متعدد دوخت میکنند .

زر دوزی :

بیشتر در قندهار ، کابل ، مشرقی بذریعهٔ گلاباتونها در روی عرق چپن‌ها ، روپطنوسی‌ها ، رویهٔ پیزار ها ، بوتهای زنانه ، چپلی و غیره با یك سفتی مخصوصی دوخت میشود که در گلها و بته های دوخت شده تار های گلا باتون تمام سطح تکه را مطلا و یا نقره کوب نماید. این صنعت بیشتر درقندهار ، کابل، مشرقی وجوددارد.

چکن دوزی :

بذریعهٔ ابریشم های رنگه و گلاباتون اشکال هندسی و گلها به یك صورت مخصوصی بروی روپطنوسیها ، سرمیزی ها ، سرصندلیها یکنوع کلای های مخصوصی جلال‌آباد، و چکمن ها . . . . میدوزند چکن دوزی زیاد تر در مشرقی ، ترکستان ، وردك ، سمت جنوبی

(c) ketabton.com: The Digital Library

رواج دارد . بالخاصه چکن دوزی اشیای خورد وردك خیلی نفیس بوده و بچنان مهارت روی اشیاء را بذریعهٔ دوخت از اشکال هندسی مزین میسازندکه گویا بذریعهٔیك ماشین خیلی حساس دوخته شده که تمام تقسیمات هندسی را رعایت توانسته است .

گل دوزی برجسته :

بذریعهٔ پشم وابریشم‌های ملون، سند ، گلاباتون انواع گلها وطیور درخت، انسان بصورت برجسته وبزرگ میدوزند این اکثراً در تکیه ها (پشتی ها) رو پطنوسی‌ها پرده ها دوخته میشود بذریعهٔ ماشین هم درروی چادرهاوغیره بعضی گلهای سندی نفیس و خوبی میدوزند این صنعت در کابل بیشتر رواج یافته.

انواع صنایع سوزنی فوق به یك مقیاس زیادی رواج داشته اکثراًمشغولیت زنهاست .

دندان سازی

این صنعت در تمام شهر های مهم افغانستان وجود دارد لیك در کابل بیك صورت اساسی و عصری بوده علاوه ازپر کاری وپوش کردن و پاك و صفا کردن دندانهای طبیعی دنهای صنعتی بیك صورت بسیارخوب و اساسی تیار میشود، علاوه برمؤسسات شخصی در کابل یك مؤسسهٔ عالی تحت ریاست یك نفر متخصص لائق از چند یست تاسیس یافتهٔ که دارای لوازم عصری بوده از عهدهٔ هر نوع تداوی ، پر دیز ساخت دندان و غیره امور دندان سازی بخوبی بدر شده میتوانند

این مؤسسهٔ نظر بدیگر مؤسسات خیلی مفید بوده برای مراجعین تسهیلات لازمه فراهم میکند در تمام مؤسسات دیگر متخصصین وطن که بعضی در خارج و بعضی هم در همین جا تحصیل دیده اند مصروف کار اند .

کشیدن تیل از نباتات

کارخانهٔ جهة تیل کشی از نباتات وجود دارد که توسط آن از نباتات چربی دار تیل کشیده میشود این کارخانه در ۱۳۱۱ تأسیس یافته است . علاوه در بسی نقاط افغانستان بذریعهٔ ماشین هائیکه ذریعهٔ حیوانات بحرکت آورده میشود ازشرشم ، پنبه‌دانه ، زغر ، کنجد... و غیره تیل میکشند . مستحصلات شرشم ، و پنبه دانه ، و زغر به یك پیمانهٔ خیلی زیاد است .

کلالی

این صنعت بر وفق ممالك سائره درین مملکت نیز یکی از صنایع خیلی قدیمی است که حسب احتیاجات به آن درهر وقت تغیری داده شده حاضراً این صنعت در اکثر نقاط افغانستان کم و بیش رواج دارد . ازجمله ظروفیکه دراستالف ، بعض حصص جلال آباد ، قندهار و هرات اعمال میگردد نفیس تر و مضبوط تر میباشد . اشیاء مصنوعه عبارت از صراحی ها ، کوزه های آب یخی ، دیگ های مختلف ، گلدانی ها ، تغاره های خمیر ، کاسه های شیشه دوانده (کاشی) و ساده وغیره ظروف میباشد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بعضی حرفه های متنوعه

علاوه بر صنایع که در فوق بدان اشاره رفت بعضی صنعت ها و حرفتهای دیگری هم بمثل : مهر کنی ، لوحه نویسی بصور مختلفه (به حرف سایه دار ، برجسته ، مشبك . . .) ، رفوی قالین وپتوها ، شانه سازی که از چوب شانه های رنگه و نقش دار میسازند ، سیم و مهره کاری های نی چلم وغیره ، بافت پکه ها ، بوریا و غیره صنایع وحرفتهای ضروری ولازمی حیاتی وجود دارد که در راه تطمین احتیاجات اهالی خدمت میکنند که تفصیل همهٔ این ها در خور کتاب خیلی ضخیم است . حال لازم است که راجع به دو مؤسسهٔ مهم صنعتی چیزی عرض معلومات نمائیم :

مکتب صنایع نفیسه

اعلیحضرت فقید شهید (رح) بخوبی درك فرموده بودند که صنایع افغانستان در خور اصلاح بوده و میدان وسیعی جهت ترقی دارد که این اصلاح و ترقی جز بوجود آوردن یك عده صنعت کاران خیلی لائق وطن که صنعت را با تمام باریکی ها بیاموزند چارهٔ دیگر نیست که صنایع ملی رنگ و رونق جدیدی بخود گیرد. بتأسی این فکر ، مکتب عالی بنام مکتب صنایع نفیسه تأسیس فرمود که چنین مکتب در شرق خیلی کم نظیر دارد ، برای امور تعلیمی آن متخصصین مجرب داخلی و خارجی را تهیه و به اندازهٔ زیادی طلاب را امر شمولیت فرمود . در اول به نسبت ابتدائی بودن کار ، گرچه خالی از نواقص نبود لیك رفته رفته نواقص آن تکمیل واینك به اندازهٔ ۱۲۰۰

نفر طلبه به شعب رسامی و نقاشی ، رنگمالی ، رنگریزی ، نجاری (مسلکی ومستعجله) ، مهندسی ، معماری ، بسته کاری ، قالین بافی خیاطی ، لیتوگرافی ، سفیده کاری . . . تقسیم یافته بعضی شعب که سابقاً تأسیس یافته بود ازان یك تعداد طلاب زیادی فارغ التحصیل شده و درشعب مختلفه مصروف کار اند وبعضی شعب که بعد تر بوجود آمده طلاب آن رشدی واعدادی وبعد تر ازان ابتدائی اند. حاضراً مکتب تحت مدیریت یکی از جوانهای لائق تر این کار جناب عبد الغفور خان برشنا فارغ التحصیل یونیورستهٔ رسامی آلمان به یك صورت عصری و اطمینان بخشی جاری بوده روز بروز فعالیت و تطور خوبی دران دیده میشود .

صنعت درمحبس مرکزی

جهت تهیهٔ مشغولیت و آموختن صنعت و ضمناً استفادهٔ مادی محبوسین، حکومت ترقیخواه ما ازمدتیست که کارخانهٔ چندی مثل کار خانهٔ : شطرنجی بافی ، الچه بافی ، تسر بافی ، گلیم بافی ، خیاطی ، بوت دوزی و سراجی ، کاشی سازی ، آهنگری و حلبی سازی ، نجاری و خرادی ، رنگریزی ، ساخت نل و خشت سمنتی ، سرلوحه نویسی ، بنیان بافی و جراب بافی . . . و غیره تأسیس و محبوسین بکمال ذوق ورغبت هریك بیکی ازین کارخانه های دستی که اکثراً بذریعهٔ دست و آلات دستی کار میکنند مصروف بوده روز بروز بمهارت شان افزوده شده میرود. حاضراً اکثر مستحصلات محبس مرکزی خوب ونفیس بوده در بازار کابل بکثرت بفروش میرسد. این بود نبذی ازفنون وصنایع مادی موجودهٔ افغانستان که مختصراً

(c) ketabton.com: The Digital Library

بدان اشاره نمودیم . حال پی‌مورد نخواهد بود که دراطراف اصلاح وترقی صنایع عمومیه تبصره خوردی بنمائیم :

تبصرهٔ مختصر دراطراف اصلاح وترقی صنایع

درین جای شك نیست و منکری ندارد که افغانستان درسایهٔ حکومت ترقیخواه درین مدت خیلی کمی جدیت وفعالیت زیاد و خوبی نموده بسی فابریکه‌ها وکارخانه‌های بزرگ تأسیس و بسی مؤسسات که در راه تطور صنایع خدمت‌های خوبی نموده‌میرود روی کار آمده وروز بروز بعدهٔ آن افزود شده میرود که در آیندهٔ قریب نتیجهٔ آن را بصورت خیلی درخشان خواهیم‌دید لیك. ازباعث کمتراهتمام نمودن اهالی مخصوصاً صنعتکاران ملی منصفانه باید گفت که نظر بملل صنعتی دنیا خیلی عقب مانده سالها مجاهدت طاقت فرسا میخواهد تا خود را ازین ناحیه همقطار ایشان بسازیم. این پس ماندگی ما بیشتر زادهٔ کوشش‌های انفرادی وپابندی تودهٔ صنعتکاران به طرز قدیم وبیکاری ملیونها دهاقین ومزدور کاران در ایام زمستان است. هرگاه تمام صنعتکارانیکه بصورت انفرادی در اثریك سلسله حرکات یدی تهیهٔ متاع ولوازم مینمایند دست اتحاد و اتفاق را بسوی همدگر دراز نموده شرکت‌های متعددی تأسیس وازمجموع اندوخته‌های خویش لوازم وماشین‌های لازمهٔ عصری ازاروپا وارد کنند واز دیگر طرف رونق جدید واصلاحات در صنعت خویش به تعاون صنعتکاران ماهر بنمایند درمدت قلیل یك تطور عظیم در درجهٔ مستحصلات ویك نفاست خوبی درصنایع ملی بعمل آمده هم مملکت مسعود و هم خود ایشان شیرین کام میگردند . ازین جمله اخیرالذکر اصلاح صنعت چنین فهمیده نشود

که صنایع موجودهٔ ملی را میخواهم بکلی ازمیان رفته صنایع جدیدی جای گیر آن شود. نه‌خیر !

مطلب ازاصلاحات تعدیل وتصحیح نواقص است یعنی میخواهم بفهمانم که باید درشکل صنایع موجودهٔ ملی یك تجدد و رونق بهتری داده شود. مابعضی صنایع نفیس ملی داریم که اندك نقص باعث تنقید مشتریها دربازارهای دنیا میشود مثلاً قالین را بصورت نمونه نشان میدهیم : دربازارهای دنیا تنقیدی که راجع بقالین ما میشود عبارت ازین است که میگویند رنگ تمام آن بیك نواخت نبوده بعضی جاها کم رنگ و بعضی جاها تیز است . همچنان گل های تمام قالین ها چند نمونهٔ تغیر ناپذیری دارد . نقص اول ناشی از کم ، کم رنگ کردن پشم است که این هم زادهٔ محدودیت سرمایه و نقص دوم مشتق از عدم وجود رهبران ماهر و فنی است که جز در سایهٔ شرکت ها وتدابیرفنی بدیگر صورت اصلاح آن بزودی میسر نمیشود ، همچنان است بعضی‌ازصنایع‌دیگرما که به اندك همت بصورت نهایت خوبی اصلاح شده ترقی میکند . آمدیم به این شق که دهاقین ما با مزدوران اکثراً در ایام زمستان بیکار میمانند : هرگایکی از شرکتهای ما و یاجمعی از صاحبان ثروت که تشکیل شرکت میتوانند مطابق‌هدایات حکومت ترقیخواه برای چنین اشخاص که تعداد آن از ملیونها تجاوز میکند مثلاً ماشین های خورد دستی جهة بافت جراب ، بنیان ، . . . . وچندین امتعه ئیکه بسهولت بذریعهٔ ماشین های خورد تهیهٔ آن‌ممکن است وارد نموده و به اقساط معینه بالای ایشان بفروشند و بذریعهٔ مستخدمین شرکت درخانه ها این دهاقین وغیره کار آگاه شده ومستحصلات اوشان را بقیمت مناسبی که برای طرفین فائده باشد

(c) ketabton.com: The Digital Library

بخرند در ماه فوائد هنگفتی بشرکت رسیده ضمناً یك عدهٔ زیاد برادران وطن صاحب‌ثروت خواهند شدکذا بسی‌طریقه های دیگری وجود دارد که به جیب ما ثروت هنگفتی را میریزد . امروز مملکت جاپان که ازنقطهٔ نظرصنعت شهرت بلندی حاصل و بمقابل امتعهٔ دیگر ملل اعلان دمپنگ (ارزان فروشی) نموده بسا فابریکه هاراورشکست میکند درسایهٔ همین نوع تدابیراست که شرکت آنرابکار میاندازد .

خلاصه عصرحاضرعصرترقی وتعالی صنعت بوده بدون رسیدن بدور صنایع بزرگ ولوانیکه زراعت وفلاحت‌ماخیلی ؛ ترقی‌باشدغیرممکن‌است که مثل ملل مترقی وصنعتی دنیا شاهد سعادت ملی را به آغوش کشیم امروز سعادت مند ترین ملل آنانیست که مستحصلات آن چون سیل در بازار های دنیا جریان داشته بمقابل ده روپیه مواد خام ۱۰۰ ها روپیهٔ نقد را بجیب خود می اندازند .

در اینجا مورد روشن کردن دارد که پیشرفت و ترقی صنایع تنها وابسته بمساعی و مجاهدت صنعتکاران نبوده یك قسمت مهم متوجه مشتریان وطن هم میگردد یعنی اگر مشتریان به پاس حقوق وطن و به لحاظ ملت دوستی امتعهٔ خارج راکه ازان صنعت کاران وطن بکثرت تهیه کرده میتوانند ازقلب خود دورکرده به استملاك مستحصلات خود بکوشند یعنی‌بعوض تانهای بی دوام ، گلم های خوب و قشنگ بجای تکه های پوده و بی داشت خارج انواع تکه های با دوام و مضبوط وطن‌را و بعوض ظروف برنجی ، المونیمی ، حلبی‌خارج‌صراحی آفتابه لگن ، بشقاب ، سماوار ، پطنوس وصد ها سامان مسی و برنجی و حلبی وطن را و بعوض چاقو ، کارد ، قیچی ... و غیرهٔ آلمانی ، جاپانی . . . وغیره‌چاقوهای‌آبدارفولادی وخیلی‌بران وطنی‌رایاهزارها

اشیاء کارآمد دیگرکه دروطن دست‌یاب میشود استعمال کنند هم صنعت کاران وطن دارای سر مایهٔ خوبی گشته پول ما بجیب خارجی ها نمی افتد وهم لوازم مضبوط و با دوام بقیمت‌نازلی بدست میآید بالعکس اگرچنین نشود واین حس غریزی وطن بماتأثیری نکند صنعت ملی ما ازین هم پست ترگشته صنعت‌کاران موجودهٔ که داریم آهسته آهسته ازمیان خواهد رفت . چه ثابت شده‌که تمام‌ترقیات بشرزادهٔ احتیاج است واحتیاج هم ما درایجاد ؛ وقتیکه ما احتیاج خودرا ازخارج رفع کنیم آیاممکن خواهد بود بچیزیکه احتیاج نداشته باشیم ترقی کند ؟ پس درینصورت گناه انحطاط صنایع وطن بدوش فرد فرد ما افتیده ظلم برخویشتن ووطن خواهیم کرد .

چون درفوق راجع به ترقی واصلاح صنایع وطن تبصره نمودیم حال بی مورد نخواهد بودکه پیشنهادات (تایلر) مهندس امریکائی را که قریب ۲۵ سال قبل برای تنظیم وتشکیل صنایع دستی نموده وآن را (طریقهٔ کارعملی) نام نهاده است برای استفادهٔ شرکتها وذواتیکه خیال تشکیل شرکتها را مینمایند در معرض اشاعه بگذاریم :

کار عملی یاطریقهٔ تایلر

روح طریقهٔ مذکور این است‌که کارگر صنائع دستی طرز کار را نمیداند وبامراعات اصول ذیل باید تعلیم یافته و آموخته گردد :

۱ ـ تجزیهٔ کار بعناصر ساده و تنظیم اوقات هریك از آنها .

۲ ـ حذف حرکات زائدیکه بدرد حصول نتیجه نمیخورد و استفاده ازان اوقات بقسمیکه جزمانی که‌برای استراحت کارگر ضروریست

(c) Kabul Times The Digital Library

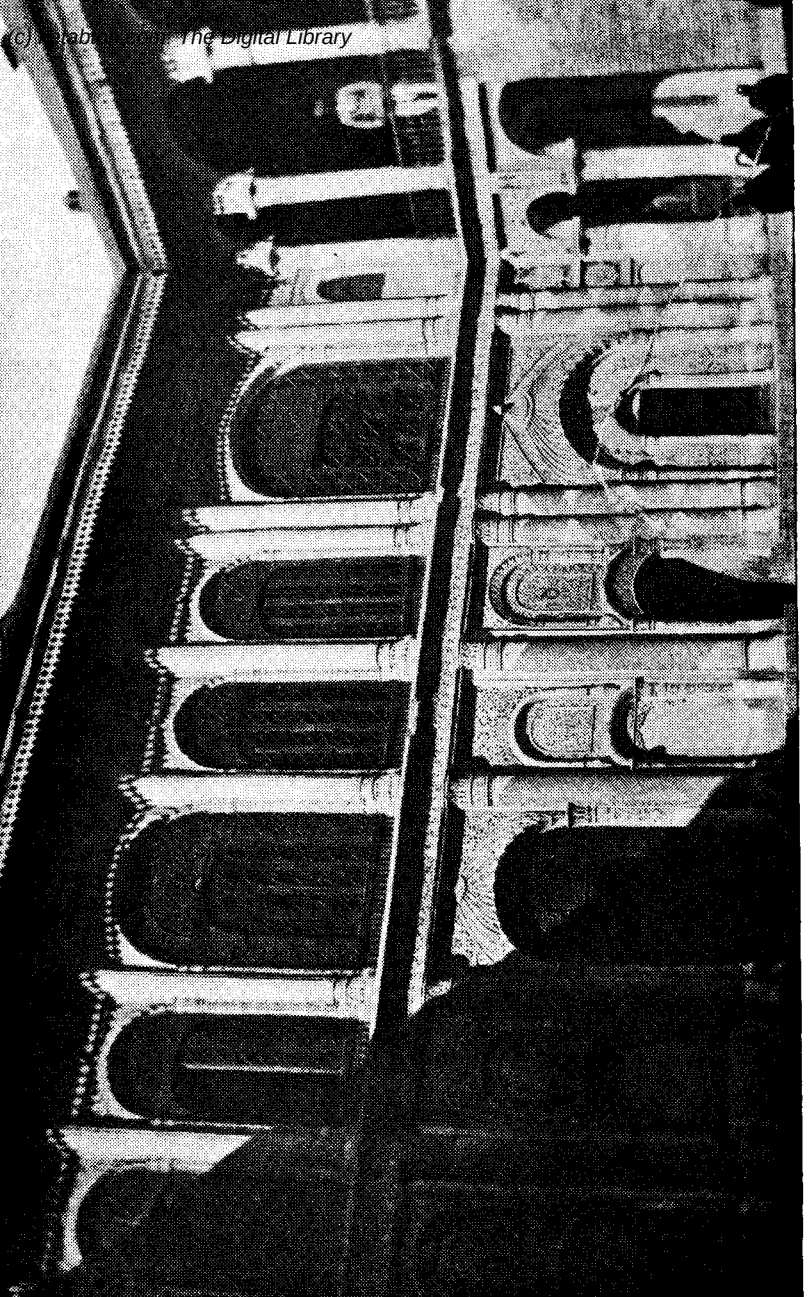

از عمارات قدیمهٔ هرات : حرم سرای باغ کارته
Type des anciens bâtiments du 18è. siècle à Hérat

وقت اوتضیع نگردیده وحرکات مفیده‌متصل به‌یك دیگرانجام‌شوند .

۳ ـ جریان کار قسمی منظم گردد که خبط و خطائی دران رو نداده و یك مرتبه که کارگر شروع بکار نمود تا اختتام بکمال صحت وانتظام پیش برود .

٤ـمصالح‌وآلات‌هرکاریراقبلابرای کارگر تهیه‌نموده‌ودردسترس اوبگذارند .

٥ ـ عدهٔ نگرانها ومفتشین فنی برای نظارت حسن جریان کار وضمناً تربیهٔ کارگران معین کرده وکار فرمایان‌فاسدیرا که باتحکمات خود روح کارگر را متألم سازند دور نمایند .

٦ ـ حداقلی برای کار کار گرواجرت او مشخص ساخته و برای اضافهٔ کار نسبت معینی به اواجرت اضافی دهند .

درصورتیکه نکات فوق کاملاً مرعی ومجرا گردد نتائج خوبی ازان بدست خواهد آمد .

شرط عمدهٔ استفاده ازان،صورت عمومیت پیدا کردن این اصول است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

نباتات مشهور افغانستان

ومعلومات طبقات الارضی آن

بقلم جناب محمد زمان خان متخصص ، مدیر عمومی زراعت

سال گذشته مقالهٔ تحت عنوان (نباتات مشهور افغانستان) نگاشته معلومات خودرا نسبت به نباتات مشهورقطغن و بدخشان وقندهار وهرات وفراه ، مشرقی وجنوبی تحریر وبا بعضی توضیحات طبقات الارضی حصص مذکور برای درج سالنامهٔ سنه ۱۳۱۵ کابل فرستاده وعده داده بودم که نباتات مشهوز وخصوصیات زراعتی حصص ولایت کابل ومزارشریف ومیمنه رابرای سالنامهٔ سنه۱۳۱۶ترتیب داده بانجمن ادبی تقدیم خواهم داشت . اینك قرارمعهود وحسب خواهش انجمن محترم ادبی معلومات مختصری که نسبت بزراعت علاقه جات مذکورهٔ فوق داشتم درسلك تحریر درآورده تقدیم مینمایم ، ضمناً کمك هائی که جناب فاضل سید قاسم خان رشتیا درقسمت معلومات ولایت کابل بابنده فرموده اند تشکرمیکنم .

« محمد زمان »

حصص مرکزی افغانستان یاولایت کابل

حصص مرکزی افغانستان که از روی تقسیمات ملکیه شامل ولایت کابل میباشد ازحیث وسعت خاك وزراعت مهمترین و حاصل خیزترین حصص افغانستان راتشکیل داده ، دارای اراضی کشتمندی

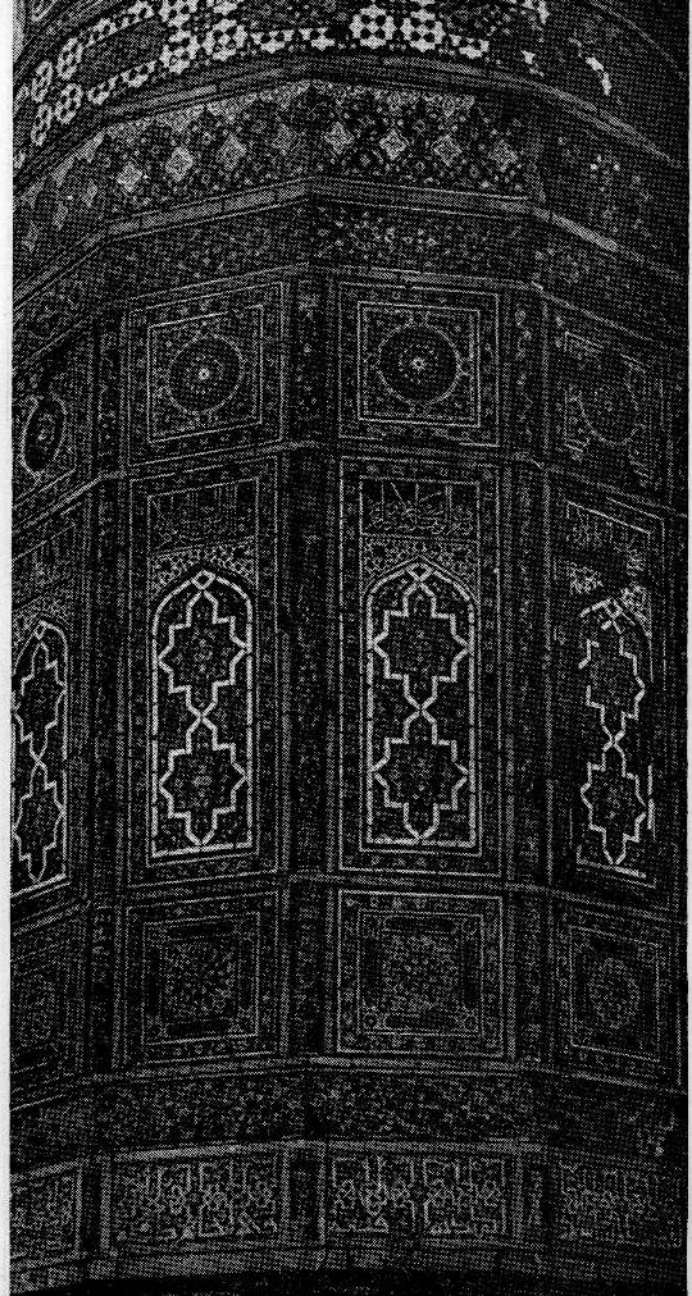

از آثار نفیس و تاریخی هرات : حصهٔ تحتانی یکی از مینارهای مصلی

La partie inférieure d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat

(c) ketabton.com: The Digital Library

ونخلستانها وباغات ودره های پردرخت ورود خانها وچشمه سارهای فراوان است که رویهمرفته این علاقه را باوجوداختلافات اراضی آن که بعضی کوهستانی وبرخی دشتی وقسمتاً سطوح مرتفعه است ، یك علاقهٔ پر برکتی گردانیده است . بطورعمومی آب وهوای ولایت کابل بری وسرد بوده ، مناطق گرم سیردران وجود ندارد ودرزمستان تمام حصص آن برفگیر ودرتابستان شاداب میباشد . باران کمتر میبارد واکثریت زراعت آبی بوده ، مناطق للمی کاری دربعضی حصص خاص میباشد اراضی ولایت کابل که اکثراً ازنقطهٔ نظر طبقات الارضی به زمانهٔ جدیدنیوژن Néogèn متعلق بوده شامل اراضی مختلفهٔ طبقات الارضی است (که تفصیل آن علیحده علیحده درذیل آمده) که بیشترآن دارای مواد آزوت وفوسفات بوده ازین رهگذر حاصل خیزی زیادی را دارا بوده استعداد پرورش اقسام نباتات را از قبیل غله جات ، سبزیجات ومیوه جات مناطق معتدله دارا میباشد .

حصص مرکزی افغانستان یا بعبارت دیگرولایت کابل را ازنقطهٔ نظر مناطق جغرافیائی به شش منطقه میتوان تقسیم کرد ، اتفاقا همین تقسیم با تقسیمات ملکیه نیزتا اندازهٔ مطابقت میکند : ـ

اول ـ کابل ونواحی آن
دوم ـ سمت شمالی
سوم ـ غزنی
چهارم ـ لوگر
پنجم ـ سطح مرتفع مرکزی (دایزنگی)
ششم ـ سروبی

اول ـ کابل ونواحی آن :

شهرکابل بشمال مشرق افغانستان وبجنوب سلسله کوه هندو کش واقع بوده نواحی مشهور و زراعتی آن قرار ذیل است : ـ

۱ : پغمان ـ بطرف شمال مغرب .

۲ : چهارده ـ بطرف غرب وجنوب غرب .

۳ : ـ ده سبز و بتخاك و شیو کی و غیره بطرف شمال شرق، شرق وجنوب شرق

کابل:

شهر کابل ۱۷٦۲ متر ارتفاع دارد واز جبال شیر در وازه و آسمائی و قوروغ و پغمان محدود بوده بجنوب کوهدامن واقع است

دریای کابل که از سمت جنوب آمده از بین کوه آسمائی و شیر دوازه میگذرد بدون اینکه بمزروعات قریبهٔ شهر از آب آن فائدهٔ برسد بطرف تنگ غارو وسروبی ومشرقی جریان پذیرفته بالاخره بحد اتك داخل دریای سند میگردد .

آب و هوای شهر کابل بری بوده در زمستان سرد و در تابستان گرم است : درجهٔ حرارت تابستانی در ماهای سرطان واسد تا به ۳٦ درجه سانتی گراد فوق الصفر بوده در ماهای جدی و دلو که وقت سرما و برودت است تا ۲۰ درجه تحت الصفر نیز پایان شدن مقیاس الحرارت ممکن است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

طور مثال حرارت سالانه کابل را از ۲۵ جنوری (۵ دلو) یك سال تا ۱۵ فروری (۲۵ حوت) قرارذیل معلومات میدهیم:

	۲۵ جنوری سنه ۱۹۲۳	۱۰ جولائی سنه ۱۹۲۳	۱۵ نومبر سنه ۱۹۲۳	۱۵ فروری سنه ۱۹۲۴
درجهٔ اعلی	۵ / ۳۳	۱۷ / ۳۴	۸ / ۲۰	۹ / ۱۵
درجهٔ ادنی	۲ / ۱۷	۴ / ۱۷	۸ / ۲	۲۰ / ۱۳
فرق مابین درجهٔ اعلی و ادنی	۳ / ۱۶	۱۷	۸ / ۱۸	۹ / ۱۵

از ۲ بجه بعد ظهر تا ۳ بجه درجهٔ حرارت خیلی بلند میرود. و حرارت ۸ بجهٔ صبح باحرارت ۹ بجهٔ بعد ظهر خیلی مشابه است.

از نقطهٔ نظر زراعتی آب وهوای کابل برای زراعت هر گونه نباتات ممالك معتدله مستعد است. تمامی اقسام سبز یجات در گرد و نواح کابل ذریعهٔ دهاقین زرع میشود. غله جات مشهور نواحی کابل گندم، جو، جواری، کل جو، ارزن است. اصلاح غله جات مذکور ازمهمات است برای اصلاح غله جات از طرف ریاست زراعت برای سال آینده ترتیبات لازمهٔ فنی گرفته شده است.

ازاقسام سبزیجات کچالو، لبلبو، شلغم، سبزی پالك، پیاز، گندنا، زردك، لوبیا، فاسولیا و بادنجان سیاه و بادنجان رومی و غیره زرع ونتائج خوبی ازان گرفته میشود. برای اصلاح سبزیجات وطنی و ترویج سبزیجات خارجی موسیو اوزاکی متخصص جاپانی که مستخدم ریاست زراعت است، در باغ بینی حصار تجارب خود را شروع نموده، اصول جدید زراعت سبزیجات را بطلبهٔ زیر دست خود تعلیم مینماید. متخصص مذکور در اطراف امراض نباتات نیز مطالعات و تجسسات نموده بعضی امراض سبزیجات را بطلبهٔ زیر دست خود آموخته است.

جهت اصلاح سبزیجات درکابل ترتیبات لازمهٔ اصولی گرفته شده و بعضی سامان فنی نیز بخارج فرمایش داده شده است.

از قبیل اشجار مثمر درخت سیب و نامك و آلو و زرد آلو و قیسی و آلو بالو و آلو بخارا و شفتالو و بادام و چار مغز درکابل نموکرده نتیجهٔ خوب میدهد درخت انجیر وانار بنا به سردی اواخرسال چندان نتیجه نمیدهد در کنار تپه ها و دامنه های کوها بشرط بودن یك مقدار آب لازمه زراعت انگور نیز میشود و نتیجهٔ خوب میدهد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

لاکن نقائصیکه در زراعت اشجار دیده میشود همانا اینست که اصول قطع اشجار بطورفنی بهیچ یك ناحیهٔ افغانستان مروج نیست. جمیع مواد غذائیه که توسط ریشه های اشجار ازاعماق زمین جذب میشود بطرف شاخچه هـای درخت رجعت می کند . شاخچه های زاید و بی ثمر نیز مانند شاخچه‌های میوه دهنده ازمواد غذائیه مستفید گردیده درخت شکل غلو و آ گندهٔ را بخود میگیرد ، روشنی و هوا بخوبی در میان شاخچه هـا نفوذ نداشته میوهٔ درخت در بعضی جاها خیلی زیاد بنظر میرسد و در بعضی جاها لا اثر میباشد قطع درخت هـا بطور فنی قوهٔ آ نرا زیاده می سازد ، بمقدار حاصل می افزاید و منتج باصلاح نبات میگردد ، از چندیست که تحت هدایات فنی موسیو اوزاکی متخصص یکعده طلبهٔ افغانی مشغول اخذ معلومات عملی قطع اشجـار و پیوند وشاخه خوابانی وغیره بوده طلبهٔ مذکور دراصول قطع اشجار معلومات کافی حاصل نموده اند .

در باغ بابر شاه اشجـار مثمر تماماً در شروع سال تحت اثر موسیو اوزاکی توسط طلبهٔ زیر دستش باصول جدید قطع می شود و نیز پیوند نهالها بطرز جدید بعمل میآید . درباغ مذکور یکعده اشجار میوه‌دار جاپانی که ازجاپان خواسته شده است درسنه ۱۳۱٤ غرس گردیده الان یك تعداد مهم آن سبز گردیده رو به نمو است .

درخصوص اشجار جنگلی نیز تحت نگرانی (موسیو آیزاوا) متخصص جنگلات در پغمان و چهار ده اقسام متعدد آن از قبیل سرو صنوبر و بلوط و پسته و ارغوان و اکاسی وغیره زرع شده نتیجهٔ بعضی از آنها اطمینان بخش است . عملیات موسیو آیزاوا در سنه

۱۳۱٦ جهت اخذ معلومات ابتدائی بوده برای سال آینده در نظر است که قوریه های وسیع و مهم اشجار جنگلی ترتیب یافته یکمقدار نهال زیادی هرسال ازقوریه‌های مذکور کشیده و به نقاط قابل الزرع جنگل نقل داده وغرس شود یك گونه نبات تجارتی موسوم به (سوژ) در باغ بینی حصار زرع گردیده و نتیجهٔ محصوله اطمینان بخش بوده ازتخم سوژ ۲۵ فی ۱۰۰ تیل کشیده میشود که درخورا کـه نیز بکار برده شده میتواند .

زراعت پنبه در نواحی کابل به نسبتیکه حرارت در ماه های سنبله ومیزان دروقت شب خیلی پایان میشود نتیجه نداده غوزه‌ها ناشگفته میماند . زراعت خربوزه و تربوز در نقاطیکه شب باده داشته باشد نیز نتیجهٔ اعلی میدهد. ازجملهٔ غله جات چیزیکه زراعت آن مروج نیست گندم سیاه است ،واون گندم سیاه علاوه برینکه سخت سر بوده بهر قسم زمین نتیجه میدهد قوهٔ غذائیهٔ آن نیز زیاد است . خـوردن گندم سیاه در روسی خیلی مستعمل است واگر در ترویج زراعت آن درنواحی کابل کوشش شود نتیجهٔ خوبی بدست خواهد آمد .

اون یك گونه غلهٔ خیلی مفیدی است که درممالك اروپا بهزارها هکتار زمین را فرا گرفته محصول آن بحیوانات خصوصاً برای اسپ ها داده میشود . درمکتب زراعت مرکز یکمقدار تخم آن موجود است وقراریکه دراراضی متعلقه مکتب مذکور تجربه بعمل آمده است اون بخوبی درکابل نمومیکند . اون دوقسم است یکی اون سفید بهاری ، دیگر اون سیاه زمستانی . اگرچه اقسام متعدد دیگرنیز دارد لاکن دوقسم مذکور خیلی مشهور است .

درعلاقه چهاردهی زراعت گندم به نسبتیکه ترکیب طبیعی زمین

(c) ketabton.com: The Digital Library

آن رستی وآهکی است و نیز درجهٔ حرارت مستعد است خیلی زیاد میباشد. دو قسم گندم شهرت تامی دارد: یکی گندم لچك ودیگر خاردار. در هردو قسم گندم مذکور مقدار آزوت زیاده بوده قوهٔ غذائیهٔ آن زیاد است. انواع مذکور متعلق به جنس گندم سخت Hordeum Compactum است.

کابل از نقطهٔ طبقات الارضی:

سیستم پرید وینیه Système prédovinienn کوه خواجه هزاره (هزارهٔ بغل) که بشمال کابل واقع است از صوانه ورقی Gneiss احجار ورقی ابرك دار Micaschiste تشکیل یافته. اراضی که بدامنهٔ کوه مذکور واقع است طبعاً از تجزیهٔ احجار مذکور تشکیل پذیرفته چونکه متعلق به اراضی زمانه اولی Ereprimaire است دارای یکمقدار (پتاس) بوده (حامض فسفور) و (چونه) آن کم است، لهذا برای تقویه اراضی مذکور مواد کیمیاوی فسفوری و یکمقدار چونه لازم است که بصورت پاروی کیمیاوی داخل زمین گردد.

بطرف مشرق کابل در کوتل پای منار نیز صوانه ورقی Gneisa دیده شده علاوه بران احجار شیستی Schiste نیز بنظر رسیده خواص زراعتی اراضی محدودهٔ کوتل مذکور قرار فوق است. یعنی حامض فسفور وچونهٔ آن کم بوده لازم است که مواد مذکور بصورت پارو داخل زمین کرده شود بطرف مغرب کابل کوهای باغ بالا نیز از احجار متبلوره ورقی ساخته شده اراضی قریبهٔ آن مانند اراضی فوق الذکر فاقد مواد فوسفوری وچونه بوده برای اصلاح آن دخول مواد فوق دراراضی مذکور لازم است.

بطرف جنوب کابل کوه شیردروازه وبه غرب جنوب کابل کوه آسمائی نیز ازاحجار صوانی وصوانی ورقی ساخته شده متعلق بزمانهٔ اولی میباشد. بطرف جنوب مشرق اگر بیشتر برویم در درهٔ لوگر بعضی طبقات اراضی متبلورهٔ ورقی terrains cristallophylliens دیده میشود، بدامنه سمت چپ درهٔ لوگر (کوه نوشته) احجار صوانی ورقی Gneis واحجار شیستی ابرك دار Micaschiste که دارای دانهای یاقوت و (آندلوزی) میباشد دیده میشود. ساختمان درهٔ سمت چپ لوگر مربوط بزمانه اولی Primaire بوده اراضی که ازتجزیه احجار کوهای سمت مذکور حاصل شده است دارای حامض فسفور و چونه نبوده برای اصلاح اراضی مذکور لازم است که یکمقدار پاروی فسفوری ویکمقدار چونه داخل زمین کرده شود.

بطرف سمت راست دره لوگر کوه شاخ برنته (ارتفاع ۲۳۲۰ متر) نیز دارای ساختمان فوق بوده علاوتاً طبقات آهك های خاکی و سیاه نیز دربین طبقات احجار کوه مذکور بنظر میرسد معلوم است که اراضی تحت دامنه سمت راست درهٔ لوگر تا یکحد دارای چونه بوده برای اصلاح آن تنها دخول یکمقدار حامض فسفور لازم است.

ساختمان طبقات الارضی کابل مربوط عصر جدید نیوژن Néogène عصر نیوژن Meogène مربوط زمانهٔ ثالث Tertiaire است ومشتمل بدوره های پلئیوسن Pliocène و ملیوسن Miocèné میباشد.

سطح شهر کابل که ۱۷۶۲ متر ارتفاع دارد از رسوب جدید التشکیل Néogène ملفوف بوده دو تپه (تپه بی بی مهرو و تپهٔ سیاه سنگ) که ۱۹٤٥ متر بلندی دارند از طبقات رسوبی عصر نیوژن تشکیل یافته بالای طبقات پالیزوئیك Paléozoïque قرار گرفته اند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

پغمان :

صیفیهٔ پغمان بشمال مغرب کابل واقع و درهٔ شاداب آن دارای آب سرد و صاف بوده از سبب مجاورت جبال برف گیر و ارتفاع زیاد خود همیشه هوای مطبوع ومصفائی را داراست منبع آب نوشیدنی اهالی کابل از درهٔ پغمان است ودر هر کنج و کنار این ناحیه زیبا در بین اشجار سر سبز کوتی های متعدد و نفیسی جلب نظر مینماید در پایان درهٔ پغمان وادی شاداب ارغنده وقوع دارد که دارای زراعت غله جات و بعضی درختان از قسم بیدوچنار و غیره است اما کشکك که قریب پغمان است دارای باغات میوه میباشد در پغمان درخت سیب و ناك خیلی کم است ، لاکن درخت گیلاس و آلوباالو وزرد آلو و چارمغز وآلوبخارا و بادام و توت بکثرت دیده می شود . چنار عرعر و سفید ارو پنجه چنار ونیله چنار و بیدو اکاسی و زیره از جملهٔ اشجار جنگلی مهمی است که در ناحیه مذکور بکثرت میروید به نسبت ریگی بودن اراضی درخت چارمغز و پنجه چنار که ریشه های شان بزمین خیلی عمیق فرومیرود نتیجهٔ خوبی داده بزرگی وضخامت اشجار مذکور قابل توجه است .

زراعت سبزیجات از قبیل کچالو و شلغم و سبزی پالك و نخود و زردك و باقلی و غیره نتیجهٔ خوب میدهد و نیز زراعت گندم و جو وجواری و ارزن در ناحیهٔ مذکور معمول است ، لیکن بسبب سردی هوا در حصص بلند تر درهٔ پغمان حاصل غله جات کم میباشد .

چیزیکه مهم است مسئله توسعه جنگل است که در پغمان باید از همه زیاده تر مورد توجه واقع شود . زیرا که برای زراعت و توسعه

و نموی جنگل یکمقدار رطوبت در هوا و بارانهای کم دوام موقتی لازم است و اینچنین شرائط درآب وهوای پغمان دیده می شود . خوشبختانه ازچند سال باینطرف برای مشجر ساختن کوه های پغمان ترتیبات گرفته شده و در یك قسمت کوه ها درختان بادام و چارمغز و توت و زیره و غیره غرس شده است .

معلومات طبقات الارضی ناحیهٔ پغمان

۱ ـ سیستم پریدونیه : در نقطهٔ انتهائی کوه های پغمان بطرف شمال قدری دور تر ازتوپ دره آهك های (عصری دیونیه) دیده می شود که دارای (هماتیت) Hématite بوده بالای طبقات احجار صوانی ورقی Gneiss ومیکائیست Micacshiste قرار گرفته ازتجزیهٔ احجار فوق خاکیکه حاصل می شود حامض فسفور کمتر داشته برای تقویهٔ آن دخول مواد کیمیاوی فسفوری لازم است. بدون دخول مواد لازمهٔ فسفوری بودن (پتاس) و (آزوت) و (چونه) وغیره نیز در همچه اراضی فائدهٔ مطلوبه را داده نخواهد توانست ، زیرا برای اینکه از یك زمین حاصل خوب گرفته شود بودن آزوت و فسفور و پتاس چونه لازم است .

چهاردهی:

چهار دهی کابل میدان سبز و خرمی است بطرف جنوب مغرب کابل اشجار سبز و بر جسته واراضی مزروع زمردین خود را از دور بنظر جلوه میدهد. کوه قوروغ بطرف مغرب چار ده قلل شامخهٔ برف گیر خودرا بانظار عرضه میدارد مخلوط طبیعی اراضی چاردهی

(c) ketabton.com: The Digital Library

از آهك ورست بوده برای زراعت غله جات خصوصاً گندم خیلی مساعد است از همین جهت است که گندم لوچك و خار دار چهاردهی بهمه جا مشهور بوده باوجودیکه اکثریت زمین های آن انبار داده نمیشود هر سال یکمقدار مهم گندم بار می آورد . آبیاری اراضی چاردهی توسط جوی بهسود و جوی خنگوت می شود و دهاقین این علاقه با آنچنان مهارت آخرین جرعه آب را بصرف زراعت خویش میرسانند که میتوان گفت امروزهیچیك قطعه در چهار دهی نیست که بصورت خاره ولامزروع دیده شود. سمت شرقی وجنوبی چهاردهی موسوم به چار آسیاب است که وادی شاداب و حاصل خیزی بوده در زراعت شبیه چهاردهی ولی در حاصل خیزی کمتراز آن میباشد . درچاردهی چنار عرعر و درچار آسیاب زراعت فالیز کاری زیاده است . تمامی اقسام غله جات در چاردهی زرع میشود و نتیجهٔ محصوله نیز اطمینان بخش است پارودادن زمین چندان مروج نیست و اکثراشخاص خاك تعمیرات کهن وخرابه را که دارای یك مقدار آزوت است بصورت پارو بالای زمین های خود میپاشند . این قسم خاك را که خاك شوره می نامند برای زراعت غله جات خصوصاً گندم مفید است . شالی کاری نیزدر بعضی حصص سیراب چهار دهی رواج دارد .

زراعت سبزیجات درنقاطیکه آب وافر میسر باشد بخوبی میشود و زراعت تمامی اقسام سبزیجات معروف کابل از قبیل بادنجان وکچالو وشلغم وکدو وکلم و پیاز وسبزی پالك وغیره ممکن است ، فالیز کاری چندان مروج نیست تنها در بعض نقاط خربوزهٔ ترکستانی و باد رنگ و تربوز خوب نتیجه داده است . اهالی چاردهی میگویند که برای

حاصل گرفتن از فالیز کاری شب باده لازم است از قبیل میوه جات آلوچه وزرد آلو و قیسی وتوت وسیب چاردهی مشهوراست آلو بالو وشفتالو کم است ازدرخت چارمغز نتیجهٔ درست گرفته نمیشود ، زراعت بادام ممکن است لاکن کم دیده میشود . برتپه های قریب دارالفنون یك تعداد زیاد نهال خورد بادام بتازگی غرس شده و رو به نمو میباشد لاکن توجه و مواظبت بکاردارد زراعت تاك در چهار دهی مروج نیست و از سببیکه شب باده نیست میگویند که زراعت تاك در چاردهی نتیجه نمیدهد .

درختیکه از همه بهتر نتیجه میدهد درخت چنار عرعر است که دور اکثراراضی زراعتی رافرا گرفته برزینت چاردهی افزوده است اگرحفاظت این درخت درسال اول قلمه نمودن بطوراصولی کرده شود بعد ازان بدون زحمت آبیاری دیگر تکلیفی بکارندارد و حاصل آن عموما بعد از مدت ده سال خیلی اطمینان بخش است زیرا که دستك چناری امروز از ده الی پانزده افغانی قیمت دارد . مع الاسف آب چاردهی کم است و اگر بکدام صورتی مقدار آب این حصه زیاد شود از مقبول ترین نقاط همجوار مرکز محسوب می شود . باوجود قلت آب گفته میتوانیم که چهار دهی از حیث سرسبزی و قشنگی یك علاقهٔ جالب الطبع و بس حاصل خیزی است . درخت اکاسی ونیله چنار و سفیدار و بید و سنجد نیز به تعداد زیاد بوده درین ناحیه خوب نمومی کنند . آنچه سبب قلت روز افزون آب چهار دهی شده همانا توجه مردمان آن علاقه بسوی سبزی کاری و باغ سازی است که روز بروز دامنهٔ آن وسعت یافته میرود و سبزیجات و میوه جات چاردهی در کابل بصرف میرسد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

از نقطهٔ طبقات الارضی اراضی چهار دهی متعلق به عصر پرید وینبه بوده حامض فسفور آن کم است و اگرحامض فسفور بصورت پاروی کیمیاوی و یا پاروی عضوی در اراضی مذکور داخل کرده شود اراضی مذکور قوه و حاصل خیزی فوق العاده حاصل نموده محصولات زراعتی مهمی ازان گرفته خواهد شد .

ده سبز ، بتخاك و شیوکی و غیره :

این سه علاقه بسمت شمالی شرق و شرق کابل افتاده و عبارت از دشت های حاصل خیزی میباشد که حاصلات فراوانی از آنها گرفته می‌شود ، زمین ده سبزخیلی مستعد پرورش فالیز بوده خربوزهٔ آن شهرت زیادی دارد . اما غله جات نیز دران جا زراعت شده بعضی باغات زردآلو و آلو و سیب و ناك و درختان توت و چنار نیز وجود دارد .

اراضی بتخاك که تاچند سال قبل کاملا دشت خاره بود ، بعد از آبادی بند خورد کابل (۱۳۰٤) عموما مزروع وحاصل خیز شده اکنون در پرورش گندم وجو و فالیز کاری ورشقه کاری در تمام ولایت کابل شهرت پیدا کرده است .

باقی در بتخاك باغات وجود نداشته تنها بعضی درختان بید و چنار و توت اینجا و آنجا بنظر میرسد .

شیوه کی ، بینی حصار متصل شهرکابل ودارای باغات زیاد میوه دار واراضی خیلی حاصلخیز زراعتی میباشد حاصلات گندم اراضی شیوه کی مشهور بوده ، جویهای متعددی سبب ایجاد باغات وسیع وزیبائی

گردیده است که شامل درختان آلو واقسام زردآلو ، قیسی،سیب، ناك شفتالو ، بادام ، بهی ، توت سنجد وغیره میباشد چون این علاقه جات قریب کابل است زراعت سبزیجات از قبیل بادنجان ، سبزی پالك کچالو ، کاهو ، پیاز ، سیر ، زردك وغیره وزراعت شبدر (شفتل) رشقه وغیره نیز رواج دارد . چنارعرعر ودرخت‌پنجه چنار بنابرانیکه اکثرحصص زاء آب دارد ممکن نیست .

دوم سمت شمالی :

سمت شمالی یکی ازحاصلخیز ترین علاقه جات ولایت کابل بلکه تمام افغانستان را تشکیل داده در حقیقت عبارت از نشیب های جنوبی هندوکش میباشد که حصص شمالی تر آن کوهستانی و حصص جنوب ترآن دشتها ودره‌های شاداب بوده ، آب هندوکش بصورت نهرها ودریاها و چشمه ها و کاریز ها حصص مختلفهٔ آنرا آبیاری می کند سمت شمالی دارای زراعت مختلف بوده ، اقسام غله جات وانواع میوه جات وسبزیجات فراوانی دران بعمل میآید ومخصوصاً محصول غله ومیوهٔ آن بقسم آذوقه درشهر کابل وارد وحتی قسمتی‌ازمیوه‌جات تازه وخشك آن بخارج نیز صادر میگردد . مهمترین وحاصل خیز ترین حصص سمت شمالی کوهدامن و کوهستان است که ذیلاً به تفصیل ذکر میگردد .

این دو علاقه که قسمت بزرگ (سمت شمالی) کابل را تشکیل میدهد ، ازحیث حاصل خیزی خود در تمام افغانستان شهرت زیادی را مالك بوده ، نخلستانهای شاداب وتاکستانهای فراوانی دارد که مقدار کثیری‌میوهٔ تازه وخشك ازان حاصل شده در کابل و قسمةً

(c) ketabton.com: The Digital Library

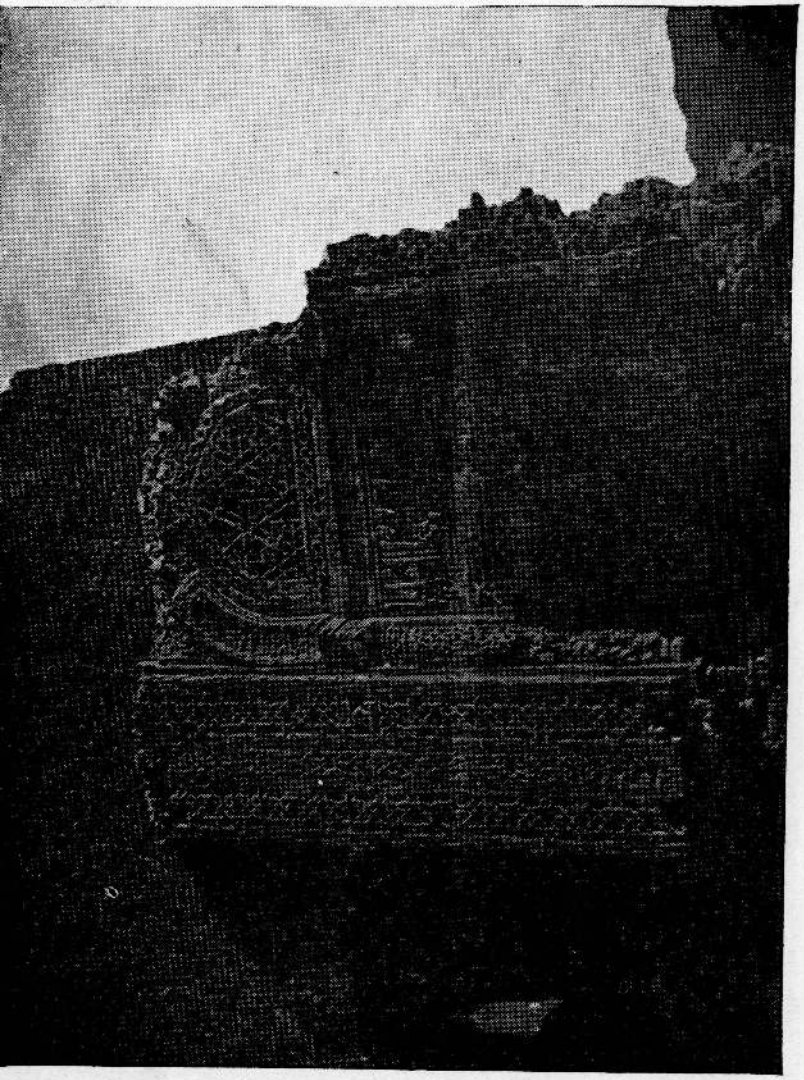

از آثار نفیس و تاریخی وطن : مقبرهٔ خواجه چشت در هرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja Tchecht à Hérat

در خارج باستهلاك میرسد . اما بسبب کوهستانی بودن آن وسعت اراضی زراعتی کوهدامن و کوهستان نسبةً کم است و قسمت عمدهٔ آبادیهای مذکور دردره جاتیکه بپای سلسلهٔ کوه پغمان افتاده ، وقوع داشته آب کافی دارد . لیکن به دشتهای زراعتی آنقدر آب زیاد نمیرسد - زراعت کلان این علاقه جات عبارت است از اقسام گندم وجو وارزن وباقلی ومشنگ وجواری وفالیز کاری (خربوزه وتربوز وخیار) وغیره - لیکن زمینهای کوهستان استعداد پرورش پنبه را نیز داشته ، زراعت پنبه روز بروز درترقی است . دره‌های حاصلخیز ومعروف کوهدامن که آب وهوای خوش نیز دارد قرار ذیل است شکر دره ، گلدره ، فرزه ، استالیف ، استر غج وازمناطق سرسبز ونخلستان‌های آن سرای‌خواجه وشش‌ده وباغ‌عارق‌وقره باغ وچاریکار وگل بهار وجبل‌السراج مشهور میباشدازمیوه‌های مشهور کوهدامن وکوهستان یکی زرد آلوست که نوع میرمحمودی آن که ازپیوند سیب وزرد آلو بعمل میآید خیلی مشهور است . قیسی و سفید چه وزرد آلوی خشك وزرد آلوی خسته تلخك زرد آلوی قندك که میوهٔ‌خورد وخیلی شیرینی دارد از اقسام زردآلوی این علاقه جات بشمارمیرود .

اقسام سیب کوهدامن وکوهستان متعدد است ، مثلا سیب‌نازك بدن وسیب حنیفه که خیلی شیرین وبادوام است و سیب آهنگری که رنگ سرخ تیره دارد وسیب جورس که اقسام مشهورسیب کوهدامن وکوهستان را تشکیل میدهد .

اقسام ناك نیز درکوهدامن وکوهستان زیاد بوده مشهور ترین آنها ناك شکرامردوناك گل امردوناك ثمرقند وناك‌آبی‌است شفتالوی

(c) ketabton.com: The Digital Library

از آثار نفیس و تاریخی وطن : مقبرهٔ خواجه چشت درهرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja tchacht à Hérat

از آثار نفیس و تاریخی وطن : مقبرهٔ خواجه چشت درهرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja tchacht à Hérat

(c) ketabton.com: The Digital Library

Gneiss وسلیت ابرك دارنقاط Micaschiste که دربعضی نقاط خود پیچ خورده ودارای کفیده گی ها معلوم میشودموجود است قدری دورتر ازنوپ دره بطرف شمال بانتها نقطهٔ کوه پغمان آهك های عصری دیونین Dévonien که متعلق به زمانهٔ اولی دیده میشود Calcaires dévoniens آهکهای مذکور دا رای احجار همیتت سرخ Hématité rouge است که بالای احجار صوانی ورقی و سلیت ابرك دار واقع است .

بطرف جنوب کوهدان کو بچهٔ خواجه هزاره و کوتل خیرخانه نیز از احجار صوانی ورقی و سلیت ابرك دار تشکیل یافته . اراضی زراعتی کوهدامن نیز از تجزیهٔ احجار صوانی ورقی و سلیت ابرك دار حاصل شده است .

در اراضی مذکور تیزاب فسفور Acide phosphorique کم است و باید بصورت انبار کیمیاوی آورده شود ، تا زمینها حاصل بیشتری بدهند ـ ازین رو است که دشتهای کوهدامن از حیث حاصل چندان قناعت بخش نمیباشد .

بعد از کوهدامن و کوهستان در حاصل خیزی تگاب و نجراب و پنجشیر اهمیت دارند این علاقه جات کاملا کوهستانی بوده شامل باغات و جنگلات خود روی میباشند و زراعت غله جات در آن ها کمتر است . پنجشیر علاقهٔ سرد سیر و دارای باغات خوب و تگاب خصوصا در حصص شرقی و جنوبی خود گرمتر بوده دارای جنگلات جلغوزه و باغات انار بوده این دومحصول بخارج نیز صادر میگردد .

غور بند ، بامیان وسیغان و کهمرد نیز در جملهٔ علاقه جات سمت شمالی بشمار رفته آب وهوای آنهاعموما بسیار بری بوده ، زمستان

سخت و باد های شدیدی دارند و بنابران حاصلات آنها نیز کم است . غله جات به مقدار کم و درختان میوه بندرت یافت میشود اما در بعض حصص ازسبب فراوانی آب شالی کاری نیز میشود تنها در غوربند میوه جات زیاد بعمل میآید و منجمله بادام آن اهمیت تجارتی زیاد دارد . در سیغان درختان میوه دار موجود است لکن بنابر تبدلات ناگهانی هوا بعضی اوقات شگوفهٔ شان بارور نگردیده بزمین میریزد . تپه های گرد و نواحی سیغان از علف های طبی وسبزه ملفوف است در گوشه های جنوبی سمت شمالی که متصل با نواحی کابل است دشت های نسبتهٔ کم آبی وجود دارد که دربعضی امکان للمی کاری موجود میباشد (مثل چمتله) اما اگر آب از دیگرنقاط آورده شود دشتهای مذکور استعداد آبادی زیادی را داراست .

سمت شمالی را رود خانه های پنجشیر، غور بند و انهاریکه از آنها کشیده شده با چشمه ها و کاریز های که از کوهستانات مختلفه خصوصا سلسلهٔ پغمان بوجود می آید ، آبیاری میکند .

سوم ـ غزنی :

غزنی که مهد تمدن یك هزار سال قبل افغانستان بوده است . از حیث آب و هوا بری و سرد و شامل کوهستانات و دامنه های فراوانی میباشد . فراوانی آب و احداث بند های جدید اراضی غزنی را حاصل خیز ساخته است ، اقسام غله جات از قسم گندم و جو وجواری ولجبوبات مختلفه از قبیل باقلی و نخود و مشنگ و سبزیجات وشلغم و غیره مانند کچالو ، بادنجان ، پالك و از میوه جات اقسام آلو و زرد آلو و بادام و توت در علاقهٔ غزنی پیدامی شود

(c) ketabton.com: The Digital Library

آلو بخارای غزنی مشهور است . بادام و زیره در تپه ها بصورت خود روی نیز زیاد است . تپه های اطراف شهر غزنی و کوهستانات دورتر آن مانند واغز و غیره برای پرورش بادام خیلی مستعد بوده ، اگر این محصول در آنجا توسعه داده شود برای تجارت صادراتی بسیار کمك میرساند. انگور در غزنی بسبب سردی هوای اخیر تا بستان بدرستی بعمل نمی آید ، از درختان بی میوه بید و کمی گز وبعضی اقسام چنار درغزنی یافت میشود باوجود این در غزنی باغات کم بوده ، و اراضی دشتی مصروف زراعت غله‌جات و فالیز کاری میباشد . از توابع غزنی سرده و قره باغ در حاصل خیزی شهرت دارد ولی مقر عبارت از دشتی است که آب نداشته ولی هموار و درصورت پیدا کردن آب خاك آن خیلی مستعد زراعت میباشد .

حصص کتواز هم دشتی و بعضی حصص آن کوهستانی ، بوده زراعت‌مهمی ندارد. درحصص‌مختلف‌علاقه‌جات‌غزنی‌چمن‌های سرسبز برای چرای مواشی‌وجود دارد که مشهور ترین آن‌چمن زار ناور است . رویهمرفته علاقهٔ غزنی طبعا استعداد پرورش اقسام غله جات وسبزیجات و میوه جات را داشته ، بند هائیکه دران جا سر دست تعمیر است ، آیندهٔ زراعتی خوبی را برای حکومت کلان غزنی پیش‌بینی میکند.

چهارم ـ لوگر :

حکومت کلان لوگر که بسمت جنوب و جنوب غرب کابل واقع و شامل سطوح مرتفع ودشت های هموار و بعضی کوهستانات است یکی از حاصلخیز ترین مناطق ولایات کابل بشمار رفته علمای

جغرافیائی آن را گدام غلهٔ شهر کابل نامیده اند . اراضی لوگر بسبب زیادی مواد اغذیهٔ زمینی وفراوانی آب برای پرورش غله جات از قبیل گندم وجواری وجو و برنج لك خیلی استعداد داشته ، باغات در خود علاقهٔ لوگر رو به ازدیاد است و درختان سیب و زرد آلو و سنجد و توت وغیره خوب پرورش میابد . آبیاری لوگر از دریای لوگراست که یکی ازبافیض ترین دریاهای افغانستان بشمار میرود . آب و هوای لوگر نسبت بکابل گرمتر بوده ، دشت های سرخاب و خروار بواسطهٔ بند سرخاب و بند خروار حاصلخیزی زیادی حاصل خواهد کرد . درختان چنار در لوگر خوب بعمل آمده برای پوشش عمارات بکابل نیز آورده می شود . تنباکوی لوگر نیز شهرت زیاد دارد. دیگر ازعلاقه جات حکومت کلان لوگر میدان و وردك است که شامل سطوع مرتفع و بعضی دره ها بوده دریای کابل وبعضی چشمه سار ها و نهر های دیگر آن را آبیاری میکند، درمیدان و وردك غله‌جات خوب بعمل می آید ولی باغات کمتر است تنها درختان بید و مخصوصا چنار بصورت جنگل زیاد بوده چنار میدان برای تعمیرات شهرت زیادی دارد . در دشت های وردك و میدان نباتات‌طبی بصورت وحشی زیاد است .

پنجم ـ سطح مرتفع مرکزی

سطح مرتفع مرکزی که در تقسیمات ملکیه بنام حکومت کلان دایزنگی یاد میشود عبارت از کوهستانات و تپه های خاکی بلند و سردسیر بوده آب و هوای آن خیلی شدید و زمستانش قریب ۸ ماه طول کشیده تنها در٤ ماه کشت و زراعت آن بعمل می‌آید. ،حاصلات

(c) ketabton.com: The Digital Library

آن خیلی کم و منحصر به گندم و جو و کل جو و باقلی و مشنگ بوده درختان آنجاعبارت از بید و چنار میباشد ، دراطراف ومرکز دایزنگی مثل دایکندی و یکاولنگ زرد آلو و توت کم کم پیدا می شود. اما دره ها و سطوح مرتفع دایزنگی در تابستان سر سبز و شاداب بوده برای پرورش مواشی خیلی مساعد است ، چنانچه مردمان کوچی مالدار ولایات شمالی ، جنوبی ، مشرقی ، قندهار که بهزارهاخانوار می شوند ، همه ساله رمه های خودها را در تابستان برای چرابه‌علاقهٔ مذکور می آورند ، خصوص‌برای فربه‌ساختن مواشی‌مالدار کوچی دوعلف‌که بوفرت در دره‌ها وتپه های خاکی‌علاقه دایزنگی پیدا می شود کمك زیاد میکند که علفهای مذکور موسوم به (کمی) و (غیغان) است که تقریباً در ظرف ۲۰ الی ۳۰ روز مواشی لاغر و ضعیف مردمان کوچکی را نهایت فربه می سازد . غیغان مذکور یك خاصیتی‌دارد که اگر برای اسپ داده شود فوری اسپ را کور می سازد ، مگر برای دیگر حیوانات بغیر ازفایده ضرر نمیکند . وازین قبیل نباتات عجیب و غریب در علاقهٔ دایزنگی زیاد است که اکثراً خواص طبی را دارامیباشد . اگرنباتات مذکور جمع آوری شود استفادهٔ خوبی ازان گرفته خواهد شد .

ششم ــ سروبی :

سروبی علاقه ایست بجانب غرب جنوبی کابل و از حیث منطقهٔ جغرافیائی در بین کابل و مشرقی بوده ، کوه های آن پراز جنگلات بلوط وخنجك وکمی سرو و صنوبر میباشد ولی باوجود این برفگیر و دردامنه های کوه های مذکور باغات انار وتوت وغیره پرورش

می یابد . زراعت سروبی قلیل و منحصر به کمی غله جات و بعض حبوبات عادی است وروبهمرفته زمین کشتی چندان وسعت ندارد . مردمان مذکور جنگلات را قطع کرده ازان ذغال درست می کنند وبکابل‌آورده میفروشند . ازهمین سبب روز بروز دامنهٔ جنگلات کوتاه شده میرود . این‌منطقه مخصوصابرای پرورش انار که اهمیت صادراتی روزافزون دارد و نیز برای نموی جنگلات بلوط که ارزش اقتصادی مهمی را داراست استعداد زیاد داشته اگر این دومحصول دران جا ترقی داده شود ، علاقهٔ سروبی یکی از علاقه جات مهم زراعتی و اقتصادی مملکت خواهد شد .

ولایت مزار شریف

ولایت مزار شریف از حیث دارائی میدانهای وسیع و اعتدال آب وهوا ـ مشروط بمساعی وتوجهات لازمه ـ میتواند که منطقهٔ بس حاصلخیز ووسیعی را تشکیل بدهد . لاکن برای قابل‌الزرع ساختن میدانهای وسیع نواحی ولایت مذکور بحفرکاریزها ونهرها ودر بعضی نقاط به تعمیر بندها احتیاج بوده برای توسعه و اصلاح امور زراعتی مناطق متعلقهٔ آن مجبوریم که بوسائل زراعت عصری دست زده آیندهٔ زراعت آنولارا سرازحالامدنظرداشته باشیم . زیرا که بحال‌موجوده اصول زراعت جدید در حصص ولایت مزار شریف مرعی نبوده و دشتهای وسیع کم نفوس تطبیق زراعت عصری و استعمال ماشینهای زراعتی رادران جا ایجاب میکند وعلاوه بران مقدار آبیکه مخصوص آبیاری آنست کفایت بخش نمیباشد .

اگرچه تجزیهٔ کیمیاوی اراضی ولایت مزار شریف تا حال بعمل

(c) ketabton.com: The Digital Library

نیامده لاکن قراریکه تجربه نشان میدهد اراضی مذکور دارای مواد عضوی بوده اگرآب لازمه برایش برسد خیلی حاصلخیز میباشد عموما زمین های مذکوررستی آهکی و یا رستی‌شنی (ریگی) است .

زراعت گندم وجو وجواری وارزن ومشنگ و باقلی نتیجهٔ خیلی خوب میدهد . درین سالهای اخیر دهاقین آنولا بغرس اشجار رجوع کرده بعضی حصه های اراضی آن که پیشتر زمین های زراعتی بوده باغهای اشجار مبدل گشته ، لاکن در وسعت باغهای مذکور نسبت به قلت آب مردم دچار مشکلات خواهند شد. تنها همان یك دریا که ازان هژده نهرمنشعب گشته اراضی موجودهٔ نواحی ولایت مزار شریف را آبیاری کرده خود شهرونواح همجوار آنرا تا دولت آباد و آقچه آبیاری میکند . لاکن باوجود آن برای زراعت اراضی‌وسیع دشتی مربوطات ولایت مذکور مجبوریم که انهارجدید حفر نموده به کندن کاریزها بپردازیم .

شهر شبرغان ازسرپل آبخوره دارد. درمناطق زراعتی ولایت مزارشریف جنگل بجز برقبه های خورد و بی اهمیت بصورت وسیع و غلو موجود نیست. از جملهٔ اشجارجنگلی چیزی که خوبتر میرود پنجه چنار و سفیدار است . از قسم اشجار میوه دار چیزی که دیده میشود ، درخت تاك و سیب وزرد آلو و شفتالو وآلوبالو وانگور وآلو است ، لاکن تعداد آن کم است . چیزیکه زیاده است درخت بادام است وحاصل‌آن از ولایت مزارشریف بخارج هم صادرمیشود در وسعت زراعت بادام باید صرف مساعی شود : زیرا که بادام یکی

از مواد تجارتی خیلی مهم و توسعه پذیر وطن عزیز ما بشمار میرود خوشبختانه درین سالهای اخیر ازحسن توجهات‌ذات شاهانه که درازدیاد جنگل ودرخت مبذول‌فرموده اند ، سال بسال عدهٔ درختان در ولایت مزار نیز کسب زیادت مینماید .

زراعت سبزیجات خیلی کم است . تنها در گرد و نواح مزار شریف‌بادنجان رومی و بادنجان سیاه و کچالو و سبزی پالك و زردك بمقدار کم‌زراعت می‌شود. مردم خارج شهر بخوردن‌سبزیجات چندان عادت ندارند و خیال میرود که عدم وسعت‌زراعت سبزیجات هم ازجنبهٔ قلت آب است . زراعت کنجد و زغر نیز بنا براینکه بعضی مردمان تیل آنرا کشیده با خوراکه میخورند معمول است .

فالیز کاری بصورت لملمی در دشتهای ولایت مزار خیلی وسعت داشته خربوزهٔ مزار در تمام افغانستان از حیث نازکی و شیرینی مشهور است. اما متاسفانه تا کنون بسبب‌نازکی خود امکان صادرات را پیدا نکرده در خود محل صرف می شود. پیشتر گفته شد که در ولایت مزارشریف ونواحی آن‌جنگلهای وسیع‌موجود نیست. جنگلهای خوردخورد ارچهٔ کوهی اینجا وآنجا بنظر میخورد. چوب آن‌بدون محروقات بچیز دیگری کارنمیدهد. قراریکه معاینه می شود ممکن که در سابق دامنهٔ این جنگل های خورد خیلی وسیع بوده بالتدریج دست مخرب اهالی باعث استیصال اشجار آن گردیده .

از اشجار کوهی چیزیکه زیاده دیده می‌شود . درخت پسته است که‌آنهم‌ازبی رعایتی‌اهالی‌بمرورایام قلت‌پذیرگردیده . ازقرینه معلوم‌میشود که در سابق دامنهٔ جنگل پسته خیلی وسیع بوده از میمنه تا بدخشان امتداد داشته است و حالا تنها در بعض حصص سنگ چارك و سرپل

(c) ketabton.com: The Digital Library

و ایبك تاغوری (قطغن)وجود دارد. درین اواخر از طرف حکومت متبوعه احتیاطات لازمه گرفته شده ازقطع نمودن جنگلهای پسته جلو گیری بعمل آمده است. یك نوع درخت جنگلی دیگر نیز بنام سکساول دیده می شود که اهالی آنرا بسوخت میرسانند.

از قسم نباتات طبی ترخ و هنگ و سرنجان پیدایش دارد.

قراریکه مدیریت زراعت ولایت مزار شریف اطلاع میدهد انواع میوه های مشهور ولایت مزار شریف قرار ذیل است:

نام میوه	انواع		
شفتالو	بهاری	تیرماهی	
بادام	عبدالواحدی	کاغذی	سنگکی
پسته			
زرد آلو	قیسی	باقی خانی	تهلو خسك
بهی	تیر ماهی		
سنجد	خرمائی	خسك	قندك
انجیر			
انار	دانه دار	بی دانه	میخوش
سیب	بهاری	رخش	شیرینك تیر ماهی
ناك	یخ ناك	امروت	ثمر قندی
آلو بالو			
توت	ابراهیم خانی	شیر توت	خسك
آلو کوك سلطانی			
« دم روباه			
« بخارا			

نام میوه	انواع		
گرد آلو			
گیلاس			
شاه توت			
الوی نك			

انگور عاقلی، قندهاری، کشمشی، حسینی، مسکه، شورتاك، کالیفی، شهابی، کله زاغ، بیدانه

اقسام غله جات مشهور نیز قرار ذیل میباشد:

نوع غله	اقسام		
گندم للمی	سفید چه	سرخ چه	
گندم آبی	«	«	گل گندم
جو	جو عمومی	کل جو	
جواری	گرمه	سرده	سفید
ارزن	گال		
زغر	آبی	للمی	
کنجد	«	«	
ماش	«		
پنبه	«		
لوبیا	«		
نسك	«		
نخود	للمی	آبی	
برنج	باریك	لك	

(c) ketabton.com: The Digital Library

نواحی مربوطهٔ ولایت مزار شریف از نقطهٔ نظر زراعت خیلی قابل توجه است .

تاشقرغان :

در حصهٔ تاشقرغان از حیث خوبی آب و هوا زراعت هر گونه درخت میوه دار ممکن است به نسبتیکه زمین آن تا یکحد ریگی است زراعت انجیر وناك وزرد آلو نتیجهٔ خوب بدهد و بحال موجوده نیز این سه نوع درخت اراضی وسیعی را فرا گرفته . درخت انار نیز نتیجهٔ خوب میدهد ، زراعت خربوزهٔ للمی و آبی نیز معمول‌است. گندم ، جو ، جواری ، نخود ، پنبه ، خربوزه ، تربوز ، کدو ، بادرنگ نیز یافت میشود .

فیروز نخجیر :

درحصهٔ فیروز نخجیر که از مربوطات حکومتی تاشقرغان‌است ، تمامی انواع میوه‌هائیکه پیشتر به تفصیل معلومات داده شد یافت میشود و باغات واراضی قابل الزرع در هرطرف جلب نظر مینماید . ازحیث اینکه اراضی علاقهٔ مذکور زا زمین بوده چشمه های متعدد دارد مقدار آب کفایت بخش بوده میتوان اراضی وسیع دیگری را نیز تحت زراعت آورد . درخت زرد آلو و سفید چه و اقسام انگور خیلی زیاد است .

هژده نهر :

در منطقهٔ هژده نهر ولایت مزار شریف از حیث فراوانی آب زراعت هرگونه سبزی وغله وغرس هر نوع درخت میوه ممکن است.

دهدادی :

اراضی حصهٔ دهدادی ریگی است ، در بین دهدادی یك نهر جریان دارد که بنام نهر شاهی موسوم است که ازحصهٔ گل درگب جدا شده اراضی وسیعی‌را تابحصهٔ گورمار آبیاری میکند. گندم ، جواری وجو و تمباکو وپیاز و کچالو ، بادنجان‌سیاه ، بادنجان‌رومی، گندنا ، خربوزه ، تربوز ، بادرنگ ، کدو در حصهٔ مذکور زراعت میشود . اناراعلی و آلوی کوك‌سلطان وتوت‌وبادام نیز پیدایش‌دارد.

شیر آباد :

زراعت حصهٔ شیر آباد وبابه یادگار وعلی چوپان و قرل آباد نیز مانند زراعت دهدادی است .

سلطان بابه علی شیر :

سلطان بابه‌علی شیر بمسافهٔ تقریباً ٦ کیلومتر (دو کروه) بجنوب مزارشریف واقع است در آنجا خربوزه واقسام غله زرع میشود. زراعت للمی نیز معمول است . آب اراضی حصهٔ مذکور از درهٔ شادیان میرسد. سبزی پالك خودرووپیاز کوهی وسمارق و قوزه قرنی نیز در نقاط مرتفعهٔ حصهٔ مذکور یافت می شود .

دشت شادیان :

دشت شادیان مدعا از دشت وسیعی است که در ان نباتات مخصوصی ازقسم پیاز های کوهی ورواش وسمارق بقسم خود رو نمو

(c) ketabton.com: The Digital Library

میکند ، اشجارچار مغزوسفیدار بمقدار زیاد است . شادیان مربوط علاقهٔ چار کشت است ، درعلاقهٔ چار کشت چیزیکه زیاده تر معمول است زراعت للمی است ، لاکن بعضی اقسام میوه از قبیل آلو و انگور وسبزیجات از قسم گندنا ، پیاز کوهی و سبزی پالك نیز موجود است ، تمام نقاط چار کشت چشمه سار میباشد .

مارمل :

بحصهٔ مارمل که بجنوب ولایت مزار شریف واقع و دارای سطح مرتفع است انگور وتوت وزردآلو درین اواخر بسیار غرس شده ، گندم وجو و اشجار کوهی ازقسم ارچه زیاد دیده میشود.

سیاه گرد :

حصهٔ سیاه گرد بشمال مزار واقع است و گندم وجو و جواری ورشقه وپیاز وخربوزه و تربوز بمقدار زیاد دران زرع میشود زمین آن ریگی است وآب جاری دارد کهازنهراصفهان جدامیشود.

بلخ :

درحصه بلخ که در ازمنهٔ قدیم شهر مشهور و معموری بوده انواع نباتات در آن زرع می شد ، بحال موجوده گندم وجو وجواری ومرچ وپیاز وبادنجان وکدو وگندنا بمقدار کافی زرع میشود ، بادرنگ آن که به بادرنگ سواره مشهور است در ولایت مزار شریف شهرت تامی را دارا است . از انواع میوه ، توت زردآلو ، آلوی کوك سلطانی وبهی بسیار است .

ثمرقندیان :

درناحیهٔ ثمرقندیان که از مربوطات بلخ است ، آلوبالو،زردآلو قیسی ، ناك ، انگور، بهی فراوان است . گندم ، جو ، جواری پیاز ، گندنا ، کدو وخربوزه وتربوز نیز زیاد میباشد .

بلخ ونواحی آن ذریعهٔ نهر بلخ که از پل امام بکری جدا میشود ، آبیاری میگردد .

دولت آباد :

درحصهٔ دولت آباد گندم ، جو ، جواری ، نخود ، پیاز ، کدو بادرنگ ، خربوزه تربوز زرع میشود. اراضی آن ازنهر دولت آبادمشرب میشود،توتوانگور وزردآلو نیز یافت می شود ، لاکن بالعموم اشجار میوه دار دراین ناحیه کم است.

ایبك :

علاقهٔ ایبك برای غرس هرگونه درخت مساعد است ، و بهنسبت فراوانی آب آن میتوان درآنحصه بزراعت سبزیجاتمشاغلت ورزید زراعت گندم للمی وخربوزه زیاد است درحصص کوهی ایبك و حصهٔ رباطك ولرمیمون وگنده چه جنگلهای پسته موجود است که حفاظت وتوسعهٔ آن از مهمات امور زراعتی است ، درخت ارچه نهز در بین جنگلهای همذکور دیده می شود . خوشبختانه آبادی ایبك طرف توجه مخصوص ع ، ج محمد گل خان رئیس تنظیمهٔ ولایت شمالی واقع شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

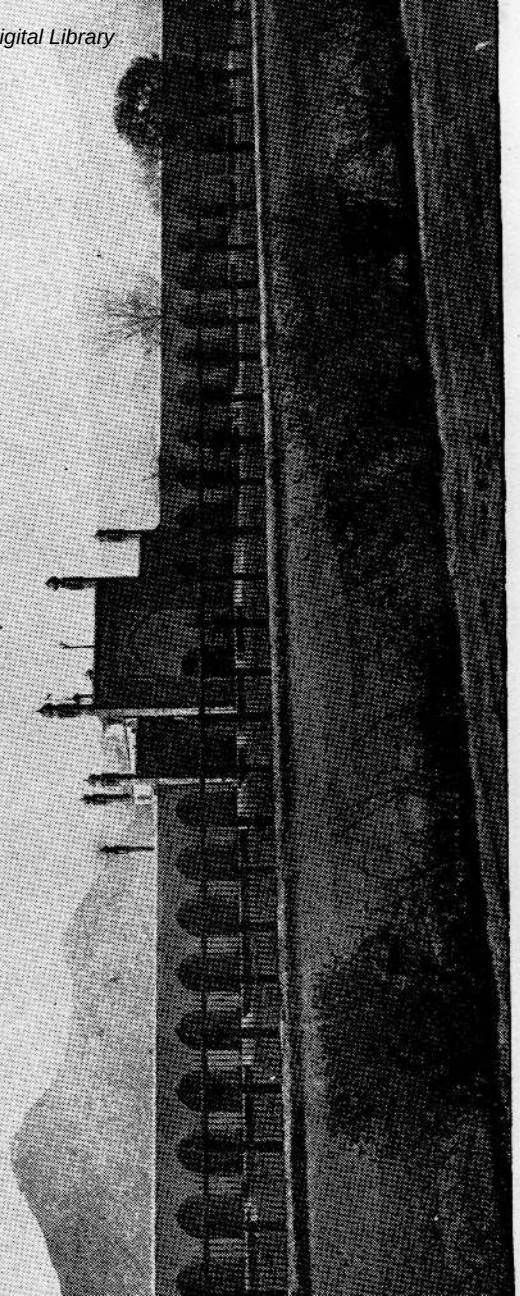

ازابنیهٔ معروف کابل : مسجد عیدگاه که در عصر اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان ساخته شده
La grande mosquée de Kaboul (19è. s.)

چیزیکه مهم است همانا آبیاری زمین های خاره ولا مزروع نواح ولایت مزار شریف است در موضعیکه مشهور بآب مکی است و درین خرم وروئی واقع است. تعمیر بند ممکن میباشد ، ومیتوان توسط آب بند ، حصص لا مزروع ایبك را سیراب نموده زمین های خاره ولا مزروع تاشقرغان را تحت زراعت آورد . قراریکه معلوم است درسالهای سابق از دریای قندوز یك نهر بطرف مزار شریف جاری بوده که دشت‌های حصه‌های سیاه گردرا آبیاری می‌نمود ـ از علائم خرابهای علاقهٔ سیاه‌گرد معلوم می‌شود که سابق علاقهٔ سیاه گرد دارای تعمیرات زیاد ومحل سکونت نفری زیادی بوده است ، لا کن دراثر تبدلات مجهولی مردم علاقهٔ مذکور پرا گنده ونهریکه آبیاری اراضی شانرا می‌نمود از گل وریگ مسدود گردیده چون نهر مذکور پیشتر ازچهار صد سال آباد وآب دران جاری بوده حالا نیز ممکن است که نهر مذکور را دوباره صاف نموده اهالی ازآب آن مستفید گردد. چنانچه برای این مقصود اعزام متخصصین فنی زیرنظر است.

یکی دیگر ازمشغولیات خیلی مهم اهالی ولایت مزار تربیهٔ‌مواشی اهلی خصوصا گوسفند قره قلی است که‌محصول آن بهترین‌ومهمترین‌اقلام تجارت صادراتی افغانستانرا تشکیل‌میدهد وقسمتی‌ازاین مواشی‌دردشت های ولایت‌مزار پرورش‌شده باقی دردیگرحصص بچرا گذاشته میشوند.

حکومت اعلای میمنه

حکومت اعلای میمنه اکثراً دشتی وقسمتا دارای دره های شاداب است پس ازنقطهٔ نظرآب‌وهوانیزاراضی‌مذکور مختلف میباشد. ولی عموماً زراعت غله جات وبسیاری اشجار دران ممکن است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

از آثار تاریخی وطن : مینار چکری (نزدیك کابل) کهدر دورهٔ بودائی ساخته شده
I a célèbre colonne bouddhique, nommée Minari-Tchakari à Kaboul

یك نمونه از چوب کاری قدیم کابل که دریکی از منازل شخصی عکس گرفته شده
Spécimen de l'ancienne menuiserie de Kaboul

(c) ketabton.com: The Digital Library

شهر میمنه واطراف آن :

میمنه دارای آب وهوای خوبی است وزمین آن برای زرع اکثر نباتاتیکه بحصهٔ قطغن میروید مستعد بوده ، اگراهالی آن که بزراعت اشجار و سبزیجات چندان شوق ندارند به توسعهٔ دائرهٔ زراعت آنولا بپردازند نتیجهٔ خوبی بدست شان خواهد آمد .

چیزیکه مهم است این است که اهالی میمنه نسبت بدیگر حصص زراعتی افغانستان بزراعت کمتر توجه دارند وعلت آنهم تمایل آنها بسوی مالداری و تربیهٔ حیوانات است ، بنا بران اکثریت مردم درد شت های علف دار به تربیهٔ گوسفند قره‌قلی وغیره مواشی میپردازند .

ازجملهٔ غله جات زراعت گندم ، جو ، جواری وارزن مروج است . علاوه برغله جات، نخود وباقلی وعدس ومشنگ نیزمعمول میباشد. ازانواع سبزیجات بادنجان رومی وبادنجان سیاه وپیاز و گندنا زرع میشود . فالیز کاری خربوزه ، تربوز وبادرنگ نیزدیده میشود .

اشجار مثمر خواه ازباعث اینکه اهالی بزراعت آن شوق ندارند خواه اینکه از ابتدا زراعت آن مروج نبوده است چندان بنظر نمی خورد . باوجود آن آلوی کوک سلطانی وسیب و ناك و غیره اینجا وآنجا دیده میشود . زیاده ترچیزیکه دیده می شود درخت های غیر مثمرازقبیل چنارو بید وسفیداراست . زراعت تاك اگرچه تقریبا غیر معمول است اگر تقویه داده شود نتیجهٔ خوبی خواهد داد زیرا که درحدود میمنه تپه های آهکی وریگی که برای زراعت تاك مستعداست بهرطرف دیده میشود .

بطور خلص شهرمیمنه ونواحی آن برای زراعت اشجاروسبزیجات خیلی مستعد وچیزیکه لازم است تشویق اهالی است بزراعت .

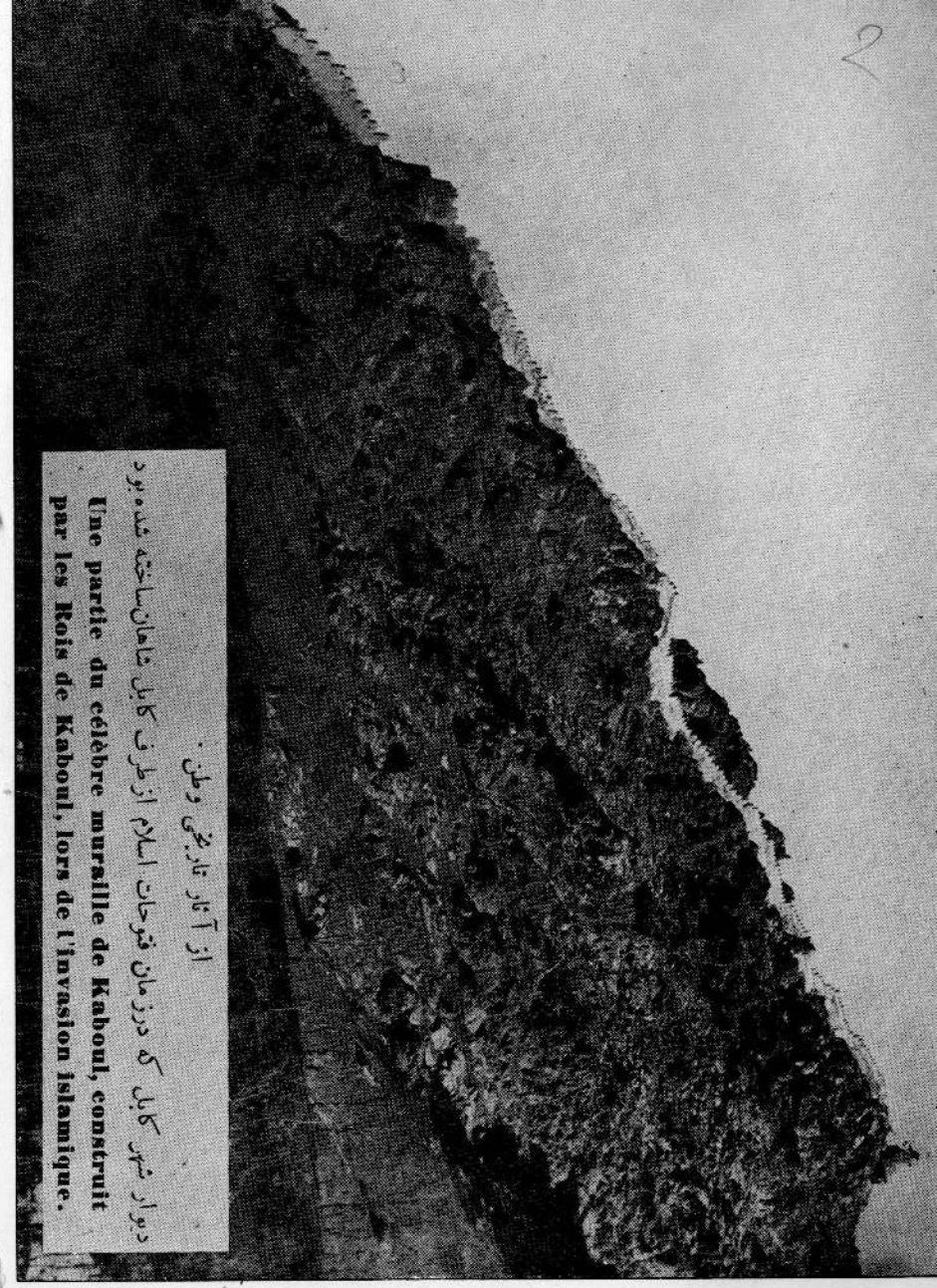

از آثار تاریخی وطن .
دیوار شهر کابل که درزمان فتوحات اسلام ازطرف کابل شاهان ساخته شده بود
Une partie du célèbre muraille de Kaboul, construit par les Rois de Kaboul, lors de l'invasion islamique.

(c) ketabton.com: The Digital Library

اندخوی :

دراندخوی آب نسبةً کم است وازمیمنه میآید ، اندخوی کم آب ترین حصص حکومت اعلای میمنه بشمار میرود و دران بدون زراعت گندم وجوار چیزدیگر دیده نمیشود ، جنگل وباغ نیزخیلی کم است . هوای آن نیز گرمتر بوده درتابستان درجهٔ حرارت به (٤٤) درجهٔ سانتیگراد میرسد .

درزاب و گرزیوان :

علاقهٔ شیرین تگاب و بلچراغ که مرکز گرزیوان است به نسبت اعتدال آب وهوا وفراوانی آبشارها مستعد هرگونه زراعت بوده اگر زراعت سبزیجات واشجار مثمر درین نقاط ترقی داده شود نتیجهٔ خوبی بدست خواهد آمد ، ناحیهٔ قیصار نیز دارای آب فراوان وآب وهوای مناسب بوده برای زراعت سبزیجات ودرختان میوه‌دار مستعد است .

درحصهٔ میمنه وشیرین تگاب و بلچراغ وقیصار درخت عرعر به تعداد زیاد دیده می‌شود وعرعرهای مذکورخیلی بلند میرود . درخت پشه خانه وچارمغزواز اقسام میوه چنانچه پیشتر مذکورشد ناك و سیب وشفتالو وانگور یافت میشود لاکن مقدار شفتالو و انگور کم است . سبزیجات مشهور ازقبیل کچالو وشلغم وپیاز وگندنا و بادنجان نیز یافت میشود. لیکن اهالی بزراعت چندان شوق ندارند، حکومت اعلای میمنه به ترویج سبزیجات خارجی ازقبیل کرم گلدار ولوبیا وبامیه ساعی بوده تایکحد ازین اقسام سبزیجات نیز درمیمنه یافت میشود . ونیز درغرس اشجار درین سالهای اخیرتوجه زیادی بعمل آمده است . زراعت میمنه ازبعضی نهرها وقسمةً کاریزی استو بنابران زمین بحساب کاریز خریدوفروش میشود .

نهضت اقتصادی درافغانستان

بقلم سید قاسم « رشتیا »
مدیر شعبهٔ نشریات انجمن و «مهتمم سالنامه»

در سالنامهٔ ١٣١٥ مقالهٔ تحت عنوان (پیشرفت های اقتصادی افغانستان) درج ودران ترقیات اموراقتصادی وطن عزیزرا که دردورهٔ بعد ازانقلاب ١٣٠٧-١٣٠٨ درعصر فرخندهٔ نادرشاهی و ظاهرشاهی ازقوه بفعل آمده خلاصه کرده بودیم و ضمنا درمقدمه و در پایان مقالهٔ مذکور نظر به مظاهر اطمینان بخشی که نسبت به پیشرفت های آیندهٔ اقتصادیات مملکت موجود بود، چنین اظهار امیدواری نموده بودیم که (ازین تاریخ به بعد افغانستان عزیز داخل یك دورهٔ نهضت اقتصادی جدیدی شده و بنابران امید میرود که در آتیهٔ قریبی تغیرات و پیشرفت های مسعودی دراموراقتصادی وطن عزیز بوجود خواهد آمد)

این است که امروز بانهایت مسرت وسرفرازی عملی شدن آرزوها وامیدهای مذکوررا بصورت یك نهضت بسی فرخندهٔ اقتصادیات کشورخود بچشم سرمشاهده کرده می بینیم که مطابق نیات ترقیخواهانهٔ پادشاه جوان و منورما ومساعی وطن‌خواهانهٔ اولیای اموردولت متبوعه وحسن استقبال سائر طبقات ملت، یك دورهٔ جدیدی درعالم اقتصادیات افغانستان آغاز گردیده است .

بنابران اینك در ضمن یك سیر مختصر میخواهیم نهضت اقتصادی جدید وطن عزیزرا که از یکسال باینطرف آغاز گردیده است، باقدمهای مهمی که در راه پیشرفت اقتصادیات مملکت درین سال (١٣١٦) برداشته شده باطلاع خوانندگان سالنامه و عموم علاقه مندان ترقی و تعالی افغانستان برسانیم و من الله التوفیق . « رشتیا »

(c) ketabton.com: The Digital Library -

کارانداختن چشمه های نفت ومعادن جنوب :

برهیچکس پوشیده نیست که افغانستان یك مملکت کوهستانی بوده وبنابران درداشتن معادن ذیقیمت امتیازخاصی را دارامیباشد. چنانچه در ظرف ۱۰،۱۵ سال گذشته که برای کشف معادن و ذخائر تحت الارضی تحقیقات فنی بعمل آمده متجاوزاز (۳۰۰) معادن مفیدهٔ مختلفه مکشوف گردیده است . طبیعی است که افغانستان برای پیشرفت های مدنی‌خود که اکنون سردست دارد، مجبور به‌استفاده واستخراج معدنیات خود بوده ولی چون بوضعیت موجوده از استخراج و بکار انداختن صحیح و اساسی معادن و ذخائر تحت الارضی عاجز است ، پس یکی ازمهم‌ترین اقداماتی که میتوان برای پیشبرد اقتصادیات وطن وروی همرفته جهت‌ترقی‌عمومی‌شئون مملکتی‌انجام داد همانا کارانداختن معدنیات است بواسطهٔ سرمایه و متخصصین‌خارجی، چنانچه این موضوع ازبدوتاسیس‌حکومت موجوده مورد نظراولیای‌امور واقع وچون دارای جنبه های دقیقی بود در اطراف آن باموشگافی و احتیاط زیادی مطالعات بعمل آمده تا آنکه بالاخره درسال گذشته قرارداد بزرگی برای کار انداختن چشمه های نفت بایکی ازشرکتهای مهم امریکا موسوم به اینلیند اکسپلوریشن کمپنی عقد و قرار دادهای مذکور بعد ازتدقیقات لازمه ازطرف شورای ملی‌افغانستان تصویب و بامضای ذات ملوکانه موشح گردیده است .

چون این قرارداد برای انبساط اقتصادیات وطن عزیزما بمنزلهٔ یك عامل خوبی بشمار رفته و در عین حال باسنجشات زیادی مطابق منافع و مصالح اقتصادی وسیاسی مملکت عقدگردیده و در ذات خود

یك‌نهضت بی‌سابقهٔ گفته میشود ، لهذا اولترازهمه بذکرصورت قرارداد مذکور می پردازیم :

قرار داد نفت مابین حکومت پادشاهی افغانستان

وانلاند اکسپلوریشن کمپنی امریکا

مقدمه :

بقصد تحصیل اطلاعات کافی راجع با مکان وجود مواد نفتی در مملکت شاهی افغانستان و اتخاذ طرق منظم و صحیح برای بدست آوردن مواد مزبورکه ممکن است بمقادیر تجارتی وجود داشته باشد دولت شاهی افغانستان و انلاند اکسپلوریشن کمپنی موافقت مینمایند که برای تأمین منافع فیمابین با صول عادلانه در اموریکه مشمول این قرار داد است اشتراك نمایند .

تعریف :

تعریفات ذیل باصطلاحات‌آتی اطلاق‌خواهد شدمگر آنکه خلاف آن بطور واضح درضمن قرارداد تصریح شده‌باشد ، لفظ « دولت » یعنی دولت‌شاهی افغانستان ، لفظ « کمپنی » یعنی انلیند اکسپلوریشن کمپنی که مرکز اصلی آن در ایالت « دلادیر » از ایالات دول متحدهٔ امریکا میباشد ، لفظ « امتیاز » یعنی‌قرار داد فعلی و حقوقیکه بوسیلهٔ آن اعطاء میشود ، لفظ « حوزهٔ امتیاز » یعنی اراضی واقعه در افغانستان که مشمول‌امتیاز فعلی خواهد بود . لفظ « نفت » شامل کلیه نفت خام گازهای طبیعی وقیرها (اسفالت) مومهای طبیعی ومواد

(c) ketabton.com: The Digital Library

مشتقه‌ازان و همچنین کلیهٔ مواد حاصله ازاختلاط وامتزاج این مواد بامواد دیگر خواهدبود، لفظ «تاریخ تصویب» یعنی تاریخیکه این امتیاز به‌تصویب مجمع ملی‌رسیده وفرمان آن از طرف اعلیحضرت پادشاه افغانستان موشح شده باشد، لفظ «اراضی منتخبه» یعنی اراضی انتخاب شده‌طبق مادهٔ (۳)، لفظ «لیره» یعنی واحد پولی انگلیس، یك «شلنگ» مساوی است بایك بیستم یك لیره و یك «پنی» مساوی است بایك دوازدهم یك شلنگ، لفظ «تن» یعنی تن متریك که‌عبارت ازهزار کیلوگرام و معادل با (۲۲۰۴-۶۲) دو هزارو دوصدو چهار صحیح وشصت ودوصدم Avoir du pois است، لفظ «سالها» یا «سال» و «ماه» یعنی زمانیکه با تقویم مسیحی گریگوریان تطبیق مینماید.

(مادهٔ اول): دولت درمدت مذکورهٔ وطبق شرائط مندرجه دراین قرارداد حق مانع للغیر تفحص اکتشافات وحفاری واستخراج وحمل ونقل‌نفت وسائرعملیات مختلف مربوط آن را درحوزهٔ امتیازیه به کمپنی اعطاء مینماید وهمچنین حق غیرانحصاری انبار کردن، حمل‌وتصفیه کردن وعمل آوردن وصادر کردن نفت وسائرعملیات مختلفهٔ مربوط آن را در طرق حمل ونقل واقعه بین حوزهٔ امتیاز و سرحدات افغانستان به کمپنی تفویض مینماید منظور از حق تفحص حق مساحی کردن جغرافیائی و طبقات الارضی و اکتشافات و اجراء عملیات سطح الارضی و حفر چاها خواهد بود.

(مادهٔ ۲): درمدتی که ازهشت ماه ازتاریخ تصویب تجاوزننماید کمپنی اقلاً از یکی ازدول مجاورافغانستان حق ساختمان لوالهٔ نفت و یا لوله های نفت ازافغانستان به اوقیانوس‌را تحصیل خواهد نمود، و در

صورتیکه این حق درمدت مزبورتحصیل نشود دولت شاهی افغانستان حق خواهد داشت که این قرار داد را لغو نماید.

(مادهٔ ۳):

(الف): در مدتیکه از یکسال ازتاریخ تحصیل حق حمل ونقل نفت ازطریق یك یاچند مملکت که خارج ازین قرارداد میباشند، تجاوز ننماید، کمپنی مطالعات طبقات الارضی وجغرافیائی وسطح الارضی را شروع خواهد کرد و عملیات مزبور بلا انقطاع برای مدت شش ماه ادامه خواهد داشت، قبل ازانقضای یکسال ازتاریخ شروع مطالعات مزبورکمپنی ایالاتی را که متجاوز از پنج ایالت نخواهد بود انتخاب خواهد کرد و در اراضی مزبور که باین ترتیب انتخاب شده مجاز خواهد بود عمل تفحصات واستخراج نفت را ادامه دهد، پس از انتخاب مزبور کمپنی کتباً بوزارت تجارت قطعاتی را که از ایالات مذکور انتخاب نموده به ضمیمهٔ نقشهٔ که درآن اراضی منتخبه رنگ آمیزی شده اطلاع خواهد داد.

(ب): در صورتیکه مقررات این‌ماده ازطرف کمپنی اجرا نشود دولت میتواند الغای این‌قرارداد را به کمپنی اخطارنماید و درصورتیکه در ظرف مدت یکسال پس از وصول اخطار به کمپنی ثابت ننماید که مقررات این ماده اجرا شده این قرارداد لغو و باطل خواهد شد.

(ج): برای حسن پیشرفت عملیات اکتشاف واستخراجی دولت اختیار کامل به نماینده گان کمپنی ومستخدمین آنها خواهد داد که بتوانند بدون ممنوعیت ویا تشریفات دیگر درهر قسمت ازحوزهٔ امتیاز مسافرت نمایند. درمورد مناطق نظامی اجازهٔ مخصوص دولت باید قبلا

(c) ketabton.com: The Digital Library

تحصیل شود . نمایندگان و مستخدمین کمپنی حق خواهند داشت که همیشه اوقات برطبق مقررات جاریه ویزه، ازهریك سرحدات مجازوارد افغانستان یاخارج شوند وحق مسافرت درسائر نقاط افغانستان را غیر ازآنچه درحوزهٔ امتیازاست برای انجام وظائف خود نیز خواهندداشت .

(مادهٔ ٤) :

(الف) : درظرف مدت یکسال بعداز اعلام انتخاب اراضی مذکوره در جزو الف مادهٔ ۳ ، کمپنی شروع به حفر اقلا یك حلقه چاه خواهد نمود . حفر چاه مزبور با سرعت لازمه و بدون تاخیر غیر مناسب پیش خواهد رفت تا آنکه اقلا به عمق سه هزار پا (۳۰۰۰) برسد ، مگر آنکه نفت بمقادیر تجارتی در عمق کمتری یافت شود (درین مورد قضاوت آن منحصراً با کمپنی است) و یا آنکه قبل از رسیدن به آن عمق بعقیدهٔ کمپنی بواسطهٔ عدم وجود نفت در آن نقطهٔ مخصوص بمقادیر تجارتی حفر زیاد تر لزوم نداشته باشد .

(ب) : درصورت کشف نفت بمقادیر تجارتی « که قضاوت آن منحصراً با کمپنی است » کمپنی حفر چاها را در نقاطیکه متخصصین معرفت الارضی او توصیه میکنند ادامه خواهد داد باین نظر که ثابت شود ذخیرهٔ کافی نفت که استخراج آن را تجویز نماید وجود دارد

(ج) : شش ماه پس ازشروع عملیات حفاری کمپنی راپورت از عملیات مزبور که شامل عمق چاها ومقادیر نفت کشف شده ـ در صورتیکه کشف شده باشد وسائر اطلاعات مربوطه باشد بوزارت تجارت تقدیم خواهد نمود .

(د) کمپنی تعهد مینماید که در صورت کشف نفت بمقادیر تجارتی

و ذخیرهٔ کافی که استخراج آن را تجویز نماید « که قضاوت آن منحصراً با کمپنی است » استخراج آن محل را با سرعت لازمه و با حسن نیت وکوشش وافی تا آخر ادامه داده بطوریکه نواحی مزبور بطرز صحیح و بدون هیچگونه تاخیر غیر مناسب استخراج شود علاوه بر وجوه لازم التادیه طبق جزو (د) مادهٔ شش کمپنی تعهد مینماید که جدیت خواهد کرد که میزان محصول راسالیانه اقلاً به شش ملیون (٦،٠٠٠،٠٠٠) تن برساند مشروط باینکه با در نظر گرفتن عوامل طبقات الارضی منابع نفت محوطهٔ تعین شده استخراج این میزان محصول را سالیانه اجازه دهد.

(ه) در صورتیکه پس از پانزده سال از تاریخ تصویب دریك یا چند ایالت (در محوطهٔ پنج ایالت که طبق جزء الف از مادهٔ ۳ حوزهٔ امتیازرا تشکیل میدهد) محصول نفت کشف شده بمقداری برسد که قابل صدور نباشد یکی از ایالات مزبور را کمپنی بدولت مسترد خواهد نمود ، بیست سال پس ازتاریخ تصویب چانچه در بعضی ایالات « یعنی چهار ایالتیکه بعداً حوزهٔ امتیاز را تشکیل خواهد داد ، محصول نفت کشف شده بمقداری نرسد که قابل صدور باشد یکی از ایالات مزبور بدولت تسلیم خواهد شد بیست و پنج سال پس ازتاریخ تصویب درصورتیکه در بعضی ایالات « یعنی سه ایالتیکه بعد حوزه امتیاز را تشکیل میدهد » محصول نفت کشف شده بمقدار قابل صدور نرسد اقلا یکی ازان ایالت بدولت مسترد خواهد شد ، در ظرف پنج سال بعد در صورتیکه نفت کشف شده در یکی از دو ایالت باقی مانده بمقدار قابل صدور نرسد یکی از آن ایالات بدولت مسترد خواهد شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(ماده ٥) : عملیات کمپنی در افغانستان بطریق ذیل محدود میشود (۱) ساختمان هر خط آهن موکول بحصول موافقت قبلی بین دولت و کمپنی خواهد بود (۲) اگر کمپنی بخواهد ارتباط تیلفونی و تلگرافی و تلگراف بیسیم و هوا پیمائی در افغانستان دائر نماید قبلاً رضایت دولت را درینخصوص تحصیل نماید (۳) اگر دولت برای دفاع ملی یا درموقع پیش آمد های فوق‌العادهٔ دیگری احتیاج بوسائط نقلیه و وسائل ارتباطیهٔ کمپنی پیدا کند وعده مینماید حتی‌الامکان کمتر موجب تضیق عملیات کمپنی بشود و نیز اجرت استفاده ازوسائل مزبور را بطور معقول جبران نماید .

(ماده ٦) :

(الف) : درمقابل امتیازات اعطا شده بوسیلهٔ این قرار داد کمپنی « علاوه برمبالغ پیش بینی شده‌درسائر مواد قرار داد » حق‌الامتیاز دیگری بمبلغ چهار شلنگ برای هرتن نفتی که برای مصرف داخلی در افغانستان بفروش میرسد و یا از افغانستان صادر میشود خواهد پرداخت (ب) برای جلو گیری از امکان توجه ضرر بدولت در موقع تنزل قیمت‌پول انگلیس طرفین بشرح ذیل موافقت‌حاصل نمودند :

(۱) هرگاه موقع قیمت‌طلا درلندن ازشش‌لیره استرلنگ (٦ لیره) در مقابل یك اونس تروی (Troy ounce) تجاوز نماید برای هرپنی (Penny) که علاوه بر شش لیره استرلنگ در مقابل یك اونس تروی (Troy ounce) در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التادیه بدولت از طرف کمپانی به موجب این قرار (باستثنای مبالغیکه بموجب جزو « ج » این ماده باید به دولت برسد) بمیزان یك بر یکهزار و چهار صد و چلهم ۱۴۴۰ - ۱

مبالغ مزبوره فزوده خواهد شد (۲) هرگاه در موقع دولت تصور کرد باینکه دیگر طلا مبنای عمومی قیمت ها و معاملات نیست وطریق تادیه های مذکور در فوق تضمینی را که منظور طرفین است برای دولت‌فراهم نمینماید طرفین موافقت مینمایند که وضعیت‌تضمین مزبور را تغیر دهند . درصورت عدم حصول موافقت قضیه مطابق مادهٔ (۲۰) بحکمیت ارجاع خواهد شد ، که نسبت به تغیر یاعدم تغیرتضمین مذکوره جزو (۱) این ماده رأی دهند ، و در صورت تغیر شرایطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهند نمود (ج) علاوه بر کلیه وجوه لازم التادیهٔ مذکوره در این امتیاز ، کمپانی تعهد مینماید سالیانه مبلغی معادل صدی بیست (۰/۰۲۰۱) ازمنافع پرداختی به‌صاحبان سهام‌عمومی انلیند اکسپلوریشن کمپنی پس از وضع صدی پنج که بابت سرمایهٔ تادیه شده کسر میشود بدولت افغانستان بپردازد. طرفین موافقت مینمایند که طرز محاسب کمپانی نفت انگلیس و ایران (لمیتد) را درین مورد تعقیب نمایند و نیز مقررات ذیل مرعی خواهد شد (۱) هر موقعی دولت تصور کرد که محصول نفت افغانستان به قیمت مناسب در خارج فروش‌نمیرود دولت حق خواهد داشت صدی بیست از مقدار محصول را از همان قیمت و بهمان شرایط که کمپانی به مشتریان دیگر خود میفروشد از کمپانی خریداری نماید و بهر نحویکه صلاح میداند خود بفروش برساند (۲) در موقع انقضاء این امتیاز و هم چنین در صورت ترك آن از طرف کمپانی مطابق مادهٔ (۱۸) کمپانی معادل بیست فیصد (۰/۰۲۰) از تفاضل بین مبالغ کل ذخائریکه انلیند اکسپلوریشن کمپانی در تاریخ انقضاء این امتیاز و یا ترك

(c) ketabton.com: The Digital Library

آن موجود خواهد داشت و مبالغ ذخائریکه کمپانی در تاریخ تصویب این امتیاز موجود دارد بدولت تادیه خواهد نمود ، پرداخت وجوه لازم التادیه بدولت برحسب این جزء یك ماه پس از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که بعد از انقضاء یا ترك امتیاز تشکیل میشود انجام خواهد گرفت. (۳) طرفین موافقت مینمایند که در موقع لزوم کمپانی میتواند سهام مرجعه باشرایط لازمه صادر و یا آنها را استردادنماید ولی این عمل نباید باعث ضرر و زیان منافع و حقوقیکه جهت دولت طبق شرائط این قرارداد پیش بینی شده بشود ، و کمپانی باید قبلاً با نمایندهٔ دولت راجع بشرائط صدور سهام مزبور مذاکره نموده و تصویب کتبی او را تحصیل نماید. (د) : صرف نظر از چگونگی عملیات استخراج نفت ، مجموع مبلغی که طبق این ماده سالیانه باید از طرف کمپانی به دولت در پنج سال که بدو آن از ربع آخر سال پنجم ازتاریخ تصویب این امتیاز شروع میشود پرداخت‌شود هرگز نباید از دو ویست وپنجاه هزار لیره (۲۵۰،۰۰۰) کمتر باشد واز بدو ربع آخرسال دهم (۱۰) سالیانه از تاریخ تصویب امتیاز مجموع وجوه لازم التأدیه هرگز نباید از چهار صدو پنجاه هزار لیره (۴۵۰،۰۰۰) کمتر باشد. (ه) : علیهذا هرگاه دریکسال وجوه لازم التأدیه به دولت طبق جزء (الف) و (ب) و (ج) این ماده دران سال از حد اقلی باشد که طبق جزء (د) تعین شده کمپانی مجازخواهد بود ما به التفاوت ضرر را در اولین سال یاسالهای بعد درموقع تعین‌منافع خالص‌موضوع نماید. (و): وجوهیکه طبق جزء(د) این‌ماده لازم التأدیه است به اقساط متساوی سه ماهه هرسال پرداخته خواهد شد ، و بدو آن از ربع آخر سال پنجم از تاریخ تصویب

میباشد ، برای حداقل وجوه لازم التأدیهٔ پنج سال اول بطوریکه در جزء (د) این ماده قید شده این مبلغ در هر ربع سال شصت و دو هزار و پانصد لیره (۶۲،۵۰۰) خواهد بود ، و بعد ازآن به یکصدو دوازده هزار و پنجصد لیره (۱۱۲،۵۰۰) در هر ربع سال بالغ خواهد شد ، هرمبلغ که طبق بند (الف) و (ب) و (ج) طلب دولت باقی میماند در ظرف شش ماه بعد از انتهای سالیکه این مبالغ دران سال طلب دولت باقی مانده تأدیه خواهد شد . (ز) هرگاه وجوه لازم التأدیه به دولت طبق جزء (ه) از طرف کمپانی در مواعد مقرره تأدیه نشود کمپانی فرع وجوه مزبور را از اقرار صدی پنج درسال برای مدتیکه تأدیهٔ آن به عقب افتاده خواهد پرداخت ، علیهذا پرداخت . هیچیك ازوجوه لازم‌التأدیه بیش ازشش‌ماه نباید به‌تعویق افتد . (ح) دولت حق تفتیش ورسیدگی به دفاتر واسناد ونیز حق رسیدگی به‌محاسبات کمپانی را دارد .

(مادهٔ ۷) :

(الف) : کمپانی برای‌مدت سی‌سال‌اول‌عملیات‌خود درافغانستان ، از پرداخت هرگونه مالیاتیکه به‌دولت و ادارات محلی فعلابرقرار ویا درآتیه‌وضع میشودمعاف خواهدبود ، ودرعوض مبالغ ذیل‌را به‌دولت تأدیه خواهدنمود: (۱) درمدت‌پانزده‌سال اول این‌قرارداد بتاریخ ۲۸ فوریه هرسال وبرای اولین مرتبه‌دراولین سال بعدازتحصیل نفت درافغانستان بمقادیر تجارتی نه پنس بابت هرتن ازشش ملیون تن (۶،۰۰۰،۰۰۰) نفتیکه بابت سنهٔ گذشتهٔ مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (الف) ازمادهٔ شش (۶) میگردد و شش پنس (۶) بابت هرتن نفت

(c) ketabton.com: The Digital Library

اضافه بررقم شش ملیون تن مذکور درفوق تأدیه خواهد نمود.

(۲) درمدت پانزده سال بعدیك شلنگ بابت هرتن‌ازشش ملیون‌تن (۶،۰۰۰،۰۰۰) نفتی که بابت سنهٔ گذشتهٔ مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (الف) از مادهٔ شش (۶) میگردد و نه پنس بابت هرتن نفت اضافه بررقم شش ملیون‌تن مذکور درفوق‌تأدیه خواهدشد.

(ب): قبل از انقضای مدت سی سال، بعد از تاریخ تصویب راجع بمیزان مبالغیکه کمپانی دارای معافیت کامل عملیات خود در افغانستان از پرداخت هرگونه مالیاتی بنفع دولت و یا ادارات محلی در بقیهٔ مدت این امتیاز میشود، باید بپردازد، طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود.

مادهٔ (۸):

(الف): هرزمین بائر متعلق به دولت را که کمپانی برای عملیات خود در افغانستان لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً به کمپانی واگذار خواهدشد، طریقهٔ تحصیل اراضی مذکور به ترتیب ذیل خواهد بود: هروقت قطعه ازاراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع میشود باید کمپانی یك یا چندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده باشد بوزارت تجارت در کابل ارسال دارد، دولت در صورتیکه اعتراض نداشته باشد وعده میدهد که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد. (ب) اراضی دائر متعلق به‌دولت‌را که کمپانی احتیاج پیدا میکند بطریقیکه درجزء قبل مذکور است ازدولت تقاضا خواهد کرد ودولت در ظرف

سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دائر بفروش آن اراضی خواهدداشت، درصورتیکه‌دولت اعتراض‌واحتیاجی‌باراضی‌مزبوره نداشته باشد قیمت این اراضی‌را کمپانی‌تادیه خواهد کرد، قیمت مزبور بایدعادلانه باشد، وازقیمت متعارفی اراضی که‌ازهمان‌نوع بوده وهمان مصرف را داشته ودرهمان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید.

(ج): در صورتیکه دولت در مقابل تقاضاهای پیش بینی شده در جزء های (الف) و (ب) مذکور در فوق جوابی بدهد پس از انقضاء دوماه از تاریخ وصول تقاضاهای مزبور کمپانی تذکرنامهٔ جدیدی بدولت خواهد فرستاد. چنانچه به‌تذکرنامهٔ مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت بمنزلهٔ تصویب تلقی میگردد. (د): اراضی‌را که متعلق بدولت نیست و برای کمپانی لازم باشد با توافق باصاحبان اراضی مزبور با توسط دولت کمپانی تحصیل خواهد کرد، درصورت عدم حصول موافقت در قیمت دولت بصاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهدداد که بیش ازنرخ متعارفی اراضی متشابه مجاورمطالبه نمایند. برای تقویم اراضی مذکور منظوریکه کمپانی ازمصرف آنها دارد، ماخذ قرار داده نمی‌شود.

(ه): اماکن مقدسه ومحل های که جنبهٔ تاریخی دارند از مقررات مذکوره مستثنی هستند. (و): کمپانی حق غیر انحصاری خواهد داشت که فقط درحوزهٔ امتیازی نه جای دیگر از هر زمین بائر متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود هرنوع خاك وشن وآهك و سنگ گچ و سنگ و مصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید. مسلم است اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثالثی بشود باید کمپانی جبران خسارات ذوی الحقوق را بنماید.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(مادهٔ ۹) : کمپانی برای احتیاجات داخلی افغانستان واز آنجمله احتیاجات دولت بنزین و نفط لامپ و مازوت که از نفت افغانستان حاصل می‌شود براساس ذیل خواهد فروخت . (۱) دراول ماه ژوئن هر سالی کمپانی معدل قیمتهای (خوب) رومانی را راجع به بنزین ونفت لامپ ومازوت ومعدل قیمتهای (خوب) خلیج مکزیك‌را راجع بهریك ازمواد مذکوره نسبت بمدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ سی (۳۰) آوریل معین خواهد کرد ، نازل‌ترین معدلهای مذکور اختیار و اساس قیمت ها برای‌سالیکه از اول ژوئن‌شروع میگردد قرار داده میشود (اساس قیمت ها بمنزلهٔ قیمت در تصفیه خانه تلقی میگردد) . (۲) کمپانی بنزین و نفت لامپ ومازوت‌را به‌ترتیب ذیل خواهد فروخت : اول : بدولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش بدیگران، مطابق اساس قیمتهای مذکور درجزء (الف) فوق باتخفیف بیست وپنج درصد (۰/۰۲۵) دوم : به‌کمپانی مطلقا افغانی که ازطرف دولت تعین می شود از قرار (اساس قیمت) با تخفیف ده در صد (۱۰٪) (۳) کمپانی حق دارد که بقیمت های‌اساسی مذکور درجزء (الف) مخارج حقیقی حمل ونقل وتوزیع وفروش‌وهمچنین مالیات وعوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بیفزاید. (٤) دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کمپانی فروخته است قدغن خواهد کرد .

(ماده ۱۰) :

(الف) : کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که مختصراً برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی و مالیات های

معمولهٔ حین ورود را بپردازد . کمپانی تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده باشخاص غیرمستخدمین خودش فروخته یا واگذار نشود . (ب) : کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوص حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی وجراحی و ادویه را که برای مریض‌خانه ها ومطب های خود درافغانستان لازم دارد وارد نماید واشیاء واجناس مذکوره درموقع ورود از تادیهٔ حقوق گمرکی و هرنوع مالیات وعوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود (ج) بدون تحصیل هیچگونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصراً برای‌عملیات اکتشافی وحفری واستخراجی وتصفیه کردن ولوله کشی وانبار کردن در افغانستان لازم دارد وارد نماید . (د) صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی وهرنوع مالیات وعوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود (ه) برای جلوگیری ازهر گونه تاخیر درتهیهٔ نفت دولت عبوراثاثیهٔ مذکوره در جزء (ج) این ماده را که جهت استخراج نواحی نفت، ساختمان کار خانجات وخطوط لوله وعمل کردن آن‌لازم است از سرحدات افغانستان مجازخواهد نمود ، مشروط براینکه قبلاً نقطهٔ‌سرحدی را که کمپانی انتخاب نموده باطلاع دولت برساند، عبوردادن اجناس مزبوربجز ازسرحدیکه انتخاب‌شده وغیر ازطرق مجازتجارتی‌ممنوع است . دولت تامدتیکه کمپانی تقاضامینماید بست گمرکات را در نقاط معینه درظرف‌شب وروز حتی در ایام تعطیل های عمومی باز نگاه خواهد داشت . کمپانی عمارات مخصوصی را که برای این منظور لازم است باموافقت دولت خواهد ساخت و حقوق اعضای اضافی گمرك را باضافهٔ مخارجی که دولت

(c) ketabton.com: The Digital Library

برای اجرای این تعهد خود متحمل میشود خواهد پرداخت ، کمپانی مجاز است عملیات خود را در مدت روز و شب و در تعطیل های عمومی ادامه دهد .

(ماده ۱۱) :

(الف) : کمپانی واعضای آن از حمایت قانونی دولت بهره مند خواهد شد ، (ب) : دولت در حدود قوانین ومقررات جاریهٔ خود کلیه تسهیلات ممکنه را جهت توسعهٔ عملیات کمپانی درافغانستان تأمین خواهد نمود (ج) : در صورتیکه دولت امتیازات بـه اشخاص دیگر جهت استخراج مواد معدنی « غیرنفت » در حوزهٔ امتیاز اعطا نماید، کلیه احتیاطات لازمه را مرعی خواهد نمود ، به طوریکه استخراج آن‌ها موجب خسارت به‌تأسیسات وکار خانجات کمپانی نشود ، درظرف مدت این امتیاز وقبل از انتخاب اراضی بطوریکه در جزء (الف ازمادهٔ (۳) مقرر است هیچگونه امتیاز استخراج نفت در حوزهٔ امتیاز از طرف دولت بدیگری داده نخواهدشد .

(د) کمپانی موظف است مناطقی را که برای ساختمان منازل و دکاکین و مغازه و سائر ساختمان ها خطر ناك است تعیین نماید که دولت بتواند سکنهٔ آن را آگاه بنماید که درین قبیل مناطق سکونت ننمایند (ه) هرگاه کمپنی صلاح بداند محصول نفت را از مملکت دیگری غیر ازافغانستان عبور دهد، بنابر تقاضای کمپنی دولت مساعدت اخلاقی خواهد نمود که کمپانی تحصیل اجازهٔ مخصوصی بنمایند.

(ماده ۱۲) :

(الف) : کمپنی ملزم نیست وجوه خود را که شامل وجوه حاصله از فروش صادراتش از افغانستان نیز میباشد به‌پول افغانی یا به پول دیگر محلی تسعیر نماید ، هیچگونه ممنوعیت های راجعه به صادر

یا واردکردن وجوه کمپنی ویا اعضای آن درهیچ موقع وضع نخواهد شد ، کمپنی علیهذا تعهد میکند که درموقع تسعیر اسعار خارجهٔ خود به پول رائج افغانستان این قبیل خریدهای اسعاری را برطبق قوانین افغانستان معمول دارد . (ب) : کلیه مبالغ که طبق این قرار داد دین کمپانی بدولت است بغیر ازآنچه صریحا درین قرارداد ذکرشده ، به لیرهٔ انگلیسی تصفیه خواهد شد .

(ماده ۱۳) :

(الف) : برای اجرای عملیاتیکه طبق این‌قرار داد به کمپنی در افغانستان اعطا شده : کمپنی تعهد مینماید که کلیهٔ وسائل مناسب را برای تأمین صرفه جوئی و حسن جریان عملیات خود مرعی خواهد داشت ، که کلیهٔ مخازن تحت الارضی نفت محفوظ بماند و این امتیاز را باصولیکه باترقیات علمی روز افزون دنیا تطبیق‌نماید اجرا کند . (ب) ، حفریاتیکه منجر بکشف نفت نگشته وآب یامواد قیمتی دیگر در آن پیدا شود مجانا بدولت واگذار خواهد شد (مگر آنکه کمپانی آب چاها را برای آشامیدن و مصرف حفاری و دیگهای بخار احتیاج داشته باشد). کمپانی دولت را فوراً از کشفیات مزبور مطلع خواهد ساخت دولت نیز هرچه زود تر قصد خـود را را جـع بتصرف آنها اعلام خواهد داشت و درصورت تصرف احتیاطات‌لازمه رامرعی خواهد نمود که درعملیات کمپانی هیچگونه وقفه حاصل نشود.

(مادهٔ ١٤) :

(الف) : کمپنی بخرج خود وبرحسب تقاضای نمایندهٔ مختار وزارتخانه ، عین سواد هرطرح نقشه ورسمها وسائر اطلاعات را که‌در دست کمپانی‌است اعم‌ازاطلاعات سطح الارضی وطبقات‌الارضی مربوط

(c) ketabton.com: The Digital Library

به حفر چاهای واقعه در حوزهٔ امتیاز در ظرف مدت مناسب بوزارت تجارت تقدیم خواهد نمود. (ب): دولت حق دارد که بمیل خود هرموقع عملیات فنی کمپانی رادر افغانستان توسط اشخاص مطلع تفتیش کند و متخصصین خارجی نیز برای این منظور تعین نماید، راجع به صحت تصمیمات متخذه ازطرف کمپانی نسبت به مفاد مادهٔ (٤) نیز دولت حق رسیدگی خواهد داشت. (ج): کمپنی کلیه اطلاعات علمی وفنی مربوط به عملیاتش را به علاوهٔ اطلاعات راجع به تأسیسات ووسائل اندازه گیری وسائر وسائل فنی را دراختیار این قبیل متخصصین رسمی خواهد گذاشت. و متخصصین مزبور حق خواهند داشت کلیه اطلاعات مربوط بادارات کمپنی را (واقعه درافغانستان) بخواهند کلیه اطلاعات ومدارك واسناد رادولت بطورمحرمانه تلقی خواهد نمود.

(مادهٔ ١٥):

(الف): دولت حق تعین یکنفر مایندهٔ را خواهد داشت و نمایندهٔ مزبور مامور دولت علیه نامیده شده و اختیارات ذیل را دارا خواهد بود: (اول) اطلاعاتیرا که در حدود حق ما حبان سهام کمپنی است از کمپانی تحصیل نماید. (دوم) درکلیه جلساتیکه برای مذاکره درمسائل راجع بروابط دولت و کمپانی تشکیل میشود اعم ازجلسات مجمع عمومی و یا کومیته های آن و یا جلسات صاحبان سهام حضوربهم برساند. (سوم) کومیتهٔ راکه کمپنی برای توزیع اعتبارمذکور درمادهٔ (١٦) برای نظارت درتحصیل محصلین افغانی در دول متحدهٔ امریکاتشکیل میدهد بعنوان رسمی یاحق رأی قاطع ریاست نماید. (چهارم) هروقت مقتضی بداند تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیئت مدیره برای مذاکرهٔ در مسائلیکه دولت پیش نهاد مینماید در

مرکز تجارت کمپنی تشکیل شود: جلسات مزبور در مدت بیست روز بعد ازوصول تقاضای کتبی نمایندهٔ دولتی به منشی، کمپنی تشکیل خواهد شد (ب) پس از کشف نفت درحوزهٔ امتیاز بمقادیر تجارتی کمپانی بابت مخارج نمایندهٔ دولت علیه سالیانه مبلغ ده هزار (١٠،٠٠٠) دلار بحساب اعتبارات دولت در یکی از بانکهای نیو یارك پرداخت خواهد نمود دولت کمپانی را کتبا از تعیین نمایندهٔ مزبور و تغیر او وهمچنین از تعین قائم مقام او مطلع خواهد ساخت.

مادهٔ (١٦):

(الف): طرفین تصدیق دارند و قبول مینمایند که اصلی که مدار اجرای این قرار داد میباشد آن است که در منافع طرفین حفظ اعلای منتج بودن وصرفه جوئی در اداره و عملیات کمپنی در افغانستان وخارج از افغانستان ضرورت عالی دارد. (ب) مسلم است که کمپنی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجارتی خود را باندازهٔ که اشخاص ذی صلاحیت و با تجربه در افغانستان یافت شود از اتباع افغانیستان انتخاب خواهد نمود، طرفین موافقت مینمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که برطبق آن هرسال و مرتبا مستخدمین غیر افغانی را تقلیل داده و بجای آنها بطور تصاعدی ودر مدت کوتاه ترین ممکنه از اتباع افغانی بگمارند. (ج) در موقع ضروری کمپانی مجاز است متخصصین فنی خارجی استخدام نماید مشروط بر اینکه این قبیل مستخدمین مطلقا از بین اتباع دول متحدهٔ امریکا انتخاب شوند ونیز مسلم است که مستخدمین مزبور در مدت توقف خود درافغانستان تابع کلیه قوانین داخلی مملکتی خواهند بود و داخل در هیچگونه تبلیغات سیاسی و مذهبی نخواهند شد. (د) پس از شروع بصدور

(c) ketabton.com: The Digital Library

نفت از حوزهٔ امتیاز کمپنی سالیانه مبلغ پنجاه هزار (۵۰۰،۰۰۰) دلار برای اینکه اتباع افغانی در دول متحدهٔ امریکا علوم و فنون مربوط بصناعت نفت را فرا گیرند تخصیص خواهند داد. اعتبار مذکور بوسیلهٔ یك کومیتهٔ که مطابق مادهٔ پانزدهم (۱۵) تشکیل میشود بمصرف خواهد رسید.

(مادهٔ ۱۷):

(الف): پس از تاریخ تصویب، هر موقع کمپنی اسهام جدیدی اشاعه میدهد و دفاتر ثبت تقاضای اشتراك آنرا در همان موقع که درسائر نقاط شروع میشود در کابل نیز برقرار خواهد نمود در این موارد یك قسمت از اسهام منتشره تا مدت سی روز از تاریخ صدور برای اتباع افغانستان که مائل به اشتراك هستند نگاهداشته خواهد شد وپس از انقضای سی روز هرچه ازاین قسمت باقی مانده بدیگران فروش خواهد شد. (ب): کمپنی تعهد مینماید که هیچوقت اجازه نخواهد داد کنترول اکثریت سهام خود غیر امریکائی و افغانی بدست دیگری بیفتد ونیز اعضای هیئت مدیره غیر از افغانی وامریکائی دیگری نمیتواند باشد.

(مادهٔ ۱۸):

(الف): این قرارداد برای مدت هفتاد و پنجسال از تاریخ تصویب واگذار میشود. (ب): در ظرف مدت ده سال اول از تاریخ تصویب امتیاز کمپانی مجاز خواهد بود این امتیاز را فسخ نماید مشروط براینکه شش ماه قبل کتبا بدولت اطلاع دهد، بعد از ده سال اول از تاریخ تصویب کمپنی حق فسخ این قرارداد را دارد در صورتیکه دوسال قبل کتبا دولت را ازقصد خود مطلع سازد در ینصورت

کمپانی از کلیهٔ تعهدات موضوع این امتیاز بادر نظر گرفتن شرایط ذیل بری خواهد شد. (ج): درمدت ده سال اول این امتیاز یا بعد از آن تا موقعیکه استخراج نفت شروع شود کمپانی مجاز خواهد بود کلیه اموال منقولهٔ خود را که در دفاتر کمپنی جزء اموال ثبت شده ازافغانستان خارج نماید، دراینصورت اگرقیمت اموال مزبور مستهلك شده باشد که درنتیجه از حقوق پرداختی بدولت کسر گردیده، صدی بیست ازمجموع مبلغ استهلاکی در موقع صدور اموال مذکور بدولت مسترد خواهد شد، و کلیه اموال غیر منقول باهمان وضعیت موجوده باختیار دولت گذارده خواهدشد. (د): در مدت بیست سال بعد ازده سال اول از تاریخ تصویب، کمپنی مجاز خواهد بود اموال خود را که برای امور اکتشافی و غیره بکار میرود از افغانستان خارج نماید ولی در ظرف این مدت حق صدور یا فروش کلیهٔ سائر اموال خود رانخواهد داشت مگر آنکه اشیای مزبور غیر مفید بوده و یا آنکه برای عملیات کمپنی در افغانستان دیگر مورد احتیاج نباشد. (ه): درظرف بقیه مدت بعد از سی سال از تاریخ تصویب کمپانی حق فروش یا انتقال یك یا چندین قسمت از اموال غیر منقولهٔ واقع درافغانستان را نخواهد داشت، ودر ظرف همین مدت کمپانی مجاز نخواهد بود هیچیك از اموال منقول خود را خارج نماید به‌استثنای آنچه از حیز انتفاع افتاده باشد. (و): کمپنی حق فروش اراضی‌را که‌از دولت مجانا تحصیل نموده نخواهد داشت (ز): درموقع انقضای این امتیاز به استثنای موارد پیش بینی شده طبق‌جزء (ج) و(د) این‌ماده کلیه‌اموال کمپانی درافغانستان بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق بدولت افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

خواهد بود . (ج) : جملهٔ تمام « اموال » مشتمل است برتمام اراضی وابنیه وکارخانه‌ها و ساختمان ها وچاها وراها ولوله های حمل نفت و پلها و رشتهٔ نفت های فاضل آب و و سائل توزیع آب و ماشین ها و مؤسسات و تجهیزات (ازان جمله آلات و ادوات) از هر نوع و تمام وسائط نقلیه و ارتباط در افغانستان « مثلا اتومو بیلهای سواری و باری طیاره و غیره » تمام اجناس انبار شده و سائر اشیائیکه کمپنی درافغانستان برای اجرای این امتیاز ازان استفاده مینماید .

(مادهٔ ۱۹) : درصورت وقوع «فورس ماژور» که مانع ازاجرای مقررات این قرارداد ازطرف کمپانی شود این مورد ازموارد نقض قرار داد محسوب نخواهد شد . در صورتیکه در اثر وقوع « فورس ماژور » اجرای مواد این قرار داد از طرف کمپانی بتاخیر افتد مدتیکه برای ترمیم خسارات وارده درظرف تاخیر لازم است بمدت این امتیاز اضافه خواهد شد . علیهذا به مدت مقرره درجزء «الف» مادهٔ (۱۸) علاوه نخواهد شد ، مگر اینکه تحصیل ویاصدور نفت از طرف کمپانی در اثر وقوع « فورس ماژور » بیشتر از نود روز معلق بماند ، مسلم است وقوع « فورس ماژور » تاثیر و تاخیر در پرداخت وجوه لازم‌التأدیه به دولت‌طبق این قرارداد نخواهد داشت .

(ماده ۲۰) :

(الف) : هرنوع اختلاف حاصله بین طرفین و مخصوصا اختلافات ناشی از تغیر مدلول این امتیاز نامه و حقوق و مسئولیت های مقررهٔ آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردیکه بموجب این امتیاز نامه محتاج بتوافق نظرطرفین‌است بطریق حکمیت قطع وفصل خواهد شد .

(ب) : طرفیکه تقاضای حکمیت میکند باید تقاضای خود را کتبا بطرف دیگر ابلاغ نماید ، هریك از طرفین یك حکم‌معین نموده و حکمین قبل ازشروع بحکمیت یك حکم ثالث انتخاب خواهند نمود . هرگاه حکمین نتوانند در ظرف مدت دوماه نسبت به تعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند ، حکم مزبور را به تقاضای یکی ازطرفین رئیس دیوان داوری بین‌المللی تعین خواهد نمود ، چنانچه رئیس‌دیوان داوری بین المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزء (ج) حائز شرائط لازمه برای تعین حکم ثالث نباشد بوسیلهٔ نائب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .

(ج) حکم ثالث باید از ملت افغان و یا دول متحده امریکا نباشد وبعلاوه ارتباط نزدیك نیز به‌افغانستان ویا بادول متحدهٔ امریکا ازحیث تعلق به یکی ازمستملکات یا ممالك تحت‌الحمایه و یا مستعمرات و یا ممالك تحت قیمومیت و ممالکیکه بوسیلهٔ یکی از مملکتین مذکور درفوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه درخدمت یکی ازممالك مزبوره بوده و یا میباشد نداشته باشد .

(د) اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از حصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خودرا تعین نکرد ویا تعین آن‌را بطرف دیگر ابلاغ ننمود طرف مزبور حق خواهدداشت که ازرئیس دیوان داوری بین‌المللی « یا نائب رئیس درموردیکه مطابق قسمت اخیرجزء (ب) پیش بینی شده » تقاضا نماید که یك حکم منفرد ذی صلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعین کند و درینصورت اختلاف موجوده بوسیلهٔ حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(ه) اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که درموقع حکمیت دردیوان داوری دائمی بین‌المللی معمول ومجراست . وقت و محل حکمیت را برحسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مزبور در جزء (د) معین خواهد کرد .

(و) حکم حکمیت مستند بر اصول قضائی مذکور در مادهٔ (۳۸) اساس‌نامه دیوان داوری دایمی بین‌المللی برده وقابل تجدید نظر نخواهد بود.

(ز) مخارج حکمیت به نحویکه دررأی حکمیت معین میشود تادیه خواهد گردید .

(مادهٔ ۲۱) :

(الف) این امتیاز فوراً پس از تصویب آن از طرف مجلس ملی و توشیح فرمان آن از طرف اعلیحضرت پادشاه افغانستان قابل اجرا خواهد بود ، دولت تعهد میکند امتیاز را هرچه زودتر برای تصویب و توشیح تقدیم نماید .

(ب) دولت تصدیق مینماید وجناب اجل آقای وزیرامور خارجه تائید مینماید که هیچگونه امتیاز دیگری نسبت بحقوق اعطا شده‌موجب این امتیاز یا هر یك از اجزای آن وجود ندارد، و هیچ شخص یا تجارتخانه یا کمپنی هیچگونه ادعای معتبر یا قانونی نسبت باین حقوق ندارد، به علاوه دولت تصدیق مینماید وجناب اجل تائید مینماید که این امتیاز باحقوق‌مزایای مربوط بآن‌یك‌امتیاز مطلق‌ومنحصر میباشد.

(ج) هرگونه انتقال این امتیاز توسط کمپانی بر طبق جزء (ب) مادهٔ (۱۷) موکول به تصویب دولت خواهد بود ، و منافع مربوط باین امتیاز عینا بقائم مقام مجاز او منتقل خواهد شد .

(د) پس ازتصویب این قرارداد اصلاحات به یکی از دوطریق ذیل عمل و قبول خواهد شد .

اول در صورتیکه اصلاحات توسط کمپنی پیشنهاد شود باید طرح آن از طرف هیئت مدیرهٔ کمپانی تدوین و قبول شده با مضای رؤسای مربوطه رسیده باشد . در صورتیکه اصلاحات مزبور ازطرف مجلس ملی تصویب شود پس از توشیح آن از طرف اعلیحضرت پادشاه جزء امتیاز حاضر خواهد شد .

(دوم) در صورتیکه اصلاحات از طرف دولت پیشنهاد شود باید طرح آن از طرف مجلس ملی تدوین و قبول شده بامضای رئیس مجلس رسیده به تصویب قوهٔ مقننه نیز برسد، بعد ازان در صورتیکه از طرف هیئت مدیر کمپانی پیشنهاد مذکور تصویب شود بامضای رؤسای مسئول خواهد رسید وپس ازتوشیح آن از طرف اعلیحضرت پادشاه جزءاین امتیاز خواهد شد .

(مادهٔ ۲۲) :

(الف) طرفین متعاهدین اعلام میدارند که اجرای این قرارداد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و تفسیر معقول و متناسب این قرارداد باشد .

(ب) کمپانی صریحا تعهد مینماید که هروقت و در هر موقع‌حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام بهیچ عملی و یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید .

(ج) این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آتیه بوسیلهٔ هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچ یك از

(c) ketabton.com: The Digital Library

دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرائیه قابل تغیر نخواهد بود .

(د) این امتیاز قبل از انتهای مدت مندرجه در جزء (الف) از مادهٔ (۱۸) منقضی نخواهد شد مگر در صورتیکه کمپنی آن را طبق جزء (ب) همان ماده فسخ نماید و یا اینکه بواسطهٔ عدم اجرای تفحصات طبق مادهٔ (۳) و حفاری طبق مادهٔ (٤) ویا عدم تادیهٔ وجوه طبق مادهٔ (٦) این امتیاز لغو شود . (ه) در سائر موارد نسبت بمقررات این امتیاز ازجانب هریك ازطرفین محکمه حکمیت مسئولیت ها وحقوق وتعهدات طرفین متعاهدین‌را تعین خواهد نمود .

مادهٔ (۲۳) : این امتیاز که شامل بیست و سه ماده بزبان انگلیسی در دو نسخه جهت امضاء تحریر شده ترجمهٔ فارسی آن بعد بعمل خواهد آمد ، در صورت بروز اختلاف نسخهٔ انگلیسی آن معتبر خواهد بود . در برلین نوزدهم نومبرسنهٔ هزار و نه صدو سی وشش .

پروتوکول

تعدیلات ذیل در متن قرار داد امتیاز پطرول منعقدهٔ نزدهم نومبر ۱۹۳٦ برلین بین حکومت شاهی افغانستان وانلاند اکسپلوریشن کمپنی بعمل آمده است قرار داد مذکور بطوری باید ملاحظه گردد که تعدیلات مذکوره یك جصهٔ اول آن را تشکیل میدهد . (۱) تعریف کلمهٔ کمپنی بعد از کلمهٔ امریکا بایزاد کلمات « تمام کمپنی های تابعهٔ آن » تعدیل یابد وهمچنین تعریفات ذیل ایزاد گردد . « کلمهٔ انلاند اکسپلوریشن کمپنی یعنی انلاند اکسپلوریشن کمپنی وهر شخص حقوقی دیگری از دول متحدهٔ امریکا که این امتیاز با تصویب حکومت

مطابق (مادهٔ ۲۱) بدومنتقل شود » کلمهٔ کمپنی تابعه ، یعنی کمپنی که این کمپنی حق تعین بیش ازنصف مدیران آنرا مستقیماً یابطور غیر مستقیم داشته یابطور مستقیم ویاغیر مستقیم مالك مقداری ازاسهام آن باشد که بآن مقدار سهم بیش از پنجاه فیصد حق رأی در مجمع عمومی آن برای کمپانی تضمین شده باشد . « ۲ » در مادهٔ (۱) عوض عبارت « حمل‌ونقل راهای آهن مابین حوزهٔ امتیاز وسرحد » عبارت هذا « هر جای در افغانستان » خوانده شود در اخیر همان ماده کلمات ذیل علاوه شود . « پطرولی که بوسیلهٔ انلاندا کسپلوریشن کمپنی در افغانستان حاصل شده وتا ساحل از راه ایرانین یا پیلان کمپنی ترانسپورت ، میگردد . بهمان مساعد ترین نرخی که از طرف کمپنی برای ترانسپورت پطرول ایرانین آیل کمپنی ضمانت گردیده است ، ترانسپورت خواهد شد ، کمپنی تعهد مینماید که برای خودش و برای حکومت تمام اسناد لازمه را در موضوع محصولات ترانسپورت که از طرف ایرانین آیل کمپنی وسائر کمپانیهای متشابه‌آن به ایرانین یاپیلان کمپنی‌تادیه شودفراهم آورد در صورتیکه محصولات ترانسپورت مذکور که برای انلاند اکسپلوریشن کمپنی وضع شده باشد از محصول ایرانین‌آیل کمپنی و کمپنی های متشابه آن برای فاضلهٔ معینی تجاوز نماید فرق آن بعهدهٔ انلاند اکسپلوریشن کمپنی خواهد بود ، به‌صفت مصرف کمپنی مذکور در سنجش منافع خالص حساب نخواهد شد . (۳۱) در جزء الف ماده ۳ عبارت ذیل ملغی است « قبل از انقضای یك سال بعد از اعطای حقوق حمل و نقل پطرولیوم به کمپنی از یك مملکت یا ممالکی که شامل این قرار داد نباشد » وبجای آن عبارت ذیل‌درج میشود . « قبل‌از انقضای مدت شش‌ماه بعدازتاریخ تصدیق »

(c) ketabton.com: The Digital Library

(د) جزو الف و ب مادهٔ « ٤ » لغو وبجای آن عبارت ذیل درج گردد

« الف » قبل ازاختتام ٢٦ ماه بعد ازتاریخ تصدیق کمپانی اقلاً یك دستگاه برمه انکشافی چاها را بکار خواهند انداخت قبل از اختتام سال پنجم بعد ازتاریخ تصدیق اقلا سه دستگاه برمه بدون یك وقفهٔ معقول متواتر بکارانداخته خواهد شد ، تاکه چاها بیك عمق معقول برای انکشاف پطرولیوم برسد ، هر یك چاه انکشافی باید تاعمق سه هزار فیت برسد ، مگردرصورتیکه پطرول بمقدارنافع درعمق کمترازین پیداشود (که تنها این‌منحصر به قضاوت کمپنی خواهد بود) و یادرصورتیکه ماهرین طبقات الارض ثابت کنند که پطرول در اینجا مصارف آنرا تلافی کرده نمی تواند اگرثابت شده بتواند که پطرول بمقدار تجارتی حاصل می‌شود بعد ازان دستگاهای برمه اقلا تا شش دستگاه اضافه خواهد شد و عملیات بدون کدام معطلی دوام داده میشود تاکه مواد ذخیرهٔ پطرول تمام شود و یا امتیاز متروك گردد .

«ب» درصورتیکه مقررات جزء الف مادهٔ موجوده از طرف کمپانی اجرانشود حکومت حق خواهد داشت به کمپنی یاد داشت بدهد که او میخواهد این امتیاز را اختتام بدهد و در ظرف ٦ ماه بعد از وصول یاد داشت حکومت به کمپنی امتیاز ملغی می گردد .

(٥) درجزو (د) مادهٔ (٤) کلمهٔCommercial(تجارتی) به کلمهٔ Profitable قابل (استفاده) تعبیر میشود .

(٦) جزو (ه) مادهٔ (٤) لغو و بجای آن عبارت ذیل درج گردد (ه) بعد ازمعیادپانزده سال بعد ازتاریخ تصدیق اگردرحوضهٔ امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدور

نباشد یکی ازایالات مذکوره باتمام مؤسساتی که درآن وجود داشته باشد از طرف کمپانی مسترد میشود در آخر ٢٠ سال بعد از تاریخ تصدیق اگر در حوضهٔ امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدور نباشد یکی از ولایات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد، درانجام ٢٥ سال بعدازتاریخ تصدیق اگردرحوزهٔ امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدور نباشد یکی از ولایات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد . در آخر سی سال بعد ازتاریخ تصدیق اگردرحوزهٔ امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدور نباشد یکی از ایالات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد . دراختتام ٥ سال آینده اگر در آنجا ایالتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدورنباشد آن ایالت بهمان صورت مسترد می شود .

(٧) در فقرهٔ (١) مادهٔ (٥) بعد از کلمات «راه» آهن کلمه کمپنی درج شود .

(٨) در جزو « الف » مادهٔ ٦ کلمات « یا صادر شده باشد از افغانستان » حذف میشود و بجای آن عبارت ذیل درج میگردد « ازافغانستان صادرشده باشد » برای فروش درافغانستان ویا صدور ذخیره شده باشد جزء «ج» همان ماده و قسمت های ١-٢-٣ حذف شود و بجای‌آن فقرات ذیل درج شود . «ج» علاوه برتمام تأدیات متذکره این امتیاز کمپنی تعهد می کند که سالانه بحکومت مبلغ بیست فیصد « ٠٢٠ر٠ » از منفعت خالص که برای اسهام عادی انلاند اکسپلوریشن کمپنی تقسیم می شود پس از توزیع مبلغ ٥ فیصد از

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرمایهٔ تادیه شده بپردازد این ۰۵ر۰ فائدهٔ است که بصاحبان اسهام عادی قبل از تادیه حصهٔ حکومت تأدیه میشود مراد ازسرمایهٔ تادیه شده که درین فقره استعمال شده است مبلغی است که بطورقطعی در کتابهای کمپنی از روزیکه صادرات تنظیم پطرول بواسطهٔ کمپنی از افغانستان شروع شده است تعین گردیده در هر صورت مبلغ پنج فیصدی که سابقا باسهام عادی تقسیم شده است از سه صد هزار ۳۰۰۰۰۰ پوند استرلینگ سالانه تجاوز نخواهد کرد ، مبرهن است که منافع دیگر از فائدهٔ خالص قبل از تقسیم حصهٔ حکومت چنانچه در اینجا ذکر گردیده است تادیه نخواهد شد و همچنین متقابلا تعهد می شود که اصول حساب و تادیه مستعمله انگلوایرانین آیل کمپنی محدوده تعقیب خواهد شد ، در حالیکه سنجش های مذکوره مواد مندرجات ذیل قرار گیرد .

(۱) هر موقعیکه حکومت تصور کرد که محصول نفت افغانستان بقیمت مناسب در خارج بفروش نمیرسد حکومت حق خواهد داشت صد بیست از مقدار محصول را از همان قیمت و بهمان شرائطیکه کمپانی پطرول افغانستان را بمشتریان دیگر در همانجا می فروشد از کمپنی خریداری نماید و بهر نحویکه صلاح میداند خود بفروش برساند .

(۲) در موقع انقضای این امتیاز و همچنین درصورت ترك آن از طرف کمپنی مطابق مادهٔ (۱۸) کمپنی مبلغ معادل ۲۰ فیصد ۲۰ر۰ از بابت های ذیل بحکومت تادیه خواهد کرد :

(الف) ازمجموع ذخائر کمپنی در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز

(ب) ازمبالغ موجودی کمپنی درتاریخ انقضاء یاترك امتیاز درین فقره مراد از کلمهٔ ذخائر ، ذخائر عمومی کمپنی است ، یعنی همان ذخائریکه

(c) ketabton.com: The Digital Library

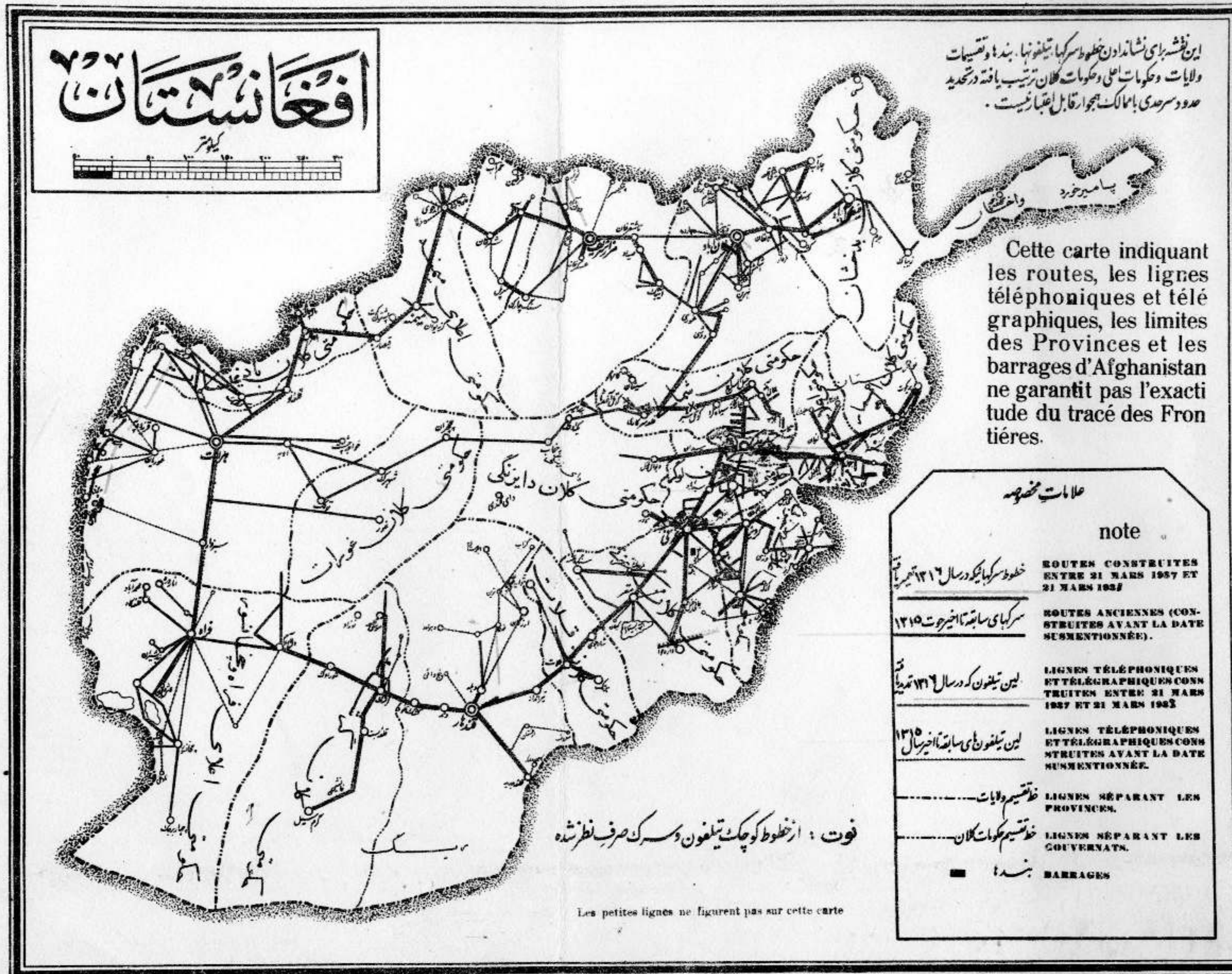

(c) ketabton.com: The Digital Library

برای مقصد مخصوصی معین نشده‌اند ، مثلا برای بیمه هر وجه لازم التادیه بحکومت برحسب این فقره یکماه بعدازتاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که بعد ازانقضاء یاترك امتیازتشکیل میشود انجام خواهد گرفت ، حکومت حق خواهد داشت که محاسبات مفصل ذخائر متذکرهٔ فقرهٔ (الف) را کنترول نماید ومحاسبات مذکورهٔ سال ماقبل بایداخیراً الی ۲۸ فروری بحکومت فرستاده شود .

(۲) کمپنی میتواند اسهام مرجحه بمنافع شش فیصدکه حق اولیت دراخذ منافع داشته باشد بقیمت اسمی بفروشد . مراد ازاسهام مرجحه اسهامی است که اولا حق حصول منافع سالانه راصرف تا اندازهٔ شش فیصد متذکره قبل از کدام تقسیم منافع باسهام عادی و یا بحکومت داشته باشد. درصورت انحلال ویا الغای کمپنی اسهام مرجعه حقدارند که قیمت شان را بعلاوهٔ منافعی که بآنها بایستی تادیه شود قبل‌از کدام تقسیمی باسهام عادی ویا بحکومت حاصل دارند ، کمپنی حقدارد که مقدار اسهام مرجحه را که‌دردوران میباشند بواسطهٔ اعادهٔ قیمت آنها بعلاوهٔ منافعی که باید با آنها تادیه شود در وقت باز خرید تقلیل دهد ، در(٤) مثال آتی طریقهٔ ترتیب بلانس‌سالانه در تحت‌بعضی فرضیات اصول این ماده را توضیح میدهد مثال فرض کنیم که سرمایهٔ تادیه شده ۷،۵۰۰،۰۰۰ پوند استرلنگ است ونفت صادر شده و بفروش رسیده به ۶،۵۰۰،۰۰۰ طن بالغ میگردد عایدات شش ملیون لیره واقل ضمانت بحکومت ۵۰۰،۰۰۰ لیره ودیگر مصارف ۳،۰۰۰،۰۰۰ لیره استرلنگ است .

مجموع عایدات	منافع حکومت
ضمانت بحکومت ۵،۰۰۰،۰۰۰ لیره	۵۰۰،۰۰۰ لیره

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجموع عایدات	منافع حکومت
بلانس چهار شلنگ بایالتی ۸۰۰،۰۰۰ لیره	۸۰۰،۰۰۰ لیره
تادیه بعوض محصولات ۲۳۷،۵۰۰ «	۲۳۸،۵۰۰ «

مصارفیکه حاوی درك‌های ذیل است :

تنخواه های اداری ، استخراج ، توسعه ، ترمیمات ، محروقات ، برمه آلات ، ادوات ، نمایندهٔ حکومت ، تعلیم طلاب ، منافع استهلاك ، منافع اسهام مرجحه وغیره . ۳،۰۰۰،۰۰۰

مصارف مجموعی	۴،۵۳۷،۵۰۰
منافع خالص	۱،۴۶۲،۵۰۰
ذخائر وسرمایهٔ کار	۵۰۰،۰۰۰
بلانس منافع	۹۶۲،۵۰۰
منافع اولیهٔ اسهام عامه	۳۰۰،۰۰۰
بلانس باقیمانده	۶۶۲،۵۰۰
۸۰ فیصد صاحبان اسهام	۵۳۰،۰۰۰
۲۰ فیصد حکومت	۱۳۲،۵۰۰
مجموع منافع حکومت	۱،۶۷۰،۰۰۰

(۹) درجزء «د» مادهٔ ۶ کلمات «دوصدپنجاه هزار پوند استرلنگ» حذف وبجای آن فقرهٔ ذیل درج خواهد شد « دوصد وهشتاد هزار پوند سترلنگ» . (۱۰) درجزو (د) مادهٔ ۶ عبارت «چهار صدوپنجاه هزار پوند سترلنگ » حذف و بجای آن عبارت ذیل درج خواهد شد « پنجصد هزار پوند سترلنگ » . کل مبلغ تادیات سالانه برای هریك سال که از ربع آخر سال چهار دهم جنتری بعد از تاریخ تصدیق شروع میشود هرگز نباید از شش صد هزار پوند سترلنگ

(c) ketabton.com: The Digital Library

کمتر باشد. (۱۱) جزو «ح» مادهٔ ٦ حذف میگردد (۱۲) جزو «و» مادهٔ (٦) به «ه» تبدیل گردیده وکلمات «شصت ودوهزارو پنجصد پوند سترلینگ» بکلمات «هفتاد هزار پوند» تبدیل خواهد شد ونیز کلمات «مبلغ آخرالذکر بیکصد و دوازده هزار و پنجصد پوند سترلنگ» بکلمات ذیل تبدیل میگردد «برای چهار سال آینده حداقل این تادیات مبلغ یکصدوبیست وپنج هزار پوند سترلنگ و بعد ازان مبلغ یکصدوپنجاه هزار پوند سترلنگ خواهد بود». در همان جزو کلمات «درظرف شش‌ماه متعاقب اختتام سال جنتری» بطور ذیل خوانده شود «در۲۸ فروری سال جنتری متعاقب». (۱۳) جزء «ز» مادهٔ (٦) به «و» و نیز جزو «و» جزو «ه» خوانده میشود (۱٤) جزو «ح» مادهٔ (٦) جزو «ز» خوانده خواهد شد. (۱٥) بعد ازقسمت «۲» جزو «الف» مادهٔ (۷) قسمت ذیل علاوه خواهدشد:

«۳» کمپانی ضمانت میکند که مبلغ تادیه شده به قرار مقررهٔ سابقه بعد ازتاریخ تصدیق تا آخر سال‌دهم ازپنجاه‌هزار پوندسترلنگ وبعد ازتاریخ مذکور ازهفتاد وپنج هزار پوند سترلنگ هرگز کمتر نخواهد بود، تادیهٔ اول فوق‌الذکر سال تمام متعاقب آخر سال پنجم تادیه خواهد شد. «۱٦» جزء «د» مادهٔ (۱۰) حذف خواهدشد. «۱۷» جزو «ه» مادهٔ «۱» جزء «د» خوانده خواهدشد. «۱۸» درآخر قسمت «د» مادهٔ «۱۱» کلمات ذیل علاوه شود: درصورتیکه کمپانی بگرفتن اقدامات تخنیکی برای «تحدید» منطقهٔ خطر مذکوره موفق نشود درصورت وقوع کدام حادثه مسئول میگردد. «۱۹» در آخر مادهٔ (۱٦) عبارات ذیل علاوه میگردد: «ه» درصورت وفات

(c) ketabton.com: The Digital Library

ومعیوبیت مستخدمین وکارگران کمپانی که علت آن عملیات آخر الذکر باشد کمپانی تعهد مینماید که بخود مستخدمین وکاریگران مذکوره ویابه عایلهٔ شان جبران نماید ، اساس قواعدیکه در بین حکومت وکمپانی دربارهٔ این مسئله انعقاد خواهد یافت مقررات وهدایات انتظام بین المللی کار جینوا (سویس) خواهد بود . (۲۰) درجزء (الف) مادهٔ (۱۷) بعد ازالفاظ (اسهام) کلمهٔ مرجحه درج خواهد شد . (۲۱) در جزء (الف) ماده (۱۸) کلمات : درهفتاد وپنج سال باشصت سال تبدیل گردید . (۲۲) جزء (ب) و (ج) و (د) و (ر) و (ه) مادهٔ ۱۸) حذف و جزء های ذیل درج خواهد شد : (ب) کمپانی حق خواهد داشت که امتیاز را درآخرهرسال تقویم مسیحی ترک نموده حکومت راقبلاً و کتباً بواسطهٔ یاد داشت بصورت ذیل اطلاع بدهد : (الف) شش ماه درظرف هفت سال اول . (ب) بیست وچهارماه درظرف میزان آخرین اوقات امتیاز . (ج) اگر کمپنی درهفده سال اول بعد ازتاریخ تصدیق این امتیاز را لغونماید تمام اشیای منقولهٔ خود رابدون تأدیهٔ محصولات گمرکی وهرنوع محصولات وتاکس های دیگر که مرعی الاجرا باشد خارج کرده میتواند و یادر افغانستان بعد از تادیهٔ محصولات گمرکی و دیگر محصولات مروجهٔ آن زمان فروخته میتواند . (د) اگر ترک امتیاز بعدازمدت هفده سال اول واقع شود بعدازانقضاء دوسال مهلت مذکور درجزء (ب) این ماده ، کلیه دارائی شرکت در افغانستان (بطوریکه درقسمت «ز» مادهٔ موجوده تصریح شده) مجانا وبدون هیچ خرچی بطورسالم و قابل استفادهٔ ملك مملکت گردیده و شرکت در آینده ازهرگونه تعهدی بری خواهد بود (ه) صورت کدام در مناقشه ما بین

طرفین راجع به فرائض شان قبل از اختتام میعاد فوق الذکر اختلافات شان بواسطهٔ حکمیت چنانچه درمادهٔ (۲۰) تذکار یافته است فیصله خواهد شد . (۲۳) جزو (ز) مادهٔ (۱۸) حذف میشود . «۲۴» جزو «ح» مادهٔ «۱۸» به «ز» تبدیل میشود . «۲۵» درمادهٔ «۱۹» کلمات نود روز مسلسل به شصت روز مسلسل تبدیل گردد ، عبارت ذیل باید در آخر ماده ایزاد شود : هر واقعهٔ که کمپنی آنرا فورس ماژور ملاحظه نمایدبایدکه وزارت تجارت را بکابل درظرف دوهفته ازان اطلاع بدهد وحکومت در ظرف شصت (۶۰) روز بعد ازوصول یاد داشت ، کمپنی را ازنظریهٔ خودکتبا راجع بموضوع اطلاع خواهد داد. سکوت حکومت درمدت متذکره دلالت میکند که اونظریهٔ کمپانی را راجع به فورس ماژور قبول دارد برخلاف آن اگر کمپنی ارادتاً ویاغفلتاً بحکومت درظرف دو هفته متذکرهٔ فوق اطلاع ندهد حکومت مجبور نخواهد بود که واقعه را ازواقعات فورس ماژور ملاحظه نماید ، درهر صورت تمدید موعد این امتیاز بجهت فورس ماژور نباید از دوسال بعد ازتاریخ اختتام امتیاز مطابق جزوالف ماه «۱۸» تجاوز نماید . «۲۶» در جزو «ج» ماده «۲۰» کلمات ذیل بعدازکلمهٔ «امریکا» درج میگردد «علاوتاً اوروابط محرمانه باافغانستان واضلاع متحدهٔ امریکا نخواهد داشت» «۲۷» جزء «ج» مادهٔ «۲۱» حذف وبجای آن عبارت ذیل درج گردد : «ج» هرانتقال امتیاز ازطرف کمپانی باید موردتصدیق حکومت واقع گردد و منافع وظایف وو اجباتیکه در ین جا ذکر گردیده به کمپانی خلف آن مطابق شرایط قرار داد انتقال می یابد. «۲۸»

(c) ketabton.com: The Digital Library

پروتو کول هذا که جزء اصلی قرار دا د پطر و لیوم منعقده نوز ده نومبر ۱۹۳۶ برلین میباشد باقرار داد مذکور یکجا تصدیق و بعد از تصدیق قراردادو این پروتو کول هردوعملی میگردد. « ۲۹ » درصورت هرگونه اختلافی بین متن فارسی وانگلیسی این پروتو کول انگلیسی آن معتبر شناخته خواهد شد.

قرار داد استخراج معادن جنوب :

این قرار دادکه بایك شرکت مختلط افغان والمان برای استخراج معادن حصص جنوبی افغانستان بعمل آمده تا کنون مراتب قانونی را طی نکرده است هرگاه تاوقت نشر سالنامه مراتب قانونی را طی کرد البته بصورت ضمیمه درج خواهد گردید .

تشکیل ریاست معادن :

توجه خاصیکه در ین سال نسبت برامور معادن وطن از طرف حکومت متبوعهٔ ما مبذول وبه سلسلهٔ آن قرار داد استخراج معادن سمت جنوب (مطابق شرح فوق) با آلمانها عقد واز طرف دیگر کار استخراج ذغال سنگ برای احتیاجات کارخانه جات و غیره مصارف داخلی شروع گردیده است، این اقدامات ونظریات آیندهٔ که راجع به توسعهٔ امور معادن واستفاده ازانها مد نظر اولیای امور میباشد ایجاب میکرد که تشکیلات دوائر مربوط نیز وسعت لازمه را دارا گردیده وشعبات اداری جهت پیشبرد و نگرانی هر قسمت از امور مذکوره موجودباشد . از ین رو باثر مطالعاتیکه درین باره بعمل آمد بالاخره در تیرماه سال ۱۳۱۶ دائرهٔ معادن که سابقا جزء وزارت تجارت واز شعبات مدیریت عمومی زراعت بود بصورت یك ریاست

مستقل تشکیل ومطابق احتیاجات فنی ، شعبات مختلفه برای آن منظور و در رأس آن ملا لتماب محمد کریم خان سابق معین وزارت صحیه که از جوانان تعلیم یافتهٔ ترکیه و دارای معلومات عصری خوبی میباشند تعین گردیده اند چنانچه رئیس مستقل معادن از جملهٔ اعضای کابینهٔ وزراء شناخته شده ، معاون او نیز یك شخص فنی (ص ، عبدالله خان دوکتور معادن تعلیم یافتهٔ المان) میباشد و اکنون ریاست معادن بروی یك نقشهٔ اساسی وفنی شروع بکار کرده است .

تشکیل ریاست زراعت:

همچنین هر کس خبر دارد که در ظرف چند سال اخیر توجه خیلی زیادی بسوی ترقی و توسعهٔ زراعت مملکت مبذول گردیده و برای این مقصود علاوه ازتشویقاتیکه بطورعمومی جهت توسعهٔ زراعت درسرتاسر افغانستان بعمل آمده بندها ونهر های متعددی احداث وبسوی آن محصولات زراعتی که دارای جنبهٔ تجارتی میباشد ، مخصوصا عنایت بصرف رسیده است .

بادر نظر گرفتن اینکه افغانستان یك مملکت زراعتی بوده و آب و هوای معتدل و آبهای فراوان و دشتها ودره های کثیرهٔ آن مستعد پرورش هر قسم نباتات بوده و گنجایش توسعهٔ زراعتی مهمی را دارا میباشد، پس نظر باین ملاحظات ، ازهر جهت لازم دیده میشد که امور زراعت یك مرکزیت صحیحی پیدا کرده و واجد تشکیلات فنی وعصری وسیعی گردد تا ازتمام جنبه ها وسائل پیشرفت و نگرانی امور زراعتی آماده گی پیدا کند - از این بود که بمثل ریاست معادن یك ریاست مستقل زراعت نیز تاسیس و تمام تشکیلات زراعتی مملکت بزیر اثرآن تمرکز یافته ، ریاست مذکور مطابق اصول عصری بشعبات فنی تقسیم و هر شعبه از شعبات مذکوره باشخاص فنی تعلیم

(c) ketabton.com: The Digital Library

یافته تفویض شده است چنانچه در رأس این ریاست جلالتماب میر محمد یوسف خان سابق مدیر مکتب زراعت که شخصا از جوانان لائق و دیپلومهٔ فرانسه میباشند ، قرار گرفته ومعاون وسائر مدیران شعبات فنی مذکور نیز از جملهٔ متخصصین فنی تعلیم یافتهٔ فرانسه مقرر شده اند و این ریاست نیز که رئیس آن شامل کابینهٔ دولت میباشد ، مطابق یك پروگرام اساسی وفنی آغاز بکار نموده است .

بر ینوجه با درنظر گرفتن این حقیقت مسلم که پیشرفت هر کار بسته بمرکزیت یافتن و یکدست شدن آن ونیز مربوط باصولی بودن تشکیلات کار مذکور میباشد، بنابران میتوان ادعا کرد که از این پس امور معادن وزراعت که مهمترین شعبات اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد داخل یك دورهٔ نهضت جدیدی شده است که از هر جهت امید پیشرفت و ترقی هر دو شعبهٔ مذکور موجود میباشد .

تأسیس شرکت های جدید :

درسلسلهٔ پلانهای اقتصادی که از چند سال باین طرف سر دست اجراء گرفته شده ، یکی تمرکز سرمایه بوده که حکومت متبوعهٔ ما و بانك ملی برای این کار به تاسیس یك دسته شرکت های تجارتی مساعدت ورزیده ودرنتیجه برای هر قلم از صادرات مهمه و همچنین برای واردات مختلفه ، شرکتهای علیحده تأسیس و مطابق پروگرام هائیکه باپلان اساسی حکومت متبوعهٔ ما دائر به ترقی عمومی اقتصادیات مملکت موافقت دارد ، شروع بکار نموده اند . چنانچه اگر بمطبوعات وطن عموماً وخصوصاً به سالنامه‌های کابل نظر انداخته شود ، صورت کارروائی واصلاحاتی که توسط شرکتهای مذکور در امور اقتصادی وطن بعمل آمده خوبتر واضح خواهد شد . درین

ضمن از همه مهمترین موضوع ترقی صادرات است که اساس ترقی اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد وبرای این منظور حکومت مطبوعه وتجار منور وطن خیلی بجدیت مشغول اقدامات میباشد - چیزیکه مداومت وحسن توجه را درین راه نشان میدهد همانا امتداد یافتن دامنهٔ تأسیس شرکت‌های جدیده است که علاوه بشرکتهای سابقه جهت ترقی صادرات واصلاح امور وارداتی وغیره امور مدنی تأسیس وما ذیلاً بطور مختصر ازاسما ونوعیت کار وسرمایه وغیره خصوصیات مؤسسات و شرکت های جدیدالتشکیل که درجریان سال ۱۳۱٦ تشکیل شده ذکر کرده ، تفصیل البته آن درقسمت‌های مخصوصهٔ آنها خواهد آمد :

۱ ــ مؤسسهٔ پنبه :

بدیهی است که پنبه امروز دردنیا اهمیت خیلی بزرگی را کسب کرده وبنابران ارباب تجارت آنرا (طلای سفید) نامیده‌اند. خوشبختانه افغانستان ما ازحیث آب وهوای معتدل وداشتن دشتهای وسیع برای پرورش این محصول بزرگ زراعتی که در عالم تجارت قیمت روز افزونی کسب میکند ، استعداد خاصی را نشان میدهد. ازین است که درین چند سال اخیر موضوع کشت پنبه و توسعهٔ زراعت آن خیلی مورد توجه اولیای امور قرار گرفته برای تشویق زراعین به تقسیم تخم مفت وبسا سهولت‌های دیگر اقدام کرده شده وازاثراین کوششات اکنون رقبهٔ پنبه کاری درحصص مختلف وطن عزیز ما که بطورخاصی مستعد پرورش پنبه میباشد مثل قطغن وخچانسوروگرشك وغیره به پیمانهٔ وسیعی کسب ازدیاد نموده‌است . بنابران پیش ازپیش برای استهلاك حاصلات پنبه (که تا چند سال قبل تقریباً هیچ صادرات نداشت) بادول خارجه قرار دادهای عقدشده است که مطابق آن همه ساله باید

(c) ketabton.com: The Digital Library

حاصلات پنبه رو بازدیاد رفته ودرعین حال ترتیبات صفائی وبار بندی وحمل ونقل آن نیز اصلاح بشود . ازاینست که برای پیشبرد این مقاصد که مراد ازترقی وتوسعهٔ روز افزون زراعت پنبه واصلاحات رفع حاصلات ، باربندی وحمل ونقل وسررشتهٔ صادرات وفروش آن وپیدا کردن بازارهای جدید درخارج باشد ، درشروع سال ۱۳۱۶ درتحت اثر (شرکت اتحادیهٔ شمال) شعبهٔ برای کار پنبه تاسیس واکنون شعبهٔ مذکور برای ترقی کاشت پنبه ازیك طرف و برای اصلاح غوزه تکانی وباربندی وحمل ونقل وغیرهٔ آن (توسط خریداری ماشین های جدید) ازطرف دیگر داخل اقدامات شده وهم بمساعدت بانك ملی دررساندن مقداری قرار دادهای که با دول خارجه عقد گردیده است صرف مساعی مینماید .

روی همرفته این موسسهٔ پنبه یکی ازموسسات خیلی مهم و مفید مملکت ما بوده وآیندهٔ بسی درخشانی را برای خود وهم برای بهبود عمومی اقتصادیات وطن دربردارد .

۲ــ شرکت میوه :

خوانندگان گرام ازتاسیس پشتون قندهار که ازچهار سال باین طرف برای ترقی صادرات میوهٔ خشك آنولایت تشکیل شده و نیز ازصورت موفقیات واصلاحات شرکت مذکوره که درقسمت ترقی مقدار میوهٔ صادره وایزاد نرخ فروش آن وازطرف دیگر درقسمت توریدوبکار انداختن ماشین های قطی سازی وپاك کرده میوه ، بوجود آمده است ، اطلاع خواهندداشت . ازآنجائیکه ولایت کابل نیز درقسمت حاصلات میوه و مخصوصا میوه جات خشك که اهمیت تجارتی وصادراتی دارد ، مقام قابل اعتنائی را داراست ، چون اصول خشك کردن و

حمل ونقل و مخصوصا طرز فروش این میوه جات درست نبوده نواقص زیادی را دارا بود ، لهذا در تیرماه سال ۱۳۱۶ موضوع تجارت میوهٔ کابل جداً زیر بحث آمده، منجر به تشکیل شرکتی گردید که بنام (شرکت میوه) و سرمایهٔ ابتدائی آن دو ملیون ۲۰۰،۰۰۰ افغانی تعین و ریاست آن به جناب محمد موسی خان رئیس شرکت پشتون قندهار که شخصا از تجار لائق و در تجارت میوه معلومات خوبی دارند تفویض شده است. این شرکت، مرکز خود را درکابل قایم و شعبات خویش را در پشاور و دهلی و کلکته و کراچی و بمبئی و چمن و غیره نقاط هند افتتاح کرده و اراده دارد که از یك طرف تجارت میوه راازاصول وساطت (دلالی) خلاص کرده سرراست با معامله داران هرجا معامله کند و از طرف دیگر برای پاك کردن وقطی سازی میوه جات و غیره خصوصیات فروش آن اقدامات لازمه را بعمل بیاورد .

ازانجائیکه میوهٔ خشك یکی از اقلام صادراتی مهم وطن عزیزما را تشکیل داده و خصوصا امکانات ترقی و استهلاك مزید آن در هند خیلی زیاد است ، پس میتوان امید کرد که شرکت میوه بهمثل شرکت پشتون بلکه بیش ازان برای تجارت خارجی وطن عزیزما یك موسسهٔ مفید ثابت شده ، در ترقی صادرات و موازنهٔ تجارتی وطن سهم بزرگی خواهد گرفت .

۳ــ شرکت عمران :

ترقی و توسعهٔ عمرانات و آبادی های عمارتی با پیشرفت عمومی یك مملکت توأم بوده وهر قدر مملکت مذکور از دیگر جهات کسب

(c) ketabton.com: The Digital Library

ارتقاء نماید ، عمرانات نیز همراه آن ترقی و توسعه یافته می رود .
از این‌است‌که درظرف‌چند سال اخیر ازاثر نهضت ارتقائی که درتمام شعب امور مملکتی بوجود آمده تعمیرات نیز توسعهٔ زیادی پذیرفته چه از قسم عمرانات دولتی وچه از قبیل عمارات بلدی مانند بازارها و جاده ها و چه از قسم عمارات شخصی روز بروز در ازدیاد میباشد ازانجائیکه برای پیش بینی وسائل و لوازم تعمیریه و توجه بسوی فنی بودن وعصری شدن عمارات مختلفه ، وجود یك موسسهٔ ملی مورد ضرورت بود ، بنابران در اواسط سال ۱۳۱۶ نظر به تشویقات حکومت متبوعه وحسن نظریهٔ‌تجارداخلی شرکتی بنام (شرکت‌عمران) بسرمایهٔ ابتدائی دومیلیون (۲،۰۰۰،۰۰۰) افغانی درکابل تاسیس وجناب محمد یونس خان سابق مدیر عمومی اداری وزارت خارجه که در فن تعمیر تخصص و بلدیت کافی دارند ، بریاست آن انتخاب شدند .
حالیه شرکت مذکور برای ساختمان یك سلسه عمارات‌عصری در کابل بابلدیه همکاری کرده ، برای آینده نقشه های مهمی را نسبت به توسعهٔ کار های خود در قسمت شهر سازی در نظر دارد. میتوان گفت که این شرکت نیز از لحاظ اینکه سبك تعمیر را در مملکت اصلاح و دامنهٔ آبادیها را توسعه میدهد و نیز در تهیهٔ مصالح تعمیریه مساعدت کرده ، تسهیلات زیادی فراهم میسازد، یکی ازموسسات مهم ومفید وطن عزیز شناخته شده ، آیندهٔ خوبی‌را برای خودونیز برای بهبودمملکت در پیش دارد .

٤ ـ شرکت ارزاق :

بدیهی است هر قدر در یك مملکت و یا در یك شهر نفوس

زیاد میشود (البته از دیاد نفوس نمایندهٔ ترقی و آبادی هر مملکت و هر شهر میباشد) بهمان اندازه موضوع تهیه و تکافوی ارزاق دران، کسب اهمیت کرده، اگر برای تدارك آذوقه اقدامات صحیح کرده نشود برای اهالی از سبب عدم کفایت ارزاق مشکلات زیادی پیش میشود .

همینست که هر قدر شهر کابل که پای تخت مملکت و مرکز رجوع عمومی می باشد ، از حیث نفوس و آبادی ترقی کرده ، به همان اندازه آذوقه رو به قلت و گرانی گذاشته ـ پس باین لحاظ بود که دراواسط سال ۱۳۱۶ درموقع تشکیل جدید ریاست بلدیهٔ کابل ، موضوع آذوقه و ارزاق نیز مورد توجهٔ مخصوص اولیای امور قرار گرفته برای چاره جوئی قطعی‌مشکلات ارزاق شرکتی‌بنام (شرکت ارزاق) درکابل تاسیس وسرمایهٔ ابتدائی‌آن سه‌میلیون (۳،۰۰۰،۰۰۰) افغانی قرارداده شده .
چنانچه رئیس این شرکت جناب عبدالرشید خان تاجر کابل (از جملهٔ شرکاء) انتخاب و شرکت موصوف در نظر دارد که از یك طرف آذوقهٔ خوراکه وغیره‌را از نقاطیکه دران وفور دارد، بمرکز وارد و بالمقابل در نقاط مذکور اموال وارداتی را برده به معامله داران خویش بفروش برساند تا برای هر دو طرف از سبب مبادلهٔ جنس با جنس فائده برسد .

ازآنجائیکه مسئلهٔ قلت و بی انتظامی ارزاق در پای تخت خیلی ناموزون واسباب نقصان عمومی بود ونیز ازین جهت که اکنون معامله داران اطرافی شرکت ارزاق ، اموال وارداتی خویش را توسط شرکت بشرایط آسان تری دستیاب کرده میتوانند ، بنابرین

(c) ketabton.com: The Digital Library

جهات شرکت ارزاق را میتوان در جملهٔ مؤسسات مفیدهٔ جدید مملکت شمار کرد .

نهضت حمل ونقل :

یکی از لوازم درجهٔ اول پیشرفت وترقی یك مملکت همانا وسائل حمل و نقل بوده و وسائل حمل و نقل نیز اولاً بسته بوجود راه های شوسه وخطوط آهن وغیره خطوط ارتباطیه میباشد که بهرسمت مملکت وتا سرحدات خارجه امتداد داشته باشد و بوسیلهٔ آن اموال تجارتی و مسافرین و سیاحین و مخابرات بکمال اطمینان و سرعت ارسال و مرسول شده ، سلسلهٔ روابط معاشرتی ومدنی بصورت صحیح جریان داشته باشد . افغانستان ما که از سبب کوهستانی بودن خود و بعضی عوامل دیگر تامدتهای درازی ازداشتن خطوط سرك وغیره لوازم حمل ونقل عصری محروم بود ، خوش بختانه درعصر فرخندهٔ نادر شاهی و ظاهرشاهی باثر جدیت زیادیکه ازطرف اولیای امور نسبت بهتمدید سرك‌ها بهرسمت مملکت وربط دادن ولایات و محالات خورد وبزرگ با یك دیگر و با مرکز ، بعمل آمد ، دارای یك سلسلهٔ خطوط موتر رو زیادی شده که امروز بواسطهٔ آن تمام ولایات و تقریباً تمام حکومات محلی وبسیاری ازعلاقه داریها با یکدیگر و به سلسله بامراکز مهمه و همچنین با پایتخت مربوط گردیده است . و طبیعی است که وجود همین جاده ها (اگرچه تمام آنها اساسی گفته نمیشود) نه تنها دراتساع تجارت و روابط مدنیه بلکه در تحکیم بنیان امنیت و حسن اداره و بالجمله در ترقی عمومی مملکت عامل نهایت مهمی ثابت گردیده است . البته که این خطوط سرك موتر رو برای احتیاجات

آیندهٔ ما کفایت نکرده ، ازیك طرف توسعه و پخته‌کاری سرك های موتر رو ، واز طرف دیگر تمدید خطوط آهن لازم میباشد ، چنانچه برای این هر دو موضوع از حالا ترتیبات لازمه گرفته شده و درعین حالیکه شوسه های معتبر تجارتی مثل سرك کابل ـ پشاور پخته‌کاری میشود ، موضوع احداث خطوط آهن نیز زیر بحث بوده ، حکومت متبوعهٔ ما اراده دارد که ازطریقی که مطابق مصالح سیاسی واقتصادی وطن باشد ، بتمدید خطوط آهن اقدام ورزد . اما برای وقت حاضر که از سبب توسعهٔ معاملات ، موضوع حمل و نقل خیلی کسب اهمیت نموده ، برای رفع حوائج تجارتی و غیره به یك اقدام بسیار مفیدی که عبارت ازتاسیس یك ادارهٔ عمومی حمل و نقل وخریداری (۳۵۰) عراده موتر بار کشی بزرگ باشد ، تشبث ورزیده چنانچه تاکنون تعداد زیاد موترهای مذکور از کار خانهٔ (بد فورد) امریکائی وارد ودر ساختن بدنهٔ آن نیز طوری ترتیب گرفته شده که بارهای کلان آزادانه دران حمل و نقل شده بتوانند و از خطرات شکستن و چپه شدن نیز تا اندازهٔ زیاد محفوظ باشد . از طرف دیگر برای این تعداد موترها در مرکز ساختمان موتر خانهای بزرگ عصری در نظر گرفته شده که عموماً در حوالی قریب شهر کابل تعمیر میشود و حالیه کار تعمیرات مذکور جریان دارد .

همچنین برای موترهای مذکور تهیهٔ موتر رانهای لایق و عملهٔ لازمه و کار خانهٔ ترمیم و بسته کاری تحت توجه قرار داده شده و برای این مقصود مکتب موتر رانی و فابریکهٔ ترمیم موتر وسعت زیاد داده شده است و بالاخره از طرفی هم برای اصلاح سرکها اقدامات زیادی بعمل آمده و چنان ترتیب گرفته شده است که سرکهای مهم

(c) ketabton.com: The Digital Library

حتی‌المقدور بوسائل ممکنه پخته کاری شود چنانچه جهت این منظور کار سنگ انداختن و فرش جغله و ریگ در تمام سرکهای عمومی آغاز گردیده است. ازین رو میشود ادعا کرد که ازحالا موضوع حمل و نقل که بقرار تشریحات فوق اساس هر قسم پیشرفت و ترقی را تشکیل میدهد، داخل یك نهضت جدیدی شده است که میتوان گفت آیندهٔ درخشانی را در بر دارد.

سرك بدخشان:

علاقهٔ بدخشان که یکی از علاقه جات مهم و شاداب و حاصلخیز و پر ثروت حصص شمالی افغانستان و از روی تقسیمات ملکیه یگانه حکومت کلان ولایت قطغن و بدخشان میباشد، بسبب کوهستانی بودن از مدتها جادهٔ صحیحی که این علاقه را با مرکز ولایت (خان آباد) و باقی حصص افغانستان و بسلسله بمرکز کابل اتصال بدهد، وجود نداشته بنابران ۳ سال پیش حکومت متبوعه احداث یك سرك موتر رو عصری را از خان آباد تا فیض آباد (مرکز حکومت کلان بدخشان) و از آنجا به حصص سرحدی و علاقه جات دور دست نواح مذکور، تصمیم نموده، درین سه‌سال بتوجه‌جدیانهٔ و، ج شیرمحمدخان نائب الحکومهٔ قطغن کار احداث سرك مذکور که پر از کوتل ها و سنگلاخ های وغیره موانع طبیعه میباشد، بجدیت‌تمام جریان داشته، خوشبختانه درسال ۱۳۱۶ سرك به فیض آباد وصل و در ماه اسد با تشریفات بلندی از طرف ع، ج سردار محمد نعیم خان وزیرمعارف افتتاح گردید. وبلافاصله کار امتداد آن بسوی پامیرات وغیره‌نواحی بدخشان آغاز یافت.

این سرك از خان آباد تافیض آباد مجموعاً (۱۱۰) کیلومتر طول دارد و یکی از مهمترین جاده های افغانستان است که علاوه بر ارتباط صحیح که از وجود آن ما بین بدخشان و سائر مراکز افغانستان، ایجاد شده، از نقطهٔ نظر اقتصادی نیز برای پیشرفتهای زراعتی و تجارتی آن حصص و بیشتر اکثر نقاط ولایات شمالی، امداد شایانی میرساند.

سرك تگاب:

علاقهٔ نجراب و تگاب که در سمت شمالی کابل واقع و از یك طرف باراه های ولایت شمالی و از جانب دیگر باجادهٔ سمت مشرقی (که بطرف هند میرود و راه‌تجارتی مهم افغانستان محسوب میگردد) اتصال دارد، دارای کوهستانات دشوار گذاری‌بوده و با وجود نزدیکی بمرکز و اهمیت اقتصادی که داشت از دور افتاده ترین حصص مملکت بشمار میرفت. تا آنکه در سال اول زمامداری اعلیحضرت همایونی‌برای احداث یك سرك موتر رو از راه چاریکار تا مرکز نجراب و تگاب و بعد اتصال آن با سرك سمت مشرقی عملیات ساختمانی آغاز گردیده، سرك مذکور که احداث آن عملیات مشکلهٔ سرنگ پرانی وپل سازی و غیره را ایجاب میکرد، دراخیر سال ۱۳۱۵ بمرکز تگاب اتصال یافته و اکنون نزدیك است که باسرك مشرقی اتصال پیدا کند.

احداث این سرك علاوه ازانکه دو علاقهٔ خیلی مهم را بمرکز مربوط وراه رفت و آمدموتررابآن باز میسازد، از نقطهٔ نظر اینکه پس ازاتصال یافتن سرك مذکور باسرك مشرقی، مال‌التجارهٔ ولایات

(c) ketabton.com: The Digital Library

شمالی ازراه مذکور راسابطرف خارج صادر و در مسافت طی کردنی در حدود هفتاد (۷۰) کیلومتر تقلیل بهم رسیده موجبات فائدهٔ موتر دارها و تجار وهم اسباب زود رسیدن اموال را فراهم خواهد ساخت ، بیشتر حائز اهمیت میباشد . سرك تگاب روی هم رفته از گلبهار تا کز تگاب (۶۰) کیلومتر و از تگاب تا سرك مشرقی (۳۶) کیلومتر طول دارد .

تاسیس کارخانه جات :

یکی ازمرام های خیلی مهم حکومت متبوعه درقسمت اموراقتصادی تسیس و تدویر کار خانه جات است تا روز بروز احتیاجات صنعتی ما از خارج کم شده رفته از مواد خام پیدا وار مملکت رفع احتیاج بشود . چنانچه درین چند سال یك تعداد زیاد کار خانه جات مختلفه خریداری ودایر شده است . بهمین سلسله چند کارخانهٔ ذیل درسال ۱۳۱۶ دایر و افتتاح گردیده :

۱ــ کار خانهٔ ساختمان پنبهٔ هیدروفیل :

که برای شفاخانه هاوغیره مؤسسات فنی پنبهٔ مخصوص را تهیه میکند و در جبل السراج بجوار فابریکهٔ نختابی در شرف تدویر است .

۲ــ دستگاه های پاك کردن وعدل بندی وروغن کشی پنبه :

که ازطرف شرکت اتحادیهٔ شمالی درنقاط مختلفهٔ قطغن دایر شده است .

۳ــ مطبعهٔ جدید :

که دارای تمام لوازم طباعتی عصری وازجدید ترین سیستم ها بوده و اکنون بکلی جریان یافته است .

۴ــ مطبعهٔ جدید درهرات :

که از طرف جناب دوست محمد خان ایماق معاون بانك ملی تاسیس وبتازگی شروع بکار نموده است .

۵ــ کارخانهٔ ترمیم موتر شرکت اسهامی :

که دارای تمام لوازم ترمیمیه و بسته کاری بوده و درین سال آغاز بکار نموده است .

علاوه برین ، ضوریکه اطلاع گرفته ایم در جریان این سال کار خانهٔ بزرگ نساجی (دارای ۲۰۰۰ دستگاه برقی) و کارخانهٔ بزرگ قند سازی (از لیلبو) و کار خانهٔ بزرگ سمنت سازی و مرکز رادیو ودستگاه معالجات برقی وفابریکهٔ ۳۰۰۰ کیلواتهٔ برق خریداری شده است که عنقریب وارد ونصب وتا چندی بکار انداخته خواهد شد جنانچه از طرف دیگر کار تعمیر و سائر ترتیبات این کار خانه جات جدیده قبلا آغاز شده است .

۶ــ دستگاه بیسیم میمنه ودایزنگی :

که اگر چه درقطار کارخانه جات نیست ، اما بازهم ازنقطهٔ نظر اهمیت خود درینجا ذکر گردید . علاوه برین دستگاه بزرگ بیسیم که با تمام دنیا مخابره کرده میتواند در کابل در شرف نصب میباشد .

ترقی تجارت :

یکی دیگر از مظاهر پیشرفت اقتصادی وطن در سال ۱۳۱۶ همانا ترقی تجارت است که نسبت به سال قبل بلکه نسبت به سالهای

(c) ketabton.com: The Digital Library

گذشته رو بترقی بوده ، اگر به احصائیهٔ تجارتی نظر انداخته شود درین سال مجموع میزانیهٔ تجارتی « صادرات و واردات » باوجود بحران مواد خام وغیره عوامل ناگواریکه دربرابر تجارت بین المللی در دنیا رخ داده است . نسبت به سال ۱۳۱۵ فیصد (۵) اضافه‌تر است که این بذات خودیك دلیل محکمی است برای ادعای اینکه اوضاع اقتصادی افغانستان رو بهبود میباشد .

همچنین عایدات دولت روی همرفته نسبت بسال ۱۳۱۵ فیصد(۲) اضافه‌تر بوده ، بنابراین دودلیل فوق میتوان گفت که اوضاع معیشت ملی نیز در حال ترقی میباشد .

❀ ❀ ❀

این بود خلاصهٔ اقدامات برجستهٔ اقتصادی که درسال ۱۳۱۶ درتحت توجهات قیمت داراعلیحضرت معظم همایونی، بمساعدت وهمکاری حکومت و ملت ، صورت اجراء بخود گرفته و از روی آن میتوان امیدوار شد که وطن عزیزما از جنبهٔ اقتصادی نیز داخل یك دورهٔ نهضت ارتقائی صحیح و سریعی بوده گامهای بزرگی را بسوی پیشرفت اساسی میبر دارد .

« رشتیا »

مطبعه درافغانستان

بقلم جناب احمد الله خان « کریمی » عضو انجمن

مطبعه یکی ازرؤس عوامل مدنیت و یکی از بزرگترین وسائل تعمیم و اشاعهٔ علم و عرفان و افکاراست . قبل ازایجاد مطبعه علوم وفنون و افکاربه یکصورت نهایت بطی وبه یك مقیاس خیلی محدودی انتشار یافته هرشخص نمیتوانست که بسهولت از نور معرفت مستفیض گردد و حتی از باعث فقدان کثرت آثار دران آوان علوم و فنون و معرفت را منحصر بفرد میتوان خواند . وقتا که دراثر مساعی قیمتدار مرحوم شهیر آلمان (گوتمبرگ) مطبعه ایجاد ودراثرتوجهات یکرخادمان بشرترقی وتعمیم یافت ، نظر بدرجهٔ ترقی وتوسعهٔ آن علم وعرفان هم ازخصوصیت و حوزه های خیلی محدود خود بدر شده بالاخره عالم شمول شد . امروز مطبعه علاوه ازینکه وسیلهٔ مهم تعمیم معارف و اشاعهٔ افکار و نظریات است درسایهٔ ظرافت و نفاست طبع و قشنگی گراورهای خود بهترین تازیانهٔ شوق هم میباشد . خلاصه مطبعه سر چشمهٔ معرفت و یکی از وسائل مهمهٔ ناقل مدنیت است .

در افغانستان مطبعه ابتداً در زمان امیر شیر علیخان مرحوم قدم گذاشته آهسته آهسته بوسعت وترقی خود کمیتاً و کیفیتاً افزوده رفت . دران وقت مطبعه عبارت ازیك ماشین (یه رس) مانندوبعضی ادوات ساده وبسیط لیتوگرافی چاپ « سنگی » بود که بذریعهٔ آن اخباری به اسم

(c) ketabton.com: The Digital Library

شمس النهار بابعضی ازتکت های پسته وچندکتاب دران بطبع رسیده ، درعصرامیر عبدالرحمن خان این مطبعه کمی وسعت یافته صکوکات دولتی بابعضی اعلانات و کتاب‌ها چاپ شد. درزمان امیرحبیب الله خان هم ازنقطهٔ نظر فزونی ماشین‌ها وهم ازباعث تحریك آن بذریعهٔ قوت بخار به‌یك صورت‌خوبتری ترقی‌نمود لیك باوجوداین‌تااواخر ۱۲۹۰ش تماماً لیتوگرافی چاپ سنگی بود دراوایل ۱۲۹۱ش لوازم تیپوگرافی (چاپ حروفی) که ماشین آن بذریعهٔ قوهٔ بخارحرکت میکرد بادستگاه بسیط زینگو گرافی ، جدیداً خواسته شده سراج الاخبار وصکوکات بابعضی آثار دران‌طبع‌گردید. اخیراً یك مطبعهٔ تیپوگرافی خیلی بسیط وکوچك دیگری بنام مطبعهٔ عنایت که تقریبا شخصی بود هم بوجود آمد. درعصر امانیه مطبعهٔ عنایت بامطبعهٔ بسیط وکوچك دولتی ضم و چند پایه ماشین دیگرجدیداً ازقسم حروفی به آن علاوه گردید وضمناً دربعضی ولایات مطابع بسیار بسیط و کوچکی جهة نشر جرائد و بعضی امور ضروریه که هرکدام دارای یك یك پایه ماشین مودل سابقه بود بوجود آمد . درزمان منجی افغانستان اعلیحضرت نادرشاه فقید (رح) علاوه ازینکه خساره‌هاوشکست‌وریخت زمان انقلاب تلافی ونواقص سابقه تکمیل گردید عمارت مطبعه به‌یك صورت خوبی توسیع یافته‌تمام مطابع مرکزبه استثنای متابع شخصی تحت یك ریاست جمع و دو پایه ماشین جدید برقی لیتوگرافی‌ویك‌پایه‌ماشین مودل جدید« آفسیت » بایك تعداد لوازم ضروری دیگرمثل کامره وچراغ زینگو گرافی حروفهای‌فارسی، لاتینی پشتو وغیره سامان‌توریدگردیدضمناً به تعداد مرتبین‌وماشین کارهای مطبعهٔ عمومی‌هم افزوده شد خلاصه در زمان اعلیحضرت نادر شاه باوجود مدت

اندك ومشاغل به سائر امور مهمه ، مطبعه نسبت بدوره های سابق نظم و نسق خوبی‌پیدا نمود . در زمان سعادت اقتران اعلیحضرت جوان المتوکل علی الله که حوزهٔ نشریات وسعت یافت حسب ارادهٔ سنیهٔ همایونی ع ، ص عبدالحمید خان رئیس مطابع جهة توریدیك تعداد ماشینهای زیاد متنوع عصری برای مطبعهٔ عمومی به اروپا اعزام‌گردیده مشارالیه یك تعداد ماشین‌های زیادرا ازبهترین وجدید ترین ماشینهای اروپا که تفصیل آن در ضمن عناوین خصوصی درج است توریدنمود . اینك بذریعهٔ همین ماشین ها و لوازم جدید و عصریست که در نفاست وزیبائی طبع حروف و عکس ها و بانك نوتها و صکوکات و سرعت کار و غیره امور طباعتی تطور عظیمی رخداده . مابرای اینکه دائر به نهضت طباعتی افغانستان معلومات تقدیم علاقمندان کرده باشیم مطبعهٔ عمومی افغانستان را که نسبت بدیگر مطابع این مرزبوم از هر حیث بزرگ و دارای اهمیت و قیمت خاص و مقام خیلی ممتاز است مطرح بحث اجمالی خویش قرار میدهیم :

عمارت مطبعهٔ عمومی :

عمارت‌این‌مطبعه‌دریکی‌ازمواضع بهترین کابل بجوارشمالی باغ ارگ واقع است. نخست‌این عمارت گرچه محدود و کوچك بود لیك در سایهٔ توجهات قیمتدار عرفان پرورانهٔ اعیحضرت فقید شهید (نادرشاه جنت‌مکان)واهتمامات معارف‌خواهانهٔ پادشاه‌فهیم‌وجوان‌المتوکل‌علی‌الله متدرجاً بزرگ واصلاح شده رفت. فعلا عمارت آن بروی (۱۰) جریب « سه‌ونیم هکتار » زمین به یك‌صورت قشنگ ومتین استوار بوده بخوبی توانسته‌که صدها ماشین وچندین‌صدنفرعمله وفعله را درخود بگنجاند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

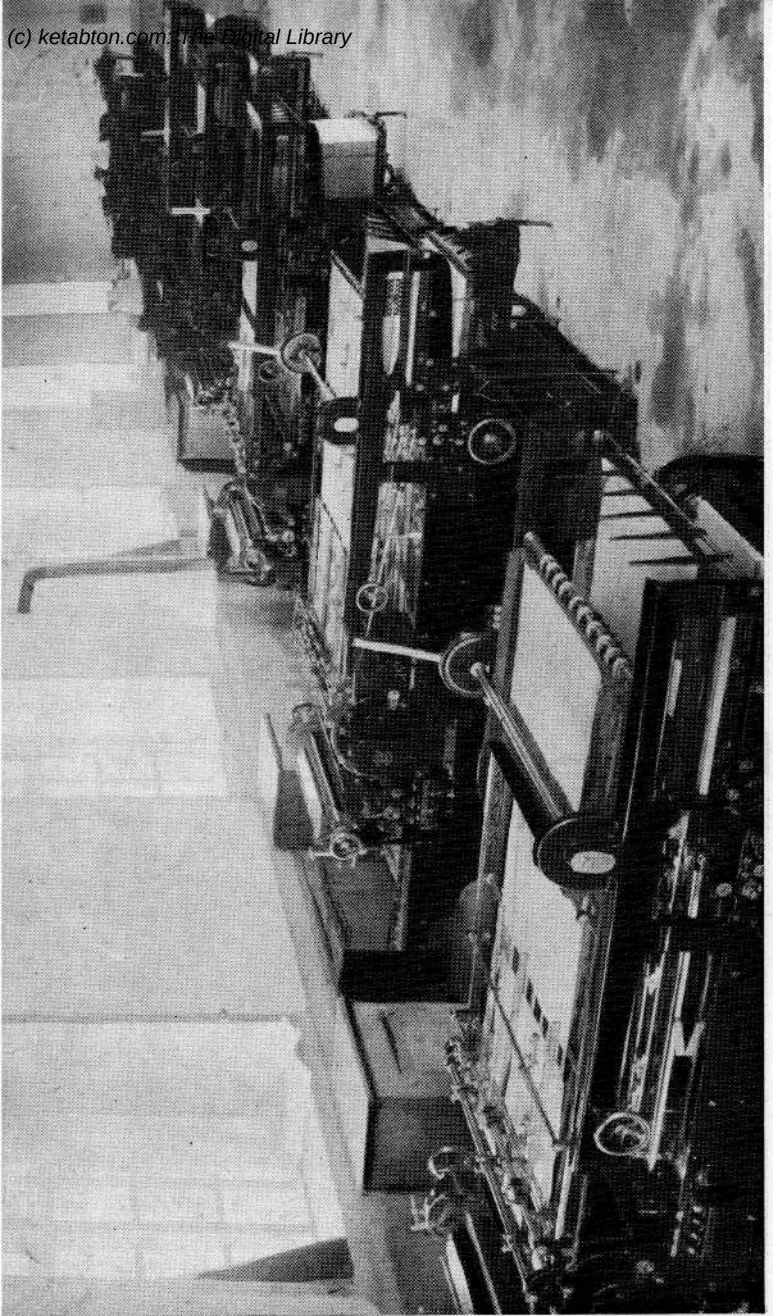

مطبعهٔ جدید کابل : کار خانهٔ طبع حروف وماشین های اتوماتیك « گودرون » و « استرا »
Nouvelle imprimerie de Kaboul : vue générale des machines de type Gudrun et Astra

این عمارت چه در قسمت داخل و چه خارج صحن های و سیع و هوا داری جهت تنزهه و تفرج برای اوقات استراحت کار گرها دارد. فرش بعضی اطاقها از سنت و بعضی از سندله و برخی هم از خشت پخته است. سقف خارجی آن عموما با آهن چادر پوشانده شده و رخ وداخلی آن ازچوب مسطح شده است. جزقسمت درب عمومی که محل ریاست ودوائر مطبعهٔ است دیگرحصص عمارت یك پوششه بوده مطابق یك کارخانهٔ عصری هر نوع لوازم و احتیاجات آن مکمل میباشد.

شعبهٔ حروف ریزی وحروف چینی :

حروف ریزی :

قبل ازسنهٔ حاضره حروف از خارج خواسته میشد که این مسئله علاوه بر مضرت اقتصادی مانع بزرگی در راه بهبود طباعت آثار بود. اینك درسایهٔ ماشین های جدید حروف ریزی هرنوع حروفهای خورد وکلان باسربی ها وغیره به یك تعداد زیادی درخود مطبعه تهیه میشود ماشین های حروف ریزی به این تعداد است :

(۱) دستگاه گرد ازسرب وانتمین ذریعهٔ گیس ، تیل ، ذغال سنگ جهةماشین‌های حروف‌ریزی‌وساخت سربی‌های فاصله (۳) پایه

(۲) ماشین حروف ریزی‌جدید ازفابریکهٔ (منزفیل) آلمان که بذریعهٔ قالبهای مختلف هرنوع حروف فارسی ، افغانی ، لاتینی واقسام اشکال تزئینیه وغیره میریزد (۲) پایه.

(۳) ماشین برش لوحه‌های سربی و برنجی از نوع اعلی باموتر برقی و تمام لوازم مکمل (یك) پایه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین های افست که از روی جست تصاویر ومضامین را چاپ میکند
Nouvelle imprimerie de Kaboul : vue générale des machines de type Offset

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین های اتوماتیک صحافی ، قات کاری ، دوخت ، جزبندی و غیره در کار خانهٔ صحافی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une vue des machines de reliure

(c) ketabton.com: The Digital Library

مطبعهٔ جدید کابل : یك قسمت از کار خانهٔ زنکوگرافی و ماشین های مربوطهٔ آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une partie des ateliers de typographie

مطبعهٔ جدید کابل : کار خانهٔ طبع روی جست وماشین های مربوطهٔ آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : l'atelier de reproduction sur les plaques de zinc

(c) Bibliotheca Alfonsina

مطبعهٔ جدید کابل : یك گوشهٔ کارخانهٔ کلیشه سازی و ماشین های مربوطهٔ آن
Imprimerie moderne à Kaboul : l'atelier de préparation des clichés

مطبعهٔ جدید کابل : یك قسمت از کارخانهٔ زنکوگرافی و ماشین های مربوطهٔ آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une partie des ateliers de typographie

(c) ketabton.com: The Digital Library

حروف چینی :

حروف چینی بذریعهٔ یك تعداد جوانهای با سواد که بصورت خوبی درین کار کسب مهارت نموده اند توسط دست اجرا میگردد درشعبات حروف چینی برای هر شخص میزهای مخصوصی بصورت جدا جدا وجود دارد . جهة اخذ پروف سه پایه ماشین از سیستم های جدید فابریکهٔ (هوگن فورست) که درین تازگی وارد شده و ۲ پایه ماشین ازسیستمهای سابقه بهاندازههای مختلف موجود است .

شعبهٔ طبع حروفی :

برای طبع حروفی نخست دوقسم ماشین وجود دارد ، ماشینهای سیستم جدید وماشینهای سیستم سابقه . ماشین های سیستم جدید که درین تازگیها وارد شده بدینقرار است :

(۱) ـ ماشین های مودل ۱۹۳۶ ساخت فابریکهٔ مشهور آلمان (اروکشترو) : (ویکتوریا فروند گدرون) که تماماً اتومات (عامل بالذات) و دارای وسعت کافی میباشد جهة طبع صحائف بزرگ با لوازم و موتر برق (۵) پایه .

(۲) ماشین ساخت فابریکهٔ (ویکتوریا استرا) کاملاً عامل بالذات باموتر برق و سائر لوازم (۳) پایه .

(۳) ـ ماشین پولی ساخت فابریکهٔ ـ آ ـ ن ـ کارخانه ماشین سازی اوگس بورك نورن برگ کاملاً اوتومات (عامل بالذات) (۲) پایه .

(٤) ـ ماشین (اتومان) ٦١ در ۸۰ سانتی اندازهٔ طبع تماماً عامل با لذات (۲) پایه .

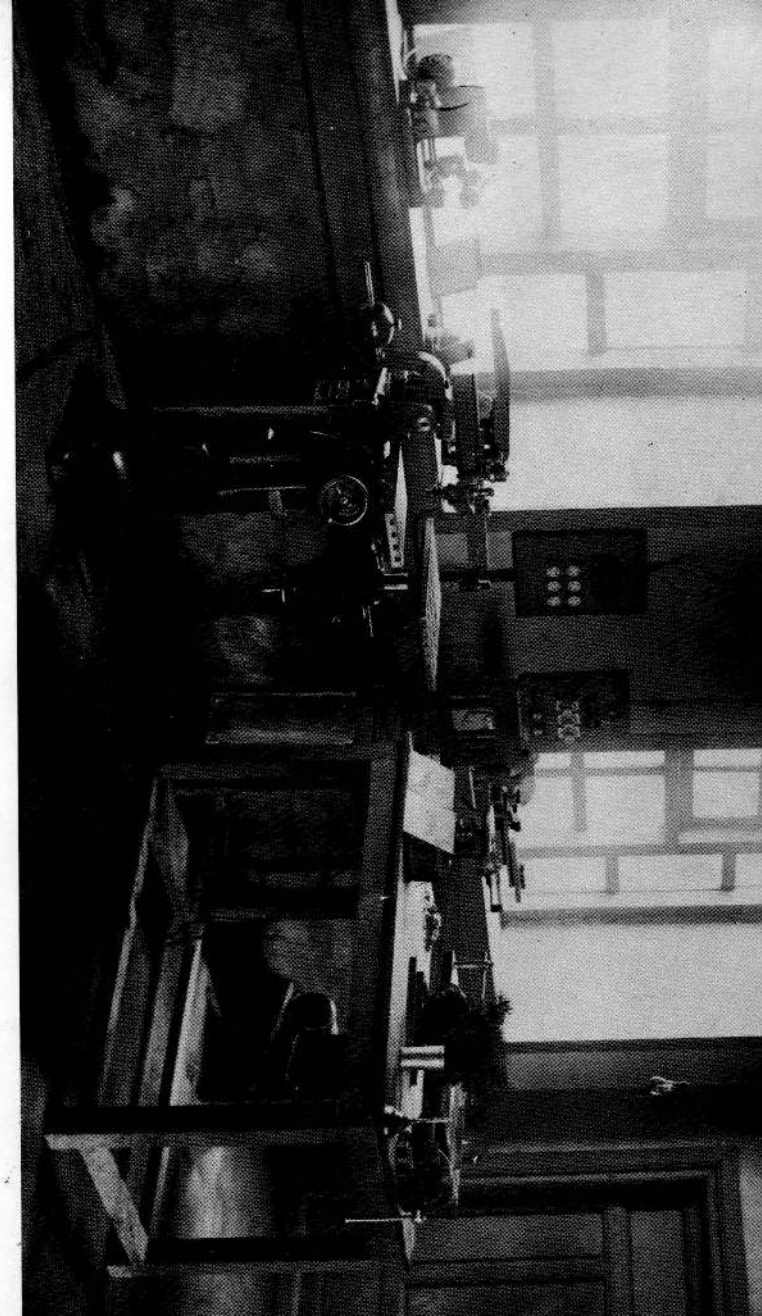

مطبعهٔ جدید کابل : یك قسمت از کارخانهٔ زنکوگرافی و ماشین های مربوطهٔ آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une partie des ateliers de zincographie

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۵) ـ ماشین « ترنو » کامل عامل بالذات ۷۰ در ۱۰۰ سانتی اندازهٔ طبع (۱) پایه .

(٦) ماشین « تیگل » تماماعامل بالذات ازفابریکهٔ (جونبورك) (۱) پایه .

(۷) ماشین « برونزیر » برای زدن بوك (حل طلامانند) برروی کاغذ تماماعامل بالذات باموتربرق ازمودل جدیدازفابریکهٔ (گراوز)(۱) پایه .

(۸) ماشین ساختن و ریختن رولهای جلاتینی (۱) پایه .

ماشین های سابقه :

(۱) ماشین برقی خورد و کلان حروفی از مودلهای سابقه که ازعرصهٔ چندین سال است که کار میدهد (٤) پایه .

(۲) ماشین پایه‌کی خورد ووسط ازمودلهای سابقه (۱۰) پایه .

شعبهٔ آفزیت وام دروك :

ماشین های بکلی جدید که درهمین نزدیکی ها وارد شده :

(۱) ماشین (رولندآفزیت)نمبر۳ ازفابریکهٔ (فابرواند شلایشر) آلمان (۱) پایه .

(۲) ماشین (کلای نودآفزیت) ازفابریکهٔ (پلانبتا) که توسط آن اقسام نوشته جات وتصاویر وجداول ونقشه ها به الوان مختلفه وساده بانفاست مخصوصی طبع میشود (۱) پایه .

(۳) ماشین کابی برای جستهای آفزیت باموتر برق و سامان لازمه از مودل جدید فابریکهٔ (کلمش) (۲) پایه .

(٤) ـ ماشین (آف سیاپریش) جهت کاپی او رگنیل گرفتن از فابریکهٔ (گراوز) (۱) پایه .

(۵) ـ ماشین پوش کردن رولهای آفزیت مکمل اسباب ازفابریکهٔ « کلمش » (۱) پایه .

(٦) ـ ماشین حل کردن رنگ باموتر برق مکمل اسباب از فابریکهٔ (هوگن فورست) (۱) پایه .

(۷) ماشین صاف کردن جستهای آفزیت باموتر برق و سامان لازمه از فابریکهٔ کلمش (۲) پایه .

(۸) ماشین صاف کردن پلیت های المونیمی و سنگ های طبع از فابریکهٔ (گلوتسر) (۲) پایه

(۹) ماشین‌های شستن رولهای آفزیت و ماشینهای (بوکدروك) کامل عامل بالذات باموتر برق (۲) پایه .

ماشین های سابقه :

در اوایل سلطنت اعلیحضرت نادرشاه فقید شهید یك عدد ماشین آفزیت برقی کلان از فابریکهٔ (کلاه ینوی آلمان) بایك ماشین برقی صاف کردن پلیت های المونیم در مطبعه نصب و بکار افتیده که حاضراً نیزازان به بسیار خوبی کار گرفته میشود .

زنکوگرافی :

ماشین ها و آلات زنکوگرافی هم به دوتفریق است ماشین ها و آلات مودل جدیدکه درین تازگی‌ها واردشده وماشین‌وآلات سابقه .

ماشین های مودل جدید :

(۱) کمرهٔ (اتوورتیگال) برای عکاسی زنکوگرافی از نوع و مودل جدید از فابریکهٔ (هوهانن) یك عدد .

(۲) ماشین (آیرو گراف) مکمل باموتر برق از مودل جدید ازفابریکهٔ هوهانن جهة کارهای رسمی ورتوش (۱) پایه .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۳) ماشین آتسه کاری کلیشه های زنگوگراف مکمل اسباب باموتر برق از فابریکهٔ (هوهانن) (۱) پایه .

(٤) ماشین ترنت برای شمیکال دادن کلیشه ها از فابریکهٔ کلمش (۲) پایه .

(٥) ماشین کاپی برای کلیشهٔ زنگوگرافی از مودل جدید بابمبه وچراغهای برقی کار بونی از فابریکهٔ (هوهانن) (۱) پایه .

(٦) ماشین (ردوکسیون) برای انلارج نقشه ها و کلیشه ها مکمل اسباب ، ساخت فرانسه (۱) پایه .

(۷) ماشین برش جست های زنگوگرافی برای کلیشه سازی از نوع اعلی باموتر برق ازفابریکهٔ هوگن فورس (۱) پایه .

(۸) ماشین رو تنگ برای کندن وخالی کردن کلیشه های زنگوگراف باموتر برق و سامان لازمه (۱) پایه .

(۹) ماشین صاف کردن تخته های چوبی و فلزی جهة نصب کلیشه هاازفابریکهٔ (هوگن‌فورست) باموتر برق (۱) پایه .

(۱۰) میز های ممتاش برای درست کردن فلمها که ذریعهٔ چراغ برق روشن میشود از فابریکهٔ (هوهانن) (۲) پایه .

(۱۱) روبراتهای رتوش از قسم اعلی از فابریکهٔ (هوهانن) (۲) پایه .

(۱۲) کمرهٔ عکاسی رنگه که ذریعهٔ آن عکسهای رنگه گرفته میشود از مودل جدید فابریکه (بریم فون) (۱) پایه .

(۱۳) کمرهٔ انلارج ازمودل جدید ازقسم اعلی (۱) پایه .

دستگاه زنگوگرافی سابق :

دستگاه زنگوگرافی سابق بسیط بوده عبارت از یك کامرهٔ زنگوگرافی و بعضی سامان ساده مثل چراغهای برقی کار بونی و غیره میباشد قبل از ورود ماشین های جدید اکثر کار زنگوگرافی بذریعهٔ دست اجرا میشد .

هیوگیولوشی سازی وگراور:

برای ساخت نوتها وچك‌ها وتهیهٔ هرنوع خطوط‌مسلسل تلافیف وتعاریخ دار وتحریر برجسته ونقر اشکال مختلفه در روی مس ، فولاد جست ، شیشه وغیره بقسم برجسته وهموار ، ماشین های تماماً اتوماتیك جدید درهمین نزدیکی‌ها توریدشده که‌در راه یك‌قسم مهم‌حوائج مملکتی خدمت شایانی مینماید . تعداد ماشین های عمدهٔ آن قرارذیل است :

(۱) ماشین خیلی دقیقت گراور گیولوشی سازی ساخت فابریکهٔ ندرلای استرایا ، بکلی اتومات (عامل بالذات) از بهترین وجدید ترین مودلهای دنیا ، باموتر برق ولوازمات . این ماشین جهة هرنوع گراور گیولوشی سازی برمس ، فولاد ، شیشه ، سنگ وغیره کار داده ازبهترین وجدیدترین ماشین‌های گیولوشی سازی دنیا است تا کنون در تمام دنیا۱۲ عدد ازان‌وجود دارد واین ماشین‌سیز دهم است‌که‌درافغانستان آورده شده .

(۲) ماشین گراور برای ترسیم خطوط مستقیم ، متوازی ، منحنی ومنکسر و غیره اشکال هندسی بانك نوتها چك ها ، برشیشه وسنگ از فابریکهٔ مشهور (کلمش) یك پایه .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۳) ماشین گراور برای ساختن گلهای گیو لوشی جهة بانك نوتها وچك ها غیره ازفابریکهٔ کامش (۱) پایه .

٤ ـ پنتو گراف جهة تصغیر وتکبیر تحریرات وغیره برروی کاغذ وغیره ازبهترین واعلی‌ترین مودل جدید ازفابریکهٔ (اتو) یك پایه .

٥ ـ کامرهٔ (روفرود کسیون) کامل اتومات با تمام لوازمات از مودل جدید رقم کلان برای ساخت هلیو گیولوشی‌ها هررقم و تونها جهة استعمات چك‌ها واسناد بانکی . . . ازفابریکهٔ (هو هانن) یك پایه .

٦ ـ ماشین گوپر دروك ازقسم اعلی برای چاپهای برجسته مکمل اسباب درفابریکهٔ هوگن فورست (۱) پایه .

۷ ـ ماشین های (پنتوگراف گراور) برای نقر وتهیه هر نوع کلیشه‌ها ازفولاد ، مس ، جست ، سنگ وغیره بقسم برجسته وهموار ازفابریکهٔ (دکل منشین) مودل ۱۹۳٦ ـ (۲) پایه .

صحافی :

قبل از تورید ماشین‌های جدید ، صحافی باصول قدیم بود لیك حاضراً درسایهٔ ماشین های اتوماتیك جدید هرنوع امور صحافی بذریعهٔ ماشین اجرا میگردد . ماشینهای صحافی قرار ذیل است :

ماشینهای جدید :

ماشینهای برش کاغذ کامل اتومات ازاعلی ترین وبهترین مودل جدید از فا بریکهٔ جونیورك (۲) پایه .

(۲) ماشین شبکه کردن کاغذ و تکت های پستی باموتر برق کامل اتومات ازمودل جدید از فابریکهٔ هوگن (۱) پایه .

(۳) ماشین‌های کاغذفاتی کامل اتومات از مودل جدید اندازهٔ سایز ۸٥ در ۱۱٦ از فابریکهٔ گوت برلین (۲) پایه .

(٤) ماشین های شیرازه بندی کامل اتومات اندازهٔ دوخت از ٥ الی ۳٦ سانتی از فابریکهٔ (گوت برلین) (۲) پایه .

(٥) ماشین ها ی دوخت سیم ، کامل اتومات باموتر برق از فابریکهٔ برلیسر (۲) پایه .

(٦) ماشین سرش‌زدن کاغذ کامل اتو ما ت ، سایز ٦٥ سانتی از فابریکهٔ (پر کما) یکپایه .

(۷) ماشین صاف کردن پشتی کتاب و غیره باموتر برق کامل اتومات اندازهٔ کار ٦۰ سانتی از فابریکهٔ (پرکما) (۱) پایه .

(۸) ماشین خط انداختن دوسیه ها وکتابها وغیره کامل اتومات با موتر برق از فابریکهٔ پر کما (۱) پایه .

(۹) ماشین پری گی پرس برای کار های برجسته مکمل اسباب از فابریکهٔ (گراوز) (۱) پایه .

(۱۰) ماشین تیز کردن تیغ های ماشین های برش کامل اتومات با موتر برق از فابریکهٔ (هوگن فورست) (۱) پایه .

(۱۱) ماشین برش وساخت پاکت های متنوع از کاغذ از فابریکهٔ گراوز (۱) پایه .

ماشینهای سابقه :

قبل از تورید ماشین های جدید فوق الذکر صحافی به اصول سابق بذریعهٔ دست اجرا میشد تنها برای برش یك دانه ماشین برقی و۳ دانه ماشین پایه کی وجهت شبکه ۳ پایه ماشین پایه کی ازسابق وجود داشت

(c) ketabton.com: The Digital Library

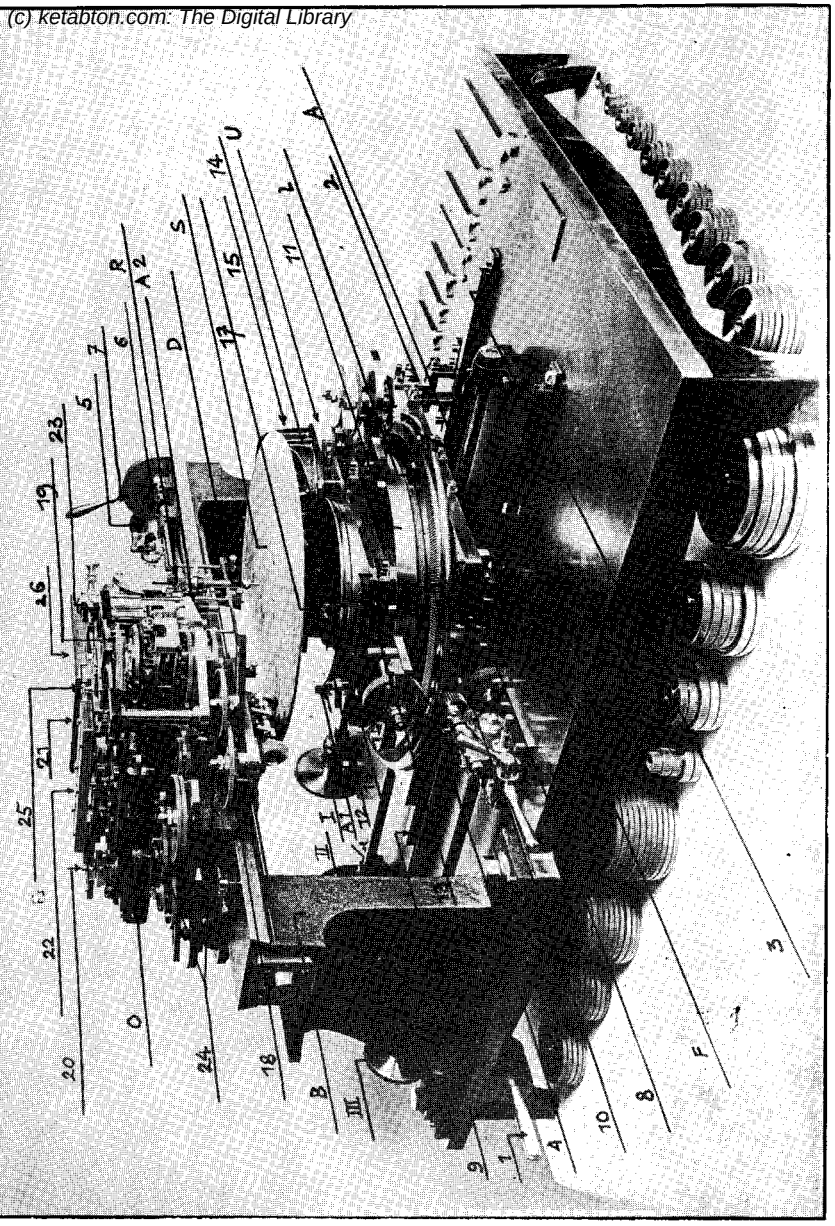

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین نوت سازی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : la machine de Hylioguiolochie

که فعلا درین مطبعه بیکار بوده ممکن درمطابع دیگر ازان کار بگیرند .

لیتو گرافی :

برای امور لیتو گرافی فعلاً ماشین ها ولوازم ذیل وجود دارد :

(۱) ماشین برقی سنگی ازقسم اعلی که در زمان اعلیحضرت فقید شهید خواسته شده (۲) پایه .

(۲) ماشین خورد وکلان دستی سنگی ازمودلهای سابقه (۵) پایه

(۳) ماشین چسپاندن کاپی برروی سنگ « « « (۱) پایه

فعلا درشعبهٔ لیتو گرافی تجددی خوبی دیده میشود لیك در نظر است که در آینده قریب دراین شعبهٔ مطبعه هم مثل دیگر شعب تطوری بوجود آید .

عمله وکار گرهای مطبعه :

درین مطبعه مرتبین وماشین کارها وکاپی نویس ها وغیره نفری که درشعب مختلفه یومیه مصروف کاراند عبارت از (۳۰۰) نفرمیباشد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مطبعهٔ جدید کابل : یك قسمت از کارخانهٔ صحافی باماشین های اتوماتیك برش ، شبکه ، حاشیه گیری وغیره
Nouvelle imprimerie de Kaboul : nu coin de l'atelier de reliure

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین های عکاسی کار خانهٔ زنکو گرافی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : les appareils photographiques

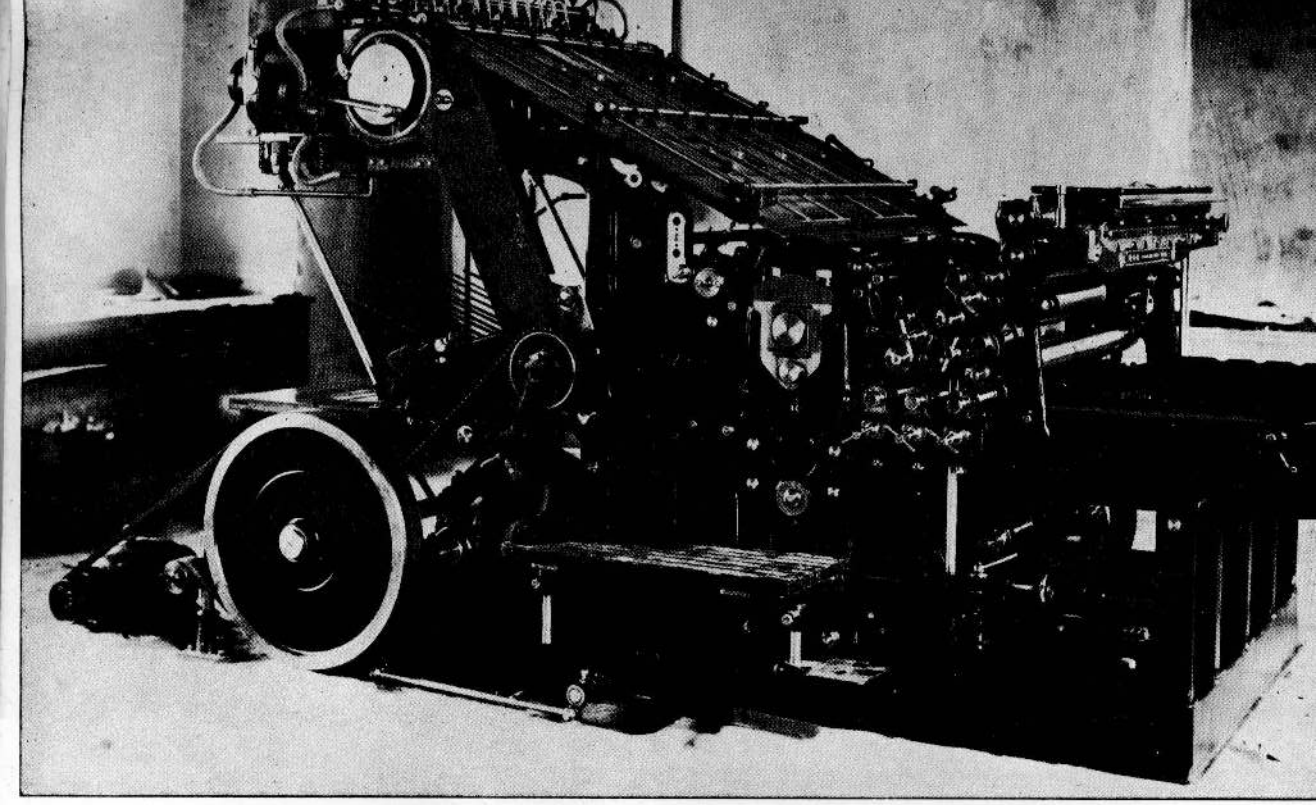

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین بزرگ طبع حروفی که تا اندازهٔ ۷۰ در ۱۰۰ سانتی را نیز طبع کرده میتواند
Nouvelle imprimerie de Kaboul : une des machines à grand forma

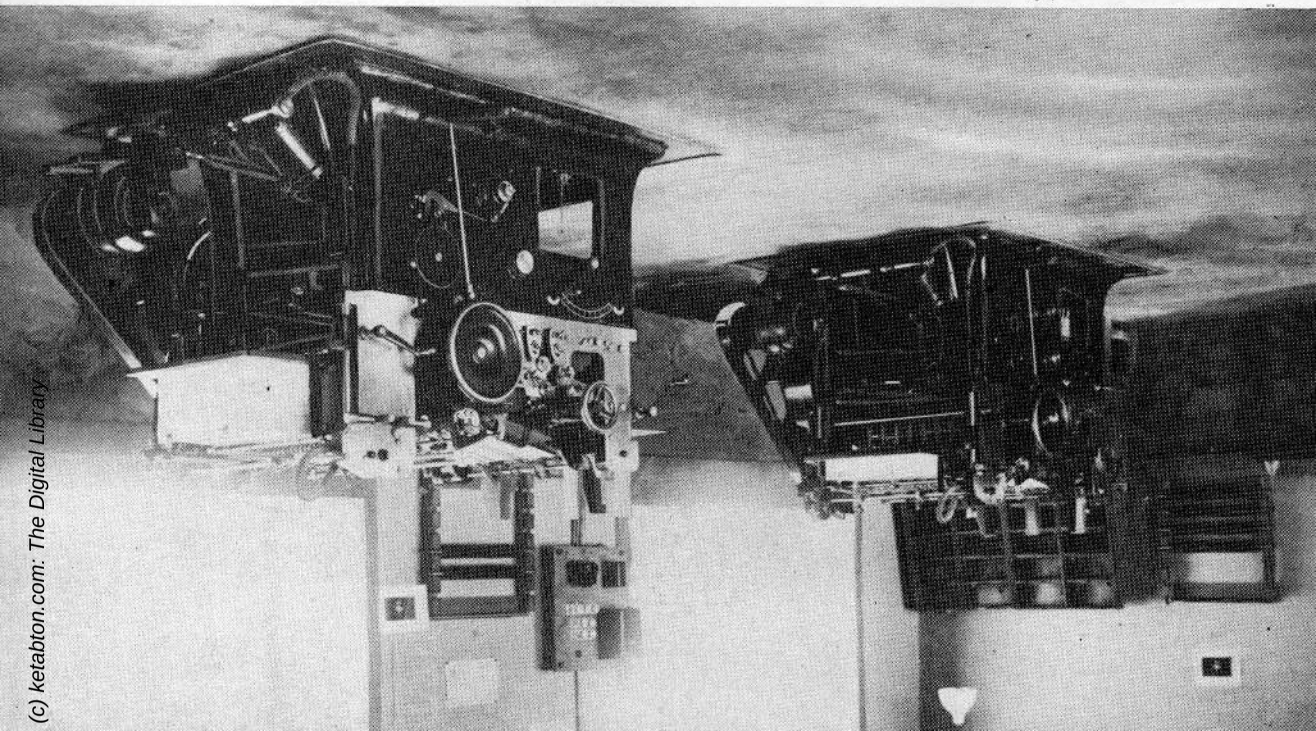

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین های اتوماتیک طبع حروفی از روی پوسی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : les machines de type Possi

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

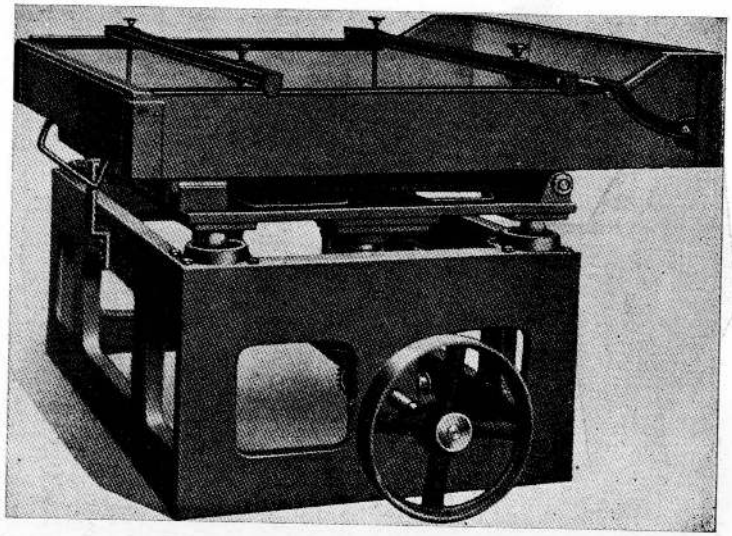

مطبعهٔ جدید کابل : از ماشین های کلیشه و کاپی سازی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : quelques une des machines de zincographie

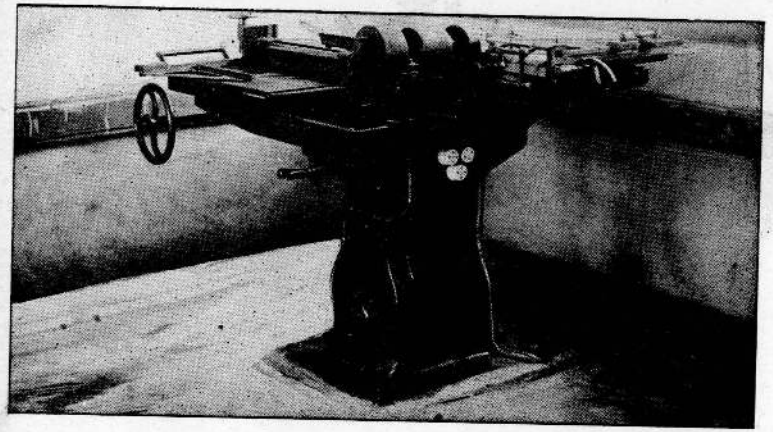

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین کاپی روی جست در کار خانهٔ (افوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

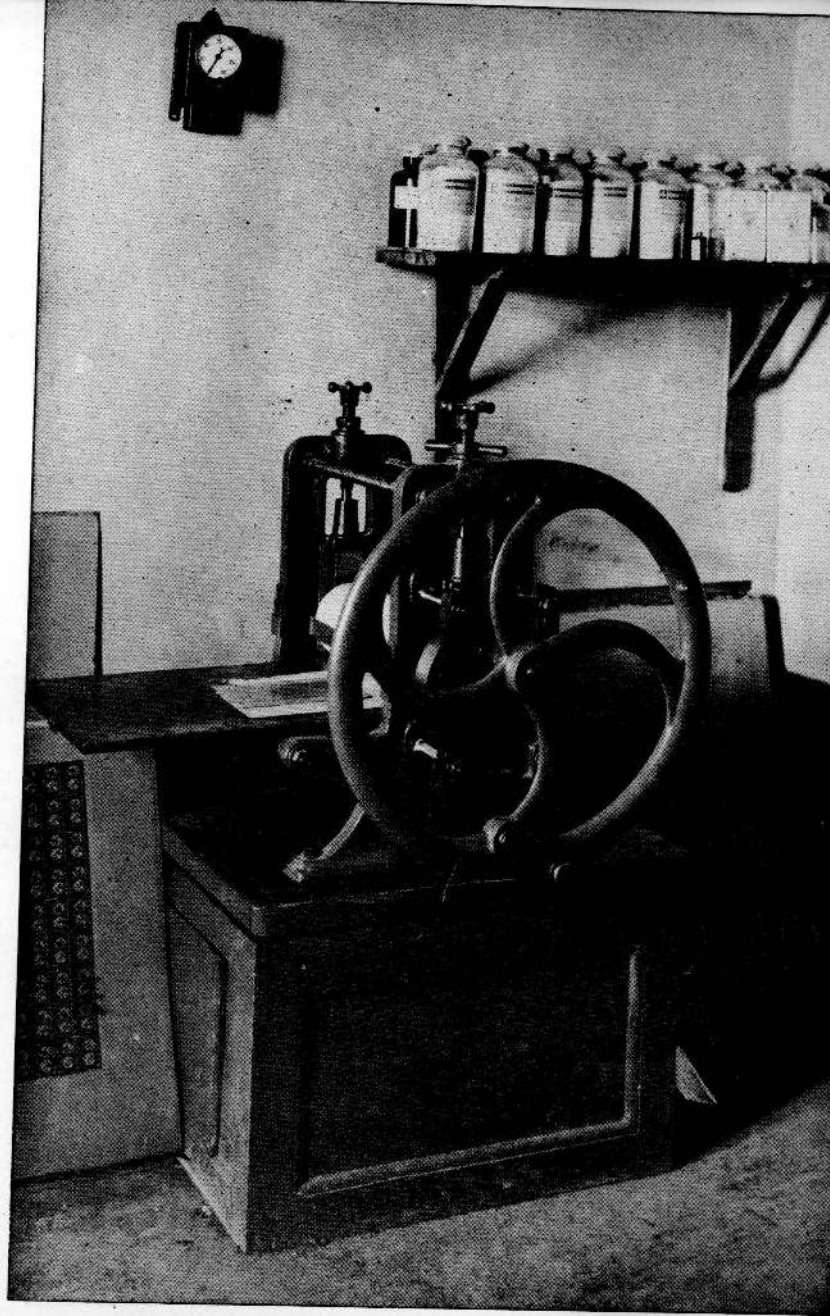

(c) ketabton.com: The Digital Libra

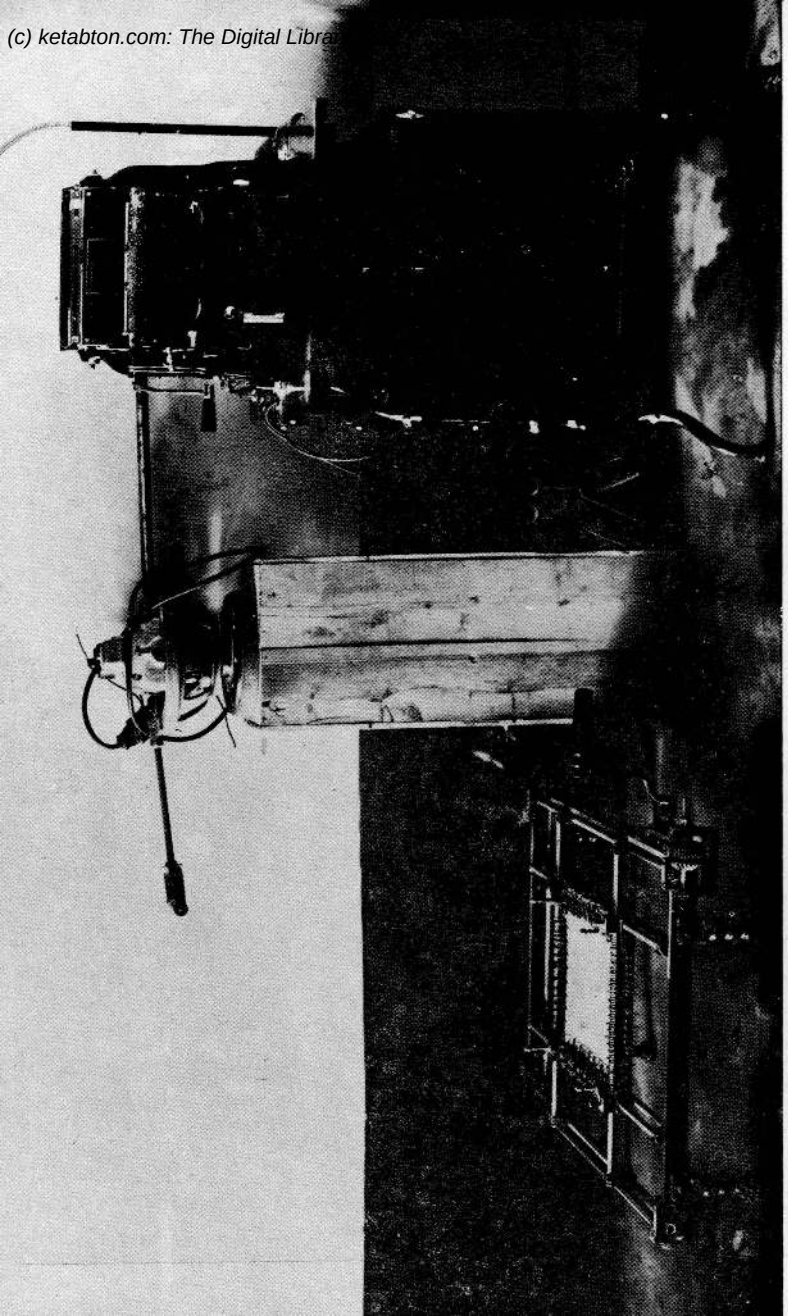

مطبعهٔ جدید کابل ؛ بکحصه از کار خانهٔ طبع روی جست (افوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

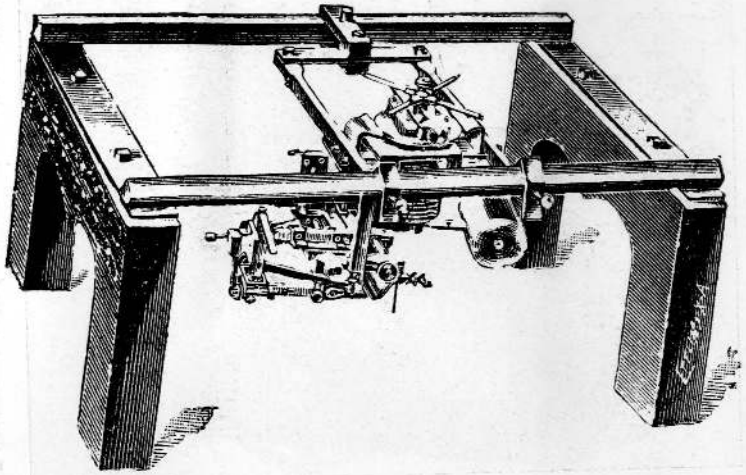

مطبعهٔ جدید کابل ؛ ماشین های گراور ونوت سازی
Nouvelle imprimerie de Kaboul : les machines de gravure hylioguiolochique

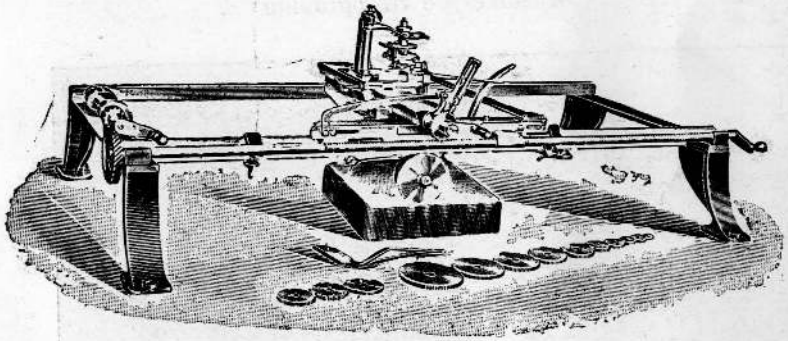

(c) ketabton.com: The Digital Library

مطبعهٔ جدید کابل : یك حصه از کارخانهٔ طبع روی جست (افوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

مطبعهٔ جدید کابل : یك حصه از کارخانهٔ طبع روی جست (افوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

(c) ketabton.com: The Digital Library

فابریکهٔ نختابی جبل السراج

بقلم جناب محمدابراهم خان متخصص نساجی
مدیر فابریکهٔ نختابی جبل السراج

ترقی صنعت وحرفت در یك جامعه نه تنها از جملهٔ عوامل پیشرفت صنایع ومدنی به شمارمی رود بلکه مؤثر بزرگ ترقی امورتجارتي واساس

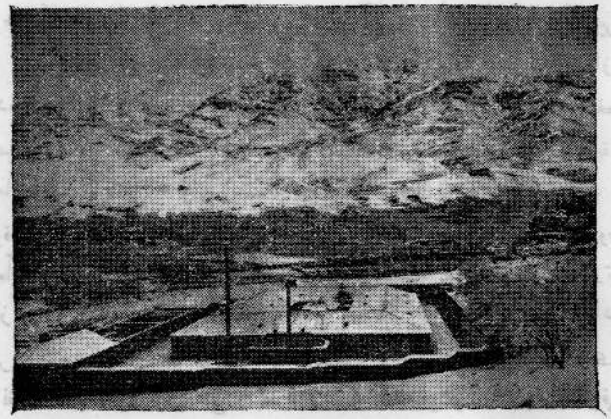

منظرهٔ عمومی فابریکهٔ نختابی جبل السراج
Nouveau fabrique de textile et de filature en Afghanistan
(voir les autres photos sur les pages suivants)

نهضت مادی وسعادت حیاتی یك قوم بوده خدمات خوبی بعالم بشر نموده است . اشخاصیکه بتاریخ حیات ملل معلومات مکفی دارند البته میدانند

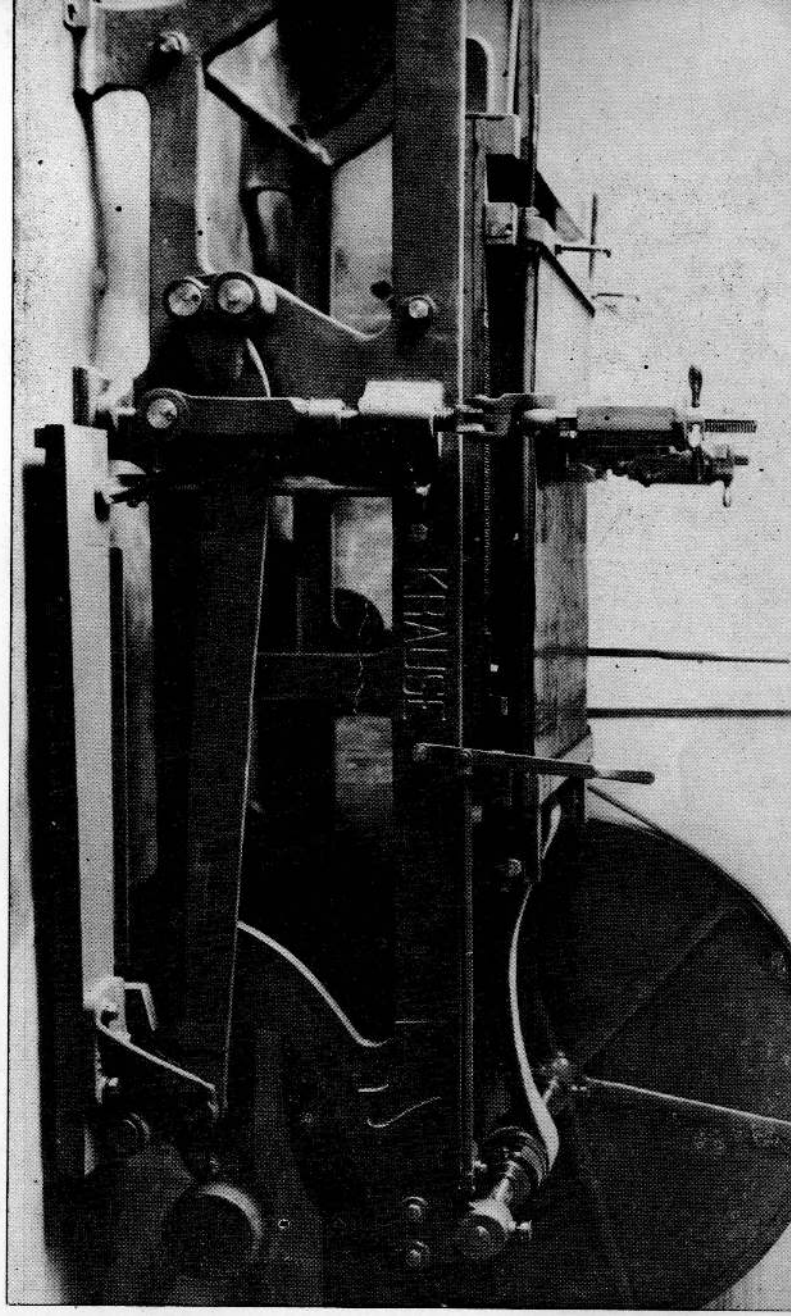

مطبعهٔ جدید کابل : یك حصه از کارخانهٔ طبع روی جست (افوت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul ; un coin de l'atelier d'Offset

(c) ketabton.com: The Digital Library

که ترقی صنعت وحرفت دریك مملکت منتج باستعمال اقتصادی مواد خام آن گردیده منابع ثروت ملی ازقبیل مواد زراعتی ومعدنی بکار افتاده وافراد ملت را ازاحتیاج خارج رهانیده استقلال مادی وفعالیت معنوی میبخشد . مللی که از ثروت های طبیعی خویش مستفید شده نمیتوانند همانا همان مللی اند که در ترقی صنعت وحرفت صرف مساعی ننموده اند هرقدر تجارت دریك قوم وجامعه بیشتر موقعیت پیدا کند بهمان اندازه ثروت های را که مورد استعمال ملت قرار یافته علاوه براینکه مولد سرمایه گردیده منتج به بهبود اقتصادی میگردد بعضی ملل دیگر را که طبعا فاقد ثروت های طبیعی اند محتاج بملت صنعتی وحرفتی میسازد و درنتیجه نهضت اقتصادی ومدنیت آن قوم رو به بالا نهاده صفحهٔ جدیدی در حیات متراقیانه اش باز میدارد امروز فی الحقیقت زمام امور سیاسی دنیا بدست دولی است که در جنبهٔ صنعت و حرفت ترقی نموده دارای سرمایه های هنگفتی میباشند وچون ثروت طبعاً مؤلد ثروت است فابریکه های جدید و موسسه های جدید تجارتی روز بروز زیاده گردیده ماشین مدنی یك قوم را بصورت فوق العاده بحرکت می اندازد ـ ترقی امور صنعتی و حرفتی دریك مملکت آنقدر ها با امور زراعتی ربط دارد که گفته میشود آنجا که ترقی صنعتی دیده میشود حتما درامور زراعتی که مولد مواد خام است نیز ترقی وارد گردیده اهالی آن مملکت جهت حصول مواد خام ضروری فابریکه های خود مجبور است که دست بطرف زراعت دراز نموده مواد لازمهٔ خود را از اعماق اراضی وطن توسط آلات زراعتی عصری و استعمال پاروهای کیمیاوی بمقادیر تجارتی فراهم نماید .

دریك مملکت چون زراعت ترقی نماید البته مقدار مواد زراعتی از قبیل نباتات تجارتی و مواد حیوانی زیاد گردیده صنایع زراعتی نیز رو به ترقی می نهد مثلاً ملتی که مقادیر مهم لبلبو حاصل میکند درحصول قند و تعمیرفابریکه های قند سازی توجه میکند حصول مقادیر پنبه منتج به اتحاد فابریکه های متعدد زراعتی میگردد از همین علل است که از

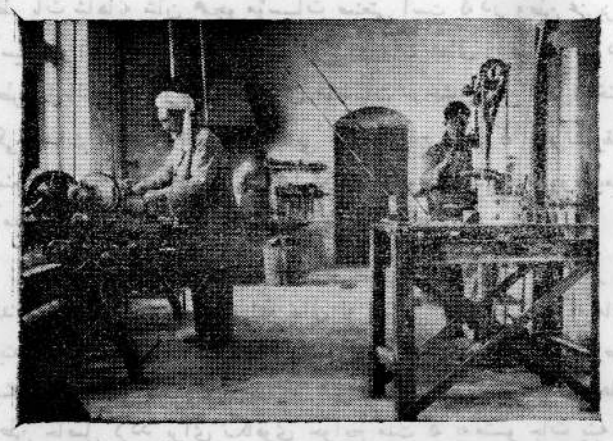

کارخانه ترمیم فابریکه نختابی

بدوسلطنت اعلیحضرت شهید در ترقی صنعت و حرفت و زراعت توجه زیادی معطوف گردیده امروز دیده می شود که حکومت خیرخواه و ترقی پرور ما در بهبود امور اقتصادی ملت صرف توجه نموده به تاسیس فابریکه های جدید و تشکیل موسسه های تجارتی ساعی بوده از نقطهٔ نظر پیشرفت تجارتی و صنعتی و زراعتی افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

موجوده خیلی هاروبه ترقی نهاده اصلاحات مهمی در امور اقتصادی آن بعمل آمده است و اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه که قدم بقدم درترقی وطن افکار پدر بزرگوارخویش را تعقیب مینمایند و به بهبود ملت و وطن علاقه مندی زیادی دارند در ترقی و توسعهٔ صنعت و حرفت اهتمام زیادی داشته صرف مساعی مینمایند و شاهد نظریات شاهانهٔ شان همچو مؤسسات صنعتی است که در وطن عزیز ما تأسیس و ایجاد شده و یك قسمت از احتیاجات اهالی را فراهم نموده وطن را بالتدریج از پیشرفت های مؤسسات درخشان این عصرفرخنده یکواحداث وتأسیس فابریکهٔ نختابی جبل السراج است که با ثرتشویقات صنعت پروریهای اعلیحضرت همایونی و حکومت مصلح امروزه بعمل آمده موجبات امیدواری را فراهم ساخته است :

این فابریکه بر طبق مرام مؤسس بزرگ خود اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید سعید غفرالله تعالی له تاسیس شده نظر باینکه ماده ابتدائی آن پنبه در اکثرحصص شمالی زرع شده ازخود وطن حاصل میشود یقین کلی است که ازجریان این فابریکه رفاه کلی برای اهالی وطن حاصل گردد برای تکافوی حوایج ملت که به منسوجات پنبه ئی خیلی ها ضرورت دارد هر سال یك مقدار سرمایهٔ بزرگ وطن بخارج میرود . چقدر جائی خوشی است که مواد ابتدائی منسوجات توسط خود افراد ملت بدست آمده توسط خود آنها منسوجات مروجی تبدیل گردد نه تنها همین فائده است که بوطن رسیده بلکه چنانچه پیشتر گفتیم ترقی صنعت وحرفت مربوط به ترقی وامورتاسیس زراعتی بوده می بینیم که دهاقین وطن برای موادابتدائی فابریکهٔ مذکور سرازحال

بزراعت پنبه توجه نموده اراضی وسیعی ازپنبه مزروع شده جز جریان فابریکه مذکورطوریقین بزراعت پنبه ترقی زیادی را داخل خواهد نمود .

جای بسیار خوشی است که درعصر اعلیحضرت محمد ظاهرشاه که خلف الصدق اعلیحضرت محمد نادر شاه مرحوم میباشند به پیروی همان افکار بهی خواهانهٔ آن شهید مغفور درتوسعه وترقی صنعت توجه زیادی بعمل آمده علاوه برمؤسسات نافعه دیگر موفق شدیم که عنقریب

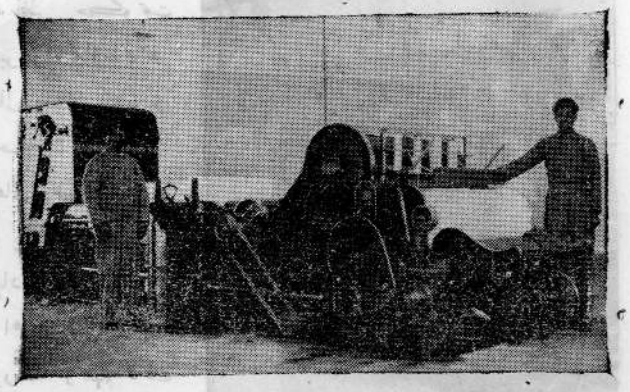

ماشین ندافی

فابریکهٔ نساجی جبل السراج رابحرکت اندازیم فابریکه نختابی جبل السراج دارای عمارات پخته کاری باصول جدید بوده بهراطاق آن ماشین های مخصوص ازقبیل ـ نخ ریشی وبافت ورنگریزی نصب بوده مالك اطاقهای متعدد دیگر ازقبیل گدام خانهٔ پنبه واطاق حلاجی واطاق ندافی واطاق خاك تکانی واطاق قیته سازی واطاق نخ ریشی وپیچانیدن تار

(c) ketabton.com: The Digital Library

وخانهٔ بافت وخانهٔ رنگریزی وخانهٔ اصلاحات تکه ـ تحویلخانهٔ تکه های بافته و دفتر، وخانهٔ ترمیم واستیشن برق .. تحویلخانه پرزه باسامان فالتو بوده ازهرجهت اطمینان بخش است ، امیداست که ازجریان فابریکهٔ نساجی مصنوعات وطنی روبه ترقی گذاشته برای رفاه عامه که همیشه مد نظر حکومت خیرخواه ماست هر سال وسائل جدیدی احداث گردد . اهالی وطن عزیز ما که بزراعت طبعا میل زیادی دارند امید که براهمیت این موسسهٔ بزرگ ومهم دقت نموده به توسعهٔ زراعت پنبه که شرط اول جریان فابریکهٔ نساجی است

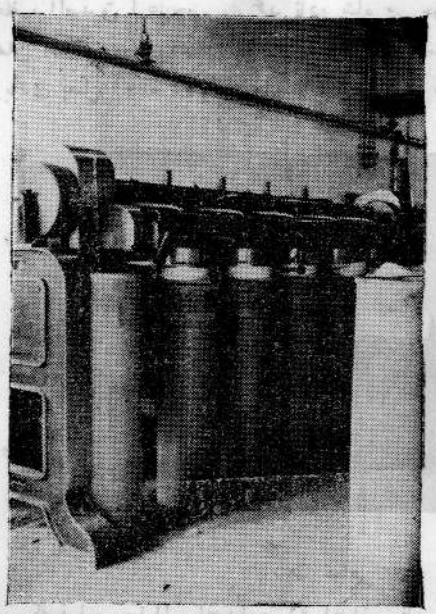

ماشین شانه

توجه نموده درترقی واصلاح پنبه وتوسعهٔ زرع آن صرف مساعی نمایند تایك حصه احتیاجات اهالی وطن ما در خود وطن تهیه گردیده تا یکحد از احتیاج خارج فراغت حاصل نمائیم .

« ماده ابتدائی فابریکهٔ جدید التاسیس پنبه است »

پنبه یکی از محصولات مهم فلاحتی بوده در امریکا و مصر وهند زراعت آن وسعت زیادی حاصل نموده است کاشت پنبه درافغانستان ازقدیم الایام معمول است لاکن زراعت آن تا این اوقات قرار رسوم زراعتی قدیمه بعمل آمده از آلات جدید زراعتی واصول زراعت عصری کار گرفته نمیشد خوشبختانه حکومت ترقی خواه ما که در هر زمینه برای بهبود اهالی عطف توجه نموده ومی نماید برای توسعه واصلاح زراعت پنبه ترتیبات مهمی ذریعهٔ شرکت اسهام گرفته هر روز اصلاحات جدیدی درزراعت پنبه

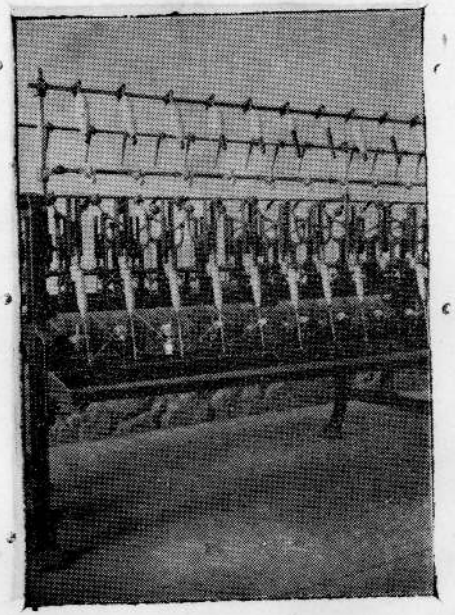

ماشین مشله

حاصل میگردد . حکومت ترقی پرور ما نه تنها به تکافوی حوایج فابریکه نساجی عطف توجه نموده بلکه نظریه داردکه دامنه این شق زراعت روزبروز

(c) ketabton.com: The Digital Library

رو به توسعه بوده یکمقدار پنبهٔ وطنی بخارج هم صادر گردد ، چنانچه یك مقدار پنبهٔ افغانی درروسیه دراثر قراردادیکه مابین دولت علیه افغانستان و جماهیراشتراکیه روسیه بعمل آمده صادرشده است . لهذا مسئله پنبه هر روز رو به ترقی بوده صورت تازهٔ بخود گرفته میرود ومیتوان از فوائد زرع این ماده مهم جبران بسیاری از مشکلات تجارتی خود را نموده اراضی وسیعی را در افغانستان که استعداد خوبی برای زرع پنبه دارد قابل الزرع سازیم چنانچه در حصص قطغن و بدخشان رقبه‌های وسیع زمین بحال زراعت پنبه آمده برای

ماشین های بافت

دهاقین وطن شغل اقتصادی مهمی پیدا شده است محصول پنبه امروز یکی از اجناس مهم تجارتی است اگر فلاحین درزراعت پنبه دقت کافی نموده وتخم‌های

را که میکارند ازجنس خوب انتخاب نمایند ومانند ممالك خارج دراصلاح اجناس پنبهٔ وطنی صرف مساعی شده یك ادارهٔ فنی جهت تجارت لازمه و اصلاح انواع پنبه تشکیل یابد البته از زرع پنبه در وطن عزیزما که برای زرع آن دارای خواص طبیعی لازمه است فواید خوبی حاصل خواهد شد.

اگر در ترویج زراعت پنبهٔ امریکائی ومصری در افغانستان صرف مساعی شود زرع نیکی بدست خواهد آمد ، پنبهٔ امریکائی در حصص شمالی افغانستان نتیجهٔ صحت خواهد داد .

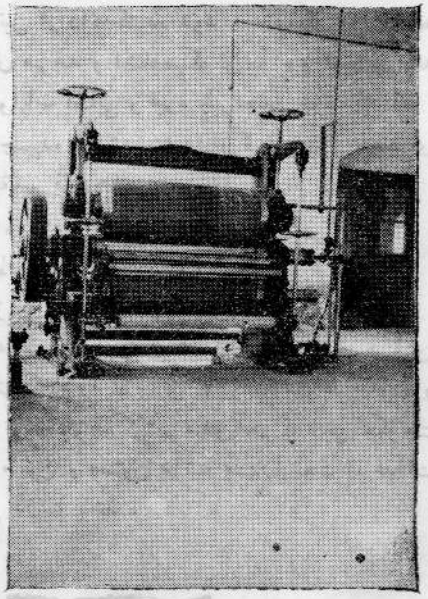

ماشین اتو

لیکن پنبهٔ مصری چون زیاده تر حرارت بکار دارد برای حصص مشرقی و قندهار موزون تر معلوم میشود . این نبات از عائلهٔ پنیرك میباشد پنبه را از غوزه های نبات بدفعات متواتر بادست جمع میکنند لهذا این نبات در وقت درو نفری زیاد بکار دارد فی سال چهارملیارد کیلوگرام که

(c) ketabton.com: The Digital Library

تقریبا پنجصد میلیون سیر می شود ازین ماده در تمام دنیا درو کرده می‌شود علاوه بر پنبهٔ بته پنبه یك حاصل دیگرهم میدهد که مدعا از پنبه دانه است پنبه دانه ۲۰ بر ۱۰۰ تیل میدهد که بخور اکه استعمال میتوان شد چون‌تمامی تیل از دانه کشیده شود . چیزیکه باقی میماند بنام کنجاره پنبه بفروش میرسد و اشخاصیکه تربیهٔ حیوانات میکنند اهمیت آن را برای حیوانات قصابی و غیره شیردهنده خوب میدانند :

پنبه بالای‌دانه ها چسپیده میباشد پنبه را از قرار طول تارهای آن باقسام ذیل تقسیم نموده اند :

۱ ـ پنبه تار کوتاه که از ۱۳ الی ۲٤ ملی متر طول دارد
۲ ـ « « اوسط « « ۲٤ « ۲۸ « « « «
۳ ـ « « دراز « « ۲۸ « ۳٦ « « « «

هر قدر که تار پنبه طویل تر و محکم تر باشد همانقدر قیمت آن بلند تر است زیاده ختم کلام را بدوعای بقای حکومت خیر خواه و ترقی پرور خود نموده از خداوند کریم میخواهم که این حکومت ترقی پرور را ازبلیات مامون و مصئون داشته ملت‌را تحت اثرعدالت گسترش آرام و مترقی داشته باشد .

پیشرفتهای سپورتی

در افغانستان

بقلم ـ ش ، محمدیعقوب‌خان کندکشر
منشی انجمن اولمپیك افغانستان

قارئین گرام اطلاع دارند که انجمن اولمپیك ملی افغانستان به زیر سرپرستی اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه جوان افغانستان و ریاست ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان سپه سالار غازی و وزیر امور حرب افغانستان از چند سال است که وظیفهٔ مهم پیشرفت سپورت را بردوش خودگرفته و درین عرصهٔ چهار سال از تاسیس خود انجمن مذکور توانسته است که درامور سپورت خدمت شایانی بنمایدچنانچه اقدامات‌مهمهٔ‌این موسسه‌از قبیل فرستادن هیئت های ورزشکاران افغانی بروسیه ، هندوستان و اروپا انعقاد و تورنمنت های داخلی و دعوت ورزش کاران خارجی برای مسابقه‌های‌هاکی وفت‌بال درمواقع جشن های استقلال افغانستان هریك کمك فوق‌العاده برای‌پیشرفت سپورتی وطن‌عزیز رسانیده‌است.

برحسب معمول درسال ۱۳۱٦ هم از خارج سه تیم دعوت شده در جشن استقلال سال ۱۹ در بازیهای هاکی و فت بال با هیئت های افغانی مقابله کردند علاوه برتیم های خارج ، امسال یك تیم فت بال از قندهار هم‌برای شمولیت و بازی در جشن استقلال آمد و کسانیکه

(c) ketabton.com: The Digital Library

درجشن بازی این تیم جدید افغانی را دیدند منصفانه خواهند گفت که درین غرصهٔ قلیل از ترویج سپورت های عصری در افغانستان ولایت قندهار هم سهم بزرگی رادر پیشرفت سپورت گرفته است اگرچه در ین شبهه نیست که معیار بازی تیم(پشتون خوا) قندهار به نسبت کابل پست تر بود اما نباید فراموش کرد که اولاً جریان سپورت های عصری در قندهار از عرصهٔ یك سال است و دوم انتخاب یك تیم از یك تعداد خیلی محدود ورزش کاران بعمل آمده است با این هم دوسه نفر در تیم پشتون قندهار چنان مهارت در بازی نشان میداد که نظیر آن ها در کابل کمتر دیده شده ، زحماتی را که ع ، ش سردار محمد داؤد خان نائب الحکومه و قوماندان عسکری قندهار درین زمینه کشیده اند خیلی قابل تمجید است و از اثر همین زحمت کشی ها بود که تیم قندهار برخلاف توقع یك نمایش فوق العاده را درجشن داده مورد تلطیف مخصوص حضور والا حضرت سردار سپه سالار صاحب غازی و رئیس انجمن اولمپیك افغانستان گردیده والاحضرت موصوف برای تقدیر خدمت که جناب سردار محمد داؤد خان و تیم قندهاربرای پیشرفت سپورت کرده اند یك یك عدد « بلیزر » که از تکهٔ رنگ بیرق ملی افغانی ساخته شده بود بهر یك از ورزش کاران اعطاء فرمودند ـ پوشیده نماند که موفقیت بگرفتن بلیزر یك افتخار فوق العادهٔ یك ورزش کار میباشد .

تیم هائیکه از خارج در جشن استقلال ۱۹ شرکت ورزیدند قرار ذیل است : ـ

۱ ـ تیم هاکی « رو درز کلب » پشاور

۲ ـ تیم فت بال « ستارهٔ سرحد » «تیم منتخبه سرحد شمال مغرب هندوستان »

۳ ـ تیم هاکی « اندیپندنت سپورت کلب دهلی »

مسابقهٔ هاکی سپورت باهیئت‌های خارجی بصورت آتی‌الذکر اجراشد :

مسابقهٔ هاکی بین‌تیم رودرز کلب پشاور و تیم هاکی کلوب عسکری افغانی ۲ مقابل ۱ کلوب عسکری موفق گردید .

مسابقهٔ هاکی بین تیم‌اندیپندنت سپورت کلب‌دهلی وتیم کلوب عسکری ۱ مقابل ۲ کلوب عسکری مغلوب گردید .

مسابقهٔ فت‌بال بین تیم محمودیهٔ وستارهٔ سرحد مقابل ۲ تیم ستارهٔ سرحد موفق گردید

مسابقهٔ فت بال بین تیم استقلال و تیم سرحد ۲ مقابل تیم استقلال موفق گردید

علاوه بر تیم هائیکه از خارج آمده بودند مسابقهٔ که حسب‌معمول در جشن بین تیم افغانی‌وتیم سفارت برطانیهٔ کابل بعمل آمد در هاکی و تینس به موفقیت تیم های افغانی منتج گردید .

مسابقه های فت‌بال بین« پشتون خوا» قندهار و تیم های کابل

تیم پشتون خوا بمقابل تیم استقلال مقابل ٤ تیم استقلال موفق گردید

« « « تیم تفریح ۱ مقابل۲ تیم تفریح موفق گردید

در مسابقهٔ والی بال که درجشن استقلال اجرا شد تیم فرقهٔ شاهی نمره‌اول‌را حایز گردیده « قهرمان » تیم های والی بال در کابل شناخته شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

تورنمنت های داخلی

امسال نیز بقرار سالهای گذشته تورنمنت های هاکی وفت بال درمرکز اجرا شد. درتورنمنت هاکی تیمهای فرقهٔ اول قول اردوی مرکزی تیم هاکی مکتب فنون حربیه تیم وزارت حربیه و تیم مکتب حبیبیه شرکت ورزیدند درین تورنمنت بازیها بصورت ناک اوت (Knockout) اجرا گردیده ـ از شروع الی ختم تورنمنت بازی ها بصورت خیلی درست ومنظم وبه اثبات دسپلین فوق العاده ازطرف شاملین تورنمنت اجرا شد ـ اگرچه از دوسال باین طرف تیم فرقهٔ اول قول اردوی مرکزی (قهرمان) تیم های کابل بوده ولی درین سال مساعی که افراد تیم مکتب احضاریه در پیشرفت بازی کرده بودند ثمر بخشیده درمسابقهٔ آخرین تورنمنت تیم مذکور برتیم فرقهٔ اول قول اردوی مرکزی به ۲ مقابل ۱ گول غالب گردید ـ وبه مصداق « مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد » جایزهٔ معمول را گرفت .

شاه محمود فت بال تورنمنت

ازچندسال است که یك تورنمنت فوت بال بنام « شاهمحودفت بال تورنمنت » درکابل بازی میشود واین تورنمنت نسبت بدیگرتورنمنتها فوق العاده طرف توجه ورزشکاران و علاقه مندان سپورت واقع گردیده است . اگرچه امسال قبل ازین تورنمنت یك تورنمنت دیگری هم ازاوائل بهار اجرا شده ودران تنها سه تیم شمولیت ورزیدند که از جملهٔ آنها تیم مکتب استقلال قهرمانی را گرفت لیکن حسب معمول « شاه محمود فت بال تورنمنت » درشروع تیرماه جریان یافت . درین

تورنمنت ازاصناف مختلف کابل « اعنی معارف ، عسکری و ملکی » ده تیم شامل شدند . درنتیجه تیم «محمودیه» درمسابقهٔ آخرین تورنمنت برتیم مکتب حبیبیه به ۲ مقابل ـ غالب وبرای سه سال علی التوا تر قهرمان تیمهای کابل درتورنمنت « شاه محمود » شمرده شد اعضای « تیم محمودیه » اکثر ورزش کاران سالخوردهٔ « درسپورت شخصیکه سن او از ۳۰ بیشتر باشد سال خورده گفته میشود » کابل هستند ومشهور به « استخوان قدیم » میباشند ـ اگرچه امسال هم انها «کپ» را گرفتند لاکن چیزیرا که درتورنمنت مشاهده کردیم وترقی فوق العادهٔ تیمهای حبیبیه واستقلال رادیدیم گفته میتوانیم که درسال اینده تیم محمودیه برای نگاهداشت نام خود بحیث قهرمان تیمهای کابل دچار مشکلات خواهد گردید. اگرچه کپتانی تیم «محمودیه» ازاقای سید عبدالاحد خان دیپلوم انجنیرمعادن (که یك ورزش کارصحیح است و برای سپورت افغانستان خدمات زیاد کرده) به آقای عبدالحکیم سرکاتب دائرهٔ تشریفات وزارت خارجه (که نسبتاً جوان ترمیباشند) نقل کرده مگرما به تیم محمودیه توصیهٔ میکنیم که ازحالا نفری جوان ترادرتیم خود موقع بدهند ـ وگرنه استخوان قدیم خدا نخواسته جوجو خواهد شد .

رسم گذشت ورزش کاران افغانی

امسال نیز برطبق سالهای گذشته رسم گذشت ورزش کاران افغانی باتشریفات بزرگی بحضور اعلیحضرت اقدس همایونی اجرا گردید قرار پروگرام بالغ برشش هزارسپورت مین درمیدان هاکی مقابل عمارت کلوب حربیه بصورت تیم های تینس ـ هاکی ـ فت بال ـ والی بال ، ورزشهای انفرادی ایستادند ـ لدی الورود اعلیحضرت اقدس همایونی

(c) ketabton.com: The Digital Library

والاحضرت معظم سردارشاه محمود خان رئیس انجمن اولمپیك افغانستان که بلباس تینس ملبس بودند رسم تعظیم حضور اقدس اعلیحضرت شهریاری را بقوماندهٔ « تیارسی » اجراوموزیکه نغمهٔ سلامی اعلیحضرت شهریاری را نواخت ودرهرحصه نعرهٔ « عمر ددیرشه پاچا » ازورزش ـاران بلند گردید . بعدازایفای رسم تعظیم رسم گذشت شروع شد وبقرار معمول اول والاحضرت سردارشاه محمودخان کهدرعقب آنهاپرچم اولمپیك افغانستان گرفته شده بود ازحضورمبارك اعلیحضرت اقدس همایونی گذشتند وبه تعقیب آنها اعضای انجمن اولمپیك افغانی ، اعضای هیئت ورزش کاران افغانی که دراروپا رفته بودند ـ اعضای هیئت افغانی که درهند رفته بودند ، نفری تینس ، نفری هاکی ، نفری فت بال ، نفری والی بال ، نفری ورزشهای انفرادی علامه های مخصوص ورزش وقطعه وصنف خودرا گرفته رسم گذشت را ایفا کردند . اعلیحضرت اقدس همایونی هم بنوبهٔ خود رسم تعظیم هر صنف را علیحده علیحده به الطاف مخصوص ذات شاهانهٔ خویش قبول فرمودند ـ رسم گذشت ورزش کاران یك ونیم ساعت دوام کرد وحسن اجرای آن وترتیبات عالی وزیبای رسم گذشت چه ازحیث لباس وچه ازحیث وضعیت ورفتار ورزش کاران که به توجه خصوصی حضور والاحضرت معظم سردار شاه محمود خان غازی بروی کارآمده بود مورد تحسین وتمجید فوق العادهٔ اعلیحضرت اقدس همایونی وعمومی ناظرین واقع گردید .

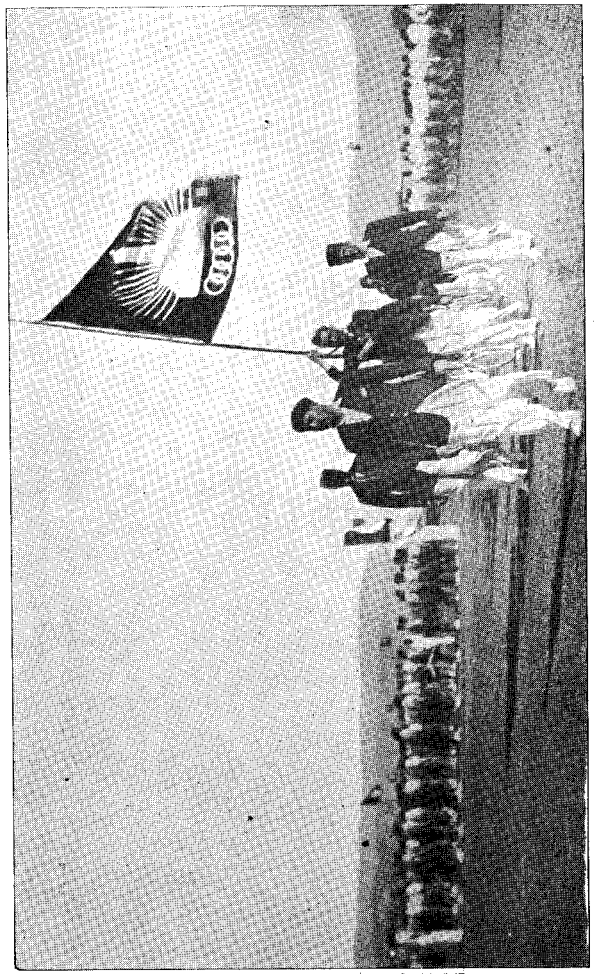

رسم گذشت ورزشکاران افغانی درزدهمین جشن استقلال : والاحضرت افخم وزیر صاحب حربیه و اعضای اولمپیك افغانی با بیرق اولمپیك افغانی ازحضور اعلیحضرت همایونی عبور میکنند

Les sportifs afghans lors du défilé devant la loge royale (Fêtes d'indépendance) au devans S. A. R. le ministre de la guerre

(c) ketabton.com: The Digital Library

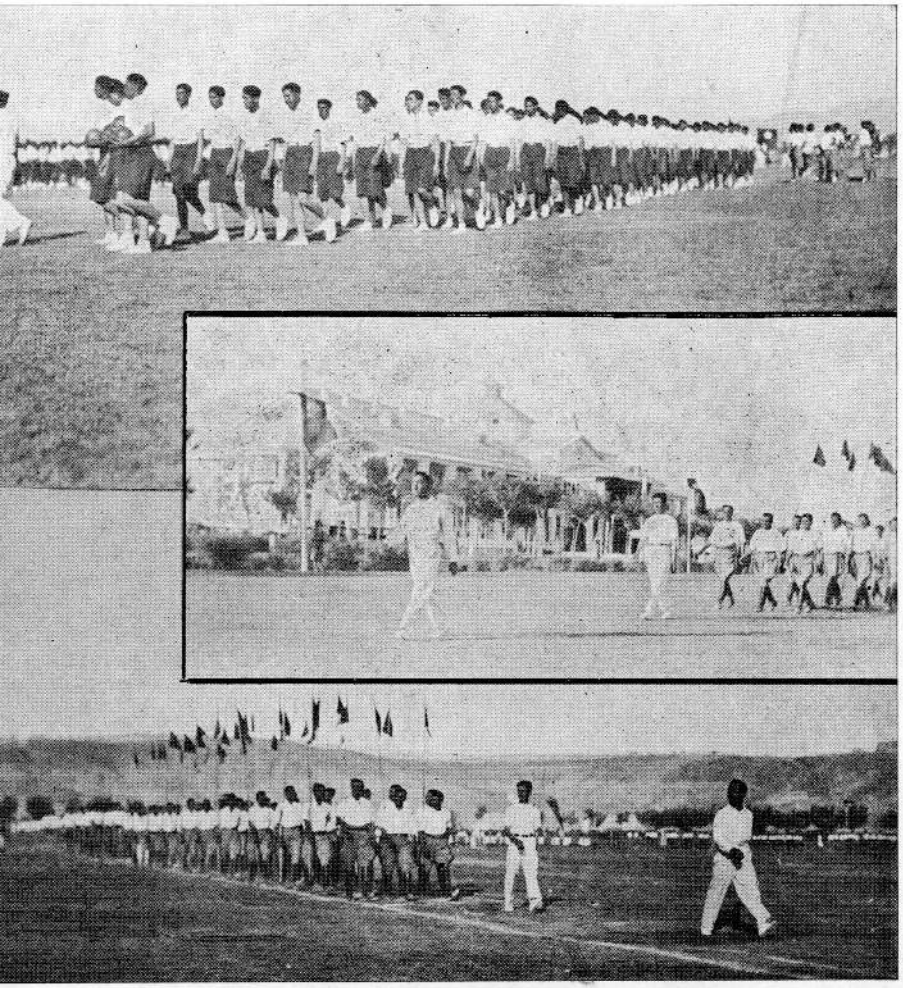

رسم گذشت ورزشکاران درجشن استقلال سال نزدهم
défilé des sportifs afghans à l'occasion des fêtes de l'indépendance (1397)

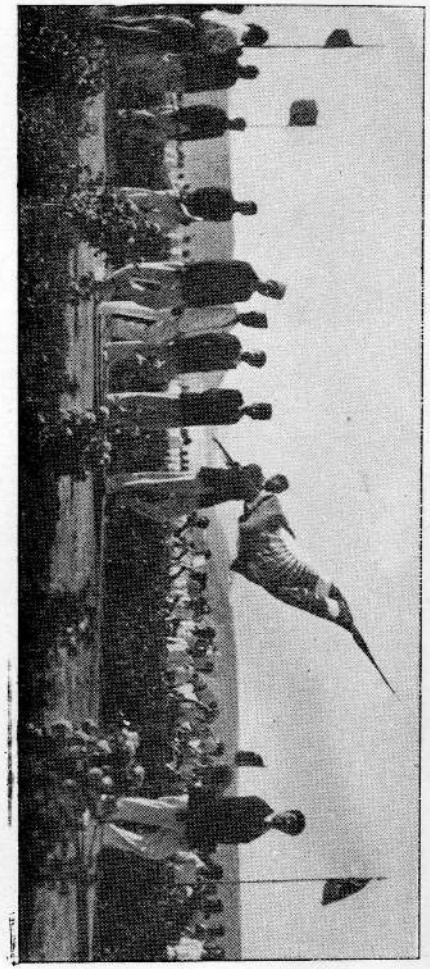

رسم گذشت ورزشکاران افغانی درنزدهمین جشن استقلال ؛ والا حضرت افغم وزیر صاحب حربیه
و اعضای اولمپیك افغانی با بیرق اولمپیك افغانی ازحضور اعلیحضرت همایونی عبور میکنند
Les sportifs afghans lors du défilé devant la loge royale (Fêtes d'indépendance)
au devans, S. A. R. le ministre de la guerre

(c) ketabton.com: The Digital Library

نظریهٔ انجمن اولمپیك امریکا نسبت بوضعیت تیم افغانی دریازدهمین بازیهای اولمپیك که درسال ۱۹۳۶ دربرلین انعقاد یافته بود

پوشیده نیست کاریکه ازخارج دریك مملکت داخل میشود وپایهٔ تکمیل رسانیدن ویادران کار تخصص پیدا کردن برای خود زمانهٔ درازی میخواهد. چنانچه مشهوراست(بسیارسفر باید تاپخته شودخامی) ، سپورت های عصری مثلیکه پیشتر عرض شد درمملکت عزیزما از عرصهٔ خیلی قلیل ترویج یافته است ودرحینیکه حکومت متبوعهٔ ما بواسطهٔ انجمن اولمپیك افغانستان دعوت کمیتهٔ اجرائیهٔ بازیهای یازدهم اولمپیك بین المللی منعقد برلین را قبول کرد درعالم سپورت هیجان فوق العاده تولید گردید وازهرطرف حاشیه آرائی میشد که هیئت اولمپیك افغانی که هنوز مراحل ابتدائی سپورت راهم طی نکرده بالمقابل ورزشکاران دنیا که هریکی آنها ازهزاران نفرانتخاب وتجارب عملی ونظری چندین ساله رادارا میباشد چه خواهند کرد ؟ مگر بفحوای مثل مشهور انگلیسی (جائیکه خواهش باشد، راه پیدامی شود) افغانهاهم به همان عزم متین خود که خاصهٔ قوم افغان است از استعداد فطری خود استفاده کرده در همه سپورت ها مشق چند ساله و مخصوصاً در هاکی ملکهٔ فوق العادهٔ را نشانداده درمیدان مسابقه داخل گردیده دیدند چنانچه ازدورهٔ اروپا نتائج مسابقه هارا مفصل در سالنامهٔ گذشته عرض کرده ایم اعنی از ٤٥ مسابقه افغانها در ۲۹ موفق در ۱۱ مغلوب ودر ٥ مسابقهٔ مساوی بر آمدند ـ صرف نظر از نتایج بازی ـ چیزیکه دریك مسابقه مورد

ورزشکاران افغانی در جشن استقلال سال نزدهم (۱۳۱٦)
Les sportifs afghans pendent

در بالا منظرهٔ مسابقات دوستانه بین تیم هاکی افغانی و تیم

le fêtes de l'indépen-dance(1937) l'équipe de hoky

پشاور در وسط وپائین مناظر مصاحبهٔ دوستانهٔ تیم های مذکور
afghan avec l'équipe de Peshawar

(c) ketabton.com: The Digital Library

توجه مخصوص ناظرین میباشد اصل بازی نیست که کدام طرف غالب میشود و یا کدام طرف مغلوب بلکه این دیده میشود که کدام تیم پر نسیپ (اساسات) های سپورت را بدرستی تعقیب و مقابلهٔ جدیانه میکند از همینست که ما درین جا بعضی حصص راپورت کمیتهٔ اولمپیك امریکائی را که راجع به تیم افغانی است اقتباس میکنیم :

درصفحه (۱۶-۲۱۵) راپورت مذکور تحریر است :

« مسابقهٔ سوم ما به تیم افغانستان بتاریخ ۱۳- اگست درمیدان دوم اجراشد منتج به ۳- مقابل موفقیت افغانها گردید .

در نصف وقت اول بازی نتیجه ۲ مقابل بطرف افغانها بود . اگر چه افغانها بمثل هندیها آنقدر تیز و متخصص فن هاکی نیستند لاکن طرز بازی هندی‌هارا خوب درك کرده اند و درین وقت مترقی ترین تیم های تورنمنت بودند . در اختتام تورنمنت به آنها (کپ پال لیوتی) اعطا گردید . اگر چه درین اشتباهی نیست که تیم افغانستان (بدون ازهند والمان) بهترین تیم های مشمولین تورنمنت بودند لاکن تیم ما هم مقابلهٔ خوب و جدیانه برعلیه آنها کرد . »

درستون دوم صفحه ۲۱۶ راپورت مذکور تحریر است .

« صورت حکمیت مختلف بود. حکم های هندی افغانی و اکثریه المانی فوق العاده خوب بود اگر چه دیگرممالك هم حکم های درجهٔ اول داشتند لاکن بصورت عموم معیار حکمیت آنها اینقدر بلند نبود .

ازاثر همین بود که قرار پیشنهاد کمیتهٔ تخنیکی انجمن بین المللی هاکی و منظوری انجمن مذکورش ، محمد یعقوب خان سکرتر اولمپیك افغانی که در بازیهای اولمپیك یازدهم درالمان از طرف افغانستان

حکم معرفی شده بود و وظیفهٔ حکمیت را درتورنمنت هاکی در بازیهای بین‌المللی هم دومراتبه اجرا کرده بود، حکم بین‌المللی شناخته شد »

درستون دوم صفحه ۲۱۷- آن تحریر است :

« ممالك مختلف اروپا هنوزهم نوع قدیم بازی (اعنی توپ را بجدیت رد کردن و دور رساندن) راتعقیب میکنند این نوع بازی خیلی‌مخوف و برخلاف اصول است . لاکن جاپانیها وافغانها صورت بازی هندی را تعقیب کرده و بسیار خوب ترقی میکنند »

ازاقتباس راپورت فوق مقصد ما این بود که برای قارئین گرام وعلاقه مندان سپورت وورزش کاران وطن عزیز خود خاطر نشان کنیم که مقصداز سپورت‌تنها موفقیت نیست-بلکه حسیات صحیح سپورت را نشان دادن میباشد . اگرچه‌افغانستان در اولمپیای یازدهم در هاکی نمره (۵) را حایز گردیدند لاکن بصورت عموم با در نظر گرفتن کم سنی افغانستان در فامیل سپورت دنیا مخصوصا در هاکی‌بهترین و مترقی ترین تیم آن‌وقت شمرده شدند.

انجمن اولمپیك‌افغانستان بکمال‌افتخار گفته میتواند که زحمتهائیکه شخص‌رئیس اولمپیك ع ، ج ، ا ، انشان والاحضرت‌سردار شاه‌محمود خان غازی وباقی‌اعضای اداری انجمن مذکور برای پیشرفت سپورت کشیده‌اند ، بهیچ صورت بیجا نرفته ونتیجهٔ‌فوق‌العادهٔ‌خوب بخشیده است

البته ازطرف جنبهٔ هاکی که یکی از اساس‌های پیشرفت سپورت است انجمن اولمپیك افغانستان فوق العاده از حکومت متبوعهٔ خویش ممنون است که نظر به پیشنهاد ریاست اولمپیك حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله ازهیچ گونه کمك مادی و معنوی خود داری نفرموده

(c) ketabton.com: The Digital Library

و علاوه بران دلچسپی که شخص مبارك اعلیحضرت المتوکل علی الله شاه جوان افغانستان به‌شرکت‌وجود مسعود مبارك شان به نفس نفیس درسپورتهای عصری نشان داده فوق العاده به ترقی سپورت افغانستان کمك رسانده است . انجمن اولمپیك از درگاه حضرت ایزد متعال نیاز میکند که افغانستان عزیز به زیر سایهٔ این شاه منور و صاحب ذوق خود بیش از پیش به ترقیات مادی و معنوی نائل گردد .

پیشرفتهای سپورت در معارف

وزارت معارف به توجه خصوصی ع ، ج ، سردار محمد نعیم خان وزیر جوان و فعال خود در امور سپورت هم پیشرفت زیادی کرده چنانچه دیده شده که علاوه بربازیهای مروجه از قبیل هاکی ـ فت‌بال والی بال ـ سپورت های دیگری هم از قبیل سکی (برف ما لك) و (هیند بال) و آب‌بازی خوب جریان دارد ـ برای اینکه بازی های مذکور بصورت‌فنی ترویج یابد وزارت معارف آقای (بردوژ) المانی را که ازفارغ التحصیلان اکادمی سپورت المان است استخدام نموده ـ از راپورتهائیکه دائرهٔ اولمپیك گرفته معلوم میشود که این معلم جدید سپورت معارف در وظایف خود خیلی جدیت و فعالیت نشان داده از معلومات و تخصص خود شاگردان خود را عملا بیك معیار بزرگ سپورت رسانده چنانچه در اوائل سال در تورنمنت فت بال وزارت معارف تنها یك‌تیم مکتب‌استقلال‌را داشت ولی در تورنمنت شاه محمود از وزارت معارف تیم داخل شدند .

شبهه نیست که بهترین تیم های سپورت باید از وزارت معارف برآید و اگر تا حال وزارت‌معارف باین مقصد نائل نبود سببش آن

بود که‌یك پروگرام صحیح ویك معلم در ست برای سپورت نداشتند و درحینیکه اولیای امور معارف باین‌طرف‌توجه خود را شروع کردند دیدیم که‌شاگردان معارف گامهای سریع‌را بطرف پیش رفت اساسی سپورت میبردارند ـ چشم امید ما چه در دیگر شعبات امور وطن‌عزیز وچه در سپورت‌بسوی معارف‌است وما یقین کامل داریم که انشاالله‌تعالی در پرتو افکار قیمت‌دار حکومت اعلیحضرت المتوکل علی‌الله وزحمت کشیهای فوق‌العادهٔ جناب وزیر صاحب معارف و دیگر مامورین وزارت مذکور، معارف و سپورت اهل معارف افغانستان در مدت قلیل بدرجه های اعلی‌خواهد رسید انجمن اولمپیك افغانستان هم بنوبهٔ خود زحماتی را که ع ، ج سردار محمدنعیم‌خان وزیرصاحب معارف و باقی مامورین وزارت مذکور در توسعهٔ سپورت کشیده بصورت تقدیر نگریسته از خدای متعال آرزو دارد که‌وزارت جلیلهٔ معارف در پروگرام عرفانی و سپورتی خود به ترقیات مادی و معنوی نائل گردد .

تورنمنت شطرنج در کابل

علاوه بر بازیهائیکه منتج به تربیهٔ بدنی میشود شطرنج‌یك‌بازیست که به تربیهٔ دماغی تاثیر فوق‌العاده میکند وامروز این بازی شهرت بزرگ بین‌المللی را حائز گردیده است. علاوهً شوق شطرنج بازی درمملکت ما ازقدیم موجود و همواره این بازی درمجالس اشخاص مهذب موجود بوده ومیباشد . چنانچه به اساس همین نظریه انجمن

(c) ketabton.com: The Digital Library

او لمپیك افغانستان برای انعقاد یك تور نمنت شطرنج اعلان کرد وخوش بختانه چون این بازی علاقه مندان زیاد دارد یك عدهٔ بزرگ شطرنج بازان کابل درین تورنمنت شرکت ورزیده اند - از انجا که تورنمنت مذکو بایستی بصورت قوانین بین المللی جریان می یافت ادارهٔ اولمپیك بمعاونت جناب عبدالوهاب خان مدیر شعبهٔ شرق وزارت خارجه قوانین بین‌المللی را ترجمه و برای علاقه مندان شطرنج توزیع نمود وضعیت بازی درین مسابقه خیلی اطمینان بخش بوده ، مهارت ورسائی‌فکر شطرنج بازان افغانی‌را باثبات‌میرساند ودر نتیجهٔ تورنمنت جناب سید فیض الله خان پاچا نومره اول وجناب ایشانصاحب « خیام » نمره‌دوم وجناب عبدالوها بخان مدیر شعبهٔ شرق وزارت خارجه نومره سوم بر آمد ند .

تورنمنت بلیارد

بازی بلیارد که یکی ازبازیهای معروف و مفید و ضمناً یك قسم سپورت خانکی نفیس است ، درین اواخر دروطن عزیز ما رواج زیادی پیدا کرده - بنابران انجمن اولمپیك اخیراً برای یك تورنمنت ابتدائی ترتیب گرفته و عموم شوقمندان بلیارد را دعوت داده است تادر کلوب حربیه این مسابقه‌را شروع کنندبرای موفقیت حاصل کنند کان از طرف انجمن اولمپیك علاوه برلقب (قهرمان بلیارد افغانستان) جوائز مناسب نیز داده خواهد شد .

پشتو تولنه

انجمن ادبی

بقلم جناب محمد قدیر خان « ترهکی »

فلسفهٔ پیدایش اکادمی ها واهمیت ولزوم آن ها

درین شاید هیچ اشتباهی نباشد که هر ملت از خود خصائصی دارد که آن خصائص عبارت ازخصائص روحی و جسمی بوده هردوی آن مولود عوامل جغرافیائی و وراثت نژادی و محیط اجتماعی همان ملت میباشد .

این‌خصائص درافرادملل درعین اینکه متفاوت است یعنی کم ویازیاد میباشد معهذا در کلیات واساس امرهم واحد ویك‌سان بوده روح همان ملت را بوجود میآرد یعنی از تفاعل و تمازج اعمال و حرکات افراد یکدسته حقائقی بیرون میآید که‌مظهر روح همان ملت بوده وهمان صفت ممتازهٔ ملی را تولید میکند که اروپائی ها آن را (کولتور) ، وعربها (ثقافت) نام میگذارند و ما هم آنرا (تربیهٔ ملی) میتوانیم نام بگذاریم . کولتور هر ملت صفت ممتازه و وجه ما به الامتیاز همان ملت است وهمان طوریکه بال وصف امتیاز مرغ از مخلوقات حیه و مسباح صفت ممتازهٔ ماهی ازحشرات خشکه است همچنان کولتور نمایندهٔ امتیاز و فرق یك ملت ازملت دیگری میباشد ، از همین سبب است که

(c) ketabton.com: The Digital Library

حس ناسیو نالیزم (ملیت خواهی) افراد منور و علمای هر ملت را وادار کرده است تا جهة حفظ همین امتیازات ملی خود شان مؤسسه هائی بوجود آورند که آن مؤسسه ها همین اکادمی ها میباشد (۱) پس از روی این مطالعات فهمیده میشود که اکادمیها به مفهوم امروز حافظ ادبیات ، صنایع اخلاقیات ، اجتماعیات ، عرف و عادات ، زبان و بالاخره تمام عوامل روحی و معنوی ملل است که آن را در فوق کولتور یا ثقافت گفتیم .

وظیفهٔ امروزهٔ اکادمی های عالم اینستکه آن ها ازیك طرف علوم وفلسفه وادبیاتی را که بروی ساختمان روحی ملی ایشان اتکاء دارد ترقی و ازطرف دگر علوم، فلسفه ، ادبیات و . . . ملل دیگر را وارد وطن خود نموده آن را با مبادیات روحی و اخلاقی ملل خود شان تطبیق وجزء کولتور ملی خودمیگردانند و آن را رنگ ملیت میدهند یا به تعبیر بعضی ها بران (تاپهٔ) ملی میزنند ، گویا اکادمی ها در حیات اجتماعی ملی و حیات عمومی بین المللی دارای رول عمده و مهمی میباشند و از همین جهة است که باید وجود پشتوتولنه را که اکادمی افغانستان میباشد بسیار قدر کرده اهمیت اقدام بزرگی را که حکومت متبوعه درتاسیس این مؤسسهٔ نافعه بعمل آورده است بسیار بزرگ دانست زیرا اگرخدا بخواهد این مؤسسه منشاء تمام نهضت های آتیهٔ ملی ما خواهد بود زیرا این مؤسسه محی زبان و ادبیات پشتو و وارد کنندهٔ علوم وفنون ، فلسفهٔ دنیا درمملکت میباشد وچون مرامنامهٔ

(۱) طوریکه در تاریخچهٔ اکادمی ها مطالعه میفرمائید پیدایش اکادمی های اولیه نه باین مقصد بلکه جنبهٔ مدرسه وی داشته است ولی امروز مرام آن‌ها عوض شده باین حال درآمده است « تره کی »

پشتوتولنه رادرذیل این مقاله الحاق مینمائیم ازین جهت زایددربارهٔ اهمیت و لزوم ووظیفهٔ مذکور بحث نکرده همین قدر میگوئیم که : مملکت ما مملکتی است کوهستانی و از روی بحر روی همرفته (۲۰۰۰) متر ارتفاع داشته دارای هوا و فضائی است دلکش محیط مساعد برای برداشتن هرگونه محصولات لهذا مؤثرات متوالیه هوای نسبی ، محیط جغرافیائی، رفاه و آسوده گی اقتصادی و صدها گونه عواملی دیگریکه ازین گونه محیط ها در روح و جسم ملل رونما میشود همان طوریکه هویت ظاهری (جسمی) ملت ما را ممتاز جلوه میدهد در روح ملت هم استعدادات بس گران بهائی تولید کرده است که هر کدام آن استعدادها در موارد خودش مزیتی است که باین ملت میبخشد پس زبان ادبیات عرف وعادات قومی و اجتماعی و بالاخره تمام مسائلیکه را بطه باروح ملت دارد دارای اهمیت مخصوصی بوده زمینهٔ تتبع و کنجکاوی را تهیه میکنند و ایجاب مینماید که اولاد های این خاك باید هر کدام علی قدر سهمهم دراحیا و تنمیهٔ این قبیل مفاخر ملی خود بکوشند و طبیعی بود که باید اکادمی مخصوصی در مملکت برای تتبع درینگونه مسائل روی کار میآیدهمین بود که این افتخار اولا نصیب اعلیحضرت شهید غفرالله له وسپس عائد به اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه شد زیرا که اولی اساس انجمن ادبی ودومی شالودهٔ پشتو تولنه را گذاشتند .

گفتم طبیعی بود بلی : البته ما میل داریم سعادت آتیهٔ ملت ما تامین شود ، ملت عالم و باسواد گردد ، زبان پشتو تعمیم یافته استقلال زبان داشته باشیم ، علوم و ادبیات ملی ما بهر اندازه

(c) ketabton.com: The Digital Library

و هر شکلی که هست است در ادارهٔ واحدی تمرکز داده شده پیشرفت کند ، افسانه ها و داستان‌ها وتمام عناصر مردم شناسی (فولکلور) از تمام زوایای مملکت جمع شود ، تاریخ ملی تدوین گردد ، افتخارات پدران پاك روان ما آفتابی شود ، قاموس ، گرامر زبان تدوین ومکمل گردد ، علوم ، ادبیات ، فنون ، صنایع نفیسه و فلسفهٔ عصری دنیا را تاپهٔ ملی زده به جامعه نشر نمائیم وبالاخره بتمام فضائل معنوی ملت خود را مجهز به بینیم این‌ها و امثال این ها تماماً عواملی میباشند که وجود یك اکادمی را در مملکت ما ایجاب میکرد همین بود که خوش بختانه وجود پشتو تولنه این آرزوی ما را بر آورد و مملکت را دارای یك اکادمی گردانید .

توجهات حکومت و زحماتی که وزیر دانشمند معارف سردار محمد نعیم‌خان درپیش‌برد مرام پشتو تولنه متحمل می‌شوند ودر اکثری ازجلسات آن شخصا حضور بهم میرسانند بما یقین میدهد که پشتوتولنه مانند تمام اکادمی های دنیا بالمره به مرام خود نائل خواهدشد .

تاریخچهٔ اکادمی ها :

برای اینکه خوبتر توانسته باشیم اهمیت پشتو تولنه و بالنتیجه اهمیت اقدام حکومت‌را درین زمینه‌نشان بدهیم رجوع‌میکنیم به تاریخچهٔ اکادمی های دنیا تا دیده شود که ممالك عالم در طی چگونه زحمات اکادمی ها را اساس گذاشته و اکادمی های آن ها در ممالك خود شان مصدر چگونه خدماتی شده و دارای چه‌نوع اهمیت میباشند ؟ این است بالنوبه نگاشته می شود ولی باید ملتفت بود که ما تنها به

بردن نام و هویت همان اکادمی ها میپردازیم که دارای شهرت بین‌المللی اند و از بردن اسمای اکادمی های درجات دوم به علت جلوگیری از طویل شدن بحث خود داری میکنیم :

پیدایش کلمهٔ اکادمی :

همان طوریکه منشأ تمام افتخارات علمی ومدنی و فلسفی و صدها فضائل دیگر انسانی یونان است هم چنان منشأ اکادمی‌ها هم یونان میباشد زیرا این کلمه مولود مدرسهٔ فلسفیهٔ افلاطون‌است چه افلاطون بر خلاف شاگرد خود ارسطو که مدرسهٔ فلسفی خودرا در تفرجگاهی بنا نموده عنوان مشائی یافت درسگاه خود را در باغی که اکادیم نام داشته متعلق به پهلوانی موسوم به اکادموس بود بنا نهاده ازین سبب به مدرسهٔ خود عنوان اکادمی و به فلسفهٔ خویش نام اکادمیك داد و تا امروز هم وقتیکه نامی از فلسفه یا مدرسهٔ افلاطون برده می‌شود توام بانام اکادمی میباشد .

گویاافلاطون اولین مؤسس اکادمی ومدرسهٔ اونخستین اکادمی دنیا بوده است مرام اکادمی افلاطون خالص فلسفه و اعضای آن شاگردان‌او بودند که رشید ترین آن‌هاارسطو میباشد ، فلسفهٔ افلاطون در اطراف موضوعات مهمه ماورای طبیعی و طبیعیات ونفسیات بوده اساس آن را به عقیده خودش ریاضی تشکیل میداد زیرا او در دیوار اکادمی نوشته بودکه « هرکه‌ریاضی نمی‌داند واردا کادمی نشود.»

بعد از افلاطون اگرچه دریونان انجمن های متعدد دیگری هم شبیه باین اکادمی روی کار آمد ولی چون آنقدر اهمیت ندارند صرف نظر شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

بعد ازان که یونان از سیادت وعظمتیکه داشت افتاد وبیرق علم ومعرفت بتوجه جانشینان اسکندریه اسکندر در اسکندریه بلند شد مدرسهٔ فلسفی دیگری در اسکندریه بوجود آمد که دارای عنوان اکادمی بوده است وآن را (اکادمی‌جدید Neu academy) نام میگذاشته اند، این اکادمی هم دارای مرام فلسفی بوده بعلتی اکادمی جدید نامیده شد که مؤسسین آن میخواستند فلسفهٔ افلاطون را بابعضی ایزادات از مدارس دیگر فلسفی که بصورت انتخاب Eclactic (۱) ۹ بوجود آورده بودند تجدید نمایند ونیز دراوائل قرن ۳ میلادی اولین شاه بطالسه در اسکندریه انجمن دانشی به نام موزیم تاسیس کرد که شبیه به اکادمی های امروزه بوده است و اعضای آن اکادمی متبحر ترین مردان شرق ویونان بوده اند.

رویهمرفته اکادمی‌هائیکه بعدازان دراسکندریه وسپس‌درمراکز علمی وادبی رومای کبیر تاسیس شدند تماماً شبیه بانجمن هائی بوده است که نمی‌توان آن‌ها را اکادمی نام داد یعنی دارای شرائطیکه اکادمی‌ها میباشند نبودند.

اساس اکادمی های امروزه:

بعد ازقرن ۱۲ میلادی نهضتی دراروپا دیده شد که منشأ آن ایطالیا بوده است این نهضت اولاً بشکل یك نهضت‌ادبی که بعدها

فلسفی (۱) مدعا اقتباس افکار صحیح و طردافکار ضعیف از طریقه‌ها و مذاهب سائرهٔ است وچنین یك طریقه راکه دراخذ افکار دیگران پابند انتخاب باشد مدرسهٔ انتخابی میگویند.

رول عمدهٔ آن را دانت، پترارك، بوکاس به عهده داشتند جلوه نموده اولاً زمینهٔ سبك ادبی موسوم به هوما نیزم (بشردوستی) را حاضر وبعد ازان سبب انتشار دورهٔ رنسانس (انتباه وبیداری) در اروپا شدند.

دورهٔ رنسانس در اروپا در حقیقت آفتابی بود که باروپا طالع شده زوایای تاریك آن دیار را منور گردانید زیرا دورهٔ رنسانس ادبیات ملل اروپائی را احیاء، صنایع ایشان را ترقی، علوم و معارف را ترویج داد.

گویا در نتیجهٔ مهارت وتبحر اشخاصیکه رول های رنسانس را به عهده داشتند علما، ادبا، صنعتکاران از درو دیوار باریدن گرفته هرطرف اروپا مخصوصا فرانسه بالاخص قسمت جنوبی آن مملکت یعنی (پراونس) کانون شعرا و نویسندگان شد پس اکادمی های امروزه‌را میتوان نتیجهٔ مستقیم حرکت یکدسته شعرای جنوبی فرانسه که ابتدا درشهر پراونس‌ظهور و ازقرن ۱۱ الی‌اواخرقرن ۱۳ رونق افزا بودند دانست زیرا در سنه ۱۴۳۳ درین شهر اکادمی معنون (اکادیمیا پوشانیانا) تاسیس گردیده فکر تاسیس کردن اکادمی و لزوم آن را در اروپا ترویج و تعمیم دادند تا اینکه رفته رفته در هر مملکت اروپا اکادمی های متعددی که مصروف اصلاح و ترقی یك یك شعبهٔ زندگانی ملی بودند روی کار آمد گویا باین صورت اکادمی های امروزهٔ دنیا را میتوان به پنج نوع تقسیم کرد:

اُول: اکادمی های علمی و فنی (۲) اکادمی های ادبی (۳) اکادمی‌های آثار عتیقه‌وتاریخ(٤) اکادمی‌های طب وجراحی (٥) اکادمی های صنایع نفیسه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

اینك درذیل به‌نهایت اختصار دراطراف‌معروف ترین‌اکادمیهای مذکور وارد بحث می شویم و قبلا باید گفت که از اکادمیهای درجات دوم‌و سومی به نهایت اختصار و از اکادمی های درجه‌اول که در دنیا دارای شهرت ومقام بزرگی میباشند قدری مفصل تر بحث خواهیم کرد تا خوبتر بتوانیم درجهٔ لزوم و اهمیت اکادمی ها و وظایف آنهارا خاطر نشان نمائیم .

یکی از همین اکادمی های بزرگ و معروف اکادمی فرانس است که اینك مورد بحث قرار داده می‌شود .

اکادمی فرانسه :

درسنه ۱۶۲۹ چند نفرادبای پاریس دربین خود مجلس‌نموده فیصله کردندکه هر هفته جلسه کرده در اطراف موضوعات ادبی بحث کنند و وقتیکه یکی از ادبای مذکورکدام‌مضمون ادبی مینوشت همان مضمون را درمحضر رفقای دیگر خود قرائت میکرد . اگرچه اعضای این مجلس تعهد نموده بودند جلسات ایشان مخفی بماند ولی آوازهٔ مجلس مذکور به سمع ریشلیو وزیر معروف لوی ۱۳ رسید وقتی ریشلیو دید جلسه های ایشان به حال ملك وملت‌بسیارمفید است عهد کرد که شخصاازایشان حمایت نماید همان بود که‌برای تشکیل یك انجمن بحضور پادشاه وقت پیش‌نهاد نموده پیش‌نهادمذکوردر ۲۹ جنوری ۱۶۳۵ منظور شد .

اعضای رئیسهٔ این انجمن عبارت بودازیك مدیر ویك نفر مهر دار که بطور قرعه انتخاب میگردیدند ویك منشی که بقرار رای مقرر میشد ، وظیفهٔ مدیر ریاست بود و مهر دار سندات رسمی اکادمی را مهر ولاك میکرد . عدهٔ اعضای این اکادمی معین و چهل نفر بود

اما این تعداد تاسنه ۱۶۳۹ اکمال نگردیده بود .

وظیفهٔ مهم اعضا تحریر مقالات ادبی بود که به نوبت مینوشتند . بزرگترین خدمتیکه اکادمی مذکور دران وقت نمودهما نا تدوین قاموس زبان فرانسوی بود که درسنه۱۶۳۹ آغاز واولین طبع قاموس مذکور درسنه ۱۶۹۳ وآخرین آن که دفعهٔ ششم بود درسنه ۱۸۳۵ به عمل آمدوازان به‌بعد ضمائمی‌به قاموس مذکور الحاق‌گردیده است .

کارتدوین قاموس زبان فرانسه دران وقت درحقیقت آب حیاتی بود که به گلوی مریض محتضری ریخته شد زیرا السنهٔ دیگر اروپائی به شدت تمام بالای زبان فرانسه نفوذ میکرد وکمرآن را در زیر بار لغات بیگانه خم مینمود از همین جهته (وولته‌ربزرگترین نویسندهٔ آن عصر) این اقدام را چنین تمجید نموده بود :

« این هیئت کوچکی‌که آن راجمعیت میگویند شگوفهٔ‌بشریت است وبزرگترین انسان ها برای اجرای مرام آن ها کارمیکند» ومولیئر گفته بود : « چیزیکه باید ازهمه بیشتر حاصل کرده شود ذوق دربار شاهی است زیرا درهیچ جامانند در بارشاه تصاویب درستی اتخاذ کرده نمی شود . »

تشکیل دوبارهٔ اکادمی مذکور :

انقلاب معروف سنه ۱۷۹۳ فرانسه هم چنان‌که اکثری‌ازموسسات قبل از انقلاب را ازبین‌برد اکادمی فرانس هم‌سقوط کرد وبعدازان مجلس کونواسیون که درخرابه های باستیل بوجود آمده بود ، تصمیم کرد تا تمام موسسات ویران شدهٔ انقلاب رابصورت یك موسسهٔ جامعی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجدداً تشکیل واحیانماید همین بود که اکادمی معروف فرانس را که تا کنون وجود داشته ازمعروف ترین وبزرگترین اکادمی های دنیا میباشد تاسیس نمود اعضای اولیهٔ این اکادمی ۱۸٤ نفر از مرکز پاریس و۱۸٤ نفر ازاهالی اطراف وولایات داخلی فرانسه و۲٤ نفر خارجی تعین گردیدند .

هر کدامی از اعضای این اکادمی در وظیفهٔ خود مختار بوده همه وقت مورد نوازش حکومت واقع میشدند .

این اکادمی در اول تاسیس خود دارای سه شعبه بوده است از قبیل : « ۱ » علوم طبیعی وریاضیات « ۲ » علوم اخلاقی و سیاسی « ۳ » ادبیات و صنایع نفیسه .

اولین جلسهٔ این اکادمی در سنه ۱۷۹٦ منعقد گردید و بعد ازان ناپلیون کبیر در اکادمی مذکور بعضی تعدیلاتی وارد کرد و تعدیلات مذکور در سنه ۱۸۳۲ دوباره فسخ شده اکادمی بحال اصلی‌خود عودت و اکنون دارای پنج شعبه مثل :(۱) شعبهٔ علوم‌طبیعی وریاضیات « ۲ » ادبیات‌وزبان فرانسه « ۳ » تاریخ‌و ادبیات‌قدیمه « ٤ » صنایع نفیسه « ٥ » شعبهٔ‌علوم اخلاقی و سیاسی میباشد .

این اکادمی دارای یك خزانهٔ عمومی و یك کتابخانهٔ بزرگی میباشد که بادیگر معاملات مربوطه از طرف هیئت داخلی اکادمی که بصورت انتخاب معین می شوند اداره کرده می شود .

همان سکیسون اکادمی مذکور که موظف به زبان و ادبیات فرانسه است به نسبت سکیسون‌های دیگر برآن دارای‌مزیت واولویت

میباشد و این سکیسون همان سکیسون معروفی است که ادبیات امروزهٔ فرانسه مرهون خدمات او میباشد .

این سکیسون که امروز مدلول یگانهٔ اکادمی فرانسه میباشد دارای چهل نفر اعضا است که ایشان را اهل فرنگ Immortels (لایموت‌ها) نام میگذارند .

رجال معروفیکه درین اکادمی بالنوبه حائز رتبهٔ سکرتری بوده‌اند عبارت‌اند از : سوار د ، فرانسواژ وست‌رینوارد ، فرانسوا آندرو ویلامین ، لامارتین ، و یکتور هو گو .

این اکادمی در معاملات‌سیاسی هیچ رابطه و علاقهٔ ندارد وتمام مساعی‌خود را در احیا وترقی زبان وادبیات فرانسه حصر کرده اند از ین سبب رژیم های متوالی وپیهم سیاسی که مانند صحائف کتاب در ان مملکت زود زود ورق میخورند هیچوقت در امور اکادمی مداخله نمی نمایند .

برای‌این اکادمی عطایای هنگفتی وقف‌گردیده است که‌میتواند تمام حوائج اکادمی واعضای آن را جبران نماید .

این اکادمی هرساله درحدود چهل هزار فرانگ به اشخاصیکه در زمینه های علمی وادبی وغیره توجه اکادمی را بخود جلب‌کنند بنام جائزه میدهد .

شرائط دخول درین اکادمی :

در اکادمی فرانس محض همان اشخاصی حق دخول وعضویت‌را دارند که دارای سن معینهٔ اکادمی بوده صاحب شهرت و سوابق

(c) ketabton.com: The Digital Library

خوبی باشند از همین جهة در قرن ۱۷ مولیر بزرگترین نویسندهٔ آن عصررا به علتی به اکادمی نه پذیرفتند که او مشهور به (آکتور) بوده به شهرتش لکهٔ موجود بود ولی بعد ازانکه او مرد اکادمی دانست که دربارهٔ آن شخصیت بزرگ مرتکب سهو عظیمی شده‌است پس برای تلافی این کفارهٔ ادبی وعلمی مجسمهٔ نیم تنهٔ اورا تراشیده درسالون اجتماع عمومی اکادمی نصب کردند و به نوشتن این عباره حق آن مرد نامی را ادا نمودند :

« در شرافت مولیر نقصی عائد نگردیده تقصیر از ماست »

کرسی های این اکادمی وقتی یك مرتبه اشغال شد تا وقتیکه صاحب آن زنده است مال اوست وباز وقتی دارندهٔ کرسی فوت کرد نام او را در زمرهٔ (به عقیدهٔ خود شان) لا یموت ها داخل مینمایند وشاید این لقب برای این باشد که آثار ایشان تا ابد نام آن هارا زنده نگه میدارد .

مؤثرات این اکادمی :

اما دراینکه این اکادمی چه تاثیرکرده است ؟ برعلاوهٔ اینکه میتوان ادبیات ، زبان ، علوم ، فنون ، فلسفه وصد ها عوامل دیگرمدنی مملکت فرانسه بلکه اکثری‌ازممالك دیگر را ازموثرات این اکادمی پنداشت ، رجال بزرگ و متفکرین نامورهرکدام درتعریف وتوصیف‌این اکادمی چیزهائی نوشته‌که ازهمه ویاچند نفرآن ها به علت ضیق بودن صحف مقاله صرف نظر کرده تنها قول ارنست رینان فیلسوف فرانسه را ذکرمینمائیم :

ارنست رینان مینویسد : « بواسطهٔ همین اکادمی‌است که شخص میتواند دراطراف زبان ، شرف ، ادب فرانسه بدون خودنمائی و علم فروشی هرچه میخواهدبگوید ، نگوئیدکه آن ها (اعضای اکادمی) چیزی نکرده اند این مخلصان وفدائیان راه تهذیب حیات خویش را وقف تحقیق وتدقیق‌الفاظ وسنجش اجزای کلمه نموده اند . آن ها چنان شاه کاری بوجودآورده‌اندکه عبارت از زبان فرانسه است » .

این است مقام ، اهمیت ، خدمت وبالاخره رؤس معلومات دراطراف اکادمی فرانسه .

انجمن شاهی لندن یا اکادمی انگلستان :

انجمن مشهور شاهی لندن دراثرتحریك فرانسس بایکن (۱) بوجود آمد چه مشارالیه دریکی ازمحررات خود سفارش کرده بود که باید درانگلستان انجمنی که درتربیت و ترقی‌دادن علم بصورت درستی بکوشد تشکیل نمود اما حلول جنگ داخلی درانگلستان اجرای این تجویز را به تعویق انداخت وبازدرسنه ۱۶۶۳ دراثر فرمان چارلس دوم درانگلستان انجمنی بنام انجمن شاهی تاسیس‌گردیدوچارلس پادشاه انگلستان که میل زیادی به تعمیل آن داشت (۱۳۰۰) پوند برای لوازم اداری وتعمیل نقشهٔ مذکور از جیب خود داد ، جلسهٔ نخستین این اکادمی‌درماه مارچ سنه۱۶۶۳ تحت ریاست (وسکونت بروکر)

(۱) بایکن : فیلسوف معروف انگلیس وهمان مردی است که فلسفهٔ تجربی‌را که امروز مروج است اساس گذاشت . گرچه ابتکار آن راجع بابن سینا است ولی تعمیم مذکور و مدنیت حاضره بوسیلهٔ بایکن شده است (ترکی)

(c) ketabton.com: The Digital Library

که شخص نجیب و در علم ریاضی تبحرز زیادی داشت انعقاد یافت .
این اکادمی مدت ۲۷۰ سال درحیات فکری وعلمی ملت انگلیس رول منحصر به فرد ونهایت مهمی را بازی کرده است .

روسای آن بالنو به عبارت ازنیوتن کبیر ، دیوی ، هوگر ، کلوین وها یکنس است که هرکدام درموضوعات متخصصهٔ خود علامهٔ زمان خویش بوده اند .

چون انجمن شاهی لندن درمیان مجامع دیگر علمی انگلستان دارای مقام شامخی میباشدازین جهة باید قدری مفصل دراطراف آن بحث کرد .

اکادمی مذکور دارای ۴۵۰ نفر عضومیباشد وغیر ازین اعضا که همه انگلیس ودارای تابعیت انگلستان اند دارای تقریبا ۵۰ نفر عضو خارجی هم میباشدکه از جملهٔ اعضای طبیعی ۷۷ نفر برای فزیك وعلم المواسم و ۵۳ نفر برای ریاضیات و۲۴ نفر برای انجنیری و۷۰ نفر برای کیمیا و۹۰ نفر برای طب و۳۶ نفربرای حیوان شناسی و۳۴ نفر برای گیاه شناسی و۳۵ نفر برای علم طبقات الارض و ۱۰ نفر برای علم النفس و ۱۸ نفر برای موضوعات متفرقهٔ علوم و ۸ نفر برای امور ملی و ۳ نفر برای عتیقه شناسی است .

منتظری که میخواهد به صفت عضویت وارد اکادمی شود باید یکی یاچندی ازاعضای اکادمی را طرفدار خود بسازد تا اسم اورا دراکادمی به صفت عضویت پیش نهاد کنند واین انتخاب را باید شش نفر عضو دیگر اکادمی تصدیق نمایند تابعد ها به تصویب برسد .

امور اداره وانتظامات اکادمی ازوظیفهٔ رئیسی است که برای دوسال به اکثریت آرا ازطرف اعضای انجمن انتخاب میگردد این رئیس وظیفهٔ مفوضهٔ خودرا به اتفاق یك نفرخزانه دار و۲۲ نفرعضوکه ازطرف

اعضا با کثریت آرا ازبین خود اعضای انجمن انتخاب می شوند اجرا مینمایدبعدازآنکه مدت تقرر رئیس مذکورختم شد دوباره انتخابات شروع میگردد وجائز است اگر رئیس برای دوم بارهم انتخاب کرده شود .

حکومت انگلستان درهر سال برای تحقیقات علمی تقریبا ۶۰۰۰ پوند بانجمن مذکور میدهد .

اعضای انجمن مذکوردرهیئت های انتخابیه که برای تقرر پروفیسور ها در دارالفنون ها ومدارس عالیهٔ دیگرتشکیل میشود نیز نمایندگی دارد .

باین اکادمی ازطرف متمولین محض بغرض خدمت درراه پیشرفت علم هرساله یك یك مبلغ هنگفت پول بطور اعانه داده میشود وانجمن مذکور ازهمین مبلغ هرساله مبالغ هنگفتی را بنام جائزه به مقتدایان علم وفن بطور تشویق انعام میدهد . امادر اینکه این اکادمی در تطور ذهنی وعلمی وادبی ملت انگلیس چه تاثیری نموده است ؟ میتوان گفت وکتب تاریخ علوم ، فنون ، فلسفه ، ادبیات صنایع وبالاخره تواریخ تمام شئون زنده گانی بشر گواهی میدهد که تاثیر بسیار نموده است واینکه اگر بخواهیم درجهٔ تاثیر این اکادمی را با اکادمی فرانس مقایسه کنیم مجبوریم به نوشتهٔ یکی از علمای انگلیس ماتو آرنولد رجوع نمائیم زیرا او دربین این دو اکادمی مقایسه وقضاوتی نموده است

ماتو آرنولد درمقالهٔ خود که به عنوان تاثیرات ادبی اکادمی ها نوشته ونوشتهٔ مذکور راعیناً دردائرة المعارف بریتانیکا اقتباس کرده اند وما این سطور را ازان دائرة المعارف التقاط مینمائیم :

« درانگلستان که چنین اکادمی وجود ندارد آن حرکات غریب وغیری معمول آن روحیهٔ محدود وآن خشونت وپستی به نظر میرسدکه

(c) ketabton.com: The Digital Library

بواسطهٔ نوابغ آن جبران پذیر نیست . . . . . » .

کلمهٔ (چنین) درجملهٔ فوق اشاره به اکادمی فرانس استزیرا اودر نوشتهٔ خود اکادمی فرانس را دربار عالی ادبی نامداده است .

این است مقام وتاثیر علمی و ادبی و . . . دواکادمی بزرگ اروپا ولی دراینکه نهضت اکادمی در ممالك دیگر اروپائی چطور و در چه وقت رو داده است ؟ این خود موضوعی است که از دائرهٔ احاطهٔ این مقاله خارج میباشد وصرف اینقدر میتوان گفت که : اولین اکادمی در استریا درسنه ۱۸٤٦ عیسوی ودر سنه ۱٦۷۲ درجرمنی و درسنه ۱۷۲۰ درروسیهٔ تزاری یعنی امپراطوری روسیه و . . . . تأسیس شده استکه هر کدامی ازان ها درممالك خودشان خدمات گران بها ودر ممالك دیگر موثراتی دارند که رویهمرفته غنیمت بوده است .

تصور میکنم حدمحدودیکه برای این مقاله درنظر است در زمینهٔ اکادمی های فرنگستان کافی باشد .

حالا نوبت آن آمدکه قدمی نزدیك ترآمده دراطراف انجمن های علمی و ادبی ممالك اسلامی مخصوصا تورك، ایران ، هند ، مصر صحبت کرده ببینیم که اوضاع انجمن های دول مذکور کدهرکدام در عصر خودش بمنزلهٔ اکادمی بوده است چطور بود ؟ و اکنون چیست ؟

تورکیه :

نخستین مجمع دانش تورکیه که میتوان آن راشبیه به اکادمی پنداشت انجمن (ثروت فنون) بود که دراواخرسلطنت عبدالحمیدثانی (اواخر قرن ۱۹) دردولت عثمانی تاسیس گردیده بود .

این انجمن غیر رسمی و مرکب ازفضلا ودانشمندان تورکیه بود که در زمینه‌های مختلفهٔ علمی، ادبی، تاریخی و بالاخره تمام مسائل اجتماعی خدمات شایانی به ملت عثمانی انجام داد.

این انجمن دراوقات معین هرماه مجمع میکرد ومجلهٔ هم بنام ثروت فنون ازان مجمع انتشار می یافت .

ازرجال بزرگیکه این اکادمی را بذریعهٔ قلم وافکار خود اداره میکردند میتوان رجائی‌زاده ، محمود اکرم ، نامق کمال ، احمد مدحت وبعدازان‌ها عبدالحق حامد ، احمد احسان ، فیلسوف رضاتوفیق وحسین جاهد را نام برد .

بعد ازانجمن ثروت فنون دران مملکت انجمن دیگری معنون به (فنترآتی) تاسیس و سپس مجمع بزرگتری بنام (تورك اجاقی) که موسس آن فیلسوف جوان تورك (ضیا گوك آلب) بود تأسیس گردید این انجمن طوری که ازنام آن فهمیده می‌شود انجمنی بود دارای مرام مفرط ناسیونالیزم (ملت خواهی) زیرا دران انجمن اعضای عالم و درعین حال باحرارتی جاگرفته ازجریانات ناسیونالیزمی اروپا متأثر ودر زمینهٔ علم ، تاریخ ، ادبیات طوری رویه میکردند که تمام علوم قدیمه را باید هرطوری هست به ملت خود شان نسبت بدهند و اثبات کنندکه پیش قدمان تمدن دنیا افراد ملت ایشان بوده اند .

بعد ازین انجمن اگرچه دران مملکت انجمن های متعدد ومختلف دیگری از قبیل ، (تورکیات انستیتوسی) وامثال آن روی کار آمد ولی‌هرکدام آن ها دارای عمر کمی بوده رو به سقوط رفتند . ولی اکنون امروز درمملکت تورکیه مؤسسهٔ یگانه که میتوان آن را بتمام مفهومش اکادمی نام داد همانا (انجمن زبان وتاریخ تورك) میباشد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

این انجمن مؤسسهٔ رسمی دولتی بوده رئیس بزرگ آن کمال آتا تورك (رئیس جمهور) آن مملکت میباشد ، اعضای آن عبارت از مبرزترین رجال تورك و اشخاصی میباشند که هرکدام در زمینه های متخصصهٔ خودها به رتبهٔ دکتوری نائل شده اند .

این انجمن دارای دو شعبه است یکی سکیسون (شعبهٔ) تحقیق تاریخ تورك ودیگر سکیسون (شعبهٔ) زبان وادبیات تورك میباشد.

اکثری ازاعضای این دوشعبه درفاکولتهٔ تاریخ ، زبان ، جغرافیه هم سمت استادی (پروفیسوری) دارند واکثراً درمجلهٔ رسمی سکیسون های مذکورمضامینی راکه پروفیسورها دراثنای درس برای شاگردان ایراد کرده اند برای اطلاع عامه نشرمیکنند .

این انجمن ها بعدازیك یك مدت معینی‌ازپروفیسورها و متخصصین زبان وتاریخ خارجه دعوتی‌نموده مجلس بزرگی که آن‌را (کورولتای‌یعنی لویه جرگه) نام میگذارند منعقد میکنند تانتیجهٔ تحقیقات ایشان کاملاً شایع وتعمیم گردد .

رویهمرفته قیمت واهمیت علمی کار ایشان هر چه میخواهد باشد اکادمی مذکورباجدیت وعزم مردانهٔ کار میکند وطرف توجه اتا تورك واقع شده است وازهمه مهمتراینکه این اکادمی‌درزمینهٔ زبان تطوری (نظریهٔ زبان آفتاب) و درموضوع تاریخ نظریهٔ مقایسه جمجه‌را بوجود آورده ازان حسب مطلوب نتیجه بر آورده اند که این نتائج در نزد مبتکرین آن بس‌گران بهاوقناعت آور است .

اعضای مبرز این اکادمی : بای شمس‌الدین وبای فوادکوپرولو وبای یوسف ضیا وبای احمد جواد وبای‌عبدالقدیر وبایان آفت و ... میباشند .

رویهمرفته اعضای اکادمی مذکور ادعا دارند که با وضع کردن نظریه های تاریخ وزبان درزمینه های‌مذکوره حائز موفقیت شده اند .

ایران :

اگرچه از سنوات قبل یعنی از ابتدای انقلابات سیاسی ایران باین طرف‌دران مملکت انجمن‌های متعدد ومختلفی بادارائی مرام‌های علمی، ادبی ، تاریخی ، اجتماعی وبالاخره هرگونه شئون حیاتی روی کار آمده هرکدام آن‌ها علی قدر قدرتهم درزمینه‌های متعهدهٔ خویش خدمت کرده‌اند اما انجمن های معروف آن مملکت‌که هرکدام بشکل اکادمی های کوچکی بوده است عبارت از انجمن دانشکده بود که مؤسس آن آقای ملك الشعرای بهار و انجمن فرهنگ که مؤسس آقای ترجمان الممالك و انجمن تربیت در تبریز که مؤسس آن میرزا محمد علیخان تربیت وانجمن ادبی ایران که مؤسس آن آقای شهزاده افسر بوده است .

ازانجمن‌های متذکرهٔ فوق اکنون فقط تنها انجمن ادبی ایران باقی وپایه دار است که فعلاً هم ریاست آن را همان مؤسس اولیهٔ او آقای شهزاده افسردارا میباشند . یگانه اکادمی که بهراسم ورسم میتوان آن‌را اکادمی گفت فرهنگستان ایران است .

این اکادمی که دارای نام فرهنگستان میباشد مستقیماً اکادمی است زیرا آقای فروغی در موقعیکه زمام اداره و سیاست ایران را بدست داشته رئیس الوزرای آن مملکت بودند اکادمی مذکور را شخصاً افتتاح ودرخطابهٔ افتتاحیه خود (فرهنگستان) را مقابل کلمهٔ اکادمی استعمال کردند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

این اکادمی در ۲۹ ماه ثور سنه ۱۳۱٤ با رادهٔ اعلیحضرت پهلوی دران مملکت تاسیس گردیده دارای ۲٤ نفر عضو طبیعی است که ریاست آن را آقای حسن وثوق (وثوق الدوله) که یکی‌ازفضلای نامور آن کشورند دارا و مهمترین وزبده ترین اعضای آن آقای ابوالحسن فروغی وآقای بدیع‌الزمان فروزان فر و آقای سعید نفیسی وآقای دکتور شفق وآقای علی اصغر حکمت وآقای دهخدا و آقای یاسمی میباشند .

مرام این اکادمی حفظ وترقی زبان وادبیات ایران وجمع کردن آثار ملی وبالاخره انجام هر گونه وظائفی است که مربوط به ثقافت (کولتور) ایران میباشد .

این اکادمی درمواعد معینهٔ قانون نامه خود جلساتی عقد و در اطراف موضوعات موظفهٔ خویش شوروغور میکنند ومیتوان گفت که از روز تاسیس خود تاامروز که درحدود دو سال می‌شود اکادمی مذکور در وظائف خود مخصوصاً درقسمت وضع کردن لغات جدیده که آن را وسیلهٔ یگانهٔ استقلال زبان فارسی قرار داده اند خدمات خوبی کرده است .

هند :

دیار وسیع وپهناورهند که سر زمین فلسفه ، ریاضی ، نجوم وبالاخره اکثری ازعلوم‌وادبیات قدیمه است درقرون اخیره هم درزمینه های علمی نهضتی نموده انجمن ها و مؤسسه های بزرگ بزرگ علمی ادبی را دیده است که دران دیار تاسیس وبعد از یك مدتی از بین رفته اند .

بعضی ازانجمن های علمی آن دیار که اکنون هم موجود است انجمن ریاضی کلکته ـ و انجمن ریاضی هندو انجمن گیاه شناسی هندو انجمن کیمیاوی هند است که زیاده تراز دارائی ماهیت یك اکادمی شبیهٔ، انجمن های عمده وبزرگ علمی میباشد که دریك رشتا ازعلوم طبیعی دارای اختصاص اند .

انجمن‌های علمی هند که میتوان آن هارا دارای ماهیت اصلیهٔ اکادمی پنداشت همانا دواکادمی است که یکی آن (انجمن‌آسیائی بنگال) ودیگری (اکادمی علوم و لایات متحده) میباشند که این است به نوبت بحث کرده می‌شود :

انجمن آسیائی بنگال درسنه ۱۷۸٤ ازطرف مستشرق معروف سرولیم جونز تأسیس گردید تا درا طراف تاریخ قدیمهٔ هند و تاریخ قرون وسطی وآثار عتیقه مشغول شود. همان بود که در هر سه مورد مخصوصا درقسمت سوم وظیفهٔ‌خود. خدمات شایانی نموده است.

اکادمی علوم ولایات متحده در سنه ۱۹۳۰ در آله آباد تاسیس گردید اعضای این انجمن اغلب از همان ولایت بوده ویك عده اعضای دیگر مذکور از ولایات دور دست میباشند. این انجمن دارای یك کتابخانه ویك‌مجله‌است که‌درهرسه‌ماه یکبار نشر می شود .

غیر از ین اکادمی ها و انجمن ها ئیکه ذکر شد در هند بسا انجمن های غیر رسمی دیگری هم وجود دارد که با انجمن های علمی رسمی و دولتی همیشه معاونت مینمایند و این انجمن ها هر کدام دریك یك زمینه های عمدهٔ علمی مصروف تحقیقات و تتبعات میباشند .

مصر :

علامهٔ فرید وجدی درجلد اول دائرة المعارف وجدی در ختم مادهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library

اکادمی مینویسد :ـ « در مصر هم جمعیاتی شبیه باین اکادمی (اشاره به اکادمی فرانس) تاسیس شد ولی چون آن ها مستند به معاونت وسلطهٔ حکومت نبودند منحل شدند »

علامهٔ مذکور دردائرةالمعارف مزبور احتیاج شدید زبان وادبیات عربی را به وجود یك اکادمی خاطرنشان کرده در اخیر تاسیس یك اکادمی شبیه به اکادمی فرانس را از حکومت مصر التجا کرده است. پس معلوم است که در مصر تازمان تدوین دائرةالمعارف موصوف واکادمی لغویهٔ که ذیلا عرض کرده می شود موسسهٔ شبیه به اکادمی موجود نبوده واگر بوده هم بعد از یك مدت کوتاهی از بین رفته است که در محضر علم شهرتی ندارد .

اکادمی لغویهٔ عربیه (الاکادیمیة اللغویة العربیه) :

درماه ستمبر ۱۹۳۲ حلمی عیسی پاشا وزیر معارف مصر اکادمی در مصر به عنوان (الاکادیمیه اللغویة العربیه) تاسیس کرد و اساس اکادمی مذکور طوری گذاشته شد که باید از فضلای تمام ممالك عربی اللسان و برخی از مستشرقین راجع به لغت وادبیات عربی وبعضی از علوم دیگر استعانت نموده شود .

این اکادمی موظف است تا بوسیلهٔ وضع کردن لغات جدیده و تدوین قاموس مکمل عربی زبان عربی را برای رفع حوائج علمی و فنی و بالاخره تمام شئون زندگانی مستعد نماید زیرا علمای مصر عقیده دارند « وحقیقت هم همین است » که زبان چون مولود زندگانی بشر است طبعا مثل نوامیس دیگر بشری محکوم به تحول و تکامل میباشد از ین جهت اکادمی که یگانه وسیلهٔ تکامل السنه میباشد برای زبان عربی کمال لزوم و اهمیت را داشت .

رویهمرفته این اکادمی طوری تاسیس شده که شبیه به اکادمی فرانس باشد و مقرر گردیده است که ده نفر از اعضای این اکادمی از افراد علمای تبعهٔ مصر و ما بقیه از اقطار ممالك دیگر عربی و مستشرقین باشند که به لغت و ادب عرب رابطه و علاقه دارند .

چون اساس این اکادمی برروی مبانی قویه و وسائل اساسی گذاشته شده است امید میرود بتواند در مصروبالاخره درممالك دیگر عربی زبان از ناحیهٔ لغت ، زبان ، ادبیات و علوم مصدر خدمت شایانی شود .

این است مطالعات مختصری که در اطراف اکادمی های ممالك نموده شد حالا موقع داریم به وطن خود برگشته به بینیم ما درین راه چه کرده و چه میکنیم ؟ :ـ

نخستین انجمن علمی درافغانستان در قرون اخیره :

در سنه ۱۳۰۹ اعلیحضرت مغفور شهید (محمد نادرشاه افغان) بنابرعشق وعلاقهٔ که بمطبوعات ومفاخرملی خود داشتند اراده فرمودند درکابل انجمنی تاسیس شود که مرام آن پیش برد ، ادبیات ملی ، تعمیم علوم ، تدوین تاریخ وطن ومسائل دیگریکه رابطه بحیات علمی مملکت دارد باشد . این فکر شاهانه عملی شده ، انجمنی بنام (انجمن ادبی) تاسیس و یکعده فضلا و نویسندگان وطن را به صفت عضویت وارد انجمن کرده ریاست آن را به ع ، ج ، محمد نوروز خان سرمنشی حضور شاهانهٔ شان سپردند.

انجمن ادبی از روز تاسیس خود الی اول ثور ۱۳۱۶ که روز تحویل آن به پشتو تولنه میباشد بدستیاری اعضای فاضل و حسن

(c) ketabton.com: The Digital Library

ادارهٔ رئیس صاحب فعال و توجهاتیکه از مقام منیع پاد شاهی مبذول میشد به انواع وسائل پیشرفت امور که شائستهٔ یك انجمن فعال و کار کنی باشد متوسل شد مثلا وقتا فوقتا دعوتی از اعضای افتخاری خود نموده در زمینه های مهمهٔ وظائف خویش از اوشان استعانت و برای اینکه نتیجهٔ کار ها و تتبعات اعضا به عامه تبلیغ شده خدمتی بعرفان مملکت نموده شود مجلهٔ بنام مجلهٔ کابل انتشار داد .

چون افغانستان درین چند سال اخیر در اثر جدیت و زحمت مقامات عالیهٔ مملکتی درهررشته از امورمصدر اصلاحات عمده وبزرگی شده است، لهذا انجمن ادبی برای اینکه ازمجاری امورسالانهٔ وطن واجرا آت مامورین ودوائر و بالاخره روح سعی و عملیکه خوشبختانه درمملکت تولید شده است سالیانه تذکری نموده باین وسیله روح کار رادر افراد داخلی تنمیه وسبب‌معرفی پیش رفت های‌امور اداری مملکت درخارج شود به نشر سالنامهٔ معنون به سالنامه کابل اقدام کرد .

این مملکت قدیم و دارای هزار ها افتخارات تاریخی باز هم متاسفانه تاریخ مدونی ازملت ونیاکان خود نداشت پس انجمن ادبی بوسیلهٔ اعضای طبیعی و افتخاری خود سعی کرد تاریخ وطن را از چندین جنبه مثل تاریخ سیاسی ، تاریخ ادبی ، علمی ، احیای اسمای رجال نامور و امثالهم در طی مقالات ، کتب ، رسالات ، سالنامه ها روشن نموده زمینه‌را برای‌تحقیق‌وتتبع درتاریخ‌افغانستان بازکردبحدی که اکنون بتاسی انتشارات انجمن ادبی هر فرد صاحب سواد وطن بکمال سهولت میتواند نقاط باعث افتخاری تاریخ وطن خود را به خاطر بیاورد .

یکی ازبزرگترین خدماتیکه‌انجمن ادبی‌نمودهمانا به‌میدان بر آوردن

یکعده شعرا، محررین، تذکره نویسان است که در اثر نشریات و اقتراحات و جوائز انجمن تشویق شده خود را بذریعهٔ مقالات ، اشعار ، نوشتن تذکره های بعضی‌از رجال ادبی ، علمی وغیره وطن بجامعه معرفی کردندواین خدمت‌انجمن بحدی بارزاست که‌اگر احصائیه نویسندگان وشعرای قبل از انجمن باشمارهٔ نویسندگان و شعرای حاضره مقایسه کرده شود دفعة حس کرده می شود .

رو یهمرفته انجمن ادبی در اثر انتشار کتب ، مجلات کابل ، سالنامه ها ، طرح نمودن اقتراحات و اعطای جوائز و امثال آنها در راه بیداری و عرفان مملکت خدمات غیر قابل انکاری نموده است چنانچه یکی از خدمات بزرگ او این است که او سبب نشر افکار شاهانه راجع به احیای زبان پشتو و تهیه نمودن زمینه برای ترقی و تعمیم زبان شده است زیرا انجمن ادبی از اشعار شعرای نامور پشتو منتخبات واقتباساتی نموده وقتا فوقتا به مجلهٔ کابل نشر و در اطراف اهمیت زبان پشتو و رویهمرفته اهمیت السنه و زبان مستقل برای یك ملت مستقل در مجله ، سالنامهٔ کابل مقالات متعددی نشر کرد تا اینکه از داخل و خارج اذهان را ملتفت و متوجه اهمیت و مقام زبان پشتو نمود و بتاریخ ۲۰ حمل ۱۳۱٦ که ع ، ج ، سردار محمد نعیم خان بوزارت معارف مقرر شدند ریاست رسمی انجمن را حائز و آن را مبدل به پشتو تولنه فرموده بشکل اکادمی در آوردند .

بعد از انکه انجمن ادبی عنوان پشتو تولنه یا اکادمی افغان‌را یافت وظائف آن وسعت و برعدهٔ اعضای‌مذکور افزود شده به چهار شعبه منقسم گردید از قبیل : شعبهٔ تالیف و ترجمه، شعبهٔ ادبیات ، شعبهٔ نشریات ، شعبهٔ لغت و صرف و نحو پشتو .

(c) ketabton.com: The Digital Library

پشتو تولنه در ظرف یك سال بوسیلهٔ شعب خود مصدر خدمات قابل قدری شده است که میتوان گفت- بهمین اندازه موفقیت درمراحل اولیه برای یك موسسهٔ علمی منتهای موفقیت است .

این است برای اینکه نتیجهٔ اجراآت و کارهای یك سالهٔ پشتو تولنه را بطور مختصر از نظر قارئین گرام گذرانیده باشیم امورات هر شعبه علیحده علیحده مورد مطالعه قرار میگیرد :

شعبهٔ تالیف و ترجمه :

چون مرام عمدهٔ شعبهٔ مذکور تدوین تاریخ افغانستان است ازین جهت اجراآت او زیاده‌تر دراطراف تحقیق تاریخ افغانستان انحصار دارد و بنابران شعبهٔ مذکور طوریکه ذیلا مطالعه میفرمائید درظرف این مدت قلیل موفقیت خوبی حاصل کرده است :

مؤلفات و ترجمات شعبهٔ مذکور :

« ۱ » صنعت باختر :

تالیف موسیو ژوزف هاکن ؛ ترجمهٔ جناب احمد علیخان کهزاد مدیر شعبهٔ تالیف و ترجمه : این کتاب که بشکل رسالهٔ کوچك به فارسی وفرانسه نشر شده اگرچه بیش ازیك مقاله نمیباشد بذات خود خیلی مهم است زیرا بعد از کشفیات قندوز ثابت میسازد که مهد تولدی صنعت گریك وبودیك درشمال هندوکوه در بکتریان است .

« ۲ » بگرام :

تالیف جناب احمد علیخان کهزاد مدیر شعبهٔ تالیف و ترجمه ؛

هیئت انجمن ادبی (پشتو تولنه)
L'Académie Afghane

ع ، س شهزاده احمد علیخان درانی مدیر عمومی
انجمن ادبی
M. Chahzadah Ahmad Ali Khan Durrani
directeur général

ع ، غلام جیلانی خان اعظمی معاون عمومی
انجمن ادبی
M. Gholam Djelani Aazami
vice-directeur

(c) ketabton.com: The Digital Library

هیئت انجمن ادبی: شعبهٔ تالیف وترجمه - ازراست بچپ: ص، عبدالغفورخان مترجم انگلیسی - ع، عبدالباقی خان
لطیفی عضو - ع، احمدعلیخان کهزاد مدیر - ع، یعقوب حسن خان معاون - ص، عبدالواحدخان مترجم روسی
ص، اورادالدین خان مترجم عربی - ص. (عبدالخالق خان کاتب حاضر نیست)

L'Académie Afghane; section de l'histoire. 3ème personne de droite M. Ahmad Ali Kohzad directeur de cette section

هیئت انجمن ادبی: شعبهٔ ادبیات وحفظ آثار ملی - ازراست بچپ ع، امیرالله خان زحربالی معاون
ع، سرور خان گویا مدیر - ع، قاری عبدالله خان ملک الشعراء - ع، محمد قدیر خان تره کی عضو
ع، محمد گل خان نوری عضو - ص، محمد سرور خان پویا کاتب

L'Académie Afghane: section de littérature et de folklore. 2ème personne de droite M. Gouya directeur de cette section.

(c) ketabton.com: The Digital Library

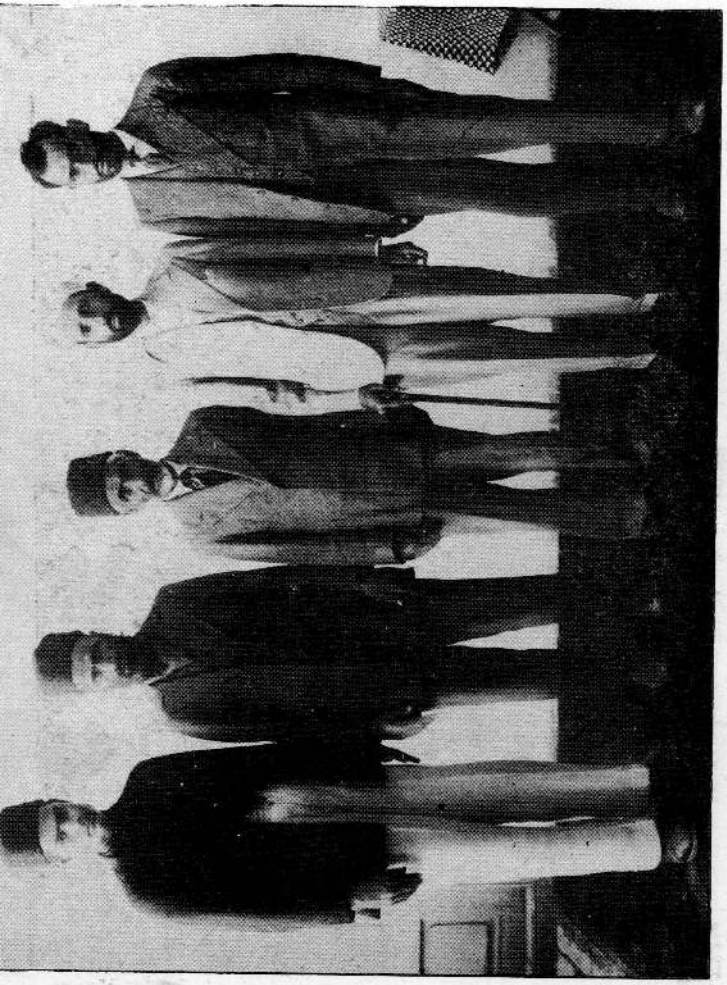

هیئت انجمن ادبی ، شعبهٔ لغت وصرف و نحو . ازچپ براست ، ص عبدالصمد خان کاتب - ع ، عبدالخالق خان اخلاص عضو ، ع ، محمد اعظم خان ایازی مدیر - ع ، صالح محمد خان مبصر پشتو ، ع ، گل پاچا خان الفت عضو

L'Académie Afghane-section de la langue : au centre M. Mohd Aazam Ayazi directeur de cette section.

هیئت انجمن ادبی . - شعبهٔ نشریات : از چپ براست ع ، یار محمد خان عضو - ص، میرعبد الواحد خان کاتب-ع ، احمدالله خان کریمی عضو-ع ، سید قاسم رشتیا مدیر نشریات ومهتمم سالنامه -ص ، محمد معصوم مصحیح -ع ، قیام الدین خان خادم عضو

L'Académie Afghane - section des publications et de la presse. 3ème personne de droite M. S. Kassêm Reshtya directeur de cette section et rédacteur en chef de l'Almanach de Kaboul

(c) ketabton.com: The Digital Library

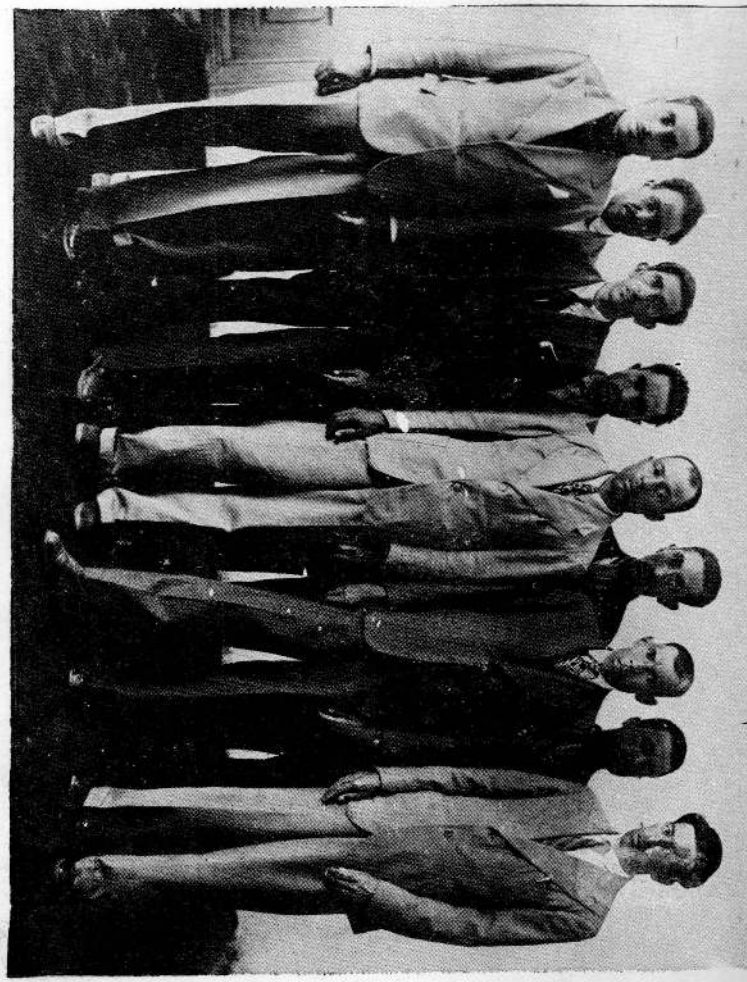

هیئت انجمن ادبی ، شعبهٔ محاسبه و تحریرات و توزیع و غیره : از چپ براست س ، محمد امان خان کاتب اجرائیه ص ، سید غلام خان خانه سامان - ص ، محمد یعقوب خان کاتب توزیع ص ، بهرام خان کاتب اجرائیه - ص ، امیر محمد خان مامور اجرائیه - ص ، غلام جان خان کتابدار ص ، عبدالباقی خان سر کاتب تحریرات - ص ، محمدشعیب خان تحویلدار - ص ، محمدکریم خان کاتب تحریرات

L'Académie Afghane; les fonctionnaires des bureaux administratifs.

این کتاب که عجالتاً بصورت مقاله درمجلهٔ کابل نشر شده میرود در آخر چهارصدجلد مستقل همطبع خواهدشد . این اثر کوچك بصورت مختصر وقائع تاریخی بگرام پای تخت شاهی وامپراطوری افغانستان‌را درعصر قبل الاسلام باچیزی فلکلور مربوطهٔ آن شرح میدهد .

«۳» سلطان محمود :

تالیف داکتر ناظم ترجمهٔ جناب عبدالغفور خان «امینی» مترجم انگلیسی شعبهٔ تالیف وترجمه : این اثر که بادقت وبه اساس ماخذ معتبر نوشته شده برای روشن ساختن وقایع عصر سلطان بزرگ افغانستان محمود غزنوی کمك زیاد میکند این اثر مفید عجالتاً در مجلهٔ کابل‌نشر میشود وبصورت مستقل هم طبع خواهد شد .

«٤» قلب آسیا :

تالیف «هنری اسکر این» و «سردینی سن راس» ترجمهٔ جناب عبدالغفور خان امینی : این کتاب شامل دو حصه است : چون حصهٔ اول آن مشتمل بر۱۷ فصل است وسراسر مربوط به افغانستان میباشد آقای امینی محض همین قسمت را ترجمه نموده اند .

«۵» یسوعیان در افغانستان :

تالیف پروفیسر هانری هراس ترجمهٔ جناب عبدالغفور خان امینی : این اثر کوچك رساله ایست مرکب ازمجموعهٔ یاد داشت های که مبلغین مسیحی حین ورود خود درافغانستان نوشته اند . این رساله هنوز به طبع نرسیده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

«٦» تاریخ هرات :

تالیف جناب فاضل جلالی معاون سابق شعبهٔ تالیف و ترجمه مدیر معارف ولایت کابل : این اثر به صورت عمومی وقایع تاریخی ولایت هرات را ترسیم میکند . هنوز به طبع نرسیده .

«٧» تاریخ اراضی خلافت شرقیه :

تالیف لوستراج : ترجمهٔ جناب عبدالباقی خان لطیفی عضو شعبهٔ تالیف و ترجمه : از این کتاب راجع به بعضی ولایات غربی افغانستان معلومات خوبی بدست میآید جناب لطیفی محض ٦ فصل آنرا که مربوط خراسان وسیستان میباشد ترجمه نموده اند .

« ٨ » یوچی و کوئی شوانگ :

کنفرانس پروفیسر « هانداتورو » جاپانی ترجمهٔ کهزد :

درتاریخ افغانستان قبل الاسلام مسئله یوچی ها وکوشان سی از مسائل خیلی مهم ونسبتاً تاریك است : این کنفرانس که بصورت رساله طبع وترجمهٔ آن درشعبهٔ تاریخ موجود است ازشرق اقصی در آن روشنی خفیفی می اندازد .

«٩» مسکوکات افغانستان :

مقالهٔ مفصل راجع به مسکوکات افغانستان درعصر قبل الاسلام نگارش جناب « کهزاد » این مقاله درسالنامهٔ امسال طبع میشود .

«١٠» اشیای قدیم « مرکزی و جنوب شرقی» قرار نظریات بطلیموس

تالیف « آندره برتلو » : ازین کتاب مراد زیاد راجع به جغرافیا وتاریخ اعصار قدیم افغانستان بدست میآید . عجالتاً فصل بکتریان ومارژیان واری » آنرا کهزاد ترجمه نموده و در شعبهٔ تاریخ موجود است .

«١١» چنکیز وچنگیزیان :

مقاله‌ایست در٦٢ صفحه جناب فاضل جلالی ازتاریخ حبیب السیر وبعضی کتب دیگری اقتباس وخلاصه نموده اند .

«١٢» مواد متفرقه راجع به افغانستان :

جناب غلام جیلانی‌خان جلالی ازکتب‌مختلف عربی‌مثل طبری ـ ابن خرداد به ـ المسالك و الممالك ـ بیهقی ـ تاریخ امم والملوك حبیب السیر وغیره اقتباس وترجمه نموده اند .

«١٣» درامهٔ تاریخی « مردان پاروپا میزاد :

نگارش جناب‌احمد علیخان کهزاد این‌درامه درحقیقت یك افسانهٔ قدیم ملی‌است که باوقایع تاریخی تطبیق داده‌شده وشهامت ملی پشتون واشکالاتی راکه اسکندر درافغانستان دچار شده بود ترسیم میکند . هنوز بطبع نرسیده است .

(تبصره : کتب‌ورسائل فوق‌یاطبع شده مثل صنعت باختر ویاتحت‌طبع ویا آمادهٔ طبع میباشد)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(۱٤) ایجاد رابطه با علمای تاریخ ومؤسسات تاریخی عالم که دامنهٔ آن روز بروز درتز اید میباشد.

شعبهٔ تالیف وترجمه برای تدوین یك دورهٔ مکمل تاریخ افغانستان پلانی ترتیب داده وبرای اینکه این مرام ملی بزودی عملی شود مفردات آنرا علاوه براعضای منسوبه شعبهٔ تالیف و ترجمه بیك عده فضلای وطن تقسیم نموده تا اگر خدا خواسته باشد ماهم بزودی دارای یك دوره تاریخ مکمل گردیم.

شعبهٔ ادبیات وحفظ آثار :

این شعبه متعاقب تاسیس خود مجموعهٔ کوچکی بنام رهنمای مردم شناسی نشر کرده دران خط مشی خود را اعلان نمود تا مردم از یك طرف به اهمیت کار این شعبه بدانند و از طرف دیگر بنابراشتراك مفاد ملی با او معاونت نمایند.

رهنمای مذکور در عین اینکه مجموعه ایست که بغرض تامین تعاون ابنای وطن نوشته شده معهذا برای اطلاع از رؤس مسائل فولکلور (مردم شناسی) اثر مفیدی میباشد . شعبهٔ ادبیات این اثر را بذریعهٔ مکاتیب متحدالمال بتمام فضلای مرکز واطراف فرستاد تا ایشان هم به سهم خود در تدوین و جمع کردن مواد مذکور باشعبهٔ موصوف امداد نمایند . چنانچه بعضی ازفضلای دیار خواهش او را قبول نموده بفرستادن آثار متنوع و مختلف مارا ممنون ساخته اند و شعبهٔ ادبیات برای اینکه بتواند عهده خود را خوبتر انجام بدهد با فضلا و ادبای پشتو زبان روابط ادبی و لغوی خود را قائم نمود .

شعبهٔ ادبیات از روز تاسیس تا کنون چند جلد کتابی هم مطابق

وظائف خویش آمادهٔ چاپ نموده است از قبیل کتب ذیل :

۱ : ضرب المثل های پشتو حصهٔ اول :ـ این کتاب محتوی ضروب امثال است که هر کدامی ازان‌ها در دوستون مقابل هم دیگر بزبان پشتو وفارسی شرح گردیده است و انشاالله تعالی عنقریب چاپ خواهد شد

۲ : ـ منتخبات اشعار خوش حال خان ختك : منتخب این اشعار ومدون آن به موضوعات چند از روی تناسبی که اشعار مذکور موضوعاً باهم دارا بود جناب زمریالی معاون شعبهٔ ادبیات میباشند .

۳ : ـ کتاب عرف وعادات قومی وملی و ..... : مدون و مؤلف این کتاب، هم کارماجناب سرورخان« گویا »مدیر شعبهٔ ادبیات میباشند و نیز درین کتاب شجرهٔ انساب خانوادهای معروف و عرف و عادات ملی بعضی طوایف افسانه های محلی و ترانه های ملی را جمع کرده بصورت کتاب در آورده است .

٤ : ـ کتاب فضیلت : مولف این کتاب محرر عاجز این مقاله محمدقدیر «تره کی» است این کتاب حاوی مطالب و مذاهب فلسفی در تعیین فضائل انسانی بوده بغرض تربیهٔ اخلاق اجتماعی که یگانه حافظ عرف و عادات مستحسنهٔ ملی میباشد نوشته و چاپ شده است .

٥ : ـ کتاب داستان های ملی بزبان پشتو : مدون و مؤلف این کتاب جناب محمد گل خان نوری عضو شعبهٔ ادبیات میباشد این کتاب محتوی افسانه و داستان های مهمی که نمایندهٔ اصلی روح ملی میباشد هست .

٦ : ـ کتاب سوم درسی پشتو : مولف این کتاب جناب زمریالی معاون شعبهٔ ادبیات اند این کتاب یك کتاب مفید متودیك (اصولی)

(c) ketabton.com: The Digital Library

برای آموختن زبان پشتو است که برای مرحلهٔ سوم نو آموزان افغانی نوشته شده .

۷ :- کتاب لندی های پشتو :- (اشعار ملی) این کتاب حاوی یك تعداد لندی‌های پشتو است که از طرف شعبهٔ ادبیات تدوین شده است .

این بود کار های شعبهٔ ادبیات و چون سلسلهٔ مرا ودات او بافضلای مملکت جاری است و مواد موظفهٔ خود را از سینه های عوام نه از روی کتب ووثائق مطبوع جمع میکنند از ین جهت امید میرود در آتیه مصدر خدمات خوبتری در زمینهٔ متعهدهٔ خود شود .

شعبهٔ نشریات :

شعبهٔ نشریات بعدازان که شروع بکار کرد درنظر گرفت امور طباعت وسروقت چاپ شدن مجلهٔ کابل ونفاست طبع مطبوعات «پشتوتولنه» شبیه به مطبوعات ممالك مهمهٔ دنیا باشد . این آرزو بکار بردن سلیقهٔ خوب درین راه شعبهٔ مذکوررا موفق باجرای امور ذیل نمود :

۱ :- چون مرام اساسی پشتو تولنه احیا وتعمیم زبان پشتو است ازین جهة شعبهٔ نشریات برای اینکه نصب العین پشتو تولنه از ناحیهٔ نشریات زود تر و بصورت مطلوب تر بر آورده شود به نشر نمودن یك جریدهٔ هفته گی تعلیمی بنام (زیری) اقدام کرده آن را به تمام مامورین و عامه طور رایگان توزیع نمود .

این جریده که در ابتدا بصورت یك ورقه دو صفحه بود بعد از شمارهٔ ۳۲ بقطع کوچکتر در چهار صفحه چاپ شد تا کلکسیون آن در آتیه بصورت کتاب مستقل و مقبولی در آید .

۲ :- شعبهٔ نشریات از روز تاسیس تا اکنون اصلاحات عمده و اساسی درمجلهٔ کابل بعمل آورده است و این اصلاحات عبارت از زیبائی طباعت و طرز تدوین مضامین و افتتاح عناوین ومباحث تازه و ایزاد قسمت پشتو و امثال آن میباشد .

۳ :- شعبهٔ نشریات در ظرف این مدت قلیل دو اقتراح مهم (وسائل و طرق ترقی و تعمیم پشتو - درامه نویسی) بادارائی مرام های عمده و اساسی طرح کرده است که اولی منتج و ببرندگان درجه جوائزی اعطا و دومی تا کنون ازمحضر قضاوت نگذشته است .

٤ :- شعبهٔ نشریات درطبع کردن ودرنظرگرفتن مزایای صوری وصنعتی مطبوعات پشتوتولنه جدیت خوبی کرده است چه در ظرف این مدت قلیل موفق به طبع نمودن کتاب های ذیل شده است :

۱ :- صنعت باختر تالیف موسیو ها کن ترجمهٔ جناب احمد علیخان « کهزاد » مدیر تالیف و ترجمه .

۲ : آثار عتیقهٔ کوتل خیر خانه تالیف موسیو ها کن ترجمهٔ جناب سید قاسم خان « رشتیا » مدیر نشریات .

۳ :- مرام نامهٔ انجمن تدوین شعبهٔ نشریات .

٤ :- رهنمای فولکلور « « ادبیات .

۵ :- کتاب فضیلت مؤلفه جناب محمدقدیرخان « تره کی » عضوشعبهٔ ادبیات .

٦ :- پشتو ژبه (لمری توك) برای تدویس به کورس های پشتو ، تالیف جناب صالح محمدخان مبصر پشتوکه بصورت رایگان به نوآموزان زبان توزیع گردیده است .

۷ :- ترتیب مجلس تذکار ابن سینا و نشر مجلهٔ مخصوص بیادگار آن

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرد نامی بابهترین اصول طباعتی وگراورهای زیبا وتاریخی .

۸ :ـ تالیف یك کتاب در سی پشتو برای تعلیم زبان پشتو که مؤلف آن جناب قیام‌الدین خان «خادم» عضوشعبهٔ نشریات میباشد .

۹ :ـ تدوین وترتیب سالنامهٔ ۱۳۱۶ با درنظرگرفتن قسمت پشتو وزیبائی طباعتی وخوبی مضامین ومقالات و اطلاعات متفرقهٔ آن .

۱۰ :ـ توجه به تعمیم آثار به مقصد نشر معارف و جهة تزئید عائدات پشتو ټولنه چنانچه در سال ۱۳۱۶ عدهٔ مشترکین مجله نسبت به‌سال ۱۳۱۵ فیصد۲۵زیاد وهم فروش سالنامه فیصد۱۲ بیشتر بوده اکنون هم روز بروز برعدهٔ مشترکین مجله زیادت میکنند .

۱۱ :ـ طبع وتهیهٔ عموم اشیای‌مطبوعه پشتو ټولنه ازقسم‌کارت ها اعلانات پروگرام ها وغیره .

۱۲ :ـ تشویق عموم شعرا ونویسندگان به ابراز همکاری بامجله و سالنامه چنانچه‌کثرت وترا کم اشعار ومقالاتی که ازدورونزدیك وارد میشود دلیل است براینکه تشویقات مذکور مؤثر واقع شده است .

۱۳ :ـ اتخاذ ترتیب جدید واصولی برای کتبخانهٔ انجمن وتاسیس یك قرائت خانه وخریداری کتب تازه از داخل وخارج بمقصد توسیع کتب خانهٔ موجوده .

شعبهٔ لغات و صرف ونحو :

این شعبه از روزتاسیس تا اکنون کتب لغات پشتو را که در داخل وخارج نوشته شده به هم کرده بر روی آن ها مرور و لغات خالص پشتو را ازبین آن کشیده بالغاتی‌که خود شعبهٔ مذکور ازبین اقوام وطوائف جمع کرده اند یك جا کرده سلسلهٔ لغات مردفهٔ ذیل را

ترتیب داده است چون نهضت زبان در وطن ما یك چیز جدیدی است ووسائل مطلوبه ، به صعوبت‌یافت میشودازین جهته مقدارموجودهٔ کارشعبهٔ مذکور اطمینان بخش واستقبال آن مارا بآتیهٔ درخشانی‌نوید میدهد :

۱ ـ تدوین لغات :

ردیف	لغت خالص پشتو	مشتقات آن	جمله
« (ا) :	٥١٦	١٥٤٨	٢٠٦٤
« (ب) :	٥٧٣	٢٠٠٠	٢٥٧٣
« (پ) :	٥٥٧	١٦٧١	٢٢٢٨
« (ت) :	٥٠٠	١٥٠٠	٢٠٠٠
« (ټ) :	٢١٨	٦٥٦	٨٧٢
« (خ) :	٢٣٦	٧٠٨	٩٤٤
« (ج) :	٢٤٧	٧٤١	٩٨٨
« (چ) :	٢٩٠	٨٧٠	١١٦٠
جمله	: ٣٦٣٧	: ٩٤٩٤	: ١٣١٣١

۲ ـ قواعد زبان پشتو :

چون‌دومین‌وظیفهٔ شعبهٔ‌مذکور تدوین صرف ونحوپشتواست‌ازین جهته درین زمینه هم ذیلاً اقدام کرده است :

(الف) کتاب اول (صرف‌پشتو) : باصول‌عصری‌تالیف وتدوین شده است که تقریبا ٦٠٠ صفحه میباشد بایك جدول مصادر وصفی وترکیبی که آن هم تقریبا ٦٠٠ مصدر میشود .

(ب) کتاب‌دوم (نحو پشتو) : باصول عصری تالیف و تدوین شده است که تقریبا ١٦٠ صفحه میشود. البته میتوان فهمیدکه درمراحل

(c) ketabton.com: The Digital Library

اولیهٔ نهضت زبان وعدم وسائل مرتب ساختن گرامر هم باین زودی وباین ملکیت شایستهٔ تقدیراست .

این بود مختصر ترین معلوماتی که دراطراف اکادمی های دنیا وانجمن ادبی (پشتوتولنه) داده شد وچون درج تمام مرامنامهٔ این انجمن ازاحاطهٔ این مقاله خارج بود ، و ازطرف دیگر چون مواد مهمهٔ مرام انجمن موصوف درضمن تشریحات فوق تذکار گردیده لهذا از درج اصل مرامنامه صرف نظر نموده ، مقاله‌را به‌همین‌جا ختم‌مینمائیم .

ماخذ هائیکه درتحریر این مقاله بکار برده شده :

۱ : ـ تاریخ مدنیت مولفهٔ شارل سه‌نیوبوس جلداول ودوم وسوم .

۲ : ـ تاریخ فلسفه مؤلفهٔ آبه بارب .

۳ : ـ اصطلاحات فلسفیه مؤلفهٔ نامدار رحمی .

٤ : ـ تاریخ عمومی ازقرن ٤ الی زمامنا مؤلفهٔ ارنست لاویس ورامبو و رفقای شان .

٥ : ـ نوت های نگارنده که برای تدوین اصطلاحات علمیه گرفته شده :

٦ : ـ مجلهٔ عصری منطبعهٔ کلکته

۷ : ـ انسایکلوپیدی بریطانیکا مادهٔ اکادمی .

ترجمهٔ مضمون مجلهٔ عصری وانسایکلوپیدی مذکور رادوست فاضلم جناب عبدالغفورخان « امینی » مترجم « پشتوتولنه » از راه لطفی که دارند دردست رس بنده گذاشتند تامطالب لازمه ومایحتاج خود را

ازان بگیرم ازین جهته ازایشان تشکر مینمایم .

۸ : ـ انسایکلوپیدی حیات منطبعهٔ استانبول مادهٔ اکادمی .

۹ : ـ دائرة المعارف وجدی « قاهره « «

۱۰ : ـ مجلهٔ کل شی والدنیا « «

۱۱ : ـ مجلهٔ ثروت فنون « استانبول .

۱۲ : ـ مجله ارمغان منطبهٔ طهران خطابهٔ آقای فروغی راجع به فرهنگستان ایران

۱۳ : ـ سالنامهٔ معارف ایران منطبعهٔ طهران .

بعضی کتب ویاد داشت های دیگریکه ذکرآن ها بطول‌میانجامد .

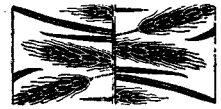

(c) ketabton.com: The Digital Library

پشتو نولی

پقلم دجناب قیام الدین خان «خادم»
عضو دپښتو تولنی

مخکښنی خبری :

دنباتاتو او حیواناتو په شان بلکه دهغونه زیات انسان د قدرت دکرشمو یو عجیب اوغریب مظهر دی . د افراد وتشخصات خولا پریده خپله د هرقام ، هرملك اونسل په مینز کښ دومره لوی لوی فرقونه موجود دی چه پرته د انسانیت دکلی مفهوم سخه په دوی کښ بل قسم اشتراك اړو لیدل کیږی نه ! طبیعیبنو د انسان د نوع ما به الامتیاز ـ درنگ ، ډول، قدوقامت اود د ماغی ساخت اختلاف مقرر کړی دی او په دی لحاظ سره ئی د انسان نوع په سپین ، تور ، سور او زیړ اقسامو ویشلی ده . بنابه دی ویش د انسان نوع په سومحدود وقسمو ویشل کیږی . ولی په د نیا کی دا سی ډیر قومو نه شته چه په ظاهری خط و خال کښ چند ان فرقه نه لری لیکن سره د دی هغوی په قومیت کښ بیل دی . دهغوی احساسات جلادی . او ددی احساساتو اوجذباتو داختلاف په سبب د دوی عقائد ، تمدن اوددوی علوم اوفنون دنور وقوموسخه بیل شوی دی . دغه دی چه مونگ وینوچه د ډیرو ایشیائی او یوریی اقوامو په مینز کښ سه سر گند جسمانی اختلاف نه شی لیده ـ لیکن بیا هم یوقوم نه شی شمیرلی په دی چه د دوی په مینز کښ یو عقلی فاصل حد قایم دی ، چه دغه فاصل د دغه اقوامو

تاریخ سره بیل کړی دی نوله دغه پورته سببه شخه زینو علماؤ ددی متشابه الخلقت قومونو دویش معیار ژبه ، مذهب او دسیاست دنظام اختلاف مقر کړی دی . ولی داهم نه ده صحیح !

اصل خبره داده چه انسان یوازی دیو سو جسمانی اعراضو دمجموعی نوم نه دی ، بلکه دی په خپل ځان کښ یو کلك روح ، ټینگه سجیه او راسخ اخلاق هم لری . عناصر و دترکیب نه چه کوم مزاج پیدا کیږی د دی نه علاوه یوعقلی مزاج هم شته چه په استقلال ، استحکام او کلکوالی کښ دجسمانی اعراضوسخه په هیس شان کم نه دی د اعقلی او اخلاقی او صاف چه د دوی د مجموعی نه په هر قوم کښ یو مشترك روح پیدا کیږی د زمانی د سوونو کالو د گرد شونو نتیجه وی . نو زکه دا د هر قوم د تیرو وختونو خلاصه او ددوی د پلرونو او نیکو نو وراثت او ددوی د موجوده روش پرومبنی مبدء حسابیږی. دغه اوصاف که سه هم په زینی افراد وکښ متفاوت اوسی ولی د جسمانی عوارضو غوندی دقام په زیاته برخه کښ مشترك لیده کیږی . اودا دجسمانی عوارضو په شان تل دنوی نسل سره نوی او تازه کیږی ، د دغه اوصافو دمجموعی نه همغه عام وصف پیدا کیږی چه هغی ته دیو قام اخلاق و ایی . د دغه پورته ممیزاتو او بلو ونکو په ذریعه یو قام د بل سخه پیژندل کیږی د دغه متحده عقلی مزاج په لحاظ ، مونگ ویلی شو چه قام تش دخپل موراو پلار اولاد نه دی بلکه دخپلی پوره خاندانی سلسلی زوی دی . د هر قام د اخلاقو د نظام پیدا کوونکی دد وی پلرونه او نیکو نه دی . او هر فرد همیشه دغه زنزیرخواته راخکل کیږی چه دی یی روستنی کړی حسابیږی. نو انسان د مادر وطن پرستش تش دجذباتواو احساساتو په لحاظ

(c) ketabton.com: The Digital Library

نه کوی . بلکه د دغه جذباتو په پیدا کولو کښې دجسمانی نظام په شان د موروثی اخلاقی نظام عنصر هم شامل دی . د موروثی اثراتونه علاوه ، آب و هوا ، جغرافیائی حدود ، او ما حول هم اثر لری . ولی دا اثرونه دموروثی اثراتونه لاندی درجه لری . قام دهغه مجموعه خلیاتو سره مشابهت لری چه دهغی نه هرفرد پیدا شوی دی . د دغه خلیاتو د ژوند زمانه په خپله ډیره لنگه وی . لیکن دهغو نه چه کوم ذات پیدا کیږی هغه ډیری مودی ژوندی اوسی . دغه رنگ دقام هر فرد ډیر لږ محدود شخصی ژوند لری لیکن د ده کلی ژوند چه دټول قوم دژوندسخه عبارت دی ، ډیراوگد او پاتی کیدونکی وی . دغه روستنی ژوند ته « قومی ژوند » وائی . اوقام تل د دی د اثارو او نتایجو سخه متاثر کیگی .

بنا په دی ، قام یو داسی پاتی کیدونکی ذات دی چه دزمانی دقیودو سخه ازاددی چه دژوند و افرادو د عنصر نه د مړ واو پخوانو د خا ورو د عنصر اثر پکښې ډیر لیدل کیږی لحکه چه دهغوی تعداد د ژوند وسخه زیات وی . او غیرشاعرانه ژوند ډیر دهغو داثرلاندی وی . ژوندی خوتش دقام تشکیل کوی ، لیکن دعدم اباد او سیدونکی په دغه ژوند و افراد و کښې دخیالاتو او جذباتو روح پو کوی . دقومیت اثردومره قوی دی چه د دی اثرد وجود په حال کی دیوقام دتمدن مظاهر دهغه وخته پوری بل ته نشی تلی ترسو چه خپله په د ی مظاهر و کښې تغیر او تبدل و نکړی شی .

دکو مو افکار و او خیالاتو چه په قام باندی عموما اثر لویگی داپه دوه قسه دی :

(۱) هغه موقتی افکار او خیالات دی چه دزینی موقتی حوادثو او واقعاتو په اثر دقوم په ذهن کښې پیدا کیږی .

(۲) هغه اساسی افکار اوخیالات دی چه دکوم مخصوص ما حول و راثت وغیره په اثر پیدا کیږی ، او رسوخ پیدا کوی . د اساسی افکار و او خیالاتو حال دهغه او یو پشان دی چه په دریاب کښې په قلاره اوسکون سره بهیږی او فرعی افکار ، دهغه ورو ورو وچپو غوندی دی چه د دریاب او بوته سپیری ورکوی ، او پیدا کیږی او ور کیږی ؛ لیکن سره ددی کموالی او ضعفه د دریاب په ملاحظه اوکتلو کی همدوی سترگوته رازی اوښکاری . نودغه قومی روایات دی چه نسل په نسل همداسی مسلسل را درومی . د دغو ښخه قومی روح ، یا په بل عبارت سره دقوم عقلی مزاج تشکیلیږی . دغه روایات دقومونو په ټیټ وپاس او ترقی او تنزل کی ډیر دخل او اهمیت لری .

شاه ولی الله صاحب په حجةالله البالغه کی لیکی چه : « داپه یقین سره ومنه چه (رسم و رواج د تمدن سره هغه نسبت لری لکه د انسان زړه ئی چه دده د جسم سره لری . هر کله چه هرقوم بیل قومی روح ؛ زانته عقلی مزاج ؛ علیحده قومی روایات ؛ اومخصوص رسم و رواج لری ، او دغه پورته شیان د هرقوم په تمدن او کو ذوپاس کش زیات اهمیت لری . نوددعی پیژندل د هرهمدرد او خواخوگی دپاره لازمی او ضروری دی . نوزه غواړم چه په دی مقاله کی دپښتنو په ملی عاداتو اوخصایلو باندی یوه تته رڼا و غور زوم . د دی موضوع لیکل علاوه دپورته فوایدوسخه دقومی روح داستحکام اوټینگوالی دپاره فایده لری . اوداد شکه وتلی خبره ده چه قومی روح چه هرخومره زیات پوخوالی اواشاعت اونفوذ ومومی هماغومره قومی اتفاق ؛

(c) ketabton.com: The Digital Library

اتحاد ؛ قوت مومی . اونزاع اومخاصمات کیژی . په دی موضوع کښې ډومبئی خبره چه پښتانه وربانـدی دنوروقومو سخه ممتازشویـدی هغه داده چه دوی د خپلو ملیاتو او روایاتو سره زیات شغف او ډیره دلچسپی اوپوره مینه لری . ز کـه چه دوی د غـه پورته ټول عنوانونه په سبب دډیراهمیت چه دوی ئی ورکوی ؛ پهخپله ژبه کښې را لنډ کړی دی ؛ اویوه کلمه ئی ورته وضع کړی ده ؛ اود هغی کلی بیخی زیات احترام اوپاسداری کوی ! گویا د غه ددوی د ژوند « نصب العین » دی .

هغه کلمه څـه ده ؟ ـ هغه د « پښتو نولی » خوگه کلمه ده . دپښتون په نزد پښتونولی داسی یوه کلمه ده چه په دی کښې هغه ټول شیان پراته دی چه ددوی دقومی روح اوتاریخی عظمت اوملی روایاتو بیخ اواساس شمیرل کیژی ـ و گو رئی ! « پښتو» ددوی دملی ژبی نوم دی . « پښتون » ددوئی قومی نوم دی . اوله همدی لفظ څخه د « پښتو نولی » معنی دار لفظ جوړشوی دی . د د غه دری کلمو لفظی تناسب چه په یو عمیق معنوی او روحی ربط باندی دلالت کوی دنور وقومو په لغاتو کښې هیس نه مو نده کیژی . « پښتون » د هغه قام نوم دی چه د ـ آمود دریاب نه د ـ اباسیند د غاړی پوری دجگو غرو په مینځ کښې پروت دی چه د دوی دهرفرد دفراخ تندی ؛ متناسب اوخـکلی قواری ؛ تو دو و پښتو ، غنمی رنگو ، تیزواو بریشیدو نکو ستر گوسخه سخا ، میلمه پالنه ، رواداری ، عزم ، استقلال ، شجاعت اواقدام معلومیژی اوچه ددوئی هریوپه خپل ملیت« پشتونولی» خورانازان اومغرور دی . د دی قام په د غه ملك کی د ډ یره پخواسخه استوگنه ده . ـ هر کلمه چه په د نیا کی یوازی ؛ خالص اوبی ا ختلاطه قو مونه ډ یر

لژ دی ، نو وی به چه د دوی په مینز کی به هم نورو قومونه گډشوی وی ولی داقاعده ده چه لژد ډیرو تابع وی او قلیل په کثیر کی منحل کیـگی نود غـه لژ تعداد ـ د پښتنو د زیات او قـوی قو میت سره داسی خلط او مزج شوی دی لـکه غوړی د شو دو سره ! چه اوس ئی په قومی روح او اساسی افـکارو کښې هیس بیلتون نه شی کاوه .

د غه دی اوس مونگ دپښتو نولی عنوان په لاندی برخو ویشو . او په هریو باندی بیل بیل بحث کو و ، ولی د موضوع داهمیت ، وسعت او باریکی له کبله زه نه شم ویلی چه د دی موضوع حق به ادا کړی شم نو ز کـه زه په ډ یری خوشحالی د هغه ذ و اتو د زیار ، زحمت او زهیر تیاخخه استفاده کوم چه په دی موضوع کښې ئی له ما نه مخـکښې څه لیـکلی دی او ما ته معلوم دی .د اسی : چه د خپلی مدعا ټـکی ورنه انړوم او د خپلو یا داشتو او مشاهد و سره ئی پیوندوم .

او که بیا هم په مضمون کښې څه نقص پاتی شی هغه د نورو پشتنو ورونو همت ته پر یگدم !

توره :

پختانه توره یو قسم خاصی وسلی ته وائی چه تقر یبا یوگزاو ژد شاوتلی تیغ و ی ، او په خپل مخصوص تیکی کی ساتل کیژی پخوا چه جنگونه په میدان کیدل ، توپ ، ټوپك ، او نور حربی الات نه ووپیدا شوی ، دا وسله ډیره پـکاریده . اومخصوص بیا په پښتنو کښې داوسله د ډ یرو ډیرو ،ودوخخه مروجه وه . لیکن اوس د ټو پك او نو ر و ناریه وسلو پیدایخت دیته سقوط ور کړو . ا گر چه اوس هم د ټو لو پشتنو په کورو کښې داوسله دپلر ونو ، نیکونو دوختو خخه ساتلی لیدل کیژی و لی ز ما مطلب د لته د توری په لفظ سر ه د غه مخصو صه و سله ند ه

(c) ketabton.com: The Digital Library

بلکه زما مراد د لته د دی لفظ په اطلاق سره هغه لا زمه معنی ده چه پښتانه یی عموما ددی لفظ څخه مراد وی . د مثال په طور : پشتو د پښتنو د ژبی نوم دی . لیکن پشتانه یی په عهد ، لفظ و قول او عزم و ثبات اطلاق کوی او بیاد همدی لفظ نه د د غو معانیو د قیام د محل خود لو د پاره صفت مشبه جوړوی : مثلا د پشتونه « پشتون » .

د غه رنګ د توری دلفظ اطلاق په زړ ورتیا ، شجاعت بهادری او میدان ګټلو باندی کوی ، او د د غه معانیو په اعتبار د د غه لفظ نه صفت مشبه جوړوی : لکه « توریالی » . او کله دفارسی په رنګ کښ ددغه معنی دپاره دتوری نه « توزن : شمشیر زن » سازوی .اودهمدغه معنی ګانو په ملاحظه دتوری نه « توره کول » : مصد ر ـ او د دی مصدرنه افعال جوړ یګی .

پښتانه عموما توری ته ډیر اهمیت ورکوی . اودا په دوی کش یوه منلی عنعنه ده چه پښتون باید ضرور توریالی ؟ شمشیرزن ، زړور او بهادرا وسی . دمیدان نه به هیسکله مخ نه اړوی ؟ او نه به شاګرزوی اوضرور به میدان ګټی یا به مړی !

داصفت دپښتون دختی سره دومره کلك اخکل شوی دی چه که دا صفت دیو پښتون نه لری کړی شی ؟ نوپښتو نولی ورسره زی ؟او پښتون ، پښتون نه پاتی کیژی . نوګویا پښتون یوشجاع ، بهادر ، جنګیالی اوتور یالی قام دی .

داپورته مدعا دومره ښکاره او سرګنده ده چه اړ و براهینو او شواهدو ته ضرورت نه لری :

دیوقام دملی روح نمایندګی ددغه قام دملی ادبیاتو پرذمه ده ؟ او

دپښتو ملی ادبیات که څه دی هغه ټول تقریبا له یوڅه رزمیات اوحماسیات دی ؟ اودتوریالیتوب په مدح اوستاینه ډک دی. وګوری ! لاندی لنډی :

« چه توری و خیژی ګډیره — ماپه همزولو پوری ډیر خندلی دینه »
« په تور ټوپك ویشتلی راشی — دبی ننګی احوال دی مه راخه مینه ! »
« جانان می جنګ کښ توره وکړه — څکه همزولی راله کوښی سوینه »
« یارمی له تورو راپه شاشو — په بیګانی ورکړی خوله پښیمانه یمه »
« تورپه رنجك سورشی په وینو — سالم په تن بی ننګه را مشی مینه »
« دتو روجنګ وی ما به کړی — دنصیب جنګ دی وارخطاولاړ یمه »

غژ شو په کټ ئی جانان راوو ړ
زړه می په پرشوچی په شانوی زخمونه
تر تو ر یا لی مین به جا ر شم
چه دغلیم په وینو سره کاندی لاسونه
د پښتنو ز لمیو ، و ا ر د ی
پرخپل وطن به توریالی مړونه مړینه
ز لمی و لا ړ تو ر ی تر ملا د ی
غزاله زی پرخپل وطن سرور کو ینه
جا نا ن می سر په و طن کښینبود
په تا ر د زلفو به کفن و ر له ګنډ مه
ستا تر د ی خکلی بوړی جا ر شم
یه اوژه ستادی کژه زه درسره ځمه
د میړ نو خو یندی به ژا ړ ی
د سپوموزیا نوخویندی ستر ګی توره وینه

(c) ketabton.com: The Digital Library

جانانه جنگ نه پشانه شی
چه د همز و لو راله نه شی پیغورونه
تو ره به کړی بری به راوړی
که بری نه وی زوانان تل په تورو مرینه
هلك به خنگه تو ره نه کا
تر نیمائی موز چله زه ور سره ځمه
له خپله لا سه می پری مه کړی
چه ډزی وشوی زه پر بام درو ختمه
خال به دیار د وینو کښیږ دم
چه شینکی باغ کښ گل گلاب وشرموینه
غازی په اوږه غونډی کښیږ دی
چه یی زیارت کا دگیلان ملالی نجنونه
خوشحال خان توریالی ادیب خوددی هنر فدائی دی . دی وایی
چه خرگنده سر بازی کاندی د تورو
زه خوشحال ختك ترداسی هنر جارشم
دانامتوسردار دپښتنودتوولوورانبو علاج توریالیتوب بولی ؛ اووایی :
پښتانه چه نور څه فکر کا نا بود دی
بی د توری خلاصی نه شی په بل کار
په دی لاندی رباعی کښ خوشحال خان د پښتنوالی دا لازمه
غریزه داسی بیانوی :
چه ننگیالی دی دولت هغه مومی
چه جنگیالی دی دولت هغه مومی

(۱) اخستنه د کابل د مجلی څخه .

دا دوا ړه تو گه سره تړلی
چه محنت کا ندی راحت هغه مومی
د جنگ تجربه کارزمری خوشحال خان دبری د گټلو چارداسی ښئی .
که د جنگ په کار کښ ډیر دی حکمتونه
چه په سرصرفه و نکړی نو بری دی
د سردارئی د تکمیل د پاره دادوه شیان دی ضروری بولی :
ورکول ، توره وهل دا دوا ړه بو یه
چه پری چار د سردارئی شی انصرام
خوشحال خان د ټو لو کارو دا تمام د پاره د خدای د توکل
نه روسته په خپل مټ او توره تکیه کول د کامیابی سبب بولی :
یا تکیه د یوه خدای ده یا د توری
په جر گو مه کونه شی کار تمام
همدارنگه د توریا لیتوب په باب وایی :
خوره ښو ر وا د خپلو لیچو غضنفر شه نه رو باه
مزری توب بویه د تورو په میدانکښ
په خالی میدان هریو گیدړ مزری دی
دا فغان په ننگ و تړله تو ره
ننگیالی د زمانی خوشحال ختك یم
یو پښتون شاعر د توریالیتوب ستاینه داسی کوی :
چه په جنگ کښ ملا وستنی تری جوړ نه شی
د هغه شملی په ول بانـدی نو څه !

(c) ketabton.com: The Digital Library

یوبل پښتون شاعر د پښتو نولئی په غرور سره وایي :

شا اړول مخ د دښمن ته مونګ ته دین نه وایي ملی آئین نه وایي
مونږ خپلو توروته د سرو وینو جوهر ورکو و آب د خطر ورکوو

په بل ځای کښې وایي :

سر به تری غوس کړو که کاږه ز مو نږه کورته ګوری
کور خولاخه کوی که سپی ته زمونږ پورته ګوری

پښتانه په دی خوی تردی پوری ټینګ دی چه دپرستنی او سپری سینی مرګ نه خوښوی. دوی تل آرزو لری چه په خپلو سرو جا موکښې بی دا ینزونکی دلاس دوهلو نه په خاورو کښې کښنوول شی لکه چه یو پښتون شاعر ددی ملی احساس ترجمانی داسی کوی ،

« دا مصره به زه ور نکړم دقیصر په تاج وتخت
د پرستنی مړی نه دی د پښتون د کلی کور »

زما باور دی چه زه به په دی موضوع کی په همدی لفظ سره دناقد د خولی نه خلاص شم ، چه نور واو پریه خلقو ویلی دی هغه دا دی ، چه : « فارسی زبان بزم است و پشتو زبان رزم » مګر د زیات ټینګار د پاره نور هم تحقیق کو و ، نو اوس ګوز و چه په دی باب کی نور د فکر او قلم خاوندان څه وایي :

حضرت سید جمال الدین افغانی د تتمة البیان د دریم فصل په سرکی لیکی : « دا امت په جلادت او اقدام زیږ یدلی دی ، او یوحربی ملت دی. د اجنبی سلطی ایسکله انقیاد نه کوی تر دی چه چنګیز ، او تیمور ګورګانی ته هم دا ملت له خطره خالی نه و ، سره له دی چه هغوی په ټولو قوتو سره په دی قام مسلط و و. »

دغه حضرت ، د تتمة البیان د څلورم فصل په سرکی داسی لیکی :
« لوی او سترقام چه د افغانستان په اقطار وکی او سیګی هغه افغان « پښتون » جنس دی . ددی جنس غالب خوی انتقام ، جنګ ـ او په جګړو او منازعاتو کی زړورتیا ښکاره کول دی. لکه چه د دوی ظاهری صور تونه ددی خوی ترجمانی کوی. همدارنګه ددوی دلغت او ژبی او غګونو زیږ والی او سختی ددوی په دی خوی او د دوی د طبیعیتونو او زړونو په کلکوالی دلالت کوی . »

کرنیل میلسون دخپل کتاب : تاریخ افغانستان ، په اول باب کی داسی لیکی : « دسرحد عام اوسید ونکی بالکل غرسه دی. او په دی خوی کی زینی له زینونه کم نه دی . » دده مراد په غرسه توب سره د پښتنو چالاکی رشادت او دغره دخکته پورته کیدو قوت دی .

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افاغنه په آخر فصل کی ، په کوم زای کی چه نوری خبری کوی ، هلته داهم لیکی ، چه : « پښتانه د مرګ نه ډیر لږ ویریږی . د جنګ په میدان کی مړه کید لوته دعزت په نظر ګوری . که په جنګ کی څوك مړشی ، او دهغه څوك داسی وارث پاتی وی چه دهغه توره جګه کی ، نو دپښتنو ښځی په هغه باندی غم کول عیب ګنړی ، او وایي چه سړی دروح دور کولو د پاره پیدا شویدی ! دخپګان موقعه به هغه وای چه د ده توره په کنج کی پاتی شوی وای ! » په پښتنو کی دا مشهور متل دی چه : « نر پسر دحلالولو دپاره دی »

مولوی عبد المجید صاحب دخپل کتاب په بل زای کی وایي : « پښتانه په تورزنی اونیزه بازئی کښې فطرتا ماهردی . دغه رنګ داس په سورلی کښې هم . په دی خبروکښې دوی ته داستاذ ضرورت نشته . »

(c) ketabton.com: The Digital Library

همدارنگه دی‌وای : « دپښتنو ښزو سازډیر د مزی اومهیج وی . دوئی په بدلو کښ اکثره د خپل قام ، بهادران ستائی . په سندرو کښ هیس تصنع نه‌وی ؛ شاعرانه لوازمات هم نه‌لری ؛ خود، فطری جذباتو نه ډکی وی . »

هو ، دا هماغه دتوریا لیتوب د روح اثرد ی چه ددی قام د شز و ، نرو ، وړو ، غټو په وینه کښ گډدی . مونگ داوسه پوری ، صبا، بیگا ، د سردار محمد ایوب خان ، غازی محمد جانخان ، وزیر محمد اکبر خان عمراخان دناوگی ، ملتان د تیرا ، او داسی دنورو بهادرانو دبهادرئی سندری په کوخو کښ دماشو مانو ؛ په کوروکښ دښزو ؛ او په حجرو اودیروکښ دزلمیانودخولی ځخه په موثره اوخوندوره لهجه سره اورو ؛ اوحظ اخلو ـ دادتوریا لیتوب حس نه دی نوځه دی !

د پښتنو په ښزو کښ دادمتل په طورمشهوره ده ، چه : « ښزی په گانړه نه ستړی کیږی او ناریه په وسله »

دجنگ قوانین:

ځه رنگ چه پښتانه دتوری ، شجاعت آومیدان گټلوخاص استعداد اوددی کارسره خاصه دلچسپی‌لری ؛ دارنگه دوی د جنگ اومحاربی دپاره ځانته قوانین هم‌لری چه‌هغه پدی ځای کښ د ذکرقابل دی :

حضرت سید جمال الدین افغانی د تتمة البیان د ځلورم فصل په اول کښ لیکی : ـ

« له دی سبه چه‌دپښتنو په طبیعت کی شجاعت ؛ تعرض ؛ اود جنگ طبیعی میل راسخ شوی دی ، نو دوئی ته طبیعت دډیر و پیړیو ځخه دعسکر نظام او دجنگ قوانین ښو ولی دی ؛ په داسی ډول سره چه

ددی زمانوانتظام ته ډیر نږدی دی ؛ هغه دادی چه دوی صفونه تړی ؛ اوتینگ ترتیب جوړوی. جگ اوځکته منصبداران مقرروی . دسوق په وخت‌کی منصبداران‌ځکښ کیږی‌چه قیادت وکړی . ولی ، کوم وخت چه جگړه ونیلی نوعسکری مشران ددی د پاره و روسته کیږ ی چه فکروکی‌اودوړاندی‌کید واووروسته کیدو ، د ښی خوا ، آوکینی‌خوا د توقف ، اقدام او دنور ولازموکار وحکم پخپل‌وخت کښ‌اجرا کړی

د دوی په عادا تو کښ یوه داهم ده چه کوم عسکردتیختی په‌نیت د ښمن ته شاواړ وی ، نوسزائی مرگ دی . لکه چه د ا صفهان په واقعه کښ داسی پیښه و شوه چه یو عسکر یو ضابط و لید چه له جنگه پرشا کیږی ، نو ضابط په قرار د خپل جنگی قانون دخپل د غه عسکر د مرگ اراده و کړه ولی عسکری ده ته خپل ښی لاس و ښود چه په جنگ‌کښ پری‌کړه شوی‌و ، نومنصبدار دی‌پریښود،خو بیا هم‌دده‌دعتاب آود راخکلونه خلاص‌ه‌شو ، او منصبدار د ده‌په تیښته اووروسته کیدو ډیر ناراض‌شواو عسکرځای ته‌ئی‌بیرته‌ولیږ لو،او ورته ئی‌وویل ښزونوکیه کیښ لاس دی نشته ؟ که داهم درنه‌پر یکړه شی ، غاښونه خودی شته په دی ددښمن غوښی پریکوه ! زه ، آوداخری‌ځلگی پوری د د ښمن مقابله‌کوه! »

بله د پښتنو د جنگی قوانینو ځخه داده چه خپل مړی هیسکله د جنگ په‌میدان کښ نه پریږ دی ، چه د دښمن لاس ته ور نشی او بی حرمته نشی نو په عین ډزو او توډه جگړه یا تیاره شپه کښ خپل مړی لیاړخمی په شا کوی د جنگ دمیدان نه ئی اوباسی . کمړوی نو ښخوی یی . او که زخمی وی نو د خپل وطن او تجربی به‌موافق ئی علاج کوی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

مولوی عبدالمجید افغانی دتاریخ افاغنه په ۱۹۱مخ کښ داسی لیکی « د مړی وړ لواونه پر ینبو دو عادت تر اوسه په پښتنو کښ د و مره کلك دی چه دیوه مړی په وړ لو سوونه مړی و لی مړی نه پریژ د ی. دوی که څه هم ډ یره کامیابی حاصله کړ ی وی ، خو چه مړی ئی د د ښمن په لاس کښ پا ته شی ـ هغی ته دوی لوی شکست و ا ئی . اوس هم که چیری کم وخت افغانی قبائل په انگریزی حدودو حمله وکی نو چه له دوی څخه خوك مړ شی او پا ته شی نود هغی د پاره د و ی مخبر مقر ر ه و ی . قبرئی معلوموی او دشپی ئی له قبر ه ا و باسی وړ ی ئی » .

د پښتنو په نزد دجنگ سخه تیښته یادښمن ته شا گرزول لوی عیب دی چه نسل ترنسل پوری پیغور پاتی کیژی . پښتانه دتوریالو پښتنو په مدح کښ ملی ترانی لری . اودوی هغه زلمیان ستائی چه په جنگ اومقابله کښ مقاومت ښکاره کی ، اومخ و نه گرز وی !

یوه معشوقه دخپل گران مین د مرگ غگ او ری ، نوری ټول غمونه هیردی . فقط په دی فکر کښ ده چه ټپ (ز خم) ئی له شاد خو انه وی خوړلی ! چه دی ته د آشنا دتیښتی ؛ اوددؤسی د مرگ پیغور پاتی نشی . نو وائی :

غژ شو په کټ ئی جانـان را و وړ
زړه می ډ پرشوچه پرشانه وی زخمونه

دسلطان بهلول لودین په وختوکی چه پنزه سوه کاله دمخه د د هندوستان پاچا و ، ملك فیروز یونتگیالی پښتون و چه دجسرت کهکر په لاس بندی شو . د ده زوی چه شاهین خان نومید و ، په جنگ کښ مړ شو ، د ملك فیروز د ملگرو سرونه سرهند ته د جسرت کهکر

د کتلو د پارهٔ را وړه شوی وو . ده ، ملك فیروز را و غوښت او د دی سرو نودخاوندانو نومونه ئی زنی و پوښتل ؛ ملك سرونه وکتل ؛ او نومونه ئی ورته وویل . په دغه جمله کښ د ده د زوی د شاهین خان سر هم راغی ؛ ملك وویل : « دا نه پیژنم » ـ ولی څه وخت چه د جسرت کهکر خلقو وویل چه دا سړی ډ یر تور یالی و ؛ او تر آخره ئی د جنگ نه مخ وانه ړولو . نو د ملك د ستر گونه او ښی جاری شوی ، وی ویل « دا ز ما زوی دی » جسرت کهکر ورته پوښتنه و کړه چه « مخ کښ د ی ولی نه و یل ؟ » ملك فیروز ورته وویل چه « ماته نه وو معلوم چه زما زوی په میړانه مړدی اوکه نه ! نو بیریدم چه د بی ننگی پیغو ر را و ا نه وړی . »

په تو ر و ټوك ټوك شی لا لیه !
د بی ننگی غگ دی رامشه تروطنه ! (۱)

دغه اعتقاد چه دجنگ په میدان کښ به یا بری وی اویا مرگ دمخ گرزولو دریم شق پښتانه نه پیژنی . داد هرپښتون فرد په روح کښ نر وی او که ښز ه را سخ دی . لکه چه یو ه معشوقه خپل مین ته وائی :

« توره به کړی بری به راوړی ـ که توره نه وی زوانان تل په تورو مړینه » دجنگ په و خت کښ چه دښمن زور ښکاره کړی نروښزی ، واړه غټ ، ټول ، دجنگ میدان ته حاضر یژی ،

« ټلوله به زو دجنگ میدان ته ـ نه چه پیغورد کوم د ښمن را پاتی شینه » دجنگ په وخت کښ ښزی ا کثره دنارینهٔ وپشان میدان

(۱) طلوع افغان .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ته حاضریژی. اوپه قومی اووطنی دفاع کښې دنرانوغوندی برخه اخلی لکه چه یوه معشوقه خپل عاشق ته داسی وایی :

« پرسپین میدان به در سره یم - زه پښتنه دتوری نه ترپلم مینه »

دجنگ پهوخت کښې چه سوك تیښته وکړی یا دښمن ته شا واړی نو پښتانه هغه ته دؤس وایی. اودی ټول عمر بیا خپل قام اوعزیز ته سترگی نه شی پورته کولی ! - اوکه دشا اړولوپه وخت کښې مړ شی نو پښتانه یی مړی نه وړی - اونه یی ښخوی . په دی موضوع کښې دالاندی قصه باید زمونگ د مقالی لوستونکی په پوره دلچسپی سره ولولی :

قصه : - دخپلو سپین ژیرو اومشرانو دخولی ذمی داخبره یادهده چه دتیرا په لام سنه ۱۸۹۷-۱۸۹۸ع کښې چه کوم وخت ایر یدی دخپلو لوړ وغړو دساتلو دپاره دخپل اسلامیت او پښتونولی په جذ به په سرو مال جنگیدل . نو یوه ورز دا سی پیښه و شوه چه د جگړی دسرښت نه پس ته دمړوو ړودپاره دصلح غژ وشو ، نو دواړ و خواؤ به خپل خپل مړی وړل. په دی مینز کښې یو انگریز جرنیل په یوه خړه غونډی ناست دوربین په لاس ددښمن وخواته گوری ، سه و ینی چه یوه غته لوړه ښزه جبی دا رخت (کمیس) اغو ستی ؛ تور پوړنی په سر ؛ توپك په اوژه ؛ گردنی ترملا ؛ دجنگ میدان ته را غله : په مړ و گرزی . دیو مړی سر را پورته کړی ؛ وی گوری ؛ نوپه دواړو مخونوپی خکل کی ؛ پری یی ایژدی . بیا دبل سرړا پورته کی وی گوری؛خکل یی کی؛نوپری یی گدی. دشپژومړو سره خوی دغه چل وکړو داوم سری چه راپورته کړو ؛ وی کوت؛نوزری پهزمکه وغورز ولواویوخو ځیپری یی په مخ مخ و وهلو .

جرنیل صاحب خو په ډیر تعجب ورته یه زیر شوی دی ، مگر

هیس پوه نه شو چه مطلب خه دی ! نو په صلح کی یی سړی ورولیگلو چه پوښتنه تری وکړی - چه سړی ورنزدی شو ، ښزی ولید ، وربانده غژ یی کړوچه : « سړ یه خوك یی ! خه مطلب لری ؟...! »

سړی : « موری ! زه صاحب رالیژلئی یم چه تانه دیوی خبری پوښتنه وکړم ...! »

ښزی ورته په خپله لهجه وویل : « بس ، رادری ناشی ! ویایه ، خه ویایی ؟ .. »

سړی : « صاحب پوښتنه کوی چه تاخنگه دشپژ وتنومی و سرونه را پورته کړه خکل دی کړل : او داوم سردی دکتلو نه روسته ه زمکه و ویشت ، او په سپیړ و دی ووهلو ....؟ »

ښزه : « یا چه درومه ، خونه دی ویرونه شه ! یتو په دا کی خه کور دی ! ... »

سړی : «موری په دیکش خوستا نقصان نشته ، نوولی ...؟ »

ښزه : « نسخون خوبی می نه وی ، خو نویدا خه ؟ ... »

سړی : « زه اوس راغلی یم ، پوښتنه درنه کوم ، نو خنگه جواب نه را کوی ؟ .. »

ښزه ، « خبره خود وده چه دوشپژ می زومن دی ، دو مړدك دمخی نه خوړلی دی ، په توره مړه دی : شهیدان دی . نو زکه می خکل کړه . ودو یومی ښښتن دی ، دده مړدك په شوگیدلی دی ، دی پهدؤسئی (تیښته ، بیمانتوب) کش مړدی . د دؤس مخ په کفن کش هم کسل نه دی پهٔ کور ، نوایسی می وغور زلو ... ! »(۱)

(۱) دادخزی دپښتونولی جذبه ده ؛که نه! دکوم سړی نه چه داسی توریالی زامن زیژی ، هغه هیسکله دښمن ته په تیښته شانه اړوی .« خادم »

(c) ketabton.com: The Digital Library

سړی : « بس نور نو خدای سپارلی ! »

ښزه : « خلوی دی مل شه ! . . »

. . د دینه روسته ښزه خپل مړی یو یو په شا کوی ، او وړی یی . سړی چه بیرته راغی ، جرنیل ته یی ټوله واقعه ټکی په ټکی و ویله . جرنیل ډو مبی د تعجب نه گوته په غاښ و نیوه . بیا یی واقعه یو په یو خپل گور نمنټ ته ولیکله ، او وی لیکل چه : « د دی قام سره جنگیدل او د دوئی نه گټه کول ډیر گران دی . دستی خو کامیابی نه ده ممکنه ! که څه زمانه پسته د دی خلقو اخلاق بدل کړی شی ، نو امکان به وی . »

د او چه د دینه روسته اوړ (حکم) راغی چه « جنگ بند ! »

داره :

لکه څه رنگه چه مونږ مخ کی اشارت وکړلو پښتانه د توری او میدان په جنگ کی وتلی او ښکاره دی . په همدغه مناسبت میدان گټلو ته توره او گټندوی وی ته توریالی وائی . ډیر کرته داسی شویدی چه د توپونو او مشین گنونو مقابله دوی د شړیو په سپرکړیده : داسی چه د توپونو په اور او مشین گنونو په گولیو روی لاس ورختلی دی او د توپونو توری خولی ئی د شړیو په کلولو بندی کړیدی . دا واقعات تل لیدل شوی دی څه ډیری تشریح ته حاجت نه لری .

په دی ځای کی موږ یو بل رقم جنگ چه پښتانه پکی خاص مهارت لری بیا نول غواړو . دی قسم جنگ ته پښتانه په خپله اصطلاح (داره) وائی چه په فارسی باید ورخخه په (شبیخون) تعبیر وکړه شی .

ز مونږ اسلامی شاعر حضرت اقبال دا قسم جنگ د ترکانو له خواصو څخه بولی . او دوی ته ئی نسبت کوی لکه چه (د ز بور عجم) په یو غزل کی وائی :

بر عقل فلك پیما ترکانه شبیخون به یکذرهٔ درد دل از عقل فلاطون به

وی به چه ترکان هم په شبخون کش ماهر اوسی ، لیکن د (روه) پښتانه په دی قسم جنگ کش دومره معروف او میړنی دی چه زمونږ په یاد دوی همیشه په دغه رقم جنگ کامیابی حاصله کړی ده او دښمن ئی مات کړیدی .

دغه پورتنی څلور حرفی کلمه په دوه ډوله لوستل کیږی چه یوه تلفظ سره اوږ د او نیغ وتلی غاښ ته وائی ، لکه د سپی یا د پیل غاښ . ولی په دی بل تلفظ سره دغه مخصوص جنگ ته وائی چه « ناگهانی یو مسلح ټولی د دښمن به سیمه ورو اوړی » د لغت په معنی کښی دانه ده داخله چه ناگهانی حمله دشپی وی یاد ورزی . لیکن د دی قسم جنگ د پاره شپه ډیره مساعده ده .

زما خپل فکر دادی چه دا رقم جنگ دوی ته د دوی غرخنی توب ، مشکل پسندی او د دښمن د وسلی تفوق ښودلی دی ـ پښتانه اکثره په غرونو او کوهستانو نو کښی پراته دی . د غره په ختلو ، کوزید لو او گرزید لو کش طبعا بلدی . دبلی خوانه دا هم شویده چه دوی اغلباً توره په لاس ، توپ ـ او ټوپك په لاس ، طیاری ته مخامخ شویدی . میدان کش شاړول خود دوی درواياتو برخلاف ده . نو . دوی ته طبیعت دا تعلیم ور کړیدی چه که ورز د زور ورو ده شپه خود کمزور و ده . نو دور زی دومره کوی چه خپل سنگر ونه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ټینګ کړی او د دښمن درا وړاندی وا لی څخه منع کی . و لی دشپی چه دښمن پروند کونړوی نو وار د دوی وی په دی وخت کش دوی د دښمن په سنګر ونو وراوړی اوخه ئی چه د لاسه وشی هغه کوی .

برمته :

دایو مخصوص عادت دی چه په پښتنو کش په قومی طورسره رواج لری . برمته دی ته وائی چه د یو چاپه بل باندی یونوع حق وی اوهغه بل د دغه حق دا دأ کولو د پاره نه وی تیار . نو د دی د پاره چه دغه حقدار خپل حق شته کی . او په دغه بل باندی ئی ومنی ، نو د دغه پر ـ مال یا سړی وړی . او د زانه سره ئی ساتی خو چه خپل حق بودکی ، نو دغه مال یا سړی بیرته ور کوی .

د سرحد پښتانه ډیر زله داسی برمتی د حکومتو څخه هم کوی . دشپی په داړه یاپټ ، حکومتی حدودوته وردا خلیږی او هرنر اوښزه چه په لاس یی ورشی په برمته ئی وړی . سباته بیا اظهار کوی . اودهغه برمتی په ذریعه خپل بندیان را خلاصوی .

ننواتی :

د جنګ اوعداوت دقطع کیدو د پاره دایوه مخصوصه طریقه ده کوم وخت چه د دوه کسو په مینځ کش جنګ او جګړه ډیره موده جاری اوسی او بیا یوه خوا مغلوبه شی یا وغواړی چه نوره جګړه قطع کی نو په دی وخت کش لازمه ده چه ننواتی وکی . هغه نو داسی ده چه میا ، ملا بـه دښمن ته ورلیږی هغه به د ده له خوا عذر کوی او وائی به چه فلانی نور بدی کول نه غواړی . کله داسی هم کیږی

چه خپله دغه مدعی د دښمن کاله ته پړی په غاړه او وا ښه په خوله ورشی . د دی دا معنی ده چه زه ملامت یم ، عفو غواړم . مګر دا ذلت ډیر شاذ او نادر قبلول کیږی . کله کله د ننواتی دپاره دسپین زیرو جرګه یا څو تنه ښځی هم لیږل کیږی ، پښتانه د ښځو پلوډیر محترم ګڼړی او هیسکه یی تش نه پریدی !

ننواتی په پښتنو کښی خورا زیات اهمیت لری او په دی کښی که د جانب مقابل هرڅومره ډیر تاوان وی نوهم ترې تیریږی . د پښتنو بدی چه ډیر اوږ د او مسلسل دواړه لری په ننواتی سره دا سی قطع کیږی چه بل هیس دستور دومره مؤثر نه واقع کیږی . د ننواتی نه مثل د پښتنو په نزد ډیر لوی کبر او ډیر مذموم خصلت د ی . چه هیسکله هیس پښتون هغی ته نه شی تیاریدی . په ننواتی سره د عمر و نوبدی او د ډیر و سر و نو بدل بخښل کیږی .

دمشرانو منښت

عموما د پښتنو په باب دا خبره خوره شوی ده چه دوی یو تر بله سره منښت نه لری اوددی خبری د دلیل د پاره دمثل په صورت داوائی چه « پښتا نه هریو من د ی ، نیمن پکښی نشته » د ا صحیح ده چه پښتون هر یو من دی ، ولی ددی معنی داده چه د اقام د عزت نفس ، شرف اوشخصی حریت په اعلی معیار پیدا شوی دی ، د شرف مرګ د بیعزتی په ژوند باندی ډ یر افضل بولی ، او په بیعزتی او ذ لت سره هیسکله هیچاته سر نه ټیټوی ، او دایی معنی نده چه دوی د خپل مشرانو منو نکی ندی ، تاریخ مونګ ته د دوی ددغه پورته خصلت د اثبات د پاره ډ یر ډ یر شواهد او دلائل ساتلی دی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

حضرت سید جمال الدین افغانی د تتمة البیان په (۱٤۱) مخ کښې داسی لیکی : « د پښتنو د عسا کر و افراد د خپلو مشر انو هغو مره اطاعت او انقیاد کوی چه په یو متمدن مملکت کښې هم د هغی مثال نه موندہ کیږی ، تردی چه که دوی په کوم ډاګ کښې سره خواره او یو یو شوی وی خوچه دا او از واوری چه دوی خپل رئیس اومشر ته راغوښتل کیږی نوډیر زر په تندی او جلتی سره د رئیس اومشر ځای ته دا مروړلود پاره را حاضر یګړ ، او که په ډیره و لږه او تنده کښې دوی ته طعام او او به لاس ته ورغلی وی نوهغه هم پر یږدی او دامر منلود پاره د مشر حضور ته رازغلی .

د دوی دښه اطاعت څخه داده چه پخوا به دوی کوم ښار فتح کړو نوچه سردارانو او مشرانو به دا امرو کړو چه د خلقو پوری غرض مه کوی. نود دوی نه به یوڅه ادنی داسی کارنه صادر یدلوچه دعمومی امن اوراحت نه به برخلاف وی . تردی چه که په سرو او سپینو زرو جړا و ښخی به تیریدلی ، نوورته به یی کتل قدری هم نه !

یو وارداسی پیښه و شوه چه دا شرف خان د تخت کینا ستلو په اول کښې په اصفهان کښې دپښتنو د دوه ډلو په مینځ کښې جګړه جوړه شوه اوجګړه سخته شوه تردی چه ډیر مړی وشوه ، نود کاندارا نو خپل دکانونه له دی ویری بند کړل چه دوی ته څه تاوان ونه رسیږی نو په دی وخت کښې شاه اشرف حکم وکړ لوچه « د کا نو نه دی نه تړل کیږی او که چاته څه خساره ورسیږی نوزه بی تاوان ورکوم » ددی نه وروسته په ښار کښې څو موده جګړه جاری وه ، لیکن د جګړه مارو له خوا اهالیؤ ته هیس ضرر ونه رسید .

پښتنو چه د غور د تبر ، میرویس خان هوتکی ، احمد شاه کبیر

شیرشاه سوری ، غازی اکبر خان ، محمد ایوب خان ، او په آخرکښې دا علحضرت محمد نادر شاه شهید په مخ کښې په خپلو سر و نو کو می لوبی کړی دی دا د پښتنو د مشرانو د منلواو فدا کاری پوره پوره ثبوت ورکوی ، نوری وړاندی خبری به ټولی پرید و یوازی د وطن د نجات واقعی ته به و ګور و چه پایتخت او ټول مافیها د لاسه و تل او بیا د یوداسی ملی قا ئد د سیوری لاندی چه بی دزړه د درد او قومی اخلاص څخه دده سره نور هیس وسائل موجود نه وو ، د پښتنوتش د پښتو نولی او د ملی مشر ا نو د منلو په برکت بیرته هر څه لا س ته راوستل څه آ سانه خبره نه وه ، په دی کښې ډیرو قربانیو ، فدا کا ریو او دو ینو تویولو ته حاجت و .

داهم پریده ، د سرحد پښتانه او د عمر ونو عمر و نو جګړی او د ډیر مقتدر او زور ور قوت په مخ کښې د خپلو ملی قا ئد ینو د بیرغ لاندی جنګیدل چه د پښتنو د مشر انو د منلو جذ به ثابته نه کی نو بل به ئی څه شی ثابته کی ؟

هوا دپښتو نولی روح یوداسی خاصیتلری چه دقومی لطف مهربانی خواخوګی ، اودملی قیادت اومساوات په مخ کښې لکه ر ینبم پستیږی اود سختی ، زور ، حا کمیت ، اوظلم په مخ کی داسی کلکیږی چه دتوپونواور ، د طیارو بمونهٔ اود فولاد و توری ئی هم نه شی نرمولای !!!

چاچه ددی قام سره سختی کړیده هغوی روسته په خپلی سختی سخت پښیمانه شوی دی !!!

بدل اخیستل :

په پښتنو کښې دبدل اخیستلو اوانتقام خوی بیخی کلک دی که

(c) ketabton.com: The Digital Library

دوی ته سپك وکتل شی یا ددوی بیحرمتی وشی یاددوی حق تلف شی ، نواول د ستی په دستی اوپه سپین میدان دخپل حق دراگرزولو دپاره ټینگ کوشش کوی ؟ په داسی ځای کی خپل سرته اهمیت نه ورکوی ؟ که سره ددی ټولوئی بدل پاتی شی ؟ نودپښتون دزړه نه هیسکله دانه وزی چه ده ته چاپه انفرادی یاقومی حیثیت سره پـه بی احترامی کتلی وی . دامشهوره ده چه « پښتون داوښ کینه لری » نو کلو نه کلونه صبر کوی اوهغه دانتقام جذبه دده د زړه نه نه کمیږی چه خو وارومومی اوخپل بدل واخلی . په پښتنو کی سخت پور د سرپور دی . د سرپور کله خاندانی وی اوکله قومی ، په خاند انی کی د خانـدان نه سړی وژلی شی . اوپه قومی کی دقام نـه بـدل اخیستل کیږی . دپښتون بدل په میراث سره منتقل کیږی ، بدل اوانتقام ته پښتانه پور هم وائی ، کلونه اوپیړئی تیریږی مگرخپل بدل ی نـه هیریږی . په پښتنو کی داد متل په دود مشهوره ده چه « پښتون سل کاله پس خپل پور واخیست هم ویل ئی چه جلتی می وکړه »

بدل په دوه قسمه دی. یودبدی پوردی چه بیان ئی مخکی تیرشو . بل دنیکی صلی ته هم بدل وائی ؟ په پښتنو کی دالو ی عیب دی چه دچاسره څوك نیکی وکی اوهغه ددغه نیکی عوض ورونه گرزوی . بدل پاتی کیدل دپښتنو په نزد سخته نامردی شمیرل کیږی .

معلومیږی چه داد بدل اخستلو اوبدل گرزولوخوی چه پښتنو ته دعنعنی او کلکی سجیی په شان پاتی دی ، داددوی د عزت نفس . شجاعت اومزاجی استقلال دناحیی نه په دوی کی راسخ شویـدی ، یومحترم ځان خوښی ، اوشجاع سړی کله غواړی چه څوك دی ده ته سپك وگوری اودی دی هغه باسنده تیره کی ؟ یادی څوك دده سره

یواحسان وکی اوهـغه احسان دی دده په اور میژه پور پاتی شی ! پښتون دغه وضعیت بی شرف گنړی !

غزا :

مخ کی موږ دپښتو دمحار بوی قوت او جنگی روح څخه خبری وکړی ؟ غزاهم یونوع محاربه ده ولی فرق دومره دی چه غزا یومقدس جنگ اوقربانی ته وائی چه دښمن اومذهب په نامه باندی کیږی .

پښتانه داقسم قربانی دیره مقدسه گنړی اوپه ډیر فخر اوعشق سره دغزاپه وخت کی چه دباندینی اوددین نه ونلی دښمن دپښتنو په کوم ملك تعرض وکی ؟ دخدای په لارکی دسرور کولو دپاره میدان ته راووزی . دغزاپه موقع کی کوم وخت چه دښمن غلبه وکی وا ړه ، غټ ، ښزی او نرټول جنگ ته را ووزی . دهرځای نه ډلی جوړیږی سره بیرغونه تړی اود جنگ ځای ته روانیږی دهری ډلی سره ډولونه ، نغا ری اوسازونه وی ؟ په ډیری مستی اوشوق سره د شهادت ځای ته درومی .

دپښتنو په عقیده سره کوم د ساز آ لات چـه پـه غزا کی شرکت وکی دا آ لات اودغه سازندگان چه په غزا کی ئی غږوی پس له غزا څخه هم په ډیره ښه سترگه کتل کیږی ، او هیسکله یـودینی مشراوم اذون د دغه ساز اوسازنده بیحرمتی ته اقدام نه کوی .

ډول والا ا کثره د لښکر په مخ کی ز ی او دجگړ ی یاد تشتث یاد فتح په وخت ډول درزوی او د ډول په او از ټول غازیان سره راغونډیږی او موقع ته زان رسوی .

د پښتنو استقلال او آزادی چه په دی پرشور اوخطرناك عصر

(c) ketabton.com: The Digital Library

کښې ساتل شویده د دغه مقدس روح او د دغه پاك خصلت په برکت ده .

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افاغنه په (۲۰٤) مخ کښې داسی لیکی : « د غزا لفظ د پښتنو په نزد دومره خوګ دی چه هیڅ دولت د دوی مقابله نه شی کولی ، په افغانی سیاست کی چه که څه روح شته نو هغه فقط دغزا د شوق په برکت سره دی . »

کرنیل میلسون انګریز د خپل تاریخ افغانستان د اول باب په آخر ټیو پانړو کی پخپلو الفاظو کی وائی « پښتانه د خپلو ملایانو او مذهبی مشرانو د لاس لاندی دی ، او د کافرانو سره که هغه توروی او که سپین ، هر وخت د غزا د پاره تیار وی . د غرونو په غارونو کی په امان ناست دی خدای خبر که را ایسی ئی د هغه ټو او حا کانو سره جګړی کړیدی چه د مونږ نه پرومبی ئی په سرحد باندی حکم کولو او پخپلو ارمانو نورژیدوئی زړونه سخت شوی دی . »

جرګه :

د پښتنو په ملی عنعناتو کی جرګه خورا اهمیت لری . پخوا پښتنو ټول مهمات په جرګه فیصله کول ، وائی چه سلطان بهلول لودین د هندوستان پاچا به د پښتنو سردارانو جرګه درلوده ، هر وخت به چه داجرګه تشکیل شوه ، دی به د پاچئی د تخت نه را کوزشو دنور وسره به یو زای د پښتانه به ډول کښینا ست په دی جمعیت کی ده هیڅ امتیاز نه درلود . (۱)

د پښتنو جرګی خورا مشهوری . دی زینی مدققین وائی چه دا

(۱) د خانجهان لودین قلمی تاریخ او تاریخ سلطانی «طلوع»

جرګی د پخوانو آریانانو له رسومو څخه په دوی کی پاتی دی .

اوس هم د آزاد وسرحد و پښتانه د جرګی پابند دی هر وخت چه یومهم کار پیش شی پښتانه پکی جرګه کوی ، د پښتنو جرګه زاته اصول او مخصوص قانونلری ، د جرګی زای معلوم وی . چه یا حجره یا دیره اوچوتره ، او یالوی مسجد وی ، په پښتنو کی د جرګی او پوه خلق فطر تامعلوم وی چه په هغوکی څوك اختلاف نه لری ، نو دوی سره راغونډیږی او په موضوع باندی بحث کوی ، بحث وار په واروی ملکان ، خانان او پوهان او د جرګی خلق په خپل طبیعی لمبر، وار په وار په موضوع باندی تبصره کوی ، اوشا وخوا واضحوی. د تقریر په شروع کولوکی هرمقرر د خپل مدعا په موافق حکایات او مثالونه د تمهید په طور بیانوی ، نو بیا مدعاته رازی ، او په عین مدعا کی په خوژه لهجه چه دپخوانواوهوښیارانو اقوالوته پکی حوالی وی ، بحث کاوه شی . د پښتنو په نزد د پښتو مثل د یوی مدعا د پاره قطعی ثبوت ګڼل کیږی . په بحث کی آزادی وی ، هلته فضول او بیا که وینامنع وی . په جرګه کی چه څوك ناسزا وائی نو د هغه جزاداده چه جرګه مخ ورته راواړوی او ورته ووائی چه بد دی وویل ، ته ملامته ئی . بس داد پښتون مرګ دی . د دی ویری څخه هر څوك د مجلس احترام کوی . مشران او مرکاؤ سړی په جرګه کی شرکت او خبری کوی ، او کشران اکثره مسلح ولاړ وی ، د چای ، او بو ، چلم خدمت او نور لوازم په ځای کوی ؟ په سره سینه خبری او بحث کیږی ، داسی جرګی هم وی چه ورزی ورزی ورباندی تیریږی چه څوصحیح او منلی صورت معلوم شی . او ټول مجلس قانع شی ؟ نو مصو به مواد

(c) ketabton.com: The Digital Library

وښئی چه فیصله دا ده ؟ نو پس له هغی په دغه فیصله باندې پسو نه حلال کی په گډه ئی وخوری ، او جرگه پاځیژی .

د جرگی حکم به هرڅوك منی، او کورټ به مخالف زنی نه شی کولی. که چا د جرگی د تصویب نه مخالفت و کړو هغه ته د قام له خوا سزا ورکول کیژی او دغه سزا ته ناغه وائی ؟ په ناغه کی ناغه شوی ته کله مالی تاوان رسیژی چه پسه ، غوا ، غوږی به ورنه حلا لوی ، دینه گناهگاره وائی ؟ او کله د سخت عصیان په وخت کی قام را پاځیژی د گناه گار کو رسیژی ؟ او کله داسی هم کیژی چه د وطن نه ئی و شړی او فرار ئی کی .

د پښتنو د استقلال دژوند یو لوی سبب دغه دی چه دوی هر وخت خپل ملی معاملات په جرگه او مشوره فیصله کوی ، ډیر زله دوی بیله یو منظم حکومت په ملی ډول سره هم چلیدلی دی ؟ د پښتنو ټولی د نه او د باندی ورانی او و یجاړی په جرگه فیصله کیژی . نو جرگه د پښتو نولی یولوی اساس دی . اودامبارك دود د زړ وپښتنو او نیکه گانو یومقدس اساس دی . توریالی خوشحال خان وائی : بی جرگی نه به هیس کار په لاس وانه خلی ـ چه خبروی د جرگی په برکت .

روغه :

روغه وائی جوړی اومصالحت ته . د جرگی دفیصلی نه روسته چه کوم قرار داد کیژی او دوه متخالفین سره ساز کاندی ؟ هغی ته روغه وائی . پس له روغی کیدلونه چه په کومه خبره . ـ

تیژه :

دعا وشی هغو ته تیژه وائی ؟ تیژه اینبو دل : مصالحت کول

دی لکه سه رنگه چه د حکو متو په مینز کښی معاهده کیژی دارنگه پښتانه په خپل مینز کښی او دنو رو گوانو یانو سره د تیژی اینبود واصطلاح لری . د پښتنو په نزد تیژه ډیر احترام واهمیت لری.

دتیژی نه چه سوك مخالفت وکی اودجرگی دفیصلی نه بر خلاف عمل وکی د پښتنو په اصطلاح کی وائی « تیژه ئی ماته کړه » تیژه مرتول لویه گناه ده چه جانی دجرگی په رایه یاناغه کیژی یافرار کیژی لکه چه مخکښی و ویل شوه .

عهد او وفا :

اجتماعی ژوند بیله یو اخلاقی نظام خخه نه شی چلیدلی . هرقوم او هره جامعه ضرور ده چه یو قسم اخلاقی نظام به لری ؟ یعنی یوخه داسی اصول به لری چه ټو له جامعه په هغی کړ نه کوی ؟ د دغی اصولو دجملی خخه عهد او وفا یو ډیرمهم اصول دی چه گویا داجتماعی ژوند محور بلل کیژی ؟ که د یوی جامعی له مینزه خخه دعهد او وفا ټکی پورته شی نوددی جامعی په افراد و کښی به خومره بی اعتباری او بی اعتمادی اوسی ؟ اوخه رنگ چه د دنیا اکثره کارونه داعتبار او اعتماد پوری اړه لری نوکه اعتبار اواعتماد لری شی په اجتماعی ژوند کښی به دومره بینظمی او تشتت پیښ شی چه دوحشت اندازی ته به انسان و لویگی . نوهیس تمدن گویا بله اعتبار او اعتماده نه شی قائمیدلی زکه که انسان د اعتبار ساتلو مراعات ونه کی ، نو داسی هیس قانون جوړ ول ممکن نه دی چه په هغی کښی دحیو او خبرو کولو ځای نه وی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

د اعتباراو اعتماد پیدا کیدلواو ټینګیدلو لوی عامل عهد اووفا دی په هرتمدن کښې چه عهد نو وفا کلك او محکم اوسی او دافرادو په مینځ کښې چه هرخومره یوتربله اعتبار اعتماد زیات او ټینګ وی هغومره دغه تمدن فاضل تمدن شمیرل کیږی ، داخصلت دومره اهمیت لری چه ټولو آسمانی ادیانو او خصوصا د اسلام مقدس دین د دی نهایت تاکید کړی دی ، قرآن کریم ډیر زله (اوفوا بعهد کم) ـ (اوفوا بالعقود) اوپه داسی نورو رنګونو کښې دقول اووفا هدایت کوی. نبی کریم (صلعم) دمنافق په خصلتو کښې یوه داهم شمیری چه (اذا وعد خالف).

په پښتو ټولی کښې عهد او وفا خورا ډیر اهمیت لری د « پښتو » دلفظ په معانیؤ کښې یوه « په خپل عهد اوقول باندی ټینګیدل اودریدل » هم دی. پشتون ځان وژنی خود خپل عهدنه تیریږی د پښتنو دا روح پردوا و بیګانه قومونو ښه پیژندلی دی او دخپل مفاد دپاره د دوی د دی خوی نه استفاده کوی ، داسی چه په څه چل ول دپښتنو نه یووار قول او عهد اخلی نو دا خو ورته معلومه ده چه پښتون د قول او لفظ نه نه اوړی ، نو بس بیائی پخپل مفاد مستعملوی .

پښتانه د اقوامو د اختلاف په لحاظ د دی معنی څخه په قول ، عهد ، وینا ، لوظ ، بول او ګای سره تعبیر کوی ، پښتون چه وعده وکی یا به هغه پرزای کوی یا به مری ، توریالی خوشحال خان وائی : «که ئی سرله تنه درومی نور به نه شی ـ دخو شحال چه د خپل یارسره میثاق دی» .ـ حمید بابا وائی : « قول بول په ژوندون نه شی بدلولی ـ زکه ځان په جهل وژنی پښتانه »ـ یا داچه : «ځان به مړ دعشق په جهل کړم ناصح ! وایه نه وړم زه حمید هسی پښتون یم »ـ بل ځای حمیدبابا

د وعدی او قول د ټینګار تعلیم په ادبیانه تجنیس داسی ورکوی : « چه رښتینی سیده صلف نه وی حمیده — بولی بولی عاقلان داهسی بول » پښتانه په لوظ دومره ټینګ دی چه که په غلطتیا یا په سهوور څخه هم قول او عهد وشی او روسته ورته خپله غلطی معلومه هم شی ، پښیمانه خو ډیر وی مګر د عهد دماتولو چل پښتون ته نه ورزی ، بیچاره ټول تکالیف تیروی ، مګر عهد ساتی لکه دیوه کاکړ څخه حکایت کوی چه : دی هند و شوی و ، نورو خپلوانو ناچاره کاوه چه بیرته خپل پاك دین ته را واوړی . مګر ده د هغو ټولو فلسفو په مقابله کښې په خپله ژبه دا ساده جواب و وایه « مړه ! اوس می ګای کړی دی » .

پښتانه په دی خوی شیدایان دی. حمید بابا په څه ارمان دپښتونولی دا وی غواړی « چه د عشق په جهل ځان وژنی وګړی ـ کاشکی زه عبدالحمید هغه پښتون شم » . « طلوع »

د پورته بیان څخه په پښتو ټولی کښې د عهد او وفا اهمیت ښه خرګند شو ، او داچه پښتانه په دی خوی خومره ټینګ دی ، اوس هم پښتانه په دی خوی هماغومره کلك دی ، ولی دعلم اوپوهنی دخپروالی او ښه تربیت څخه چه د خپلو خوا خوږو له خوا څخه دوی ته ورکول کیږی دوی ددی ، لاری څخه د دښمن په چال کښې نه ښیلی اونه په بدو چارو کښې لویږی .

پښتو :

پښتو د پښتو ټولی ډومبی عنصر دی. دپښتون په لغت کښې پښتو لفظ ددغه قام دژبی ، غیرت ، ایمانداری ، عهد اووفا ، کلکی ارادی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ټینګیدلو په معنی راغلی دی. دژبی په متعلق زه دلته بحث نه شم کولی چه دموضوع نه وړاندی ونه لویږم. دعهد اووفانه موحکبن بحث وکړو.

زه غواړم چه دلته دغیرت خخه لږ خه بحث وکړم: غیرت دمدافعی هغه حس دی چه سړی ته د فردی، اجتماعی اوملی حق دسلبولو په وخت کښی را ولاړیږی؟ یا په لږ ښه آسان عبارت سره غیرت ننګ دی؟ غیرت کول یا غیرت خوړل ننګ کول دی؟ غیرتی سړی: ننګالی سړی.

غیرت یو مقدس حس دی چه د دین، وطن، قام او ناموس دساتلو د پاره په انسان کښی لږ او ډیر اینبوده شویدی؟ غیرت هغه عصبیت اوحمیت دی چه دقومیت اوملیت دمانړی اساس بلل کیږی هیس قام اوملت بی ددغه عصبیته ژوندی نه شی پاتی کیدلی؟ قومی اوملی خصائص ددغه عصبیت په اعتبار ساتل کیږی؟ هر خومره چه داعصبیت زیات اوکلك وی قومی مانړی هما غومره محکمه اوکلکه وی؟ په هر ټولی اوقام کښی چه دا حس کم شی هغه ټولی ورکیږی دورکیدو دوه لاری دی. یا داچه استقلال بایلی او دنورو دسیوری لاندی شی چه خو پکښی مدغم شی اوپه تاریخ کښی فقط ورزنی قصی پاتی شی؟ یا داچه ورو ورو خپل ممیزات بائلی، او د نورو په رنګ کښی رنګیږی، نوهغه داسی وی لکه ماسته چه په شرومبو بدل شی، نو که ددی تبدیل په وخت کښی هم خه محکم خصائص ونه لری نو بس د اول قسم غوندی آخر مدغم شی او ورك شی.

دپښتنو غیرت اوعصبیت دومره ښکاره دی چه هیسوك ورنه انکارنه

شی کولی اودهمدغه عصبیت وجه ده چه دمود و مودو خخه ئی سر د دډیر وانقلابو اوتحولاتو خپل ملی خصائص، رسوم، عادات او خپل قومی حیات ساتلی دی؟ غیرت په خوقسمه دی؟ ملی، قومی، وطنی اودینی غیرت چه دهریوه بیان بیل بیل په خپل ځای کی رازی.

ایماندارۍ:

دیته وائی چه سړی په خپلو ټولو افعالو اواعمالو کی درښتینولی او صداقت مراعات کوی. اود چا له ویری یاد خپل ځان د مفاد، یادد ښمن دتذلیل یادنفس په ښودنه دحق اوصداقت نه وانوړی. غالبه داده چه دامضمون پښتنو دقرآن کریم د هدایاتو خخه اخستی دی اودپښتونولی په کتاب کی ئی داخل کړی دی ولی چه د اسلام دټولو اوهدایاتو اواحکامو خلاصه همداده چه دایمانداری په لفظ کی ځای شوی ده.

کلکه اراده اوټینګتیا:

کلکه اراده اواستقلال یومهم خوی دی، فلاسفه دکلکی ارادی اواستقلال خورا ډیره ستاینه ـ اودبی استقلالی او هردم خیالی ډیره غندینه کوی. دکامیابی اوکامرانی په عللو اواسبابو باندی چه کوم وخت بحث کوی نوکلکه اراده اواستقلال ددوی په سرکی را وړی، انګریز حکیم « هربرت سپنسر » د خپل کتاب (ایجوکیشن) په خلورم باب کی خووواره په تاکید سره داخبره لیکی چه « په اخلاقی اواجتماعی لحاظ سره هرهغه عدل اوانصاف چه په بی استقلالی سره اجرأ کیږی دهغی نه هغه ظلم اواستبداد ښه دی چه په استقلال سره اجرأشی» حکما په دی مصردی چه پس له فکراوتدبیرنه چه کومه رایه

(c) ketabton.com: The Digital Library

قائمه کړه شی ، نوپه آخرکی که څه هم په دی عزم کی انسان تـه لږ ضررهم څرګند شی ؟ د دغه ضررمتحمل کیږی دی ؟ او استقلال دی نه پریږدی . حکما دکلکی ارادی اوتینګتیاپیری ښیګړی بیا وی ؟ چه ټولی دلته نه ځائیږی . دیـومسلمان دپاره په دی باب کښی د حکمت دټولو کتابو څخه دقرآن کریم داهدایت دیراهمیت لری چه « وشاورهم فی الامر فـاذا عزمت فتوکل علی الله ! » په پښتنو کښی د قرآن حکیم د هدایت داد واړه جزأه په ښه شان سره معمول دی ؟ دوی اول په مهمو کـار وکښی جرګه کوی اوبیا پس له فیصلی څخه دخپل عزم نه په هیس شان نـه اوړی . دا مشهو ره ده چـه « د پښتون هو، هو ، ده اونه یی نه ! » زینی بد بینان د پښتنو ددی خوی څخه په ضدی توب او جهل سره تعبیر کوی ، لیکن « چشم بد اندیش که برکنده باد ـ عیب نماید هنرش در نظر » دا هغه ستایلی او ښـا غلی خوی دی چه ټول ژوندی قومونه ددی په اثر ژوند کوی .

ثبات او استقامت :

هم ددی عنوان لاندی داخلیږی . ولی ثبات اواستقامت اکثره د شدائدو او مشکـلاتو په مقابل کی وی . وفا دو عدی انجاز ، او تینګتیا په خپل عزم کو لوته وائی دا ټول سره نژ دی دی خوخه لږلږ فرق هم لری .

مایوه ورز د پښتنو په ثبات اواستقامت بحث کاوه چه ماته وویل شوه چه « د پښتنو په حربی روح اوجنګیالی توب کی هیڅ شك نشته یو حربی قوم دی ، لیکن ثبات او استقامت نه لری ، داته د خوش عقیدګی څخه وائی » .

ماورته وویل چه « انصاف وکی په دی عصرکی چه تقریبا زیاته ایشیاد استعمارسیلاب ویوړه ، او زړه دنیا لهیوڅه د یورپ په مقابل کی په سجده پریو ته ، مگر دغه د ایشیا د میز د غر و پښتانه سره د ټولو کمزورتیاؤ اوبی وزلی توب د مقتدرمقتدرقومو په مقابل کی مودی مودی د غرو په شان ود ریده اوخپل استقلال ئی چاته ورنه کړو . آیا داد استقلال او ثبات مجسمه نمونه نه ده ! »

په دی بیان سره زما حریف قانع شواونورئی څه ونه ویل .

د پښتنو داخوی د مملکت او آب و هوا د اثر مولو د دی ، موژ به په دی باب روسته چیری بحث وکړو .

ملی غرور :

ملی غرور یو ډیر شریف حس دی ، داحس په هغه مللو کښی لیده کیږی چه ترقی یافته وی ، ولی چه انسان پرومبی منفرد اویوازی و ، دده حیات هم په یوازی اومنفردانه طورسره و ، هر یو به علیحده علیحده د خپل ژوند د ساتلو د پاره کوشش کاوه . مگر هرڅومره چه زمانی تیری شوی د تکامل په قانون سره د انسان په فکر او مغز و کښی هم تـطورات او تغیرات راغله ، ده کـور و پیژند ، خپل خپلوان ئی و پیژندل ، قام ئی و پیژند و ، وطن ئی و پیژندو او ملت ئی و پیژند ، هر کله چه داحس ده د خپل تکامل په وخت کښی میندلی دی ، نو هما غه انسان مترقی او متکامل گنړل کیږی چه داحس پکښی قوی او مترقی وی .

مونږ و یلی شوچه د ملیت داحس په پښتنو کی خورا کـلك او تینګ دی تردی چه په خپل ملیت باندی ناز د پښتون غریزه گرزیدلی ده

(c) ketabton.com: The Digital Library

د مذهبی لحاظ نه پرته یو پښتون په دنیا کښ دلحان نه هیسوك زیات نه بولی بلکه دلحان سره ئی برابر هم نه بولی .

سړی ویلی شی چه ددی نورو سجیو په شان داهم د دوی د وطن د لوړ واو او چتو غرود استقلال او غرور اثر دی چه د دوی په مزاجو کښ فطرتا اخکلی شوی دی ، لکه چه ژور ژ شمیت د خپل کتاب « انسان » په لسمه صفحه کی (۱) داسی لیکی :

« هغه طبیعی اثرات چه لوړ غرونه ئی دخپلو اطرافو اونواحیو داوسیدونکو په رو حیاتو کی لری ، غیر له هغه موثر اتو خخه دی چه هواری زمکی ئی د خپلو مسکو نیتو په رو حیاتو کی پیدا کوی زکه چه د غرنی مملکت او سیدو نکی تل د طبیعت سره په جگړه کی وی زکه چه د سیلا بونو او خیرو ونکو حیواناتو وجود او هغه مشکلات چه په ژمی کښ دغه خلقوته رسیږی همیشه دوی ته تهدید ورکوی . او طبیعی ده چه دا سی ژوندون نه یوازی د غرو نو د شاو خوا داوسیدونکو دبدنو نو او پلود تقویت سبب گرزی بلکه شجاعت مقاومت د فکر سرعت ته هم تقویت ورکوی . هغه بنیاد مان چه د غره په لمنو او اطرافو کښ ژوند کوی نوله دی کبله چه د هغوی روز مره تماس غیر له غره نه د نورو طبیعی عناصر و سره هم وی ، نوزکه دخدای تعالی عظمت او صنعت په هغوی کښ زیات نفوذ کوی او دوی دینداری ته مائل کوی .

دغرونو خلق مغرور اوازادطبیعته اوسی او دنوی دغرور او حریت سبب دادی چه له یوی مخی ددوی داسترگنی زای اکثره داجانبو دظلم نه په امن وی اوله بلی خوادوی مجبور وی چه خپل حوائج بیله دی چه

(۱) داکتاب جناب محمد قدیر خان ترهکی په فارسی ترجمه کړیدی

بعضی مناظر دلچسپ افغانستان

تشریحات تصاویر رنگه

در صفحات آینده چند نمونه از رسامی های نفیس مکتب صنائع را بصورت رنگه و یك رنگ طبع کرده ایم . اکثر این تصاویر مناظر حیات سابق وطن را بصورت جذابی نمایش میدهد . شرح تصاویر مذکور بترتیب صفحات قرار ذیل است :

۱ ـ بازی برغاله تازی که یکی از ورزش های ملی مردمان صفحات شمال افغانستان بشمار میرود .

۲ ـ کالسکهٔ قدیمی با هر چهار اسپ آن .

۳ ـ گوشهٔ یکی از بازار های قدیم کابل .

٤ ـ گوشهٔ یکی از کوچه های قدیم کابل .

٥ ـ منظرهٔ طبیعی استالف .

٦ ـ منظرهٔ یك دهکده در تاریکی شام .

۷ ـ یکی از دهات اطراف کابل .

۸ ـ تصویر یك سالخورده .

۹ ـ منظرهٔ ویران کردن برای آبادی جدید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

L'Afghanistan pittoresque

Les explications des photographies en couleur nous reproduisons sur les pages suivants quelques spécimens des travaux artistiques des étudiants de l'école des arts et métiers composés de tableaux trés pittoresques, à savoir :

1) Le célébre sport national : la course au chevreau.
2) La carrosse princiére d'autrefois.
3) Un coin du bazar dans l'ancienne ville de Caboul
4) Un coin de la rue dans l'ancienne ville Caboul
5) Paysage d'Istalif (prov. de Caboul)
6) Coin de village (Caboul)
7) Village aux environs de Caboul
8) Portrait d'un vieillard
9) Les travaux de démolitions pour la reconstruction (Caboul)

Kelaiton.com The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

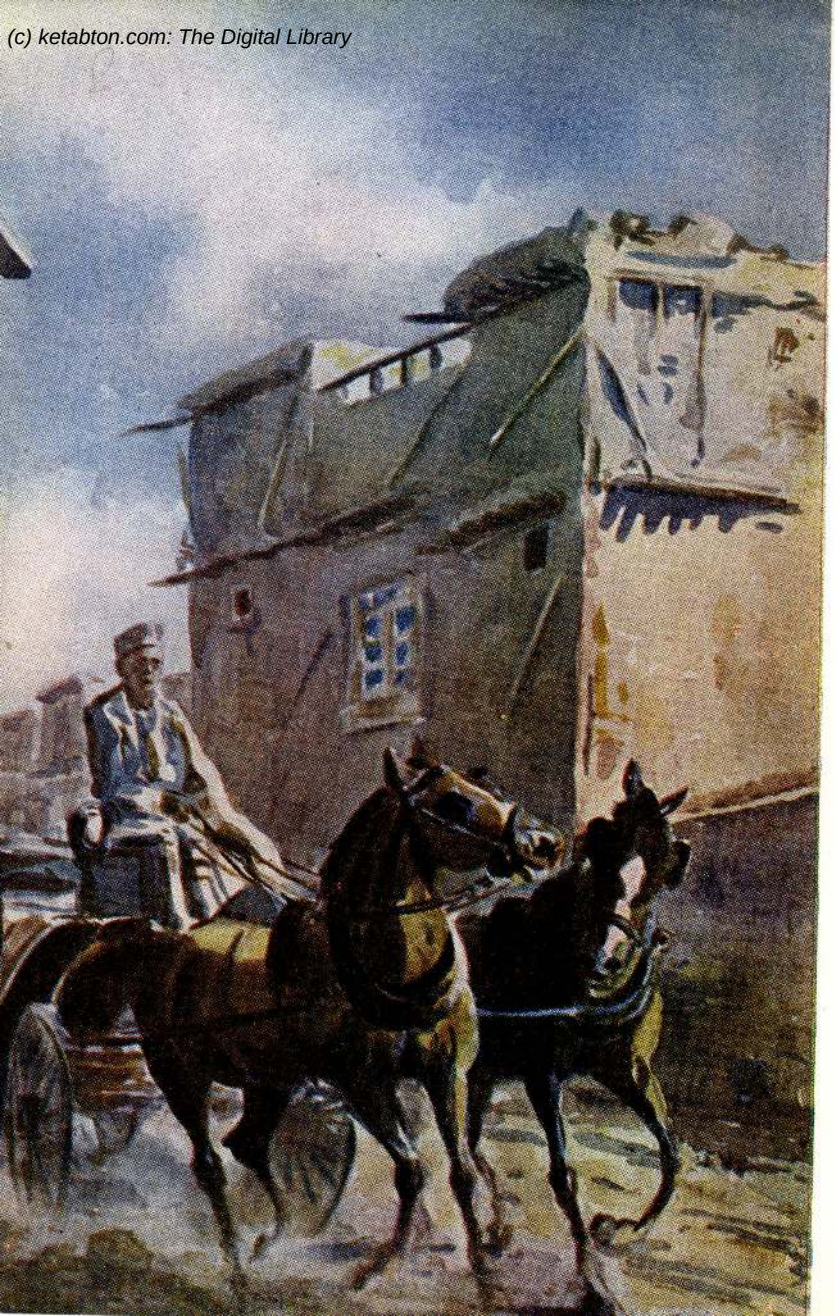

(c) ketabton.com: The Digital Library

دچانه یکی مرسته وغواړی پخپله ئی رفع کوی . نوپه‌دی صورت کی د طبیعت استقلال پەزان اعتماد ، غرور او مناعت په هغو کی زیږی او ورو ورو دزمانی په تیرید لوسره کیلکیگی .

دغره پەاو سیدونکو خپل وطن اوملت دهر چانه زیات گران وی او دخپل استقلال اوملی حریت دساتلو پەباب پە هیڅ قسم فدا کاری صرفه نه کوی ؟ او پرته‌له هغه معنوی قوت څخه چه طبعا ئی دوی لری ددوی دمملکت سختی لاری اودشوار گذار منازل هم ددوی د استقلال دساتنی دپاره ممد ثابتیږی که ددنیا تاریخ ته و کتل شی له دی قسمه متعدد شواهد زموږ ستر گوته رازی! کوم وخت چه روما دروم په اطرافو اوجوانبو کی په فتوحاتو شروع وکړه او مختلف ملل ئی یوپه د تسلط لاندی راوسته نو دآلپ ، بالقان ، کاربات غرونو دا وسیدونکو پە مقابل کی ئی برله پسی فاحش شکستونه وخوړه . ددی نه پرته هغه جگړی چه دتیرول خلقو دخپل حریت اوملی استقلال دحاصلو لو د پاره دفرانس سره کړی دی ، یاهغه مدافعی چه دهسپانیه خلقو دنا پلیون دمظفر عسکر پەمقابل کی کولی ؟ یاهغه جنگو نه چه قفقا زیانو د روس داستعمار پەمقابل کی کول داټول دهمدغه نه بدلید وکی طبیعی قانون نمونی دی .

زه‌په بل چا کی نه‌غږیږم زما خبری دپښتو دملی غرور دغږیزی سره دی : هو ! پښتا نه په خپل ملیت (پښتونولی) خوړا ناز ان او مغروردی پښتانه په خپل مزیت پوه وی او که نه ؟ مگر دیر اجنبی پوهان او مدققین چه دپښتو پەژبه اواخلاقو کی ئی پښتنی اوتد قیقات کړیدی دپښتو داملی مزیت ئی ستایلی دی .

(c) ketabton.com: The Digital Library

یوخارجی محقق چه دپښتو اوپښتونولی دلداده دی لیکی چه « که دیوه خو را بیوزلی لوس برېنه پښتون خخه چه ستامزدور بهوی پوښتنه وکړی چه « څوك ئی ؟ » دی بهدرته په ډیر غرور او مباهات سره ووا ئی چه « پښتون یم ! ! ! » چه دده د لهجی خخه به دملیت غرور او له سیما خخه به ئی د « پښتو نولی » علوت ښکاره کیږی اوتا بهپه درانه غګ او خورا متانت او وقارداسی داثرلاندی کی چه ته به وائی دی بادار اوزه نوکریم »

یوبل ایرانی سیاح او نقاد داسی لیکی « هر پښتون فرداول خان اوبیا خپل قام دخدای برګزیده ګنړی اود مرکی پـه مخ هیسوك دیو پښتون په برابرنه ګنړی. چه ددی فضیلت اعتدال لیکونکی د ایران دملت دپاره دخدای نه غواړی .

کوم وخت چه یوپښتون سړی خپلی ضائعی اوقام لیکونکی ته شماری نو د « داریوش بزرګ » خبره را یادیږی چه په څه مباهات پـه ډ که لهجه خپل نژادلیکی : « پارسی فرزندپارسی ، ایرانی فرزندایرانی » (۱) دپښتو ملی شاعر خوشحال خان ختك په خپل ملیت ژیږی او وائی : « دافغان په ننګ می وتړله توره ـ ننګیالی دزمانی خوشحال ختك یم » یوبل پښتون شاعر چه د قبائلی اختلافاتو خخه لوړ پرواز کوی اوپه خپل ملیت فخرکوی داسی لیکی »

داسلام نه پس دافخرراله بس دی ـ چه پښتون یم خه زاخپل اوخه بارك؟ »

مولوی عبدالمجید افغانی په تاریخ افاغنه کښی داسی لیکی :

« په پښتنو کښی دشرافت معیار دادی چه سړی دی پښتون وی ؟

(۱) ستارهٔ جهان ۱۱۰ شماره در حیم زادهٔ صفوی لیکنه (ضلوع)

اوپه دی شرافت دکوم یوکارداثرنه لویږی ؟ کوم افغان ته د غیرت راوستودپاره داوینا کافی ده چه ده ته وویل شی چه « تـه پښتون یی اوداسی کار کوی ! » اودټولونه سخت قسم دادی چه دی ووائی : « زه به پښتون نه یم که داسی وکړم » دسیدانونه پرته دوی دهیس قوم شرافت دخپل شرافت نه زیات نه ګنړی . »

حضرت سید جمال الدین افغانی په تتمه البیان کښی داسی لیکی :

« هرپښتون که څه هم فقیروی داخیال لری چه دی دهرچانه شریف دی ؟ ځکه چه پښتون دی ؟ اوبل داچه کامل ایمان اواسلام پرته دپښتون اوعرب نه بل څوك نه لری »

کرنیل میلسون انګریز دخپل تاریخ افغانستان داول باب په آخر کښی دیوی خبری په ضمن کښی دا عبارت را وړی :

« دوی (پښتانه) ډیرپه خپل ملك مین اوپه خپل قام غاوردی یوپښتون شاعر چه د قام په انحطاط زهیږی نوله همدغی خواخخه خان ته وائی اوقام ته پیغور ورکوی چه ویش شی :

« مغروره شومه په دی چه افغان یمه زه
آ ګاه نه یمه هیس چه نادان یمه زه »
« د ځانه نه یم خبر ، نه له بده حاله .
والله خزان وهلی ، ګلستان یمه زه : »

د ځان عزت :

هرکله چه د پښتنو دا ټینګ یقین او خیال دی چه په دنیا کی شریف قام پښتون دی ، نو زکه دوی همیشه زانته په درنه او د علو په سترګه ګوری ، اوکوم کار چه سپك او در زیلانو کار وی د هغه نه

(c) ketabton.com: The Digital Library

زان ساتی ؟ او داتقاضا لری چه باید هرخوك دی دوی ته د شرافت
په کتنه گوری . د همدی حس د تیزولو د پاره یو پښتون شاعر وائی:
« ته په خپله د زان قدروکړه پاخه که دنیا کی په عزت او سیدل غواړی »
حضرت سید جمال الدین افغانی د تتمة البیان په (۱٤۷) مخ کی
داسی لیکی :

« پښتانه بندیان نه خرخوی ، که څه هم کافروی ، د عاجزانو او
لاره وو عزت او احترام کوی ؟ غلا غالبا بده گنړی اگرچه په داړه
او لوټ فخر کوی ؟ او دا معلومه ده چه د لوټ او غلا په مینز کی د
قوت او ضعف فرق دی » .

دغه ستائلی شوی حضرت د خپل کتاب (تتمة البیان) د مقدمی
په اول کی دا عبارتونه راوړی: « په دی ورزوکی اخبارونه دافغان
امت په احوال کی بحثونه کوی چه د زان په عزت ، توره او لوی همتی
سره پیژندل شوی دی ؟ دا هغه امت دی چه د دوی نفوس دا نه
منی چه په عجز سره دی د مکر ، حیلی او غلونی د سیوری لاندی
راشی ؟ او ذلت او سپکاوی دی قبول کی »

د دی عبارتو پسی داسی وائی « دنفس شرافت د دوی قائد دی
دوی د شرافت مرگ د بی شرفی په ژوند باندی چه داجنبیانو د لاس
لاندی وی که څه هم د ډیر عیش ، ښو خوراکو او څکاو سره وی
غوره کوی » .

لوړ همتی :

لوړ همت او د زان عزت دوه لازم او ملزوم شیونه دی . زکه
هر خوك چه دزان دعزت حس لری هغه هیسکله دسستی او بی همتی

کارونه نه کوی ، ولی چه داسی شیان دده په عزت او شرافت کښی
نقص را ولی . او داسی سړی هیسکله دانه قبلوی . همدارنگه خوك
چه لوړ همت لری هغه هم بیعزتی ته تن نه ورکوی . نوز که دزان
دعزت د عنوان نه وروسته دلوړ همتی بیان ډیر مناسب دی . پښتانه
لوړ همتونه لری هیسکله پستی نه قبلوی . دوی په خپله محاوره کښی
بی همته سړی ته وائی (سپی دی) او سپیتانه هم بی همتی ته وائی.
له دی څخه ښکاره کیږی چه پښتانه له دی پستی څخه ډیر بدوړی
او هیس وخت دسپی نسبت پرزان نه قبلوی . پښتانه دچامنت هم پرزان
نه ایژدی اوفطر تا استغنا لری . دپښتنو ملی شاعر خوشحال خان
په دی لاندی بیت کښی دپښتو نولی دا روح ښه بیانوی :

« دمنت داروکه مرم په کارمی نه دی ـ که علاج لره می راشی مسیحاهم »

حمید بابا په دی بیتو نوکښی دپښتو نولی د روحی علو تصویر په
ډیر ښه ډول کوی :

« وژی تژی پروت په خپل پوزی کی ښه ئی ـ نه په تخت دپاسه ناست دبل کره »
« دمنت پلاو د زهرشه کی مومی ـ دمحنت سوی سکرك دساگ سره »

په دی بیت کښی حمید بابا د پښتو نولی دا ضروری شرط په څه
ډول ښیئی :

« یو به نسم مغلواری دررقیب ستا ـ که زوکړی وم رښتیاله پښتنی زه »

کاظم خان شیدا د تور یالی خوشحال خان لمسی د عالی همتی
اقسام په ډیره ډول شمیرلی دی. او د لوړ همت په سبب سره د مخالف
سره هم موافق دی .

« موافق دمخالف لکه افتاب یم ـ هیس شعله می دچشمو په اثر نه مری »

(c) ketabton.com: The Digital Library

دلوړ همت تقاضا داده چه هر سوړه سړی لوړ شی سره ددی به هم تکبرنه کوی . شیدا دا اخلاقی مسئله په شاعرانه استدلال داسی بیا نوی :

« سیه روپه لژ رفعت لکه دود مشه دافتاب غوندی کړه مخ په رخشانی کښی »

. عالی همت سړی دهرچا سره په وزین تندی گړیژی ، چه شیدائی نتایج داسی گنړی :

« شگفته کړلکه لمرتندی هرچا ته چه په تنه دی سیاه پوش تمام جهان شی »

طمع هم دلوړ همت سره ضده ده عالی همت سړی طامع نه وی ، شیدا په ادیبانه مهارت په خورا دلچسپ ډول داد پښتو نولی خوی روښانه کړی دی :-

په صورت می شی خولی د حیا ماتی
که ونان ته دافتاب خخه نظر کړم

سوال اوغوښتنه دپښتو نولی دلوړ همت سره نه ښائی . هیس پښتون دچا خخه د فقر او دریوزه گری په ډول خه نه غواړی شیداوائی :-

سوال می خوی له درافشانه ابرنه دی
صدف ورانه خپله خوله کړه په غوښتنو
د افتاب په کمند نه خیژم اسمان ته
نه ژدم بارلکه شبنم پردوش د گلو (۱)

آزادی اوحریت :

حریت دری درجی لری ؟ حریت دفکر ، حریت دقول ، حریت

(۱) دطوع د ۱٤ کال اوله گنړه .

دعمل ، دفکر حریت دادی چه فکر په هغه مسایلو کښی چه په ده باندی واردیگی آزاد او حروی . او دعقل دنوامیسو په مقتضی پکښی حکم وکړی . اوحریت دقول دادی چه انسان دخپل اعتقاد او وجدان له رویه خه چه په زړه کښی لری هماغه ووائی . بی ، له دی نه چه له چاخخه وویریژی یاوشرمیژی یادخپلو نفسانی خواهشاتو دا ثرلا ندی راشی یادچاخوشامندی وکړی اودخپل اعتقاد اووجدان نه مخالف ووائی .

دفکر حریت داجتماعی ترقی په لار کښی اول قدم دی . بلکه داد دغی ترقی اساس دی . لیکن حریت دقول ددینه ډیرا همیت لری زکه که یو انسان په خپل فکر کښی خطاشی نو ددغه خطاضرر همده پوری منحصریژی . نورامت ته تعدی نه کوی . او هر خه چه د قول حریت دی ، نودا دملت دارتقا عنوان بلل کیژی . اوددی خوی خاوندان دمصلحت عامه خادمان دی . حریت دقول په ډیر و مظاهر وسره ظهور کوی چه هغه دا حوالا توبه اختلاف سره اختلاف مومی . د خلقو سره په شخصی معاملا توکښی دده نه په صدق او رښتیا سره تعبیر کاوه شی ؟ اودارشاد اوتنبیه په وخت کښی ورته دو ینا صراحت او صدق اللهجه ویلی شی ؟ او دانتقاد او اعتراض په لار کښی و رنه په شجاعت ادبی سره تعبیر کیژی . مگر هر خو مره چه نومونه او اعتبارات ئی ډیردی . لیکن خپله دی بسیط تحدید لری ، هغه دادی « دخپل اعتقاد سره سمه و ینا » د ټولونه لوړه درجه ئی « په خپله خطاء اعتراف اوپه خپل عجز اقراردی . » مراد دادی چه انسان له خپل اعتقا سره سم ووائی . که خه هم دده په حق کښی وی . یوله علماؤ خخه وائی « چه انسان همیشه په خطادی تر خوچه په خپله خطا

(c) ketabton.com: The Digital Library

اعتراف وکی نودغه وخت مصیب شی . اوتل ضعیف دی تر خو چه په خپل عجز اقرار وکی نوقوی شی» هرخو مره چه سړی د ذن و رزی مترقی امتوته و گوری . نووینی چه ددوی دارتقا اندازه په همدغه خصلت کیدی شی . یعنی هر خومره چه یو امت مترقی او مهذب بلل کیږی همغومره دا خصلت په هغو کښی مترقی او قوی لیده شی . (۱)

دا ډیره د فخر خبره ده چه پښتانه بالکل حردی . او خصوصاً دقول‌حریت ، رښتیا ، اوترت ویل د دوی اصلی طبیعت گرزیدلی دی په ډیرو سختیو اوشداید واو د زان په خطر کښی هم د صدق او خپل اعتقاد نه خلاف نه وائی . اودا دوی پښتونولی گنړی . د یورښتینی پښتون په خبره کښی که خوك یو خه شك یاترد د ښکاره کی ؟ دی به پهٔ خورا تاثراواحیانا په قهراوغضب ووائی « بابازه خوهم پښتون یم ! » دتیروخبرو په مناسبت زمایوه قصه یاده شوه ، غواړم چه دلته‌ئی ولیکم :

قصه :

داسی وائی چهٔ د اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان په وخت کښی د مشرقی شنواروته یو حاکم مقرر شو . ویل کیږی چه د حاکم د چرگ غوښه او وریجی ډیری خوښی وی ؟ نو د خدقو نه به ئی چرگان ، غوړی او وریجی غوښتی . داسی ویل کیږی چه د دغه زای سپین ژیرو خوواری ده ته عذروکړو ؟ خوسړی خپله رویه بدله نکړه . په آخر کښی خلق تنگ شوه؟ کوم یوته ئی و ویل چه دلحد تیری ته ئی ولیږی . نو په ټوپك ئی وو یشت اومه ئی کړو. چه امیر عبدالرحمن خان ددی واقعی نه خبرشو ؟ نو دده طبیعی شدت او قهر یو په سله زیات شو ؟ نو په ډیرتشدد اوغصی سره ئی حکم وکړو چه

(۱) مختارات جرجی زیدان

د حاکم قاتلان دی زنز یراوزولانه راوستل شی . داوه چه د مه ی وژونکی په ډیره جلتی سره راوستل شو ؟ او امیرصاحب ته وړاندی کړی شوه . امیر صاحب په شاهانه جلال او دبد به سره چه زنگنونه ئی لگولی وو اوتوره ئی ور باندی ایښی وه ؟ د قهره ډکی سترگی ئی ورته راواړولی ؟ او په ډیر دروند غگ ئی ورته وویل « . . . . . ! زما حاکم تاسی وژلی دی !!! ـ تاسی مانه پیژنی زه عبدالرحمن یم !!! زه به تاسی سره خپل سلوك وکړم !!! » د امیر صاحب داخبال دی چه دوی به اوس منکر یژی او دی به ئی په دی سیاست قایل‌کی . دبندیانو دډلی نه یوپه ډیرداده زړه ورورواندی شو . او وی ویل : « صاحب ! هو ، ماوژلی دی » .

امیر صاحب : « ولی ! ستا . . . . . »

بندی : « که اجازه وی زه به حقیقت‌بیان‌کړم . نور امیر صاحب اختیار لری » امیر صاحب : په ډیرقهرسره» :ـ « ښه ، وایه !!! »

بندی : « صاحب ! ماحاکم د امیرصاحب د مخالفت د پاره ندی وژلی . موږ د حاکم صاحب ډیرقدر او عزت کولو . او دده هرقسم خدمت اومتابعت ته تیار وو . ولی د ده چرگان ډیر خوښ وو د موږ نه به ئی چرگان په زور غوښته که موږ هر خومره ده ته وویل او جرگه مووربانده وکړه چه موږ تیاریو چه تا ته پسونه‌حلال کړو . وریتی درته وکړو؟ میلمستیا درکړو او نور خدمت دی وکړو . چرگان خه کوی ؟ چرگان د گیډو خوراك دی . زموږ پادشا زمری دی او موږ پښتانه پړانگان یو .

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دینه لاس واخه ! مگرده نه منه . نودی گیدړو ، گیدړ او زمری او پړانگان سره نه چلیږی ؟ نو موو وژلو . نو را میر صاحب اختیار لری ! »

هر څومره چه بندی دا تقریر آخر ته رسو لو ؛ دا میر صاحب په تریو او گونجی گونجی تندی کښ پراختیا پیدا کیده . د تقریر په خلاصید و سره ئی و خندل ؟ او بندیان ئی ایله کړه . او خاص دغه سړی ته ئی د ده د پښتو نولی په احساساتو او رښتیا و ینا بخشش هم ور کړو . او کورته ئی رخصت کړل .

خوشامند گر خلق چه د جامعی مضر میکروب بلل کیږی د دوی عادت وی چه مخامخ سړی ته رنگا رنگ غوړه مالی و کړی ؛ رقم رقم لقبونه او صفات پیدا کړی ؛ او خپل ممدوح وربانندی و ستائی . دا ټول ددی د پاره چه د دغه مخاطب په روح کښ له دغی خواخخه تاثیر وکی او خپل څه شخصی غرض ورو پراندی کړی .

ولی پښتانه دغه د خوشامند و عادت هیس نه خو ښوی . دوی ته په حقیقت او ، صاف ویلو کښ که ښه پیښه شی او که بده د حقیقت نه ، نه تیریږی ؛ خوشامندی کول په پښتو نولئی کښ ډیر لوی عیب دی . د دی خبری دا ثبات لپاره همدا کافی ده چه مونږ د پښتو ژ به چا نړ کړو ؛ نو په ټوله ژ به کښ به هیس د خو شامند و القاب او لغات نه کړو مینده !

دوی خپلو اشنایانو او دوستانو ته د هغوی په نومو خطاب کوی ؛ په پښتو کښ دو رور او ملگری لفظ ډیر خو ږ او معنی داره دی . کله کله د دغو کلمو سره د گران لفظ ؛ هغه هم په لیك کښ یو ځای

کیږی ؛ کشرانو ته د « روکی » « لالی » او « کوکئی » لفظ مستعملوی . په پښتنو کښ داهیس عیب ندی چه څوك په خپل ساده نامه سره یادشی . په دی خو کښ پښتانه دومره بی تکلفه دی چه زښی قبایل لکه شنواری او داسی نور ، کشران مشرانو ، او زامن پلرو نوته مخامخ نوم اخلی . او هیس بدنه منل کیږی . کشران هم دا په سپك نظر سره نه کوی . د عزت په ځای کښ چه د پښتنو کشران دخپلو مشرانو څومره متابعت او فرمان برداری کوی دا بحث به دبل کوم عنوان لاندی بیان کړم . په لویولو یوجرگو کښ دخپلو خانانو او ملکانو سره د دوی په نومونو مخاطبه کوی . دا ډیر کم ویل کیږی چه « خانه ! یاملکه ! » دخپلو مشاهیر و اولویانو د نامه دیادولو سره د « بابا » لفظ احتراما یو ځای کوی . لکه احمدشاه بابا ، رحمن بابا ، اوداسی نور ـ !

باد شاه ته ئی د دینه مخکښ امیرصاحب ویلو . او س خپل قومی باد شاه ته اعلیحضرت خطاب کوی . د دینه علاوه کوم څه چه د مساوات د عنوان لاندی داخلیږی هغه هم د آزادی او حریت سره پوره دخل لری .

مساوات :

پښتانه څرنگ چه په خبروکښ القاب اوتحدیدات نه لری . دغه رنگ په خپلو معاملو اواطوار کښ هم دتکلیفی امتیاز اتوطرفدارنه دی . یوازی دانه چه پښتانه داشیان کوی نه ! بلکه پښتانه ئی غواړی هم نه ! حضرت سید جمال الدین افغانی دتتمته البیان په ١٧٤ مخ کښ داسی لیکی « دپښتنو امیر د نور مشرق دباد شاها نوغو ندی دبدبه

(c) ketabton.com: The Digital Library

نه لری . بلکهٔ په حکومتی دربار کښې د خپل حکومت دارکانو سره یوځای کینی . او دنور وار کانوسره ډیرلږ تفاوت لری . دروازه ساتونکی (پهره دار) خوك نه منع کوی . هرسړی کولی شی چه خپل عرض دپادشاه حضورته ورسوی . او مخامخ ورسره په جگ اوازبی پرواخبری وکړی . دارنگ نوردولا یاتوحا کمان همدی . هو ! دپادشاه په محکښې ډیرمسلح عسکر ولاړوی . چه دامرداجراء دپاره تیار اوسی ! » مولوی عبدالمجید افغانی دتاریخ افاغنه په ۱۹۵ مخ کښې داسی لیکی :

« پښتانه امیران امتیاز نه خوښوی . بلکه دخپل لاس لاندی خلقو سره عزیزانه سلوك کوی . اودادنی ادنی خلقو سره هم مړئی خوری اوپه معمولی فرشونو ورسره کینی . دنوروامراؤ غندی آرایش نه خوښوی ؟ مگرددی بی تکلفی په وجه ددوی په اقتدارکښې څه فرق نه زرای »

میلمستیا :

دمیلمه پاللو عادت په پښتنو کښې ډیر پخوانی اوډیر راسخ دی ؛ میلمه پالل هرپښتون دخپل ژوندانه ضروری برخه گنړی . پښتانه تردی میلمه پاللوته اهمیت ورکوی چه په کوم ځای او کوم حال کښې میلمه نشی پاللی هغه اډوخوښوی نه !

که سړی په پښتو ژبه کښې لږ عمیق شی نو ور معلومه به شی چه دمیلمه داستقبال اوملاقات دپاره څو مره محاوری لری . نودا د پښتنو د میلمه پاللوپه خصلت باندی بین ثبوت دی ؛ د قندهار پښتانه وائی « ښه راغلی ! ـ خدای دی راوله » چه په جواب کښې

ویل کیږی (ښه او سی ! ـ خدای دی لره) د جنوبی او مشرقی پښتانه وائی (ستړی مه شی ! په خیر راغلی !) په جواب کښې ویل کیږی (مه خواریږی ، سلامتاوسی ، خدای دی وبخه !!) دپښور پشتانه وائی : « په خیرراغلی ! هرکله راشی ! . . . هرکله ! هرکله ! » په جواب کښې ویل کیږی « په خیراوسی ! » مهمند او دباجوړ پښتانه وائی « ښه چاری ! » په جواب کښې ویل کیږی چه « چاردی ښه شه !!! »

دی فعل اوکارته زینی پشتانه « روغبړ » زینی ورته « ستړی مشی » زینی ورته « هرکلی » اوداسی نور . . . . وائی .

ددی فعل رسوخ په پښتون قام او خصوصاً دسرحدپه پشتنو کښې ځانته اومخصوص اصول پیدا کړی دی . پشتانه اکثره په کلو کښې اوسیږی . ښاری استوگنه اکثره دوی نه خوښی . هرکلی ضرور ، دنه یاد باندی مسجد لری . او د مسجد په خوا کښې حجره وی . داهله چه کلی وړوکی وی . اوکه اوی وی نوډیرمسجد ونه اوډیری حجری لری . په هره حجره کښې شل دیرش کتونه پراته وی . اوپه هرکټ کښې دخوب کالی چه عموماً لاندستون برستن اوبالښت وی : اینی وی . د حجری په منز کښې اوی نغری وی چه اوریکښې بلوی ، نغری نه چاپیره په ټوله حجره کښې یولوی پوړ (پوزی) غوړیدلی وی ؛ چه کله کله وربانندی لیمسی اچوی . نودکلی خلق د خپلومیلمنو سره هرسباګماښام په دی حجره کښې کښینی . اوبوځای دوډی خوری .

دمیلمه پاللو او دوډی ورکولو دپاره پښتانه زښت ډیر ښه دستورلری؛ د پښتنو میلمه دا نه دی ضرور چه د دوی آشنا او پیژندونکی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دی وی . نه ! هر څوك او هر مسافر او لار وی چه کلی ته راشی هغه د دوی میلمه دی . او په دوی ئی قدر لازم دی . کلی وال او کور بانه پر ومبی میلمه ته پاسیږی ستړی مشی ورته وائی . (۱) لاس ورکوی . که څه ټوپك سامان یا پنډ په شالری ؟ تری اخلی ئی ؟ په خپل زای کی ئی ژدی . چه میلمه کښینی . نو بیا ور سره مجلس کوی . او پښتنه تری کوی چه څوك ئی ؟ . . . څنګه راغلی ئی او داسی نور . چه د نماذره وخت شی هر سړی یوه کوزه یا زیاتی تودی او به راوړی چه میلمانه پری او د سونه وکی . د ماښام د نماذره نه وروسته دستی ټول کور بانه کوروته زی . هرڅه چه پاخه وی مړی او نګولی هر یو بیل بیل را واخلی حجری ته ئی راوړی . چه دا ټول د ستر خانونه او شکرونه او لوښی حجره کی جمع شی . نو میلمانه کښینی مړی خوری او کور بانه داو بو ورکولو خدمت کوی . چه دوی ماړه شی نو او به ورواچوی . دوی کتونو ته پاسیږی . نو د کلی خلق کښینی څانونه ماړه کړی . نو پاتی مړی سره بیرته په د سترخانو او شکرو و ویشی نو زی .

سبا بیګا همدغه حال وی دغر و نو پښتانه دچا یو عادت دسمی دپښتنو نه زیات لری . مګر په غرو کښی هر کور د چا یو د پاره اوزه یا غوا ضرور ساتی ، او شوده ئی په چا یو کښی لګوی . په سرحد اتو کښی اکثره توری چای دشو دوسره ځکل کیږی . شین چای کم وی .

(۱) پښتانه دا عادت لری چه هر وړکی او غټ بیل بیل میلمه ته ستړی مشی وائی .

دچای دویش په وخت کښی ملیمانه په کتونو کښی قطار ناست وی د کسی مشران سړی او ملکان چاینك په لاس هریو ملیمه ته و رزی او چای ورا چوی . او په دی باندی ډیر فخر کوی چه ملیمه ته او به یا چای په خپله ور کړی . دا کار پښتانه په کشر انو او نو کرانو باندی دسره نه کوی . د پښتنو په دی خصلت باندی نورو مؤلفینو هم شه بخونه کړیدی . کرنیل میلسن په خپل تاریخ کښی لیکی : « پښتانه میلمه دوست اودفقیرانو په باب سخیان دی » حضرت سیدجمال الدین افغانی دتتمة البیان په ۱۴۷ مخ کښی وائی « پښتانه دغرباؤ او مساکینو عزت او نماذر نه کری »

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افاغنه په ۱۹۷ مخ کښی لیکی : « په افغانستان کښی هیس مسافرته دلاری د خرچ ضرورت نشته ؟ په میلمه پالو کښی ښزی دنارینه ؤ نه کمی نه دی . که سړی په زای کښی نه وی هم میلمه ته څه تکلیف نه رسی . دمیلمه پالو ټول ضروریات ښزی په خپله پوره کوی . دپښتنو دملك په زینی بر خو کښی اوربشی ډیری کیږی . مګر دمیلمه دپاره ضرور دپټهی په کومه برخه کښی غنم کری . دفصل داخستونه پس داغنم په ډیر حفاظت سره میلمه ته ساتی . تردی چه خپل اولادته ئی هم نه ور کوی . »

دا کتر سرهنری هراس هسپا نوی دبمبئی دیونیورستی د تاریخ پروفیسر دخپل هغه سفر په حالا توکښی چه په ۱۹۳۵ ع کښی ئی په افغانستان کښی کړی و . داسی لیکی : « افغانان « پښتانه او نو قبایل چه دلته او سیږی » دمیلمه په وجود ډیر فخر کوی کوم وخت چه زای ته ئی راشی ، نو ستا دصحت پوښتنه کوی . در ته به وائی چه په کټ

(c) ketabton.com: The Digital Library

یا لمسی کښینه . که بل هیس شی هم نه وی نو درته وا ئی چه‌دپوزکی په توتکی کښینه ؟ ستومانی او باسه ! دمخ اولا سونو دایتز لودپاره درته تو دی او به را و ړی . چای درته تیار وی . تینګیژی چه غرمه موتر سره تیره کړه . او ډیر کوشش کوی چه شپه د ده سره پاتی شی . ددی طبیعی او مخلصانه احتراماتو او نمانز لو نتیجه داوی چه سړی په افغانستان کښ داخیال کوی چه په کورکی یم . بی له افغانستان نه‌بل هیس زای کی د انسانی ورور ولی حس دومره زیات او عام نه لیده کیژی (۱)

په میلمه غیرت :

د پښتنو په میلمه پالنه کښ داهم دا خنه ده چه خوك دوی ته‌پنا راوړی او ددوی دبوتی شی نوپښتانه دخپل سرومال نه تیریژی مگر میلمه او دخپل بوتی سړی بی آبی ته نه ور کوی .

داحس دپښتنو دمیلمه پالنی دحس خخه پیدا شوی دی . دی ته باید « په میلمه غیرت » وویل شی . په میلمه‌باندی غیرت کول‌دوه‌رقمه‌دی:

یوداچه هر کله خوك دچاد ظلم او تعدی نه تنګ شی او نور د مدافعی قوت ئی نوی . نو په دی وخت کښ دی زی د چاد بوتی کیژی . ددی معنی داده چه دی دچا په سمه یعنی دهغه په محروسه حدود و کښ د پناه وړ لو په نیت دا خلیژی . نو دسیمی خاوند دده دحمایت او ساتلو دپاره خپل ټول زیار خر خوی . نو که دښمن‌ددغه پنا گزین پسی ددغه سړی په سیمه کښ دنقصان کوشش وکی یاد هغه دبوتی‌شوی سړی ته لاس واچوی اوخه مالی یاجانی‌تاوان وروړوی

(۱) مجلهٔ کابل ۳ گنړه ۵ کال

نودپښتنو په‌بین‌الافغانی قانون کښ داد سیمی والاد شرف بی‌احترامی او دده په علیه باندی اقدام کول گنړل کیژی . نو دسیمی خاوند هماغومره په کلکه سره دتوپك په خوله دخپل پناه گزین بازخواست کوی . لکه خنګه چه بو پښتون د خپل زان دبی احترامی د پاره کلك بدل او عوض غواړی .

هو ! که په دغه پناه نیوونکی میلمه باندی د چا خه حقوق یاپوروی نو د جرگی ، مرکی او اصلاح په صورت ئی غو ښتلی شی . ولی په زور سره که خه هم پناه غوښتونکی ډیر ملامته وی ، خوك ده ته خه ویلی نه شی . مگر هغه و خت چه د سیمی د خاوند بدی او دښمنی ته ملا وتړی . نو په دی وخت کښ چه جانبینوته خه پیښ و و ، هغه به پیښ وی . حضرت سیدجمال‌الدین افغانی‌د (تتمة البیان) په ۱۵۳ مخ‌کښ داسی لیکی :-

« پښتانه په رانتوتونکی‌او پناه غوښتونکی باندی په سر او مال ودریژی او حمایت ئی کوی »

بل داچه که یو لا روی یامسافر ، یاهغه خوك چه د چا په حجره کښ ئی شپه تیره کړی ، یائی مړی خوړلی وی او د هدغه سیمه والا په ځای کښ د ده په مال یاحق خوك و بلوسی . نو سیمه والا په ده غیرت کوی او د میلمه د حقوقو او د سیمی د احترام ساتلود پاره خپل ټول کوشش کوی .

کله داسی هم کیژی چه د سیمی خاوند توپك غاړی ته اچوی خپل‌میلمه د خطر د ځاینه تیروی . نو په دی وخت کښ که خه پیښیده

(c) ketabton.com: The Digital Library

د هغی مدافعه دی په خپله کوی .

او میلمه د خطر د ځاینه او باسی . د ی ته د پښتو په اصطلاح کښی « بدرگه » وائی .

بدرگه :

بدرگی ته په پښتنو کښی پهدرنه سترگه کتا ته شی . مثلاً د کوم سړی سره چه د دغه قام یا د دغه وطن خوك سړی ، بدرگه روان وی ؛ نور پښتانه هغه ته په درونه نظر گوری . نو که څه هم په هغه د چا حقوق وی مگر د بدرگی په لحاظ ورته څه نهوائی . او ر ښتیا داده چه څه ورته ویلی هم نه شی !

د وطن مینه او د فاع :

د وطن مینه او خپل کورساتنه په انسان کښی یوه حقیقی غریزه ده حیوانات هم د خپل کور او ځالی سره محبت لری . مونتسکیو فرانسوی وائی ، چه : « انسان په خپلو وینو سره ترمرگه پوری د وطن مدیون دی » پول دومرواثی : « د وطن حب تر ټولو فضیلتو لوړ د ی ؛ وطن یوه کلمه ده چه دسرداری ، باداری او قوت معنی پکښی پرته ده دلوړ تیا ، استقلال او لو یو آمالو منبع وطن دی . » تریشکه المانی وائی :« د مملکت د فائدی دپاره جنگ ترهرڅه د مخه او ضروردی »

ولی یو پشتون او مسلمان ته ددی ټولو خبرونه دا ډیره گرانه او غریزه ده چه « وجاهد وابامو الکم و انفسکم » یا داچه « حب الوطن من الایمان »

مونږ دا مخکښی ثابته کړیده چه د غرونو داوسیدونکو د غرائزو

څخه یوه داده چه دوی د خپل وطن سره نسبتاً ډیره مینه لری . رښتیا هم داده چه پښتانه د خپل وطن سره زیاته مینه لری . دو طن د دفاع په لارکښی په سرو مال لوبی د پښتنو فطری غریزه ده . او په دی غریزه کښی ښځی اونر مساوی دی . وگوری دالاندی ملی اندی په څومره ژوره وطنی مینه دلالت کوی :-

« د پشتنو زلمیو وار دی — پرخپل وطن به توریالی مړونه مرینه
« زلمی ولاړ توری ترملادی - غزاله زی پرخپل وطن سرورکوینه »
جانان می سر په وطن کښینود - په تار د زلفو به کفن ورله گنډمه »

د پښتنو په دی غریزه لکه چه مونږ مخکښی ولیکل نورپردی خلق هم قائل دی . او دهمدغه حس په برکت پښتانه دخپلو لوړو غرونو په میښ کښی د - آزادئی او حریت ځا ا خلی !

ملی استقلال :

پشتانه چه لکه څنگه چه د وطن په مینه کښی پاخه دی ؛ دا ر نگه په خپل ملی استقلال هم ډیر مین او ترسر تیردی . د دنیا لویو لویو فاتحینو لکه اسکندر ، چنگیز ، نادر او تیمور هم دوی پوره د خپل تسلط لاندی نه دی را وستی .

دا خبره په یقین سره نده معلومه ، چه د دوی استقلال خواهی دوی ته د غرونو استوگنه ښو دلی ده ، او که دغرو استوگنی دوی دومره په استقلال ټینگ کړیدی .

د پښتنو اکثره وخت دخپلی آزادئی پردفاع کښی تیرشوی دی . دوه دری سوه کاله د مخه چه د پشتنو د - زاړه عظمت دوره تیره

(c) ketabton.com: The Digital Library

شوه ؛ په هندوستان کښې د مغولو ، او په ایران کښې د صفوی کورنۍ شاهنشاهي وي ؛ دوی پر پښتنو ځانونه ستړی کړه ؛ سره ددی هم دوی مغلوب نشوه ؛ او د پردو غلامي یې ونه منله ! چه په آخر کښې یې د خپل مټ په زور خپل وطن په خپل واك کښې کړو . دارنګه یې د انګریزی لامونو په مقابل کښې هغه پافشاری وکړی چه تل به د پشتنو د خپلواکی غوښتنه دنیا ته خرګندوی . داهغه امتحانونه دی چه پشتون قام د دنیا مخې ته وړاندی کړیدی ؛ او د دغه ټولو واقعاتو څخه دا ښکاره کیږی چه د پښتون قام د ـ آزادئی روح دهغه پوری نه مړی ، ترڅو چه دی په دنیا ژوند کوی ـ اوهیسکله په ذلت سره هیڅاته سر ته شی ټیټولای !

د پشتنو ملی ادبیات د ـ آزادئی له روحه ډك دی . حمید او رحمن بابا د مغواو پرخلاف چه د دوئی آزادی یې محو کوله سخت ادبی کوششو نه کړیدی ؛ په دی لحاظ دوی در آزادئی علمبرداران ګڼړل کیږی . خوشحال خان ختك خود پښتنو د استقلال لوی قائد او ملی مشر دی . ده په دی لار کښې ځان ، مال ، قام ، خانی ، عزت ، دباچیانو نواز شونه ، ټول پری ایښی دی . لکه چه وایی :

د مغل منصب می پریشی هسی خو ښ یم
لکه خلاص چه له زندانه بند یوان شی
آ ز ا د ی تر با چئی لا تیر ی کا ندی
چه دبل د حکم لا ندی شی زندان شی

خوشحال خان د خپلواکی د روح په ګناه ډیره موده بند یخانی اوقیدونه تیر کړه. کوم وخت چه د ډیلی دمحبس نه په خپل پښتنی حمیت او تدبیر سره خپلو آزادوغرونو ته راغی ، ددینه روسته خپل د ـ آزادئی

احساسات داسی ښکاره کوی : ـ

شکر دا چه په پر وازیم و ښکار و نو و ته سازیم
زه خوشحال دغرونو بازیم چه په بند وم د مغلو

داملی سردار چه کوم وخت مړکیدو ، نو پس له مرګه یې لاهم په خپله خاوره د غلامی ګردنه قبلاوه . نواخرنی وصیت یې داوکړو : ـ

« ماپه یوه لوی غره اوداسی ځای ښخ کړئی چه هلته دمغلودسپرو داسونو د پښو ګرد راونه رسیږی ! » ـ د قندهار د هوتکو مشهور شاعر عبدالرحیم خو ـ د آزادئی غوښتلو په سبب دهغه وخت پر یه باچا له وطنه و شړلو (١) .

دوطن اوقام د آزادئی دپاره چه زمونږ مشرانو لکه : میرویس خان احمد شاه بابا ، محمد اکبر خان ، اعلیحضرت محمد نادر شاه خو مره جانفشانی او کوششونه کړیدی ، هغه ؛ تاریخ هیسکله نه هیروی . زه غواړم چه دلته د ښاغلی میرویس خان نیکه د استقلال خواهی یوه نمونه ولیکم : ـ

کوم وخت چه میر ویس خان د بد خواهانو په خو له اصفهان ته و غوښتل شو . او هلته یې څه موده پس په خپل عقل او فراست سره دبادشاه ، او د دربار د خلقو حسن اعتقاد حاصل کړو ، نو حج ته لاړ . پس له حجه څخه بیرته اصفهان ته راغی . اویا خپل وطن قندهارته راولیګل شو ؛ او دلته یې د وطن د آزادئی دپاره عاقلانه کوششو نه وکړه . اوخپل ملك یې آزاد کړو . نوچه د قندهار فضاء د مخالیفنو څخه پاکه شوه ، نو د قبائلو مشران یې راوغوښتل ، چه ټول حاضر

(١) د طلوع افغان د ١٤ کال او له ګڼړه .

(c) ketabton.com: The Digital Library

شول ، جرگه جوړه شوه ؟ نودی پاسید دالاندی خطبه یی وویله :

« ای زما ورونړو ! که تاسی ماسره یو شی ، او زما ملاوتړی نوډیر زړبه خپل او رمیژونه د ذلت د رسی دغړوندی نه خلاص کړو. اودحریت اوآزادی اوغرت علامی به نشر کړو ؟ اود اجانبو د سلطی نه به خلاص شو . هو . هر څوك چه د د ښمنانو خوا ته مخ و گرزوی او د عبودیت رسی یه خپل اورمیژ کښی واچوی ، هغه دی د دینه ضمع قطع کړی چه دمونگ سره به زمونگ په وطن کښی اوسی. زکه چه د داسی سړی استوگنه دمونگ سره نده ممکنه ! ـ اودانه کیژی چه داسی خلق دمونژنه دوستی اومینه وگوری !!! » (۱)

دیانت :

مونژ په پورته بیا نوکښی داثابته کړه چه دغړونو اوآزاد وفضاؤ اوسیدونکی چه دقدرت اوفطرت په غیژ کښی ژوند کوی ، هغوی تل دخدائی غظمت اوجبروت سره همرازوی ؟ او داسی خلق رښتینی متدینین وی .

داسلامی عصرنه مخکښی زه څه ویلی نه شم ، زکه چه په دی باب کښی دما سره پوره مستند تاریخی شواهد نشته . مگر دکوم وخت نه چه پښتون قام اسلام قبول کړیدی . نوپه ډیر کلك اعتقاد ، ټینك غرم او اخلاص سره دوی په اسلام چلیدلی دی او داسلام دنشر او دلوی ختن دکلمی دجگوالی دپاره چه دی قام کرمی فدا کاری کړیدی پس له عربوزه نه شم ویلی چه کوم قام به ددوی سره برابرتیاوکړی؟! دپښتنو ددیانت داثبات لوی شاهد دا دی چه خومره چه تاریخ

(۱) تتمة البیان ۲۲ مخ

مونژته معلومات راکوی ، ددی ملك ټول حرکات اوزیاتره واقعات ددین داثر لاندی دی . په حاضره وخت کښی چه د چانه د اسلامی غیرت امید کولی شی هغه پښتون قام دی . لکه چه دشام مشهور لیکونکی حضرت امیرشکیب ارسلان دحاضر العالم الاسلامی په تعلیقاتو کښی د افغانستان دعنوان لاندی لیکی :

« په عالم کښی داسلام دپاتی کیدو دډیر ولویو زایو څخه افغانستان دی . دازای پخوالا څه کوی چه نن هم د اسلامی قربانی دډیرومهمو زایو څخه دی . زمادی قسم وی چه که چری په ټوله دنیا کښی د اسلام یورگ هم خوزیدونکی یاتی نه شی . نوهم ته به وینی چه د همالیه اوهندوکش غرونود اوسیدونکو په وینه کښی به داسلامی غیرت تودوخه باقی وی ، اوداسلام دحیات رگونه به په دوی کښی ټوپونه وهی اواسلامی عزم به دلته محکم وی؛ دهمدغه زایه عربی فاتح محمدبن القاسم غزاته پورته شو ؛ اوسندی په ۷۱۲ ع کال کښی فتح کړو .

او دهمدغه غرونو څخه لوی مجاهد ، داسلام اسکندر ، د علومو اومعارفو حامی : سلطان محمود غزنوی دمیلاد دیوولسم قرن په اوائلو کښی خکه شو ، او داسلام بیرغ یی په هندوستان کښی دیو سرنه دبله پوری جگ کړو . »

پښتانه ټول مسلمانان اوسنیان او دامام ابوحنیفه په مذهب دی . نراوښزی ، واړه اوغټ ددینی رسومو په ادا کولو خو راکلك او ټینگ دی . دنمانزه ، روژی او نورو عبادتو په کړنه کښی هیس تساهل نه ښکوی . بی د (توری) قبیلی څخه چه دوی شیعه دی ، اود خپلوسنی گوانډ یانو سره تل جگړی اومحاربی لری (۱) نور ټول

(۱) تتمة البیان

(c) ketabton.com: The Digital Library

پښتانه په یودین اویو مذهب دی.

هو ، ددی روشنخیالی په سبب‌چه نن صبا په‌مسلمانانو کښی‌خوریژی ددوی دفرقه بندی مضر تعصب هم دپخوانه ډیرکم شویدی . امکان لری چه دپوه مشرانو په برکت دا اختلاف ورك شی ، او د مسلمان او پښتون په نامه یو شی !

داسلام په اوائلو کښی چه فتنی کمی وی. ښزی به هم مساجد وته دجمع کولو دپاره خاصریدی. لکه‌چه اوس هم زمونږ دفقه کتابونه په داسی مسائلوډك دی. ولی‌خوهره چه‌روسته پسا‌تونه اوپتنی زیاتی‌شوی؟ نو په زینی‌ډیروخبروکښی تغیر پیدا شو. اوس به په‌اسلامی ممالکو کښی ډیر کم زای داسی وی‌چه هلته به داسلامیت داقدیم دودجاری وی. مگر زمونږ‌به وطن‌کښی داوسه پوری دخدای په فضل‌سره‌داد ودلاشته دی:

په قندهارکښی دخرقی شریفی په مسجد اوداسی نور و مساجدوکی دجمعی په‌ورز اغلبا او کله کله په نورو جمعو او ختمو نو کښی هم زړی ښزی مساجدوته‌حاضریژی: نمونزونه په جمع کوی ، اودخطبی اووعظ و نصیحت‌داوریدو خخه اسلامی استفاده کوی .

پښتانه سره د دغه دینی ، مذهبی ، او جنسی سخت تعصبه چه دوی‌یی‌لری؟ د نورو په حقوقو کښی مداخله نه کوی . اوددینه‌بدنه‌وړی چه کوم غیر مسلم؟ خپل مذهبی رسوم دد وی په مخکښی اداکی او په خپل حکومت کښی په دی هم رخه نه کوی چه کوم غیر دین یا غیر مذهب والا لوړی او جگی درجی ته ورسیژی . دغه وجهه‌ده چه د پښتنو په مملکت کښی ډیر غیر دین او غیرمذهب والا لوړولوړو درجوته رسیژی . (۱)

(۱) تتمة‌البیان ۱۵۲ مخ

پاکی او عفت :

په عمومی لحاظ سره پښتون قام یو عفیف قام دی . په ښزه باندی غیرت دپښتون یو کلك خصلت بلل کیژی . نر او ښزی د ناجائزو تعلقاتونه ډیر پرهیز کوی . ددی پرهیز موجب یوه ددوی د دیانت جذبه‌ده اوبل دپښتنو لی غیرت دی. په پښتنو کښی داسی خلق ډیردی چه هغوی اډو په دی پوئیژی هم نه ! چه گندی پښتون هم کله ناجائزه تعلقات کوی ! ـ اوپه دغه لحاظ چه دداسی اکثرو خلقو ماغزه او اعصاب ددی قسم تحریکاتو خخه بالکل مامون دی ، نو ددینه د دغه خلقو په صحت او جسمانیت باندی ډیرښه اثر لویژی . دغه وجهه‌ده چه‌دغرونو او سیدونکی پښتانه او خصوصاً کوچی قومونه چه د هغوی عفیف بد نونه د دی داغ نه خالی دی ، اکثره جوړ ، تندرست ، او تنومند وی .

اکثره کوچی قومونه خوبی مبالغی په دی خبره ندی خبر، چه نرگندی هم د نر سره ناجائز افعال کولی شی ! ! !

پښتانه یو تربله سره بی دمه ، اومنح خخه ډاډه یودبل په نغری کیناستی شی . ددوی دوستی ډیره ساده ، کلکه اوبی الائشه وی دمیلمه‌دپالنی‌په باب کښی مونگ وویل چه که نارینه په کور کښی نه وی اوخوك میلمه یاراشنا راشی لود هغه‌دمیلمستیا توله نمانزنه دکاله ښزگی په ډیره مهانه سره پوره کوی .

پښتانه دښزو په باب ډیره بدگمانی نه لری. ولی چه‌دوی پوهیژی چه دپښتوساتنه په‌ښزواونرو یورنگ‌ضروری ده ، نوهر نزاوخزه خپله

(c) ketabton.com: The Digital Library

دخپل ناموس اوحیات‌سا تلو ذمه وار بلل کیژی. هان ! که‌چیری دبد گمانی څه موجبات پیدا شی : نو پښتنا نه بیا دشاهدی او سپینولو پسی نه گرزی. تش په بدگمانی سره نراو ښزه دوژلو مستحق بلل کیژی. اودپښتون زړه هله یخیژی چه د مرگ سزادوا ړوته پخپله ورکړی دهمدغی روح په برکت دنا پاکی‌خیالات‌اړود پښتنو په مغزوکښ رازی‌نه!

دپښتون دغیرت مشتعل کوونکو شیانو څخه لوی شی ښز ه‌ده په لژه شبهه سره ښزه وژل کیگی . اوسړی هم ژوندی نه پریژ دی که سړی بچ شی نو هیس ممکنه نده چه په خپل ځای دی پاتی شی او ښکاره دی وگرزی که څه هم ډیر معتبر وی ! په دی باب کښ مصالحت هم مشکل دی (۱) دیته په ښزه باندی غیرت وایی .

یوه بله تاریخی واقعه هم دلته دیا دوړ ده : ـ

کوم وخت چه په قندهار کښ دامیر شیرعلیخان اودده دو رور محمد امین خان دقندهار دنائب الحکومه په‌مینز کښ د مهمندوړه ر باط جنگ وشو ، په دغه جنگ کښ دامیر صاحب بهادرا وهو ښیار زوی سردار محمدعلیخان ، اودامیرصاحب‌ورورمحمدامین‌خان یو ، د بل د لا سه په جنگ کښ مړه شول . ددی واقعو څخه دامیر صاحب په دماغ ډیر بد اثر ولوید. اودماغ یی خراب شو.

ددر بار خلقو دباد شاه دفکر بدلولو اودده ددماغ د اصلاح دپاره داچاره وسنجوله چه دده نه سیاسی افکار کم کړه شی. او د تفریح اوخوشحالی سامان ورته تیار شی . نو لتون یی و ړو ، یوه ډیر ښایسته لمونامتو خکلی نجلی یی پیدا کړه ، اودباد شاه په نامه یی

(۱) تاریخ افاغنه ۱۹۵ مخ

کړه. پس دواده دلواز موخخه نجلی دبادشاه کره راغله :

شپه ده، بادشاه اونجلی یوازی په یوه کوټه کښ ناست دی کوټه دگیسو نوپه رڼا منوره ده ، قیمتی فرشونه غوړیدلی دی .

باد شاه دنمانزه نه خلاص شو دعائی وکړه نجلی‌په خپل داوږ مخ پټی ناسته ده . مگرد تشود حرکت نه معلومیژی چه یوقسم اضطراب لری . ساعت ډیرتیرشو . مگر د دوئی په مینز کښ څه غگ غوگ نه اوریده کیژی . په اخرکښ پښتون دیندار بادشاه‌د نجلی‌په اضطراب پوهیژی ، اوددی په ژړغونی اود لگیر حالت رسژی ، نوتری پوښتنه کوی ، چه :

امیرصاحب : « ولی ژاړی ؟ . . . . »

نجلی په خپل پښتنی حیا اوشرم کښ خولی‌خولی ده غژنه کوی ! اودبیتابی نه ځلگی وهی . رحمدله پاد شاه ورته بیا په ډیره دلاسا ینه اومهربانی سره پوښتنه کوی ، چه ـ

امیرصاحب : « ولی ژاړی ؟ . . . اخر وخو وایه ! . . . »

څه دیرساعت تیریژی . . . . بادشاه ورته بیا پوښتنه کوی ، چه : « آخر وخو وایه ، دژړاسبب څه دی ؟ . . . . » نجلی خپل زړه ټینگوی ، اوپه غلی غژ اوازی اوازسره وائی ؟ نجلی : « صاحب ، زماحال دویلونه دی ! »

امیرصاحب : « نه ! تاته خوخوك څه نه وائی . ووایه ! »

نجلی : « صاحب ، زه شرمیژم ! »

امیر صاحب : (د ـ داد گیرنی او دلا سا ینی پـه لهجه) « ولی شرمیژی دلته خوهیڅوك نشته ! باید صاف صاف ووائی ! » ـ نجلی :

(c) ketabton.com: The Digital Library

« صاحب ! زه په کوچنیوالی کښې ..... مور وپلار .... چاته ورکړی یم .... هغه ډیره موده کیږی ، چه هندوستان ته ورك دی . زه ، د هغه په نامه ناسته یم ! ! ! »

ددی خبرونه روسته داسی معلومیږی چه خلکی وهی ، ژاړی .

امیرصاحب : « اوه ! واقعه داسی ده ! ! ! ـ زه اوس پوه شوم ـ ته هیس مه خفه کیږه ! ـ بیخی ډاډه اوسه ؟ ته زما لوریی ! ! ! »

شپه تیره شوه ، سحرشو . امیر صاحب درر بار خلق ، د نجلی مورو پلار ، راغوښته . اوډیر قهراو عتاب ئی ورته وکړو اونجلی وئی بیرته خپل کورته ولیږ له .

لوستونکی دی پخپله انصاف وکی چه د دی واقعی نه دجانبینو خومره دیانت ، تقوی عفت او پښتو نولی معلومیږی !

داسی واقعی نوری هم ډیری دی ، چه دلته یی موږ نه شو لیکلی !

اتفاق :

د اتفاق لویه علامه د مشرانو منښت دی . دا خوی په پښتنو کښې شته دی . چه دوئی د خپلو ملی مشرانو پوره متابعت کوی . په دی باب کښې مونګ مخکښې خبری وکړی .

هو ! پښتانه خه نه خه په خپل مینز کښې سره نقاضت لری . مگر دا نقاضت د ملی مفاد د پاره ضرر نه کوی ولی چه که یو پریه د ښمن د پښتنو حقوقوته لاس وړاندی کړی . په دی وخت کښې د کاله ټولی وړی غتی خبری پاتی کیږی او دپریه دښمن د مدافعی د پاره په اتفاق پاسیږی لکه چه د کرنیل میلسون دا لاندی عبارت په دی مدعا ښه

دلالت کوی : « دوی (پښتانه) د کافرانو سره که هغه توروی او که سپین هر وخت د غزا د پاره تیار وی »

داسی وائی چه یووخت د پښتنو د اتفاق په متعلق دیوسیاح نه پوښتنه وشوه ده وویل خوسپی او یو گیدړ راته راوړی ؛ چه راوړه شوه ، نوسپی بی په جنگ واچول ، په عین جنگ کښې یی د دوی په مخکښې گیدړ پریښود . نو په دی وخت کښې ټول سپی د گیدړ پسی په زغاسته شوه ! ـ نوده ویلی دغه دی د پښتنو حال !

که څه هم دایو بد تمثیل دی چه دیو دښمن له خوا د پښتنو په باب ورکړه شویدی مگر بیا هم د پښتنو اتفاق داجانبو په مقابل کښې ښه ښکاره کوی .

زمونګ ؛ هغه ټولی فدا کاری او خوا خوږئی یادی دی ، چه دافغانستان سره د دباندینو پښتنو ورو نړوله خواشویدی . داواقعات ؛ په ښه شان سره ثابتوی چه په پښتنو کښې دوینی د گډون اثر په نورو ټولو اختلافاتو غالب اودپاسه دی . په قومی اوملی معاملو کښې پښتانه کورنی اختلافات ټول شاته غورزوی . او اکثره بی تیگی او جرگی سره یو کیږی .

زینی کورنی اختلافات که په پښتنو کښې وو ، دهغی وجهه داوه چه پښتنو یوصحیح مرکز نه دراود ، نو په داسی حال کښې داختلافاتو وجود طبیعی و ـ مگر نن ورز چه دلوی ځښتن په فضل سره پښتون قام د پښتونولئی صحیح مرکز لری . اوس کورنی اختلافات له یوځه حل او فصل شوه ، ټول قام په پوره سرگرمی سره د وطن دا بادی او دملیت د استحکام د پاره په یو زړه سره بخت دی او زیار کاږی !

(c) ketabton.com: The Digital Library

سادگی :

د پښتنو د کلکو عادتو څخه یوه سادگی او بی تکلفی ده . پښتانه په هیس‌خواکی تکلف نه خوښوی . نه په خبروکښې دچاسره دخوشامند گری الفاظ مستعملوی ، اونه بیرایه اومبالغه آمیز القاب ورکوی . او نه په معاملو اومعاشرت کښې تکلفی اوضاع کوی . د میلمه په پالنه کښې دوی ډیرتلنگ دی مگرهلته هم توله‌پذیرائی په ساده طور سره وی . نه غواړی چه د خپل طاقت نه زیات بار په ځان کیژ دی . چه بله ورز یی بیانه شی وړی . په پښتنوکښې دامثل دی چه « پیازدی وی خو په نیازدی وی » یعنی د میلمستیا څخه غرض د محبت مینی اوگډون اظهار دی . نه دژبی ترق ! نودوی پخپله هم د رنگارنگ خورا کوڼو او لوښو شوقیان ندی اومیلمه ته هم چه څه یی هر وخت د لاسه کیژی هغه کوی . دانه وایی چه ښه می د لاسه نه کیژی ، نودا معمولی هم نه کوم . د کالو په باب هم د رنگارنگ پستو او نرمو شوق نه لری بلکه بدلی گنړی عموما خړ پتکی ، خړ کمیس او پرتوگ؛ واسکټ اوکورتی د دوی جامه ده . د پنړو او بوټونونه پښتانه خپلی ډیری خوښوی . زکه چه دا دمنډی چالاکی او د غره د وضعیت سره ښه مناسبت لری . زه گمان کوم چه دا رنگ او دا رقم جامه دوئی ته د دوی حربی مزاج ورښودلی ده زکه چه یو خو بی تکلفه ده او بل ساتنه یی اسانه ده . او بل داچه‌خړرنگ ا کثره له ورایه نه ښکاری .

مولوی عبدالمجید افغانی په دی باب کښې داسی لیکی :

« پښتون که څه هم ډیر شته من وی د لباس په باب تکلف نه خوښوی په دی بی‌تکلفی کښې ښاریان اودکلو پښتانه برابردی .

د تمدن په طرز کښې هم لکه څرنگ چه‌په نور ملکوکښې فرق وی : د ښهر او د کلو د خلقو اخلاق او نور تمدنی معاشرتی او اجتماعی حالت سره بیل بیل او جداگانه وی . پښتانه داسی نه دی بلکه د دوی طبیعتونه بیخی یورنگ دی . څه رنگ چه کلی وال د تکلف نه آزاد دی . دغه رنگ ښاریان هم بی تکلفه دی .

پښتانه د کالو د آرایش نه بیخی‌غافل دی . څه کالی چه ورور سیژی په‌خوشحالی سره ئی اغوندی . څه رنگ چه په لباس کښې بی تکلف دی دغه رنگ په خوراك کښې هم دی . یو معتبر پښتون څه رنگ چه نفیس خوراك‌په‌خوشحالی سره خوری . دغسی سکړك ، روټه شړومبی اوپیاز هم‌په‌خوشحالی سره خوری . اوپه دی خوی کښې‌خانان اوعاجزان برابر دی دښار دمتمولینو دژوند طرز هغه دی چه دصحرا نشینانو دی . دخوندونو څخه څه رنگ‌چه دکلو اوسیدونکی بی پروادی ، دغه رنگ دښهر اوسیدونکی هم‌دی .

ددری دخوراك طریقه ډیره ساده ده ، خان او غریب سره په یو دستارخان اوپه یولوښی کښې مړی خوری . څه‌چه پاتی شی‌هغه ، نور خلق په‌ډیره خوشحالی سره‌خوری ، او هیس قسم نفرت نه کوی .

داطرافو اوعلاقو په‌لحاظ دپښتنو په مینزکی څه لوړ دعادت اولباس اختلاف شته . مگر اصل تمدن بالکل یودی (١) - »

دنسل او روایاتو ساتنه :

په بین الافغانی قانون کښې دا ضروری گڼړل شویده چه پښتون

(١) تاریخ افاغنه ١٩٢ مخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

به‌دپښتون‌سره خپلولی کوی پښتانه داعیب ګڼړی چه خپله خوراولوریی له پښتون نه‌بل چاته ورکړی . ګمان کوم‌چه داحس د همدی نه پیدا شویدی چه‌پښتانه خپل قومیت ترهر چا عزیز اوپورته ګڼړی . او په دی لحاظ کښ چه‌په ښزه کولوکښ هم دا خبره مد نظر لری چه باید ښزه دی د پښتو نولی مزا یا لری ، نوله دی جهته یو پښتون دپردی قام نه ښزه هم‌دیره‌لزه کوی . نوپه دی لحاظ‌سره د پښتون قام وینه ګز وجه نده !

درواياتو دساتنی په‌باب ، مونګ په مقدمه کښ خبری کړی دی دایو انسانی‌فطرت دی چه هرقام په خپلو روایاتو ټینګ اومحکم وی. مګر پښتون قام پدی کښ یو مخصوص امتیاز لری . ولی چه په دوی کښ داستقلال ماده دنورونه زیاته ده . اودادوی د ملی غرور تقاضا ده چه خپل هریو خوی او خصلت اوهر رو ایت ته په در نه او دحقیقت په‌سترګه ګوری . اوحتی‌المقدور په‌هغی کښ‌تغیرکولوته تیارنه‌وی دپښتنو دا رقم ټینګوالی نور قومو نه دتعصب او حسد په نامه یاد وی .

مونګ منوچه حسد اوتعصب منهبا اوتمدنا یومذموم صفت دی ، مګر دهغه وخته پوری چه شخصی وی . هو ! هغه وخت چه دذاتی او شخصی حدودو څخه تیرشی‌اوقومی رنګ واخلی ، نود ترقی دپاره خو را ښه عامل حسابیژی‌اودقام دتهذیب دپاره لازمی عنصرګر زی !

څومره‌چه دحسد ، خودغرضی ،او تعصب‌صفات‌په‌مغربی‌اقواموکښ‌موجوددی د دنیا په هیس جاهل‌قوم‌کښ هغونه نشته . مګرهرکله چه دغه صفات هلته په قومی رنګ کښ رنګ شویدی نوزکه محاسن شمیرل کیژی (۱) هرکله چه‌په پښتنوکښ دقومیت اوملیت جذبه غالبه ده نوټینګ امید

(۱) تاریخ افاغنه ٥٤ مخ

کاوه شی چه دموجوده تعلیمی نهضت په برکت به دا اخلاق نورهم‌ملی رنګ واخلی . زکه چه تعلیم نظرپراخوی‌اونصب العین ښیی . دپښتنو سپین زیری اوزړی ښزی دقومی‌روایا توبجسم تاریخونه دی . په‌کور ، مجلس هره حجره اوهره دیره‌کښ زاړه او مشران دپخوانو بهاد رانو قصی کوی اوکشران ورته په دیر شوق غوږ نیسی . هرپښتنون دخوپښتو پوری د نسب مکمله سلسله یاده لری ! چه تری پو ښتنه وکړی نود قبائلو اوعشائرو ښاخونه به په ښه شان دروښیی .

په نکاح کښ‌دعمر داندازی اشتراط :

دصغارت نکاح پښتانه ښه نه‌بولی . اودپښتنو اکثره‌کوچی قومونه په دی باب کښ یوه اندازه لری . چه دهغی‌نه‌مخکښ نه نجلی و دوی اونه هلك نکاح کوی په دوی کښ دا خبره مشهوره ده چه په‌خام عمرکښ و اده کول سړی سوزی اوهلك اونجلی نه لوئیژی ، ضعیف پاتی کیژی او نسل هم ضعیف رازی . تقریبا دراهقیت پوری هلك ته پرتوګ هم نه اغوندی . وائی داد هلك په لوئیدوکښ نقص اچوی بیانوکوم وخت چه پرتوګ وکی ، نود میړانی‌او وادهکو لوپوری تور پرتوګ وراغوندی‌عموما هلك د۱۸،او۲۰ کالو پوری اونجلی دشپاړسو ترا تلسوکالو پوری واده نه شی کولی*!

او ګعفت په فضاکښ‌دبی اغزی ګل په شان لوئیژی . دغه وجهه ده چه پښتانه تندرست ، تنومند ، زړ ور جسیم او خکلی اوسی . او ټینګ عزم او استقلال لری .

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناموس :

دناموس کلمه په اصل کښې عامه ده دوطن ناموس ، د قام ناموس د ښځې ناموس د اټول ویل کیږي . مګر پښتانه د « ناموس » کلمه مخصوصا پرښځه اطلاقوي پښتانه په ناموسداري کښې دمتقابل داحترام طرفدار دي یعنې که څوك دبل ناموس و نشي ساتلی خپل هم نشي ساتلی ، حمید بابا دپښتو ټولې دا مهم رکن داسې بیانوي :

« چه دبل ننګ و ناموس ساتلی نه شي — و به نه ساتي څوك خپل ننګ و ناموس »

دا یوه اخلاقي کلیه ده چه په پښتونولی کښې مراعات کیږي .

او بې ناموسه سړي ته پښتون نه ویل کیږي د پرنګي په کال چه ۲۵ زره پرنګیان په کابل کښې غازیانو مړه کړه وزیر محمد اکبر خان ددوی ښځې دخپل ناموس په ډول وساتلی ، او بیرته یې ورور سولی د پښتنو غازیانو به دوی ته ډیر په احترام کاته (۱)

د هندوستان دمشهور پښتون شاهنشاه ـ زوی یو وخت په ناپوهی کښې دیو هند و ښځې ته کتلی وو ، چه هغه لوخه یو زای کښې لمبیده هندو پر پښتون عادل باد شاه عرض و کړ و شیر شاه حکم و کړ و چه دده ډزوی ماندیه دی هغسې لوخه کی چه هغه هندو ورته په هغه ډول وګوري.

د در بار سردارانو چه دپاد شاه داحکم واو رید ، هغه عارض هندوئی په خورانبه شان سره په پته راضی کړوچه دی بیرته دشیر شاه به حضورکی خپل حق دشهزاده و ماندینی ته ورو ښځې نو هند ولاړ ، او خپل حق ئی دپاد شاه په حضور کښې وروباخښه پاد شاه ورته وویل

(۱) سراج التواریخ ج ۲ « طلوع »

ما خوپه هغه ډول چه پرتا تیری شوی وستاحق اخیست. اوس چه ته ئی په خپله رضا بخی اختیار لری هندو عارض یې ډیر ونازاوه او رخصت ئی کړو (۱)

د شزو وظائف په عائله کښې :

دا مونږ ویلی دی چه پښتنی ښځې د کاله په ژوند او کورنی معا شرت کښې د سړ و سره سمه برخه اخلی د نارینهٔ و داوژ و بار نه کیږی پښتنی شزی په عائله کښې پوره وظائف لری . چه مونګ ئی لاندی بیا نوو.

دکور سامانول او انتظام ؟ صفائی ، مړی پخول ؟ کالی ګنډل ؟ کالی اینزل لوشل ، شار بل ، دمال خدمت ؟ داولاد تربیت ؟ څر خه کول ؟ تا رونه و ریشل ، په باغ بوټی او فصل پام کول ؟ او به راوړل ؟

دا کارونه عموما د پښتنو ښځو وظائف بلل کیږی .

د غرو نو او آزاد و فضا و پښتنی ښځې د دینه زیات او مهم وظائف نورهم لری د غرونونه په سرو نو کورو نوته لرګی راوړی . د خپلی زمکی فصل لو کوی . تلی ته ئی په سرو نورا چلوی . غوبلونه کوی . غلی کورونوته وړی . او میچنی کوی . پښتنی ښځې زینی خاص صنعتونه هم لری چه د پښتنو دهواد په بازارو کښې ښه رواج لری د تیرا او با جوړ ښځې شکرونه او ټوکری جوړوی ددپښور ښځې قرصی ګولی جوړی . دکنړ ښځې چکن خولی رغوی . دلعلپوری ښځې تیله داری خولی ګنډی . د قندهار خامك دوزی ډیر شهرت لری .

(۱) تاریخ شیر شاه

(c) ketabton.com: The Digital Library

پەزینی زینی ځایوکښ قالینی ټغرونه ،کیږدی اولیمسی جوړول، دوړیو و ریشل هم پښتنی ښځی کوی . په نوی نهضت کښ پښتنی ښځی په نورو ډیر و فنونو او کمالو نو کښ هم کمال حاصلوی .

تربیوی اصول :

د اولاد د پالنی او تربیت د پاره هم پښتانه څه اصول لری . چه هغه په پښتنوکښ په ښه شان سره تعقیب کیږی . ماشوم و یرول چه «وئی، بخوړی دی ! وئی، ببودی ! » او له دی قسمه نوری ویرونی ډیری بدی گنړل کیږی . دوی وائی چه پەدی باندی کوچنی بیزړه او ویرندوکی رازی . یعنی باید کچنی هیسکله و نه ویرول شی . کچنیان نازولی آموخته کول او دهغوئی په هر اصرار او هرخواهش باندی توجه کول او هغه پوره کول دا هم بدگنړل کیږی .

پښتانه وائی « اولاد پټساته ، موړیی ساته او پەادبئی ساته ! »

دوی وائی « نازولتیا د پښتون سره نه ښائی »

پښتانه دورکوټوالی څخه واړه او کوچنیان او جرگوته راوباسی او چه لږغټ شی د حجری او میلمه خدمت ، و په ډله کښ کښیناسته او پاسیده ورښئی چه دورکوټوالی نه زړور اموخته شی اوخپل پښتنی خویونه زده کی . او په رشد کښ د ډلی او جرگی نه متاثر نه شی .

پەاخبارونوکښ مالوستی وه چه اوس دجاپان پەتربیوی اصولوکښ داخبره منل شویده چه کوچنیان په غرونو رغونو ؟ واورو او یخنی ؟ شپواو تیرو کښ د هدیرو او داسی نورودویری او مشقت په ځایوکښ معروض کیږی چه دورکوټوالی نه کلك ، زړور اومشکل پسند راشی او صبا د ژوند د هیس قسم تکالیفو څخه مخ وانه ړوی ! ـ

عیناً همدغه نظریه په پښتنو کښ په ملی ډول سره تطبیقیږی . پښتانه په زینی ځایو کښ قصداً د اولاد وسره بی پروایی کوی چه دوی خپله ذمه واری پخپله وپیژنی . مشکلاتو ته بی وړاندی کوی چه کلك راشی . دټوپك ویشتل او نورحربی چلونه ورځئی چه زړورراشی !

پښتانه دپیریانوقصی او د بیمانتوب واقعات د ماشومانو په مخکښ نه وائی . اکثره داسی قصی کوی چه په فلانی جنگ کښ فلانی ؟ او په فلانی واقعه کښ فلانی داسی توره اومیړانه کړی وه ! او که د چاد بیمانتوب واقعه بیانوی نوهم په ډیر، کرغیړن اومنحوس صورت سره بی ښئی چه د کوچنیانو په زړه کښ د دغسی کارو په نسبت سخت نفرت پیداشی .

ملی لوبی :

د شطارت او بدنی ورزش او تفریح د پاره پښتانه مخصوصی لوبی لری چه د کوچنیانو ، زنړکیانو ، زلمواو لویو سړو له خوا اجرا کیږی . د لوبووخت دپسرلی یادمنی معتدلی ورزی شپی اوسی . حضرت سید جمال الدین افغانی د تتمة البیان په ۱۵۵ مخ کښ داسی لیکی :

« اکثره قبائل اودکلواوعلاقواوسیدونکی لو بو اوتفریح ته میل کوی . او په وزگارو وختونوکښ د دائری په شکل راغندیږی او خپله مشهوره لوبه چه « اتن » ورته وائی اجراکوی . اوداسونوز غلول او سپر بازی کوی » سپر بازی ، او نښی ویشتل اکثره په اخترونو کښ کیږی .

د پیښور په لویولویوکلو کښ د پسرلی په ورزوکښ د پهلوانی تماشاجوړیږی دالو به هلته ډیرلوی شهرت لری . د لری لری ځایو

(c) ketabton.com: The Digital Library

څخه ورته خلق رازی خانان ، ملکان معتبرات اوعام خلق راغونډیږی کله داسی هم کیږی چه لوی لوی شر طو نه سره تړی . نو بیا پهلوانان په میدان کښ سره په لو به کښیوزی . نو کومه خواپهلوان چه وړ شی هغه ته ډیرډیرانعامونه ورکول کیږی . دالو به ډیری ورزی وی !

دغرونو خلق د پسرلی په ورزو کښ دزرکوسیسیواو صحرائی پسونو ښکارته ووزی . داپه عین زمان کی تفریح هم ده او یو قسم عیش هم دی . دښکار دپاره اکثره خوخوکسه ډله کیږی اوزی او څوڅو ورزی په صحرا تیروی اودښکار غوښی خوری !

دپسرلی اوګلانو په ورزو کښ اکثره ښزی او پیغلی هم ډلی جوړوی اودصحرا دغرو دلمنو خواووته د غاټول او ریدی د سیل او پراخی فضاد تماشی دپاره ووزی !

داسی نوری ډیری لوبی هم شته لکه : هنډه ؛ خوسی ، ټوپونه توپ لنډی ، انګی ، دانګی ، شامیر ، سره ډیری . . . . . داقسم لوبی اکثره دما شومانو دخوا اجرا کیږی مشران اومعمرخلق لوبوته حاضریږی مگر دما شومانو اوزلمیانو په ساعت تیری کښ دخل نه کوی

د پردو جواب:

زینی اروپائی مصنفینو اکثره د پښتنو ښه خویونه اوعمده اخلاق په بداونا کاره صورت ښوولی دی . مثلا د دوی د مزاجی استقلال نه ئی په ضد او جهالت سره تعبیر کړی دی . یا مثلا د دوی دوطن پرستی او حریت خواهی څخه یی په بیو فایی او چلو لی توب تعبیر کړی دی او داسی نور . . . ـ مگر دا کسان څوك دی ؟ داهغه کسان دی چه هغوی خپل مقاصد درلوده . نود هغوی حق و ، چه دخپل ملی مفاد دپاره ئی

بل قام ته هر څه و یلی وای . زکه چه داد دنیا سیاست دی . مگر حق خبره داده چه« ولیکن قلم در کف دشمن است » زینی نورخلق هم ددغه پروپیگنډ وڅخه متاثر شویدی او څه څه د حقیقت نه وړاندی لو یدلی دی ـ زینی داسی خلق هم شته چه د خواخوږئی او اصلاح د پاره ئی زینی ستغی او سپوری لیکلی دی . داخلق هم حق په جانب دی لکه چه پښتانه وایی « دوست به دی وژړ وی او دښمن به دی وخندوی ! » دی کسا نودزړه د درد نه ترخی ویلی دی ـ مگر دغه ترخی خبری دی چه د پښتنو د اجتماعی مرضو نود پاره تریاق ثابتیږی او شکر دی نن پښتانه خپل خیروشر ښه پیژنی !

زه په آخرکښ خپله وینا دحضرت علامه « اقبال » په هغه نظریه ختموم چه ده د مولانا جمال الدین احمد خان بی ای ، په هغه کتاب باندی چه دافغانستان په متعلق ئی ترتیب اوچاپ کړی دی د تقریظ په وخت کښ د افغانستان په باب لیکلی ده . حضرت اقبال و ایی : « دمانه خواهش وشو چه یو څو کرښی د مقدمی په عنوان د دی قیمته کتاب په باب چه د افغانستان په متعلق لیکل شویدی ، و ښکم ـ زه دی تکلیف ته درضا اواستحسان په نظر گورم . زکه چه زما خوشحالی او علاقه د افغانستان په نسبت یوازی له دی جهته څخه نده چه زه پښتانه تل یو غیورملت او په ژوندکی دنه ستړی کیدونکی قوت لرونکی گنړم . بلکه د اعلحضرت غازی محمد نادر شاه شهید چه د توری او تدبیر خاوندو ئی دحضور شرفیابی زه لاډیر قانع کړی یم چه دده نبوغ دملت په وجود کی تازه روح پو کړی . أو د ملت ستړگی ئی دنن ورزی عالم په منظر بیرته کړی دی . دافغانستان تاریخ داوسه پوری دمطالعی

(c) ketabton.com: The Digital Library

او تقدیر دلاس رسیدونه یو خواپاتی شوی دی زکه چه دوقائعوضبط حقیقتاً تاریخ نه ! بلکه د تاریخ د مواد و خخه شمیرل کیږی . هو ! وقائع د الفاظو په شان دی . هغه مورخ چه غواړی د الفاظو خخه ، دهغو معانی معلوم کی . دا مطلب د او سه پوری د پښتنو په تاریخ کښ نه په هند او نه په افغانستان کښ د ظهور میدان ته وتلی .

هغه ملت چه د محمد غوری ، علاؤالدین خلجی ، شیر شاه سوری احمد شاه ابدالی ، امیر عبد الرحمن خان ، او په آخر کښ داعلحضرت نادر شاه ، اوتر ټو لوجگ مولانا سید جمال الدین افغانی چه زمونگ په عصر کی د خوجها تو خخه په مسلمانانو کښ ډیر پورته اوبی شکه د ایشیاد اویو سرو خخه دی ـ دنیاته ورکړی وی ـ البته داسی ملت د ایشیا په ژوند کی د مهمو عناصر وخخه شمیرل کیږی ـ په تیر و زمانو کښ بلخ ، بامیان ، هیره ، کابل ، غزنی ، هرات ډیر کنونه په خپل وارهریو د ایشیاد علمی ادبی او تهذیبی مرکز و خخه و .

دموجوده شاهی کورنی علاقه او صمیمیت مونگ ته پوره اطمینان را کوی چه دوی به خپل پخوانی شوکت او حشمت بیر ته وا خلی هروخت چه زما افغانستان یادیږی ؟ زما زړه ددغه وطن یوه تا بلو لکه خنگه چه دتیر کال دپاڼو دتوئید وپه وخت کښ مالیدلی و ؟ په یو ساحرانه قوت سره زما دستر گولاندی ژدی . زه د مطالعی په یوه داسی کوټه کښ چه په ډیره ساده گی اومتانت سره مخ په باغ جوړه شویده ، ناست یم . ماته مخامخ یادباغ په هغه خوا کښ یوه ټوټه زمکه ورو ورو مخ پورته تللی د داسی غونډیو سره ملاقی شویده چه هغه

ددریاب دموجونو په شان متوالیاً مخ پورته زی ، دهندوکښ دلوړو غرونو سلسلی ته رسیږی .

دبرق دلویو ستنو قطار چه دکوم لوی آبشارنه برق راوړی . دامیل غندی ددی سلسلی په سینه پروت دی . آسمان دلمر دلویدو وپه تقریب په خکلو نظر غولونکو رنگورنگ شوی او اوژده سیوری په ډیری جلتی اوتندی سره ددی وادی په مخ په حرکت کښ دی . د چنارلوړی اونقرئی ونی ماښام په تیاره ، کښ دشمال دلویو په نسبت دخپلوخزانی پاڼو سره نری اهتزاز لری .

دشفق په نیم رنگ سکوت کښ ، ډاك ، قصبه ، دایرو کلوونی آود غرونو زنزیر چه دماښام په دریاب کښ لامبووهی ؟ یوه داسی منظره لری چه دهغی دښایست اوحسن، دخوب او خیال پهلیدو پوری تعلق لری . ددغه ماښام په سکوت کښ یوواردادان غگ پورته کیږی ، زما ملگری یوزل زای پریدی ، زه دمئوذن د اواز دتاثیر خخه بیخودشوی دټولونه وروسته دنمانزه کوټی ته رسیزم . گورم چه ملوکانه ذات دخپلو لاندی خادمانو سره اوزه په اوزه ولاړدی . داوړه واقعه دپښتنو دری برجسته صفتونه خرگندوی :

١ـ ژور مذهبی احساسات .

٢ ـ دجنسی اونسبی امتیازاتو خخه کامله ازادی .

٣ ـ کامل توازن ، دهغی په واسطه پښتنوتل خپل ملی اومذهبی شؤن ساتلی دی . دغه دمحافظه کاری روح همیشه دپښتنو دقوت لویه منبع ده اووی به . اوهمدغه سی دی چه دوی دخپلو تیرو او پخوانو

(c) ketabton.com: The Digital Library

سره ، بی له دی چه ددوی په موافقت اوهم آهنگی کښ سره دیوی نوی دوری ، سکته واردهٔ کی ، په یوژوندی تماس کښ ساتی .

دپښتنو محافظه کارانه پـوه ، ددوئی پخوانی عرف او عـادات ، ددوی په نزد ډیرمحبوب گرزولی دی . اوپه عین حال کښ د دی عرف عادت دروند والی ددوی دراتلونکی پیشرفت روح نه خفه کوی ،

یوه ورز په لاهورکښ دیو سپین ژیری افغان دکاندار په دکان چه دعطاری پیشه ئی لراه پیښ شوم . ده دپنزوسوکالونه خپل زیات عمر په مغرب کښ تیرکړی و ، اوپه آخر کښ ئی په استریلیا کښ توطن نیولی و ، استریلیائی انگریزی ئی ویلای اولیکلای نشوه خوښه تکلم ئی کاوه . ماورته وویل ، « پښتو به دی تراوسه هم یاده وی ؟ » دی پوښتنی دده دزړه په عمق کښ نفوذ وکړو ؛ دلمد وسترگو زلښت ئی لازیات شو ؛ اومعلومه شوه چـه دزلمیتوب خاطرات ئی یـوزل بیا په مخیله کښ حاضر اوپه ئی اخرکښ یی دپښتنود عشقیه غزلو دیوی قطعی په شکل تراوش وکی ؛ اوداپښتون سپین ژیری ئی دلاهور د سوزونکی تودوخی خخه دنیکو نوسړ واوگوا رابید یاوته یو وړ .

د پښتنو محافظه کارانه غریزه ډیره تعجب انگیزه ده : پـه عین حال کښ چه دهغی محکم تهداو رخنه قبلوونکی نه دی . دنوی تمدن دموثراتو او ایجاباتـو خخه متحسس شوی دی اود هغی سره یو ډول همرنگی ښکاره کوی دادپښتنو د صحت اوقوت یگانه رازدی .

افغانستان په ړومبنیو قرنـو کښ د تجارت لوی مرکز و ، اوپـه مزنیو پیړیـو کښ ئی هم دامقام ساتلی دی . کم وخت چـه د تجارت

بحری لاری پـه دنیا کښ کشف اوا ستعمال شوی ، نـود غـه مملکت د موقعیت پـه لحاظ ، دایشیاء د سیاست اوتاریخ کلی پـه لاس لرله اولری ئی .

پروفیسور لائیپ وائی ؛ « دلته (په افغانستان کښ) یود ښومهمو توتوخخه دایشیا لیدل کیژی ـ د هغه کسانوپه نزد چه په ملی او بین المللی روا بطو کښ انتقاد لری . (ولی په دی نظریه چه ددنیامقدرات د جنگ سره اخکل شوی دی ملگری نه لری) هغوی ددی سره ډیره علاقه لری .

ددینه وروسته علامه دکتاب په موضوع کښ بحث کوی چه زماد مطلب سره ربط نه لری ؛ نوئی نه اخلم .

په آخر کښ دا اسره لرم چه ای گرانو ورونړو ! ـ :

په پښتو او پښتنوالی گتل کیژی
پخوانی شان و شوکت د پښتنو

داوه زما هغه تتبع چه دپښتنو دملی دودونو او کیر یکترپـه باب کښ می کړیده کابل لاهوری دروازه ۱۷ـ۱۲ـ۱۳۱٦ ش ع ه

« خادم »

(c) ketabton.com: The Digital Library

وقایع مهمهٔ داخلی

در افغانستان

بقلم جناب یارمحمد خان عضو انجمن

سال ۱۳۱۶ یك سال نهایت خوبی و فرخندهٔ بود که در مرور آن الحمدالله در وطن عزیز ما اتفاقات سوء ناگهانی از قبیل زلزله، صاعقه ، خشك سالی ، قحطی ، و امراض وبائی و غیره واقعات مضره که موجب تلفات جانی و مالی خساره آوری و قابل ذکری شده باشد واقع نگردیده است .

از طرف دیگر جای بسی شکر گذاریست . که این سال نیك بسلامتی وجودسعادت آمود پدرمعنوی تاجدار جوان‌جوانبخت افغانستان اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه و اعمام بزرگوار شان که رجال صالح و خیر خواه وطن عزیز ما میباشند ، با یك امنیت تامه که در تمام این مملکت کوهستانی حکمفرما بود سپری گردید.

در طول این سال نیك و فرخنده حکومت و ملت بدستیاری و معاونت همدگر در هر رشته از امور حیاتی و مملکت داری وغیره و غیره . چیز های منفعت بخشی که سراسر برای منافع و بهبود ملت و مملکت بی‌سابقه بفکر ومشاهده میرسد . ازقوه بفعل آمده است.

از طرف دیگر آب و هوای مملکت در طول سال ۱۳۱۶ روی

همرفته خوب و اطمینان بخش بوده ، در موسم بهار باران های نافع باریده و در زمستان برفباری زیادی در سرتاسر مملکت بعمل آمده که نظیر آن درچند سال گذشته دیده نشده بود وطبیعی است که این برف برای خوبی‌فصول وحاصلات سال‌آینده مژدهٔ خوبی را دربردارد.

واقعات و گذارشات مهم و قابل ذکر این سال تا جائیکه بدست آمده وبا اجرا آت دوائر که علیحده درین سالنامه ذکرشده ربط ندارد ذیلاً از نظر خوانندگان گرام گذارش داده میشود .

(یار محمد)

نهال شانی و غرس اشجار

این یك امر قابل انکار نیست ، که زراعت اشجار در شعب حیاتی انسانها رول مهمی را بازی میکند ، زیرا در قسمت‌ضروریات و احتیاجات ارتزاقی بشر اثمار اشجار دخل قوی داشته وعلاوه از تکمیل ضروریات ارتزاقی مسئلهٔ محروقات است خصوصا درمملکتی که هنوز معادن ذغال دران بکار نیفتاده و قوهٔ برق هم بطور عام مورد استعمال قرار نگرفته باشد علاوه برین اشجار سبب سرسبزی و اعتدال آب و هوا و تولید اقلیم صحت بخش و سالم میباشد .

این موضوع مهم را حکومت ملت دوست رعیت پرور ما همه ساله در روز های ماه حمل که موسم نهال شانی در وطن عزیز ماافغانستان میباشد بذرائع اعلانات پاد شاهی خاطر نشان عموم رعایای صداقت شعارخویش ساخته ، ویك روز را هم درماه حمل بنام (میلهٔ قلبه‌کشی) یا (جشن نهال شانی) تعین فرموده اند و در آن روز عموم وزارتخانها وسائر دوائر رسمی و مؤسسات ملی تعطیل گردیده، ذات

(c) ketabton.com: The Digital Library

مبارك همایونی و والاحضرتین ج ، ع ، ج ا ، ا ، نشان صدر اعظم صاحب و ع ، ج ، ا ، ا نشان وزیر صاحب حربیه و وزرای عالیمقام ومامورین گرام و معززین و معتبرین مرکز در نقاط معینه و افراد زارع در اراضی شخصی خود به نهالشانی میپردازند .

همچنین به پیروی این اقدام خیر خوانهٔ حکومت متبوع ما که مقصد از سر سبزی و شادابی مملکت و رفاهیت و آسوده حالی ملت است ، در عموم ولایات و حکومات اعلی و کلان و غیره حکومتیها و علاقه داریها نیز در یکی از روز های اول بهار (نظر به آب و هوا وموقع نهالشانی) تعطیل عمومی حکمفرما گردیده وعموم افرادا هالی بغرس اشجار مثمر و غیر مثمر اقدام میورزند .

در سال ۱۳۱٦ حسب اصول موضوعهٔ سالهای گذشته ، بروز یکشنبه اول حمل در مرکز تعطیل عمومی حکمفرما و اهالی عموماً مشغول نهال شانی بودند .

نظر به احصائیه های که در مطبوعات مرکز و ولایات شائع گردیده در سال ۱۳۱٦ نسبت بدگر سالها نهال شانی زیادی از اشجارمثمر و غیر مثمر در مرکز و اطراف مرکز و ولایات دور دست و سائر نقاط وطن عزیز ما (افغانستان) غرس شده که تعداد آنها ازملیونها تجاوز می کند .

سواد اعلان پادشاهی راجع به نهال شانی و غرس اشجار را قرارذیل جهت معلومات قارئین گرام خود شائع میکنیم :

اعلان پادشاهی

ملت عزیزم :

یکی از منابع ثروتی وطن عزیز ما وفرت میوه و کثرت اثمار است ، منشأ تولید فوا که هم وجود درخت ها و اشجار آن بوده ، و مجاهدت درین رشته بهترین خادم اقتصادیات ما گفته می شود ، علاوتا تکثیر اشجار و تربیهٔ نهال میوه دار در تصفیهٔ هوا وسر سبزی دره ها و طراوت کوه و صحرای وطن عاملیت مهمی داشته سعادت اجتماعی بار می آورد ، لهذا درین وقت که موسم بهار و فصل ربیع ازاعتدال هوا وتابش آفتاب خود وهم بواسطهٔ برف وباران زمستان اراضی وطن را برای غرس نهال و تکثیر اشجار و شاندن قلمه ها وطرح بساتین واحداث جنگلات و تشکیل قوریه ها مستعد ساخته است به تمام رعایای عزیز خوداهم از مامورین کشوری و لشکری و تمام افراد اهالی امر وتوصیه میفرمائیم ، که در راه حصول این مفاد ملی و ضرورت اجتماعی و حیاتی خود ها مشارکت ورزیده هرکس درخور توان وطاقت خود دراراضی شخصی یازمین‌های لامزروع وبی مالك که متعلق بمفاد عمومی باشد ، نهال شانی کنند و این ایام مسعود را که برای سر سبزی وطن و بسط نهال شانی آن ایادی عمومی کار میکنند بجدیت و فعالیت تمام به پایان رسانیده ، درین عمل خیر یعنی شادابی و خرمی و طراوت افغانستان عزیز حصه گرفته وبه‌اندك زحمت امروز خود آئندهٔ جامعه را خرم و برومند گردانند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

درخاتمه ترقی و آبادی این مملکت اسلامیه را از خداوند غنی مسئلت نموده آرزو مندم هر فرد رعایای عزیزم بذوق تمام در راه سرسبزی وطن جاهد و کوشان باشند .

(محل امضای همایونی)

مجلس میلاد النبی صلی الله علیه وسلم
در سلامخانهٔ عمومی

از اثرات مهمه و برگزیدهٔ دورهٔ اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید یکی انعقاد مجالس تذکری است که بمناسبت روزمیلاد فخر کائنات حضرت محمد مصطفی (ص) در عمارت سلامخانه همه ساله انعقاد مییافت ، و در آن مجلس مبارك رجال بزرگ مملکت و علمای محترم واعضای محاکم ثلاثه (ابتدائیه ، مرافعه ، ریاست عالی تمیز) و باقی معاریف کابل حضور بهمرسانده به تذکر و ادعیه و تحیات برروان پاك آن سید لولاك صلی الله علیه و سلم می پرداختند .

این اثرخوب وفرخنده مثل سائراثرات عهد درخشان اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید ، درعصر فرخنده ومنور اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه نیز محفوظ و باقیمانده که همه ساله بعمل میآید .

چنانچه بروز یکشنبه ۲ برج جوزای ۱۳۱۶ بمناسبت مجلس میلاد النبی صلی الله علیه وسلم درسلامخانه بحضور ج ، ع ، ج ا ، ا ، نشان ، والاحضرت صدراعظم صاحب و وزراء ورجال بزرگ وعلمای محترم و اعضای محاکم ثلاثه و طلاب دارالعلوم و باقی معاریف کابل مجلس بزرگی ترتیب یافته ودر مجلس مذکور ادعیه و تحیات کثیرهٔ برروان

پاك آن فخر کائنات حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و آل اطهارش فرستاده شد .

پس از تقدیم ادعیه و تحیات از طرف شاملین مجلس ، مجلس مذکور در حدود ساعت ۱۱ و نیم قبل‌الظهر منحل گردیده و حضار محترم مرخص شدند .

نزدهمین سال استقلال وطن

جشن حریت وآزادی افغانستان که یکی ازیادگارهای تاریخی و محصول فداکاری فرزند فوق العاده و زعیم بزرگ وطن ما (اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه شهید) میباشد ، مراسم میله وجشن آن در سالهای گذشته در اواخر ماه اسد بعمل میآمد ، در سال ۱۳۱۶ حسب ارادهٔ سنیهٔ ذات شاهانه وتصویب مجلس وزراء بنا بمساعد بودن هوای کابل در هفتهٔ اول جوزا تبدیل یافته یك جشن مسرت باری بعمل آمد .

این چهارمین باراست که جشن استقلال افغانستان بدورهٔ زمامداری اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه محبوب ما تصادف میکند ، و در ایام حلول خود ازطرف حکومت متبوع وملت پذیرائی شایانی میگردد خصوص درین سال حسب ارادهٔ ذات شاهانه و توجهات مخصوص ج ، ع ، ج رئیس الوزراء و سائر اولیای امور اقسام تزئینات و تجلیلات فوق العاده که در خور این روز تاریخی و جشن ملی ما است ترتیب یافته و از روز شروع جشن الی اختتام آن هر نوع وسائل تفریح و ساعت تیری از قبیل رسم گذشت عسکری و مسابقه های

(c) ketabton.com: The Digital Library

متنوع ونمایشات صنائع وورزش ورزش کاران افغانی ، سرودوآتنهای ملی ، موزیك عسکری جریان رادیو و غیره . چیز های ساعت تیری وتفریح آور که انواع آن دراخبار روز های جشن مفصل نشر شده درمنطقهٔ جشن آماده ومهیا گردیده بود :

در روز اول جشن جهت استماع نطق ذات اشرف اعلیحضرت محمد ظاهر شاه فرزند انجب استقلال بخشای افغانستان هیئت معظم وزرا وعلماء و وکلای محترم شورای ملی و هیئت مجلس عالی اعیان ومامورین بزرگ عسکری وکشوری وهیئت کوردیپلوماتیك و دیگر معززین ومعاریف بسالنخانهٔ عمومی حضور بهمرسانده جشن نزدهمین استقلال وطن عزیز بنطق غراوبلیغ ذات ملوکانه افتتاح گردیده واز جانب عموم حضار محترم مخصوصاً هیئت شورای ملی بعرائض تبریکیه ونطق جوابیهٔ ج ، ع ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت صدراعظم صاحب وهیئت کوردیپلوماتیك بکمال احترام استقبال شد .

قرار شائعات جرائد ، طوریکه این عید ملی از طرف حکومت وطن دوست وطبقات اهالی بانهایت جوش وخروش در مرکز کابل پذیرائی واستقبال شد ، درتمام ولایات و محالات از جانب عموم ملت عزیزما بمناسبت حلول نزدهمین سال استقلال وطن پذیرائی و استقبال شایانی بعمل آمد .

این جشن ملی با کمال مسرت وانبساط با انواع ساعت تیریها پس ازمرور یکهفته خاتمه پذیرفت .

افتتاح سومین دورهٔ دارالشورای ملی افغانستان

ذوات شریف فوق العادهٔ که دریك مملکت وجامعه عرض موجودیت میکنند ، ازاستعداد فطری واوصاف خدادادیکه دردنیای هستی دارند

کارگرفته برای تأمین مصالح وحفظ شئون مملکت و جامعهٔ خویش ازبذل هیچگونه فداکاری واقدامات حسنه خودداری و از حقوق مشروع ادنی ترین افراد جامعه چشم پوشی و اغماض نمیفرمایند .

ازهمین باعث است که اعلیحضرت غازی محمدنادرشاه شهید فرزند صالح وحق شناس وطن موسسهٔ شورای ملی را (که یك چیزی بی سابقه و بی نظیری درافغانستان عزیزما شناخته می شود) کهواجدهرگونه سعادت وبختیاری طبقات ملت میباشد تاسیس واین عطیهٔ عظمی راحق مشروع ملت عزیز خود دانسته برایشان ارزانی فرمودند.

اعلیحضرت تاجدار جوان جوانبخت ، فرزند خلف الصدق اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید ، نیات پاك وحق جویانهٔ پدر بزرگوار خویش را پیروی نموده ، همیشه عطف توجه شاهانه را دربارهٔ نمائندگان ملت معطوف داشته و ازبذل هیچگونه نوازش باین موسسهٔ ملی دریغ نفرموده اند.

چنانچه بروزهای اختتام دورهٔدوم تقنینیهٔ شورای ملی ازحضور ذات اشرف همایونی فرمان مرحمت توامانی بعنوان عموم ملت افغانستان درخصوص تجدید انتخابات وکلای دارالشورای ملی شرف اصدار یافته بود .

بتعمیل فرمان ذات شاهانه چندی سلسلهٔ تجدید انتخابات جریان ووکلای معتمدی ملت دسته دسته یکی بعد دیگری بمرکز حضور بهم میرساندند .

قرار معمول یك هیئت تحقیقیه جهت معائنهٔ تصادیق ولوائح انتخابیهٔ وکلای موصوف مقرر گردیده ،تار ضائیت طبقات ملت را بوکالت آنها علم آوری وتحقیق نمایند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

پس ازتدقیق وتحقیق هیئت تحقیقیه چون و سائل مقدماتی دورهٔ سوم شورای ملی تهیه گردیده بود ، به ارادهٔ سنیهٔ ذات شاهانه روز پنجشنبه ۲۷ برج جوزا جهت افتتاح آن تخصیص وبعموم وزراء ومعین‌ها ورؤسا واراکین معظم دولتی اطلاعداده شده بود تا در ساعت ٤ بعدالظهر روز مذکور در سلامخانهٔ عمومی حضور بهمرسانند.

بتاریخ روز مذکور درساعت معینه عموم مدعوین حاضر گردیده وساعت (٤و١٥) دقیقه ذات اشرف همایونی درمجلس افتتاحیهٔ مذکور نزول اجلال فرموده اولاً ازطرف قطعهٔ تشریفاتی که درصحن عمارت دارالشورای ملی قبلا انتظار موکب همایونی راداشتند ، احترامات ذات شاهانه بعمل آمده ، سپس درموقع ورود درسلامخانه از طرف والا حضرتین ج ، ع ، ج ، رئیس‌الوزراء وع ، ج وزیرصاحب حربیه وعموم‌حضارمجلس بکمال احترام پذیرائی واستقبال شایانی که درخور ذات اشرف همایونی بود گردیدند .

حاضرین‌مجلس عموما طرف تلطیف ونوازش اعلیحضرت ملوکانه واقع گردیده ، بعدازان برمنبر خطابهٔ دارالشورای ملی صعود فرموده سومین دورهٔ شورای ملی را بنطق جامع وغرای شاهانه افتتاح فرمودند .

بعدع ، ج ، عبدالاحد خان رئیس شورا بعداستجازهٔ حضور ذات شاهانه وج ، ع ، ج ا ، ا ، نشان و الا حضرت صدر اعظم صاحب یکی بعددیگری معروضات شکریهٔ خودها را بمناسبت فرمایشات قیمتدار ملوکانه که سراسر بخیر وبهبود ملت وارتقا وتعالی افغانستان بود بسمع حضور ذات اشرف همایونی رساندند .

پس‌ازعرض شکریهٔ ع ، ج رئیس‌شورا و ج ، ع، ج، والاحضرت اشرف صدراعظم‌صاحب‌مجلس به‌بسیار گرمجوشی ومسرت‌خاتمه پذیرفت .

عرفان پروری وملت دوستی

اعلیحضرت همایونی

سعادت وسربلندی ملت وارتقای شئونات اجتماعی زادهٔ افکار عالیه وتدابیر برجستهٔ رجال بزرگیست که‌دربین جامعه ابراز لیاقت نموده زمام‌امور مملکت وقیادت ملت بدست باکفایتش سپرده میشود حقیقتا ذوات بزرگ بعقل سرشار وذکاوت فطری خداداد خودنبض روحیات ملت‌را بطور یك طبیب حاذق ازروی حقیقت تمیز و تشخیص نموده برای تامین صحت ورفع علل ونواقص آنها بذل اهتمام میفرماید وشك نیست که‌وجود این‌قبیل رجال بزرگ که طبیب حاذق ملت اند ابواب صحت و سعادت را برروی تودهٔ ملت می کشاید .

ملت افغانستان خودرا خوشبخت ومسعود میداند که‌بداشتن اینگونه طبیب حاذق (مانند وجود سعادت آمود اعلیحضرت المتوکل علی‌الله) مفخر میباشد که همیشه در تهیهٔ وسائل راحت وآسایش ملت ازبذل هیچگونه مساعی دریغ نفرموده ودر نتیجه رسیدن بسر منزل سعادت مارا ازراه توسعهٔ معارف وصحت بدن تشخیص فرموده اند .

چنانچه درسال ١٣١٦ ذات اشرف همایونی شان مبلغ چهار صد هزار افغانی را از بودجهٔ‌مصارف شخصی خویش تنقیص وامرفرمودند تا از جملهٔ‌این مبلغ ، مبلغ دوصدهزار افغانی برای توسعهٔ امور عرفانی بوزارت معارف ومبلغ دو صد هزار افغانی جهت توسیع امور صحی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مملکت بوزارت صحیه تخصیصیه داده شود ، تابر حسب لز و م مو رد استفاده قرار گیرد .

بـه‌تعقیب وتأسی ازین رو یهٔ ملت دوستی وعر فان پروری ذات همایونی ، علیا حضرت ملکه صاحب والدهٔ ماجدهٔ اعلیحضرت همایونی ووالا حضرات همشیره های اعلیحضرت مبلغ پنجاه هزار افغانی نیز از جملهٔ وجه منظوری معاش و مصارف شخصی خود برای امور فوق الذکر عنایت فرمودند .

هکذا اعلیحضرت تاجدار محبوب‌جوان جوانبخت ماچنانیکه درفوق ذکرشد که‌برای تامین هرگونه‌وسائل راحت ورفع هرقسم علل‌ونواقص ملت عزیز خود بذل اهتمام ومساعی شاهانه میفرمایند فقرا و بینوایان (که‌حقیقتا قابل ترحم میباشند) نیز اززیر نظر عطوفت ومهربانی ذات شاهانه شان دور نیست .

چنانچه بر حسب معمول همه ساله در موقع حلول زمستان مبلغ یازده هزارافغانی بریاست بلدیهٔ کابل عنایت واعطا فرمودند که دربین مساکین ومستحقین شهر توزیع کرده شود . پس نظرکه بمراحم پدرانهٔ این شاه بادیانت وغمخوارما که کرده میشود ، ماملت نهایت بختیار وخوش قسمت هستیم که زمام امور مملکت مارا بدست با کفایت اینچنین پادشاه خیرخواه مهربان تفویض نموده که بلااستثنا ازهرطبقهٔ ملت بزیر ظل رافت همایونی اش امرار حیات مینماید وامیداست که دراثرنیات خیر اندیشانه ذات شاهانه افغانستان عزیزما بزود ترین اوقات بمدارج ترقی وتعالی نائل وحیات اجتماعی ماملت ازهرحیث قرین راحت وآسایش گردد .

واقعهٔ جانی خیل :

دراوائل برج سرطان یك دسته اشرارجانی خیل واقع کتواز، بریك تهانهٔ عسکری بغرض چپاول حمله برده اگرچه عسکرساخلوی‌مقام مذکور جدیانه به‌آنها مقابله ورزید ولی بمجردیکه اطلاع بمرکز رسید اقدامات لازمه‌برای سرکوبی وگوشمالی اشرار مذکور بعمل آمده درنتیجه تمام اشرارمذکور همراه سردسته های شان ازطرف مردمان خود همان علاقه تسلیم حکومت شدند وقضیهٔ مذکور کاملاً خاتمه یافت .

عزیمت ع ، ج ، وزیرصاحب معارف

بولایات شمالی ومعاودت شان

قارئین محترم مستحضر خواهند بود ، که عالیقدرجلالتمآب سردار محمد نعیم خان وزیر جوان وفعال معارف علاوه برکار های وزارت ورسیدگی بامور عرفانی‌مملکت که بکمال جدیت انجام میفرمایند ، کفالتاً بکار های ریاست بانك ملی هم وارسی مینمایند ، بنابرین در ماه اسد جهت معائنهٔ فابریکهٔ نساجی و فابریکهٔ برق که تحت نظر بانك ملی درپل خمری بنا میگردد ، بایك هیئت اقتصادی تشریف برده بودند .

پس ازمعائنه ووارسی بامورفابریکات وغیره کارهای مربوطهٔ آن جهت معائنهٔ امورمعارف ولایت قطغن وبدخشان وولایت مزار شریف نیز تشریف‌فرماشده درهرنقطه ازطرف عموم مامورین ملکی وصاحبمنصبان عسکری و نمایندگان اهالی وطلاب معارف وغیره نفری مراسم استقبال و پذیرائی شان بکمال احترام بعمل آمده و خطابه های خیرمقدم ازطرف اهالی وطلاب مکاتب ایراد میگردید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

پس ازانجام کارهای مربوطهٔ ولایات قطغن و بدخشان ومزارشریف که ع ، ج ، وزیرصاحب موصوف تشریف فرمای مرکز شدند ، قراریکه ازشائعات جرائدولایات مذکور معلومات حاصل کرده ایم ، وزیرجوان وفاضل معارف سردار محمد نعیم خان درحین توقف چند روزهٔ خود برای طبقات اهالی و مامورین و معلمین طلاب معارف وصاحبمنصبان عکسری بیانات قیمتداری فرموده و هرصنف را درحدود ایفای وظائف شان وبکار وعمل تشویق نموده اند .

اهتمام ذات شاهانه در تعمیم و توسعهٔ زبان پشتو

حسب تحقیقات وتتبع فضلاء ومورخینیکه بزبان پشتوداچسپی و علاقه دارند ، زبان پشتو رایکی از زبانهای قدیم وازاصیل ترین زبانهای آریانی شناخته اند . زیرا باستناد اینکه بسا کلمات قدیمه که نزدیکی این زبان رابه السنهٔ باستانی آریانی میرساند ، تا کنون درسینهٔ ملت پشتو زبان محفوظ ومورد استعمال است .

ولی حوادث سوء روزگار وبی پرداختی اسلاف ما پیشرفت وتوسعهٔ این زبانرا مانند سائر شئون حیاتی این ملت در حال وقفه گذاشته بود ؛ مگرخداراشکر گذاریم که این وقفه ومعطلی بطوردائمی نبوده زبان پشتو دورضعف وسستی خود را بدورهٔ زمام داری فرزند صالح خود اعلیحضرت غازی محمدنادرشاه شهیدخاتمه داد ، اینك درنتیجهٔ توجه فرزند جوان جوانبخت آن مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه در جملهٔ دیگر ترقیات عرفانی و ادبی و زنده ساختن آثار وافتخار ملی ما ترویج زبان پشتو که وسیلهٔ مهم وحدت یك ملت است از قوه بفعل آمد ، که در مدت کمی ازفیض

زحمات و توجه‌وزارت‌معارف‌این زبان‌ملی‌ما به پیشرفتهای مهمی نائل گردیده‌وهموطنان حساس مارا به آیندهٔ درخشان خود مژده میدهد .

چنانچه امروز علاوه بر شائعات اخباری که بزبان پشتو نشر می‌شود ، درتمام وزارتخانها وریاستهاوغیره دوائررسمی‌وموسسه‌های ملی مرکز وتمام ولایات وحکومات اعلی و کلان و حکومات ثلاثه و علاقه داریها یعنی به‌جمیع نقاط وطن عزیز ما کورسهای افغانی جاری ومعلمین پشتو مشغول درس دادن هستند وکتب درسی‌واخبار برایشان توسط انجمن ادبی بصورت رایگان مرتب میرسد . و اهالی عمو ما برائج ساختن این زبان ملی خود شوق مفرطی دارند .

نظر باین توجه حکومت و زحمات شبا روزی و زیر فعال معارف وشوق سرشار و مفرطی ملت که‌می شود ، امید است که ترویج زبان و ترقی واقعی لسان پشتو صورت خوبی بخود بگیرد ، و نژاد آیندهٔ اینخاك مرهون این اقدام بزرگ دودمان اعلیحضرت نادر شاهی اضافه بر اضافه گردد .

پنجمین سال جلوس اعلیحضرت همایونی

روز دو شنبه ١٦ عقرب ١٣١٦ مراسم حلول پنجمین سال‌جلوس ذات اشرف همایونی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پدر معنوی و غمخوار افغانستان بعمل آمد ، اگر ما بنظر دقت و تعمق ملاحظه کنیم جای بسی افتخار وسعادت برای‌ما ملت است که باین‌دورهٔ پنجسال زمامداری فرزند جوان جلیل‌القدر وطن چرخهای ترقی‌وتقدم مملکت به محوراصلی خود دور خورده ، امنیت که یکی از اساسی ترین اساس یك مملکت

(c) ketabton.com: The Digital Library

است از فضل خداوند (ج) با مفهوم صحیح خود در افغانستان موجود شده است .

ترقی تجارت و اقتصاد مملکت بسته بامنیت بوده و از همین جهت است که سرمایه های ملی بفعالیت تمام بدوران افتاده و شرکتهای بزرگی در وطن عزیز ما تاسیس گردیده که بمقصد تقویهٔ بنیهٔ اقتصادی مملکت مصروف کار و عمل میباشند .

معارف که منبع و سرچشمهٔ ترقیات یك کشور است ذات اشرف عرفان پرور ما اعلیحضرت همایونی درین نیزابراز علاقهٔ کاملی فرموده چنانچه شرح آن در فوق گذشت .

عسکر که حافظ امنیت وطن و نو امیس ملت یك مملکت است ، ذات همایونی توجه خاصی باینطرف مبذولداشته که از مصارف شخصی ذات شاهانه شان صرفه جوئی نموده و مبالغ هنگفتی برای شئون عسکری اعطا فرموده اند . در اثر همین توجهات ذات شاهانه و زحمات خسته گی ناپذیر ع ، ج والاحضرت سردار شاه محمود خان وزیر حرب است که وطن عزیز ما امروز الحمد الله دارای یك عسکر کامل بوده ، ترقیات روز افزونی دران مشاهده می شود .

درباب راهها و عمرانات ، اوضاع صحی و زندگانی مرفه الحال که ملت عزیز ما بزیر سایهٔ تاجدار جوان خود دارند ، (چیزیکه عیان است چه حاجت به‌بیان) هموطنان عزیز ما و کسانیکه چند سال پیش افغانستان را دیده بودند و حالا می بینند ، میدانند که ترقیات امروزهٔ افغانستان در حقیقت از مساعی یك زمامدار صالح و بزرگیست که با اعمال وافکار پاك خود بختیاری و سعادت ملت این مملکت‌را خواسته و میخواهد و او شانرا بمدارج ترقی و اعتلا روز بروز صعود میدهد .

پس ما بکمال احترام از درگاه حضرت مجیب الدعوات سلامتی وجود سعادت آمود و بقای سلطنت شاه جوان خود را مسئلت مینمائیم وآرزو میکنیم که ملت افغانستان تا سالیان در از در ظل رافت ذات همایونی اش امرار حیات نموده و مملکت عزیز ما بترقیات خوبی نائل گردد .

نهادن سنگ تهداب عمارت مکتب حربیهٔ احضاریه

بمناسبت نهادن سنگ تهداب عمارت مکتب حربیهٔ احضاریه در باغ بابر شاه که یك موقع خوب و باصفای برای تعمیر مکتب حربیه دارد ، در مرور سال ١٣١٦ از طرف مقام مربوطه از محترمین رجال وصاحب منصبان ارشد عسکری در محل مذکور دعوتی بعمل آمده ج ، ع ، ج ، ا ، ا ، نشان ، والاحضرت صدر اعظم صاحب و ع ، ج ا ، ا ، نشان والاحضرت وزیر صاحب حربیه نیز تشریف آورده از طرف حاضرین محترم وقطعه تشریفاتی و طلاب حربیه محترمانه استقبال شدند ، پس از ان والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب بعد از دعا وفاتحه سنگ تهداب مکتب حربیهٔ احضاریه را بدست مبارك خود گذاشتند ، و بدینماسبت نطق غرای راجع به اهمیت وموقعیت عسکری ووظائفی را که در حفظ شئون دینی و ملی دارند قرائت فرموده و بعد از ان یك سلسله بیانات قیمت دار شانرا معطوف شرح توجهات وعلاقه مندی که‌اعلیحضرت همایونی محمدظاهرشاه بترقی وپیشرفت‌شئون عسکری دارند نموده ودرخاتمه برای سرافرازی وسروخروئی دائمی اردوی افغانستان دعا نموده واظهار امید فرمودند

(c) ketabton.com: The Digital Library

که ازین مکتب که فعلا اساس عمارت آن گذاشته شد صاحبمنصبان رشید وباعلم وتربیه وفدا کاری برای افغانستان تربیه وفارغ شوند .

پس ازنطق والاحضرت اشرف صدراعظم صاحب ع،ج،ا،انشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه سردار شاه محمود خان غازی متقابلتاً نطق جامعی ایرادفرموده ازحسن نظریات والاحضرت صدر اعظم صاحب دربارهٔ عساکر افغانی تشکر نموده ، وعلاوه نمودند که عسکر امروزهٔ افغانستان بخوبی ملتفت اند که اعلیحضرت همایونی المتوکل الله تا چه اندازه دربارهٔ عساکر نظر شفقت ومرحمت پدرانه دارند که روز وشب برای بهبود اوضاع عسکری افغانستان میکوشند ، عسکر امروزهٔ وطن عزیز ما بهیچوجه نمیتوانند ازعهدهٔ شکران آنهمه مراحم و توجهاتیکه دربارهٔ شان مبذول میشود برآیند . بیانات ع،ج، وزیر صاحب حربیه ازطرف عموم صاحبمنصبان عسکری که حاضر بودند تائید شده وبدعا گوئی دوام سلطنت اعلیحضرت المتوکل علی‌الله و بقای دودمان اعلیحضرت غازی محمدنادر شاه شهید خاتمه یافت .

نهصدمین سالگرهٔ ابن سینای بلخی

ابن سینای بلخی که فضل وکمال وشهرت علمی او دنیا شرق وغرب را فرا گرفته وهیچکس ازعلو مقام علمی او انکار کرده نمیتواند ، از مفاخر تاریخی خاك پاك وطن عزیزما گفته میشود ، بر ایما جای بسی مجدو افتخار است که خاك وطن عزیزما مهد پرورش اینطور حکما و فیلسوفهای عالیمقام واقع گردیده که ازفکر بلند و ادراك برجستهٔ آنها عموم عالم بشریت استفاده نموده وهمه را بلا استثناء درذیل عطوفت خود قرار داده است.

انجمن ادبی بنام قدردانی ازرجال بزرگ تاریخی وطن بروز پنجشنبه ۱۲ عقرب ۱۳۱٦ ساعت ۲ بعد الظهر درکلوب استور بمناسبت نهصدمین سالگره ابن سینای بلخی مجلسی منعقد و در آن عموم وزراء وسفراء ، معین ها ورؤسای ادارات ، علماء وفضلا وارباب جرائد مرکز دعوت شده بودند .

درین مجلس ادبی ج،ع،ج،ا، نشان سردار محمدهاشم خان رئیس الوزراء وع،ج،ا، نشان سردار شاه محمودخان وزیر حربیه که ادب پروری وعلم دوستی مخصوص خاندان نجیب شان است نیز تشریف آورده بودند .

مدعوین محترم ازطرف ع،ج وزیر صاحب معارف رئیس وع، شهزاده احمدعلیخان درانی مدیر عمومی ودیگر اعضای پشتوتولنه پذیرائی واستقبال می شدند .

بعداز حضور عموم مدعوین محترم ع،ج سردار محمدنعیم خان وزیر فاضل معارف نطق افتتاحیه بنام قدردانی از علم ورجال تاریخی وطن ایراد فرمودند .

ومتعاقب آن مطابق پروگرام موضوعهٔ که ازطرف انجمن ادبی ترتیب یافته بود ، ذوات محترمیکه درباب مقام علمی و فلسفی شیخ قبلاً مقالات وقصائد ترتیب وانشاد فرموده بودند یکی بعددیگری قرائت نمودند

این حفلهٔ ادبی خیلی زیاد طرف دلچسپی حضار محترم واقع وهر کدام باکف زدنهای متوالی تحسین وپذیرائی میگردیدند بالاخره مجلس مذکور بعداز صرف عصریه بمسرت تمام انجام وخاتمه پذیرفت .

(c) ketabton.com: The Digital Library

توزیع شهادتنامه بطلاب فارغ التحصیل
فاکولتهٔ طبی و دواسازی

دارالفنون افغانستان کهیکی ازمؤسسات علمی یادگار عهد با افتخار اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید مصلح کبیر افغانستان میباشد اینك خوشبختانه اولین ثمر پرفیض خودرا برای حفظان صحت عمومی ابنای وطن میدهد .

این ثمرهٔ شیرین وقیمتدار عبارت ازفارغ التحصیلی اولین دسته شاگردان فاکولتهٔ طبی دارالفنون وطن عزیزما میباشد .

بمناسبت فارغ التحصیلی واعطای شهادتنامه بهفارغ التحصیلان فاکولته وصنف دواسازی ازطرف وزارت جلیلهٔ معارف روز سه شنبه (۲۹) قوس درعمارت صدارت عظمی ترتیب انعقاد مجلسی گرفته شده بود ، درمجلس مذکور ج . ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت صدر اعظم صاحب و ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه وعموم وزراء محترم وجلا لتمآب شوکت بای سفیر کبیر تورکیه مقیم کابل واراکین وزارت معارف وطلاب ارشد مکاتب ومامورین بزرگ شمولیت ورزیده بودند ، مدعوین محترم از طرف اعضای وزارت معارف پذیرائی می شدند .

درین مجلس عرفانی که اولین بار بمناسبت فارغ التحصیلی اولاد وطن عزیزما از مکتب فاکولتهٔ طبی انعقاد یافته بود نطقهای مهمی ازطرف ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر صاحب معارف وجناب پروفیسر حسن رشاد بای رئیس فاکولته و ج ، ع ، ج ، ا ، ا ،

نشان والاحضرت سردارمحمد هاشم خان صدراعظم وجناب فقیر محمدخان فارغ التحصیل فاکولتهٔ طبی تعاطی گردید ، ودرضمن آن شهادت نامها باانعامات لائقه بدست مبارك والا حضرت اشرف صد را عظم صاحب بطلاب مذکور که درجهٔ دکتوری یافته بودند اعطا گردید ، وبجناب دکتوررفقی مشاور وزارت صحیه وجناب پروفیسر حسن رشاد وجناب ربیع حکمت ودیگر معلمین فاکولتهعلی حسب مراتبهم ازطرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی نشانهای سردارعالی واستور اول واستور دوم ومعارف اعطا گردید .

مجلس بعد ازصرف عصریه بدعا گوئی اعلیحضرت جوان معارف پرور المتوکل علیالله ومزید ترقیات افغانستان خاتمه یافت .

اعطای تصدیقنامها بفارغ التحصیلان
دارالمعلمین مستعجله

وزارت جلیلهٔ معارف باثر فعالیت خستهگی ناپذیری که دارد ، دربرج اسد۱۳۱٦جهت توسیع مکاتب ابتدائی کورسوبنام دارالمعلمین مستعجله تاسیسویکعده جوانان لائق بااخلاقرا از ولایات واطراف جلبکرده بغرض تعلیم و تربیهٔ اطفال ابتدائی شامل این موسسهٔ عرفانی نمود .

طلاب مذکور درظرف ششماه مواد پروگرام موضوعهٔ مضامین را تکمیل و بتاریخ ۲۹ دلو از طرف ریاست تدریسات وزارتمعارف جهت توزیع تصدیقنامهای شان ترتیبات گرفته شده بود .

ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف بساعت معینه تشریف آورده ، باعطای تصدیقنامها و انعام طلبهٔ مذکور پرداختند و پس ازان

(c) ketabton.com: The Digital Library

عموم طلاب را مخاطب ساخته ، نطق نصیحت آمیزی ایراد فرمودند

بعد از اختتام بیانیهٔ وزیر فاضل معارف دو نفر از فارغ التحصیلان مکتب مستعجله یکی بزبان پشتو و دیگری بفارسی ، بجواب فرمایشات وزیر صاحب معروضاتی قرائت نمودند .

در خاتمه بروح پاك اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید که بزرگترین فرزند معارف پرور وطن بودند دعای مغفرت فرستاده وزنده باد اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه منور عرفان دوست ما گفته مرخص گردیدند .

فرمان عید مبارکی ذات اشرف همایونی

بعنوان اهالی افغانستان

یکی ازعادات برجسته ومراسم مفیدهٔ که ازعصر منور اعلیحضرت غازی محمدنادرشاه شهید باقیمانده ودرعصر درخشان فرزند انجب شان (اعلیحضرت المتوکل علی الله) همه ساله در مواقع لزوم ازان تأسی وپیروی میشود اصدار فرامین پادشاهی (که حاوی یك سلسله وصایا ونصایح قیمتداری میباشد) است که بعنوان معززین و ریش سفیدان ملت درایام اعیاد مذهبی میشود . چنانچه امسال نیز درهردوعید مذهبی (عید فطر وعید اضحی) فرامین تبریکیه ازحضور والای شاهانه بنام رعایای صداقت شعار شان صادر گردیده .

تبریك روز میلاد ذات اشرف همایونی

روزجمعه ۲۲میزان حسب معمول همه ساله هیئت کور دیپلو ماتیك متوقف کابل ووزرای محترم کابینه ونمایندگان ملی وباقی رجال بزرگ

ومعززین بقصر دلکشا بمناسبت تقدیم تبریکات سالگره تولدی بحضور ذات اشرف همایونی شرفیاب شده وبعادت سالهای گذشته مراسم واحترامات این روزسعیدرا بجاآوردند ، روز۲۲ میزان که روزتولدی فرزند جلیل القدر وطن اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه محبوب افغانستان ومقارن بروزهای نجات وطن ازخانه جنگی وبرادرکشی وبدبختی ملت میباشد ، یکی ازبرجسته ترین روزهای تاریخی واعیاد ملی ملت افغانستان محسوب بوده ودرشیرازه بندی حیات اجتماعی ما سهم بزرگی دارد .

فلهذا سفرای دول متحابه مقیم کابل و وزرای محترم و معززین حسب دعوتنامه هائیکه قبلاً ازطرف وزارت جلیلهٔ دربار توزیع شده بود ، بساعت معینه درقصر دلکشا حاضرشده ، نهمین سال نجات وطن که محصول فداکاری های نابغهٔ قرن بیستم اعلیحضرت غازی محمدنادر شاه شهید وبرادران رشید ونامور شان میباشد ، بنطق غرا وجامع اعلیحضرت همایونی افتتاح واز طرف حاضرین محترم بایکحرارت وصمیمیت فوق العاده استقبال گردید .

هکذا قراریکه معلومات داریم در تمام نایب الحکومگی ها وحکومت های اعلی وکلان باستقبال این روز نیك که روز تجدید سعادت ونیك بختی ملت افغانستان بوده مجلس های خوشی باترئینات مجللی بعمل آمد وعموم اهالی قدر شناس این خطهٔ اسلامی خودهارا از دل وجان مرهون خدمات برجستهٔ خاندان نجیب نادرشاهی دانسته ومیدانند وبا کمال خلوص ونیات بی آلایش ادعیهٔ خالصانهٔ خود را بروح پاك یگانه منجی وطن اعلیحضرت سعید شهید و باقی ذواتیکه درین خدمت بزرگ بذل مجاهدت نموده وحصه دارهستند تقدیم

(c) ketabton.com: The Digital Library

نموده، وازخدای بی نیاز ارتقای دائمی وطن وطول عمر اعلیحضرت محمد ظاهرشاه واعمام شریف خیر اندیش و عموم خاندان سلطنتی و ذواتیکه از صمیم قلب باین وطن خدمت مینمایند بکمال عجز و احترام نیاز نمودند .

شرفیابی و کلای شورای ملی

به حضور اعلیحضرت همایونی

حسب معمول همه ساله در سال گذشته نیز چون دورهٔ ششماههٔ مجلس شورای ملی باختتام رسید ونماینده های ملت مرخص میشدند ، بروز سه شنبه ۳ عقرب وکلای محترم بحضور پادشاه محبوب خود به قصردلکشا شرفیاب گردیدند .

ذات همایونی در محضر وکلای ملت یك سلسله بیانات قیمتداری کهحامل احساسات نیك حکومت دربارهٔ ملت وهمدستی واتحاد ملت باحکومت بوده ایراد فرمودند ، کهمورد دلچسپی ومسرت وکلای محترم واقع گردید .

ازجانب وکلاهم معروضات مملو ازاخلاص وصمیمیت بعرض حضور ذات شاهانه تقدیم گردیدکه رضائیت وخورسندی ذات همایونی درآن شامل بود .

درختام معروضات وکلای محترم شورا ج ، ع ، ج ، والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب نیز نطق جامعی کهمبنی برلیاقت وفعالیت وکلا وهمدستیشان باهیئت کابینهٔوزراء درتنظیم اصولنامها وحسنتدویر امور مملکت بود ایراد فرمودند ، کهموجب رضائیت ذات شاهانه ازفعالیت وکاردانی وکلای ملت حاصل گردید .

درخاتمهٔ نطق والاحضرت صدر اعظم صاحب کهبمفادش اختصاراً اشاره شد ، وپس ازصرف طعام وکلای محترم از حضور اعلیحضرت همایونی مرخصی حاصل نموده ازقصر دلکشا مراجعت کردند .

وفیات مهمه

جناب حاجی صاحب ترنگزائی :

حاجی صاحب ترنگزائی دروقت خود ازاجلهٔ مشائخ وروحانیون عالم اسلام بودند که خدمات برگزیدهٔ شان به ملت افاغنه قابل بسی تقدیر وتمجید است ، اخیراً درماه قوس ۱۳۱۶ جهان فانی راپدرود گفته بعالم جاودانی شتافتند .

(اناالله وانااليه راجعون)

حاجی صاحب ترنگزائی بعد ازجناب آخند زاده صاحب صوات علیهالرحمه وجناب مولانا نجمالدین صاحب هده علیهالرحمه سومین شیخ طریقت بودند که سرمایهٔ علم وتبلیغات خویش را به ملت افغان ارزانی فرمودند، ملت افغان ازتبلیغات ومساعی آنمرحوم استفادهای زیادگرفتند.

شخصیات حاجی صاحب تماماً نذر اصلاح قوم شد ، به معنای صحیح فقیر وبی طمع بودند ، پایهٔ تقوای شان بس عالی وبلند بود.

فقدان جناب حاجی صاحب درتمام افغانستان با تأسف زیاد تلقی شد وعموم ملت افغانراوفات آن مرحوم مغفور متأثر گردانید.

بروزجمعه ۳ برج جدی سال مذکور درمساجدجامع کابل ازطرف علمای محترم نسبت بسوانح درخشان آن مرحوم نطق های بلیغی با یکعالم تحسر از فقدان آن مرحوم ایراد گردید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

عموم مردم برای مغفرت وخوشنودی روحانیت پاك اودعا نمودند ما هم بنوبهٔ خود از خداوند عالم استدعای درجات عالیتری را برای آن مرحوم نموده و ببازماندگان شان صبر جمیل را میخواهیم .

جناب قاضی عبد الشکور خان :

جناب فضیلت مآب قاضی عبد الشکور خان مشاور شرعی حضور اعلیحضرت همایونی که ازعلمای جید و فاضل وطن عزیز ما (افغانستان) بودند ، در برج عقرب ۱۳۱۶ در قندهار برحمت ایزدی پیوستند .

(انا لله و انا الیه راجعون)

ما از درگاه حضرت خداوند (ج) برای انمرحوم طلب غفران و آمرزش و ببازماندگان او صبر و تسلیت را استدعا مینمائیم .

جناب عبدالعزیز خان بلوکمشر هوا باز :

جناب عبد العزیز خان بلوکمشر میخانیك که جهت مشق و تمرین بروز ۱۵ اسد ساعت ٦ صبح در حالیکه یکی از طیارات افغانی را در فضای کابل پرواز میداد . قبل ازینکه طیاره از زمین بلند شود ، پروانهٔ طیاره در حرکت بوده متأسفانه بسر بلوکمشر مذکور اصابت کرد دراثر جراحت شدیدی که بوی عارض گردیده بود بلا فاصله وفات نمود .

(انا لله وانا الیه راجعون)

میت مذکور با شمولیت صاحبمنصبان عسکری با تجلیلات شاندار درقرب میدان طیاره دفن وتمام مصارف تجهیز و تکفین آن ازطرف

حکومت متبوع مهربان ما اعطا گردید ، و علاوتا مبلغ دو هزار افغانی بورثهٔ مذکور نیز جهت فاتحه داری آن مرحوم عنایت وبرای تأمین اعاشهٔ عیالداری او معاش مستمری مقرر گردید .

ما نسبت باین ضیاع المناك اظهار تاسف و از مراحم حکومت متبوع مهربان خود که در بارهٔ عموم خدام صادق خود دارند تشکر مینمائیم ، و برای فقید مرحوم طلب مغفرت و بازماندگانش صبر و تسلیت از درگاه حضرت خالق خود استدعا میکنیم .

محصلین افغانی در تورکیه :

محمد صدیق خان ولد محب علیخان ومحمد سالم خان ولد سید محمد خان محصلین افغانی در تورکیه جهان فانی را وداع و بعالم جاودانی رحلت نمودند .

ضیاع مؤلمهٔ این دو فرزند عزیز وطن علاقمندان علم وعرفان را نهایت متحسر ساخت .

(انا لله وانا الیه راجعون)

وزارت جلیلهٔ معارف در مواقع بروز همچه حوادث ناگوار با طلاب معارف همیشه ازطریق شفقت ومهربانی پیش می‌آید. بنابرین بتقریب وفات این دو جوان ناکام وطن مجلس ترحیم را بروز شنبه ٥ سرطان و روز پنجشنبه ۷ میزان ۱۳۱٦ در خود وزارت منعقد فرموده م بحضور علاقمندان آن مرحومین مراسم فاتحه داری شان اجرا گردید .

ما نیز بنوبهٔ خود ازحضرت قادر بیچون برای مرحومین مذکور طلب غفران وبرای بازماندگان شان صبر و تسلیت میخواهیم .

(c) ketabton.com: The Digital Library

شرکت های تجارتی

میتوان گفت که سیستم اقتصادی افغانستان که از چند سال به اینطرف برای تحویل آن به اصول شرکتی توسط تمرکز سرمایه از طرف حکومت متبوعه و بانك ملی و سائر افراد منور وطن صرف مساعی بعمل می آمد ، در سال ۱۳۱۶ درین قسمت موفقیت های بی سابقه بدست آمده و روی همرفته آغاز دور جدیدی را برای انبساط اقتصادیات مملکت در نظر مجسم میسازد . چنانچه شرکت های مهمهٔ جدید و توسیع و موفقیت شرکت های سابقه و انعقاد معاملات تجارتی بس بزرگی که درین سال بوجود آمده ، بهترین شاهد مدعای فوق است . البته از طرفی هم مشکلاتی از رهگذر بحران مواد خام که در دنیا رونما گردیده و پارهٔ عکس العمل هائی که از طرف بعضی مشتریان مواد صادراتی افغانستان به عمل آمده . از بعضی جنبه ها بالای اقتصادیات ما نیز اثر افگنده اما خیلی جای مسرت است که ازبرکت اقدامات سنجیده وتشکیلات اساسی که برای اقتصادیات وطن تجویز و طرح شده ، تا امروز با این موانع بصورت خوب مقابله شده است . خلاصهٔ اجراآت موسسات تجارتی مهم مملکت ذیلا ازنظر خوانندگان عزیز گذارش داده میشود :

بانك ملی و شرکت سهامی

بانك ملی که مهمترین موسسات اقتصادی وطن ما بشمار رفته و درین مدت ۵ سالیکه از تاسیس آن میگذرد از جنبه های مختلف

خدمات بس بزرگی را در اقتصاد ملی افغانستان بوجود آورده میتوان گفت که این موسسه در تحول اقتصادیات وطن از وضعیت ابتدائی وانفرادی آن به سیستم عصری و شرکتی سهم بزرگی گرفته وعلاوه بران بسا اقدامات مهم و نافع برای بهبود اوضاع اقتصادی مملکت بعمل آورده که نتائج آن علالاکثر ظاهر و برخی عنقریب تاثیرات نیك خویش را آشکار خواهد ساخت ، مخصوصا فعالیت بانك درسال ۱۳۱۶ که ع ، ص عبدالمجید خان رئیس آن دراروپا مشغول مسافرت و خدمت اقتصادی بودند وضمنا علاوه بر معرفی صحیح تشکیلات و حالات اقتصادی افغانستان بموسسات اقتصادی مهمهٔ دنیا بیك سلسله مطالعات و مذاکرات و عقد قرار دادها و خریداری کارخانه جات واجرای معاملات تجارتی پرداخته اند قابل اهمیت بوده امید است که نتائج بهتری را در راه ترقیات اقتصادی افغانستان عزیز وارد سازد ـ خطوط اساسی فعالیت بانك ملی در سال ۱۳۱۶ قرار ذیل است :

الف تشکیل موسسات جدید اقتصادی :

۱ ـ شرکت صادرات قره قلی : بر هیچکس پوشیده نیست که قره قلی بزرگ ترین و مهم ترین اقدام صادرات افغانستان را تشکیل داده در اساس تجارت صادراتی ما واقع وهمچنین درحیات اقتصادی مملکت رول مهمی را بازی میکندتا٤ سال پیش تجارت آن بصورت غیرمستقیم وبشکل ابتدائی بوده نه تنهامنافع صحیح به تجار افغانی نمیرسید بلکه ازسبب اقدامات تجارذات البینی اکثراوقات موجبات ضررهای فاحش برای تجار وصدمات خطیری

(c) ketabton.com: The Digital Library

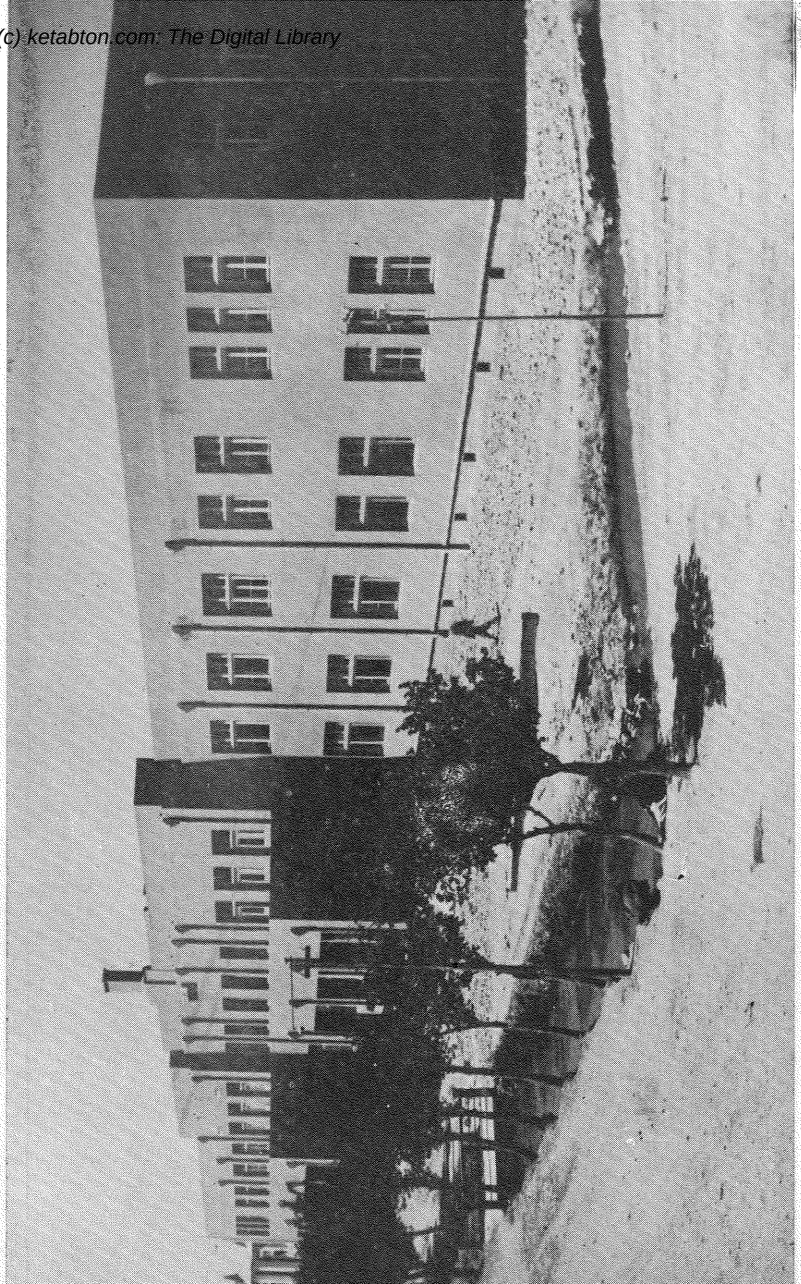

از عمرانات مهمهٔ جدید در کابل : بانك ملی و خزانهٔ عمومی
Nouvel immeuble de la Banque Nationale Afghane

باقتصادیات افغانستان وارد میگردید . بانك ملی از بدو تاسیس خود باینطرف عطف توجه نموده بتدریج تجارت قره قلی را اصلاح وقدم به قدم به عصری ساختن وسر راست گردانیدن معاملات پوست وهمچنین درحسن باربندی وغیره تنظیمات آن موفقیت حاصل کرده چنانچه منافعیکه درین چهارسال از درك تجارت قره قلی نصیب تجار و شرکت های افغانی وبا او سیله عاید حکومت وملت شده بهمه کس معلوم است ازین رواخیراً قدم بزرگتری که تجارت ازقدم آخری باشد در معاملات قره قلی ازطرف بانك ملی برداشته شده که عبارت ازتشکیل شرکت عمومی صادرات قره قلی میباشد واین شرکت بسرمایهٔ هفتاد ملیون افغانی جدیداً درکابل تاسیس وجناب محمد رفیق خان تاجر کابلی بریاست آن مقررشده به سهم شرکت مذکورپنج هزار (۵۰۰۰) افغانی تعین و در دسترس عموم تبعهٔ افغانی قرار داده شده است.

شرکت نساجی :

یکی از مهمترین اقدام و ارداتی مارا منسوجات پنبه ئی تشکیل میدهد که از روی احصائیهٔ مرتبه درسال (۹۰) ملیون افغانی برای تهیهٔ آن از مملکت خارج صرف میشود طبیعی است که اصدار اینقدر مبلغ بزرگ درمیزانیهٔ تجارتی تاثیر زیادی می اندازد و از طرف دیگر صنعت منسوجات درا کثر ممالك یك صنعت ملی بوده ، درخود ممالك تهیه میشود خصوصاً درحالیکه مواد خام ولوازم آن که عبارت ازپنبه وجریان برق برای تدویرفابریکه باشد ، درمملکت فراوان باشد ازاینست که حکومت متبوعه وبانك ملی سه سال پیش باین سمت توجه خود شان را معطوف فرموده برای خرید اری (۲۰۰۰) دستگاه نساجی عصری

فابريكهٔ جديد ترميم موتر بانك‌ملى : منظرهٔ خارجى دفاتر فابريكه

Nouvelle fabrique de réparation d'auto : vue externe des bureaux administratifs

Nouvelle imprimerie de Kabul : vue externe des bureaux

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

داخل اقدامات شده اند چنانچه در سال گذشته از یکطرف اساس شرکتی بنام (شرکت نساجی) جهته خریداری ونصب فابریکهٔ مذکور در تحت نظر بانك ملی واز درك قیمت فروش پوست قره قلی طرح وازطرف دیگر برای ساختمان جای نصب فابریکه درحصهٔ پل خمری ولایت قطغن که دارای ابشارهای کافی جهت تولید قوهٔ برق وضمناً شامل کشت زارهای پنبهٔ قطغن میباشد عملیات شروع شده وازطرفی هم ع : ص ، رئیس بانك ملی در دوران مسافرت اخیر خویش کارخانهٔ مکمل مذکور را از اروپا خریداری نموده اند .

بهمین مناسبت است که دراواخرسال ۱۳۱۶ چون کارتدویرفابریکه مذکورازهرجهت سر براه شده بود شرکت مذکور بسرمایهٔ (۵۱،۰۰۰،۰۰۰) افغانی باتشکیلات کافی تشکیل و ع ، ص ، خواجه تاج الدین خان سابق رئیس شرکت پنبه بریاست آن و ع ، امیر الدین خان دیپلوم انجنیر بمدیریت فنی آن مقرر و برای تدویر فابریکه جداً مشغول کار شده اند امید است که فابریکهٔ مذکور تا سال ۱۳۱۹ شروع بکار نموده قسمت بزرگ احتیاجات ما را ازحاصلات خویش تکمیل نموده مارا ازواردات بزرگی مستغنی گرداند.

شرکت صادرات پنبه :

پنبه یکی ازصادرات مهم افغانستان را تشکیل داده وروز بروز میدان فروش آن وسعت یافته میرود و از طرف دیگر آب و هوا و اراضی اکثر حصص افغانستان خصوصا علاقهٔ قطغن و چخانسوربرای کشت پنبه مساعدت نشان میدهد ازینست که ازسه سال باینطرف موضوع زراعت و صادرات پنبه مورد توجه خاص حکومت متبوعه و بانك ملی

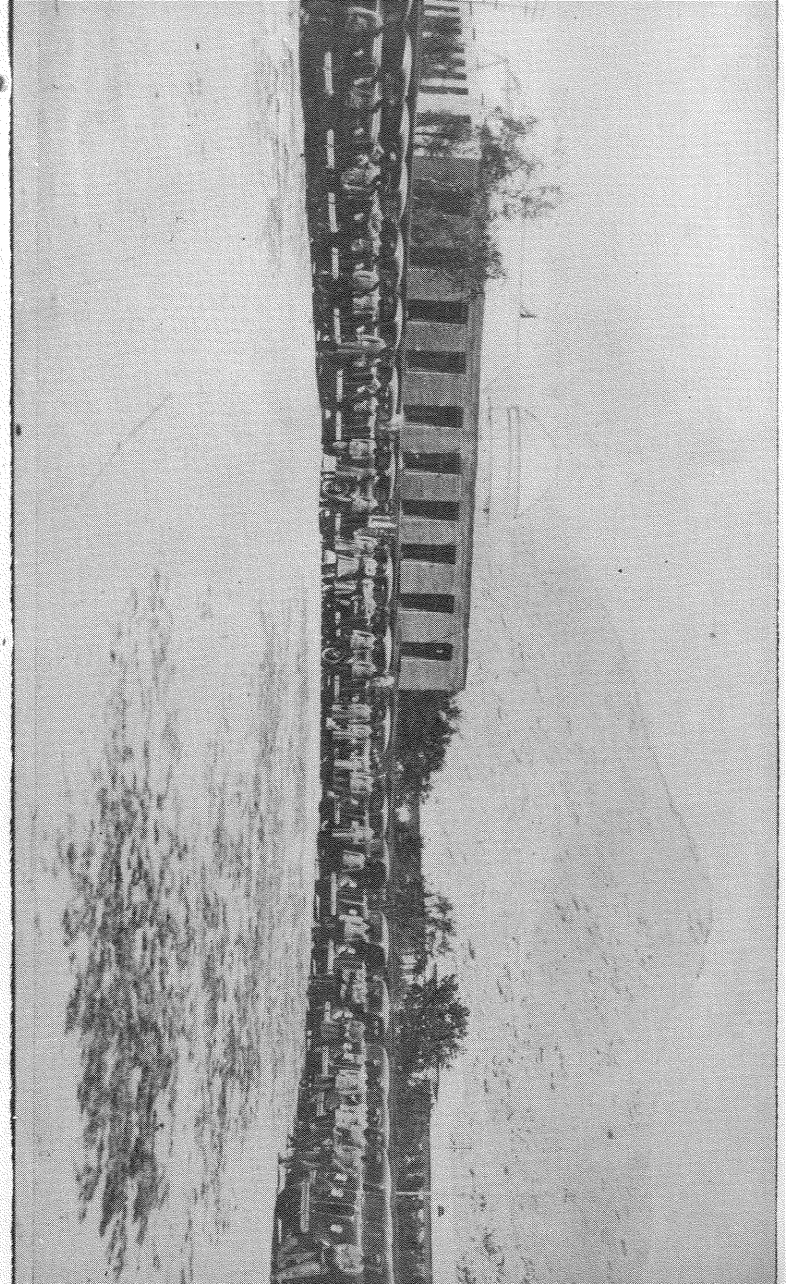

از کار روائی های مهمه ۱۳۱۶ درس کز : موترهای بارکشی جدید که از کارخانهٔ فورد وبنفورد خریداری شده

Une partie des camions nouvellement achetés pour les services du gouvernement

(c) ketabton.com: The Digital Library

واقع و مقدار کلی تخم پنبهٔ اعلی بین زارعین بصورت رایگان تقسیم وهر قسم تشویق برای توسعهٔ آن بعمل آمده در نتیجه روز بروز دامنهٔ زراعت آن وسعت یافته میرود از طرف دیگر از اثر قرار دادهائیکه با خارجه جهت فروش پنبه عقد شده ترقی بزرگ آتیهٔ این جنس صادراتی افغانستان بنظر مشهود میباشد . چنانچه برای نگرانی زراعت و ادارهٔ صادرات آن درین سال شرکتی بسرمایهٔ (۱۵) ملیون افغانی تاسیس و ع : ص عبدالعزیز خان تاجر به ریاست آن مقرر شده است .

شرکت قند سازی :

اگر یك نظر بسوی احصائیهٔ واردات چند سال اخیر افگنده شود دیده خواهد شد که سالانه چه مبالغ خطیری برای خریداری قند و بوره بخارج صادر میگردد و بدتر اینکه مصرف قند و شکر سال به سال دراز دیاد بوده ، بطور نامحدودی بلند رفته میرود . از این است که بانك ملی که توازن بخشیدن میزانیهٔ تجارتی را از مدتی به عهده گرفته و همواره برای ترقی صادرات و تقلیل واردات بیلزوم و تقویهٔ شئون اقتصاد ملی مشغول کوشش میباشد ، درین اواخر مخصوصاً به اینطرف توجه خود را مبذول و ع ،ص ، عبدالمجید خان رئیس بانك ملی درحین مسافرت اخیرخود باروپا یك کارخانهٔ بزرگ قندسازی (از لبلبو) را از چکسلواکیه خریداری کرده اند و از طرف دیگر به توجه بانك ملی برای تدویر کار نصب کارخانهٔ مذکوو ، شرکتی بسرمایهٔ سی ملیون (۳۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی در کابل تاسیس شده که ریاست آن به جناب عبدالخالق خان عضو هیئت مدیرهٔ بانك تفویض

و هر سهم مذکور هزار (۱۰۰۰) افغانی تعین شده است چون کار خریداری و تدویر کارخانه یك اندازه سرمایهٔ زیادی را بکاردارد از لحاظ اینکه شرکت مذکور یکجا از موسسات اقتصادی خیلی مهم وطن بشمار میرود و استفاده‌های ملی مهی را برای آینده در بر دارد ازین رو به پیشنهاد نظر بانك ملی حکومت متبوعهٔ ما جهة تقویت مؤسسهٔ مذکور انحصار واردات شکر و پترول تمام افغانستان را برای مدت ده سال به شرکت قند سازی اعطاء کرده است چنانچه اخیراً شرکت مذکور افتتاح و بکمك ریاست مستقلهٔ زراعت جهة بذر لبلبو در قطغن برای کارخانهٔ قند سازی مشغول اقدامات شده است :

شرکت تعمیراتی افغانی :

بدیهی است که یکی از لوازم ترقی و پیشرفت مدنی یك مملکت کثرت و وسعت عمرانات است، خواه عمرانات مذکور ازقسم کارخانه‌جات و موسسات صنعتی باشد و خواه موسسات عرفانی و مدنی و یا منازل شخصی و غیره ، و بهمین اساس هر قدریکه فعالیت حیاتی در مملکت زیاد شود ، بهمان پیمانه احتیاج به تعمیرات عصری بیشتر احساس میگردد . و از طرف دیگر کثرت عمرانات تا وقتیکه بر روی یك اساس صحیح قرار نگرفته باشد ، مشکلات بزرگی را از قبیل قلت و گرانی مصالح و لوازم تعمیریه و نقصان مهندسی و قلت گرانی عمله پیش میکند .

برینوجه موضوع مذکور ازمدتی تحت توجه حکومت متبوعه و بانك ملی واقع واخیراً شرکتی بسرمایهٔ بانك ملی وشرکت سکودای چکسلواکیه بنام شرکت تعمیراتی افغانی اباگ بسرمایهٔ (۲۰۰،۰۰۰) پوند استرلنگ تشکیل و شرکت مذکور درین اوقات در کابل افتتاح شده

(c) ketabton.com: The Digital Library

است . رئیس این شرکت ع ، ص ، دوست محمد خان ایماق عضو هیئت مدیرهٔ بانك ملی و معاون آن عزت مند مکرم مدیر شعبه سگو دا در کابل و مدیر اقتصادی آن ع ، محمد عتیق خان رفیق و مدیر تخنیکی آن عزت مند میکنار دیپلوم انجنیر میباشد .

ب : فروش اسهام بانك ملی :

چون روز بروز معاملات و موسسات بانك ملی وسعت یافته میرود و از طرف دیگر بانك در نظر دارد که عدهٔ روز افزون ابنای وطن را در معاملات و منافع خویش شریك بسازد ، ازین رو دراول سال ۱۳۱۶ یکعده اسهام جدید را که بالغ بر (۵۰۰،۰۰۰) افغانی میشد توزیع و تا اخیر ثور بفروش رسانیده و بر علاوه بران برای سال ۱۳۱۷ نیز در اخیر سال ۱۳۱۶ اعلان تزئید سرمایهٔ بانك را از سی وپنج ملیون (۳۵۰۰۰،۰۰۰) به شصت ملیون (۶۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی نموده است.

ج : توسعهٔ معاملات بانکی :

چون اساس بانك ملی را امور بانکی آن تشکیل میدهد ، لهذا روز بروز دامنهٔ معاملات بانکی خود را وسعت داده رفته ومخصوصاً این فعالیت درسال ۱۳۱۶ بیشتر شده است و درنظراست که برای سال ۱۳۱۷ امور بانکی هنوز هم توسعه یافته بالمقابل امور تجارتی بانك محدود کرده شود .

د : فعالیت بانك درقسمت اسعار خارجه :

درین مدت سه سالیکه بانك ملی امتیاز خرید وفروش اسعارخارجه را درتصرف خود دارد ، همواره سعی کرده است که شرح مبادله

را طوری قرار بدهد که هم برای تجارصادرکننده وهم برای تجار وارداتی مساعدبوده ضمناً به طبقات عامه ازیك رهگذر یا ازرهگذردیگر نقصان وصدمه نرسد. اماهرکس خبرداردکه دریکسال اخیرتغیرات بزرگی که درامورحیاتی افغانستان وهمچنان دردنیای خارج رخ داده ازیکطرف منجربه تقاضای روز افزون اسعار خارجه وازطرف دیگرمنتج به قلت تدریجی آن از درك باقی ماندن اموال صادراتی ما گردیده است مبصرین اقتصادی عوامل این کیفت قرار ذیل میدانند :

۱ـ باثر بحران عالم گیر اقتصادی همچنانکه مواد خام دراکثر نقاط جهان ازقیمت اصلیهٔ خود تنزل کرده بود مواد خام افغانستان نیز از ماه اسد تا ماه دلو امسال چهل فیصد تنزل نمود واین یك مدرك مهمی بود که عائدات اسعار مملکت را محدود گردانید .

۲ـ حصهٔ مهم قره قلی و میوهٔ خشك مادرسال ۱۳۱۶ تاپانزده هم ماه حوت بفروش نرسید و ازین جهته یکی از مدارك مهمهٔ اسعار به تعویق افتاد .

۳ـ مصرف اسعارد وائرحکومتی درسال ۱۳۱۶ نسبت بسال ۱۳۱۵ صد فیصد ترقی نموده .

۴ـ حجاج افغانی که همه ساله به بیت الله شریف برای ادای فریضهٔ حج میرفتند تعداد آنها به (۱۶۰۰) نفر بالغ نمیشد حالانکه امسال تعداد حجاج ما تقریباً به پنج هزارنفر میرسد که اگر اینها بصورت متوسط فی نفرسه ونیم هزارافغانی اسعاربرده باشندیك کرور وهفتادپنج لك (هفده ونیم ملیون افغانی) مصرف آنها شده .

۵ـ واردات مال جاپانی وموتر در ۱۳۱۶ نسبت بسالهای ماقبل ترقی زیاد نموده .

(c) ketabton.com: The Digital Library

۶ـ درسال ۱۳۱۶ برای عملی نمودن پروژ های صنعتی مملکت مبالغی ازاسعار خارجه بمصرف رسیده که در سالهای سابق نظیر آن دربودجهٔ مصارف مملکتی وجود نداشت .

۷ـ ما دراوائل ۱۳۱۶ از روی احصائیه زراعتی عائدات پنبه را درحدود سی هزارطن تخمین نموده وازدیاد مصارف خود را برروی همین تخمین عائدات پنبه قراردادیم ولی درماه میزان وعقرب یك حصه زراعت پنبه دراثر امراض وارده مورد تلف گردید ویك حصهٔ دیگر را سرما ضایع کرد ، در نتیجه بجای سی هزار طن کمتر ز هفت هزار طن بعمل آمد .

باوصف این ها بانك ملی درسال ۱۳۱۷ برای موازنهٔ معاملات تجارتی پلان جدیدی را ترتیب داده که دران اقسام مال وارداتی مورد بعضی شرائط واقع و درطی یك قسمت شروط برای تجار و معامله داران وسائر اشخاص اسعار خارجه تهیه خواهد شد .

از طرف دیگر باوجود مشکلات مذکور ذخائر اسعار خارجه بانك که جزواعتبار آن میباشد بحال خود باقی بلکه نسبت به چند سال پیش زیادترمیباشد که تفصیلات آن محض معلومات قارئین ذیلا درج میگردد :

موجودی اول حمل ۱۳۱۶

۱ ـ اسعارخارجه درداخل وخارج عموما بقیمت ۲۹،۲۵۰،۰۰۰ افغانی

۲ ـ موجودی مال صادراتی شرکت ها درکدام بانك درمقابل آن اسعار تعهد داشته پوست قره‌قلی ۸۵ هزارجلد ۸،۲۰۰،۰۰۰ افغانی

» ۳۷،۴۵۰،۰۰۰

موجودی ۲۹ حوت ۱۳۱۶

۱ـ اسعارخارجه درداخل وخارج عموما بقیمت ۱۱،۲۰۰،۰۰۰ افغانی

۲ ـ موجودی مال صادراتی درکدام بانك که تعهد اسعار داشته قره قلی هشتصد و چهل هزار جلد ۵۴،۰۰۰،۰۰۰

۶۵،۲۰۰،۰۰۰

هـ ـ فابریکهٔ ترمیم موتر ها :

بانك ملی که انحصار موتر و پرزه های آنرا دارد از سه سال باینطرف جهة خریداری وتورید ونصب یك کارخانهٔ مکمل ترمیم موتر و بسته کاری ازسیستم جدید اقدام ودر سال ۱۳۱۶ موفق به تدویر آن شد ، چنانچه در ۸ ماه سال مذکورمتجاوزاز ۷۰۰ عراده موتردرفابریکهٔ مذکور ترمیم گردیده است .

این فابریکهٔ جدید ترین ماشین آلات را برای ترمیم و ساختمان بعضی آلات و بسته کاری موترها وسائر ماشین ها و عراده ها وغیره دارا بوده باجرت نازلی فرمایشات مراجعین را انجام میدهد خلاصهٔ موسسات و تشکیلات این فابریکه ذیلا از نظر خوانندگان محترم گذشتانده می شود :

۱ ـ شعبهٔ ماشین کاری دارای ۱۶ پایه ماشین برقی اتوماتیکی خرادی برمه وغیره ۲ ـ شعبهٔ بسته کاری دارای یك‌ماشین فتن کاری ولفت برقی ـ وماشین لیم کاری وبمبهٔ اتوماتیکی وغیره ۳ ـ شعبهٔ برق برموتر دارای ماشینهای پرکردن باتری‌ها وغیره ۴ ـ شعبهٔ آهنگری دارای کوره ودم وغیرهٔ برقی ۵ ـ شعبهٔ حلبی‌سازی ، دارای ماشینها و لوازم جدید ۶ ـ شعبهٔ رنگمالی با لوازم و آلات برقی و غیره ۷ ـ شعبهٔ نجاری و بادی سازی دارای لوازم و آلات برقی جدید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

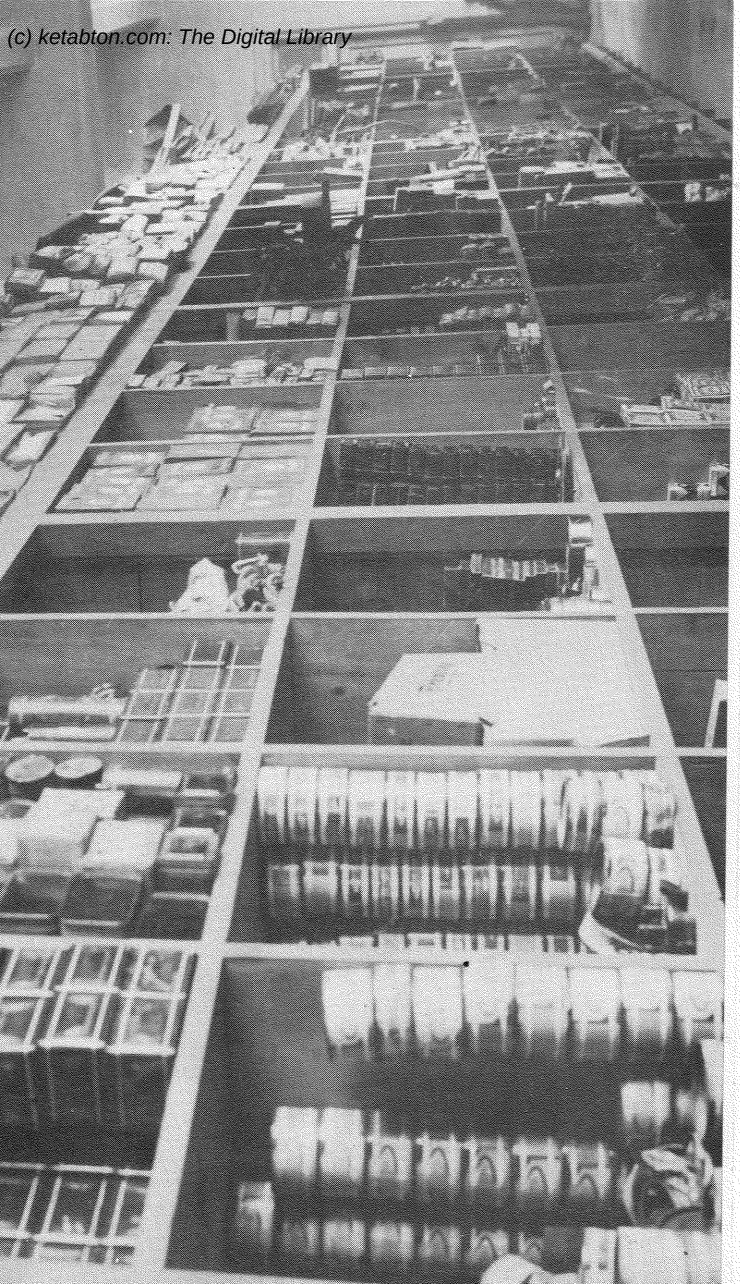

فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی : شعبهٔ ذخیرهٔ پرزه فروشی

Nouvelle fabrique de réparation d'auto : le magazin de la vente des pièces de repaire

هیئت مدیره و مامورین عالی رتبهٔ بانك ملی :

الف : هیئت مدیره :

ع ، ص عبدالمجید خان رئیس

« ، دوست محمد خان ایماق معاون شعبات تجارتی حال رئیس شرکت تعمیراتی

ع ، غلام حیدر خان مختار زاده معاون شق بانکی .

« ، سیدکریم‌خان (مدیرشعبهٔ هرات)

« ، حاجی عبدالخالق خان (رئیس شرکت قندوشکر)

« ، محمدعمر خان (رئیس شرکت اتحادیهٔ شمالی) .

« ، خیرمحمدخان (مدیر عمومی انحصارات ـ حال معاون تجارتی)

ب : مامورین شعبات مرکزی بانك :

ص ، محمدموسی کاظم‌خان مدیر تفتیش و کنترول

« ، محمدعمر خان ، مدیر محاسبهٔ بانك .

« : غلام علیخان مامور تحریرات ریاست .

ص ، غلام علیخان سرخوش مامور اوراق ریاست .

« ، محمد موسی خان مامور انحصارات .

« ، عبدالمجیدخان مامور اجرائیه .

« ، عبدالکریم‌خان احرار مامور فابریکهٔ ترمیم موتر .

ج : مدیران بانك درداخل مملکت :

ع ، سید کریم خان درهرات ـ ع ، حاجی گل‌محمدخان در قندهار

« ، محمدامین‌خان درمزار شریف ص ، شاه محمدخان دراندی خوی

ص ، سید احمد خان در میمنه « ، صالح محمد خان در فراه

فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی : اطاق شستن موتر ها

Nouvelle fabrique de réparation d'auto : vue externe des chambres de lavage des autos

فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی : لفت اتوماتیکی برای بلند کردن کار کرایکه در حصهٔ تحتانی آن کار میکند.

Nouvelle fabrique de réparation d'auto : l'ascenseur automatique pour les autos.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی : شعبهٔ بازو بسته نمودن ماشین موترها ، و کارگران آن درحین کار
Nouvelle fabrique de réparation d'auto ; vue générale de l'atelier de montage des autos

فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی : شعبهٔ نجاری و بادی سازی و کاریگران مربوط آن در حین اجرای کار
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : l'atelier de menuiserie

فابریکه ترمیم موتر بانك ملی : شعبهٔ رنگ مالی

Nouvelle fabrique de réparation d'auto à Kaboul : l'atelier de la peinture

فابریکه ترمیم موتر بانك ملی : محل گاراژها

Nouvelle fabrique de réparation d'auto : les garages

(c) ketabton.com: The Digital Library

فابریکه ترمیم موتربانك ملی : شعبهٔ ماشینکاری باماشین های برقی اتوماتیك
Nouvelle fabrique de réparation d'auto dépendant de la Banque Nationale
une vue des machines automatiques

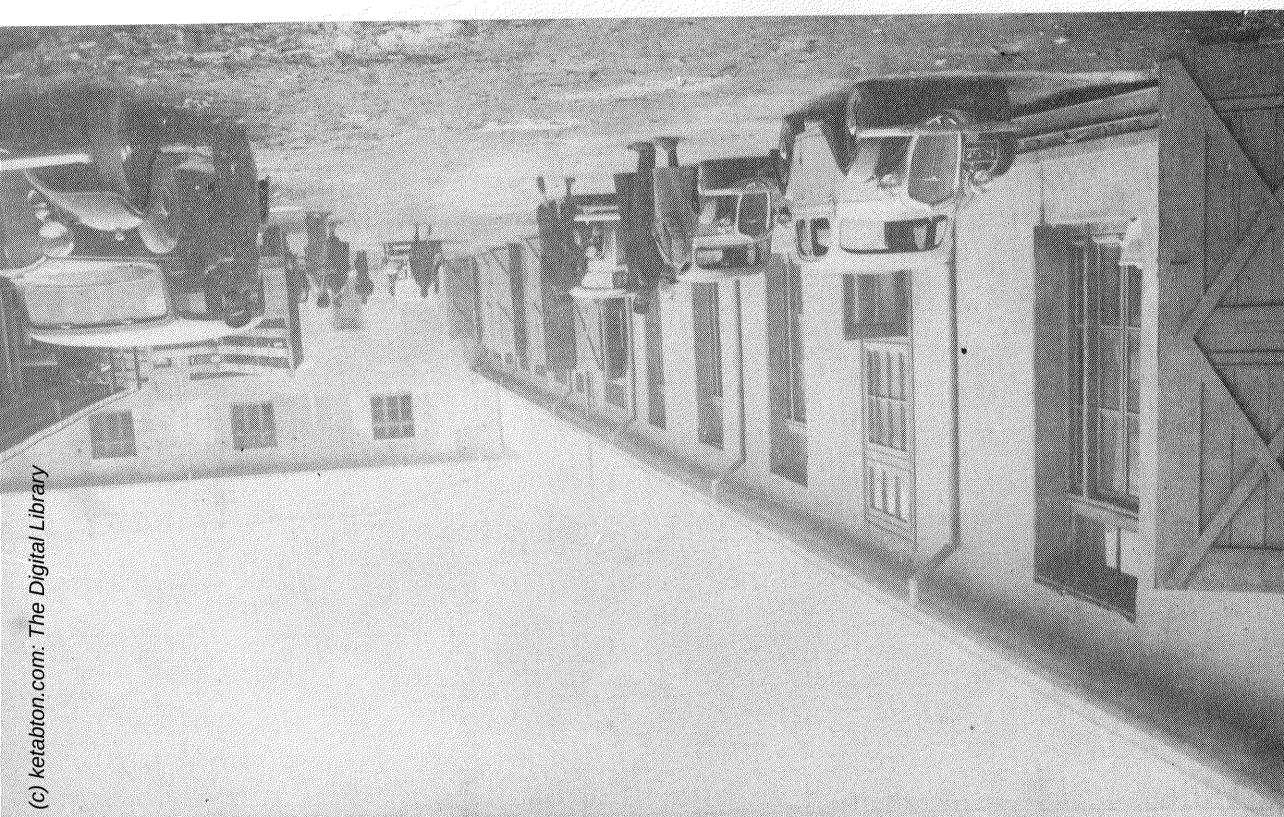

فابریکه ترمیم موتربانك ملی : قسمت داخلی کارگاه ها
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : la cour des ateliers

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی : یك حصهٔ اطاق نمایش
Nouvelle fabriqne de réparation d'auto ; un coin de la salle d'exposition

فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی : ماشین ولدنگ (لیه کاری)
Nouvelle fabrique de réparation d'auto ; la machine de wilding

(c) ketabton.com: The Digital Library

ص ، عزیزالله خان درجلال آباد ص ، محمد عثمان خان درغزنی
« ، پاینده محمدخان درخان آباد « ، غلام رسول خان در گردیز
« ، عطامحمد خان درمقر

د : مدیران بانك درخارج :

ص ، محمد یعقوب خان در لندن ع ، خان محمد خان در پشاور
« ، صلاح الدین خان درچمن ص ، عبد الرؤف خان در برلن
« ، سیدعبدالوهاب خان درکشکی « ، محمد عثمان خان در پاراچنار
« ، عبدالحسین خان علی اوف « ، رحیم آقای احمدی درکرکی در ترمز

بیلانس سال ۱۳۱۵ بانك ملی

اصل سرمایه : ۳۵،۰۰۰ سهم فی سهم ـ یکهزار افغانی
« ـ ۳۵،۰۰۰،۰۰۰

اول : ـ اسهام

الف : اسهام فروش شده ۲۷،۳۹۰،۰۰۰/ ـ «
ب : « نا فروش ۷،۶۱۰،۰۰۰/ ـ «
جمله ۳۵،۰۰۰،۰۰۰/ ـ «

دوم فروض :

الف : حساب جاری ۸۹ ونیم/۹،۸۱۲،۵۹۴ ـ «
ب : امانات ۴،۴۶۵،۶۲۹/۲۳/۰ ـ «
ج : طلباة متفرقه ۶۶،۴۴۷،۵۵۶/۶۵/۰ ـ «
جمله ۷۷ و نیم /۸۰،۷۲۵،۷۸۰ ـ «

فابریکهٔ جدید ترمیم موتر بانك ملی : شعبهٔ ماشینکاری ، با پنج دستگاه ماشین های بزرگ آن
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : une vue des machines automatiques

(c) ketabton.com: The Digital Library

سوم :

الف : شعبهٔ تجارتی و کمیسه ۲ونیم/۷۷،۸۹٤،۸۹۹ ـ افغانی

ب : « انحصار وشکر وموتر ۵ونیم/۷،۱٤۱،۳۸۷ ـ «

جمله ۸۵ونیم/۱٦۵،۷٦۲،۰٦٦ ـ «

از بابت نقلشد اسهام ۰/۳۵،۰۰۰،۰۰۰ ـ «

« منافع خالص ۸۹/۱۹،۲۸۸،۲٤۵ ـ «

جمله ۷٤ونیم/۲۲۰،۰۰۵،۳۱۲ ـ «

موجود و جایداد :

الف : موجود :ـ

۱ ـ بانك ملی ۷۷/۵۸،۷۸۰،۲۰۲ ـ «

۲ ـ تجارتی و کمیسه ۷۵/۸۸،۰۰۱،۹۱۷ ـ «

۳ ـ انحصار شکر و موتر ۹٤/۸،۲۹۲،۵۹۰ ـ «

جمله ٤٦/۱۵۵،۰۷٤،۷۱۱ ـ «

ب : جایداد :ـ

۱ ـ بانك ملی ۸۸ونیم/۵۳،٤۳۳،۰٦۱ ـ «

۲ ـ تجارتی و کمیسه ۱ونیم/۲،۷٤٤،۵۷۱ ـ «

۲ ـ انحصار شکر و موتر ۳۸ونیم/۱،۱۸۷،۹٦۸ ـ «

جمله ۲۸ونیم/۵۷،۳٦۵،٦۰۱ ـ «

جمله ۷٤ونیم/۲۱۲،٤٤۰،۳۱۲ ـ «

ج : اسهام نا فروش /۷،٦۱۰،۰۰۰ ـ «

جمله ۷٤ونیم/۲۲۰،۰۰۵،۳۱۲ ـ «

منافع و ضرر :

الف : منافع :ـ

۱ ـ بانك ملی ٦٦/۷،۷۵۳،۰۱۲ ـ افغانی

۲ ـ تجارتی و کمیسه ۹۲ونیم/۱۳،۹٤۵،٤٦٤ ـ «

۳ ـ انحصار شکر و موتر ٤/۲،۷۱۸،٦٤۱ ـ «

جمله ٦۲ونیم/۲٤،٤۲۷،۱۱۸ ـ «

ب : ضرر :

۱ ـ بانك ملی ۷۸/۳،٦۵۵،۵۲۸ ـ «

۲ ـ تجارتی و کمیسه ۱۸ونیم/۱،۰۹۳،۸۷۵ ـ «

۳ ـ انحصار شکر وموتر ۷۷/۳۷۹،٤٦۸ ـ «

جمله ۷۳ونیم/۵،۱۳۸،۸۷۲ ـ «

ج : باقی مفاد خالص :ـ

۱ ـ بحساب ارباب سهم ٤٤/۱۹،۰۹۵،۳٦۳ ـ «

۲ ـ « فیصد یك بیمه ٤۵/۱۹۲،۸۸۲ ـ «

جمله ۰/۸۹/۱۹،۲۸۸،۲٤۵ ـ «

« ٦۲ونیم/۲٤،٤۲۷،۱۱۸ ـ «

نوت : منافع که ازدرك سرمایهٔ بانك ملی درشرکت شمالی عایدخواهد شد چون بیلانس شرکت مذکور هنوز تمام نشده لذا شامل بیلانس هذا نشد، که آنهم بمنافع سال مذکور ایزاد می شد .

شرکت اتحادیهٔ شمالی

۱ ـ درمزار شریف بچهارموضع : مرکزمزار ، تاشقرغان ، اقچه ودولت آباد ودرخان آباد به سه حصه : قندوز ، تالقان ،امام صاحب کارخانه پخته پاك کنی وعدل بندی تاسیس یافته که کارخانه های

(c) ketabton.com: The Digital Library

مذکور بصورت فنی با گدام های وسیع ساخته وتکمیل شده .

۲ـ بحصهٔ خان آباد موضع کارخانه پخته پاك کنی وعدل بندی و روغن کشی تاسیس یافته وکارخانه های مذکور بصورت فنی آباد گردیده وکارتعمیر آن باتمام رسیده وکار آن جاری است .

الف : درحکومت قندوز .

۱ـ کارخانه روغن کشی وصابون سازی .

۲ـ « پخته پاك کنی وعدل بندی .

ب : درتالقان کارخانه پخته پاك کنی وعدل بندی .

ج : درحضرت امام صاحب کارخانه پخته پاك کنی وعدل بندی .

۳ـ درسال ۱۳۱۶ ازسمت شمال بیست وپنج لك سیر پخته خریداری وبصورت فنی باربندی بخارج صادر شده .

٤ـ پشم هم یك مقدارزیادی خریداری ودرپنج حصهٔ ولایت شمال بصورت فنی شسته وعدل بندی گردیده وحمل خارج شده ونسبت بسال ۱۳۱۵ پنجصد تن پشم زیادترصادر گردیده مواضعات گدام پشم وشستن وعدل بندی آن قرار ذیل است :

خیرآباد میمنه ـ اندخوی ـ سرپل مزارشریف ـ پل امام بکری مزار شریف ـ خان آباد .

۵ـ شرکت شمالی پنجاه ، عدد موترلاری برای سهولت حمل ونقل پخته وسامان زاهود وغیره ازروسیه خریداری کرده وهمچنین یکتعداد تراکتورهای زیاد برای کارخانهٔ پخته خریداری وتورید نموده .

٦ـ چهار عددتانك پطرول درمواضع ذیل نصب و درمواضع مذکور عمارات عصری نیزساخته :

درچهار سرك مزار شریف ـ در بابا قمبر مزار شریف درخان آباد ـ در اندخوی .

۷ـ برای بذرسال ۱۳۱٦ سه لك وسی هزارسیر تخم پنبه به زارعین سمت شمال طور رایگان توزیع شده .

۸ـ یك مقدار کنجد خریداری وبخارج صادر گردیده .

۹ـ یك تعدادپول نقدطورتقاوی برای زارعین پخته پیشه کی داده شده .

۱۰ـ یك تعداد پوست گوسفندی خریداری وبخارج صادرگردیده .

شرکت وطن

شرکت وطن که یکی از موسسات اقتصادی خیلی مهم افغانستان وشرکت وطن از دوسال باینطرف در قندهار برای صادرات پشم وواردات بعضی اجناس رخت باب تاسیس یافته روزبروز ترقیات بهتری را نائل میگردد .

خلاصه کار روائی ها وموفقیات شرکت موصوف درسال ۱۳۱٦ قرار ذیل است .

۱ـ شرکت وطن که در سال ۱۳۱۵ تاسیس وشروع بکارنموده بود دربرج سرطان هذا سنه ۱۳۱٦ که یکسال آن بسر رسیده وبیلانس آن مرتب گردیده فایدهٔ یکسالهٔ شرکت دریك سهم که یکهزارافغانی شود ـ ٤٤ پول ۵۸۰ ـ افغانی معین شده از انجمله ده یکه را برای تلافی خسارهٔ آینده گشتانده شدومابقی برای صاحبان اسهام پرداخته شد .

۲ـ یك عدد تراکتور برای پاك کردن پنبه خریداری و به چخانسور وارد کرده شده که عنقریب دائر خواهد شد .

۳ـ نسبت بوسعت کاراین شرکت یك نماینده گی جدید درکابل تاسیس گردیده است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

٤ ـ یك عمارت برای پنبه پاکی وشست وشو (و سرت) پشم درمرکز قندهار تحت تعمیر گرفته شده است .

شرکت پشتون قندهار

درین سال شرکت پشتون قندهار مانند سایر موسسه های ملی بسی مراحل ارتقای خود را طی نموده و در پرتو توجهات یگانهٔ حکومت بهی خواه خویش واجد ترقیات و انتظامات مناسبی گردیده است ، چنانچه در تورید اموال انحصاری (شکر و پطرول) و فروش آنها براهالی سهولت کافی بهم رسانیده و اصول صادراتی را نیز چون باصول عصری مرتب کرده‌است به پیمانهٔ کافی اضافه برگذشته خارج بعائدات گمرکی کمك نموده همچنین نظر بوسعت کار و ورود موسسات جدیده و لوازم محتاج الیه که درهمین سنه بعمل آمده پیشرفت شایانی در کارهای شرکت بهم رسیده که تفصیل آن قرار ذیل است :

موسسات جدیده :

١ ـ نظر به ترویج و توسعهٔ اموال صادراتی افتتاح یك نماینده گی جدید در دهلی .

٢ ـ نظر به‌ترویج وتوسعهٔ اموال صادراتی افتتاح یك نماینده گی جدید در کلکته .

٣ ـ یك شعبهٔ جدید نقلیه تاسیس شده که بوسیلهٔ یك دسته موترهای بارکشی همان شکریکه از کراچی براه پشاور رفته مصرف کابل و ملحقات آن میگردید اکنون همان شکر را در یك مسافهٔ محدود بداخل خاك افغانی حمل نموده بکابل میرساند یعنی شکر بورهٔ مذکور که از کراچی تا پشاور یك مسافهٔ طولانی را قطع نموده با مخارج گزاف قطار آهن بکابل میرسید حالا از راه

نزدیکتر و با مخارج کمتر داخل مملکت شده همان فائده که از این رهگذر بخارج عاید میشد در داخل مملکت باقی می ماند .

٤ ـ علاوه بر یك فابریکهٔ یخ سازی که شرکت درسنوات گذشته بکار انداخته‌بود درین سال یك فابریکهٔ جدید بزرگ دیگری‌را خریده و عنقریب وارد و نصب خواهد کرد تا در موسم گرمای سنه ١٣١٧ از فابریکهٔ مذکور کار گرفته برفاه اهالی بیفزاید .

٥ ـ خریداری یك ماشین اره کشی برای ساختمان صندوق جهت حفظ میوه و غیره کارهای تجاری تعلق شرکت و اهالی .

٦ ـ خدمت به عایدات گمرکی :

محصولاتیکه شرکت درسنه ١٣١٦ ـ اردوران (٢٠٠٠٠٠٠٠) سرمایه خود از روی یقین و تخمین بگمرك تادیه کرده عبارت از (١٠١٦٨٠٢٠٣/٥٤) افغانی بوده وتفاوت ازدیاد محصول دادگی سال مذکور به نسبت محصول دادگی سنهٔ گذشته ١٣١٥ عبارت از (٣٠٠٠٠٩٤/٥٤) افغانی میشود .

١ ـ شرکت پشتون در باب صادرات میوه مطابق ترتیبات فنی اقدامات خود را ادامه داده اصول قطی بست و صندوق بست را بصورت صحی و فنی خیلی ترقی داده یعنی مقدار بیشتری به نسبت سالهای گذشته میوه درقطی و صندوق صادر کرده است .

٢ ـ صادرات میوه هم درین سال طبق احصائیهٔ مرتبه بسیار ترقی کرده چنانچه اگر با صادرات سال ١٣١٣ که بدو تاسیس شرکت بلشد ، مقایسه کرده شود درست صد فیصد بلند رفته و بقیمت مناسبی بفروش رسیده است .

معلومات کار روائی یکسالهٔ شرکت اتحادیهٔ هرات تا اختتام ترتیب و طبع مضامین سالنامه بانجمن نرسید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

نامهای تازه

چون درین اوقات اکثر اشخاص به نامهای زیبای پشتو تمایل نشان‌میدهند ، لهذا محض خدمت بذوق هموطنان عزیز ، یك‌عده‌نامهای مردانه وزنانهٔ پشتورا که آقایان قیام‌الدینخان « خادم » و گل‌پاچاخان « الفت » و عبدالخالق خان « اخلاص » و محمد گل خان « نوری » اعضای انجمن فراهم کرده اند ذیلا تقدیم مینمائیم :

مردانه		زنانه	
گلان	منگل	قاتکه	گلالی
لپکر	لاچی	پلو داره	زرکه
خاتول	روزی خان	ښاده	وری
لونگین	کبلی	ور ینمینه	واکداره
غمی	زمری	غوټی	نازولی
کجر	گرانی	گل غوټی	ښاد منه
پښتون	زکوم	مرغلره	تور پیکی
گړندی	گړنگ	زرغونه	سپوږمی
وزر	کولی	مړه	رڼا
مړوند	ختك	درانی	خاتوله
مین	ساوڼ	گل مکو	وزر
خیالور	چپاو	گل مکی	سپینه
ننگیالی	لپدی	بدری	برینینا
تور جان	بگړ	ملاله	پسته
سپین	کاکړ	کوتره	ښایسته

مردانه		زنانه	
گران	کارگه	ماخی	مستانه
غاتول	ریدی	نیك مرغه	لمره
زلمی	منډکی	گوره	خوږه
منډك	ملك	پستکی	پستو
خمټ	زرغون	لمبه	ښه نسته
پرانتون	کجل	کبلی	بسه
تور گل	چندڼ	لالی	کوکی
ژیړ گل	سور گل	میرمن	درخو
اختر	جدر	مشکونډی	بنگړی
پرانگ	ببرك	اشربی	رڼه
غلجی	اور بل	اوږه	شغله
تور یالی	بر یالی	پیلوشه	پیلوزه
زړگی	ښایسته گل	سانگه	ډیوه
لیوال	پتڼ	لښته	لښتی
ساهو	زمریالی	لونگینه	زړگی
مل	زړور		

مردانه			
ستوری	دروند	مړوند	بورا
پاڑه	بهای	پښتون	جایا
غرنی	زلاند	غښتلی	رښتیا
کسیا	ویسا	تنا	

(c) ketabton.com: The Digital Library

یادداشت‌های سودمند

پاك نمودن کارت های بازی

ورق های بازی که در اثر استعمال چرك شده باشد ودستمالی که درتیل خاك غوطه شود پاك کرده شود بروی آن علیحده مالیده شود و برای اینکه جلا پیدا کند تلك (پودر) بران پاشیده‌شود .

پاك کردن قالین

قالین ها برای اینکه مدت درازی خراب نشده و تاب پیدا نکندهمیشه لوله کرده بر داشته شود تاب های قالین او باید ترکرده شود و بعد ازان از روی چپه ا تو کشیده شود و بر وی چپهٔ آن (کار لو) دوخته شود .

گم کردن موشها

در جائیکه گمان میرود موش باشد دستما لها ئیکه در تار پین غوطه‌شده باشد گذاشته‌شود موشها ازبوی تارپین خیلی‌نفرت‌دارند .

تجربهٔ شیر

یکدانه سوزن در شیر فرو برده شود اگر شیر خوب باشد سوزن را سفید مینماید اگر سفید نشد آب داشته میباشد .

تخم های بد بوی

تخم شکستانده‌گی را چند ساعت و یا یك شب در هوای آزاد بگذارند بوی بدآن گم میشود تخم یخ زده گی در آب تازه چند ساعت گذاشته شود تا پس خوب شود .

پخت وپز

فاصولیه

گوشت ۱۲ خورد ـ روغن زرد ٤ خورد ـ فاصولیه ۱۱ خورد دنبه ۳ خورد ـ بادینجان رومی ۱۲ خورد ـ پیاز ٤ خورد ـ نمك ٦ مثقال ـ مرچ سرخ تازه بقدر کفاف ـ گشنیز رومی ۸ مثقال شوربای یخنی ۱۲ خورد .

اول روغن‌را داغ کرده بعد دنبه را ریزه کرده بروغن انداخته بهمراه قدری نمك بعد که دنبه سرخ شد گوشت‌را شسته انداخته شود گوشت که آب خود را خشك کرد پیاز را چهار چهار تکه کرده انداخته شود و شور بدهد تا که همراه گوشت برنگ بادامی شود بعد آب را بقدر ضرورت انداخته شور بدهد که گوشت کمی نرم شود بعد نصف بادینجان رومی‌را کشیده بهمرای شوربای یخنی جوش داده و فاصولیه بالای همان گوشت که بدیگ انداخته و شور بای یخنی وآب بادینجان رومی‌را که یکجا جوش داده بالای آن انداخته شود و جوش داده شود تا وقتی که آب آن کم شود بعد گشنیز رومی و مرچ تازه را خلال کرده بیندازد بعد نصف بادینجان رومی را که باقیمانده دو دو تکه کرده بالای آن چیده و بسر آتش نرم گذاشته تا وقتیکهٔ بروغن بیاید و پخته شود .

سلاتهٔ ترکی

کاهو ٤ دانه ـ گشنیزرومی ۲ خورد ـ بادینجان‌رومی‌تازه ٦ خورد

(c) ketabton.com: The Digital Library

آب لیمو ویا نارنج وسرکه باندازهٔ خواهش ـ بیضهٔ جوش داده ٥ دانه نمك و مرچ سرخ بقدر خواهش .

کاهو را برگ کرده ریزه نماید گشنیز را هم شسته چیده ریزه کرده نوش پیاز را هم ریزه نموده همراه کاهو در ظرفی که بمجلس میبرند مخلوط کشیده بادینجان رومی و بیضهٔ جوش داده‌را حلقه کرده بر روی آن آرایش بدهد آب لیمو یا سرکه را نمك و مرچ زده برروی‌ظرف بپاشید بعد ازان طعام مذکور مکمل وقابل‌خوردن است .

سمبوسهٔ شیرین

آرد ترمیدهٔ دهلی ٨ خورد ـ قند سفید ٨ خورد بادام مقشرمیده ٤ خورد ـ آرد نخود ٢ خورد هیل میده نیم مثقال دار چینی میده بقدر ضرورت .

اول آرد ترمیده را خمیر سخت ، قند را شربت تیار کنند آرد نخود رادرآب حل کرده در روغن سرخ شود ازلته‌آرد بریان را علیحده کنند وهمراه هیل میده وبادام میده مخلوط کنند بعداز آردترمیده قرص ها تیارکرده درشکم اوهیل وبادام وآرد نخودبیندازد وقرص ها را در روغن سرخ کرده درشربت قند بیندازد لایق خوردن است .

قورمهٔ روی نان

گوشت ٢٤ خورد ـ روغن زرد ٤ خورد ـ پیازحلقه کرده ٤ خورد نمك باندازهٔ کفاف ـ مرچ سرخ بقدر خواهش ـ سیر ٤ مثقال

اول روغن راسرخ کرده پیاز رابریان کرده وکشیده ماشین کرده علیحده نگاه دارد روغن را سرخ کرده سیر را دران انداخته

شور داده گوشت رادربالای سیرمذکوراندانخته سرخ کرده بعدازان آب انداخته جوش بدهد تا گوشت نرم شود وقتیکه بروغن آمد همان پیاز ماشین کرده را بالای گوشت انداخته سه دفعه بلکه چهار دفعه کم کم آب انداخته که بوی پیازبراید بعدنان بقسم پارچه ریزه کرده شودبعداز گذشتن پنج‌دقیقه تیارمیباشدنمك ومرچ سرخ نیزداخل شود .

سبزی پالك کوفته تخمدار

ابتدا گوشت راقیمه نموده بصورت پاشان یعنی غیر کلوله کردن چون قورمه باپیاز تازه طبخ کنید بعد برگهای پالك راباچیزی گندنه ریزه نموده باقیمه جوش دهید تا آنکه آب آن جذب وسر روغن بیاید سپس‌درپر پیان ویا کرائی‌هموارنموده چند دانه تخم‌راعلاوه کنید بعداز پخته شدن سفیدی تخم بامرچ سیاه صرف شود .

حفظ الصحه

جوان ساختن فوری چهره

وسیلهٔ فوری که چهرهٔ شمارا تازه وجوان ساخته و در اواین استعمال اثرات عجیبی به ان می بخشد اینست : یك عدد تخم مرغ تازه را بگیرید سفیدی آنرا بیك اندازه درسر تاسر صورت خود بمالید ده دقیقه همان طور بگذارید اما لازم است‌که درحین اجرای این عمل پوست روی بیجای حرکت نکند بعدازان بآب شیرگرم آن را بشوئید پس ازشستن یك کاسه آب جوشان‌گرفته وباد ستمال دست درشتی ٤ الی٥مراتبه تکر گرم برچهره بگذارید مدت هرتکرنیم دقیقه باشد پیاپی آن با آبیکه یخ داشته‌باشد٤الی٥مراتبه تکر سرد نمائید مدت این تکرهاچهاردقیقه باشد پس ازان بادستمال نرمی‌روی خودرا خشك نموده وبا کریم روی خوبی مالش دهید این عمل را مدت

(c) ketabton.com: The Digital Library

حفظ الصحه

جوان ساختن فوری چهره

وسیلهٔ فوری که چهرهٔ شمارا تازه و جوان ساخته و در اواین استعمال اثرات عجیبی به ان می بخشد اینست : یك عدد تخم مرغ تازه را بگیرید سفیدی آ نرا بیك اندازه درسر تاسر صورت خود بمالید ده دقیقه همان طور بگذارید اما لازم است که درحین اجرای این عمل پوست روی بیجای حرکت نکند بعدازان بآب شیرگرم آن را بشوئید پس ازشستن یك کاسه آب جوشان گرفته وباد ستمال دست درشتی ٤ الی ٥ مراتبه تکر گرم برچهره بگذارید مدت هرتکرنیم دقیقه باشد پیا پی آن با آ بیکه یخ داشته باشد ٤ الی ٥ مراتبه تکر سرد نمائید مدت این تکرها چهاردقیقه باشد پس ازان بادستمال نرمی روی خودرا خشك نموده وبا کریم روی خوبی مالش دهید این عمل را مدت چهارده روز تکرار نمائید و اگر احتیاج افتد از سرشروع کنید.

تقویت چشم

یك وسیلهٔ بسیار مفیدی برای تقویت و محافظت چشم اینست که انسان عادت بگیرد باینکه روز چند مراتبه ابرو ها و شقیقه ها را با آب سرد تر نماید این علاج ساده چشم را از فشار خون که اساس مرضهای متعددهٔ چشم است حفظ مینماید و اعصاب آن را قوی میسازد خصوصاً برای اشخاصیکه چشم شان مجبور است فعالیت

مشکلی بعمل آرد به تجربه رسیده که این بهترین وسیلهٔ محافظت چشم است.

علاج افتیدن چین روی

قبل ازخواب چهره بآب سرد شسته شده و بعد ازان از دوای ذیل کافی بصورت مالیده شود - ۲۵ گرام موم سفید ۲۵ گرام روغن زنبق با قدری عسل جوشانده و با آب پیاز که دران مخلوط شود آ نقدر بالای شعلهٔ ملائم زیرو سر شود تا به قیام آید . صبح چهره با دستمال نرمی پاك کرده شود .

تب های سبك

برای تب های سبك وخصوصاً سر ما خوردگی اطفال پله‌های لیمو که با لای شقیقه ها گذاشته شود تا سیر بزرگی می بخشد و مریض را راحت میسازد کنین و از قبیل وی دیگر ادویه جات حاجت ندارند .

ناخنهای گلابی و قشنگ

برس کردن کافی با آب لیمو ناخنها را قشنگ و گلابی می سازد .

خار ماهی

پیاوهٔ سخت کچالو و یا مغز نان نرم که بدون جویدن فرو برده شود خار ماهی را از گلون می کشد .

علاج آفتاب سوختاندگی

اگر پوست بدن را آفتاب سوختانده باشد با دوغ شسته و بالاتولین مالش کرده شود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

اختراعات و اکتشافات

نفت از چوب

در المان از چوب نفتی کشیده اند که با اندك تر کیبات کیمیا وی شرایط نفت عادی را دارا میشود . متخصصینیکه باین کشف موفق

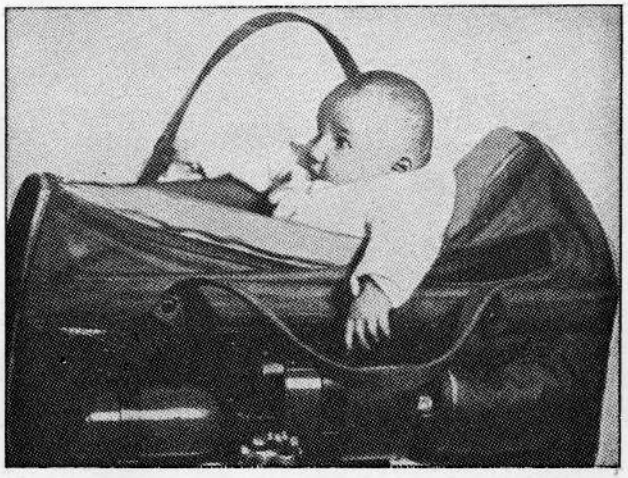

صندوقچهٔ مخصوص که درآن اطفال کوچك را درموقع خطر غاز زهردار حفظ میکنند.

شده اند، خاصیت در گرفتن سریع و دوام دار بعضی چوبها واینکه ازچوب الکل نیز کشیده میشود درنظر گرفته بالاخره به اختراع مذکور کامیاب گردیده اند ـ این نفت بمراتب ارزان تر ازنفت اصلی بوده ، پیدا وار آن نیز زیاد میباشد. حکومت المان درضمن نقشهٔ اکتفاء بخود درقسمت نفت های مصنوعی که تازه بدست آمده این نفت را اهمیت زیاد داده است.

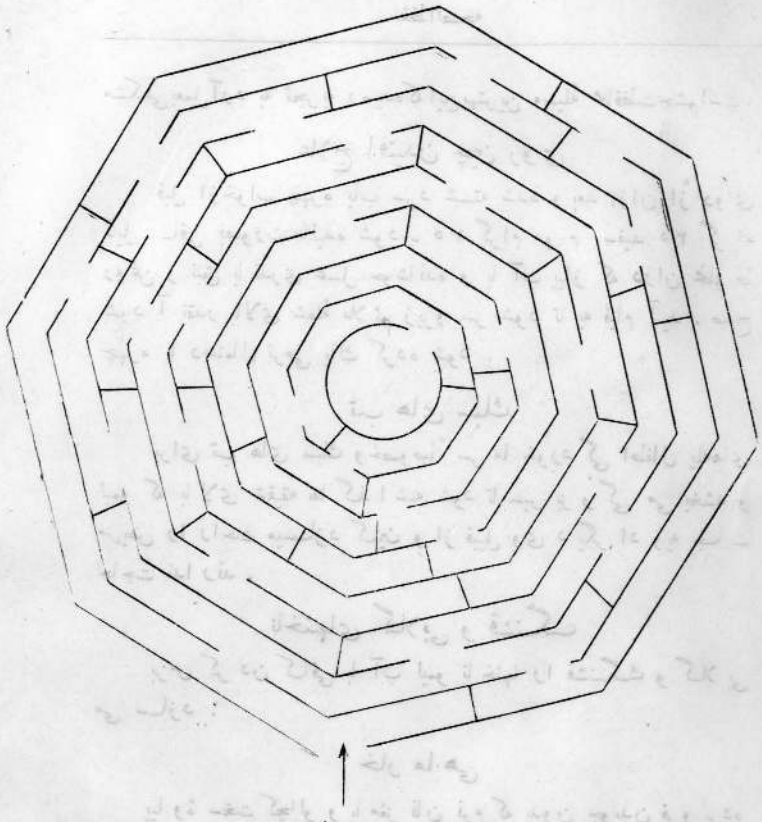

نقشهٔ یکی از قلعه های زمان قدیم است که بمهارت هندسی جالب توجهی ساخته شده ـ سعی بفرمائیدتا ازدرب بزرگ به مرکزقلعه برسید بدون آنکه از دیوار ها عبور کرده باشید . اگردرد فعهٔ اول کامیاب نشدید باردوم وسوم کوشش کنید بالاخره موفق خواهید شد ـ سپس ز کاوت دوستان خود را امتحان فرمائید .

(c) ketabton.com: The Digital Library

معالجات بذریعهٔ امواج رادیو

امواج رادیو که جدیداً برای معالجات استخدام شده ، چنان کامیابی هائی رانه تنها درقسمت تشخیص و تداوی بلکه درحصهٔ جراحی بمیان آورده که انسان را دوچارحیرت میسازد . متخصصین امریکائی

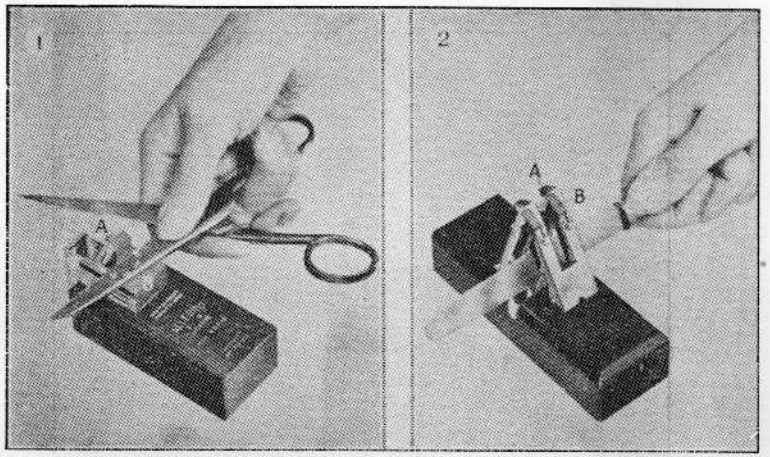

ماشین های تیز کاری جدید که بفشار خود قیچی یا پاکی بدون دسته با قوهٔ برق بگردش می افتد.

موفق شده اند که عملیات جراحی بسیار دقیق و مهم داخلی وجود را بوسیلهٔ امواج رادیو بدون آنکه خود آلات جراحی به جسم تماس بکنند ، انجام بدهند ، مثلاً درموقع عملیات قلب ویاجراحی غدود های شش ، آله درتحت تاثیر امواج رادیو درموقعیکه آلهٔ رادیو گرافی داخل جسم رابنظر مکشوف ساخته است ، در هوا مقابل پوست همان حصه بمقصد جراحی حرکت کرده و درعین زمان بواسطهٔ امواج رادیو همان حرکات آلات مذکوره بداخل بدن بهمان حصهٔ معینه وارد وعملیات را انجام داده است . این تجارب تا کنون امتحانی است ، امایقین میرود که درآینده خدمات فوق العادهٔ ازآن گرفته خواهد شد .

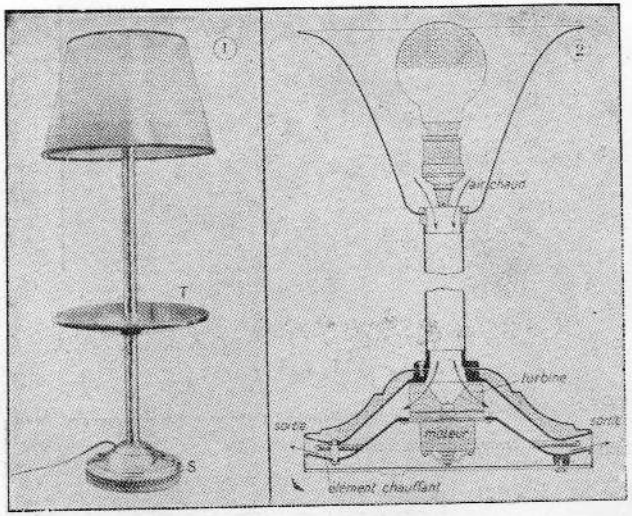

چراغ برقی جدید که علاوه بر روشنی اطاق را هم گرم میسازد یعنی حرارتی را که ازان متصاعد میشود واپس جمع میکند.

امواج برقی دماغ

تحقیقاتی که علمای انگلیسی ماتیوز و میلن نسبت به مغز سرانسان انجام داده اند ، ظاهر کرده است که مغز در حال کار ، از خود یك عده امواجی را خارج میسازد که این امواج برقی بوده و شباهت

(c) ketabton.com: The Digital Library

کلی باسائر امواج رادیو دارد . پس از اینقرار علمای مذکو عقیده
دارندکه میتوان امواج برقی دماغ انسان رابواسطهٔ آلات مخصوصه

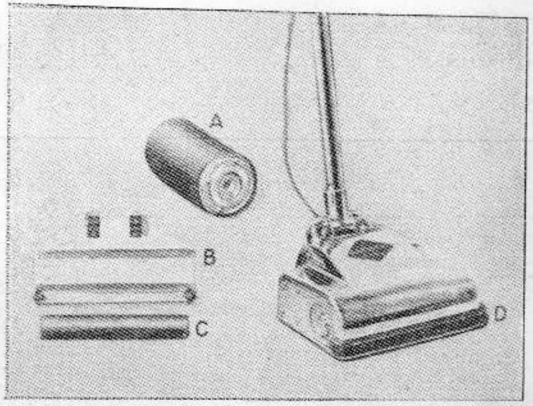

آلهٔ اتو کردن فرش که خود رطوبت داده سپس قات های قالین و غیره‌را گم میکنند.

زیر تاثیر گرفت تا شخصی طوریکه اداره کنندهٔ آلهٔ مذکورخواسته‌باشد فکرا کنند و یا کم ازکم از فکر خود مانع کرده شود. تا کنون علمای مزبور به ثبت کردن امواج دماغ انسان برروی صفحات مخصوصی موفق شده اند.

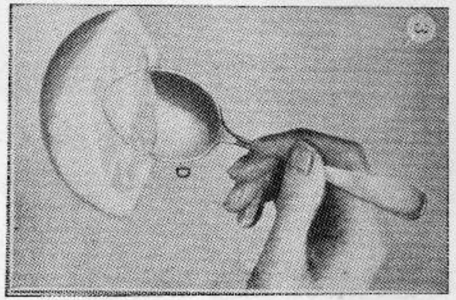

قاشق دندانه دار برای خالی کردن میان لیمو و نارنج و غیره

۱۳۱۷	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
حمل	۰	۰	۱	۲	۳	۴	۵
	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۰	۰
	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ثور						۱	۲
	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
بسبب مولود شریف رخصتی عام در ۲۳ ثور یکروز	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
	۳۱						
جوزا		۱	۲	۳	۴	۵	۶
بسبب جشن استقلال از ۶ جوزا رخصتی عام میکنند	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲		
سرطان						۱	۲
	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
	۳۱						
اسد		۱	۲	۳	۴	۵	۶
	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱			
سنبله					۱	۲	۳
بسبب تاسیس شورای ملی در ۱۸ سنبله رخصتی عام یکروز	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱

۱۳۱۷	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
میزان	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
ولادت با سعادت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در ۲۲ میزان ۱۲۹۳	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
بسبب جشن نجات وطن در ۲۳ میزان رخصتی عام گردد	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
	۲۹	۳۰					
عقرب			۱	۲	۳	۴	۵
بسبب اول رمضان المبارک در ۳ عقرب رخصتی عام گردد	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله ملکه در ۱۶ عقرب ۱۳۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰			
قوس					۱	۲	۳
بسبب عید سعید فطر رخصتی عام سه روز از ۲ الی ۴ قوس	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹		
جدی						۱	۲
	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
دلو	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
بسبب عید اضحی رخصتی عام چهار روز شب عید و سه روز عید	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
	۲۹	۳۰					
حوت			۱	۲	۳	۴	۵
بسبب دهم محرم رخصتی عام یکروز	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰			

(c) ketabton.com: The Digital Library

غلطنامهٔ سالنامهٔ کابل

۱۳۱۶

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۲	۳	د اطبا	اطبا
۲۱	٤	احمد شیرخان	احمد سیر خان
»	۱۲	مدیریت مکتب موزیك مربوط احضاریه نه بلکه مربوط قوماندانی مکاتب حربیه است	
»	۱۳	مدیریت کورس عالی سهواً تحت عنوان قوماندانی مکتب حربیه آمده .	
۸۱	٥	توزیع	راجع به توزیع
۸٥	۱٤	کسب	بست
۸٥	۱۸	هیئت تدقیق و معاینهٔ سهواً تحت ریاست لوازمات آمده	هیئت مذکور تعلق ریاست حربی دارد
۸۸	۲۰	افغانی	افغانی
۹۷	۱٦	سالتمام	سال به تمام
۱۰۰	۲۱	را بایستی	که بایستی
۱۰٦	٦	آنی	آتی
»	۸	معتنای برای آن	معتنای
۱۰۷	۸	معتنابی	معتنا بهای
۱۱۹	۱٤	اسپین پولدك	اسپین بولدك

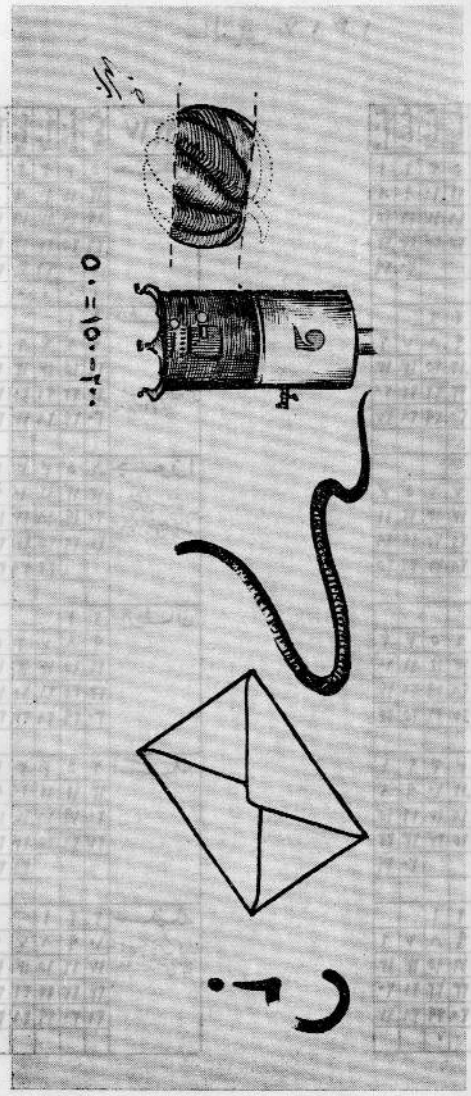

۵۰=۱۵۰-۲۰۰
معمای منقوش برای تفریح و طبع آزمائی خوانندگان سالنامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۰	۲	سار	کار
۱۳۲	۱۹	امراض ومهلکه	امراض مهلکه
۱۵۸	۳	معاهداتها	معاهدات
۱۷۲	۱۹	درل	دول
۱۸٤	۲	مستعراتی	مستعمراتی
۱۸۵	۱۲	قضایا	قضایا
۱۸٦	۱	بادوین	بالدوین
۲۱۱	۱	عضو	مدیر
۲۱۵	۱۹	تجملاً	یحتملاً
۲۱۷	۱٤	منبسط	منبت
۱۱۸	۱۱	مکلوب	مطلوب
۲۱۹	۲۲	Somr	Sumer
۲۲۳	۱٦	ارائه و ضمنا	ضمنا ارائه
۲۲۵	۲	کردیم	کرد
۲۲٦	۵	« پلنگ ها »	(پلنگ)
۲۲۷	۱۷	البته	البسه
۲٤۵	۲۰	دردولای	درولای
۲٦٦	۱۱	خلور	خلو ر و
۲٦۷	۱٤	خایونی	خایونه
۲٦۸	۱۳	زای	خای یی
۲٦۹	۲۳	خلور لسمه	خور لسمه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۷۲	۱۲	انطاظ	الفاظ
۲۷۵	۲	وراست وال	استازی
۲۷٦	۲۳	یانور کسان	یادنوروکسانونومونه
۲۷۹	۱۰	سوی دی	سوی‌وی
۲۸۲	۸	کریدلی	کریده
۲۸۳	٤	لیکلی دی	لیکلی ده
۲۸۹	۱۳	خوزینه	خوز وینه
۳۰۲	۱۲	سکوکات	مسکوکات
۳۰۳	۱٤	ieh	Vieh
۳۰۷	۱۰	صنتی	صنعتی
۳۰۸	۵	Léotmant	Lénormant
»	۲۰	وادیك	داویك
۳۱۹	۳	شاهی	شامی
»	۹	هرمالوس	هرمایوس
۳۲۱	۳	دمترلوس	دمتریوس
۳۲۳	۱٦	Posridon	Poseidon
۳۲۳	۱۰	Heiokles	Heliokles
۳۲۵	۸	متاندارس	متاندرس
»	۲۰	Hermaias	Hermaios
»	۲۰	قم	ب م
۳۳۰	۸	Uonônès	Vonones

(c) ketabton.com: The Digital Library

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۳۱	۳	Gondopharnps	Gonqopdanes
۳۳۷	۳	لووشانی‌ها	کوشانی ها
۳۳۹	۵	a omanto oeva	Samanta-deva
۳۳۹	۱۰	(بهی و)	(بهی)
۷۴۰	۷	Chudavayaka	Khndavayaka
»	»	خود اوایا کا	خود او ایا کا
۳۴۶	۱۷	بسزا دارد	بسزا داشت
۳۵۷	۲۲	چکمن	چکمن یك
۳۶۶	۹	میگویند که	میگویند
۳۹۳	۹	آج	انلاج
۴۰۲	۱۳	نسبت	نسبتاً
۴۱۰	۱۷	استملاك	استهلاك
۴۱۰	۱۸	تانها	تاتها
۴۱۱	۴	غریزی	عزیزی
۴۳۰	۷	کوهدان	کوهدامن
۴۷۷	۱	مجزع	مجموع
۴۸۵	۹	تفصیل البتهٔ آن	تفصیل آن البته
۴۹۲	۱۸	سنگلاخهای	سنگلا خها
۴۹۷	۹	یکر خادمان	دیگر خادمان
۵۰۱	۱۴	کانی	کافی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۰۶	۷	استعمات	استعمال
۵۷۲	۱۸	تودو	تورو
۵۷۷	۱۷	ننگ و تړله	ننگ می وتړله
»	۲۱	یه	په
۵۷۹	۲۰	پسر	پسه
۵۸۳	»	ټلوله	ټوله
۵۸۶	۱۴	وی	.
۵۹۱	۱۵	هوا	هو
۵۹۳	۴	پښتو	پښتنو
۵۹۹	۱۱	وی	خوی
۶۰۰	۷	ننگا لی	ننگیالی
۶۰۶	۱۱	نه غواړی	څخه غواړی
»	۱۹	خیل	خیل
۶۰۹	۱۸	در	د
۶۱۵	۳	خو	خو ی
۶۱۶	۱	نه لری	نه خوښوی
»	۱۳	نه زرای	نه رازی
۶۱۹	۲۰	نو	نور
۶۲۴	۱۲	در آ زادی	د ازادی
۶۳۰	۲۰	لتون یی ودو	لتون یی و کړو

(c) ketabton.com: The Digital Library

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦٥٦	١٩	و ج ، ع	ج ، ع
٦٥٨	١٦	نظر که	نظر
«	١٩	از هر طبقه	هر طبقه
٦٦٣	١٧	بدینماسبت	بد ینما سبت
٦٦٤	١٧	دنیا شرق	دنیای شرق

فهرست مضامین

مضمون	صفحه	نویسنده
ششمین سالنامه	١	انجمن
پادشاه افغانستان	٤	«
افغانستان	٦	«
تشکیلات مملکتی	١٤	.
اجراء آت دوائر مملکتی	٧٩	.
اعطای نشان	١٥٠	.
مطبوعات وطنی	١٦٠	.
سفرای نو وارد	١٦١	.
کور دیپلو ماتیك مقیم کابل	«	.
گذارشات دنیا	١٦٣	جناب میرمحمد صدیق خان
حفریات جدید درافغانستان	٢١١	« موسیوها کن
دپښتو ادبیاتو یوه کتنه	٢٢٩	بقلم جناب «زمریالی»

مضمون	صفحه	نویسنده
مسکوکات افغانستان	٣٠١	بقلم جناب احمدعلیخان «کهزاد»
صنایع وفنون درافغانستان	٣٤١	« احمدالله خان «کریمی»
نباتات مشهور افغانستان	٤١٣	« محمد زمان خان
نهضت اقتصادی افغانستان	٤٤٧	« «رشتیا»
مطبعه در افغانستان	٤٩٧	« «کریمی»
فابریکهٔ نختابی جبل السراج	٥٠٩	« محمد ابراهیم خان
پیشرفتهای سپورتی	٥١٩	« محمد یعقوب خان
پښتو تولنه	٥٣١	« ق تره کی
وقایع مهمهٔ داخلی	٦٤٨	« یار محمد خان
شرکتهای تجارتی	٦٧٤	.
نامهای تازه	٦٩٢	.
یاد داشتهای سودمند	٦٩٤	
پخت وپز	٦٩٥	
حفظ الصحه	٦٩٨	
اختراعات و اکتشافات	٧٠٠	

فهرست تصاویر

تصاویر	صفحه
اعلیحضرت همایونی	٤
« فقید شهید	١٣
والاحضرت صدراعظم صاحب	١٥

(c) ketabton.com: The Digital Library

تصاویر	صفحه
والاحضرت وزیرصاحب حربیه	۱۷
جلالتماب وزیر خارجه	۲٤
« « « داخله	۳۱
« « « عدلیه	۳۲
« « « تجارت	۳۳
« « « معارف	۳۷
« « « فوائد عامه	٤۰
« « « پست وتلگراف	٤٥
« « « رئیس شورای ملی	٦٤
« « رئیس مجلس اعیان	۷۰
جلالتماب وزیر دربار	۷٥
« سرمنشی حضور	۷۷
مقرریهای مهمهٔ ۱۳۱٦ـ۱۸ قطعه	۸۰
طیارات که جدید خریداری شده ٤ قطعه	۸۱
نماینده گان افغانستان درمجالس بین المللی ۳ قطعه	«
ازعمرانات جدید کوتوالی کابل	۸۸
« جدیدمنظرهٔ عمومی ولایت «	۹٦
تربیهٔ خانه خرگوش	۱۰٤
سنگ گذاشتن تهداب مکتب رشدیه مزار	«
فارغ التحصیلان فاکولتهٔ طبی	«

تصاویر	صفحه
عمارت انجمن ادبی	۱۰٤
تجربه خانهٔ کیمیا	«
ازموسسات عرفانی مرکز ٤ قطعه	۱۱۲
ازعمرانات ولایت هرات ٦ قطعه	۱۲۰
« « « ومیمنه ٤ قطعه	۱۲۸
« حکومت اعلای مشرقی و مزار ٤ قطعه	«
ماشین دیزل برق ۳ قطعه	«
منظرهٔ عمومی کارخانه جات حربی کابل	«
از عمارات مشرقی ۲ قطعه	۱۳٦
« مزار شریف	«
ازموسسات جدید وزارت صحیه	«
« جدید وزارت پست ٤ قطعه	۱٤٤
سفرای نووارد ٤ قطعه	۱٦۰
کانفراس بروسل	«
« نیون	«
کابینهٔ انگلستان	«
پذیرائی لارد هیلیفکس	«
مرحوم آقای سمعی	۱٦۷
عصمت انینو	«
جلال بایار	«
نحاس پاشا	«

(c) ketabton.com: The Digital Library

تصاویر	صفحه
آغا خان	۱۷۶
کانفرانس بروسل	»
مربوط بواقعات ممالك عربی	۱۸٤
اجلاس جامعهٔ ملل ۲ صفحه	»
مربوط بواقعات شوروی و شرق اقصی	»
» » انگلستان ۲ صفحه	۱۹۲
» » المان ٥ قطعه	»
» » ایطالیا ۳ قطعه	»
لودندورف	۱۹٤
فون بلومبرگ	۱۹٦
رئیس الوزرای اسپانیا	۲۰۰
جنرال کوئیپو دلانو	۲۰۱
هتلاین رئیس نازیها	۲۰٤
کنفرانس اتحاد صغیر	۲۰٥
آدم کوك رئیس حزب ملی پولیند	۲۰۷
خرابه های سیستان ٤ قطعه	۲۱۲
از آثار مکشوفهٔ بگرام ۲ قطعه	»
» » تاریخی مزار	»
نمونهٔ خطوط نستعلیق قدیم ٤ قطعه	۲٤٤
از آثار تاریخی بلخ ٤ قطعه	۲٦۸
» » » هرات ٤ قطعه	۲۹۲

تصاویر	صفحه
مسکوکات قدیم افغانستان ۸۰ صفحه	۳۰۸
» » » ۳ صفحه	۳۳۲
دیوار کوه کابل	»
نمونهٔ صنعت نجاری کابل ۳ قطعه	۳٤۸
قالینچهٔ نفیس وطنی	»
نمونهٔ کار زرگری ۲ قطعه	۳۸۰
» اشیاء سنگی	»
» کار نجاری کابل	»
از عمارات قدیمهٔ هرات ۲ قطعه	٤۱۲
از آثار تاریخی هرات ۲ قطعه	»
» » » ٤ قطعه	٤۲۸
مسجد عیدگاه	٤٤٤
نمونهٔ از چوبکاری قدیم	»
منار چکری	»
دیوار قدیم کابل	»
نقشهٔ افغانستان	٤۷٦
مطبعهٔ جدید کابل ۸ صفحه	٥۰۰
» » » ۱۲ صفحه	٥۷۰
منظرهٔ عمومی فابریکهٔ نختابی جبل السراج	٥۰۹
کارخانهٔ ترمیم » »	٥۱۱

(c) ketabton.com: The Digital Library

Table des matières

Sujet	Page
Préface	1 (١)
Le roi d'Afghanistan	4 (٤)
Afghanistan (vue générale)	6 (٦)
Organisation admimistrative du pays et les fonctions des principaux titulaires	13 (١٤)
Activité des administrations gouvernementales	79 (٧٩)
Décorations remises au courst de l'année	160 (١٦٠)
La presse afghane . Corps diplomatique à Kaboul	161 (١٦١)
Principaux événements de l'année dans le monde	163(١٦٣)
Nouvelles recherches archoelogiques en Afghanistan	221 (٢٢١)
Vue générale sur la littérature de Pashto	229 (٢٢٩)
Les anciennes monnaies d'Afghanistan	301 (٣٠١)
Les industries et les arts en Afghanistan	341 (٣٤١)
Les principales plantes d'Afghanistan	413 ٤١٣
Les progrés économiques réalisés au cours de lannée dernière en Afghanistan	447 (٤٤٧)
L'imprimerie en Afghanistan	497 (٤٩٧)
Nouvelle fabrique de filature de	509 (٥٠٩)

تصاویر	صفحه
ماشین نداف فابریکهٔ جبل السراج	٥١٣
ماشین شانه » »	٥١٤
« مشله » »	٥١٥
« های بافت فابریکهٔ نختابی	٥١٦
« اتو » »	٥١٧
ورزشکاران داخله و خارجه در کابل ٤ صفحه	٥٢٤
هیئت انجمن ادبی ٦ صفحه	٥٥٦
تصاویر رنگه از قلم رسامان جوان وطن ٩ صفحه	٦٠٤
عمارت بانك ملی	٦٧٦
دفاتر فابریکهٔ ترمیم موتر	»
موتر های بار کشی جدید	»
فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی ١٢ صفحه	٦٨٤
حفظ اطفال از خطر گاز	٧٠٠
ماشین های تیز کاری جدید	»
چراغ برقی جدید	»
آلهٔ اتو کردن فرش	»
جنتری	»
معما	»
رسم رنگهٔ گل و میوه	»

(c) ketabton.com: The Digital Library

Djaboul-Séradj 497 ٤٩٧

Mouvement sportif en Afghanistan 519 (٥١٩)

L'Académie Afghane 531 (٥٣١)

Les événements de l'année en Afghanistan 648 (٦٤٨)

L'activité des sociétés commerciales et de

La Banque Nationale Afghane . 674 (٦٧٤)

Des noms en Pashto 692 (٦٩٢)

Quelques renseignements utils 694 (٦٩٤)

Conseils de cuisine 695 (٦٩٥)

L'hygiène pratique 698 (٦٩٨)

Quelques inventions nouvelles 700 (٧٠٠)

(On trouvera les explications des photos en dessous de chaqun de ces photos .)

اعلان

ذواتیکه خواهش خریداری سالنامه‌های کابل ویا کلکسیون های هفت سالهٔ مجلهٔ کابل و یا اشتراك مجلهٔ مذکور را داشته باشند ، لطفاً به آدرس ذیل مراجعه فرمایند : انجمن ادبی ـ جادهٔ ابن‌سینا ـ کابل .

Avis

Les personnes désireuses d'acheter les Almanachs de Caboul ou les collections de la Revue de Caboul ainsi que de s'abonner à cette Revue, sont priées de s'adresser à l'Académie Afghane (Caboul-Afghanistan)

(c) ketabton.com: The Digital Library

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library